کتابخانه جامع
جامعة العلوم
معاونت پژوهش
مرکز جهانی علوم اسلامی
ثبت ۱۳۸۵

مرکز جهانی علوم اسلامی
جمهوری اسلامی ایران ـ قم ـ ۱۳۵۸

مدرسهٔ عالی فقه و معارف اسلامی

نقد و بررسی آداب و رسوم هزاره‌ها از دیدگاه اسلام

برای دریافت درجهٔ کارشناسی ارشد
در رشتهٔ فقه و معارف اسلامی

نگارش؛ ابراهیم حکمتی

استاد راهنما؛ حجّة الاسلام و المسلمین محمّد جواد صالحی

استاد مشاور؛ بصیر احمد دولت آبادی

(خرداد ماه ۱۳۸۵)

دسترسی به این اثر در کتابخانه ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)، از پایگاه اطلاعات علمی ایران (magiran.com) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط ایران است.

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۹۶۷
تاریخ ثبت:

توجه!

▣ مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه به عهده نویسنده است.

▣ هر گونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع، منع قانونی ندارد و نشر آن در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ نشر و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.



دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شمارهٔ ۴۹۵۳۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سپاس

بدون تردید یکی از بزرگترین نعمت‌های عصر ما بیداری مسلمانان و حاکمیت اسلام در سرزمینی اسلامی، به نام ایران است که در اثر تلاش و فداکاری عالمان ربانی و به رهبری خردمندانه حضرت امام خمینی (ره) و نثار صدها هزار جان شریف فرزندان تشیع سرخ علوی به دست آمده است.

حکومت اسلامی برکات فراوان برای جامعه‌ای اسلامی داشته؛ یکی از آن برکات که در برابر آن همه برکات نظام اسلامی اندک است، تأسیس «مرکز جهانی علوم اسلامی» می‌باشد که با هدایت و رهنمود عالم فرزانه و تیز بین، حضرت آیت الله خامنه‌ای به وجود آمده.

بر خود لازم می‌دانم که از رهبر معظّم انقلاب، کمال سپاس و تشکّر را داشته باشم و نیز از ریاست محترم مرکز جهانی علوم اسلامی جناب حجّة الاسلام و المسلمین آقای دکتر اعرافی، مدیریّت مدرسه‌ی عالی فقه و معارف اسلامی حجّة الاسلام و المسلمین استاد مصطفی محامی، برادران دست‌اندرکار امور پایان نامه، استاد گران مایه، جناب حجّة الاسلام و المسلمین آقای دکتر محمّد جواد صالحی (استاد راهنما)، استاد پیشکسوت و نام آشنای کشور جناب آقای استاد بصیر احمد دولت آبادی (استاد مشاور) که هر کدام در طول زمان تدوین پایان نامه، صمیمانه و دلسوزانه راهنمایی و یاری ام نمودند و برادران و دوستان که هر کدام به نحوی مرا در این وجیزه یاری رسانده‌اند، تشکر می‌نمایم.

بی‌انصافی خواهد بود، اگر از کمکها و فداکاریهای همسرم تشکر نکنم؛ او که در تمام دوران تحصیلی‌ام، به ویژه در مدت نگارش پایان نامه بدون منت و چشم داشتی با من همکاری نموده و تند خلقی‌های مرا با صبر و حوصله تحمّل کردند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران، تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اهداء:

پاداش این اثر را که اوّلین کتابت این بنده است، به روح مقدّس و ملکوتی رسول رحمت، خاتم پیامبران، محمّد بن عبدالله (صَلَی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم)، به پیشگاه خاتم اوصیا، حجّت حق، امام عصر (عَجّل الله تَعالی فَرَجَهُ الشَّریف)، به ارواح ملکوتی روح الله، «بنیانگذار عصر ایمان»، امام خمینی (ره)، استاد فرزانه و متفکر شهید مرتضی مطهری و شهدای مظلوم افغانستان به ویژه اسطوره مقاومت «حمزه‌ی انقلاب»[1]، شهید استاد عبدالعلی مزاری که با شهادت مظلومانه‌اش به دست گروه تبهکار و بدنام طالبان حقانیّت راه و هدفش را امضا نمود و پدربزرگم حاج حیدر، که خدای رحمتش کند، تقدیم می‌کنم.

---

۱. برگرفته از مثنوی یحیی جواهری:

حمزه‌ی انقلاب ما او بود　　آخرین انتخاب ما او بود

تبر و باغ گل سرخ، ج ۱، به اهتمام محمّد شریف سعیدی، قم، انتشارات سراج، چ ۱، ۱۳۸۴، ص ۴۸.

چکیده

از دیدگاه یک محقق انسان شناس آداب و رسوم یک ملت و نحوه رفتار روزمره آنان با یکدیگر، قابل توجّه و تأمل است. آداب و رسوم از جمله زیر مجموعه‌های فرهنگ یک جامعه محسوب می‌شود. توسعه و تکامل جامعه وابستگی تام به تعالی فرهنگی آن جامعه دارد، طبعاً تعالی و رشد آداب و رسوم آن جامعه.

این تحقیق که در راستای معرفی و نقد و بررسی آداب و رسوم هزاره‌ها فراهم شده؛ در طی پنج فصل و نتیجه‌گیری این مهم را مورد کاوش قرار داده است.

در فصل اوّل از اهداف تحقیق، ضرورت تحقیق، محدوده‌ی تحقیق، سؤال‌های اصلی و فرعی تحقیق، مفهوم فرهنگ و عناصر آن و جایگاه آداب و رسوم در فرهنگ و نقد و بررسی آداب و رسوم و معیارهای نقد سخن رفته است.

در فصل دوّم سعی شده که هزاره‌ها معرفی شوند و از نژاد، زبان، مذهب، سرزمین، جمعیت، سابقه تاریخی و... هزاره‌ها بحث شده است.

در سه فصل دیگر آداب و رسوم هزاره مورد نقد و کنکاش قرار گرفت. گفتنی است که مراد نویسنده از هزاره مفهوم فرهنگی آن است نه نژادی آن، لذا از آداب و رسوم هزاره‌هایی که پیرو مکتب تشیع سرخ علوی نیستند، سخن به میان نیامده و اقوام غیر هزاره‌ی نژادی، که در بین این مردم بود و باش دارند و فرهنگ یکسان، جزء هزاره به معنای یاد شده به حساب آمده‌اند.

در فصل سوّم آداب و رسوم هزاره‌ها در شادیها و جشن‌ها معرفی و نقد گردیده است. و نیز سرگرمی‌ها و مسابقه‌هایی که هزاره‌ها در ایام شادی شان دارند معرفی شده و ارزیابی گردیده‌اند. در برخی موارد به سابقه‌ی تاریخی بعضی از آداب و رسوم جاری در شادی‌ها به گونه تحقیقی پرداخته شده است، مثل نوروز و چهار شنبه سوری

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط تضمین است.

و...

در فصل چهار به آداب و رسومی که هزاره‌ها در ایام عزاداری و مصیبت انجام می‌دهند اختصاص یافته و آنگاه از دیدگاه اسلام مورد نقد و بررسی قرارگرفته است.

آخرین فصل این تحقیق در راستای معرفی و نقد آداب و رسوم هزاره‌ها در غیر شادی‌ها و مصیبت‌ها بررسی گردیده است. در این فصل از خانواده در جامعه هزاره، ازدواج و طلاق، آموزش هزاره‌ها و نحوه ارتباط اعضای خانواده با یک دیگر، نحوه احوالپرسی و... بحث شده. پس از آن از تمام مباحث مطرح شده در فصل‌های گذشته نتیجه‌گیری شده است.

سعی نویسنده بر آن بوده که تحقیق را با غبار احساسات نیالاید و به دور از عواطف و احساسات، مطالب مندرج در حد توان به‌گونه تحقیقی و علمی بررسی و ساماندهی شود.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدفهای علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست اجمالی مطالب

پیشگفتار - کلیّات

فصل اوّل - مفاهیم

فصل دوّم - هزاره‌ها

فصل سوّم - آداب و رسوم هزاره‌ها در شادی‌ها و جشن‌ها و نقد و بررسی آن.

فصل چهارم - عزاداری‌ها و مصیبت‌های هزاره‌ها و نقد و بررسی آن

فصل پنجم - آداب و رسوم هزاره‌ها در غیر شادی‌ها و عزاداری‌ها و ارزیابی آن

نتیجه‌گیری از مباحث مطرح شده.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست تفصیلی مطالب

پیشگفتار - کلیّات

۱. تعریف مسأله و بیان سؤال‌های اصلی تحقیق ۲
سؤال اصلی: ۲
سؤالات فرعی: ۲
۲. سابقه و ضرورت انجام تحقیق ۳
۳. فرضیه‌ها ۴
۴. هدفها ۴
۵. جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق ۵
۶. روش تحقیق و روش گرد آوری اطلاعات ۵
۷. ساماندهی تحقیق ۵

فصل اوّل - مفاهیم

۱. فرهنگ ۸
مقدمه: ۸

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط بُدنی است.

۱ - ۱. معنای فرهنگ در لغت ۱۰
۲ - ۱. فرهنگ در اصطلاح جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ۱۳
۳ - ۱. عناصر فرهنگ ۱۵
۴ - ۱. جایگاه آداب و رسوم در فرهنگ ۱۶
۲. نقد و بررسی ۱۷
۳. آداب و رسوم ۱۸
۴. معیارهای نقد ۱۹
۱ - ۴. ارزشهای دینی ۲۰
۲ - ۴. عقل ۲۰
۳ - ۴. تجربه زندگی ۲۱

فصل دوّم - هزاره‌ها

۱. مفهوم هزاره ۲۳
۲. پیشینهٔ لفظ هزاره ۲۴
۳. وجه نام هزاره ۲۷
۴. ریشه‌های قومی و نژادی هزاره‌ها ۳۰
۱ - ۴. مغولی بودن هزاره‌ها ۳۳
۲ - ۴. هزاره‌ها، نژاد تبتی ۳۶
۳ - ۴. هزاره‌ها، نژاد ترک و مغولی ۳۶
۴ - ۴. هزاره‌ها، نژاد تاجیک و مغول ۳۷
۵ - ۴. هزاره‌ها، نژاد مختلط ۳۸
۶ - ۴. بومی بودن هزاره‌ها ۴۰

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۵. سابقه تاریخی هزاره‌ها ۴۸
۶. سرزمین هزاره‌ها (موقعیت جغرافیایی) ۵۴
۱ - ۶. افغانستان ۵۴
۲ - ۶. نام‌های هزارستان ۵۵
۳ - ۶. محدودهٔ قبلی هزارستان ۵۷
۴ - ۶. موقعیت جغرافیایی کنونی هزارستان ۶۰
محدودهٔ شرقی ۶۱
محدودهٔ شمالی ۶۱
محدودهٔ جنوبی ۶۱
محدودهٔ غربی ۶۲
۵ - ۶. مساحت قبلی و کنونی هزارستان ۶۲
۷. جمعیت هزاره‌ها ۶۴
۸. زبان هزاره‌ها ۷۳
۹. فرهنگ، آداب و رسوم هزاره‌ها (ریشه و منابع) ۸۰
۱۰. جایگاه هزاره‌ها در افغانستان (رابطه هزاره‌ها با حکومت) ۸۴
۱-۱۰. هزاره‌ها قبل از حکومت عبدالرحمان ۸۴
۲-۱۰. هزاره‌ها و حکومت عبدالرحمان ۸۵
۳-۱۰. هزاره‌ها و حکومت حبیب الله ۸۸
۴-۱۰. هزاره‌ها و حکومت امان الله تا ظاهر شاه ۸۹
۵-۱۰. هزاره‌ها و جنبش مقاومت ۹۱
۶-۱۰. هزاره‌ها در آستانهٔ پیروزی انقلاب ۹۳
۷-۱۰. حزب وحدت نقطه عطفی در حیات سیاسی و اجتماعی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هزاره‌ها ۹۴
۸-۱۰. هزاره‌ها و حکومت مجاهدین و پس از آن ۹۷

فصل سوّم - شادی‌ها و جشن‌های هزاره‌ها و نقد و بررسی آن

۱. اعیاد ملّی و مذهبی ۱۰۰
۱-۱. عید فطر (عید روزه) و نقد و بررسی آن ۱۰۱
۱-۱-۱. ماه دیدن ۱۰۳
۱-۱-۲. دادن زکات فطره به فقرا ۱۰۵
۱-۱-۳. رفتن به قبرستان ۱۰۶
۱-۱-۴. نماز عید فطر ۱۰۷
۱-۱-۵. دادن عیدی به بچه ها ۱۰۹
۱-۱-۶. دلجویی از صاحبان عزا ۱۱۰
۱-۱-۷. عید خوری ۱۱۱
۱-۱-۸. بازی‌ها و تفریحات روز عید ۱۱۳
الف. مسابقه اسبدوانی ۱۱۴
ب. گشتی‌گیری ۱۱۶
ت. نیزه زنی ۱۱۷
ث. توپ بازی ۱۱۹
ج. فوتبال و والیبال ۱۲۱
چ. دیگر بازیها ۱۲۲
ح. خیز یا دویدن ۱۲۲
۱-۲. عید قربان و ارزیابی آن ۱۲۳

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱-۲-۱. ذبح قربانی ۱۲۵
۱-۳. عید غدیر خم و بررسی آن ۱۲۸
۱-۴. سالروز تولد معصومین و نقد و بررسی آن ۱۳۲
الف. ۱۷ ربیع الاول ۱۳۳
ب. ۱۳ رجب ۱۳۴
پ. ۲۷ رجب ۱۳۴
ت. سوّم شعبان ۱۳۵
ث. پانزده شعبان یا عید برات ۱۳۶
۱-۵. نوروز (روز اوّل حمل) و نقد و بررسی آن ۱۳۶
۲. دیگر جشن‌ها و شادیهای هزاره‌ها و نقد آن ۱۴۰
۱-۲. هنجارهای ساختن خانه و نقد آن ۱۴۱
۲-۲. هنجارهای ازدواج - مقدمه ۱۴۳
۱-۲-۲. معیارهای حاکم در ازدواج ۱۴۴
الف. روابط طبقاتی ۱۴۴
نقد و بررسی ۱۴۵
ب. روابط خویشاوندی ۱۴۶
ارزیابی ۱۴۷
پ. روابط اقتصادی ۱۴۷
نقد و بررسی ۱۴۸
ت. روابط منطقه‌ای و ارزیابی آن ۱۴۸
۲-۲-۲. مراحل ازدواج و نقد و بررسی آن ۱۴۹
الف. تقاضای پسر ۱۵۰

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و. تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ب. خواستگاری ۱۵۰
ت. تعیین گله یا مهر حاضر دختر ۱۵۳
نقد و بررسی ۱۵۴
ث. شیرینی خوری (خویشی‌گیری) ۱۵۷
نقد ۱۵۸
ج. پایوازی ۱۵۹
چ. گَلَه‌گیری ۱۵۹
ح. مراسم عروسی و نقد و بررسی آن ۱۶۰
۱ - ح. شب حنا بندان ۱۶۰
۲ - ح. رفتن به دنبال عروس ۱۶۱
۳ - ح. بازی‌های روز عروسی ۱۶۲
۴ - ح. درگه‌گیری یا کور بله آجه ۱۶۲
۵ - ح. آوردن عروس به خانه داماد ۱۶۴
خ. مراسم اجرای عقد ۱۶۵
د. قنچی غه ۱۶۷
ذ. تحت جمعی یا کچه خوری و عروس مبارکی ۱۶۷
۳-۲-۲. بیرون بردن عروس از خانه و نقد آن ۱۶۸
۴-۲-۲. رایخانه و نقد آن ۱۶۹
۳ - ۲. هنجارهای تولّد نوزاد و نقد آن ۱۷۰
الف. مواظبت از مادر و نوزاد ۱۷۰
ب. غسل، اذان و اقامه، تربت سیدالشهدا ۱۷۲
پ. سنبید گرفتن ۱۷۳

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و. تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)؛ از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ت. نام گذاری نوزاد ۱۷۴
ث. عقیقه و ختنه کردن ۱۷۶
ج. سر تراشیدن نوزاد ۱۷۹
۲-۴. هنجارهای پذیرایی از زائر عتبات مقدس و ارزیابی آن ۱۷۹
۲ - ۵. چهارشنبه سوری و ارزیابی آن ۱۸۴
۲ - ۶. عید مرده‌ها و ارزیابی آن ۱۸۷
ارزیابی ۱۸۸

فصل چهارم - عزاداری‌ها و مصیبت‌های هزاره‌ها و نقد و بررسی آن

مقدمه ۱۹۲
۱. هنجارهای مراسم عزاداری دهه اوّل محرم و ارزیابی آن ۱۹۳
۱ - ۱. تعیین روحانی و مُلا ۱۹۶
۱ - ۲. بالا کردن «عَلَم» و کیفیت برگزاری مراسم عزاداری و سینه‌زنی ۱۹۷
۱ - ۳. نذر امام۷ و ارزیابی آن ۲۰۳
۱ - ۴. شب و روز عاشورا و ارزیابی آن ۲۰۷
ارزیابی هنجارهای شب و روز عاشورا ۲۱۲
۱ - ۵. پایین آوردن علم و ختم مراسم عزاداری و ارزیابی آن ۲۱۴
۱ - ۶. بدرقه و اجرت روحانی و ارزیابی آن ۲۱۴
۱ - ۷. نقد و بررسی کلی از هنجارهای دههٔ اول محرّم ۲۱۸
۲. هنجارهای اربعین حسینی و ارزیابی آن ۲۲۶
ارزیابی ۲۲۷
۳. هنجارهای شب‌های قدر و ارزیابی آن ۲۳۱

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۴. سالروز شهادت سایر معصومین: و ارزیابی آن ۲۳۳
الف. سالروز رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شهادت امام رضا علیه السلام ۲۳۴
ب. شهادت حضرت زهرا علیها السلام ۲۳۵
ج. امام صادق و امام کاظم علیهما السلام ۲۳۵
۵. هنجارهای مرگ و میر بستگان و نقد و بررسی آن ۲۳۶
۱ - ۵. هنگام احتضار مرگ و ارزیابی آن ۲۳۷
۲ - ۵. تجهیز میت و نقد آن ۲۴۱
۳ - ۵. قرآن خوانی بالای قبر میّت و نقد آن ۲۴۵
نقد و بررسی ۲۴۶
۴ - ۵. مجلس ختم و ترحیم و ارزیابی آن ۲۴۹
ارزیابی ۲۵۰
۵ - ۵. سه بیگاهی و نقد آن ۲۵۱
۶ - ۵. ختم قرآن شبهای جمعه و بررسی آن ۲۵۱
بررسی ۲۵۲
۷ - ۵. مراسم چهلمین روز میّت و بررسی آن ۲۵۳

فصل پنجم - آداب و رسوم هزاره‌ها در غیر شادیها و نقد آن

مقدمه ۲۵۸
۱. ازدواج و ارزیابی آن ۲۵۹
۱ - ۱. تعدد زوجات و ارزیابی آن ۲۶۲
نقد و بررسی ۲۶۶
۲ - ۱. ازدواج موقّت و ارزیابی آن ۲۶۸

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ارزیابی ۲۷۰
۲. طلاق و ارزیابی آن ۲۷۳
ارزیابی ۲۷۵
۳. نحوه آموزش هزاره‌ها و نقد آن ۲۷۷
ارزیابی ۲۸۰
۴ - جامه و پوشش هزاره‌ها و ارزیابی آن ۲۸۱
نقد و بررسی ۲۸۴
۵ - خوراکی‌ها و آداب آن و نقد ۲۸۶
نقد و بررسی ۲۹۰
۶. نحوهٔ احوالپرسی هزاره‌ها و نقد آن ۲۹۱
نقد و بررسی ۲۹۳
۷. نحوه ارتباط اعضای خانواده و ارزیابی آن ۲۹۸
۱ - ۷. پدر / مرد ۲۹۹
۲ - ۷. زن / مادر ۳۰۰
۳ - ۷. فرزندان ۳۰۳
۸. جمعه خوانی و پنج شنبه خوانی و ارزیابی آن ۳۰۵
ارزیابی ۳۰۸
۹. پیر و مرید و نقد آن ۳۰۹
نقد و بررسی ۳۱۱
۱۰. نتیجه گیری ۳۱۵
منابع تحقیق ۳۲۲
الف. عربی ۳۲۲

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ب. فارسی ۳۲۴
ت. مجلات ۳۳۱
ث. گفتگو و مصاحبه ۳۳۱



دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پیشگفتار

کلیات

- تعریف مسأله
- سابقه و ضرورت تحقیق
- فرضیه‌ها
- هدف‌ها
- نوآوری تحقیق
- روش تحقیق و روش گرد آوری اطلاعات
- ساماندهی تحقیق

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۳۹۵۹۲۶/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱. تعریف مسأله و بیان سؤال‌های اصلی تحقیق

بدون تردید هر ملّتی و قومی از خود آداب و رسومی دارند که در شادی‌ها و مصیبت‌ها و عزاداری‌ها، در روابط متقابل بین شان تبارز یافته است. و در بین آن ملت محترم و دارای ارزش است و پشتوانه اجتماعی - فرهنگی و مذهبی دارد.

هزاره‌ها به عنوان یکی از اقوام بزرگ ساکن در افغانستان از این قاعده مستثنا نبوده و دارای آداب و رسومی مخصوص به خود است.

سؤال اصلی:

آداب و رسومی که هزاره‌ها دارند مطابق با موازین اسلام است یا در تضاد با آن؟

سؤالات فرعی:

۱. هزاره‌ها در شادی‌ها و جشن‌ها چه آداب و رسومی دارند؟
۲. این آداب با اسلام در تضاد است یا موافق؟
۳. در عزاداری‌های هزاره‌ها چه آداب و رسومی وجود دارد؟
۴. آیا این آداب و رسوم از نظر اسلام مورد تأیید است؟
۵. غیر از عزاداری‌ها و جشن‌ها هزاره‌ها چه آداب و رسوم دیگری دارند؟

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۶. این رسوم از نظر اسلام مورد تأیید است؟

۲. سابقه و ضرورت انجام تحقیق

تا جایی که نگارنده تحقیق کرده این بحث به صورت تحقیقی مجزا مورد کاوش قرار نگرفته است. جز دو سه اثر که سابقه آن به دو دهه قبل بر می‌گردد و آن هم تحت عنوان نقد و بررسی آداب و رسوم بحث نشده. فقط در ضمن مباحث تاریخی و فرهنگی هزاره‌ها مورد پژوهش قرار گرفته است. کسانی که جسته و گریخته در ضمن مباحث مربوط به هزاره‌ها از آداب و رسوم آنان به صورت پراکنده بحث کرده‌اند، افراد ذیل را می‌توان نام برد:

الف. حسن پولادی: وی کتابی دارد به نام «هزاره‌ها»، دارای ۶۳۶ صفحه، اندازه رقعی. این کتاب به وسیله علی عالمی کرمانی از انگلیسی به فارسی برگردان شده است. سال ۱۳۸۰ در تهران به سعی ابراهیم شریعتی به چاپ سپرده شد. حدود سی صفحه پیرامون ازدواج، متعه، طلاق، عزاداری‌های هزاره‌ها، شادی‌های هزاره‌ها، روابط شخصی اعضای خانواده به صورت پراکنده و مختصر بحث گردیده است.

ب. سید عسکر موسوی: «هزاره‌های افغانستان» کتابی است که به وسیله عسکر موسوی تحریر شده و آقای اسدالله شفایی آن را به فارسی برگردان نموده و سال ۱۳۷۹ در تهران به وسیله انتشارات نقش سیمرغ به چاپ رسید. در این کتاب در مورد نژاد هزاره‌ها، سابقه تاریخی هزاره‌ها و روابط هزاره‌ها با حکومت و... مباحث جالب و خواندنی نوشته شده، ولی در مورد آداب و رسوم هزاره‌ها به صورت پراکنده و مختصر از خانواده در جامعه هزاره و ازدواج سخن به میان آمده است.

پ. سید محمد حسن فرهنگ نیز در کتاب «جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان» به صورت گذرا از برخی آداب و رسوم هزاره‌ها مثل جمعه خوانی و... بحث کرده است. مباحث ایشان بیشتر برگرفته از کتاب انجینر علیداد لعلی، «سیری در هزاره‌جات» است.

ت. علیداد لعلی: آقای لعلی کتابی دارد به نام «سیری در هزاره جات»، وی مباحث تاریخی، فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی هزاره‌ها را مورد کاوش قرار داده است؛ با اینکه بیشترین حجم این کتاب مربوط به فرهنگ و آداب و رسوم هزاره‌ها است، ولی مباحث آن بسیار نامنظم و مختصر است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شادی‌ها و عزاداری‌های هزاره‌ها در سیری در هزاره‌جات بحث گردیده، ولی بسیار مختصر و نامنظم.

کتاب یاد شده در سال ۱۳۷۲ به سعی مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان و به وسیله صحافی احسانی به چاپ سپرده و نشر شد.

در برخی از شماره‌های فصلنامه در دری و هفته نامه حزب وحدت اسلامی افغانستان (چاپ قم) و ماهنامهٔ حبل الله و برخی جراید دیگر نیز به صورت اندک از آداب و رسوم هزاره‌ها بحث گردیده است.

تمام نویسندگان یاد شده که کم و بیش از آداب و رسوم هزاره‌ها بحث کرده‌اند، هیچ گاه این آداب و رسوم را عرضه به اسلام و مقایسه با آن نکرده‌اند که آیا این آداب مطابق دستور اسلام است؟ کاری که ما در این رساله انجام داده‌ایم، اولاً آداب و رسوم هزاره‌ها را به فصل‌های مستقل تقسیم و تنظیم نموده‌ایم. ثانیاً به صورت تفصیلی و تحلیلی به آن پرداختیم. ثالثاً این آداب و رسوم را از دیدگاه اسلام مورد تحلیل و توجه قرار دادیم، کاری که در هیچ اثری و کتابی، مربوط به هزاره‌ها، دیده نشده است.

فرهنگ و آداب و رسومی که مورد نقد قرار نگیرد انتظار شکوفایی نباید داشت. برای شکوفایی فرهنگ مردم‌مان نیاز مبرم وجود دارد که به صورت جدّی غربال شده و مورد نقادی قرار بگیرد.

۳. فرضیه‌ها

از آنجایی که هزاره پیوند عمیق با اسلام و تشیع دارد رویکرد غالب آداب و رسوم آنان سنّتی - مذهبی است. به نظر می‌آید که اغلب آداب و رسوم این مردم ریشه در عنعنات سنّتی - مذهبی داشته و با تکیه به عرصه‌های معارف اسلامی تبارز یافته و به تناسب شرایط اجتماعی به مرور زمان به وجود آمده است.

٤. هدفها

در افغانستان تشیع با هزاره هم زاد است از تشیع هزاره متبادر است و از هزاره تشیع، گرچه اقوامی دیگر نیز مستبصر به مذهب تشیع‌اند مثل بلوچ‌ها، خلیلی‌ها و ... تشیع در افغانستان و خارج از آن با دید اقلیت نگاه می‌شود. طبعاً آداب و رسوم آن مورد توجّه نبوده است چه بسا نگاه بد بینانه به آن باشد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سعی خواهد شد به دور از تعصب‌های نژادی - قومی به عنوان یک مسلمان با نگاه تحقیقی آداب و رسوم این مردم را معرفی کنم و با رویکرد اسلامی آن را مورد نقد و باز بینی قرار دهم. و سهمی در پویایی اجتماعی و فرهنگی این کتله قومی در افغانستان داشته باشم.

۵. جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق

طرح این بحث به عنوان نقد آداب و رسوم هزاره‌ها از دیدگاه اسلام، طرح جدید است. مطالعات که در این مورد انجام شده، نشان می‌دهد که نگاه به آداب هزاره‌ها با این رویکرد کاملاً جدید و بی سابقه می‌نماید.

هر چند که در دو دهه اخیر جسته و گریخته سخن از آداب هزاره‌ها به میان آمده، ولی با این رویکرد نبوده است. هیچ گاه این آداب با معارف اسلام مقایسه نگردیده است، امّا در این وجیزه آداب و رسوم هزاره‌ها در مقایسه با اسلام مورد بررسی قرار داده شده است و این موضوع کاری است کاملاً جدید و نو و بی سابقه.

۶. روش تحقیق و روش گرد آوری اطلاعات

روش تحقیق توصیفی و تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات به دو گونه صورت می‌گیرد:

۱. کتابخانه‌ای: از کتابها و مجلات و روزنامه‌ها و هفته نامه‌ها و فصل نامه‌هایی که ارتباط به موضوع دارد استفاده می‌شود.

۲. میدانی: سعی می‌گردد با هزاره‌های مهاجری که در ایران و در نقاط مختلف افغانستان زندگی می‌کرده‌اند و اکنون در جمهوری اسلامی ایران مهاجرند، مصاحبه شود و از نظرات خبرگان در آداب و رسوم هزاره‌ها بهره خواهم برد.

۷. ساماندهی تحقیق

این رساله در یک پیشگفتار و پنج فصل ساماندهی گردیده است. در پیشگفتار، کلیات رساله

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آمده است. فصل اول اختصاص به مفاهیم کلیدی رساله داشته، مفاهیمی چون: فرهنگ، نقد و بررسی آداب و رسوم، معیارهای نقد، مثل ارزش‌های دینی، عقل و تجربه زندگی، تحقیق گردیده.

در فصل دوم، هزاره به صورت مفصّل معرفی شده است. مباحث مربوط به آنان در حد توان بررسی گردیده، به طوری که با خواندن این فصل، خواننده آشنایی درست به مفهوم لفظ هزاره و پیشنه آن، نژاد هزاره‌ها، سرزمین هزاره‌ها، جمعیت هزاره‌ها، زبان هزاره‌ها، مذهب هزاره‌ها و رابطه هزاره‌ها با حکومت پیدا می‌کند.

در فصل سوم از جشن‌ها و شادی‌های هزاره‌ها بحث گردیده است و مورد بررسی از دیدگاه اسلام قرارگرفته. هزاره‌ها علاوه بر جشن‌ها، عزاداری‌های مذهبی و مرگ و میر دارند، که به مرور زمان به وجود آمده است و هنگام برپایی آن، آداب و رسومی دارند، این موضوع در فصل چهارم بررسی شده است.

آداب و رسوم هزاره‌ها در غیر شادی‌ها و جشن‌ها و عزاداری‌ها و مرگ و میر بستگان، مثل ازدواج، طلاق، نحوه خورش غذا، نحوه پوشش جامه، نحوه احوالپرسی، پیر و مرید و... در فصل پنجم مورد تحقیق قرارگرفته است و درستی و نادرستی آن آداب از دیدگاه اسلام بررسی گریده. پس از آن به نتیجه‌گیری رساله پرداخته شده است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل اوّل

مفاهیم

- فرهنگ و عناصر آن
- نقد و بررسی
- آداب و رسوم
- معیارهای نقد

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج)، در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱. فرهنگ

مقدمه:

به فضل و دانش و فرهنگ و گفتار تویی در هر دو عالم گشته مختاره[۱]

«ناصر خسرو بلخی»

انسان تنها حیوانی است که فرهنگ را آفریده و آن را نسل اندر نسل غنی‌تر ساخته، تجارب نسل‌ها را درگشایش راز جهان و غلبه بر عامل نامساعد طبیعت و بهره‌گیری هر چه بیشتر از آن مورد التفاد قرار داده، و زندگی را غنا بخشیده است.

فرهنگ پدیده انسانی است، جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که بدون فرهنگ باشد، در عرف توده مردم چه بسا جامعه را به با فرهنگ و بی فرهنگ تقسیم کند و بگوید فلان جامعه بافرهنگ است و جامعه دیگر بی فرهنگ و این دیدگاه از منظر جامعه شناسان مورد قبول نیست.[۲]

از آن جا که فرهنگ رهاورد انسانی و ملاک تمایز انسان از حیوان محسوب می‌شود، جامعه بدون فرهنگ نمی‌توان یافت. فرهنگ تعیین کننده رفتار و کردار انسان است و روابط انسانی بین افراد و

---

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۷۷، ج ۱۱، حرف ف.

۲ . بروس کوئین، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس: عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، چ ۱۴، ص ۵۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جوامع بر اساس فرهنگ تنظیم و طبق فرهنگ عمل می‌شود، روابط بین افراد جامعه‌ای با جامعه‌ی دیگر تفاوت دارد، این تفاوت‌های رفتاری به خاطر اختلاف در فرهنگ است؛ مثلاً تغذیه یک ضرورت برای حیات انسان به شمار می‌رود، انسان در صورتی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد که تغذیه شود؛ اما کیفیت تغذیه بر اساس فرهنگ تعیین می‌شود، فرهنگ می‌آموزد که در شبانه روز چند بار غذا بخورد و چه بخورد و غذا خوردن چه آداب و رسومی دارد؛ در جامعه‌ای در شبانه روز سه بار وعده غذایی دارد در جامعه دیگر دوبار، در یک جامعه قبل از غذا و بعد از غذا دست‌ها را می‌شویند و صرف غذا بدون دست شستن را زشت می‌داند و در جامعه‌ای دیگر بر عکس شستن دست‌ها را قبل از غذا و بعد از غذا، نشانه عقب ماندگی می‌داند.

در جوامعی عقرب از بهترین غذاها به حساب می‌آید (چین) و آن را با کیفیت خاص بین روغن سرخ می‌کنند و می‌خورند و در جوامع دیگر خوردن عقرب را کریه و ناپسند می‌دانند. آب گوشت در جامعه‌ای از بهترین وعده‌های غذایی است و در جامعه‌ای دیگر آب گوشت اصلاً در لیست غذایی روزانه وجود ندارد. در جامعه‌ای با دست غذا می‌خورد و در جامعه‌ای دیگر با قاشق، در جامعه‌ای با قاشق‌های چوبی غذا صرف می‌کند و در جامعه‌ای دیگر با قاشق‌های استیل یا پلاستیکی و... در بین مردم این طور مرسوم است که قبل از غذا باید چای صرف کند. در بین مردمی دیگر بعد از غذا چای صرف نمی‌کند.

آدمی از زمانی که از مادر متولد می‌شود و پا به این دنیا می‌گذارد به تدریج فرهنگ محیط خود را می‌آموزد، که با پدر و مادر و سایر اطرافیان خود چگونه رفتار کند و فرهنگ ارتباط را در مرور زمان که رشد می‌کند و بزرگ می‌شود به جامعه راه پیدا می‌کند و تنظیم و تعیین می‌کند البته نه در حد اجبار، حالت اختیار و کسب وجود دارد.

نقش فرهنگ در زندگی روزمره در خور تأمل است. تغییر و تحول آن گاه نصیب جامعه می‌شود که فرهنگ آن جامعه دچار تحول شود. جامعه‌ای متعالی است که بهره‌مند از فرهنگ متعالی باشد. غنای فرهنگی است که جامعه را در تقابل با فرهنگ‌هایی که بر خوردار از غنا نیست حفظ می‌کند. تاریخ گواهی می‌دهد که ملت‌های از نظر نظامی و سیاسی مغلوب شده در جنگ و مبارزه توان مقابله را از دست داده، اما چون بهره‌مند از غنای فرهنگی بوده، قوم غالب در فرهنگ قوم مغلوب حل شده

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

است.

بنابر یک دید افراطی، فرهنگ را تمام بین مایه کنش‌های اجتماعی می‌دانند و فرهنگ را تعیین کننده رفتار افراد و برای انسان‌ها نقش انفعالی قائلند. این گونه جبرگرایی نشان‌گر این نظر است که موقعیت‌ها بر زندگی ما تأثیر تعیین کننده‌ای دارند. و آدمها به جای آن که کنشگر باشند بیشتر واکنشگرند.

دیدگاه فوق، این واقعیت را ندیده می‌گیرد که هم فرهنگ‌ها و هم شرایط خود شان آفریده انسان هایند و آدم‌ها پیوسته در صدد شکل بخشیدن و تعدیل فرهنگ و شرایط به شیوه‌های گوناگون است.(۱)

از آن جاکه فرهنگ اکتسابی است نقش فرهنگ در زندگی مهم است ولی هیچ گاه اختیار را از انسان سلب نمی‌کند، انسان با توجّه به شرایط بااراده و اختیار خود فرهنگ را می‌آموزد و در زندگی روزمره‌اش مورد بهره قرار می‌دهد، و در روابط سیاسی و اجتماعی و خانوادگی فرد با افراد تأثیر می‌گذارد. این انسان است که فرهنگ را به وجود می‌آورد و خلق می‌کند و در گذر زمان به وسیله نمادها، نشانه‌ها و علامت‌ها از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود، فرهنگ مخلوق انسان است نه مجبر انسان، لذا فرهنگ در تکوین شخصیت فرد مهم بوده ولی به عنوان عامل قاهرکه قدرت اختیار را از انسان سلب کند، نیست.

۱ - ۱. معنای فرهنگ در لغت

کلمه فرهنگ از کلماتی است که کاربرد زیاد در روزنامه‌ها و مجلات و کتاب‌ها دارد. در بدو نظر این می‌نماید که معنای آن روشن باشد ولی با اندکی تأمل در مفهوم آن در می‌یابیم که معنا و مفهوم آن خیلی واضح نیست و نیازمند مراجعه به کتاب لغت و منابعی که آن مفهوم را به دقت معنا کرده است، هستیم.

علی اکبر دهخدا در مورد معنای لغت فرهنگ چنین می‌نگارد:

«فرهنگ از فر (پیشوند) + هنگ از ریشه ثنگ اوستایی به معنای کشیدن و فرهیختن و فرهنگ، هر دو

---

۱ . دانیل بتیس وفرپلاگ، انسان‌شناسی عمری، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی. چ ۱، ۱۳۷۵، ص ۴۱۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مطابق است با Educat (اجوکی ت)، Edure (ادوره) در لاتینی که به معنای کشیدن و نیز به معنای تعلیم و تربیت است.»[۱]

دهخدا معانی دیگری نیز برای آن می‌شمارد: ۱. آموزش و پرورش ۲. کتاب لغت فارسی ۳. کاریز آب - دهن فرهنگ جایی را گویند که از کاریز، آب روی زمین می‌آید، بزرگی و سنجیدگی.[۲]

در «برهان قاطع» به علاوه آن معانی که از دهخدا نقل شد، معانی دیگری نیز برای فرهنگ ذکر نموده است:

«شاخ درختی را نیز [فرهنگ] گویند که در زمین خوابانیده و از جای دیگر سر برآورد.»[۳]

در «فرهنگ بزرگ سخن» این معانی ذیل دیده می‌شود:

۱. پدیده کلی پیچیده از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است.

۲. کتابی که واژه‌های یک زبان را همراه با معنای آنها به همان زبان یا واژه‌های یک زبان را به زبان دیگر، معمولاً به ترتیب الفبایی نقل می‌کند و معمولاً آگاهی‌هایی درباره تلفظ، هویت دستور، ریشه کلمه و جزء آن‌ها به خواننده می‌دهد.

۳. کتابی که در آن واژه‌های مربوط به رشته‌ای از دانش یا موضوع خاصی جمع شده باشد.

۴. مجموعه‌ای از آگاهی‌های فردی درباره هنر، ادبیات، علم، سیاست و مانند آن‌ها که کسی برای ارتقای فکری و تربیتی خود می‌آموزد.

۵. ادب، شعور، یا تربیت اجتماعی (در گفتگو).

۶. آموزش و پرورش.

۷. علم و معرفت.

۸. عقل و خرد.

۹. تدبیر و چاره.

---

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، پیشین، ذیل کلمه فرهنگ.

۲. همان مدرک.

۳. محمّد حسین تبریزی، برهان قاطع، به اهتمام محمّد معین، تهران، مؤسسه امیر کبیر، بی تا، ۱۳۶۱، ذیل کلمهٔ فرهنگ.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مولوی:

بر آن بودم کـه فـرهنگی بـه جـویم که آن مه رو نهد رویی به رویـم[۱]

«مفهوم فرهنگ در فرهنگ غرب مثل بسیاری از مفاهیم دیگر ریشه‌ای مذهبی دارد و از واژه [Culteکلتو] به معنای پرستش گرفته شده و پس از آن معادل [Cultureکالچر] از مصدر Cultivate به معنای کاشتن به کار رفته است. تا قرن هجدهم در همان معنای اصلی آن یعنی کاشتن و پرورش دادن به کار می‌رفت و کم‌کم به پرورش فکر اختصاص یافت... در عصر روشنگری به عنوان وجه ممیزه‌ی انسان و حیوان و طبیعت کاربستی وسیع در ادبیات این دوره پیدا کرد.» [۲]

داریوش آشوری در مورد سیر تاریخی مفهوم کالچر (= فرهنگ) چنین می‌نگارد:

«تاریخ مفهوم Culture ([کالچر] = فرهنگ) چنانکه امروزه در علم به کار می‌رود، داستان پدید آمدن یک مفهوم تازه است از میان معناهای نهفته گوناگون یک واژه‌ی موجود که اندک اندک از آن بیرون تروایده است. واژه‌ی Culture از زبان کلاسیک و شاید زبان پیش از کلاسیک لاتین ریشه می‌گیرد و به معنای کشت و کار و یا پرورش بوده است... واژه‌ی کالچر در مورد جامعه‌های بشری از حدود سال ۱۷۵۰ م. نخستین بار در زبان آلمانی به این معنا (کشت و کار) به کار رفته است.» [۳]

اصطلاح کالچر از آغاز اندیشه بهگشت و پیشرفت به سوی کمال را در برداشته‌اند و هنوز نیز این معنا را، چه درکاربرد عامیانه و چه دانشورانه نگه داشته است. اما در نیمه‌ی قرن نوزدهم واژه‌ی فرهنگ - گاه همراه با واژه‌ی تمدن - معنای علمی تازه و خاصی به خود گرفت.[۴]

آداب و رسوم آن مفهوم علمی است که از بطن آن مفهوم علمی «فرهنگ» پدیدار گشته است. آقای «آدلونگ» و «هِردِر» در آلمان پیشروان کاربرد مفهوم فرهنگ به جای آداب و رسوم بودند. هردر فرهنگ را پرورش هر چه بیشتر توانمندی‌های انسانی تعریف می‌کند و آدلونگ ادب آموزی و پیرایش... جنبشی که با آدلونگ و هردر به راه افتاد نیم قرن بعد با «کلیم» ادامه یافت. [۵]

---

۱ . حسین انوری و جمعی، فرهنگ بزرگ سخن، ذیل کلمه فرهنگ اقتباس (ج ۶).

۲ . احمد نقیب زاد، در آمد بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، انتشارات سمت، چ ۱، ۱۳۸۱، ص ۷۰.

۳ . داریوش آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران، نشر آگاه، چ ۲، ۱۳۸۱، ص ۳۵.

۴ . داریوش آشوری، پیشین، ص ۳۶، اقتباس. ۵ . همان، ص ۳۸، اقتباس.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲ - ۱. فرهنگ در اصطلاح جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی

تعریف‌هایی که انسان شناسان و جامعه شناسان از فرهنگ کرده‌اند متعدد است و با توجّه به عناصر تشکیل دهنده فرهنگ ارائه شده است. داریوش آشوری در کتاب پر ارج خود تا ۹۳ تعریف فرهنگ را از اندیشمندان انسان شناس و جامعه شناس نقل می‌کند.(۱)

تعریف‌های ارائه شده تحت تأثیر تعریفی است که سرادوارد تایلور (۱۹۷ - ۱۸۳۲) انسان شناس انگلیسی قرن نوزدهم از فرهنگ نموده است. ما برای تبیین بیشتر مفهوم فرهنگ نمونه‌هایی از تعاریف بیان شده را با توجّه به عناصر تشکیل دهنده آن از کتاب یاد شده به گونه‌ای مختصر نقل می‌کنیم:

الف. تعریف‌های وصفگرانه:

۱. تایلور: فرهنگ یا تمدّن ... کلیّت در هم تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هر گونه توانایی و عادتی که آدمی همچون همونده‌ی از جامعه به دست می‌آورد.

۲. ویسلر، ۱۹۲۰ Wissler: تمامی کرد و کارهای اجتماعی به گسترده‌ترین معنای آن مانند زبان، زناشویی، نظام مالکیت، ادب و آداب، صناعت و هنر و جز آنها و...

۳. هیلر Hiller، ۱۹۳۳: باورها، نظام‌های فکری، فنون علمی، راه و روش‌های زندگی، رسم‌ها، سنّت‌ها و تمامی شیوه‌های کردار که جامعه بدان سازمان می‌بخشد، فرهنگ نامیده می‌شود.

۴. هرسکوریتس Herskorits، ۱۹۴۸: فرهنگ اساساً بنایی است بیانگر تمام باورها، رفتارها، دانش‌ها، ارزش‌ها و خواسته‌هایی که شیوه‌های زندگی هر ملت را باز می‌نماید... و سرانجام عبارت است از هر آن چه یک ملت دارد، از هر کاری که می‌کند و هر آن چه که می‌اندیشد.

---

۱. همان، صص ۷۱ - ۴۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ب. تعریف‌های تاریخی - تکیه بر میراث اجتماعی:

۱. ساپیر Sapir، ۱۹۲۱: فرهنگ یعنی مجموعه‌ی همبسته‌ای از کردارها و باورها که از راه جامعه به ارث رسیده و بافت زندگی ما را می‌سازد.

۲. مایرس Myres، ۱۹۲۷: فرهنگ آن چیزی است که از گذشته‌ی آدمیان بازمانده است در اکنون ایشان عمل می‌کند و آینده شان را شکل می‌دهد.

پ. تعریف‌های هنجاری - تکیه بر قاعده و روش:

۱. یانگ Young، ۱۹۳۴: اصطلاح کلّی برای راه و رسم‌های همگانی و پذیرفته‌ای، اندیشه و عمل فرهنگ است.

۲. وسیر، ۱۹۲۹: شیوه زندگانی که یک باهمستان یا قبیله از آن پیروی می‌کند فرهنگ نامیده می‌شود.

۳. لیند، ۱۹۴۰، Lynd: (فرهنگ) همه کارهایی که مردم ساکن یک حوزه‌ی مشترک جغرافیایی می‌کنند (از جمله) راه و روش انجام کارها، راه و روش اندیشیدن و احساس درباره‌ی چیزها، و نیز ابزارهای مادی و ارزشها و نمادهای آنان (است.)

ت. تعریف‌های روانشناختی - تکیه بر حل مسائل وسیله ساز واری:

۱. داوسُن Dawson، ۱۹۲۸: فرهنگ راه و روش مشترک زندگی است (یعنی عامل) سازواری ویژه‌ی انسان با محیط طبیعی و نیازهای اقتصادی خود.

۲. یانگ ۱۹۴۲: فرهنگ، ترکیبیست از انگاره‌ها، نگره‌ها، عادتهای مشترک و کما بیش یکسان شده‌ای که در جهت (برآوردن) نیازهای بازگردنده و همیشگی آدمی پرورانده شده است.

ث. تعریف‌های ساختی - تکیه بر الگوسازی:

۱. ویلی Willey، ۱۹۲۹: فرهنگ سیستمی است از الگوهای عادتی پاسخگویی که با یکدیگر همبسته و هم پشت اند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲. لینتن ۱۹۴۵: فرهنگ پیکره‌ای است از رفتارهای آموخته و نتیجه‌های رفتار که عناصر سازای آن میان همونداں یک جامعه‌ی خاص، مشترک است و از راه آن فراداده می‌شود.

ج. تعریف‌های تکوینی - تکیه بر فرهنگ به عنوان یک فراورده:

۱. گروز Groves، ۱۹۲۸: فراورده همیود بشری است.

۲. فالسم Folsom، ۱۹۳۱: فرهنگ هیچ بخشی از آدمی یا ساز برگ زاده شده یا او نیست، بلکه مجموع همه‌ی چیزهایی است که انسان تولید کرده است: ابزارها، نمادها، بیشتر سازمان‌ها کرد کارهایی همگانی دید، دید و برداشت‌ها، باورها. و آن شامل فراورده‌های مادی و غیر مادی است و هر آن چیزی ست که از نسلی به نسلی می‌رسد نه آن که یک نسل (به تنهایی) برای خود به دست آورده باشد. سخن کوتاه، فرهنگ، همان تمدّن **(Civilization)** است.[۱]

تعریف هایی که ذکر شد هرکدام به جنبه‌ای از فرهنگ و عنصری از آن توجّه دارد.

۳ - ۱. عناصر فرهنگ

«عنصر فرهنگی به کوچکترین واحد فرهنگی اطلاق می‌شود که ممکن است یک عبادت، شیء، حرکت یا نماد باشد.»[۲] **عنصر فرهنگی از یک جز یا بخشی که به بخشهای دیگر تقسیم‌پذیر نیست تشکیل شده است.** برخی عناصر فرهنگی ساده است. مثل انگشتر، قیچی، عصا، عناصر دیگری است که نمونه‌ای از رفتار است. مانند: دست دادن، سلام کردن، نماز گزاردن واموری از این قبیل. مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی مجموعه‌ی فرهنگی را تشکیل می‌دهد. در هر فرهنگ دو زمینه‌ی جدا از هم وجود دارد: یک فرهنگ مادی و دوّم فرهنگ غیر مادی یا معنوی. هرکدام این دوگزاره از دید جامعه شناسان تعریف خاص دارد؛ و معیار مشخص برای شناخت فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی وجود دارد. و در ذیل ما تعریف فرهنگ مادی و معنوی را می‌آوریم:

«فرهنگ مادی آن بخش از عناصر فرهنگی را در بر می‌گیرد که قابل لمس و اندازه‌گیری و ارزیابی و

---

۱. داریوش آشوری، پیشین، ص ۶۶ - ۴۷.

۲. بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، پیشین، ص ۶۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مقایسه است. اشیای مادی، ابزار کار و وسایل صنعتی، کشاورزی، عکاسی، موسیقی و لوازم خانه، که در زندگی روزمره کاربرد دارد... و به طور کلی آن چه از فرهنگ که جنبه‌ی کمی دارد جز فرهنگ به شمار می‌رود. فرهنگ معنوی مشتمل بر موضوعاتی است که جنبه‌ی کیفی دارد (نه کمّی). قابل مقایسه و اندازه‌گیری نیست، به علاوه معیار ثابتی برای اندازه‌گیری آن وجود ندارد. می‌توان گفت آن چه را که مادی نیست فرهنگ معنوی می‌گویند. آثار ادبی، هنری، فکری، آداب و رسوم، سنّت‌ها، اخلاقیات، معتقدات، باورها، آموزش و پرورش و به طور کلی سرمایه‌ی معنوی یک جامعه، جز فرهنگ معنوی جامعه به شمار می‌رود.»[۱]

گفته آمد که به کوچکترین بخش فرهنگ، عنصر فرهنگی گفته می‌شود. و از طرفی هر فرهنگ دو جنبه‌ی جدا از هم دارد، فرهنگ معنوی و مادی؛ می‌توان گفت که عنصر فرهنگی هم گاه مادی است و گاه معنوی. انگشتر، قیچی و... عنصر مادی فرهنگ است. دست دادن، سلام کردن و نماز گزاریدن و اموری از این قبیل دست عناصر فرهنگ معنوی است.[۲]

بنابراین عناصر فرهنگی عبارت از امور ذیل است:

الف. عقاید. مثل اعتقاد به خداوند، نبوت، امامت، وجوب، نماز، روزه و...

ب. ارزشها نیز دیگر عناصر فرهنگی است مثل احترام کوچکترها به بزرگترها و...

ج. هنجارها. مثل گرامیداشت مراسم چهلم برای متوفی و مراسم از این دست.

د. سمبل‌ها.

٤ - ۱. جایگاه آداب و رسوم در فرهنگ

هر فرهنگی به طور کلی دو جنبه دارد - پیش از این بیان شد - جنبه‌ی مادی و جنبه‌ی معنوی جامعه شناسان از اوّل به «فرهنگ مادی» و از دوّم به «فرهنگ معنوی» یا غیر مادی تعبیر می‌کنند. آداب و رسوم را می‌توان در جنبه‌ی معنوی فرهنگ جای داد.[۳]

---

۱. منصور وثوقی، علی اکبر نیک خلق، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، نشر بهینه، چ ۳، ۱۳۷۹، ص ۱۶۳-۱۶۲.

۲. بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، پیشین، ص ۷۵.

۳. منصور وثوقی، نیک خلق، مبانی جامعه‌شناسی، پیشین، ص ۱۶۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بین فرهنگ معنوی و مادی کنش‌های متقابل وجود دارد؛ به یکدیگر تأثیر دو جانبه دارد. تغییر یکی موجب دگرگونی دیگری می‌شود. بعضی از جامعه شناسان عقیده دارند که دگرگونی از اشیا مادی و ابزار آغاز می‌شود و بر عکس عده‌ای بر این باورند که این دگرگونی از فرهنگ معنوی می آغازد.

بدون تردید کنش و رفتار آدمی است که ابزار و وسایل مورد نیاز روزمره زندگی خویش را به وجود می‌آورد، این کنش مبتنی بر باورها و معتقدات است که در فرد وجود دارد. اندیشه و باور تعیین کننده‌ی رفتار آدمی است، رفتار نشأت گرفته از بینش گفته شده که از دید جامعه شناسان سنّت‌ها، باورها و آداب و رسوم جنبه ی معنوی فرهنگ است و بناءً با توجّه به این که کنش مبتنی بر بینش است و باورها؛ نقش آداب و رسوم در فرهنگ روشن است. معلوم می‌گردد که آداب و رسوم نقش انفعالی در فرهنگ ندارد. نقش آن در فرهنگ، این فرزند میمون و مبارک انسان، مهم است و اساسی.

۲. نقد و بررسی

«نقد» کلمه عربی است، ولی در زبان پارسی رایج. در زبان عربی به معانی ابرازشی است. از همین باب است «**نقد الدرهم و ذلک أن یکشف عن حاله فی جودته او غیر ذلک؛نقد درهم یعنی اینکه معلوم شود این درهم خوب است بود.**»[۱]

در المعجم الوسیط نیز نقد به معنای آزمایش نمودن شی و در نتیجه تشخیص دادن خوب از بد آمده.[۲] نقد در بیع خلاف نسیه است؛ اگر جنسی به خریدار فروخته شود، خریدار هم قیمت آن جنس را فوراً به فروشنده بدهد، این معامله نقد است، ولی در صورت خریدار جنس را از فروشنده بگیرد، قیمت آن را فوراً ندهد بعد از مدتی قیمت را پرداخت کند این معامله نسیه در برابر نقد است.

در اصطلاح «نقد نظر کردن در شعر و سخن و تمییز دادن خوب آن از بدش»[۳] است. «مطلبی که به هدف تجزیه و تحلیل یک موضوع و نشان دادن محاسن و معایب آن به رشته تحریر کشیده شود»[۴]

---

۱. احمد بن فارس، معجم مقایس اللغه، ج ۱، تحقیق عبدالسلام محمّد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۱، ۱۴۰۴، ص ۴۶۷.

۲. مجمع اللغة العربیه، المبحم الوسیط، استانبول ترکیه، المکتل الاسلامی، بی نا، بی تا، ص ۷۸۵.

۳. مسعود برزین، فرهنگ اصطلاحات روزنامه نگاری، تهران، بهجت، چ ۱، ۱۳۶۶، ص ۱۴۷.

۴. همان، ص ۲۴۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عبارت از نقد آن مطلب است. فلان کتاب مورد نقد قرار گرفت؛ یعنی مطالب کتاب و نثر آن بررسی شد، تجزیه و تحلیل روی مطالب آن صورت گرفت تا خوبی‌ها و بدیهای اثر روشن شود. نقد نثر و نقد شعر اصطلاحی است که امروز از آن به «نقد ادبی» نام برده می‌شود و به معنای تشخیص عیب‌ها و نیکوییهای یک متن است، چه شعر باشد یا نثر.

«بررسی»، کلمه پارسی است و حاصل مصدر به معنای رسیدگی، تحقیق، پرسش کردن و سؤال کردن.[۱] رسیدگی نمودن و تحقیق کردن امری و مطلبی برای روشن شدن حال آن امر و مطلب است و ظاهر شدن حقیقت مطلب. وقتی مطلبی و قضیه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. تمام جوانب آن مد نظر قرار داده شود، گفته می‌شود: قضیه بررسی شد. بنابراین با اندک تسامح می‌توان گفت معنای نقد و بررسی مرادف هم است.

۳. آداب و رسوم

ادب در زبان پارسی به چند معنا آمده است: فرهنگ، پرهیخت، دانش، هنر، دانشمند شدن و با فرهنگ شدن.[۲] کسی که با ریاضت و کوشش خلق و عادت‌های خوب را به دست آورد به آن فرد مؤدب گفته می‌شود.

ادب که جمع آن آداب است در اصطلاح به چند معنا آمده است: الف. آیین‌ها و روشهای پسندیده و فرهنگ‌ها.[۳] **ب. در مردم‌شناسی آداب این گونه تعریف شده است: «هرگونه اعمال تشریفاتی که از الگوهای موضوعه پیروی می‌کند و از طریق نمادها منظور همگانی ما به الاشتراک را می‌رساند.»**[۴] جامعه یکسری الگوهایی دارد که در ارتباط با یکدیگر از آن الگوها از طریق نمادها پیروی می‌کند؛ مثلاً الگوی جامعه‌ای این است که وقتی پیر مرد یا پیر زن وارد خانه شود، اهل خانه باید احترام کند و این الگو در جامعه فرضاً وجود دارد، ابراز احترام از طریق «نماد» است در جامعه‌ای بلند شدن و به استقبال آمدن

---

۱. محمّد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران، امیر کبیر، چ ۸، ص ۵۰۲.

۲. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۷۷، ص ۱۵۵۸.

۳. فریده رازی، فرهنگ واژه‌های فارسی سده، تهران، نشر مرکز، چ ۱، ۱۳۶۶، ص ۱.

۴. نیکلاس و دیگران، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران، چاپخش، چ ۲، ۱۳۷۰، ص ۳۲۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

طرف را نماد احترام می‌داند و ممکن در جامعه‌ای دیگر دست روی سر گذاشتن در برابر تازه وارد و مهمان را نماد احترام می‌داند، از طریق نماد به آن الگویی که در جامعه وجود دارد عمل می‌کند. ج. در جامعه‌شناسی آداب و رسوم را همان هنجارهای دانسته است که تا به مردمان هشدار بدهد که فعالیت‌های روزمره خود را طبق روال عادی و مرسوم موجود در جامعه انجام دهد.[۱] هیچ جامعه‌ای بدون «هنجارهای فرهنگی» نیست. این هنجارها مطابق فرهنگ آن جامعه وجود دارد و ممکن است متفاوت با هنجارهای جامعه‌ای باشد که فرهنگ دارد.

ارزشها که احساسات و ریشه دار و عمیق مشترک بین افراد جامعه است از جمله هنجارها به حساب می‌آید. آداب و رسوم و عرف نیز بخشی دیگر از هنجارهای فرهنگی است. البته آداب و رسوم با عرف تفاوتهایی دارد؛ هر کشور از خود قوانینی دارد که ممکن است با کشور دیگر متفاوت باشد و ممکن است همخوانی داشته باشد ولی کشوری بدون قوانین وجود ندارد، این قوانین بخشی از عرف است؛ یعنی آن دسته از عرف‌ها پشتوانه اجرایی و عملی دارند که تبدیل به قانون شود. بی احترامی به عرف ممکن است مجازات زندان، شکنجه و جریمه داشته باشد، اما سرپیچی از آداب و رسوم به صورت نرم و آرام مجازات می‌شود.

۴. معیارهای نقد

وقتی متنی، چه شعر و چه نثر مورد نقد قرار می‌گیرد و تجزیه و تحلیل و ارزش یابی می‌شود نانیکویی‌ها و بدی‌های آن را نمایان کند. باید معیارهایی که آن متن با او ارزشیابی شده است مشخص باشد تا متن طبق آن معیار دیده و سنجیده گردد. وزنه را می‌خواهیم معلوم کنیم چه مقدار است، پنج کیلو یا چهار کیلو و یا... باید میزانی و ترازی باشد که وزنه وسیله آن سنجیده شود، بعد از سنجیدن می‌توان اظهار نظر کرد و حکم نمود که فلان وزنه فلان مقدار است. در صورت نبود ترازو سخن گفتن از مقدار و وزنه و حکم کردن درباره آن بی معنا است.

ما می‌خواهیم آداب و رسوم و الگوهای روزمره که در جامعه مردم هزاره جریان دارند را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. نیازمند معیار یا معیارهای هستیم تا آن آداب و رسوم با آن معیارها سنجیده شود و

---

۱ . بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه عباس توسلی و رضا فاضل، پیشین، ص ۷۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵۴۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. قضاوت و حکم نمودن بدون معیارها کاری خردمندانه نیست.

۱ - ٤. ارزشهای دینی

معیار ما در این سنجیدن، تجزیه و تحلیل نمودن، اسلام است و ارزشهای دینی، چون جامعه هزاره‌ها مسلمان است و پیر مذهب تشیع و مکتب اهل بیت (عَلَیهِمُ السَّلام). ما با این رویکرد آداب و رسوم هزاره‌ها را بررسی می‌کنیم، یکی از رسم‌های هزاره‌ها عزاداری و سوگواری در دهه اوّل ماه محرم هر سال برای تجلیل از رشادت‌ها و مظلومیت‌های شهدای کربلا و نواده پیامبر، سیّدالشهدا، امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) است. این مراسم با کیفیت و کمیت خاص در بین هزاره‌ها برگزار می‌شود، ما با معیار قرار دادن آیات و روایات از معصومین (عَلَیهِمُ السَّلام) این قبیل آداب و رسوم را بررسی می‌کنیم.

۲ - ٤. عقل

عقل، قوه‌ای است که انسان از آن بهره دارد و حیوانات غیر از انسان از قوه‌ای به نام عقل برخوردار نیست. از این نعمت بزرگ خدادادی محروم می‌باشد. همین قوه دراکه بوده که امروز انسان را بر طبیعت مسلط ساخته، به عنوان مرکب را هوار بر پشت آن سوار شده و مطابق میل خود می‌راند.

عقل در لغت به معنای بستن پای شتر با ریسمان آمده است. وقتی زانوهای شتری با طناب کنار هم بسته شود عرب‌ها به آن «عقال» می‌گویند.[1] این کار موجب می‌شود شتر نتواند هر طرف خواست حرکت کند و صاحب شتر با این عمل جلوی حرکت او را می‌گیرد. عقل در اصل به معنای عقد و امساک و نگهداشتن است. به قوه‌ای که در انسان وجود دارد مدرک اشیا است عقل گفته‌اند؛ چون به وسیله این قوه انسان خوب را از بد، حق را از باطل، نیکو را از زشت درک می‌کند.[2]

عقل آنگاه که شی را درک می‌کند به آن شی مُدرک (درک شده) گفته می‌شود؛ یعنی شئی که عقل او را درک کرده و یافته است. عقل به اعتبار مدرک دو قسم است. گاه آن مدرک از اموری است سزاوار

---

۱. لویس معلوف، المنجد، تهران، نشر پرتو، چ ۵، ۱۳۷۶، ص ۵۲۰ (عقل).

۲. سیّد محمّد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۲، پشین، ص ۲۴۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

انجام شدن و انجام نشدن از این به «عقل عملی» تعبیر کرده است. اگر مدرک از اموری باشد که دانستن آن نیکو است این «عقل نظری» است.[۱]

بحث از عقل عملی و عقل نظری دامنه درازی دارد، هم تعریف دقیق آن دو و هم تمایز آن. به هر حال مراد ما از عقل همان قوه‌ای است که درک کنندهٔ خوبی‌ها و بدیها است.

۳ - ٤. تجربه‌ی زندگی

آداب و رسومی که بین مردم هزاره وجود دارد به مرور زمان به وجود آمده، چه بسا آنان چند نسل آن آداب را مورد تجزیه قرار داده‌اند؛ و این تجربه نشان داده است که کارکرد برخی از آداب و رسوم مثبت بوده است و یکی از معیارهای نقد در این رساله کارکرد مثبت آداب است.

اما قبل از اینکه درباره آداب و رسوم هزاره‌ها بپردازیم، لازم می‌افتد که نگاهی گذرا و اجمالی به خود این قوم داشته باشیم که از کدام نژاد و دارای چه مذهب و در کدام نقطه افغانستان زندگی می‌کنند.



---

۱ - محمّدرضا مظفر، اصول الفقه، قم، مؤسسه انتشاراتی اسماعیلیان. بی‌نا، بی‌تا، ص ۲۲۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاهٔ علوم و فنّاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل دوّم

هزاره‌ها

- **مفهوم و پیشینه‌ی لفظ هزاره**
- **وجه نام هزاره**
- **ریشه‌های نژادی هزاره‌ها**
- **سابقه‌ی تاریخی هزاره‌ها**
- **سرزمین هزاره‌ها**
- **جمعیت هزاره‌ها**
- **زبان هزاره‌ها**
- **فرهنگ، آداب و رسوم هزاره‌ها** (ریشه‌ها و منابع)
- **جایگاه هزاره‌ها در افغانستان** (روابط هزاره‌ها با حکومت)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱. مفهوم هزاره

هزاره لفظی است که در قاموس اعداد جا می‌گیرد. برای ریشه یابی معنای آن ناگزیریم سیری به لغت نامه‌ها بزنیم.

هزاره کلمه فارسی است «هزار، ده صد را گویند که به عربی اَلف خوانند»[۱] ده صد می‌شود هزار. هزار غیر از معنای عددی معنای دیگر نیز برایش گفته شده است: «بلبل را هم گفته‌اند که عربان عندلیب خوانند»[۲] در برهان قاطع دومین معنای هزاره عبارت است از پرنده‌ی زیبایی به نام بلبل. ها درکلمه هزاره حرف الحاقی است، وصل‌ها به هزار، کلمه هزاره را به وجود آورده است. ده صد سال را نیز هزاره گویند، هزاره اوّل و هزاره دوّم، مراد، ده صد سال اوّل و ده صد سال دوّم است. هزاره نام طایفه‌ای است در افغانستان، فعلاً یکی از چهار قوم بزرگ ساکن آن کشور محسوب می‌شود و در تحولات سیاسی - اجتماعی و فرهنگی افغانستان نقش مهم دارد. صاحب بستان السیاحه در این مورد می نویسد:

«هزاره طایفه‌ایست مشهور در افواه و السنه مذکور امتی بسیار و قومی بی شمارند.»[۳] کلمه هزاره از چه زمان بر این قوم (هزارهٔ زمان ما) اطلاق شده است و چه مناسبت در این نام گذاری وجود داشته؟ آیا کلمه

---

۱ . محمّد حسین خلف تبریزی، برهان قاطع، ج ۴، ذیل حرف هـ. امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۵۷.

۲ . همان.

۳ . زین العابدین شیروانی، بستان السیاله، تهران، انتشارات سناسی، بی تا، ۱۳۱۵، ص ۴۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هزاره در زمان‌های قبل از حملهٔ چنگیزخان به خراسان بر این مردم اطلاق می‌شده است، یا بعد از آن، اوایل قرن هفتم این نام به وجود آمد؟ اگر بعد از قرن هفتم پا به عرصه وجود گذاشت، قبل از آن این مردم بوده است؟ اگر بوده است به چه نام شهرت داشته؟

در مورد پاسخ به سؤال‌های یاد شده سخن بسیار است. محققان که در تاریخ و فرهنگ هزاره‌ها قلم زده‌اند دیدگاه‌های مختلف و گاه متضاد را ارائه نموده‌اند.

۲. پیشینهٔ لفظ هزاره

در مورد پاسخ به سؤال اوّل به طور عمده دو دیدگاه وجود دارد.

لفظ هزاره از ابتدای قرن هفتم هجری به وجود آمده است و بر این مردم چشم بادامی ساکن در غرجستان سابق و هزارستان امروزی اطلاق شده است. این دسته از پژوهشگران نیز در منشأ تاریخی قوم هزاره، اختلاف دارند:

الف. مردم هزاره قبل از حمله خان مغول به خراسان وجود نداشت و هزاره‌ها از بقایای سربازان چنگیزخان به کوه‌های مرکزی است **«نام هزاره بدون شک ترجمه فارسی کلمه مغولی «مینگ» به معنای هزار است که عده‌ای از افراد دسته‌های سپاهیان مهاجر مغول بوده است.»**[1] در این مورد در بخش ریشه‌های قومی و نژادی هزاره‌ها بیشتر بحث خواهیم کرد.

ب. معتقدند که لفظ هزاره بعد از سرازیر شدن مغولان به خراسان به وجود آمد، ولی هزاره از نظر تاریخی قدمت دارد و قبل از مغولان در سرزمین غرجستان زندگی و بود و باش داشته است. حاج کاظم یزدانی پژوهشگر هزاره از این گروهند، در این مورد نوشته است:

«به نظر من نام هزاره از هزاره ایلخانی [مغول] گرفته شده است و به تدریج به همه مغولان مرکز افغانستان (اعم از مغولان قدیم و جدید) اطلاق شده است، مانند اطلاق اسم جز برکل.»[2]

۲. این گروه می‌گویند کلمه هزاره قبل از هجوم مغولان به خراسان وجود داشته است. گرچه

---

۱. جمعی از نویسندگان، دائرة المعارف فارسی، ج ۲، بخش دوّم، سرپرستی غلام حسین مصاحب، حرف هـ / محمود افشار یزدی نیز همان حرف را می‌زند. افغان نامه، ج ۱، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ص ۱۲۱.

۲. حسین علی یزدانی، پژهیشی در تاریخ هزاره‌ها، ج ۱، محمّد امین شریفی، مشهد، چ ۲، ۱۳۷۲، ص ۲۰۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

معترفند که به این شهرت نبوده، اینان نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف. کلمه هزاره قبل از ورود اسلام در هزاره‌جات کنونی وجود داشته، هزاره ربطی به هزار فارسی ندارد از دائره‌ی اعداد خارج است، **«بعضی هزاره را محرف «خزری» می‌داند و می‌گویند اینان در اصل از ترکان اطراف دریای خزر قبل از آریایی‌ها می‌باشند.»**[۱]

نویسنده معروف افغانستان عبدالحی حبیبی نیز در مورد کلمه هزاره سخن خواندنی دارد. می‌گوید هو - سا - له و او - زا - له نام یک مکان است و آن هزاره‌جات کنونی با وسعت بیشتر از حالاست. هوساله تلفظ چینی آن است وزایر معروف چینی هوان تسنگ در سفری که اوایل قرن هفتم میلادی به هزاره‌جات داشت و از معابد بزرگ بودایی بامیان دیدن نمود، نام این منطقه را «هوساله» ضبط کرد. و «اوزاله» تلفظ یونانی آن است و هر دو کلمه سه سیلابی است. حبیبی در چند جای کتاب خود **«تاریخ افغانستان بعد از اسلام»** یادی از این منطقه کرده است، یکی آن جا که از **«معبد سوناکی»** نام می‌برد و می‌نویسد این معبد درکشوری قرار دارد که پایتخت آن «هو - سی - نه» است و هوسینه را به غزنه منطبق می‌داند و یکی از شهرها هوسینه را هوساله می‌داند:

«شهر دیگر معروف آن هوساله (هزاره) است و از بیان جغرافیون و مورخین دوره‌ی اسلامی نیز پدیدار است که نهایت جنوبی زابل از غزنه تا کرانه‌های هلمند و سیستان می‌رسد.»[۲]

دوّم وقتی کشور «کیا، پی شی» (کاپیسا) زمان هیوان تسنگ را یاد - اضافه می‌کند که کشور دیگر در جوار آن به نام **«تسوکو، چا» است و پایه تخت آن هوسینه (غزنه)، یکی از شهرهای آن هوساله است و هوساله مساوی «اوزاله»ی بطلیمیوس یونانی است. هو ساله و اوزاله یک کشور است.** در زمان زایر چینی مردم این کشور مذهب بودایی کبیر داشته، پادشاه شان مردی علم دوست و از سلاله حاکمان سابق بود که مدتها قبل در این سر زمین حکم می‌راند.[۳]

سوم در جایی که «زراعت و وصنعت و فلاحت» ولایت‌های مختلف افغانستان را می شمارد از هوساله یاد می‌کند. پایتخت «تسوکوچا» یا «اراکوزیا» (اروزگان کنونی) را هوسینه (غزنه) می‌داند و

---

۱. پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها، ج ۱، پیشین۷ ص ۱۴۷.

۲. عبدالحی حبیبی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، تهران- دنیای کتاب، چ ۲، ۱۳۶۳، ص ۱۲.

۳. تاریخ افغانستان بعد از اسلام، پیشین، ۲۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سرزمین دیگر تسوکوچا، هوساله است «که از چشمه سار آن به هر طرف آبها رود» و زمین‌های اطراف آن از آب‌های آن چشمه سارها بهره‌های فراوان می‌برد.(۱) امروز نیز چشمه‌های فراوان در هزاره‌جات موجود است که منبع برکات برای اطرافیان است.

چهارم آن جا که «طبقات عامه و مزاج ایشان» را شرح می‌دهد و از قول زایر چینی هیوان (سی - یو - کی - کتاب دوّم، ص ۱۴۴) می‌نویسد:

«مردم غزنه و هوساله (غالباً هزاره) خوشدل و محرک و زرنگ اند، که دانش و فنون نفیسه را دوست، گفتاری سحرانگیز و بدون مطالب جدّی دارند.»(۲)

ازگفته‌های حبیبی بر می‌آید که هزاره‌جات کنونی جز ارزگان فعلی بوده است و پایتخت آن شهر غزنه و هزاره، همان هوسا - له چینی و اوزاله به ضبط یونانی است. بعد در مرور زمان تبدیل به هزاره شده است.(۳)

شاه علی اکبر شهرستانی بر این باور است که کلمه هزاره تغییر یافته «هرو لا» یا «ازو لا» پایتخت دوّم «اروکوزیا»ی کهن می‌باشد.(۴)

ب. کلمه هزاره با هزار فارسی هم ریشه است و در دائره ی اعداد جا دارد؛ ولی ربط به هزارهٔ مغول و چنگیز خان ندارد. قبل از ورود چنگیزخان به خراسان این نام حداقل بعد از اسلام به قومی ساکن در مناطق مرکزی و غرب و جنوب افغانستان کنونی اطلاق می شده و لااقل به بخشی از این قوم.

چنانچه ناصر خسرو شاعر شوریده دل بلخ در شعرش تصریح دارد:

سخن حجت گزارد نغز زیبا — که لفظ اوست منطق را «گزاره»

هزاران قول خوب و نغز و باریک — ازو یابند چون «تار» «هزاره»(۵)

ناصر خسرو از شاعران قرن پنجم هجری قمری است و تار آلت موسیقی است. به آن دو تار و

---

۱ . همان. ص ۴۵۰.　　۲ . همان، ص ۶۱۰.

۳ . عبدالحی حبیبی. آیا کلمه هزاره قدیم‌تر است؟، آریانا، ص ۴، به نقل از هزاره‌های افغانستان، ص ۴۸.

۴ . حسن پولادی، هزاره‌ها. ترجمه علی عالمی کرمانی، محمّد ابراهیم شریفی، چ ۱، ص ۱۴.
(جلمه‌ی ادب، دانشکده ادبیات کابل، مقالات شهرستانی)

۵ . حمیدالدین ناصر خسرو (م. ۴۴)، دیوان ناصر خسرو، تصحیح مجتبی مینوی، علی اکبر دهخدا، مقدمه حسن تقی زاده، دنیای کتاب، چ ۱، ۱۳۶۲، ص ۳۹۵.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

«دنبوره» نیز گویند. از این بیت استفاده می‌شود که هزاره نام قومی بوده و دارای آلت موسیقی معروف به تار، امروز تار و دنبوره‌ی هزاره در افغانستان از شهرت زیادی برخوردار است. پژوهشگر دیگر سیّد عسکر موسوی نیز این مطلب را بیان کرده و معتقد است که لفظ هزاره قبل از ورود چنگیز خان به خراسان وجود داشته.[۱]

حسین نایل نیز معتقد است کلمه هزاره قبل از چنگیز بود. **«اصطلاح هزاره بعد از چنگیز به میان نیامده و مدتها پیش از او اصطلاحی معمول و مروج بوده است.»**[۲] پژوهشگر دیگر جناب آریانپور می‌نویسند که نام هزاره به سال ۵۴۳ م. بر می‌گردد و در آن زمان هزاره نام بخشی از مردم زابلستان بوده، بعدها توسعاً به تمام آن مردم، هزاره یاد شده است.[۳] همو می‌نگارد:

«باغ صد هزاره و رباط هزاره و غیره حاکی از نام هزاره است که در وقایع قرن سوّم و چهارم به چشم می‌خورد.»[۴]

و ما نیز این دیدگاه را معتقدیم و شاهد مدعای ما تا هنوز همان بیت ناصر خسرو است. اما اینکه به چه مناسبت اقتضا داشته که به این قوم هزاره بگویند بعد از این بررسی خواهیم کرد.

۳. وجه نام هزاره

نام‌گذاری اقوام و قبیله‌ها معمولاً دارای وجه است و به مناسبتی ولو کم، نام خاص را بر آن قبیله می‌گذارد، مثلاً در وجه نامگذاری تاجیک گفته شده است: تاجیک صورتی از کلمه تازی، «تازی» قبیله‌ای از عرب‌های یمن است و دری زبانها لفظ جز را بر کل اطلاق نمود و بر تمام اعراب تازی گفتند. بعدها که دری زبانان دست اعراب مسلمان شده بود، تازی و به تحریف تاجیک نامیده شد.[۵]

البته ما کار به درستی این وجه نام‌گذاری نداریم، در وجه نام هزاره نیز قول‌های مختلف وجود

---

۱. سیّد عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، ترجمه اسدالله شفایی، تهران، مؤسسه فرهنگی نقش سیمرغ، چ ۱، ۱۳۷۹، ص ۶۳.

۲. حسین نائل، سایه‌های روشنایی از وضع جامعه هزاره، قم، اسماعیلیان، چ ۱، ۱۳۷۲، ص ۴۳.

۳. آریان پور، منشأ تاریخی هزاره و هزارستان تاریخی، فصل نامه‌ی سراج، شماره ۸، قم، تابستان ۱۳۷۵، ص ۷۸.

۴. همان، ص ۷۹.

۵. میر محمّد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، چ ۱، قم، انتشارات دارالتفسیر، چ ۱، ۱۳۸۰، ص ۲۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۲۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دارد و ما سعی می‌کنیم تمام آن‌ها را بیاوریم. این اقوال عمدتاً به دو قسم تقسیم می‌شود:

الف. هزاره در دایره اعداد جا ندارد. چنانچه گذشت که بعضی هزاره را محرف «خزری» می‌داند و معتقد است که بنان قبل آریایی‌ها در اطراف دریای خزر زندگی می‌کرده و از ترکان خزر است.(۱)

حبیبی می‌گوید هزاره، در اصل هوسا-له به تلفظ چینی و او - زا - له به ضبط یونانی است. و اوزاله به معنای مردم خوشدل و خوش قلب است، بعدها در اثر مرور زمان او + زاله تبدیل به هزاره شده است.(۲)

ب. گروه دوّم با اعتقاد به اینکه هزاره از خانواده اعداد، هزار فارسی است وجوهی را در این نام گذاری یاد آوری کرده است:

«بند بزرگی بود مردم هر روز، هزار نفر در آن بند مشغول کار بودند تا جلو آن آب عظیم را سد کنند، ولی نتوانستند صاحب ولایت کلیه طی الارض به آن مقام رسید آن بند را محکم گردانید، و آنان که مشغول کار بودند از بند محنت و رنج رها شده و آزاد گردید و آن بند معروف به بند امیر است، یعنی بند (سد) که به دست امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (عَلَیهِ السَّلام) بسته شد. افراد که در آن بند مشغول کار بود «هزار نفر بودند و ما از اولاد آن هزار نفریم و آزاد کردهٔ امیر حیدریم. لهذا ما را هزاره گویند.» (۳)

این وجه را صاحب «بستان السیاحه» بیان کرده است که وی سفری که به هزاره‌جات و بامیان داشته و از زبان مردم آن، گزارش یاد شده را ذکر نموده است، وجهی دیگر بیان نکرده.

۲. محقق هزاره، حاج کاظم یزدانی عنوان تحت «وجه تسمیه هزاره» دارد و اولین وجه را این طور تحریر می‌کند:

«مشهور این است که این مردم را به آن خاطر هزاره گویند که از دسته هزار نفری سپاه مغول بوده‌اند.»(۴)

چون محقق مذکور معتقد است که لفظ هزاره بعد از حمله چنگیز خان به خراسان به وجود آمده است و تصریح دارد که «نام هزاره از هزاره ایلخانی گرفته شده است.»(۵) و این وجه را ما نظر حاج کاظم

---

۱. حسینعلی یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها، ج ۱، پیشین، ص ۱۴۷.

۲. عبدالحی حبیبی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، پیشین، ص ۶۱۰.

۳. زین العابدین شیروانی، بستان السیاحه، ایران، بی تا، بی نا، ص ۶۴۲.

۴. حسینعلی یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره، ج ۱، پیشین، ص ۱۴۶.

۵. همان، ص ۲۰۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تلقی می‌کنیم.

تیمور خانف نیز وجه یاد شده را بیان کرده است (تاریخ ملّی هزاره)

۳. سرزمین هزاره چون دارای هزار نهر و رود و هزار دره و هزار کوه مرتفع است لذا مردم ساکن آن جا را هزاره گویند.(۱)

۴. از هزاره‌جات هزار چشمه خوشگوار بیرون می‌آید و مردم ساکن در این منطقه جغرافیایی به این جهت هزاره نامیده شده است.

۵. قبل از اسلام در آن ولایت هزار بتخانه وجود داشت و بعد از اسلام به جای آن هزار مسجد و هزار منبر ساخته شد.

۶. سلطان علاء الدین غوری سال به سال هزار اسب به عنوان خراج به سلطان سنجر سلجوقی می‌داد، به این مناسبت این مردم را هزاره گفته است.

۷. سلطان شهاب الدین غوری (از حاکمان مقتدر غور و غزجستان) هزار غلام ترک و تاتار داشته است.(۲)

۸. در هزاره‌جات منطقه‌ای است به نام هزار چشمه یا هزار قاش، رود زلال «هیرمند» از آن منطقه سرازیر می‌شود **«و یکی از وجوه تسمیه هزاره همین نکته جغرافیایی - تاریخی می‌باشد.»**(۳) این وجه را عالم مردم شناس هزاره، آیت ا... صمدی بیان کرده است.

۹. علیداد لعلی از قول خود هزاره‌ها در وجه نام گذاری هزاره، اقوال ذیل را یاد کرده است:

۹/۱. «هزاره عبارت است از هزار قوم. ۹/۲. هزاره‌ها مردمانی هستند که از هزار راه وارد شده است. ۹/۳. هزاره مردمی است که هزار خانوار بوده است.»(۴)

اینها وجوهی است که در وجه نام‌گذاری هزاره بیان شده است، ولی با توجّه به اینکه لفظ هزاره در اشعار شاعر قرن پنجم قمری ناصر خسرو آمده است و ما قبلاً تحت عنوان قدمت لفظ هزاره یاد آور

---

۱. همان، ص ۱۴۶. ۲. همان، ص ۱۴۶ (نقل از کشف النسب، ج ۲، ص ۹۳)

۳. سیّد محمّد حسین فرهنگ، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۱، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶ (پاورقی آیت الله صمدی).

۴. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، قم، صحافی احسانی- چ ۱، ۱۳۷۲، ص ۲. / دای فولادی وجوهی دیگری نیز در کتاب تحقیقی خود «هزاره‌ها» بیان کرده است و ما از آن صرف نظر کردیم.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شدیم، بی پایگی دیدگاه محققانی که لفظ هزار را به هزاره‌ی ایلخانی مغول ربط می‌دهند روشن می‌شود، البته این مطلب را نیز معترفیم که لفظ هزاره و قوم هزاره قبل از هجوم خان مغول به خراسان بوده است، ولی آن شهرت که بعد از قرن هفتم پیدا نمود، نداشت. قبل از قرن هفت سخن از هزاره در نثر و شعر کم و بیش وجود دارد، ولی بعد از قرن هفتم هم در نثر و هم در شعر سخن از هزاره فراوان دیده می‌شود و این مطلب می‌رساند که نقش مغولان و ایلخانان در تشکل قوم هزاره برجسته است و بعد از این در بحث ریشه‌های تاریخی و نژاد هزاره‌ها از آن مفصل بحث خواهیم نمود. مطلب فوق را محقق روسی زبان، تیمور خانف نیز یاد آور شده است:

«ظاهراً دیده می‌شود که ملت هزاره در اواسط قرن چهاردهم (م) شکل گرفته‌اند. در حقیقت این تشکلات در سرزمین هزاره‌جات که در نتیجه وصلت عساکر مغولی با ساکنین اصلی منطقه صورت گرفته است برای ما ثابت گردیده است.» (۱)

۴. ریشه‌های قومی و نژادی هزاره‌ها

مقدمه

در ادیان الهی، خصوصاً دین خاتم پیامبران و سرورکائنات، محمّد بن عبدالله (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) مسأله‌ی کرامت انسانی را مطرح کرده است و این انسان را مفتخر به تاج کرامت نمود:

«وَ لَقَد کَرَّمنا بَنی آدَمَ وَ حَمَلْناهُم فی الْبر الْبَحرَ وَ رَزَقْنهُم مِنَ الطَّیباتِ وَ فَضَّلنهم عَلی کَثیرٍ مِمّن خَلَقنا تَفضیلاً؛ و به راستی که ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌ها) نشاندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.» (۲)

آن کرامت موجود از آن بنی آدم به طور مطلق است، اختصاص به نژاد خاص، قوم خاص، منطقهٔ خاص و جغرافیایی خاص ندارد. خداوند انسان را آفرید و به آن کرامت داد و این انسان است که آن کرامت را حفظ می‌کند یا در اثر متابعت هواهای نفسانی، درنده خویی، ستم و ... از دست می‌دهد.

---

۱ . تیمورخانف، تاریخ مِلّی هزاره، ترجمه عزیز طغیان، اسماعیلیان، چ ۱، ۱۳۷۲، ص ۳۶-۳۵

۲ . قرآن کریم، سوره‌ی اسراء / ۷۰، ترجمه‌ی محمّد مهدی فولادوند، تهران، دار القرآن الکریم، چ ۲، ۱۳۷۷.

.دسترسی به.این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و.فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات.مربوط شدنی است.

قرآن در جای دیگر به صراحت می‌فرماید:

«یَا اَیُّهَا النّاس اِنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ اُنْثی وَ جَعَلناکُم شُعُوباً وَ قَبآئِل لِتعارَفوا اِنَّ اَکرَمَکُم عِندَالله اَتْقاکُم اِنَّ الله عَلیمٌ خَبیرٌ؛ ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت، ملت و قبیله، قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید خداوند دانای آگاه است.»[1]

همهٔ انسان‌ها از یک نر و یک ماده آفریده شده است و این انسان دارای شعبه‌هایی است و قبیله هایی، شعبه شعبه بودن، قبیله قبیله بودن امتیاز به قبیله‌ای و شعبه‌ای نمی‌دهد، وجود شعبه‌ها و قبیله‌ها برای شناسایی همدیگر است ویژگی دیگر در آن وجود ندارد. این آیه فخر به نسب را نفی می‌کند و نیز اختلاف طبقاتی را.

علّامه طباطبایی (ره) ذیل آیهٔ یاد شده دو قول فوق را یاد می‌کند و شرح می‌دهد که آیا مراد از آیه ۱۳، حجرات، نفی تفاخر به انساب است یا نفی طبقات سفید و سیاه، مولی و برده و ...؟ بعد خودشان اظهار می‌کند:

«والحق ان قوله: جعلناکم شعوباً و قبائل و ان کان ظاهراً فی ذم التفاخر باالانساب فاول الوجهین اوجه. و الّا فالثانی، لکونه اعم و اشمل[2]؛ درست این است که قول خداوند فرمود: ما شما را شعبه شعبه، قبیله قبیله قرار دادیم. ظاهر در نفی تفاخر به انساب است از صورت اوّل از دو وجه بهتر است، اگر این ظاهر نبودی وجه دوّم (نفی طبقات) بهتر بود، چون در نفی طبقات، نفی تفاخر به انسان نیز وجود دارد.»

در هر صورت تفاخر به نسب را صدر این آیه مردود می‌داند. ذیل آیه، ملاک شرف و کرامت انسانی را یادآور می‌شود. «انّ اکرمکم عندالله اتقئکم»

صاحب المیزان کلام زیبایی در این مورد دارد: **«شرف حقیقی آنست که انسان را به سعادت حقیقی برساند، سعادت حقیقی همان حیات طیّب ابدی ست در جوار پروردگار دارای عزت، این شرف و کرامت تقوای الهی**

---

۱. قرآن کریم، حجرات / ۱۳، پیشین.

۲. سیّد محمّد حسین طباطبائی، المیزان فی التفسیر القرآن. ج ۱۸، بیروت - لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. چ ۳، ۱۹۳۴ هـ. ق، ص ۳۷۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

است و بس.»[۱]

شهید مطهری در این مورد سخن حکیمی دارد:

«اسلام به پیروان خود می‌گوید که این اختلاف رنگها و نژادها و زبانها که در ملت‌های روی زمین می‌بینی و آنها را ملاک جدایی و تفرقه ساخته‌اند چیزی اصیل و جوهری نیست. در مجموع آن مردمی عزیز و شریف ترند که در راه تکامل انسانیت قدم بردارند. رنگ‌ها و زبانها و سنّت‌هایی که در میان ابناء بشر مشاهده می‌کنی، همچون اختلافی که در طبیعت به چشمت می‌خورد جلوه‌های گوناگون یک حقیقت و شمه‌ای از غنا و کثرت در وجود است، که هر گلی، رنگ و بویی دارد و خواص و فوایدی که همه در راه حرکت آدمیت به سوی مبدأ اعلای خود ارزیابی و تقدیر می‌شوند. این اختلاف و تفاوت‌ها نه تنها مایه جدایی و دشمنی نتوانند بود بلکه برخورد و آشنایی (تعارف) اینان است که تکامل مادی و معنوی می‌زاید.»[۲]

احادیث فراوان در «جوامع روایی» ما وجود دارد که کرامت و شرف حقیقی را به تقوا می‌داند و تفاخر به نسب را مردود دانسته است، ما یک حدیث از آن احادیث را نقل می‌کنیم:

«عن جابر بن عبدالله قال: خطبنا رسول الله (صَلَی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) فی وسط ایام التشریق خطبة الوداع فقال (صَلَی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم): یا اَیُّهَا النَّاسُ اَلا اِنَّ رَبَّکُمْ واحدٌ، اَلا اِنَّ اَباکُمْ واحِدٌ، الا! لافَضْلَ لِعَرَبِیٍّ عَلیٰ عَجَمِیٍّ، وَلالِعَجَمِیٍّ عَلیٰ عَرَبِی وَلا لِاَسْوَدِ عَلیٰ الْاَحمَرِ وَ لا لِاَحْمَرِ عَلی الْاَسوَدِ اِلّا بِالتَقوی. اِنَّ اَکرَمَکُمْ عِندَاللهِ اَتقاکُم. اَلا هَل بَلَّغتُ؟ قالُوا: بَلی یَا رَسولَ الله. قال (صَلَی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم): فَلیبلَغِ الشاهِدُ الغائِبَ؛[۳] **جابر بن عبدا... از رسول خدا نقل می‌کند در وسط ایام تشریق (۱۱، ۱۲، ۱۳ ذی الحجّه) رسول خدا برای ما خطبه‌ی وداع را ایراد کرد که فرمود: آگاه باشید ای مردم پروردگار شما یگانه است و پدر واحد، آگاه باشید عرب از عجم (غیر عرب) برتری ندارد و عجم از تازی، سیاه از سرخ، قرمز از سیاه برتری ندارد. برتری فقط به تقواست، بدرستی گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین تان است. آگاه باشید! آیا من این پیام را برای تان نرساندم؟ همه گفتند: یا رسول**

---

۱. المیزان، ج ۱۸، پیشین، ص ۳۲۷.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۴، (خدمات متقابل اسلام و ایران)، تهران، صدرا، چ ۷، ۱۳۸۲، ص ۴۳.

۳. همان، ص ۳۳۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶). از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۹۶۷
تاریخ ثبت:

ا... رساندی. حضرت فرمود: پس این پیام را آنان که حاضر اند به آنان که غائب اند برسانند.»

از آیه و حدیث فوق این نتیجه به دست می‌آید که در اسلام کرامت و بزرگی از پارسایان است، مال، منال، نژاد و نسب از اموری است که اسلام تفاخر و بالیدن به آن را محکوم نموده، تفاخر به امور یاد شده از ویژگی‌های عصر جاهلیت قبل از اسلام بود، شریعت ما به شدت با آن مبارزه کرده است.

در این قسمت اگر بحث از ریشه‌های قومی و نژادی هزاره‌ها می‌شود، هیچ گاه هدف اثبات برتری آنان از سایر اقوام برادر ساکن در افغانستان نیست و نیز نویسنده معتقد است که هزاره‌ها از هر نژاد و قومی باشد موجب ننگ و سر افگندگی آنان نخواهد بود. هزاره‌ها باید بدانند که آنها هم انسانند و از فرزندان حضرت آدم و حوا (من ذکر و انثی).

بعد از بیان این مقدمه به اصل بحث برمی‌گردیم. هزاره از چه نژادی است و به کدام کتله‌ی قومی مربوط می‌شود؟ آن چه را که همهٔ محققان ملت هزاره تا حدودی اتفاق دارند این است که این چشم بادامی‌های گندوم رنگ در تقسیم بندی نژادی جزء نژاد زرد به حساب می‌آید.[1] در دنیای امروز چهار نژاد با توجّه به رنگ و شکل انسان وجود دارد: سفید، سیاه، زرد و سرخ. و بیشترین جمعیت انسانی را گروه زرد پوستان تشکیل می‌دهند و عمدتاً در قارّهٔ آسیا و اروپا بود و باش دارند.

در ریشه‌های قومی و نژادی هزاره‌ها دیدگاه‌های مختلف وجود دارد، عمده نظریات مطرح در این مورد را به خاطر پرهیز از طولانی شدن بحث به طور فشرده می‌آوریم و مورد نقد و بررسی قرار خواهیم داد.

۱ - ٤. مغولی بودن هزاره‌ها

عده‌ای از محققان بر این باورند که هزاره‌ها مغول تبارند. اینان نیز دو دسته‌اند:

الف. بعضی شان معتقدند که هزاره از بقایای سربازان چنگیزخان است. مونث استورات

---

۱ . بعضی از نویسندگان، هزاره‌ها را جز نژاد سفید دانسته است. «سکنی فعلی (افغانستان کنونی) بازماندگان دو نژاد عمده هستند: ۱. نژاد سفید شامل پشتونها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها، نورستانی‌ها، و... ۲. نژاد زرد شامل ازبک‌ها، ترکمن‌ها، قرقیزها، مغول‌ها و...». علی رضا علی آبادی، افغانستان، ص ۱۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران-در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

الفنستون[۱] (۱۹۷۸ م)، الکساندر بورنس (۱۸۶۴) و «دوگ پیری» مدعی اند که هزاره‌ها از نسل جنگجویان خان مغول است و چنگیز خان آنان را به افغانستان آورد، بعد از نابودی کامل بومیان مناطق مرکزی این سربازان جای بومی‌ها را اشغال و در وطن شان بود و باش نمودند. «هـ وبلیو»[۲] انگلیسی نیز این دیدگاه را مورد تأیید قرار داده، او تصریح می‌کند که قبل از سربازان جنگی مغول مناطق یاد شده بومیان فارسی زبان بوده است.[۳] به مرور زمان جای آنان را جنگجویان مغول گرفته است. ولی توضیح نمی‌دهد که اگر تمام فارسی زبان‌های بومی نابود شدند، چگونه مغولها، زبان مادری شان را رها و به زبان فارسی تکلم نمودند؟

معمولاً افرادی که اعتقاد به مغولی بودن کامل هزاره‌ها دارند از پاسخ به سؤال فوق عاجزند، توجیه درست درباره‌ی فارسی بودن زبان هزاره‌ها ندارند. چه طور ممکن است که یک قوم به طور کلی نابود و گروهی دیگر جای گزین آنان شود و زبان خود را رها کرده، به زبان قوم مغلوب سخن گویند؟ در هیچ تاریخی ننوشته است که زمانی مردمان هزاره و ساکنین غور و غرجستان به زبان مغولی سخن می‌گفته است، برعکس شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در زمان‌های دور لااقل از صدر اسلام و ورود اسلام به غور و غرجستان ساکنین این منطقه به لسان فارسی تکلم می‌کرده‌اند. (در بحث زبان هزاره بیان خواهد شد.) چنانچه خود تاریخ نگاران که اعتقاد به مغولی بودن کامل هزاره‌ها دارند، این مطلب را تصدیق می‌کنند. این نویسندگان مجموعهٔ بزرگ، از اسناد و مدارک عربی و فارسی را نادیده گرفته‌اند و به معلومات محدود و غیر مستند اکتفا کرده، بیشتر تکیه بر شباهت فیزیکی هزاره‌ها با مغولها نموده، در حالی که صرف شباهت فیزیکی نمی‌تواند اثبات مغولی بودن کامل، هزاره‌ها را کند، چون غیر هزاره‌ها از اقوام دیگر مثل ازبک‌ها، قرقیزها و ترکمنها نیز شباهت فیزیکی به مغولها دارند. سیّد عسکر موسوی در نقد این دیدگاه می‌نویسد:

«نظریه‌ی منشاء مغولی هزاره‌ها،... به نظر می‌رسد که بیشتر مبتنی بر فرضیات فاقد سند یا شواهد ناقص و حدسیات است تا هر چیز دیگر.»[۴]

---

۱ . الفنستون، افغانان، ترجمهٔ محمد آصف فکرت، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی- چ۱، ۱۳۷۶، ص ۴۲۵.

۲ . بلیو، نژادهای افغانستان، کلکته، ۱۸۸۰ م، ص ۱۱۴ (نقل از همان، ص ۲۲).

۳ . همان، (نقل از همان).

۴ . سید عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، پیشین، ص ۶۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ب. سیّد عسکر موسوی نظریه مغولی بودن هزاره‌ها را نقد می‌کند، این دیدگاه را مردود می‌داند، ولی آنگاه که فرضیه مغولی بودن را باز می‌کند، گفته‌های هزاره‌های پاکستان به خصوص «تنظیم نسل نو هزاره» را نقل می‌کند که آنان خودشان را نه تنها مغول بلکه از نسل خود چنگیز خان می‌دانند و اضافه می‌کند، حتی میان سیّدهای هزاره کسانی هستند که هنگام ناسزاگویی [به هزاره‌ها] می‌گویند چوچه‌ی (بچه) چنگیز.(۱)

دیدگاه نسل نو مبین نظریه تاریخی و نژادی نیست، بلکه بیشتر جنبه سیاسی دارد، چنانچه در جای دیگر، سیّد عسکر از زبان مصباح، دانشجوی جوان هزاره کویته پاکستان (سال ۱۹۸۸) این مسأله را نقل می‌کند.

مصباح در مورد هویت قومی هزاره چنین می‌گوید:

«ما می‌دانیم که چنگیزخان جد واقعی ما نیست اما در این جا نه موضوع تبارشناسی صرف بلکه یک مسأله ی سیاسی و تاریخی مطرح است. ما با انتساب خود به چنگیز در مقابل دیگر گروه‌های قومی پاکستان احترام و موقعیت اجتماعی به دست می‌آوریم.»(۲)

اما کسانی که در مقام ناسزاگویی به هزاره‌ها چوچه چنگیز خطاب می‌کنند، برای طعن است؛ نمی‌تواند تبیین کننده مسأله نژادی هزاره‌ها باشد. محققان مثل «کادر مسین»، «بار تولد» و «پطروشفسگی» معتقدند که هزاره‌ها از نسل هولاکوخان و نیکودر (نواسه پسری چنگیزخان) و عسکرهای آنان‌اند که در مناطق مرکزی افغانستان توطن کرده‌اند.(۳)

دیدگاه این محققان مثل دیدگاه اوّل، به جهات یاد شده مستند به مدارک تاریخی نیستند، بیشتر متکی به شباهت فیزیکی هزاره‌ها به مغولهاست و چه بسا این شباهت موجب شده تا آنها گرفتار این دیدگاه غیر محققانه شوند.

---

۱. همان، ص ۵۳.
۲. همان، ص ۱۹۶.
۳. تیمور خانف، تاریخ ملّی هزاره، پیشین، ص ۲۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲ - ٤. هزاره‌ها، نژاد تبتی

برخی محققان که آشنایی درست به مناطق محلی هیمالیا دارند و در تاریخ هزاره‌ها تحقیق نموده اند، هزاره‌ها را از نژاد تبتی می‌دانند. آقای «واین» اولین کسی است که این دیدگاه را مطرح نموده و معتقد شد که هزاره‌ها از تبار گورخان نپالی (یا گورخانان نپال هستند) به آن جهت که هزاره‌ها شباهت زیاد به ناپالیها دارند، جز آن که رنگ هزاره‌ها روشن‌تر است و اینان در زمان‌های بسیار دور به مناطق هزاره‌جات کنونی ساکن شده‌اند.[۱] این نظر بعدها مورد تأیید «بلیو»، «موهن لال»، «مور کرافت» و «ترینکل» نیز قرار گرفتند.[۲]

۳ - ٤. هزاره‌ها، نژاد ترک و مغولی

بعضی پژهندگان تاریخ هزاره بر آنند که این قوم از نژاد ترک و مغول بوده و سال‌ها قبل از چنگیزخان و ایلخانان مغول در این منطقه (هزارستان) سکونت داشته، البته بعدها چه بسا بعضی ایلخانان نیز به آنان ملحق شده است. حاج کاظم یزدانی از این گروه است، ایشان به صراحت می‌نویسد:

«من تردیدی ندارم که هزاره‌ها از نژاد زرد و شاخه مغول می‌باشد و نیز تردیدی ندارم که اغلب شان حتی قبل از اسلام در افغانستان بوده‌اند.»[۳]

ایشان در جای دیگر مبنی بر اینکه ترکان نیز نقش در تشکیل هزاره‌ها دارند می‌گوید:

«تعدادی از بقایای آنان (غزنوی و ترکان اویغوز شاخه قارلیق) در میان مردم هزاره در منطقه شیخ علی زندگی می‌کنند و خود هزاره‌اند.»[۴]

محقق نام برده در مورد نقش ایلخانان در تشکل هزاره می‌گوید: ما منکر آن نیستیم که دسته‌های از مغول ایلخانی به هزاره‌ها نپیوسته باشد، البته اینکه هزاره‌ها از بقایای شخص چنگیز خان است

---

۱. حسن پولادی، هزاره‌ها، ترجمه علی عالمی کرمانی، تهران، انتشارات عرفان، چ۱، ۱۳۸۱، ص ۱۸.

۲. پولادی، هزاره‌ها، پیشین، ص ۱۸.

۳. حسینعلی یزدانی، پژوهش در تاریخ هزاره‌ها، ج ۱، پیشین، ص ۱۵۵.

۴. همان، ص ۱۵۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج)، در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

درست نیست. چون در هیچ تاریخ دیده نشده است که خان مغول به سپاهیانش دستور بود و باش در منطقه کوهستانی را داده باشد. **«هزاره‌ها یقیناً از بقایای سپاه شخص چنگیزخان نیستند.»**[۱]

مرحوم فیض محمّد کاتب هزاره در کتاب «نژاد نامه افغان» نیز معتقد است، هزاره‌ها، مغول و تاتار است. ایشان می‌نویسد:

«این قوم (هزاره) که از فرق مغول و تاتاراند و در افغانستان توطن و قرار دارند.»[۲]

وی در مقام شمارش اقوام ساکن در افغانستان مغول جغتایی را جدا از هزاره‌ها می‌آورد و از این بیان کتاب، این مطلب به دست می‌آید که ایشان هزاره‌ها را از مغولان و تاتارها (ترک‌ها) نمی‌داند، بلکه معتقد است که هزاره‌ها از زمان‌های دور در افغانستان ساکن بوده و مغول جغتایی از مغولان زمان چنگیز است و تصریح دارد که آن‌ها به زبان مغولی حرف می‌زنند و همه شیعه دوازده امامی است.[۳]

طبق نقل آقای پولادی، محققانی چون «دُرْن» و «ماکمون» از کسانی هستند که اعتقاد به ترک مغولی بودن هزاره‌ها دارند که در زمان‌های مختلف به مناطق کنونی سکنی گزیده‌اند.[۴] محمّد افضل ارزگانی نیز از کسانی است که دیدگاه ترک و مغولی هزاره‌ها را پذیرفته است.[۵]

٤ - ٤. هزاره‌ها، نژاد تاجیک و مغول

برخی بر آنند که هزاره‌ها از تبار تاجیکان و مغولانند و در اثر در آمیختگی تاجیکها و مغولان مردم هزاره به وجود آمده است: **«شاید بتوان گفت که هزاره‌ها ترکیبی از نژادهای ایرانی و مغولی باشند.»**[۶] مراد علی آبادی از نژاد ایرانی، تاجیک است. محققان روسی زبان، «نسارف» و «شرمن» نیز می‌گویند هزاره‌ها ترکیب یافته‌ای از تاجیک‌ها و مغولان است؛ آقای شرمن این دیدگاه خود را با شواهد علوم نژادشناسی

---

۱. همان، ص ۱۵۵.

۲. فیض محمّد، نژاد نامه افغان، تصحیح و تعلیقه حسینعلی یزدانی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چ ۱، بی تا، ص ۱۳۹.

۳. همان، ص ۱۴۶.

۴. حسن پولادی، هزاره‌ها، پیشین، ص ۱۷.

۵. محمّد افضل ارزگانی، مختارالمنقول، به سعی رمضانعلی محقق، قم، چ ۱، فرا نشر، بی تا، صص ۸۳-۸۲.

۶. علی رضا علی آبادی، افغانستان، وزارت خارجه، تهران، چ ۱، ۱۳۷۲، ص ۱۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تبیین می‌کند.[۱]

۵ - ٤. هزاره‌ها، نژاد مختلط

یکی از دیدگاه‌هایی که در مورد نژاد هزاره‌ها ابراز شده است مختلط بودن هزاره‌ها از چند نژاد است؛ هزاره‌ها نه فقط مغول و نه تاجیک و نه ترک و نه تبتی؛ بلکه اقوام زیادی در تشکل هزاره‌ها نقش دارند. مرحوم حسن پولادی می‌گوید: **«مرمان ترک به صورت ناهمگونی در این ناحیه [هزاره‌جات] پراکنده شده بودند.»**[۲]

تاجیک‌ها نیز از جمله اقوامی‌اند که از دید حسن پولادی **«تأثیر زیادی در تشکیل قومیت هزاره‌ها داشته‌اند»** به نظر وی **«تاجیک‌ها همزمان با ورود شان به منطقه هزاره‌جات کنونی زندگی مغولان چادر نشین را تحت تأثیر قرار داد»**[۳] سهم مغول‌ها نیز از دید این محقق هزاره، در تشکیل قومیت هزاره برجسته است. او ابراز می‌دارد که علاوه بر مغولان چنگیزخانی و چغتایی، ایلخانان ایران هم نقش به سزا در موجودیت هزاره‌ها به عنوان یک کتله اجتماعی دارند.[۴]

علاوه بر اقوام یاد شده، افغان‌ها (پشتون‌ها) و عربها (سادات) نیز در تشکل قومیت هزاره سهم دارند؛ هزاره‌های امروز در جای جای هزارستان با پسوند نام نژادی پشتون و مثل داوود زی، در بین قبیله دای چوپان و ابدالیها در بهسود وجود دارد، ابدال و داوودزی نام نژادی از افغانهاست. اینها افغانهایی است که در مرور زمان جذب جامعه هزاره شده‌اند و عرب‌ها نیز **«سادات نوادگان حضرت محمّد (صَلَی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) اگر چه کوشش کرده‌اند از نظر نژادی خودشان را سره نگهدارند، اما کاملاً جذب جامعه هزاره از نظر فرهنگی و اجتماعی هزاره شده‌اند.»**[۵]

از دیگر کسانی که معتقد به مختلط بودن نژاد هزاره‌هااند (بنا به نقل سیّد عسکر) «اچ. اف.

---

۱. حسن پولادی، هزاره‌ها، پیشین، ص ۱۸.
۲. همان.
۳. همان، ص ۳۴.
۴. همان، ص ۳۰.
۵. همان، ص ۳۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شرمن» و «کاکر» است.[۱] سیّد عسکر موسوی بعد از نقل اقوال مختلف موجود در نژاد هزاره‌ها و نقد آن‌ها نظریه مختلط بودن را می‌پذیرد، ایشان علاوه بر اقوام یاد شده، در بیان پولادی، نقش ازبک‌ها را نیز در تشکیل قومیّت هزاره مسلّم می‌داند.[۲] ابتدا وی ضمن اینکه نقش اقوام یاد شده در به وجود آمدن هزاره‌ها را قبول دارد، تأکید می‌کند که هزاره:

«یکی از قدیمی‌ترین ساکنان منطقه [هزارستان] هستند... نیاکان هزاره‌ها احتمالاً به ساکنان ترک آسیای مرکزی و شرقی که بیش از ۲۳۰۰ سال پیش از شمال و جنوب هندوکش به نواحی موسوم به هزاره‌جات کنونی مهاجرت کرده بودند، باز می‌گردد.»[۳]

انجیز علی داد لعلی در اثر تحقیقی خود «سیری در هزاره‌جات» نیز از کسانی است که مختلط بودن هزاره‌ها را می‌پذیرد، وی ضمن رد مغولی بودن کامل، هزاره‌ها می‌گوید:

«روی هم رفته هزاره‌های ساکن در مناطق مرکزی ترکیبی از اقوام و تیره‌های ترک مغولی و اهالی بومی بوده است.»[۴]

وی جای تحقیق را در مورد نژاد هزاره‌ها باز می‌داند و معتقد است، سزاوار است تحقیق بیشتر در این مورد صورت بگیرد.

تیمور خانف نیز از آن دسته پژوهندگانی است که دیدگاه مختلط بودن نژاد هزاره‌ها را مورد تأکید قرار داده است. وی پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف نژادی هزاره‌ها، تحت عنوان «نتیجه‌گیری» می‌نگارد:

«هزاره‌ها در نتیجه اختلاط نیروهای مسلح مغولها و ساکنین اصلی که مهمترین آنها را عناصر تاجیکی تشکیل می‌دادند منشأ گرفته و در تشکل (اتنیکی) هزاره‌ها، ترک‌ها نیز حصه گرفته‌اند (ترک‌هایی که پیش از حملات مغولها ساکن افغانستان گردیدند) و قسماً عناصر پشتون و هم ممکن هندو آریایی که

---

۱. سید عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، پیشین، ص ۵۶ و ۵۷.

۲. همان، ص ۷۴.

۳. سید عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، پیشین، ص ۷۳.

۴. علیداد لعلی، سیر در هزاره‌جات. پیشین، ص ۲۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۸۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نظر به تأثیر عنصر مغولی و تاجیکی تأثیر کمتر در ترکیب و یا منشأ هزاره وارد ساخته‌اند در این تشکل سهیم می‌باشد.»[۱]

میر محمّد صدیق فرهنگ هم بر این باور است که هزاره‌ها از نژاد مختلط به وجود آمده است. «بعضی پیش از هجوم مغولان وارد گردیده» و **«آل شنسب و سلاطین غوری از ایشان ظهور کرده بودند»** البته ترکان بومی و تاجیکها نیز از دید فرهنگ نقش در ترکیب هزاره‌ها دارد.[۲] محقق دیگر هزاره جناب بصیر احمد دولت آبادی نیز دیدگاه مختلط را مورد تایید قرار داده است.[۳]

۶ - ٤. بومی بودن هزاره‌ها

از دیگر دیدگاه‌هایی که از قدیم مطرح بوده، بومی بودن هزاره هاست. این دیدگاه نظر بسیاری از محققان داخلی و خارجی را به خود جلب کرده‌اند. البته بسیاری از خارجیان که به صورت گذرا و سیاحتی و برای تهیه گزارش به کشورهای متبوع شان به هزاره‌جات سفر کرده‌اند، بیشتر تکیه بر دیدگاه مغولی هزاره‌ها کرده‌اند و موجب این ابراز نظرها عموماً چهره مغولی مآب هزاره‌ها است. وگرنه، دلیل دیگر برای توجیه دیدگاه‌های شان ندارند. با این وصف برخی از محققان خارجی نیز هستند که به بومی بودن هزاره‌ها معتقدند.

آ.فوشه فرانسوی از کسانیست که اعتقاد به بومی بودن هزاره‌ها دارد، وی دیدگاه مغولی هزاره‌ها را به شدت رد می‌کند. به گفته‌های هیوانتسنگ و مورخان عصر اسکندر که هزار سال قبل از زائر چینی به هزارستان آمده بودند، نقل می‌کند که مردم این سرزمین (هزاره‌جات) از سایر ساکنان افغانستان امروز متفاوت بوده است و چهره‌های چینی مآب آنان زائر چینی را شگفت زده می‌کند، و مورخان اسکندر می‌نویسد که وی یک نوع «بربرها»ی تازه مشاهده کرده است؛ پس از نقل مطالب یاد شده

---

۱. تاریخ ملی هزاره، ص ۴۲-۴۱.

۲. افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱، قم، دار التفسیر، چ ۱، ۱۳۸۰، ص ۲۳.

۳. بصیر احمد دولت آبادی، هزاره‌جات در گذشته‌های دور و نزدیک، فصل نامه‌ی سراج، شماره ۴، ص ۱۳۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌نگارد:

«این مطلب به ما نشان می‌دهد که در حقیقت نه فقط فلاتهای مرتفع ماورای هیمالیا [هزاره‌جات کنونی] بلکه تمام دنباله‌های جبال هندوکش تا منتهی الیه غربی آن در زمان قدیم سکونت قبایلی از نژاد چینی و تبتی بوده است.»[۱]

وی را جزء کسانی که هزاره‌ها را از نژاد تبتی می‌داند، بدانیم از حقیقت دور نیست، چون تصریح دارد که مردمان سابق، هزاره‌جات کنونی از نژاد چینی و تبتی هستند. در هر صورت بومی بودن هزاره‌ها را غیر قابل تردید می‌داند.

این دیدگاه در قرن نوزدهم به وسیله «فریه، Ferrier» فرانسوی نیز مطرح شد، او در قرن نوزدهم به قسمت‌هایی از هزارستان اسلامی مسافرت کرده بود، و معتقد شد که این مردم حتی قبل از زمان هجوم اسکندر در این سرزمین (هزارستان) بود و باش داشته. وی گفته‌های خود را مستند به نوشته‌های تاریخ نویس یونان می‌کند، آن جا که «کارتزیوس» چگونگی سفر زمستانی اسکندر از مناطق مرکزی افغانستان را شرح می‌دهد.[۲]

محقق دیگر غربی به نام «فلچر» نیز از دیگر کسانی است که به بومی بودن هزاره‌ها معتقد است. محققان داخلی که در مورد هزاره و هزارستان پژوهش نموده‌اند و معتقد به بومی بودن هزاره‌ها هستند فراوانند؛ شاه علی اکبر شهرستانی از این دسته است. وی طبق نقل پولادی طی سلسله مقالاتی که در نشریه‌ی «ادب» دانشکده‌ی ادبیات کابل در مورد هزاره می‌نوشته است، اظهار نموده که: **«هزاره‌ها ساکنین اصلی منطقه کنونی هزاره‌جات می‌باشند.»** و حتّی وی بر این باور است که کلمه هزاره تغییر یافته دومین پایتخت آرکوزیا «هرولا» و یا «اوزولا»ی کهن می‌باشد.[۳]

مرحوم عبدالحی حبیبی در مقاله‌ای تحت عنوان «آیا کلمه هزاره قدیمی‌تر است؟» (مجله آریانا، شماره ۵، سال ۱۳۴۱، ص ۸۰) اظهار نظر می‌کند که هزاره‌ها ساکنین قدیم افغانستان هستند و از

---

۱. گروهی از نویسندگان، تمدن ایرانی، ترجمهٔ عیسی بهنام. تهران، کتابهای حبیبی، چ ۵، ۱۳۷۶. ص ۴۳۹.

۲. جسن پولادی، هزاره‌ها، پیشین، ص ۱۴.

۳. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

زمان‌های دور در این سرزمین بود و باش داشته‌اند و ادعای خود را به شواهد تاریخی قرین می‌سازند.(۱)

وی در اثر دیگر خود در چند جا از پایتخت دوّم «اراکوزیا» به نام هویسا - له نام می‌برد و «هو ساله» را به «هزارستان» کنونی تطبیق می‌دهد و مردم هوساله (هزاره) را زرنگ و خوشدل می‌داند.(۲) ایشان در این اثر خویش گر چه صراحتاً از نژاد هزاره نام نبرده است.

جلال‌الدین صدیقی (در مقاله چاپ شده در فصلنامه تحقیقی سراج) هم از جمله محققان کشور است که باور به بود و باش هزاره‌ها از زمان‌های قبل دارد. وقتی اسکندر به هزاره‌جات کنونی هجوم آورد با مقاومت سختی از طرف ساکنین این منطقه مواجه شد و لذا از شدت خشم نام **«بربر»** به آنان نهاد و بعد مدتی مردم شان به نام بربر، ملک شان به نام **«بربرستان»** یاد شد. به اعتقاد صدیقی نیاکان هزاره، همان هایی اند که اسکندر را به خشم آورد.(۳)

بربر در ادبیات فارسی قدیم و ادبیات هزاره زیاد به کار رفته است. فردوسی در داستان رزم «کی کاوس» (شاه بلخ) با «هاماوران» (شاه بربرستان) می‌سراید:

چنان هم گرازان به بربر شدند — جهان جوی با تاج و افسر شدند

شه بربرستان بیآراست جنگ — کز انبوه ایشان جهان گشت تنگ

سپاهی بیآمد ز بربر به رزم — که برخاست از لشکر شاه بزم

تو گفتی ز بربر سواری نماند — بگرد اندرون نیزه داری نماند (۴)

قرائن زیاد وجود دارد که مراد از «بربر» در اشعار فوق، هزارستان کنونی است از جمله این بیت:

چو آمد از آن شهر بربر گذر — سوی کوی قاف آمد و باختر(۵)

---

۱. حسینعلی یزدانی. پژوهش در تاریخ هزاره‌ها، ج ۱، پیشین، ص ۱۶۶.

۲. عبدالحی حبیبی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، تهران، دنیای کتاب، چ ۲، ۱۳۶۳، صص ۱۲ و ۲۷ و ۴۱۰ و ۴۵۰.

۳. صدیقی، هزاره‌ها. تاریخ. زبان و فرهنگ، فصل نامه ی سراج، شماره ۱۸، تیرماه ۱۳۷۸، صص ۱۸۰-۱۷۹.

۴. ابوالقاسم فردوسی. شاهنامهٔ فردوسی، چ ۲، تهران، کتاب‌های حبیبی، چ ۵، ۱۳۷۶، ص ۳ و ۴.

۵. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مسیر کی کاوس از شرق سمت غرب (باختر) بوده است تا می‌رسد به «زابل» و «نیمروز» و داستان ادامه می‌یابد.

محقق نامدار جناب یزدانی هم در مورد شاه بربر و بربرستان در ادبیات فارسی قدیم از جلمه اشعار فردوسی می‌نگارد:

«عقل سلیم نیز بعید می‌داند که جنگی میان کی کاوس شاه بلخ با بربر شمال آفریقا اتفاق افتاده باشد. پس لابد این بربرستان در جوار و همسایگی بلخ باشد و آن جز هزاره‌جات کجا می‌تواند باشد؟»[1]

فردوسی بارها از بربر و بربرستان در شاهکار بزرگ خود، شاهنامه یاد کرده است.

دقیقی بلخی نیز می‌سراید:

گـــاه انـدر بـوستان بشکـفید بســـان گـــلبنان بـــاغ بـربر

فرّخی سیستانی هم بربر را فراموش نکرده:

گاه چون زرین درخت آندر هوای سرکشید

گاه چو آندر سرخ دیبا لعبت بربر شود[2]

بند امیرکنونی، نام دیگرش «بند بربر» است و داستان شفاهی که بین مردم هزاره مبنی بر مسلمان شدن شاه بربر و رعیت او به دست شاه ولایت، حضرت علی، امیرالمؤمنین (عَلَیهِ السَّلام) وجود دارد،[3] نیز می‌رساند که این منطقه زمانی به بربرستان شهرت به سزا داشته و این داستان سینه به سینه امروز به ما رسیده است؛ گر چه واقعیت تاریخی آن محل تردید است.

آقایان جاوید و عمر صالح، دو تن از پژهندگان کشورماست که درکتاب درس جغرافیه صنف نهم معارف، کابل ۱۳۴۵، ابراز می‌کند که: **«این طایفه [هزاره‌ها] خلاف آن چه معروف است از اقوام اصیل و بومی این سرزمین (هزارستان) است که قبل از مغول به نام غرچه؛ یعنی غرجستانی معروف بوده.»** و سلسله‌های مقتدر شاهی

---

۱. حسینعلی یزدانی، پژوهش در تاریخ هزاره‌ها، ج ۱، پیشین، ص ۱۷۴.

۲. همان، ص ۱۷۰.

۳. همان، ص ۱۷۱ و ۱۷۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

غوریان و کرت و شارهای شهر تاریخی بامیان از بین این مردم بوده‌اند.(۱) آنان می‌گویند نژاد هزاره از اختلاط اقوام اورال استایی است، ولی این اختلاط در زمان‌های دور لااقل دو هزار سال قبل صورت گرفته است.(۲) البته محققان یاد شده در قسمتی از نوشته شان دارند **«جماعت دیگر از تاجیک‌هاکه در ناحیه تاریخی غرجستان یعنی هزاره‌جات سکنا دارند معروف به هزاره هستند.»**(۳)

این بیان بسا از واقعیت تاریخی دور است؛ اینکه می‌فرمایند هزاره‌ها بومی است تا جایی شواهد تاریخی تایید می‌کند اما اینکه این بومیان تاجیک بوده، ولی معروف به هزاره است قرائن تاریخی بر خلاف آن وجود دارد، چنانچه گذشت.

آثار تاریخی - باستانی و بت‌های ریز و درشت که در بامیان وجود دارد؛ کاملاً می‌رساند که روزی و روزگاری مردم چینی مآب در این دیار بود و باش داشته و بسیاری از بت‌های به جا مانده با همین قیافه چینی مآب ساخته شده است. به خاطر جلوگیری از طولانی شدن مطلب از شواهد دیگر صرف نظر می‌کنیم.

شیر محمّد خان ابراهیم زی اثری دارد به نام «تواریخ خورشید جهان» در تاریخ اقوام افغان (پشتون) در آخرهای کتاب چند صفحه در مورد اقوام غیر از افغان سخن رانده است و در آن جا در مورد نژاد و جمعیت و خصلت هزاره‌ها مطالب خواندنی نگاشته. در مورد نژاد هزاره می‌گوید: **«بدانکه از کتب معتبر و سیر و تواریخ ثابت است که قوم هزاره از نسل یافث بن نوح است.»**(۴) وی از ابوالفضل مورخ اکبر بابری نقل می‌کند که هزاره‌ها از فوج مانگوخان نبیره چنگیزخان است. پس از آن قول یاد شده را به شدت مردود می‌داند **«لیکن این قول اصلی ندارد چراکه قبل از عهد چنگیزخان این قوم الوس کلان و خلقی بسیار بوده است»** او قول مصنف تاریخ فرشته که هزاره‌ها را از قوم «چرکس» می‌داند نیز رد می‌کند. چرکس قوم مشهور است از ترکان که در اطراف داغستان از توابع روس بود و باش داشته‌اند.(۵)

---

۱. حسین نائل، سایه‌های روشنایی از وضع جامعه هزاره، قم، اسماعیلیان، چ ۱، ۱۳۷۲، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۱۱.

۳. همان، ص ۱۰.

۴. شیر محمد خان ابراهیم زی، تواریخ خورشید جهان، پاکستان، چاپ سنگی، چ ۱، ۱۳۱۱، ص ۳۱۴.

۵. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶). از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مورخ هزاره ناطقی شفایی هزاره‌ها را از قوم «سیتی» می‌داند و کوشانیها و یفتلیها که روزگاری در خراسان بزرگ امپراطور قوی و مقتدر داشت، از بین قوم سیتی برخواست و هزاره‌ها از دودمان کوشانیها و یفتلی‌هاست.(۱)

آریانپور محقق دیگر هزاره در مورد ریشه‌های نژادی هزاره‌ها، دیدگاه جالب و نو دارد، او مدعی است که بیش از ۲۵ سال خون دل خورده و درباره هزاره‌ها تحقیق نموده است.(۲) وی معتقد است که «امیم» بن لاوذ بن شم بن اثرت بن سام بن نوح نبی اولین کسانی است که در این نقطه از زمین (افغانستان و بلخ کنونی) سکنا گزیدند.(۳) سالها گذشت تا «آریان» به وجود آمد. چون وی «نیک سیرت و نکو صورت بود به صفت «هوشنگ» خواندند و شارها غرشستان و شیرهای بامیان و صفاریان و غوریان و شاهان آل‌کرت از تبار آریان است.(۴) و هزاره‌ها **«از نژاد سامی می‌باشند. این قوم در گذشته‌های دور به نام قوم آریان و نژاد آریانی و زابلی و بعدها خراسانی شناخته می‌شدند.»** او هزاره‌ها را از تبار بلا منازع آریان هوشنگ می‌داند.(۵) و هزاره‌ها را آریانی که در قرون وسطی در خراسان بزرگ بود و باش داشته است. امروز نژاد ایرانی‌ها و هندی‌ها و... که به آریایی مشهور است، آریان پور معتقد است که داستان و افسانه است. افسانه سازان برای توجیه تاریخی، گمانه‌ها و حدس‌ها و تخمینها را جای حقیقت گذاشته و عنوان آریانی را به آریایی تصحیف نموده است و حال که آریانی نام قوم و تباری است که در خراسان قرون وسطی بود و باش داشته و آن قوم جز هزاره‌ها گروهی دیگر نیست.(۶)

آقای آریانپور دیدگاه فوق را در کتاب **«خراسانیان در قرون وسطی»** به طور مفصل مورد بحث قرار داده، شواهد زیاد بر آریانی بودن هزاره‌ها بیان داشته است. وی در همان کتاب می‌نگارد: **«می‌توانیم**

---

۱. محمّد هدایت، زخم‌های پنهان، سراج، سال دوّم، شماره‌ی ۶. ص ۲۰۹. ناطقی در جلسه‌ای که نویسنده آنجا بود در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۰ در مشهد مقدس مطالب یاد شده را بیان می‌کرد.

۲. م. الف، آریانپور، منشأ تاریخی هزاره‌ها و هزارستان تاریخی، سراج، شماره ۸، ص ۹۲.

۳. همان، ص ۷۱.

۴. همان، ص ۷۲.

۵. همان، ص ۷۳.

۶. همان، ص ۸۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

قاطعانه ادعا کنیم که آریان‌های باستان و خراسانیان قرون وسطی هزاره‌های کنونی می‌باشند.»[۱] وی دیدگاه ترک و مغولی هزاره‌ها را ناتمام می‌داند البته اختلاط ترکان و چینی‌ها را با هزاره‌ها می‌پذیرد و به این باور است که در زمان‌های دور آریانیها (هزاره‌های کنونی) از شاهزاده‌های چینی زن می‌گرفته و از این طریق نژاد چینی و ترکی به تبار آریانیها راه یافته است.[۲]

دیدگاه‌های مختلف که در مورد خاستگاه نژادی هزاره‌ها مطرح شد، بسیاری از دیدگاه‌ها، تکیه بر بومی بودن هزاره‌ها داشت، جز عده‌ی کمی از خارجیان که به صورت سیاحتی و تهیه گزارش برای دولت متبوع شان به افغانستان آمده بودند و تاریخ نویس اکبر ابوالفضل که تکیه بر مغولی بودن هزاره‌ها دارد و این که هزاره‌ها از تبار چنگیز و لشکریان اوست، کسانی دیگر، بومی بودن هزاره‌ها را منکر نبودند و در بحث منشأ تاریخی هزاره‌ها در مورد بومی بودن این قوم بیشتر بحث خواهیم کرد.

اما اینکه هزاره‌ها از چه نژادی است؟ آنچه مسلم است بومی بودن هزاره هاست و اینکه هزاره‌ها از نژاد زرد است قابل تردید نیست و امروز در دنیا نژاد خالص وجود ندارد. حتی عرب‌ها که در حفظ نژادشان از اختلاط تلاش داشتند و دارند و یا قبایل دیگر غیر از عربها، نمی‌توانند مدعی خالص بودن نژادشان باشند و واقعیت‌های موجود تاریخی و جنگ و گریزهایی که در طول تاریخ بین اقوام وجود داشته، روی اختلاط نژادها صحه می‌گذارد و دیدگاه وجود نژاد خالص و بدون اختلاط از نژادهای دیگر مورد پذیرش نیست و برای بطلان آن نیاز به شواهد. اندکی تأمل در تاریخ بی بنیانی دیدگاه فوق را روشن می‌کند، چنانچه متفکر شهید، مرتضی مطهری نگاشته است:

«حقیقت این است که ادعای جدا بودن خونها و نژادها خرافه‌ای بیش نیست. نژاد سامی و آریایی و غیره فقط به صورت جدا و مستقل از یکدیگر درگذشته بوده است، اما حالا آن قدر اختلاط و امتزاج و نقل و انتقال صورت گرفته است که اثری از نژادهای مستقل باقی نمانده است.»[۳]

---

۱. آریانپور، خراسانیان در قرون وسطی، صحافی احسانی، چ ۱، بی تا، ص ۲۲۶.

۲. همان، ص ۱۵۱.

۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۴، (خدمات متقابل اسلام و ایران)، تهران، صدرا، چ ۷، ۱۳۸۲، ص ۶۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و ضیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هجوم مغولان به ایران و افغانستان کنونی از مسلمات تاریخ است و سالها مغولان در ایران، افغانستان و هند حکمروایی داشته، مسلم است مغولان به هوا دود نشدند، بلکه بین اقوام دیگر و بومیان مناطق پخش شده و فرهنگ اقوام بومی را پذیرفته‌اند. این پدیده، هم در ایران وجود داشته و هم در افغانستان، چه بسا اختلاط مغولان با اقوام تاجیک و پشتون و ازبک بیش از اختلاط آنان با هزاره‌ها باشند، ولی چون هزاره‌ها نژاد زرد است و از دید فیزیکی تا حدی به ایلخانان شباهت داشته، این ترکیب واضح‌تر است.

در صدر اسلام سلسله‌ای به نام آل شنسب، شیران بامیان، غوریان وجود داشت و به سرزمین هزارستان امروزی حکم می‌راند. زبان این مردم در همان عصرها فارسی بود، چنانچه منهاج السراج تاریخ نویس حاکمان غوری این مطلب را نگاشته است و خود در دامن «زبیده زمان ماه ملک» دختر محمّد بن سام غوری بزرگ شده است، وی از زبان این بانوی حافظ کل قرآن نقل می‌کند:

«غالب ظن آن است که عهد خلافت امیر المؤمنین علی رضی ا... بر دست علی کرم ا... وجهه ایمان آورد و از وی عهدی و لوای بستد و هر که از آن خاندان به تخت نشستی آن عهد و لوای علی بدو دادندی و محبت ائمّه اهل بیت مصطفی (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) در اعتقاد ایشان راسخ بود.»[1]

مطلب فوق را از زبان خاندان غوری دخت محمّد سام نگاشته است. وجود تشیع در قلب هزار جات و تشیع هزاره‌ها در هزارستان با آن روایت قابل توجیه است وکسانیکه می‌گویند هزارستان زمانی مسکن بومیان تاجیک بوده و یا پشتون بوده، توجیه برای وجود تشیع در مرکز افغانستان و تشیع غالب هزاره ندارند.

پس اولاً بومیان غور و غرجستان تاجیک یا پشتون نبوده بلکه نیاکان هزاره‌ها بوده و زبان شان فارسی و ثانیاً تشیع در همان صدر اسلام به هزاره‌جات آمده است و این روایت با مرکزیت تشیع در هزارستان هم خوانی دارد. عقد نامه‌ای که سال ۴۷۰ هـ ق بین الیاس بن شاه منصور و شهرناز بن

---

۱ . منهاج السراج جوزجانی، طبقات ناصری، ج ۱، کابل، چ ۲، ۱۳۴۲، ص ۳۱۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات،فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶). از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

صعلوک بن ابو سفر در بامیان منعقد شده است؛[۱] می‌رساند که زبان مردم و حاکمان این خطه فارسی بوده نه ترکی و مغولی، آقای روشن ضمیر در مورد زبان غوریان نوشته است:

«زبان دیوان و زبان ادب در دربار امراء و سلاطین غور به ویژه پیش از آنکه به قلمرو غزنویان دست یابند زبان پارسی بوده»[۲]

پس زبان غوریان پارسی بوده، اولاً قیافه غوریان و غرجستان طبق روایت هیوان تسنگ و تاریخ نویس اسکندر متفاوت از سایر مردم افغانستان بوده[۳]، قیافه چینی مآب داشته ثانیاً، از این دو مطلب این نتیجه به دست می‌آید که بومیان اجداد هزاره‌ها بوده نه تاجیک‌ها و پشتونها و زبان شان فارسی بود است نه ترکی و مغولی و پشتونی. نقش اقوام مثل ترکها و مغولها و تاجیک‌ها و بعضاً عربها و پشتون‌ها در ترکیب هزاره مسلم و برجسته است. ما امروز اقوامی به نام «تُرکه‌ها» در هزاره‌جات داریم (در سر جنگل این قبیله به همان نام شهرت دارد) و اقوامی در هزاره‌جات است که خود را از فرزندان جابر بن عبدا... انصاری صحابی بزرگ پیامبر (صَلَی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسَلَّم) می‌دانند و معروف به انصاریهاست. این ترکیب موجب نمی‌شود اطلاق ترک، مغول، تاجیک و عرب به تمام هزاره‌ها درست باشد و مجاز.

۵. سابقه‌ی تاریخی هزاره‌ها

آنگاه که از ریشه‌های قومی - نژادی هزاره‌ها بحث شد، در لابلای دیدگاه‌های مطرح پیرامون نژاد هزاره‌ها از سابقه تاریخی هزاره‌ها اجمالاً سخن به میان آمد. اینک لازم است به طور جداگانه این مساله را مورد بررسی قرار داده، بحث کنیم. تمام کسانی که معتقد به دیدگاه‌های مختلف پیرامون نژاد هزاره‌ها بودند در مورد سابقه تاریخی هزاره به دو دسته، عمدتاً تقسیم می‌شود:

الف. جمعی که سابقهٔ هزاره‌ها را به دهه‌ی دوّم قرن هفتم هجری بر می‌گردانند و معتقدند که

---

۱. مهدی روشن ضمیر، تاریخ سیاسی و نظامی دودمان غوری. تهران، دانشگاه تهران، چ ۱، بی تا، ص ۱۵.

۲. همان، ص ۱۶.

۳. گروهی از نویسندگان، تمدن ایرانی، پیشین، ص ۴۳۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هزاره‌ها از بقایای جنگجویان چنگیزخان و برخی از تبار خود ویند و یا از تبار هولاکوخان و تیموریان و ایلخانانند. قبل از ابتدای قرن هفتم قمری در هزارستان کنونی این قوم وجود نداشته و اقوام دیگری، غیر از هزاره‌ها ساکن هزاره‌جات کنونی بوده‌اند، زمان هجوم مغولان این اقوام به کلی از بین رفته و نابود شده، بقایای سربازان مغول جای آنان را اشغال کرده و در مرور زمان به هزاره مشهور گشته‌اند و عمدتاً اقوام بومی نابود شده را تاجیک می‌دانند.

النفستون اسکاتلندی سال ۱۸۰۸ م. به قصد دیدار امیر کابل (شاه شجاع) از طرف انگلیس عازم افغانستان شد. مدّت نه ماه در افغانستان ماند و دیده‌ها و شنیده‌های خود را از افغانستان مکتوب نمود.[۱] وی در این سفرنامه خود، بی میل نیست که هزاره‌ها را به جنگجویان چنگیزخان منسوب کند، البته او از اینکه در مرکز افغانستان مردمانی وجود دارند که هم در سیما و هم در زبان و آداب و رسوم با افغانان متفاوتند، اظهار تعجب می‌کند، به شگفتی او آنگاه اضافه می‌شود که هزاره‌ها را از همسایگان ترک و شمالی اش هم متفاوت می‌یابد.[۲]

طبق نوشته تیمورخانف، مورخ روسی زبان، برنس، وبری و دبلیو انگلیسی نیز کسانی اند که هزاره‌ها را مربوط به جنگجویان خان مغول می‌دانند و سابقه تاریخی قبل از قرن هفتم قمری برای هزاره‌ها قایل نیستند.[۳]

معمولاً بسیاری از نویسندگان غرب و شرق که از بیرون به افغانستان نگاه می‌کنند و درباره هزاره‌ها مطلبی نوشته اند، آنان را از مغولان مهاجم می‌دانند و طبعاً سابقه تاریخی بیش از شش، هفت قرن برای هزارها قایل نیستند.[۴]

این دیدگاه آن طورکه قبلاً نیز اشاره شد بر خلاف واقعیت‌های تاریخی است و آنان (صاحبان دیدگاه فوق) درگذری که به افغانستان داشته‌اند، فقط به خاطر شباهت فیزیکی هزاره‌ها با مغولان

---

۱. مونت الستورت النفستون، افغانان، ترجمه محمّد آصف فکرت، مشهد، آستان قدس رضوی، چ ۱، ۱۳۷۶، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۴۲۴.

۳. تیمورخانف، تاریخ ملی هزاره، پشین، ص ۲۱.

۴. همان، ص ۲۵-۲۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دیدگاه فوق را ابزار داشته‌اند و انبوهی از شواهد تاریخی به زبان فارسی و عربی را نادیده گرفته‌اند.

قبل از هجوم مغولان ما واژه هزاره را در افغانستان داریم، چنانچه شاعر بلند آوازه بلخ ناصر خسرو سروده است:

هزاران قول خوب نغز باریک ازو یابند چون تار «هزاره» [۱]

قبل از هجوم مغولان هزارهٔ لاچین در بلخ و نواحی آن بود و باش داشت و شاعر معروف امیر خسرو دهلوی از آن قوم است و در غایله ی چنگیزخان از بلخ به هند مهاجرت نمود و دیگر به وطنش باز نگشت.[۲] وجود قیافه‌های چینی مآب در زمان مسافرت زائر معروف چینی در هزارستان کنونی[۳] دلیل دیگر بر رد دیدگاه یاد شده است. اینها مشت نمونه‌ی خروار است برای رد دیدگاه مهاجر بودن هزاره‌ها. البته ما اصرار نداریم که بگوییم هزاره‌ها مهاجر نیستند و یا بازماندگان مغولان مهاجم نیستند، چون در اسلام اولاً نژاد ملاک ارزش نیست، نوشته شد که کرامت از آن متقیان است. ثانیاً یک قوم در سرزمینی که ششصد و هفصد سال زندگی کند، دیگر اطلاق مهاجر بر آن، به دور از واقعیت است. ولی تحقیقات تاریخی و شواهد موجود دیدگاه مغولی و چنگیزی بودن هزاره‌ها را مردود می‌داند.

ب. گروه زیادی، چه آنان که هزاره‌ها را ترک و مغول می‌دانند و چه آنان که آریانی (آریانی غیر از آریایی است) و چه کسانیکه تبتی و یا تاجیک و مغول و... می‌دانند؛ همه بر این باورند که هزاره‌ها قبل از اسلام در خراسان (افغانستان) و عمدتاً هزاره‌جات کنونی بود و باش داشته و سلسله‌های بزرگی از کوشانیان و شیران بامیان و سلاطین غوری را به وجود آورده‌اند. روزگاری حاکمیت مقتدری را داشته‌اند.

محقق افغان شیر محمّد خان ابراهیم زی در مورد سابقه تاریخی هزاره‌ها می‌نویسد: «قبل از عهد چنگیز این قوم (هزاره‌ها) الوس کلان و خلقی بسیار بوده است»[۴] وی چنگیزی بودن هزاره‌ها را به شدّت

---

۱. دیوان ناصر خسرو، پیشین، ص ۳۹۵.

۲. امین احمد رازی، هفت اقلیم، ج ۱، تصحیح جواد فاضل، علی اکبر علمی، تهران، بی نا، بی تا، ص ۳۵۸؛ دولت شاه سمرقندی، تذکرة الشعرا، تهران، کلاله خاور، چ ۱، ص ۱۷۹.

۳. گروهی از نویسندگان، تمدن ایرانی، پیشین، ص ۴۳۹.

۴. شیر محمّد خان ابراهیم زی، تواریخ خورشید جهان، پاکستان، چاپ سنگی، چ ۱، ۱۳۱۱، ص ۳۱۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مردود می‌داند.

محقق فرانسوی آ.فوشه نیز از کسانی است که سابقه طولانی برای هزاره‌ها قایل است. او دیدگاه ابوالفضل، تاریخ نگار بابُر را می‌نویسد که هزاره‌ها از تبار سربازان مغول هستند و پس از آن این مسأله را مورد نقد قرار می‌دهد و می‌نویسد: **«ولی متأسفانه کاملاً بر عکس این مطلب (مغولی بودن) به ثبوت رسیده است.»**[۱] وی به گفته زائر چینی و تاریخ نویس اسکندر استناد می‌کند که هزاره‌ها قبل از اسلام در هزارستان کنون ساکن بوده‌اند.

حاج کاظم یزدانی، محقق پیشکوست با اینکه خاستگاه نژادی هزاره‌ها را تُرک مغولی می‌داند[۲] و از نژاد زرد، ولی در مورد سابقه تاریخی هزاره‌ها چنین اظهار نظر می‌کند (بعد از بیان ادله متعدد بر بومی بودن هزاره‌ها):

> **«از مجموع مباحث گذشته به این نتیجه رسیدیم که هزاره‌ها از زمان‌های بسیار دور حتی پیش از آریایی‌ها در افغانستان سکونت داشته‌اند، بعد از ورود آریایی‌ها اینان چون از نظر جمعیت در اقلیت بودند قهراً به سوی مرکز افغانستان رانده شده‌اند و اینکه شهرت یافته‌اند که اینان کلاً از بقایای سپاهیان مغول چنگیزی هستند، یک تصویر اشتباه و نادرست می‌باشد.»**[۳]

انجینر علیداد لعلی، در کتاب مردم‌شناسی هزاره‌ها نیز معتقد به سابقه طولانی برای هزاره هاست **«هزاره‌ها و هزاره‌جات (غرجستان) سابقه کهن و تاریخی داشته»** موانع جغرافیایی و خود اتکایی و تعصب هزاره‌ها موجب شده که **«هویت تاریخی و ملی خویش را دست نخورده»** نگه دارد.[۴] تیمور خانف هم دیدگاه فوق را مورد پذیرش می‌داند.[۵] سیّد عسکر موسوی نیز بعد از بررسی دیدگاه‌های مختلف خاستگاه نژادی و مکانی هزاره‌ها و نقد نظریات مختلف در مورد سابقه تاریخی هزاره‌ها می‌گوید: «یکی **از قدیمی‌ترین ساکنان منطقه هستند»** او نیاکان هزاره‌ها را از ۲۳۰۰ سال قبل باشنده هزارستان می‌داند.[۶]

---

۱. گروهی از نویسندگان، تمدّن ایرانی، پیشین، ص ۴۳۹.

۲. حسین علی یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها، ج ۱، پیشین، ص ۱۵۵.

۳. همان، ص ۲۰۵.

۴. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، پیشین، ص ۲۶.

۵. تیمور خانف، تاریخ هزاره، پیشین، ص ۱۴۱.

۶. سیّد عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، پیشین، ص ۷۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بصیر احمد دولت آبادی نیز از آن دسته محققان است که سابقه طولانی برای هزاره‌ها قایل است به نظر این محقق «**در عصر ظهور اسلام مناطق هزاره‌جات یکی از مناطق آباد و با فرهنگ منطقه به حساب میرفته است**» و سلسله‌های قدرتمندی در هزارستان اسلامی حکم می‌رانده.[۱] مورخ دیگر کشور در منشأ تاریخی هزاره‌ها می‌نگارد که آنان مردم زحمتکش و پر تلاش است و قبل از چنگیز خان در هزاره‌جات کنونی ساکن بوده‌اند و همین بودند «**که قوت بشری چنگیزخان را در خود فرو برده و با وجود جذب خون مغول از مغول خالص و زبان مغولی در مرکز افغانستان اثری نگذاشتند.**»[۲] و مورخ هموطن دیگر میرمحمّد صدیق فرهنگ نیز دیدگاه بومی بودن هزاره‌ها را مورد پذیرش دانسته و ابراز می‌دارد که هزاره‌ها بومیان هزارستان است.[۳]

ما در بخش نژاد هزاره‌ها، دیدگاه بومی بودن هزاره‌ها و نظریه‌های بسیاری از محققان را نقل کردیم که می‌رساند هزاره‌ها بومیان هزارستان هستند. در این جا فقط نام می‌بریم، حسین نائل[۴] و مؤلفان جغرافیای صنف نهم (۱۳۴۵)[۵]، میخائیل ویر[۶] و الف. آریانپور[۷] از پژهندگانی هستند که دیدگاه بومی بودن هزاره‌ها را مورد تصدیق قرار داده‌اند. آنان می‌گویند هزاره‌ها خیلی‌ها قبل از هجوم مغولان در افغانستان و عمدتاً هزارستان کنونی بود و باش داشته‌اند.

پیش از این اشاره کردیم که دیدگاه فوق مقرون به شواهد تاریخی است و آثار به جا مانده، قبل از دو هزار سال در گوشه، گوشهٔ هزارستان، خصوصاً بامیان مؤیّد دیدگاه فوق است. یکی از مهمترین و باشکوهترین آثار باستانی و به جا مانده از گذشتگان، بت‌های بزرگ و کوچک بامیان است و هزاران سموج در اطراف بت‌ها، عظیم‌ترین آن بت‌ها یکی به طول ۳۵ متر و دومی به طول ۵۳ متر استاده بود.

---

۱. بصیر احمد دولت آبادی، هزاره‌جات در گذشته‌های دور و نزدیک، فصلنامهٔ سراج، شماره ۴، ص ۱۳۲.

۲. غلام محمّد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۲، قم، مؤلف و صحافی احسانی، چ ۱، ۱۳۷۵، ص ۵۹۵.

۳. میر محمّد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱، قم، دار التفسیر، چ ۱، ۱۳۸۰، ص ۲۳.

۴. حسین نائل، سایه‌های روشنایی از وضع جامعه هزاره، پیشین، ص ۲۷.

۵. همان، ص ۳۰. ۶. همان، ص ۱۰.

۷. الف. آریان پور، منشأ تاریخی هزاره...، سراج، شماره‌ی ۸۰، ص ۷۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)، از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

(متأسفانه در زمان حاکمیت سیاه گروه طالبان این آثار با ارزش به نام آثار شرک و در واقع نابودی آثار و تمدن هزارستان اسلامی نابود شد.) و قدمت این بت‌ها به زمان کوشانیان (ابتدای قرن اوّل میلادی) باز می‌گردد.[۱] این آثار به جا مانده مبین یک تمدن با شکوه در هزارستان کنونی است، نشان می‌دهد که روزگاری مردمان این منطقه دارای حکومت مقتدر و تمدن بزرگ بوده است و چنین آثار باعظمت و شگفت‌انگیز را به جاگذاشته و به اعتراف صاحبان فن این آثار در دنیا بی نظیر است. شکل این بت‌ها و همینطور نقاشی‌های که داخل سموج‌ها وجود دارد کاملاً قیافه چینی داشته، همان قیافه‌ای که مردمان امروز بامیان دارند.

زن هایی که در این تصاویر (تصاویر روی طاقچه‌ها) نمایش یافته‌اند، سیما و شکل هندی دارند و چنانچه چشمان آن‌ها بادامی است.[۲]

قیافه دو بت بزرگ چون شبیه مردمان منطقه بودند، برخلاف تئوری حاکمان نژاد پرست، این حاکمان می‌گفتند افغانستان مال ماست. دیگران از جمله هزاره‌ها مهاجرند، لذا عبدالرحمن و بعدها نادر خان و خانمش آمدند و چهره دو بت را از بین برد[۳] و تا نوبت به آن سلسله و با چهره‌ی دیگر به نام گروه طالبان رسید و اینان وجود چنین آثار با شکوه تمدن بامیان را تحمل نتوانست، با شعار مذهبی و نشانه شرک دو مجسمه بزرگ را کاملاً از بین برد، چون وجود آن آثار بر خلاف نظر آنها بود و مبین اینکه بامیان از زمان‌های دور متعلق به هزاره هاست و از طرف دیگر وجود آن گنجینهٔ با عظمت توجّه جهانگردان را به خود جلب می‌کند و بامیان می‌شود مرکزی با شکوه و با رونق و این هم برخلاف دید نادر خان و امثال اوست.

باستان شناس فرانسوی موسیو گودار در مورد خرابی سر و صورت مجسمه‌ها می‌نویسد: **«پیشانی و بینی و لب‌های او را (بت ۳۵ متری) قصداً خراب کرده‌اند.»**[۴] همو در مورد خرابی صورت بت بزرگ

---

۱. موسیو گودار، خانم گوداروهاکن. آثار عتیقه بامیان در هزارستان، ترجمه احمد علی خان، قم، اسماعیلیان، چ ۱، ۱۳۷۲، صص ۲۱ و ۲۲.

۲. همان، ص ۷۶.

۳. همان، ص ۵۸ (پاورقی - جاوید).

۴. موسیوگودار، آثار عتیقه بامیان، پیشین، ص ۵۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌نگارد: «صورت بت بزرگ مانند روی بت کوچک اصولاً و قصداً خراب شده در این حصه تراشیدگی به قدری عمیق و زیاد است که کاملاً پیشانی، چشم‌ها، رخساره‌ها و بینی بت را معدوم کرده است.»(۱)

راستی چرا به سر و صورت و بینی و رخسار آن بت‌های بی جان چسبیده‌اند و مایل نیستند آن دو شاهکار بشری با بینی پوچوق و چشم‌های تنگ و بادامی خودشان، به خرابه‌های شهر غلغله و هزاران سموج خالی بدون راهب نظاره کنند؟!

۶. سرزمین هزاره‌ها (موقعیت جغرافیایی)

در این عنوان لازم است اندکی از محدوده‌ی هزارستان و نام‌های آن در طول تاریخ بحث شود. این سرزمین در زمان‌های مختلف نام‌های گوناگون داشته، تا رسیده است به «هزاره‌جات» و «هزارستان» در هر دو نام؛ یعنی محل و مسکن و بود و باش هزاره‌ها. قبل از بیان محدوده‌ی هزاره‌جات، لازم است محدوده افغانستان و نام‌های آن در طول تاریخ گذشته، بیان شود.

۱ - ۶. افغانستان

افغانستان، سرزمینی است کوهستانی که به دریا راه ندارد. افغانستان کنونی نام‌های مختلف داشته است. قدیمی‌ترین (هزار سال قبل از میلاد) نام آن «آریانا» بوده و تا قرن پنجم میلادی این نام به افغانستان امروزی اطلاق می‌شده. از قرن پنجم به بعد مشهور به «خراسان» شده، تا قرن نزدهم آن نام را با خود داشت، در قرن نوزدهم «افغانستان» به جای خراسان نشست و به نام افغانستان شد و تا هنوز همان نام را دارد.(۲)

مساحتی که برای کشور افغانستان امروز بیان شده از هشت صد هزار کیلو متر تا ۶۳۶,۲۶۵

---

۱. همان، ص ۶۳.

۲. میر غلام محمّد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، قم، صحافی احسانی، چ ۱، ج ۱، ۱۳۷۵، ص ۷۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کیلومتر مربع است. حدود دو هزار کیلومتر به کشورهای تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان از شمال کشور مرز دارد. در جنوب و جنوب شرقی با کشور پاکستان به طول ۲۵۰۰ کیلومتر هم مرز است و در غرب افغانستان جمهوری اسلامی ایران به طول ۶۵۰ تا ۹۰۰ کیلومتر مرز بین دو کشور تخمین زده شده است. در شرق با کشور چین هم مرز است. نقشه افغانستان مثل مشت بسته است. این کشور دارای کوه‌های مرتفع می‌باشد. آمار دقیقی از نفوس (جمعیت) افغانستان وجود ندارد از ۱۵,۲۷۱,۶۸۷ تا ۲۵,۰۰۰,۰۰۰ ذکر شده است[۱] و آمارهای ذکر شده بیشتر از سوی سازمانهای بین المللی و گاه از سوی خود افغانها ارائه شده و در حد تخمین و تقریب است، نه دقیق و حساب شده. ۹۹ ٪ مردم افغانستان متدین به دین اسلام است.[۲] مردم این کشور به زبان‌های مختلف تکلم می‌کنند. زبان‌های معروف و متکلم به آن عبارت است از: دری، پشتو (افغانی) و ازبکی می‌باشد. در اکثر شهرهای افغانستان زبان دری تکلم می‌شود.[۳]

هزارستان اسلامی در مرکز این کشور قرار دارد وگاه به نام «مناطق مرکزی» یاد می‌شود. بیشتر هزاره‌ها دوست دارند به مسکن شان «هزارستان» و یا «هزاره‌جات» گفته شود، یادکردن سرزمین شان را به مناطق مرکزی کتمان هویت قومی شان تلقی می‌کنند.

۲ - ۶. نام‌های هزارستان

«عرسارث» نام منطقه‌ای است که در کتاب مقدس آمده است و «بلیو» منطقه فوق را به نشیمند هزاره‌ها تطبیق نموده است.[۴] غلام محمّد غبار وقتی هجوم کوروش به افغانستان (۵۳۹ ق.م) را شرح

---

۱. بصیر احمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، قم، مؤلف، چ ۱، ۱۳۷۱، ص ۱۶۶-۱۶۵.

۲. همان، ص ۳۱۰. ۳. همان، ص ۳۰۷.

۴. حاج کاظم یزدانی، پژهشی در تاریخ هزاره‌ها، پیشین، ج ۱، ص ۲۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌دهد از هزارستان به نام «ستاگیدیا» یاد می‌کند.[۱] از گفتار مرحوم غبار می‌توان استفاده کرد که ۵۳۹ سال قبل از میلاد هزاره‌جات به ستاگیدیا یاد می‌شده است. البته مرحوم غبار در این باره مثل خیلی از مطالب دیگر کتابش از هیچ منبعی نام نمی‌برد. در قرن دوّم میلادی جغرافیانویس یونانی، بطلیموس از هزاره‌جات به نام «پاروپایزوس» یاد کرده است.[۲] از دیگر نام‌های هزاره‌جات زابلستان بود. چنانچه حاج کاظم یزدانی در این مورد می‌نویسد: **«زابلستان جامع‌ترین نام برای هزاه جات بوده است.»**[۳] سیّد عسکر موسوی اولین نام هزارستان را «بربرستان» می‌داند و پس از آن به نام غرجستان یاد شده است.[۴]

یزدانی در مورد نامگذاری هزارستان به غور و غرجستان می‌نگارد:

«مشهورترین نام هزاره‌جات در دوران اسلامی «غور» و «غرجستان» بوده است. این نام از همان اوایل قرن هجری و شاید پیش تر از آن تا چند قرن بعد به سراسر هزاره‌جات گفته می‌شد؛ اما امروز، دایره‌ی آن محدود گردیده و فقط به ولایت غور فعلی اطلاق می‌شود.»[۵]

کتاب «حدود العالم» حدود سال ۳۷۲ هـ نوشته شده است، از هزاره‌جات به غرجستان نام برده:

«غرجستان ناحیه‌ایست قصبهٔ اوشین، مهمتر این ناحیت را شار خوانند. و همه کوه است و مردمان این ناحیت مردمانی‌اند سلیم».[۶]

در این که غور و غرجستان یا غرشستان یک ناحیه بوده یا دو تاست، سخنان جغرافیانویسان متفاوتند. از برخی یکی و از برخی دیگر استفاده می‌شود که غور و غرجستان دو منطقه از هم جدا بوده. یاقوت حموی (۶۲۶ هـ) جز این گروه است، غور را جز ولایت هری می‌داند و مرکز آن را «فیروزکوه»؛ ولی غرشستان را **«ولایة برأسها؛ ولایت مستقل»** می‌داند، محدودهٔ غرجستان را وقتی حموی می‌نویسد[۷]

---

۱. غلام محمّد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲. حاج کاظم یزدانی، پژهشی در تاریخ هزاره‌ها، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳. همان، ص ۲۱۰.

۴. سیّد عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، پیشین، ص ۷۳.

۵. حاج کاظم یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها، ج ۱، پیشین، ص ۲۱۰.

۶. منوچهر صبوری، حدود العالم، تهران، کتابخانه طهوری، چ ۱، ۱۳۶۲، ص ۹۳.

۷. یاقوت بن عبدا... حموی، معجم البلدان، ج ۴، بیروت، داراحیا التراث العربی، ۱۳۹۹ ش، ص ۲۱۸ و ۱۹۴ (حرف غ).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

به هزارستان کنونی تطبیق می‌کند. از بیان وی مفهوم می‌گردد که غور غیر از غرجستان (غرشستان) است. محمّد بیهقی (قرن چهارم) از هزارستان کنونی به «غور» یاد کرده است، او هجوم مسعود غزنوی را به غور شرح می‌دهد و از پیروزی مسعود سخن گفته، می‌نگارد: **«اندر اسلام و کفر هیچ پادشاه بر غور چنان مستولی نشد که سلطان شهید مسعود.»**(۱)

مدت زیادی هزارستان به نام غور و غرجستان یاد می‌شد، در همین زمان بربرستان نیز می‌گفته. در اشعار ابوالقاسم فردوسی، فرخی سیستانی و دقیقی بلخی از این منطقه به وفور، بربرستان و از مردم آن به «بربر» یاد شده‌اند و این نام زمانی که اسکندر به افغانستان حمله کرد و با مقاومت سخت از طرف ساکنان هزاره‌جات مواجه شد، به جا ماند. مقاومت سخت مردم موجب خشم شدید اسکندر شد لذا نام بربر بر آن مردم نهاد.(۲)

۳ - ۶. محدودهٔ قبلی هزارستان

هزاره‌جات کنونی خیلی محدودتر از زمان‌های گذشته است؛ فعلاً منطقه کوچک کوهستانی مرکزی افغانستان را تشکیل می‌دهد. محدوده هزاره‌جات در دورانهای مختلف کاهش قابل توجّه‌ی پیدا کرده است. بیشترین کاهش هزارجات مربوط می‌شود به سالهای ۱۸۹۱ تا ۱۸۹۳ زمان حاکمیت عبدالرحمان و جنگ افغانها با هزاره‌ها و عمدتاً منطقه‌ی جنوب هزاره‌جات نواحی غزنی و ارزگان و قره باغ و... از دست هزاره‌ها بالاجبار گرفته شده‌اند و هزاره‌ها یا کشته شدند یا به بردگی کشیده شدند و یا از منطقه شان اخراج گردیدند. زمین هایشان را افغانها مخصوصاً چادرنشینان تصرف نمودند. از طرف غرب نیز هزاره‌جات کاهش پیدا نمود. ایماق‌ها خصوصاً «فیروزکوهی‌ها» قسمتی از سرزمین هزاره‌ها را متصرف شدند، ولی نسبت به جنوب هزاره‌جات قابل توجّه نبود.(۳)

---

۱. محمّد بیهقی، تاریخ بیهقی، تهران، بانک ملی ایران، چ ۱، ۱۳۲۴ ش.

۲. گروهی از نویسندگان، تمدّن ایرانی، پیشین، ص ۴۳۹؛ جلال الدین صدیقی، هزاره‌ها، تاریخ، زبان و فرهنگ، فصل نامه سراج، شماره‌ی ۱۸، سال ششم، قم، پاییز ۱۳۷۸، ص ۱۸۰.

۳. عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، پیشین، صص ۸۳ و ۸۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تیمور خانف که به منابع زیاد دست اوّل و دست دوّم، دسترسی داشته در مورد کاهش هزاره‌جات می‌نویسد:

«مساحت هزاره‌جات در قرن نوزده فشرده‌تر و کوچک‌تر شده رفت، و براساس محاسبات ما که از منابع متفرق خارجی در این مورد گردآوری شده است، تا صد الی یکصد و پنجاه هزار کیلومتر مربع تقلیل داده شده است؛ مثلاً در سالهای بیستم قرن نوزده در «دره میدان» مشترکاً هم هزاره‌ها و هم تاجیک‌ها زندگی می‌کردند ولی در سالهای هفتاد قرن نوزده، هزاره‌ها کاملاً در نتیجه مهاجرت افغانها به آن منطقه از بین رفتند.»(۱)

دیدگاه فوق از سوی یک محقق روسی زبان براساس اطلاعات و تحقیقاتی که داشته ابراز شده است. حاج کاظم یزدانی محقق ژرف نگر، مناطق زیادی را در جنوب و جنوب شرقی و غرب هزاره‌جات نام می‌برد که زمانی از هزاره‌ها بوده، در اثر برخورد تبعیض‌آمیز حاکمان گذشته از دست هزاره‌ها خارج شده است. وی مدعی است مناطق چون:

«بهسود مشرقی، خرد کابل، چهارده کابل، تنگی للندر، ارغنده، میدان شاه، نرخ، جلریز، تکانه، تمام مناطق وردک، بعضی از نقاط لوگر، نقاطی از گردیز، بعضی از نقاط وزیرستان، قسمتهایی از کتواز، ولایت زابل فعلی، قلات، مقر، شهر غزنی، شهر قندها، حتی دهکده‌های در جنوب قندهار، ارغنداب، دهله، شاه جوی، خاکریز، شاه مقصود، بُست، گرشک، بعضی از نقاط ولایت هلمند، بعضی از دهات فراه، زمین داور، تمام ولایت ارزگاه به شمول اجرستان و چوره، خاص ارزگان، قسمت هایی از ولایت غور تا سر حد هرات، نقاط از هرات، غوریان، قسمت هایی از بادغیس و قلعه‌ی نو، بعضی از نقاط میمنه، قسمت‌هایی از سنگچارک، نواحی ای در دولت آباد، نقاطی از ولایت قندوز، قسمت‌های ازخلم، قرائی در خان آباد، بعضی از مناطق بدخشان، دهاتی از دره غوربند، اندراب، تاله و برفک، دره کیان، بعضی از دره‌های پنج شیر، بدرا و کاپیسا و دهاتی در شمالی محل سکونت هزاره‌ها بوده

---

۱. تیمورخانف، تاریخ ملی هزاره، پیشین، ص ۶۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

است.»[۱]

نویسنده یاد شده ارائه شواهد تاریخی را، مبنی بر اینکه مناطق یاد شده، زمانی از هزاره‌ها بوده به اثر دیگرش حواله می‌دهد و مدعی است در آن اثر شواهد کافی ارائه شده است. متأسفانه نویسنده این سطور به آن اثر دسترسی نداشت، تا اندکی از آن شواهد را می‌آورد. البته اثار تاریخی مثل قبرستان، قنات، و اسمهای مکانها که به جا مانده کاملاً گواهی می‌دهد که منطقه‌های کامل ارزگان و قسمت‌های از نواحی قندهار و بعضی از مناطق بدخشان و قسمت‌های زیاد از ولایت غور تا سر حد هرات از هزاره‌ها بوده است.[۲]

آقای یزدانی در مورد کاهش بیش از نصف هزاره‌جات می‌نویسد:

«هزاره‌جات امروز به شمول دره صوف و بلخاب، شاید از هفتاد هزار کیلومتر مربع تجاوز نکند و حال آن که در گذشته تا حدود دوصد هزار کیلومتر مربع وسعت داشته است.»[۳]

حسن پولادی از «لیچ» که اواسط قرن نوزده بیشتر مناطق هزاره‌جات را دیده، اینگونه نقل می‌کند:

«من [لیچ] معتقدم که هزاره‌ها در همین دوران نسبتاً اخیر، شاهراه کابل به قندهار و هرات را در اختیار داشتند. نام خیلی از روستاهای مجاور شهر قندهار، ثابت می‌کند که هزاره‌ای مؤسس آن بوده است و قبر یکی از نیاکان آنها، چوپان، در کنار مسیر شهر قندهار به هرات، نزدیک شهرک گریشک قرار دارد که امروز به نام خاک چوپان معروف است.»[۴]

آقای پولادی نیز بر این باور است که **«در بین نواحی جنوبی هزاره‌جات، قره باغ و مقر زمانی به طور تمام و کمال در اختیار هزاره‌ها بود.»[۵]**

در مورد کاهش هزارستان از طرف جنوب شیر محمّد خان ابراهیم زی، پژوهشگر افغان، در مورد

---

۱. حاج کاظم یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۱۱.

۲. همان. ۳. همان، ص ۲۱۱.

۴. حسن پولادی، هزاره‌ها، ترجمه‌ی علی عالمی کرمانی، تهران، عرفان، چ ۱، ۱۳۸۲، ص ۸۴.

۵. همان، ص ۸۵.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

منشأ نژدای هزاره‌ها سخنی از مصنف «حیات افغان» نقل می‌کند، آنگاه خود می‌نویسد:

«و از این سخن مستفاد شده که قبل از خروج افغان بر غزنی و دیگر اقطاع جنوبی، هزاره نیز سوای تاجیک قابض بودند که اوشان را افغان [پشتون] تدریجاً طرف هزارستان کشیدند.»(۱)

این سخن اعترافی است که کمتر محققان پشتون ابراز می‌دارند.

محقق دیگر در مورد دامنه‌ی کاهش هزاره‌جات و پیامد آن چنین می‌نگارد:

«از دهه ۱۸۹۰ م. سرزمین‌های موطن هزاره‌ها به طور مکرر در معرض حملات اشغال کوچی‌های پشتون قرار می‌گرفت و آنها این زمین‌های قابل کشت را اغلب به عنوان مرتع حیوانات خود اشغال می‌کردند این موضوع البته نتیجه مستقیم اجرای سیاست «جمعیت زدایی» در هزاره‌جات توسط حکومت‌های متوالی تحت کنترل افغان‌ها بود. این سیاست پیامد دوگانه‌ای داشت: از یک طرف منجر به کاهش ابعاد سرزمین هزاره‌ها شد و از طرف دیگر مهاجرت این مردمان به شهرها و در نتیجه کاهش بازدهی کشاورزی جوامع هزاره را به دنبال آورد.»(۲)

سخن در مورد اشغال سرزمین‌های هزاره‌ها به وسیله همسایگان جنوبی و جنوب شرقی و غربی و پیامدهای ناگوار آن بسیار است و خود نیاز به تحقیق جداگانه دارد، به خاطر جلوگیری از طولانی شدن مطلب به همان اندازه اکتفا می‌کنیم، تحقیق در آن موضوع باشد برای زمان دیگر.

٤ - ۶. موقعیت جغرافیایی کنونی هزارستان

در مورد حدود هزارستان، ریاضی هروی می‌نویسد: بربرستان (هزارستان کنونی) مملکتی است در وسط افغانستان اتفاق افتاده از طرف شرق به کابل و غرنین و از طرف سمت شمال به ترکستان ازیک و از جانب جنوبی به قندهار و وزیرستان و از حد غربی به فراه و هرات محدود است.(۳) آنچه در بیان

---

۱. شیر محمّد خان ابراهیم زی، تواریخ خورشید جهان، پاکستان، چ ۱، ۱۳۱۱، ص ۳۱۵.

۲. سیّد عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، پیشین، ص ۱۰۰.

۳. محمّد یوسف ریاضی هروی، عین الواقع، به کوشش محمّد آصف فکرت، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی، چ ۱، ۱۳۶۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و ۰ تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ریاضی آمده است کلّی می‌باشد، دقیق قدم به قدم محدودهٔ هزاره‌جات را بیان نکرده است.

لعلی، نویسندهٔ هزاره، خود بزرگ شدهٔ هزار جات است و جای جای هزارستان را می‌داند. در مورد موقعیت جغرافیایی کنونی هزارستان، ما از کتاب ارزشمند وی استفاده می‌کنیم.

محدودهٔ شرقی

ولایت‌های کابل، کاپیسا، لوگر، غزنی و پروان در شرق هزارستان واقع شده. اما جزئیات محدوده‌های مرزی در ولایات یاد شده از کابل به کوه‌های پغمان و دو راهی میدان شهر محدود می‌شود؛ در قسمت ولایت کاپیسا چند ناحیه مسکونی است مربوط به ولسوالی (شهرستان) پنج شیر در ولایت پروان به شهرستان چهارده غوربند و چند منطقه دیگر محدود می‌شود. در استان غزنی انتهای هزاره‌جات به جاده اسفالت کابل - قندهار محدود می‌گردد.

محدودهٔ شمالی

هزارستان از طرف شمال محدود به آستان‌های: بلخ، سمنگان، جوزجان و فاریاب است. در بسیاری از استان‌های یاد شده خصوصاً بلخ، سمنگان و جوزجان هزاره‌ها فراوان وجود دارند، در شهر مزار شریف بیش از نصف جمعیت شهر را هزاره‌ها تشکیل می‌دهند. (۱)

محدودهٔ جنوبی

از طرف جنوب هزارستان منتهی به استان‌های زابل، قندهار و هلمند می‌شود و محدودهٔ دقیق مناطق دای چوپان، یغران، کجران و انتهای گیزاب محدوده هزاره‌جات به حساب می‌آید.

ص ۲۰۸.

۱ . این مطلب مبالغه‌آمیز است. شاید یک سوّم جمعیت مزار شریف را هزاره‌ها تشکیل دهند. دولت آبادی.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

محدودهٔ غربی

استان‌های غور و بخشی از آستان هلمند و فاریاب غرب هزاره‌جات را احاطه کرده است. حد دقیق آن از آستان غور محدود به «پشت لور»، «شینیه» و در آستان هلمند به باغران محدود می‌شود.(۱) آنگونه که نگاشته شد هزاره‌جات در طول تاریخ خصوصاً زمان حاکمیت عبدالرحمان کاهش یافته است. ما در بخش بعد (مساحت هزاره‌جات) از آن بحث خواهیم کرد. که بیش از نصف هزارستان کاهش یافته است. هزاره‌جات دارای کوه‌های مرتفع می‌باشد، از بامیان به سمت غرب کوه بابا تا دو صد کیلومتر ادامه یافته و به کوه‌های «سفید کوه» و «سیاه کوه» پیوسته و از جانب شمال به «تیرینند ترکستان» متصل است. بسیاری از رودهای کوچک و بزرگ افغانستان از مناطق هزارستان سرچشمه می‌گیرند. مثل رود: هلمند، هریرود، کابل، مرغاب، ارغنداب و خاشرود. معادن گران قیمت در خاک هزاره‌ها سر به مهر موجود است.(۲)

آب هوای هزاره‌جات به استثنای بدخشان، نسبت به سایر مناطق افغانستان سرد است. در فصل زمستان معمولاً کوههای هزاره‌جات پر از برف بوده و گاه راه‌های مواصلاتی قطع می‌شوند. سردی هوا از برج میزان (مهر) معمولاً شروع شده تا حمل (فروردین) ادامه می‌یابد.

۵ - ۶. مساحت قبلی وکنونی هزارستان

وقتی از کاهش هزارستان بحث نمودیم، نوشته شد که هزارستان کاهش قابل توجّهی در قرن نوزدهم پیدا کرده است. به اعتراف محقق هزاره شناس، تیمورخانف ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار کیلومتر تقلیل یافته است. ملا محمّد افضل ارزگانی درکتاب خودکه سال ۱۳۳۲ هـ ق (۹۴ سال قبل) نوشته شده در مورد مساحت هزارستان می‌گوید: **«مملکتی است عریض و وسیع... طول بیست منزل و عرض پانزده منزل»**(۳) هر منزل حدود ۱۷۲۵۰ متر است. بنابر این ۱۵ × ۲۰/..... × ..... = ...کیلومتر مربع است.

---

۱ . علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، پیشین، ص ۱۰۸.
۲ . تیمورخانف، تاریخ ملی هزاره، پیشین، ص ۶۱.
۳ . محمّد افضل ارزگانی، مختصر المنقول، پیشین، ص ۸۵.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بعد از ارزگانی، فیض محمّد کاتب هزاره، در مورد مساحت هزارستان می‌نویسد: **«مملکت مملوکه افغانستان ایشان [هزاره ها] در هر یک از طول و عرض ۲۵۰ میل [است].»**(۱)

آقای حسن عمید در مورد میل می‌نویسد: **«میل مقیاس طول که اندازه آن مختلف است. میل انگلیسی ۱۶۰۹ متر»**(۲)

با توجّه به اینکه در زمان مرحوم کاتب، انگلیسی‌ها در افغانستان سلطه داشته‌اند می‌توان گفت که مراد میل انگلیسی باشد.

۲۵۰ × ۲۵۰ = ۶۲۵۰۰ میل یا ۲۵۰ Km ۴۰۲ ضرب در ۴۰۲ km ۲۵۰ متر، مساوی ۱۶۱ هزار و ۶۶۸ km، ۵۰۰ متر که تقریبا ۱۶۲ هزار کیلومتر مربع طبق بیان کاتب، هزارستان مساحت دارد. تفاوت بیان کاتب با ارزگانی حدود ..... است. مساحت بیان شده را با مساحت فعلی هزارستان که از سوی دولت سال ۱۳۴۹ ش منتشر شده است مقایسه می‌کنیم. در سال یاد شده مساحت هزاره‌جات «بیش از ۸۶ هزار کیلومتر مربع» (۳) ذکر شده. ارقام کاتب قبل از کاهش هزاره‌جات است و ارقام دولت مساحت کنونی هزاره‌جات.

در صورت که **۸۶ از ۱۶۲** کیلومتر مربع منها شود، باقی ماند **۷۵ هزار کیلومتر مربع** است و این تفاوت فاحش را نشان می‌دهد ؛ یعنی تقریباً نصف هزاره‌جات امروز در اختیار هزاره‌ها نیست، در زمان‌های مختلف خصوصاً زمان حکومت عبدالرحمان خان نصف دیگر سرزمین هزاره‌ها از دست شان گرفته شده، آنان را از سرزمین شان رانده‌اند. تیمور خانف که به منابع متفرق خارجی دسترسی داشته مدعی است که **« ۱۰۰ الی ۱۵۰ هزار کیلومتر مربع، سرزمین هزاره‌ها اوایل قرن نوزدهم تقلیل یافته است.»**(۴) چنانچه قبلاً نیز آوردیم.

---

۱. فیض محمّد کاتب هزاره، نژاد نامه افغان، پیشین، ص ۱۴۰. ۲. حسن عمید، فرهنگ عمید، دو جلدی، ج ۲، حرف م.

۳. سیّد محمّد حسین فرهنگ، جامعه‌شناسی و مردشناسی شیعیان افغانستان، قم، مؤسسه آثار پژوهشی امام خمینی (ره)، چ ۱، ۱۳۸۰، ص ۹۶. ۴. تیمورخاف، تاریخ ملی هزاره، پشین، ص ۶۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) : از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۷. جمعیت هزاره‌ها

از آن جاکه در افغانستان در طول حیات سیاسی و اجتماعی اش، آمار دقیق از جمعیت این کشور ارائه نشده است، آمارها چه آنهاکه از سوی حاکمان افغانستان بیان شده و چه آنهاکه از طرف مجامع بین المللی ارائه گردیده است بیشتر در حد حدس و گمان و تقریب بوده، تا امار واقعی و دقیق.

طبعاً هزاره‌ها که بخشی بزرگ از ساکنین افغانستان هستند، نیز آمارشان دقیق و واقعی نبوده، غالباً در حد گمان و تخمین بیان می‌شود؛ خصوصاً که نسبت به هزاره‌ها ملاحظات سیاسی هم وجود داشته، لذا آمارهای ارائه شده در مورد هزاره‌ها چه بسا بر خلاف واقعیات موجود باشد. حاکمان افغانستان از اینکه نفوس واقعی هزاره‌ها بیان شود چندان رضایت نداشتند و منابع خارجی نیز از همان آمارهای ناقص حکومت‌های وقت پیروی کرده‌اند. یکی از کسانیکه (اندخویی) سالهای زیاد در قسمت آمار نفوس افغانستان کار کرده است مدعی است که ارائه نکردن آمار دقیق از اقوام به خاطر حفظ وحدت ملی بوده است.[۱] ولی خبرگان سیاسی مخالفان حکومت، معتقدند که ارائه نکردن آمار دقیق از تمام اقوام ساکن در افغانستان به خاطر زیاد نشان دادند قوم حاکم بوده است؛[۲] نه حفظ وحدت ملی، اگر آمار دقیق از اقوام ارائه می‌شد، دیگر مسأله اکثریت و اقلیت نژادی در افغانستان مطرح نبود، چون ما در افغانستان قومی که اکثریت را تشکیل دهد، نداریم و آمارهایی که از سوی سازمانهای بین المللی تهیه شده است، این مدعا را تأیید می‌کند. بنابراین مشکل اوّل در آمار دقیق مردم افغانستان عموماً، هزاره‌ها خصوصاً، حکومت افغانستان بوده است، چون حکومت‌ها در افغانستان جنبه‌ی قومی داشته تا ملی. این حرفی است که بسیاری از آشنایان به مسایل سیاسی افغانستان می‌زنند. [۳]

مشکل دیگر در آمار نفوس هزاره‌ها، پراکندگی هزاره‌ها در غیر هزاره‌جات است. کابل، صفحات شمال، هرات، قندهار، پنج شیر، بادغیس، بغلان و... از جمله مناطق است که هزاره‌ها در آن بود و باش دارند و جمعیت انبوه از مردم آن شهرها (خصوصاً کابل، هرات و صفحات شمال) را تشکیل می‌دهند. علاوه بر آن به دلیل سلطه سیاسی - اجتماعی پشتونها، به خاطر رهایی از تبعیض‌های اجتماعی -

---

۱. بصیر احمد دولت آبادی، هزاره‌ها، پناه گزیز و کتمان هویت، قم، هفته نامه‌ی وحدت، چ ۱، ۱۳۷۸، ص ۱۲۵.

۲. همان.

۳. سیّد عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، پشین، ص ۹۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۶۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سیاسی، بسیاری از هزاره‌ها مذهب تشیع و ملیت خودشان را تغییر داده‌اند. در موارد زیاد هزاره‌ها اسم فرزندان شان را اسم‌های پشتونی می‌گذاشته **«در بهسود چندین گواهی تولد نوزاد هزاره را دیدم [سیّد عسکر] که در قسمت مربوط به ملیت، تاجیک، ازبک و حتی افغان آمده بود.»**[۱] چنانچه در زمان مهاجرت افغانستانیها به ایران، بسیاری از برادران غیر هزاره اسم‌های شان را به اسم هزارگی تغییر می‌دادند. نام‌های: محمّد علی، علی حسین، علی داد، خدا داد، سخی داد، قنبر علی، حسن علی، کلب عباس، کلب حسین، غلام سخی و... برای شان می‌نهادند.[۲]

مانع دیگر **«روحیه فرار از مالیات و سربازی»** هزارها بود.[۳]

علاوه بر موانع فوق مانع دیگر مهاجرت قابل توجّه هزاره‌ها در دهه نود قرن نوزدهم به کشورهای خارج، مثل ایران، هند (کویته فعلی) و ترکستان روسی می‌باشند. البته سیاست نسبتاً ملایم فرزند عبدالرحمن ز عفو عمومی نسبت به هزاره‌ها در ۱۷ دسامبر ۱۹۰۴ موجب شد، عده زیادی از مهاجران هزاره به افغانستان برگردند **«تقریباً پنج هزار خانه از ایران»** به افغانستان بازگشتند و در حدود همین عدد خانه در ایران ماندند. قسمت عمده هزاره‌هایی که در هند برطانیوی (کویته پاکستان کنونی) در زمان جمعیت زدایی هزاره‌ها به وسیله عبدالرحمان خان مهاجرت کرده بودند به کشورشان بازنگشتند.[۴] و امروز هزاره‌ها در کویته پاکستان و خاوریها در خراسان ایران جمعیت قابل توجهی دارند و تابعیت کشورهای یاد شده را قبول کرده‌اند. این گروه از هزاره‌ها، خصوصاً هزاره‌های خراسان ایران که نام شان به خاوری تغییر یافته، با هزاره‌های داخل افغانستان ارتباط سیاسی - اجتماعی ندارند.

شاید موانع یاد شده، در صورت خوشبین بودن، موجب شده که بسیاری از آمارهایی که به وسیله غیر هزاره‌ها چه در داخل افغانستان و چه در خارج افغانستان بیان شده است نفوس هزاره‌ها را اندک ذکر کرده‌اند و شاید هم مسائل دیگر در کار بوده. در هر صورت ما چند نمونه را می‌آوریم. ابتدا از همسایه غربی افغانستان، جمهوری اسلامی ایران که با هزاره‌ها هم زبان و هم مذهب است چند نمونه

---

۱. همان، ص ۹۶.

۲. نویسنده سالهای ۱۳۷۶ - ۱۳۷۵ در اصفهان (فلاورجان) و تهران از موارد فوق زیاد مشاهده کردم و خیلی از همشهری‌ها که با برادران اهل سنّت یک جا کار می‌کرده‌اند، این مطلب را تصدیق می‌کنند.

۳. سیّد محمّد حسین فرهنگ، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان، پیشین، ص ۲۲۰.

۴. تیمور خانف، تاریخ ملی هزاره، پیشین، ص ۲۷۳ و ۲۷۵ و ۲۷۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌آوریم:

۱. **جهان اسلام**، ج ۱: پشتونها ۶۰ ٪؛ تاجیک‌ها ۳۰ ٪؛ هزاره‌ها ۳ ٪؛ حدود یک میلیون؛ ازبک‌ها ۵ ٪. البته نویسنده جهان اسلام از اقوام دیگر هم نام می‌برد ولی فعلاً به آن کار نداریم.[۱]

۲. **اطلس کامل گیتاشناسی سال ۱۳۷۳**: پشتو ۴۳ ٪؛ تاجیک ۲۸/۵ ٪؛ هزاره ۷/۸ ٪؛ ازبک ۱/۳ ٪؛ کل جمیعت ۱۶ میلیون و نه صد هزار نفر؛[۲]

طبق این سند پشتون‌ها ۷,۲۶۸,۰۰۰ نفر می‌باشند؛ نویسنده از اقوام دیگری ساکن در افغانستان نام نبرده است.

۳. **جغرافیای نظامی افغانستان**:[۳] این کتاب سال ۱۳۰۹ ه.ش در تهران به چاپ رسیده است. تمام نفوس افغانستان را شش میلیون می‌داند، در مورد جمعیت اقوام می‌گوید: افغانهای سرحد (پاکستان) و داخلی ۲,۵۰۰,۰۰۰ نفر؛ تاجیک ۱,۸۰۰,۰۰۰ نفر؛ هزاره ۶۵۰,۰۰۰؛ قزلباش ۲۵,۰۰۰ نفر، کافرستان ۱۵۰,۰۰۰ نفر؛ ترکمان ازبک و سایر اقوام ۸۷۵,۰۰۰ نفر می‌باشند.

در آمار ارائه شده، افغانهای پاکستان نیز آمده است، اگر نصف افغانها را پاکستانی بدانیم، افغانهای داخل افغانستان ۱,۲۵۰,۰۰۰ نفر خواهد بود، در ضمن طبق آمار فوق حدود نزدیک به ۱۴ ٪ از نفوس آن زمان هزاره بوده؛ با این توضیح ۶,۰۰۰,۰۰۰ نفر، ۱,۲۵۰,۰۰۰ افغانهای داخل پاکستان کم می‌شود باقی مانده ۴,۷۵۰,۰۰۰ نفر است و هزاره‌ها حدود ۱۴ ٪ از این عدد را تشکیل می‌داده.

۴. **دائرة المعارف تشیع**: درکتاب یاد شده جمعیت افغانستان ۱۶,۰۲۶,۸۶۱ نفر بیان گردیده، نفوس هزاره‌ها بیش از یک میلیون،[۴] مابیش از یک میلیون را، یک میلیون دویست هزار حساب می‌کنیم بنابراین طبق بیان فوق ۷ ٪ نفوس افغانستان را هزاره‌ها تشکیل می‌دهند.

۵. **دائرة المعارف فارسی**:[۵] در این نوشته اندک بیش از نصف افغانستان را پشتون می‌داند و چند قوم، مثل تاجیک، اُزبک، تُرک و هند نام می‌برد اما از قوم هزاره که چندین برابر ازبک و هندو است

---

۱. مرتضی اسعدی، جهان اسلام، ج ۱، تهران، مرکز دانشگاهی، چ ۱، ۱۳۶۶، ص ۶۸.

۲. سیعد بختیاری، اطل کامل گیتاشناسی، س. ج و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران، چ ۵، ۱۳۷۳، ص ۱۳.

۳. سرهنگ علی خان کریم قوانلو، جغرافیای نظامی افغانستان، تهران، نشریات مدارس نظام، چ ۱، ۱۳۰۹ ش، ص ۱۳.

۴. احمد صدر جوادی و گروهی، دائرة المعارف، ج ۲، تهران، بنیاد خیریه فرهنگی شطّ، چ ۲، ۱۳۷۲، ص ۲۹۰.

۵. غلام حسین مصاحب و جمعی، دائرة المعارف فارسی، ج ۱، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های حبیبی، چ ۳، ۱۳۸۱، ص ۱۷۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) . از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط تندنی است.

اصلاً نام نمی‌برد. مگر اینکه مراد از ترک در بیان وی هزاره‌ها را بدانیم، و اینکه مراد نویسنده از ترک هزاره‌ها باشد بعید است؛ چون نویسندگان ایران معمولاً هزاره‌ها را مغول می‌دانند.

۶. **افغانستان**: و معاونت آموزشی و پژوهشی وزارت خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۷۲ کتابی به نام «افغانستان» به نشر سپرد؛ صرف نظر از نکات مثبت و منفی که در این کتاب وجود دارد، از بسیاری کتاب‌های که به وسیله برادران ایرانی در مورد مسائل افغانستان نوشته شده است، این کتاب به واقعیات مسائل افغانستان نزدیک‌تر است. در این کتاب در ارتباط جمعیت اقوام ساکن در افغانستان می‌نویسد:

«پشتون ۶ تا ۶/۵ میلیون نفر، تاجیک سه تا چهار میلیون نفر، هزاره سه تا چها میلیون نفر، ازبک یک تا دو میلیون نفر، فارس ششصد هزار نفر، آیماق هشتصد هزار نفر، قزلباش صدوبیست و پنج هزار تا ششصد هزار نفر، ترکمن دو صد هزار تا چهار صد هزار نفر، براهویی دوصد هزار نفر، نورستانی صد هزار نفر، بلوچ هفتاد هزار تا صد هزار نفر.»[۱]

۷. **دانشنامه ادب فارسی ج ۳ - ادب فارسی افغانستان**: در این کتاب از اقوام مختلف ساکن در افغانستان، ۲۱ قوم نام برده شده است، ما فقط آمار چهار قوم بزرگ و تأثیر گذار در مسائل سیاسی ـ اجتماعی افغانستان را می‌آوریم:

پشتون ۴,۸۰۰,۰۰۰ نفر، تاجیک ۳,۵۰۰,۰۰۰ نفر، هزاره ۱,۰۰۰,۰۰۰، ازبک ۱,۰۰۰,۰۰۰ نفر.[۲] موارد یاد شده آماری است که در مورد نفوس مردم افغانستان عموماً و هزاره‌های افغانستان خصوصاً بیان گردیده است. در نمونه‌های یاد شده جز دو مورد (علی آبادی و علی خان کریم قوانلو) باقی جمعیت مردم هزاره را از یک میلیون بیشتر نگفته‌اند. این در حالی است که در زمان مهاجرت مردم افغانستان به ایران، نفوس مهاجران ۲,۵۰۰,۰۰۰ و بیش از آن ذکر شده است و حداقل کمتر از یک میلیون آن را هزاره‌ها تشکیل می‌دهند؛ چون $\frac{1}{3}$ مهاجران در ایران هزاره‌ها هستند. **«بعد از اشغال نظامی روسیه تنها شیعیان (= هزاره‌ها) که به ایران و پاکستان هجرت کرده‌اند بیش از دو میلیون می‌باشند. چه رسد از چندین میلیون دیگر که در داخل میهن با کفر روسی در جهادند.»**[۳] البته می‌دانیم بیشتر هزاره‌ها و شیعه‌ها به ایران

---

۱. علیرضا علی آبادی، مباحث کشورها ۶۱، افغانستان، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چ ۱، ۱۳۷۲، ص ۱۳.

۲. سرپرستی حسین انوشته، دشنامه ادب فارسی، ج ۳ - ادب فارسی افغانستان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد و معاونت امور فرهنگی، چ ۱، ۱۳۷۸، ص ۲۰۴.

۳. فهمی هویدی، افغانستان سقف جهان، ترجمه و پاورقی سرور دانش، قم، ناشر مترجم، چ ۱، ۱۳۶۴، ص ۱۶۴، (پاورقی مترجم).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آمدند تا پاکستان.

چند نمونه دیگر از نویسندگان غیر افغان و غیر ایرانی می‌آورم تا بیشتر مبین گردد که موانع یاد شده قبل از این و یا موانع دیگر چه گونه دست به دست هم داده و موجب وارونه نشان دادن واقعیت گردیده است.

۱. افغانستان سقف جهان: نویسنده کتاب، یک خبرنگار مصری است، زمان کودتای کمونیستی در افغانستان وارد این کشور گردید. او عنوان جداگانه برای نفوس اقوام در افغانستان در کتابش باز نکرده است ولی آنگاه که مزار شریف، مرقد منسوب به امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (عَلَیهِ السَّلام) را شرح می‌دهد، می‌نویسد: **«شیعیان افغانستان خیلی در اقلیت هستند؛ زیرا از بین ۱۵ میلیون نفوس افغانستان یک میلیون و نیم آن شیعه است.»**[۱]

معمولاً در افغانستان هزاره‌ها با شیعه هم نام است. گر چه تمام هزاره‌ها شیعه نیستند و تمام شیعه‌ها هزاره، روی هم رفته با تسامح ما عدد یاد شده را جمعیت هزاره‌ها از دید «هویدی» می‌دانیم.

۲. هزاره‌ها و هزارستان: کمیسون سرحدی افغانستا و انگلیس سالهای ۱۸۸۹ - ۱۸۷۸ م. به وسیله پی. جی. متیلند گزارشی از هزاره‌جات تهیه نمود و اطلاعات را در مورد هزاره و سرزمین شان فراهم ساخت، در این کتاب جمعیت هزاره‌ها ۱,۵۰۰,۰۰۰ نفر ذکر شده است.[۲]

۳. افغانستان: محمود شاکر نویسنده عرب در مورد نفوس چهار قوم بزرگ می‌نویسد: پشتون ۶۰ ٪، تاجیک ۳۰ ٪، ازبک ۵ ٪، هزاره‌ها حدود ۶۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت دارند.[۳]

۴. سرزمین و مردم افغانستان: کلیفور از ده یازده قوم در افغانستان نام می‌برد اما در مورد نفوس هزاره‌ها می‌نگارد که جمعیت آنان سال ۱۹۷۰ / ۱۳۵۰ حدود هشصد هزار نفر می‌باشد.[۴]

۵. افغانان - جای، فرهنگ، نژاد: الفنستون اسکاتلندی زمان حکومت شاه شجاع (۱۸۰۸ م) به افغانستان سفر نموده، حدود نه ماه در این سرزمین می‌ماند و از قسمت‌های مختلف افغانستان از جمله

---

۱. همان، ص ۱۳۴.

۲. پی. جی. مینلند، هزاره‌ها و هزارستان، ترجمه محمّد اکرم گیزابی، پاورقی حاج کاظم یزدانی، قم، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، چ ۱، ۱۳۷۶، ص ۳۱.

۳. محمو شاکر، افغانستان، ترجمه کانون مهاجر، قم، کانون مهاجر، بی تا. ص ۳۹.

۴. مری لوئیس کلیفورد، سرزمین و مردم افغانستان، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، ص ؟؟

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹۰/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هزاره‌جات دیدن کرده او در مورد نفوس هزاره‌ها می‌نویسد: «**تصور نمی‌کنم از سیصد هزار تا ۳۵۰,۰۰۰ بیشتر باشد.**»[۱]

۶. **انکشاف ولایات مرکزی (هزاره‌جات)**: کتاب یاد شده به وسیله «ووالله» فرانسوی تهیه شده، و دولت در آن گزارش کاملاً نظارت داشته است. زمان گزارش ۱۹۷۱ بوده. ووّاله نفوس هزاره‌های که در مناطق مرکزی بود و باش دارند بدون هزاره‌های شمال و کابل و هرات ۱,۲۰۰,۰۰۰ نفر ذکر می‌کند.[۲]

۷. **دائرة المعارف السلامیه الشیعیه**: در این دائرة المعارف بزرگ شیعی آمده است: افغان (پشتون) ۶۰ ٪، تاجیک ۳۱ ٪، ازبک ۵ ٪، سایر اقوام ۴ ٪،[۳] از هزارها اصلاً نام نبرده است.

موارد یاد شده نمونه‌هایی است که در مورد نفوس هزاره‌ها وجود دارند، بسیاری از ارقام که ارائه شده است و ما نمونه های از آن را آوردیم، جمعیت هزاره‌ها را از یک میلیون و یک میلیون و پنج صد هزار نفر بیشتر ذکر نکرده بودند. اما واقعیت چیست؟ برای رسیدن به واقعیت و تعیین دقیق نفوس هزاره‌ها راهی وجود دارد، یا ارقام یاد شده درست است؟ البته موانع زیاد برای رسیدن به واقعیت وجود دارد که قبلاً اندکی از آن یاد شد.

حکومت‌های گذشتهٔ افغانستان کوشش تمام داشته‌اند تا نفوس واقعی هزاره‌ها، بیان نشوند. چون مخالف ایده اکثریت قومی در افغانستان بوده، بسیاری از خارجیان که در افغانستان برای تهیه گزارش تشریف می‌آوردند، بیشتر منابع شان را از حکومت می‌گرفتند، لذا ارقام ارائه شده از سوی آنان اعتبار چندان ندارند، **سرشماری دقیق نیز در افغانستان تا هنوز صورت نگرفته تا نفوس دقیق مردم کشور و تعداد نفوس اقوام روشن گردد. ارائه اجمالی ارقام که از سوی خود افغانستانیها مطرح شده،** ضرورت دارد، پس از آن ما نتیجه گیری می‌کنیم که واقعاً واقعیت امر چیست و کدام رقم از ارقام مطرح شده، مطابق واقعیت است.

۱. **سراج التواریخ**: فیض محمّد کاتب هزاره از تاریخ نویسان عصر حاکمیت عبدالرحمن و فرزندش است. کتاب سراج تحت نظارت حاکمان وقت نوشته شده است. در کتاب یاد شده تمام جمعیت

---

۱. مونت استوارت الفنستون، افغانان، پیشین، ص ۴۳۱.

۲. ووّاله، انکشاف ولایات مرکزی (هزاره‌جات)، ترجمه محمّدعلی اثنو. قم. صحافی عبدالخالق هزاره، چ ۱، ۱۳۷۱، ص ۵۴.

۳. حسن امین. دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۵، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چ ۶، ۱۴۲۳ ق، ص ۲۵۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

افغانستان آن روز به شمول سیستان، کشمیر، حصه قلیلی از لاهور و قسمت کثیری از ملتان را پانزده میلیون ذکر می‌کند: ۱. افغان ۴,۵۰۰,۰۰۰ نفر؛ ۲. هندو ۵,۵۰۰,۰۰۰ نفر؛ ۳. تاتار ۱,۵۰۰,۰۰۰ نفر؛ ۴. ایرانیان (تاجیک) ۱,۵۰۰,۰۰۰ نفر؛ ۵. قبایل دیگر ۲,۰۰۰,۰۰۰ نفر.[۱] چون فیض محمّد کاتب خود هزاره بود و در دربار حاکم که تمایل به هزاره‌ها و نام آنها نداشت، لذا از هزاره‌ها تحت عنوان قبایل دیگر یاد کرده است. ازبک آن زمان معروف به تاتار بوده است.

روشن است که بیش از نصف جمعیت افغانان بعدها داخل قلمرو پاکستان (هند سابق) قرار گرفت،[۲] بناءً طبق این سند جمعیت پشتونها برابر نفوس هزاره‌ها در آن زمان بوده است.

۲. نژادنامهٔ افغان: کتاب یاد شده اثر دیگری کاتب است که بعدها در غیاب حکومت وقت نوشته شده در مورد جمعیت اقوام افغانستان می‌نویسد: پشتون ساکن افغانستان ۳۰۰,۰۰۰ خانوار[۳] (هر خانوار ۶ نفر) = ۱,۸۰۰,۰۰۰ نفر؛ تاجیک ۱,۸۷۵,۰۰۰ نفر، قریب $\frac{۱}{۳}$ جمعیت افغانستان.[۴] هزاره ۶۵۰,۰۰۰ خانوار[۵] (هر خانوار ۶ نفر) = ۳,۹۰۰,۰۰۰ نفر؛ ازبک ۱,۵۰۰,۰۰۰ نفر.[۶] طبق امار ارائه شده در این کتاب نفوس هزاره‌ها بیش از پشتونها ذکر شده است. از آن جا که بسیاری از هزاره‌ها به خاطر ظلم حاکمان جلای وطن شده روی به سوی کشورهای خارجه نهاده‌اند؛[۷] می‌توان حدس زد که حداقل $\frac{۱}{۳}$ هزاره‌ها از وطن جلا گردیده، روی این حساب هزاره‌های باقی مانده در افغانستان ۲,۶۰۰,۰۰۰ نفر خواهد بود؛ و این (با اندک تفاوت) همان رقمی است که کاتب در سراج التواریخ تحت عنوان قبایل دیگر بیان کرده است.

۳. مختصر المنقول: این کتاب ۹۴ سال قبل (۱۳۳۲ ش.ق) نوشته شده، نویسنده آن خود از هزاره هایی است که در خارج افغانستان، نجف و کویته پاکستان، بود و باش داشته است و بعد از جنگ هزاره‌ها و عبدالرحمان این کتاب تحریر شده، وی هشت ولایت برای هزاره‌جات می‌شمارد و در هر بخش مساحت سرزمین و جمعیت آن ولایت را می‌نگارد؛ ما فقط آن قسمت که مربوط به جمعیت

---

۱. ملافیض محمّد کاتب، سراج التواریخ، مؤسسه تحقیقات و انتشارات بلخ، ص ۲.

۲. بصیر احمد دولت آبادی، ساختار جمعیت و کتمان حقایق در افغانستان، سراج، شماره ۷، پیشین، ص ۶۲.

۳. فیض محمّد کاتب، نژادنامه افغان، پیشین، ص ۱۳۵.

۴. همان، ص ۱۳۹.

۵. همان، ص ۱۴۰.

۶. همان، ص ۱۵۶.

۷. همان، ص ۱۴۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هزاره‌ها می‌شود می‌آوریم:

۱. غرجستان (ده زنگی) صد هزار خانوار؛ ۲. بی سوک هفتاد هزار خانوار؛ [۱] ۳. جاغوری چهل هزار خانوار؛ ۴. مانستان ده هزار خانوار؛ ۵. ارزگان بیست هزار خانوار؛ ۶. شوی هشتاد و پنج هزار؛ ۷. شیخ علی شصت هزار خانوار؛ ۸. چوره‌ی کمسون شصت هزار خانوار. [۲]

مجموع آن ۴۴۵،۰۰۰ خانوار می‌شود و در صورت هر خانوار میانگین شش نفر در نظر گرفته شود نفوس هزاره‌های آن زمان (حدود صد سال قبل) این مقدار خواهد بود:

۴۴۵ , ۰۰۰ × ۶ = ۲ , ۶۷۰ , ۰۰۰ نفر

ارقام یاد شده تفاوت زیاد با آن چه کاتب در «سراج التواریخ» و «نژاد نامه» بیان کرده ندارد، تفاوت این ارقام با ارقام ارائه شده در نژادنامه هفتاد هزار نفر است.

۴. **تواریخ خورشید جهان**: این کتاب سال ۱۳۱۱ هـ در پاکستان چاپ شده است. نویسنده‌ی آن پشتون است و کتابش را در تاریخ افغانان (خورشید جهان) نوشته و در آخر کتاب چند صفحه‌ای را به اقوام دیگر ساکن در افغانستان اختصاص داده است. او درباره‌ی جمعیت هزاره‌ها می‌نویسد: «**هزاره ساکنان هزارستان بس قوم عظیم است، تعداد خانوارشان سوای ایماق سه و نیم لک [۳۵۰،۰۰۰] خانوار خواهد بود.**» [۳]

بنابراین جمعیت هزاره‌ها طبق نقل این مورخ افغان ۲،۱۰۰،۰۰۰ = ۶ × ۳۵۰،۰۰۰ خانوار، نفر خواهد بود و این همان رقمی است که محمّد افضل وکاتب نقل کرده‌اند تفاوت جندان این ارقام با هم ندارد.

۵. **بستان السیاحه**: زین العابدین شیروانی پیرامون جمعیت هزاره‌ها می‌نویسد:

«**آنچه به تحقیق رسیده گویا پانصد هزار خانه دارند و عموماً مذهب امامیه داند و قرب بیست هزار طریق غلات سپارند و تقریباً دوازده هزار خانه طریقه‌ی ابوحنیفه را به عمل آرند.**» [۴]

---

۱. در کتاب یاد شده ششصد هزار خانوار آمده. ظاهراً اشتباه شده است چون می‌نویسد که بهسود ۱۱۰ قریه و هفتاد هزار آبادی دارد یعنی هفتاد هزار خانوار و مراد از ششصد هزار خانوار، به احتمال زیاد نفر است. در هر صورت ما بهسود را هفتاد هزار خانوار در نظر می‌گیریم.

۲. محمد افضل ارزگانی. مختصر المنقول، پشین، صص (به ترتیب) ۹۰ - ۹۶ - ۹۸ - ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۶ - ۱۰۸ - ۱۱۱.

۳. شیر محمّد خان ابراهیم زی. تواریخ خورشید جهان، پیشین، ص ۳۱۴.

۴. زین العابدین شیروانی. بستان السیاحه، تهران، سنایی، ۱۳۱۵، ص ۶۴۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

طبق بیان شیروانی مجموع هزاره‌ها ۵۳۲۰۰۰ خانه می‌شود، بنابراین جمعیت هزاره‌ها در زمان شیروانی مقدار ذیل بوده است:

نفر ۳,۱۹۲,۰۰۰ = ۶ × ۵۳۲,۰۰۰ خانوار

این رقم نسبت به ارقام قبل از این قابل توجّه است.

ارقام که در مورد جمعیت هزاره‌ها در قرن ۱۹ ارائه شده است تا حدودی نزدیک به هم است. اگر میانگین آن آمار گرفته شود جمعیت هزاره‌ها حدود صد سال قبل ۲,۵۱۲,۴۰۰ نفر بوده است. آماری که کاتب در سراج از جمعیت افغانستان آن روز به شمول سیستان و کشمیر و قسمتی از لاهور داده است پانزده میلیون بوده، با اخراج ۵,۵۰۰,۰۰۰ هندو و نصف جمعیت افغان که امروز در پاکستان بود و باش دارند (تمام جمعیت پشتون ۴,۵۰۰,۰۰۰، نصف آن ۲,۲۵۰,۰۰۰) نفوس افغانستان ۷,۲۵۰,۰۰۰ نفر خواهند بود.

طبق نقل کاتب در نژاد نامهٔ افغان اگر هر خانوار شش نفر حساب گردد، جمعیت مردم افغانستان، منهای $\frac{1}{3}$ هزاره‌ها، قبول کنیم که بعد از کشتار عبدالرحمان یک سوّم هزاره‌ها کشته و مهاجر شدند؛ ۷,۷۷۵,۰۰۰ نفر می‌شوند. اگر میانگین آن دو رقم اخذ شود جمعیت مردم افغانستان ۷,۵۱۲,۵۰۰ نفر خواهد بود و نسبت جمعیت هزاره‌ها با اخذ میانگین ارقام آن دو کتاب، حدود ۳۴٪ از تمام جمعیت افغانستان می‌شود.

سیّد محمّد حسین فرهنگ که در مورد نفوس شیعیان افغانستان تحقیقات ارزنده‌ای انجام داده است، معتقد است که جمعیت شیعیان افغانستان حدود هشت میلیون نفرند.[1] **تمام شیعه‌ها هزاره** نیستند؛ شیعیان غیر هزاره نیز وجود دارند، ولی تمام هزاره‌ها هم شیعه نیستند عده‌ی زیادی از هزاره‌ها سنی مذهب و اسماعیلی اند، اگر شیعیان غیر هزاره در برابر هزاره‌های غیر شیعه با تسامح در نظر گرفته شود، جمعیت هزاره نیز در حدود هشت میلیون خواهد بود.

آمار دقیق از نفوس افغانستان ارائه نشده است. آخرین آمار که از سوی دولت افغانستان سال ۱۳۷۱، وزارت خارجه آمریکا سال ۱۳۷۷ [2] اعلام شده است، بیست میلیون نفراند. هشت میلیون

---

۱. سید محمد حسین فرهنگ، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان، پیشین، ص ۱۹۸.

۲. همان، ص ۱۵۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هزاره اگر به بیست میلیون تمام نفوس افغانستان سنجیده شود، نفوس هزاره‌ها بیش از ۳۵ ٪ می‌شود و این رقم تقریباً موافق آن چه ما از داده‌های کاتب، محمّد افضل، شیر محمّد خان ابراهیم زی و زین العابدین شیروانی به دست آوردیم، است. البته آقای دولت آبادی در جمع بندی نفوس افغانستان، نفوس هزاره‌ها را ۲۷/۵ درصد کل نفوس کشور ذکر کرده است.[۱]

۸. زبان هزاره‌ها

زبان یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است که اختصاص به انسان دارد و یکی از امتیازات بشر از حیوانات به حساب می‌آید. زبان وسیله‌ای است برای بیان مقاصد درونی انسان، و یکی از ممتازترین وسیله ی ارتباط انسان با همدیگر.

انسانها با زبان با هم دیگر ارتباط بر قرار می‌کنند و از این طریق اجتماعاتی را به وجود می‌آورند. مسن‌ترها با زبان تجربیات ارزندهٔ که در دوران حیات و زندگی روزمره شان به دست آورده‌اند به نسل‌های بعد منتقل می‌کنند.

امروز در جهان، مردمان آن به بیش از شش هزار نوع زبان محلی و بین المللی تکلم می‌کنند.[۲] و تلاشهایی از سوی بعضی مجامع صورت می‌گیرد تا زبان‌های محلی از بین نروند و این سرمایهٔ غنی انسانی نابود نشود.

هزاره‌ها چون سایر مردمان جهان و اقوام ساکن در افغانستان **«از خود دارای اختصاصات زبانی و گویش خاص لسانی است»** زبان هزاره‌ها در تقسیم بندی زبان‌ها جزو زبان دری به حساب می‌آید و یکی از لهجه‌های زبان «درّی دری» لهجه هزاره گی است و امروز تمام هزاره‌های که در افغانستان بود و باش دارند، چه شیعه و چه سنی، به زبان دری تکلم می‌کنند و زبان فارسی دری زبان مادری و اصلی شان به حساب می‌آیند. مکتوبات هزاره‌ها و خطابه‌ی خطبای هزاره، وعظ واعظان هزاره، تعلیم و تعلم هزاره

---

۱. بصیر احمد دولت آبادی، سراج، شماره ۷، پیشین، ساختار جمعیت و کتمان حقایق در افغانستان، ص ۸۲.

۲. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، پیشین، ص ۴۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲/۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶). از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنآوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و... همه به زبان فارسی است.

در افغانستان امروز بیش از سی لهجه و زبان وجود دارد که اقوام ساکن در این کشور به آن تکلم می‌کنند.[۱] قانون اساسی موصب سال ۱۳۴۳ هـ ش زبان دری و پشتو را از زبان محلی خواند و آن را به تصویب رساند.[۲] قانون اساسی که سال ۱۳۸۲ به تصویب اعضای «لوجرگه» رسید در مادهٔ شانزدهم هم نوشت: **«پشتو و دری زبان رسمی دولت می‌باشند.»**[۳] بگذریم از اینکه زمان طولانی، زبان رسمی افغانستان زبان دری بوده است و بعدها، در زمان امیر شیرعلی خان به بعد، زبان پشتو در ادارات افغانستان کم کم راه پیدا کرد تا به زمان امان‌الله[۴] و ظاهر خان رسید که اوج پشتون گرایی در افغانستان محسوب می‌شد. نویسنده ایرانی در این مورد می‌نگارد:

«تا چند سال پیش زبان فارسی تنها زبان رسمی و ادبی و علمی افغانستان بود، بعد زبان پشتو را هم جنبه رسمی دادند، در تقویت آن کوشیدند و در برابر، از اهمیت زبان دیگر ملی خود کاستند.»[۵]

در اینکه از چه زمان، زبان فارسی دری در افغانستان به وجود آمد و مردم افغانستان و هزاره‌ها با آن تکلم می‌کنند، مورد بحث است به قدامت بحث از اصل زبان فارسی که «مادر زبان فارسی» در کجا بوده است و کدام مردم ابتدا با این زبان سخن می‌گفته‌اند؟ مردمان که در سابق ساکن هزاره‌جات کنونی بوده‌اند با چه زبانی حرف می‌زده‌اند، با زبان فارسی یا زبان دیگر؟

در بحث از منشأ و سابقهٔ تاریخی هزاره‌ها گفتیم که بومیان هزارستان کنونی اجداد همین مردمانی‌اند که امروزه به هزاره شهرت دارند. اما اینکه از سابق این مردمان به زبان فارسی سخن می‌گفته مورد بحث و کنکاش قرار نگرفته، لازم و ضروری است که اندکی پیرامون این مسأله و زبان فارسی در هزاره‌جات و حومه آن بحث شود.

---

۱. رضوانی بامیانی، بوم‌شناسی افغانستان، افغانستان در سه دههٔ اخیر، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، چ ۱، ۱۳۸۱، ص ۴۷ (نقل از جغرافیای عموی افغانستان، ص ۲۸۸).

۲. همان، ص ۵۸.

۳. مجمع فرهنگی خدماتی رسالت، متن قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، مجمع...، قم، چ ۱، ۱۳۸۳، مادهٔ شانزدهم، ص ۱۵.

۴. رضوانی بامیانی، بوم‌شناسی‌افغانستان - افغانستان در سه دههٔ اخیر -، پیشین، ص ۵۵.

۵. محمود افشار یزدی، افغان نامه، ج ۳، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، چ ۱، ۱۳۶۱، ص ۴۵.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بین محققان زبان فارسی بحث است که آیا زبان فارسی شکل تکامل یافتهٔ زبان پهلوی است یا جدا از آن. محمّد معین می‌نویسد: «این زبان [فارسی نو = دری] مهمترین زبانها و لهجه‌های ایرانی است و آن دنباله فارسی میانه (پهلوی) و پارسی باستان است.»(۱)

نویسنده دیگر در مورد ازدواج زبان پهلوی با زبان عربی و فرزند آن دو می‌نویسد: «میان پهلوی - اشکانی و ساسانی ازدواجی (درباری) روی داد که «دری» امروز دنباله او و فرزند آنهاست.»(۲)

عقیدهٔ بسیاری از پژوهشگران این است که زبان فارسی دنبالهٔ زبان پهلوی است؛ ولی حقیقت این است که زبان فارسی قبل از اسلام در عرض زبان پهلوی وجود داشته. فارسی ربطی به زبان پهلوی ندارد. چنانچه مرحوم محمّد معین در مقدمه «برهان قاطع» تحت عنوان «دیگر زبان‌های ایرانی» می‌نگارد:

> «عقیده شایع این است که پس از حمله عرب به ایران زبان پهلوی تغییراتی پیدا کرد و به تدریج به زبان فارسی کنونی منقلب شد، اما در این اواخر، عقیدهٔ دیگری ظهور کرده که بر آن است زبان پارسی در ادوار پیش از اسلام نیز، در عرض پهلوی وجود داشته»(۳)

مرحوم معین پنج شاهد می‌آورد که زبان دری، جدای از پهلوی است از جمله وجود نظم و نثر پخته به زبان دری در صدر اسلام، اگر زبان دری متولد از زبان پهلوی و زبان عربی می‌بود - چنان نظم و نثر پخته در صدر اسلام امکان نداشت وجود داشته باشد(۴) و اضافه می‌کند:

> «زبان پارسی نو نخستین بار در مشرق اسلامی انتشار یافت، چه زبان عامه مردم مغرب و شمال ایران در قرنهای اوّل اسلامی پهلوی و لهجه‌های محلی نزدیک بدان بوده و اشعاری هم که در جبال و آذربایجان و طبرستان و مغرب ایران گفته می‌شد تا مدتی به زبان پهلوی یا طبری یا دیگر زبان‌های محلی بود، لیکن قدیمی‌ترین اشعار پارسی که در خراسان و سیستان توسط گویندگانی، مثل حنظله

---

۱. محمّد معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر. چ ۸، ۱۳۷۱، ص بیست (مقدمه).

۲. محمود افشار، افغان نامه، ج ۳، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، چ ۲، ۱۳۶۱. ص ۳۲.

۳. محمّد معین، دیگر زبانهای ایرانی، برهان قاطع، ج ۱، به سعی محمّد معین، تهران، مؤسسه امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۵۷، ص بیست و چهار.

۴. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بادغیسی، محمّد وصیف سگزی و بسام کرد خارجی و دیگران سروده شده به زبان فصیح پارسی بود.»(۱)

بنابراین خاستگاه اولیه زبان پارسی کجا بوده است؟ برخی از محققان خاستگاه اولیه این زبان را افغانستان امروزی می‌دانند و معتقدند که از خاور به وسیله شعرای بزرگ و نویسندگان به باختر پخش و فراگیر شد، محمود افشار یزدی در مقدمه کتاب نجیب مایل هروی می‌نویسد:

«این زبان (زبان دری) در درجه اوّل زایده و پرورش یافته افغانستان است نه ایران، اما استانهای ایران هم بعد از خراسان یکی پس از دیگری، با راهگشایی شعرا و نویسندگان، زبان و یا لهجهٔ محلی را کمابیش رها کرده و زبان دری خراسان را برگزیدند به طوری که چند سال بعدتر در شیراز و گنجه و شیروان هم زبان ادبی شد، مولوی بلخی و دیگران آن را به آسیای صغیر و دولت عثمانی سوغات بردند.»(۲)

سیّد محمّد محیط طباطبایی که سال‌ها در حوزه ادبیات، تاریخ و فرهنگ ایران کار کرده است در مورد پخش زبان پارسی از شرق ایران به باختر می‌نویسد:

«این کتاب [دانشنامه‌ی علایی تألیف ابن سینای بلخی] پسند علاء الدوله نیفتاد و آن نتوانست منظور خود را در آموختن فلسفه تأمین کند، بدیهی است باعث بر این پیش آمد آن بود که «علاء الدوله کاکویه» مردی مازندرانی بود مانند مسته مرد شاعر عضدالدوله که به زبان طبری منشعب از پهلوی سخن می‌گفت؛ ولی زبان فارسی دری که ره آورد شیخ (بو علی سینا) و ابوعبیده از ماوراء النهر خراسان بود آشنایی کامل نداشت و بدین منظور متن فارسی کتاب (کتاب دانشنامه‌ی علایی که به زبان فارسی نوشته شده بود) برای روز بانی نامفهوم بود، در صورتی که زبان کتاب با وجودی که نخستین آزمایش زبان فارسی در بیان فلسفه بوده برای فارسی زبان خراسانی یا ماوراء النهر در آن روز هم مانند

---

۱ . محمّد معین، دیگر زبان‌های ایرانی، برهان قاطع، پیشین، ص ۲۸.

۲ . نجیب مایل هروی، تاریخ و زبان در افغانستان، مقدمه محمود افشار، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی، ج ۱، ۱۳۶۲، ص ۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

امروز که برای ما مفهوم می‌باشد قابل فهم بوده است.»[۱]

از مباحث یاد شده این مطلب به دست می‌آید که خاستگاه اولیه زبان پارسی خراسان سابق بوده و از شرق ایران و کشور امروزی افغانستان به سایر نقاط منتشر شده است. چنانچه آقای آریانپور در مورد سابقه و خاستگاه زبان پارسی تحریر نموده است:

«زبان دری قریب دو هزار سال قبل از ظهور اسلام در سرزمین خراسان، یعنی آریانای باستان مورد گویش و محاوره بوده و زبان کامل و رسمی و پخته و شناخته شده و مشهور بین الدول بوده است.»[۲]

زبان دری زبان مادری هزاره‌ها بوده است یا هزاره‌ها بعدها این زبان را از دیگران پذیرفته‌اند؟ در این مورد دیدگاه‌های مختلف وجود دارد. محیط طباطبایی می‌نویسد: **«مخفی نماند که هزاره‌های مغولی نژاد از دیر زمانی در افغانستان زبان قومی خود را که جغتایی بوده از دست داده و زبان فارسی را وسیله تفاهم برگزیده‌اند.»**[۳] آقای محیط مدعی است که زبان هزاره‌ها ابتدا جغتایی - مغولی بوده، بعدها هزاره آن زبان را رها کرده به زبان پارسی سخن می‌گویند. نویسنده دیگر آقای میر محمّد صدیق فرهنگ نیز در راستای دیدگاه فوق می‌نویسد که هزاره‌ها با مردمان محلی که تاجیک بوده و امراء آل شنسب و سلاطین غور و متکلم به زبان فارسی، در آمیخته و زبان شان را با زبان ساکنان محلی آمیزش و لهجه هزاره گی را به وجود آورده است.[۴]

حقیقت همان است که آن دو محقق بیان کرده‌اند یا واقعیت امر چیزی دیگر است؟ آن چه مسلم و بدیهی بین محققان است وجود زبان پارسی از قدیم در خراسان تاریخی است شواهد تاریخی و وجود نظم و نثر ادبی نیز مؤید این دیدگاه می‌باشد. زبان مردم غور و غرجستان نیز در پرتو زبان خراسان بوده است چنانچه اصطخری جغرافیا نویس قرن سوّم گفته است **«زبان غور زبان خراسان است»**[۵]

---

۱. سیّد محمّد محیط طباطبایی، پی جویی در ریشه کلمه‌ی «پرزیوان» ماهنامه آینده، تهران، سال هفتم، شماره ۸۵، ۱۳۶۰، ص ۶۵۹.

۲. م. ا. آریان پور، هزاره‌ها و زبان دری، فصل نامه سراج، شماره ۱۱، بهار ۱۳۷۶، ص ۳۷۳.

۳. سیّد محمّد محیط طباطبایی، پی جویی در ریشه کلمه پرزیوان، ماهنامه آینده، پیشین، ص ۶۵۱.

۴. میر محمّد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱، پیشین، ص ۲۳.

۵. ابراهیم اصطخری (م ۳۴۲ ق) مسالک و ممالک، ترجمه محمّد بن سعد نخجوانی (۷۲۶ ق) به اهتمام ایرج افشار، تهران، شرکت

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و ضیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جغرافیانویس دیگر که در قرن چهارم می‌زیسته در اثر باارزشش از لهجه‌های مختلف پارسی موجود در خراسان و اطراف خراسان سخن گفته است و در مورد خوبی وبدی لهجه‌ها قضاوت هایی نموده و زبان مردم بلخ را شیرین‌ترین زبان‌ها می‌داند و زبان [لهجه] هرات را وحشیانه، و در مورد زبان غرج شار و غرجستان، هزاره‌جات کنونی، می‌نویسد: **«زبان غرج شار [هزاره‌جات کنونی] میان زبان‌های هرات و «مرو» است.»**[۱] چنانچه گفته آمد زبان هرات و مرو زبان پارسی بوده و زبان غرج شار پارسی بین هرات و مرو.

سخن آقای محیط طباطبایی و جناب فرهنگ بر خلاف واقعیت و شواهد تاریخی است، چون ما در بحث سابقهٔ تاریخی هزاره‌ها و نژاد هزاره‌ها مفصل سخن گفتیم که هزاره‌ها بومیان منطقه هزارستان کنونی و غرج شار سابق است و آل شنسب و سلاطین غور اجداد مردمان هزاره‌اند. و زبان پارسی از صدر اسلام زبان اداری و رسمی حاکمان غور و بامیان بوده است. دکتر مهدی روشن ضمیر می‌نویسد: **«زبان دیوان و زبان ادب در دربار امرا و سلاطین غور به ویژه پیش از آنکه به قلمرو غزنویان دست یابند، زبان پارسی بوده»**[۲] منهاج السراج تاریخ نویس سلاطین غوری است کتابش را به نام «طبقات ناصری» به زبان پارسی نوشت. این کتاب درکشورهای افغانستان، ایران و هندوستان به چاپ رسیده است.

عقدنامه‌ای که چند دهه قبل از بامیان کشف شد، سند دیگری است مبنی بر رواج زبان پارسی در زمان‌های قدیم در بامیان باستان. این عقدنامه سال **«سبعین و اربع مأته، چهارصد و هفتاد»**[۳] بین الیاس بن شاه منصور و خانم شهرناز صعلوک بن ابو نصر نوشته شده. کابین شهرناز سه هزار درهم بوده و الیاس بن شاه منصور متعهد شده در برابر آن زمین به شهرناز بدهد. این عقدنامه به زبان پارسی است وقتی حدود زمین‌هایی که الیاس به شهر ناز داده بیان می‌کند شباهت زیاد به قواله‌های (سند خانه و

انتشارات علمی فرهنگی، چ ۳، ۱۳۶۸، ص ۲۲.

۱ . محمّد بن احمد مقدسی (قرن ۴، احسن التقاسیم فی معرفته الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چ ۱، ۱۳۶۱، بخش دوّم، ص ۴۹۰.

۲ . مهدی روشن ضمیر، تاریخ سیاسی و نظامی دودمان غوری، تهران، دانشگاه ملی، چ ۱، بی تا، ص ۱۶.

۳ . همان، ص ۱۵.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنّاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

زمین) امروزی هزاره‌ها دارد. اسمهای شاهدان سند همان اسم هایی است که امروز بین هزاره‌ها رایج است مثل علی حسن، علی محمّد، حسن میرک و...[۱] دکتر مهدی روشن ضمیر این عقدنامه را در کتابش از صفحه ۱۲ تا ۱۵ آورده است.

در «دائرة المعارف الاسلامیة و الشیعة» به سرپرستی حسن امین لبنانی، در مورد زبان پارسی در افغانستان مطالب جالب دارد. سه لهجه مهم زبان پارسی در دائرة المعارف یاد شده، بیان شده: لهجه‌ی کابلی، لهجه هروی و لهجه هزاره‌ای. در مورد اهمیت لهجه هزاره‌ای و مادر بودن آن می‌نویسد:

«و تعدالفارسیه الهزاریه اقدم هذا الهجات واثبتها لاصول و الخصائص اللغته الفارسیته بحیث انها کانت منتشرة فی الهجات اللغته الفارسیه للقرنین الرابع و الخامس. کالفعل المرکب عوضاً عن البسیط، و الحروف و القیود و اداة التشبیه القدیمته و الاستخدامات ملحقات الافعال القدیمه و تکرار الافعال و الضمائر القدیمه و ابدالهم المهم... و ان دراسة هذاه اللهجت الفارسة الافغانیه قبل ان تکون غریبةً و مهجورةً، لابد لنا من ان ندرک اندارسات التاریخیة للغته الفارسیته و حل معضلات النصوص القدیمه من الامور الضروریه و الفوریه لعصرنا الحاضر؛[۲] **فارسی هزاره گی قدیمی‌ترین لهجه‌ها [از سه لهجه: کابلی، هروی و هزاره‌ای] به حساب می‌آید در اصول و ویژگیهای زبان پارسی ثابت‌تر است، طوری که همین زبان در قرن چهارم و پنجم به سایر لهجه‌ها و لغات فارسی منتشر شده است، مثل فعل مرکب جای فعل بسیط و حرفها و قیود و ادات تشبیه قدیمی و استخدام ملحقات افعال قدیمی و تکرار افعال و ضمایر قدیمی و بدلهای آن که خیلی مهم است... البته یادگیری این لهجه (لهجه هزارگی) فارسی افغانی که مهجور و غریب است برای ما ضروری است و چه خوب است ما آن را درک کنیم، حل بسیاری از لغات فارسی کهنه و قدیمی و تاریخی و متن‌های قدیمی پارسی توقف به درک این لهجه دارد و این مسأله از ضروریات زمان حاضر ماست.»**

---

۱. همان.

۲. نجیب مایل هروی، لغت فارسی در افغانستان، دائرة المعارف الاسلامیة و الشیعته، ج ۵، حسن امین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چ ۶، ۱۴۲۳ ق، ص ۳۰۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

از عبارات ذکر شده مادر بودن زبان و لهجه هزارگی به خوبی استفاده می‌شود، طوری که محقق محترم درک درست متن‌های قدیم فارسی را متوقف بر درک لهجه هزارگی می‌داند؛ یعنی متنهای قدیمی در قالب زبان هزارگی قابل فهم است و قابل درک.

آقای آریانپور در این مورد می‌نویسد: **«فریاد من این است که زبان دری = آریانی، زبانی ملی و مادری قوم هزاره است. این زبان هنگام تلاقی عربها با خراسانیان در برابر زبان عربی عرض اندام می‌کرد، زبانی مستقل و غنی است که قبل از فتح عرب‌ها سرزمین خراسان را، زبان کامل و خالص موجود بود»**[۱]

آقای آریانپور در جای جای این مقاله‌اش متذکر می‌شود که **«زبان دری زبان ملی و مادری قوم هزاره است... به جز قوم هزاره هیچ یک از اقوام دیگر در آئینه دری دیده نمی‌شود»** و مدعی است فقط در زبان هزارگی واژه‌های اصیل و قدیمی یافت می‌شود نه در لهجه‌های دیگر.[۲] وی در مورد قدمت زبان پارسی در هزارستان می‌نویسد: **«این زبان (دری) پیش از تسلط اسکندر مقدونی و روی کار آمدن دولت یونانی باکتری (حدود ۲۵۰ سال ق. م) به نام آریانی یاد می‌شد و در این دوره نام «دری» به خود گرفت.»**[۳] از آن چه ذکر شد این نتیجه به دست آمد که در هزارستان کنونی از قرنها قبل زبان پارسی تکلم می‌شده و اجداد هزاره‌ها زبان مادری شان پارسی بوده است. بنا به نقل هروی زبان هزارگی مادر زبان دری به حساب می‌آید و فهم درست متن‌های پارسی قدیم نیاز به درک و فهم زبان هزارگی دارد.

۹. فرهنگ، آداب و رسوم هزاره‌ها (ریشه و منابع)

فرهنگ، آداب و رسوم هر قوم و طایفه برگشت به باورهای آن مردم دارد، چون رفتار و کردار انسان تابع باور و بینش انسان است، باور تعیین کننده طرز کنش و رفتار، لذا می‌بینیم که آداب و رسوم یک مسیحی با یک مسلمان تفاوت دارد، چون این دو انسان دو گونه باور از خدا و طبیعت و انسان

---

۱ . م.الف. آریانپور، هزاره‌ها و زبان دری، فصل نامه سراج، شماره ۱۱، بهار ۱۳۷۶، ص ۱۹۳.

۲ . همان، ص ۱۷۲.

۳ . همان، ص ۱۷۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دارد.

هزاره‌ها مسلمان و پیرو مکتب اهل بیت (عَلَیهِمُ السَّلام) اند. امروز اکثریت تشیع در افغانستان را هزاره‌ها تشکیل می‌دهند طوری که لفظ هزاره با لفظ شیعه در افغانستان مرداف هم یاد می‌شود. البته تمام هزاره‌ها شیعه نیست. و تمام شیعه‌ها هم هزاره نیستند ولی اکثر هزاره‌ها شیعه هستند. چنانچه علی آبادی می‌نویسد: **«هزاره‌ها بزرگترین گروه شیعه افغانستان هستند»**[۱]

جناب آقای فرهنگ در مورد مذهب هزاره‌ها می‌نگارد: «از نظر مذهب هزاره‌ها شیعه‌اند، عدهٔ قلیل شان اسماعیلی اند و بقیه اثناعشری» [۲] عده کم از هزاره‌ها پیرو مذاهب اهل سنّت اند و در شمال غربی افغانستان زندگی می‌کنند.

هزاره‌ها از چه زمان به تشیع گرویدند؟ چه عواملی موجب شد که امروز ما شاهد وجوذ تشیع در قلب افغانستان؛ یعنی هزارستان اسلامی باشیم با توجّه به اینکه چهار طرف هزاره‌جات مردمانی زندگی می‌کنند که شیعه نیست، اینها و سؤالات زیاد از این قبیل وجود دارند، ولی رساله اقتضای پاسخ به همه آن سؤالات را ندارد. ورود تشیع در هزاره‌جات مورد بحث محققان از قدیم بوده است و اظهار نظرهایی پیرامون این مسأله شده است.

دیدگاه رایج و مشهور بین هزاره‌ها این است که اجداد آنان زمان خلافت حضرت علی (عَلَیهِ السَّلام) به تشیع گرویده‌اند و نسل در نسل تا هنوز تشیع را در افغانستان حفظ کرده‌اند. این دیدگاه را شواهد تاریخی تأیید می‌کند. تاریخ نویس سلاطین غور منهاج السراج از بان زبیده ی زمان، حافظ کل قرآن دخت محمّد بن سام غوری که خود در دامن دخت محمّد بن سام رشد و نمو کرده در مورد تشیع حاکمان غور می‌نویسد:

«غالب ظن آنست که در عهد خلافت امیر المؤمنین علی رضه الله عنه بر دست علی کرم الله وجهه ایمان آورد و از وی عهدی و لوایی بستد و هر که از آن خاندان به تخت نشستی آن عهد و لوای علی بدو

---

۱ . علی رضا علی آبادی، افغانستان، پیشین، ص ۲۰.

۲ . سیّد محمّد حسین فرهنگ، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان، پیشین، ص ۴۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات؛ فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دادندی و محبت ائمّه اهل بیت مصطفی (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) در اعتقاد ایشان راسخ بود.»[۱]

منهاج السراج طبقات ناصری را اوایل قرن هفت هجری نوشته است و خود فرزند خرد سال بوده و در خانه محمّد بن سام غوری بزرگ شده و زبیده زمان بنت سام را مادر خطاب می‌کند و از زبان وی اسلام آوردن خاندان غوری را نقل می‌کند و نقل این داستان به وسیله بنت محمّد بن سام به منهاج السراج سال ۶۰۲ هـ‌ق بوده است.[۲]

علی اکبر تشیید در مورد تشیع مردم غور و مقاومت آنان در برابر فرمان معاویه به سب امیر المؤمنین علی (عَلَیهِ السَّلام) می‌نویسد:

«مرکز شیعیان غور یا مسلمین غور اولین تمرکز شیعه در بلاد غور بوده است؛ زیرا بین سنوات ۳۵ تا ۴۰ هجری مسلمان شده‌اند و در زمان خلافت علی (عَلَیهِ السَّلام)، جعده بن هبیر المنحزومی که خواهر زاده آن حضرت بود، از طرف وی به حکومت خراسان منسوب شد. به خاطر رفتار شایسته جعده مردم غور از جان و دل به علی محبت می‌ورزیدند... به پیشنهاد جعده فرمان روای کل خطه خراسان، حضرت علی (عَلَیهِ السَّلام) فرمان حکومت سرزمین غور را به خاندان «شنسب» که امرای قبلی آن سامان بودند صادر فرمودند و این فرمان و نامه قرن‌ها در آن خانواده محفوظ بود و مایه افتخار و مباهات آن دودمان به شمار می‌آید. پس از رحلت حضرت علی (عَلَیهِ السَّلام) در زمان معاویه و اخلافش دستور داده بودند تا در تمام منابر و مساجد به علی (عَلَیهِ السَّلام) لعن و نفرین کنند. و این حکم ناروا در تمام سرزمین‌های اسلامی آن روز اجرا می‌شد. تنها مردم غور بودند که از دستور معاویه سر پیچی نمودند و هرگز حاضر نشدند که به حضرت علی ناسزا بگویند.»[۳]

فخرالدّین مبارک شاه در مورد سرپیچی مردم غور (هزاره‌جات کنونی) از فرمان معاویه اشعاری، در مدح و ستایش آن مردم سروده که جالب و خواندنی است:

بـه اسـلام در هـیچ مـنبر نـماند که بروی خطیبی همی خطبه خواند

---

۱. منهاج السراج، طبقات ناصری، پیشین، ص ۳۲۰. ۲. همان، ص ۳۱۹.

۳. علی اکبر تشیید، هدیه اسماعیلیه یا قیام السادات، تهران، بی تا، بی نا، ص ۱۳۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)، از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

که بر آل یاسین به لفظ قبیح — نکردند لعنت به وجهی صریح
دیار بلندش از آن بود مصون — که از دست آن ناکسان بود بیرون
ازین جنس هرگز در آن کس نگفت — نه در آشکار و نه اندر نهفت
نرفت آندر آن لعنت خاندان — از این بر همه عالمش فخر دان[۱]

همین سرپیچی سلاطین غور و غرجستان از فرمان «کسرای عرب» (معاویه) موجب شد که مردم غرجستان مورد خشم و غضب خلافت وقت قرار بگیرد و بسیاری از تاریخ‌نویسان می‌نویسند که مردم غور و غرجستان مرتد شدند و از اسلام برگشتند. صاحب «تاریخ گزیده» وقتی از جنگ سلطان محمود غزنوی با غوریان سخن می‌راند می‌نویسد:

«سلطان محمود به جنگ غوریان (سال ۳۹۲ ق) رفت و ایشان در آن وقت کفار بودند و جنگ کردند.»[۲]

ابن اثیر طغیان غوریان از فرمان معاویه را برگشت از اسلام تلقی نموده، می‌نگارد:

«در این سال [۶۶۷/۴۷ م] حکم بن عمر [عمال بنی امیه] به کوهستان غور شد و با مردم آن جنگید؛ زیرا ایشان از دین برگشته بودند، شهر ایشان به زور شمشیر گرفت و از آن اسیران و غنیمت‌های فراوان به دست آورد.»[۳]

نمونه‌های یاد شده اندکی از شواهد فراوان تاریخی در مورد سابقه تشیع در هزاره‌جات و افغانستان است ما به خاطر طولانی نشدن مطلب به همان مقدار اکتفا می‌کنیم.

در هر حال امروز اکثر هزاره‌ها معتقد به مکتب اهل بیت و تشیع امامی اند و از آن پیروی می‌کنند، بسیاری از آداب و رسومی که دارند از اسلام سرچشمه می‌گیرند و رویکرد اسلامی دارند. البته

---

۱. معین الدین زمچی اسفزاری، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، ج ۱، تصحیح و تعلیقه محمّد کاظم امامی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ ۱، ۱۳۳۹، ص ۳۵۷.

۲. حمدا... مستوفی، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، چ ۴، ۱۳۸۱، ص ۳۹۳.

۳. عزالدین علی بن محمّد بن اثیر (۶۳۰ - ۵۵۵ ق)، تاریخ کامل، ج ۵، ترجمه محمّد حسین روحانی، تهران، انتشارات اساطیر، چ ۳، ۱۳۸۲، حوادث سال ۴۷، ص ۲۰۷۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نمی‌توان منکر شد که ممکن است بعضی از آداب و رسوم باشد که وجهه اسلامی نداشته باشد، و بر مبلغان مسلمان و روحانیت متعهد و بیدار است که روی آنها انگشت گذاشته و به مردم گوشزد کنند و مردم را بر حذر دارند، به خصوص در چنین شرایطی که فرهنگ عریان غرب فراگیر است.

۱۰. جایگاه هزاره‌ها در افغانستان (رابطه هزاره‌ها با حکومت)

۱-۱۰. هزاره‌ها قبل از حکومت عبدالرحمان

هزاره‌ها از زمانی که به عنوان یک گروه متشکل و قوی پا به عرصه حیات اجتماعی گذاشتند؛ از سوی همسایگانش گاه و بی گاه مورد تهاجم و حلمه قرار گرفتند. هزاره‌ها در برابر نیروهای مهاجم سخت مقاومت می‌نمودند. وقتی جهان گشای مقدونی، اسکندر به سرزمین هزاره‌جات کنونی رسید از مقاومت سرسختانه مردمان این ناحیه عصبانی شده و نام «بربر» بر این مردم نهاد.[۱] بعد از اسکندر، خان مغول، چنگیز خان وقتی عزم تسخیر بامیان نمود مواجه با مقابله شدید از سوی مردمان منطقه بامیان شد و نوه خان مغول در این درگیریها کشته شد و چنگیز نیز از چنین مقاومتی سخت به خود پیچیده و آتش خشمش زبانه کشید، بامیان را به تلی از خاکستر تبدیل نمود. سالها بعد امیر تیمور نیز هوای تسخیر هزاره‌جات نمود و هر از چند گاهی مالیات از ساکنین این منطقه اخذ می‌کرد.[۲]

ظهیرالدین بابر (۱۵۳۰ - ۱۵۰۵ م) وقتی کابل را فتح کرد از تمام مردم به شمول هزاره‌ها باج و خراج خواست، هزاره‌ها از تاخت و تاز بابر در امان نبود. در زمان جهان گشایی نادر شاه افشار (۱۷۴۷ - ۱۷۳۶ م) هزاره‌ها با او ارتباط برقرار کردند و در جنگهای نادر، سربازان هزاره نادر را همراهی می‌کردند. و عده‌ای از هزاره‌ها را نادر از هزاره‌جات به نزدیکی هرات، بادغیس آورد و امروز آن هزاره‌ها به هزاره

---

۱ . جمعی از نویسندگان، تمدن ایرانی، ترجمه عیسی بهنام، پیشین، ص ۴۳۹.

۲ . حسن پولادی، هزاره‌ها، ترجمه علی عالمی، پیشین، ص ۲۴۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)، از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

قلعه نو معروف است.[۱]

زمان حاکمیت دوست محمّد خان بارکزایی (۱۸۶۳ - ۱۸۲۶ م) در افغانستان هزاره‌ها قدرت بزرگ به حساب می‌آمدند و دوست محمّد خان از قدرت آنان وحشت داشت. تهدید جدّی بر ضد خود می‌دانست. لذا به فکر در هم شکستن قدرت هزاره‌ها افتاد و با قرآن و قسم میر یزدان بخش رهبر هزاره‌ها را دست گیر نموده و به بدترین وجه به شهادت رساند و اردوگاه شان را تاراج نمود.[۲]

هزاره‌ها از سال ۱۸۶۳ تا ۱۸۷۹ که همزمان با حاکمیت شیرعلی خان بود، اطاعت کامل از حکومت مرکزی نداشت؛ «میران» و خانهای هزاره‌ها بر مردم شان مطلق العنان حکم روایی می‌کردند و از طریق میرها، هزاره‌ها با حکومت مرکزی ارتباط برقرار می‌کردند. به طورکلی زمان حکومت شیرعلی خان، هزاره‌ها با آرامش به حیات اجتماعی خود ادامه می‌دادند. به اعتراف بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران در مورد هزاره‌ها **«هزاره‌جات هیچ گاه به صورت کامل توسط هیچ نیروی خارجی تا سال ۱۸۹۳ م اشغال نشد.»**[۳]

۲-۱۰. هزاره‌ها و حکومت عبدالرحمان

آن چه در لابلای کتابهای تاریخ مربوط به افغانستان به دست می‌آید این است که هزاره‌ها قبل از حکومت مخوف و وحشت زای عبدالرحمان دارای اقتدار و صلابت بودند و زندگی سرفرازانه و عزت‌مند داشتند و حکومت‌های قبل از عبدالرحمان کمتر به خود جرأت می‌دادند که با هزاره‌ها از در جنگ و درگیری مستقیم وارد شوند. بعد از اینکه عبدالرحمان هزاره‌ها را سرکوب نمود، با افتخار نوشت که این هزاره‌ها، سالها موجب وحشت حکومت افغانستان بوده، حتی نادر شاه که افغانستان، هندوستان و ایران را تحت تصرف خود در آورده بود، نتوانست هزاره‌ها را مطیع خود کند.[۴] قبل از شروع جنگ عبدالرحمان و هزاره‌ها، عبدالرحمان نامه‌های به هزاره‌ها نوشت و در آن نامه‌ها از هزاره‌ها

---

۱. حسن پولادی، هزاره‌ها، پیشین، ص ۲۵۱. ۲. همان، ص ۲۶۲.

۳. همان، ص ۲۴۵.

۴. سیّد مهدی فرخ، تاریخ سیاسی افغانستان، قم، صحافی احسانی، چ ۲، ۱۳۷۱، ص ۴۰۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خواست که از فرمان‌های او سرپیچی نکنند و از او اطاعت کنند، جمعی از هزاره‌ها در پاسخ او نوشتند:

«اگر شما افغانها (پشتونها) به حمایت امیر موقتی تان مفتخر هستید ما هنوز از حمایت‌های امیر روحی ما، صاحب ذوالفقار برخوردار بوده مفتخر هستیم و چرا شما مقامات رسمی چهار حکومت را در نامهٔ تان به عنوان نزدیک‌ترین معیار یاد آور شده‌اید و چرا پنج حکومت را، چنانچه ما معتقدیم یادآور نشده‌اید؟ به شما نصیحت می‌کنیم که به خاطر پیروزی و بهزیستی خود از ما دست بردارید.»[۱]

مطالب یاد شده مبین این واقعیت است که قبل از سرکار آمدن عبدالرحمان، هزاره‌ها قدرتمند بودند و خودشان را کشوری در برابر حکومت عبدالرحمان به حساب می‌آوردند، به همین جهت بود که عبدالرحمان نوشت جنگ با هزاره‌ها از چهار جنگ داخلی در افغانستان دشوارتر و پرهزینه‌تر بود، مدت سه سال تمام هزاره‌ها بدون پشتوانه خارجی از دیگر کشورها و سایر اقوام افغانستان در برابر قوای کابل مقاومت کردند. کاردار ایران در افغانستانِ عهد امان الله خان می‌نویسد:

«بربری‌ها (هزاره‌ها) در کمال شجاعت جنگیدند... مدت سه سال در مقابل تمام افغانستان پایداری کردند (هزاره‌ها شیعه بودند، امیر فتوای تکفیر آنان را از مولویها گرفته بود، علاوه بر طایفه امیر، اقوام دیگر اهل سنّت نیز در جنگ با هزاره‌ها، امیر را همراهی می‌کردند و با اینکه در قلب مملکت واقع و با تمام سرحدات روابط شان مقطوع و از هیچ طرف کمک و امداد و حتی فشنگ و قورخانه به آنها نمی‌رسید، مکرر افاغنه (پشتونها) را شکست داده، از خود دفاع نمودند.»[۲]

بعد از آنکه عبدالرحمان سرکار آمد (۱۸۸۰ م.) برای مطیع نمودن هزارها از هیچ عمل ظالمانه خودداری نورزید. جنگ بزرگی را در برابر هزاره‌ها راه انداخت و از مولوی‌های زمانش فتوای تکفیر هزاره‌ها را گرفت[۳] و سایر اقوام افغانستان را بر ضد هزاره‌ها بسیج نمود. بعد از سه سال جنگ و

---

۱. عبدالرحمان خان، تاج التواریخ، ص ۲۷۹. به نقل از حسن پولادی، هزاره‌ها، پیشین، ص ۳۱۴.

۲. سیّد مهدی فرخ، تاریخ سیاسی افغانستان، پیشین، ص ۴۰۴.

۳. محمّد یوسف ریاضی، عین الوقایع، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، چ ۱، ۱۳۶۹، ص ۱۲۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

درگیری امیر با هزاره‌ها، بالاخره عبدالرحمان غالب شد، بیش از نصف مردم هزاره یاکشته شدند و یا به کشورهای همسایه مثل ایران، هند و روسیه متواری شدند.[۱] بعد از اتمام جنگ اسیران هزاره رسماً در بازارهای افغانستان خرید و فروش می‌شدند و قیمت هر برده هزاره ازده روپیه تا بیست روپیه بود. آقای مهدی فروح در این ارتباط می‌نویسد:

«از قرار هر نفری ده روپیه تا بیست روپیه هفتاد هزار روپیه در قندهار به دست آمد و چهل و دو هزار روپیه در هرات، در سایر بلاد نیز از قبیل کابل و غزنین و جلال آباد»[۲]

ظلم و تعدی و دراز دستی عبدالرحمان و عمالش از حد گذشته بود. با توجّه به نبود وسایل ارتباطی در آن عصر، صدای این ستمگریها به «سامرا» ی عراق به گوش مرجعیت شیعه، میرزای شیرازی رسید. میرزا به ناصرالدین شاه قاجار تلگراف نمود که به انگلیسی‌ها و حکومت افغانستان گوشزد کند تا حکومت امیر دست از ستم و جور به هزاره‌ها و شیعه‌ها بردارند.[۳]

فروش برده‌های هزاره تا سالها بعد به طور قانونی در بازارهای افغانستان مورد معامله قرار می‌گرفتند و نقطه سیاهی بوده است برای حاکمیت‌های استبدادی و قبیله‌ای تمامیت خواه.

عبدالرحمان با مردم نورستان فعلی نیز جنگید، چون نورستان کنونی و کافرستان سابق خواهان استقلال بود. امیر برای کوبیدن آنان لشکر کشی نمود و توانست به زودترین وقت کافرستان را فتح کند. اما برخورد او با مردم کافرستان نسبت به هزاره‌ها کاملاً متفاوت بود. حسن پولادی در این مورد نوشته است:

«بعد از اشغال کافرستان، امیر به مأمورین خود دستور داد که به سربازان افغان اجازه ندهند تا مردان و زنان کافر را اسیر نمایند یا آنها را به عنوان برده در نزد خود نگهدارند... همچنین دستور داد که اگر کسی برده‌ای از کافرها را پنهان کند باید مبلغ ۳۵۰۰ روپیه جریمه شود.»[۴]

این فرمان در زمانی بود که هزاره‌ها به طور قانونی خرید و فروش می‌شدند و رسماً امیر به آن

---

۱. سیّد مهدی فروح، تاریخ سیاسی افغانستان، ص ۸۰ و ۴۰۴. ۲. همان، ص ۴۰۴.

۳. همان، ص ۴۰۵. ۴. حسن پولادی، هزاره‌ها، پیشین، ص ۳۸۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها(وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فرمان داده بود، از مقایسه این دو فرمان می‌توان اوج دشمنی و کینه توزی عبدالرحمان را نسبت به هزاره‌ها گمانه زنی کرد.

۳-۱۰. هزاره‌ها و حکومت حبیب الله

زمان دقیقه شماری می‌کرد تا مردی از تبار فرعونیان و یزیدیان را به کام خود فرو برد؛ بالاخره زمان موعود فرا رسید، سال ۱۹۰۱ م. (۹ جمادی الثانی ۱۳۱۹ ق)[۱] عبدالرحمان به درک ابدی پیوست و زمین با کینه و نفرت او را فشرد. قربانیان امارت ظالمانه او لبخندی به لبانشان پیوستند. اما این تبسم دیری نپایید، چون بعد از مرگ او فرزندش، حبیب ا... خان سرکار آمد. گرچه او قلبی به قساوت پدر نداشت ولی حکومت او چندان وضعیت سیاسی و اجتماعی خوبی برای هزاره‌ها به ارمغان نیاورد. چون او هم سیاست افغانستان برای افغان‌ها (پشتون‌ها) را دنبال می‌کرد. وقتی حبیب الله به سلطنت رسید؛ مردم افغانستان، خصوصاً هزاره‌ها، از دست اعمال وحشیانه پدرش و مأموران او توان یک حرکت انقلابی را نداشتند؛ چون بسیاری از اشخاص مهم و چیز فهم را عبدالرحمان از بین برده بود؛ لذا او **«بعد از مرگ پدر کشوری خاموش، سپاهی قوی حکومتی متشکل یافت»** [۲] در سیاست خارجی از استعمار پیر انگلستان به تمام و کمال اطاعت می‌کرد؛ **«در تمام مدت امارتش مختصر انحرافی از اوامر حکومت هند [هند آن زمان مستعمره انگلیس بود] نورزید.»** [۳]

او در داخل افغانستان برای فرونشاندن خشم و بدبینی مردم به حکومت یک سری اصلاحاتی را در کشور انجام داد. در یک اعلان عمومی دستور داد که بعد از این غلامان و کنیزان در افغانستان خرید و فروش نشوند، و این دستور شامل برده‌های هزاره نیز می‌شد. مرحوم غبار در مورد این فرمان نوشته است: **«او [حبیب ا...] امر کرد که غلامان و کنیزان موجوده افغانستان، که یادگار دوره پدرش بود بعد از این در معرض خرید و فروش قرار نگیرند، اما آزادی آن را اعلام نکرد.»** [۴]

---

۱. میرغلام محمّد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۲، پیشین، ص ۱۱۰۷.

۲. همان، ص ۱۱۰۸.

۳. مهدی فرخ، تاریخ سیاسی افغانستان، ص ۴۲۸.

۴. میر غلام محمّد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۲، پیشین، ص ۱۱۰۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و همچنین دستور آزادی زندانیان پدرش را صادر نمود. فرمان داد تمام کسانی که در زمان پدرش از افغانستان فراری شده‌اند می‌توانند برگردند و بسیاری از فراریان که به کشورهای روسیه، ترکستان، هندوستان و ایران گریخته بودند، بازگشتند و این فرمان عام بود، شامل فراریان هزاره نیز می‌شد. مهدی فرح در این ارتباط نگاشته است:

«اعلانی منتشر نمود و به تمام فراریان و تبعید شدگان عهد امیر عبدالرحمان خان، در روسیه، ترکستان و هندوستان و ایران اجازه مراجعت داد و بسیاری از فراریان و گماشتگان مهاجرین و فراری‌ها به افغانستان رجعت نمودند.»[1]

بنا به قول سیّد عسکر موسوی این آورگان ۹۰ درصد آن هزاره‌های فراری بودند.[2] بزرگترین کار امیر تأسیس چند مکتب به سبک و سیاق جدید بود، ولی فرزندان هزاره از آن مدارس بهره نداشتند.

٤-۱۰. هزاره‌ها و حکومت امان الله تا ظاهر شاه

بعد از مرگ حبیب ا... خان (۲۰ فوریه ۱۹۱۹) چهره‌های مختلفی به اریکه قدرت تکیه داد: امان ا... خان، حبیب ا... (بچه سقاو)، محمّد نادر شاه، محمّد ظاهر شاه و داوود خان. تمام حاکمان یاد شده جز بچه سقاو از قوم پشتون بودند، حکومت بچه سقاو از نه ماه بیشتر نتوانستند دوام بیاورد، بالاخره بعد از او باز حکومت دست قوم پشتون افتاد. در این شش دهه چهره‌های گوناگون به سلطنت رسیدند ولی سیاست شان در برابر هزاره‌ها همان سیاست «ناسیونالیزم افغانی (پشتونی)» و به حاشیه راندن اقوام دیگر ساکن در افغانستان از جمله هزاره‌ها بود. سیّد عسکر موسوی پیامد این سیاست نژادی را در طی بیش از نیم قرن، این گونه نگاشته است:

«پیامدهای «ناسیونالیزم افغان» برای همه هزاره‌ها طی این قرن، توسعه نیافتگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، انزوا و تجرید شدگی ظالمانه اجتماعی و محرومیت شدید بوده است.»[3]

---

۱. مهدی فرح، تاریخ سیاسی افغانستان، پیشین، ص ۴۲۴.
۲. سید عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، پیشین، ص ۱۸۸.
۳. عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، پیشین، ص ۲۰۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اعمال فشار در طی این نیم قرن به شدت بر ضد هزاره‌ها اعمال می‌شد و خصوصاً بعد از ۱۹۲۹ م. توصیف آقای دکتر سیّد عسکر موسوی از رفتار ظالمانه حاکمان وقت نسبت به هزاره‌ها تا حدودی می‌تواند ما را به آن رفتار آگاه کند:

«سرکوب سیاسی هزاره‌ها طی این دوره در سراسر تاریخ افغانستان، به جز رویدادهای ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۱ (در زمان سلطنت عبدالرحمان) بی سابقه و منحصر به فرد بوده است. در سراسر این دوره هزاره‌ها به صورت اسیرانی در دستان پشتونها زندگی می‌کردند. فریب و ترس مداوم و غیر قابل تحمل که هزاره‌ها در معرض آن قرار داشتند، روحیه آنان را تضعیف کرد و این برداشت را در آنان رشد داد که سرنوشت محتوم موجود نتیجه اعمال خود آنان است. تحقیر و ارعاب هزاره‌ها آشکارا اعمال می‌شد، آنان شهروندان درجه دوّم به حساب می‌آمدند و در عمل - اگر نه صورت اسمی - تقریباً کلیه حقوق و حمایتهای قانونی از آنان سلب شده بود.»[1]

حکومت‌ها در برابر هزاره‌ها احساس هیچگونه مسئولیتی نمی‌کردند، با اینکه هزاره‌ها در پروژه‌های مختلف بازسازی از جمله راه سازی از فعال‌ترین گروه‌ها بودند و هم چنین هزاره‌ها مثل دیگر مردم افغانستان به حکومت مالیات می‌دادند و جوانان هزاره از سربازی و خدمت به دولت سرباز نمی‌زدند. رفتار ظالمانه حاکمان بر ضد هزاره‌ها از حد و حصر گذشته بود. داستان ذیل، که نویسنده افغانستانی خود شاهد بوده، نوشته است، می‌تواند عمق بی عدالتی حکومت دهه پنجاه قرن بیستم را نسبت به هزاره‌ها نمایان کند:

«در زمان صدارت شاه محمود عموی ظاهر خان (۱۹۴۶ م.) در یگ جنگی که بین افغانها و هزاره‌ها رخ داد یک نفر هزاره شیعه کشته شد و یک پای شتر برادر کوچی زخمی بود هزاره‌ها (از بابت آن) تهمت زده شد، بازخواست و عدالت اسلامی و افغانی ظاهر خان، اینکه به ورثه هزاره مقتول از طرف قاتل، شش صد افغانی دیت داده شد و به عوض زخم پای شتر (که تهمت زده شده بود) مبلغ ۳۷۰۰

---

۱. همان، ص ۲۱۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

افغانی از هزاره‌ها گرفته و به صاحب شتر داده شد.»[۱]

داستان یاد شده مشت نمونه خروار از رفتارهای تبعیض‌آمیز حکومت افغان با هزاره‌ها بود. مرحوم عبدالحسین مقصودی اندکی از آن رفتارهای ظالمانه را در کتاب **«هزاره‌جات، سرزمین محرومان»** بیان کرده است، او خود به خاطر نمایندگی مجلس شورای ملی از سوی مردم هزاره، بین حوادث و شاهد جریانات بود، بخشی مشاهدات خود را به خامه نگارش در آورده است. به اعتراف بسیاری از آگاهان سیاسی[۲] هزاره‌ها طی این دوره هویت فرهنگی و تاریخی شان آگاهانه مورد انکار قرارگرفت و به گونه‌های مختلف سرکوب شدند و جالب است که این سرکوبی‌های هزاره‌ها طی این دوره (۷۸ - ۱۹۲۹) در داخل افغانستان و خارج از آن به طور جدّی هیچ گاه مورد کنکاش و مطالعه قرار نگرفت با اینکه **«رویدادهای این ۴۹ سال کمتر از آن‌چه بر هزاره‌ها طی حوادث دهه ۱۸۹۰ رفت نابود کننده و ظالمانه نبوده است.»**[۳] در این نیم قرن ما شاهد سرکوب‌های مداوم و حساب شده هزاره‌ها بودیم که از سوی صاحبان زور و مدعیان توسعه اعمال می‌شد.

۵-۱۰. هزاره‌ها و جنبش مقاومت

بعد ازکودتای هفت ثور ۱۳۵۷ / ۱۹۷۸ م. و مقاومت مردم افغانستان بر ضد تجاوزگران روسی، هزاره‌ها وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی و اجتماعی خود شدند. و یک جنبش مقاومت موفق را به وجود آوردند. از استقلال افغانستان فعال‌تر از مقاومت‌های مردمی سایر اقوام نقش ایفا نمود. این مقاومت **«یکی از بهترین نمونه‌های جنبش مقاومت مردمی و موفق در دنیای رو به رشد به شما می‌آید.»**[۴]

جنبش مقاومت را می‌توان در دو مرحله تقسیم کرد: مرحله اوّل از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲ هـ ش آغاز می‌شود، در این مرحله هزاره‌ها پیش از هر مقاومت دیگر تمام مناطق هزاره‌جات را به جز بامیان، از زیر سلطه رژیم دست نشانده روس خارج نمودند. هزاره‌جات تحت کنترل نیروهای سازمان یافته محلی

---

۱. طالب حسین قندهاری، نگاهی به دیروز و افغانستان، پیوند، ایران، چ ۱، ۱۳۶۲، ص ۲۸.

۲. عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، پیشین، ص ۲۱۲. ۳. همان، ص ۲۱۲.

۴. همان، ص ۲۳۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مجاهدین قرار گرفت. سازمان موسوم به «شورای اتفاق» به وسیلهٔ روحانیون برجسته هزاره و فارغ التّحصیلان حوزهٔ علمیّهٔ نجف اشرف، قم و مشهد الرضا (عَلَیهِ السَّلام)، مثل آیت الله سیّد علی بهشتی، حجة الاسلام و المسلمین شهید صادقی نیلی و حجة الاسلام و المسلمین محمّد اکبری و دیگران به وجود آمد.

اعضای مرکزی حزب که متشکل از روحانیون برجسته شیعه بود، علی بهشتی را به رهبری «شورای اتفاق» برگزیدند. این سازمان از بدو وجود تا سال ۱۳۶۲ ش به مثابه یک حکومت در هزارستان اسلامی حکم فرمایی می‌نمود و دارای تشکیلات سیاسی، قضایی، نظامی و فرهنگی بود.

مرحله دوّم جنبش مقاومت هزاره‌ها از سال ۱۳۶۲ ش به بعد شروع می‌شود تا ۱۳۶۸ ادامه دارد، درکنار شورای اتفاق، احزاب عمده دیگر مثل سازمان نصر افغانستان، پاسداران جهاد اسلامی و حرکت اسلامی و دیگر احزاب کوچک و بزرگ پا به عرصه وجود می‌گذارند. حرکت اسلامی در طول حیات خود نتوانیست مثل سازمان نصر و پاسداران جهاد در هزارستان اسلامی جای پای برای خود باز کند؛ ولی دو گروهی دیگر (سازمان نصر، پاسداران) توانست به زودترین زمان در هزارستان یارگیری کنند و به عنوان جریان قدرتمند در برابر شورای اتفاق عرض اندام نمایند و نتیجه این تقابل جنگهای شدید داخلی در هزارستان بود و عواقب ناگواری را به مردم هزاره، این جنگ‌ها تحمیل نمود، اینکه در این جنگها کدام گروه مقصر بود و چه گروهی بی تقصیر، ما در مقام داوری آن نیستیم. آن بحث دیگری است و از توان ما بیرون است، ولی به طورکلی این جنگ‌های داخلی هزاره‌ها را به خودشان مشغول داشت وگرنه فرصتی بود بی بدیل برای بازسازی هزاره‌جات و جبران خسارت‌ها و عقب ماندگی‌هایی که سالها از سوی حکومت مرکزی و عوامل آنان در منطقه به مردم هزارستان اعمال شده بود.

علاوه بر چند گروه یاد شده گروه‌های کوچک و بزرگ شیعی دیگر نیز به وجود آمدند، بیش از پنجاه گروه شیعی با گرایش‌های اسلامی - سنتی، رادیکال مترقی و اسلام منهای روحانیت به وجود آمدند.(۱)

---

۱. همان، ص ۲۳۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) · از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اندکی از هزاره‌ها با گروه‌های غیر اسلامی مستقر در کابل و گروه‌های اسلامی سنی مذهب، مستقر در پیشاور نیز جذب شدند. حزب اسلامی به رهبری حکمتیار، جمعیت اسلامی، حرکت انقلاب اسلامی و جبهه نجات ملی از احزاب اسلامی [۱] سنّی بودند که توانستند اندکی از هزاره‌ها را به احزاب خودشان جذب کنند، با این حال تمرکز هزاره‌ها غالباً در احزاب اسلامی - شیعی، خصوصاً «سازمان نصر افغانستان» و «پاسداران جهاد اسلامی افغانستان» بودند.

۶-۱۰. هزاره‌ها در آستانهٔ پیروزی انقلاب

ارتش اشغالگر شوروی پس از «نه سال و یک ماه و بیست روز» در تاریخ ۱۳۶۷/۱۱/۲۶ طبق توافق نامه‌ای که بین طرف‌های درگیر در «ژنو» به وجود آمده بود، مجبور شد خاک افغانستان را ترک کنند. [۲] باور عمومی این بود که حکومت دست نشانده شوروی به زودترین وقت سقوط خواهم کرد. چند روزی از خروج تمام نیروهای روسی (۱۳۶۷/۱۱/۲۶) از افغانستان نگذشته بود که گروه‌های هفتگانه پیشاور گرد هم آمده، شورای مشورتی به وجود آوردند، اعضای آن ابتدا ۴۶۰ نفر بود، بعدها به ۵۱۹ نفر اعضای شورا ارتقا پیدا کرد، ۶۰ نفر عضو از احزاب هشتگانه شیعی مقیم تهران لحاظ شد و این حرکت موجب شوکی - سران احزاب جهادی شیعی گردید. و هم چنین، (۱۳۶۷/۱۲/۱۴) یک ماه بعد که گروه‌های هفت گانه طرح دولت موقت را ریختند. دولت موقتی که قرار بود بعد از سقوط حکومت نجیب ا... جایگزین آن شود، صبغت ا... مجددی رهبر حزب جبهه نجات ملی به عنوان رئیس دولت موقت انتخاب گردید. از تمام احزاب یاد شده قرار شد به شمول رهبران حزب سه پست داده شود. وزارت خانه‌ها را تقسیم نمودند، برای احزاب شیعی سهمی مورد قبول آنان در نظر نگرفتند و همین امر موجب گردید که احزاب شیعی هشت گانه در این دولت موقت شرکت نکنند. [۳]

---

۱. همان، ص ۲۳۹.

۲. یحی هاشمی، در آستانه پیروزی، افغانستان در سه دهه‌ی اخیر، پیشین، ص ۸۷۳.

۳. همان، ص ۸۷۵ - ۸۷۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۷-۱۰. حزب وحدت نقطه عطفی در حیات سیاسی و اجتماعی هزاره‌ها

به هر صورت حوادث و قضایای افغانستان به نفع مجاهدین پیش می‌رفت و دولت نجیب به سرا شیبی قرار گرفته و در حال سقوط بود و این عوامل و عوامل دیگر دست به دست هم داده موجب شد که سران دلسوز احزاب شیعی به فکر ائتلاف، وحدت و هماهنگی بیفتند. مهم‌ترین آن ائتلاف‌ها، حزب وحدت اسلامی افغانستان بود، البته سالها قبل از تشکیل حزب وحدت ائتلاف‌هایی به وجود آمده بود که ما به خاطر اختصار فقط از آنها نام بریم:

اتحاد انقلاب اسلامی افغانستان، جبهه آزادی بخش انقلاب اسلامی افغانستان، جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان، ائتلاف چهارگانه و شورای ائتلاف اسلامی افغانستان.(۱)

اهداف این ائتلافها تماماً اسلامی بود و پاسداری از ارزشهای اسلامی و دفاع از تامیت ارضی کشور افغانستان که بخش بزرگ آن، در آن هنگام در اختیار اشغالگران شوروی سابق بود.همین روحیه همگرایی بین سران احزاب جهادی شیعه منشاء تشکل قوی و منسجمی به نام حزب وحدت اسلامی افغانستان شد. بدون تردید تشکیل حزب وحدت نقطه عطفی در تاریخ سه دهه اخیر هزاره‌ها به حساب می‌آید. هزاره‌ها پس از آن وارد مرحله جدید تعاملات سیاسی افغانستان شدند. در مورد آغاز تشکیل حزب وحدت، آقای استاد عرفانی می‌نویسد:

«در تاریخ ۱۳۶۷/۳/۱۸ در مرکز ولسوالی لعلی و سرجنگل، از توابع ولایت «غور» که یکی از ولسوالیهای مهم و پرجمعیت مردم تشیع افغانستان است این جانب (عرفانی) با برادرمان جناب آقای محمّد اکبری که یکی از چهره‌های برجسته جهاد ملت عزیز افغانستان و از مسؤلین بلند پایه پاسداران جهاد اسلامی افغانستان می‌باشند. در بالای تپه‌ای نزدیک «مرکز قضا» نشسته و برادران حجج الاسلام حسین صابری و سیّد عبدالحمید سجادی... نیز حضور داشتند، با حالت ناراضی از هر گوشه کناری سخن می‌گفتیم، از وضعیت جغرافیایی لعل... سخن از اوضاع حوادث ناگواری بود که پیرامون مان وجود داشت و در قلب کشورمان رخ می‌داد. خلاصه سخن از مظلومیت مردم در افغانستان بود و از

---

۱. قربانعلی عرفانی، حزب وحدت اسلامی افغانستان از کنگره تا کنگره، قم، انتشارات سراج، چ ۱، ۱۳۷۲، ص ۲۴ و ۳۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پراگندگیها و از درگیریها... فعل و انفعالات سیاسی در سطح بین الملل در رابطه با حل سیاسی قضایای افغانستان از یک طرف، تشکیل دولت موقت از سوی احزاب مقیم پیشاور پاکستان به ریاست انجینر احمد شاه احمد زی، نادیده گرفتن حق تشیع افغانستان از دیگر سو، مسائل و مشکلات بود که همواره افکار مسئولین و رهبران جهاد را به خود متوجه ساخته بود... راه حل‌های گوناگون مطرح و طرح‌های متعددی ارائه گردید، ولی در میان همه نجواها و بگو مگوها جمله کوتاه... در مغزمان جرقه زد «کنگره» ؛ یعنی «تشکیل کنگره سراسری مجاهدین مناطق مرکزی».[۱]

اولین کنگره سراسری سران احزاب پاسداران و سازمان نصر در پنجاب تشکیل شد. دومین کنگره برای پیگری وحدت در مرکز لعل و سرجنگل متشکل از دو حزب فوق به وجود آمد. در کنگره بهسود که پس از کنگره لعل تشکیل شد، نیز سران دو حزب سازمان و پاسداران جهاد به شمول سازمان نیروی اسلامی حضور داشتند. در این جلسه اعضای شورای مرکزی اتحاد شامل هشت نفر تعیین شدند.

پس از پیگریهای مداوم سران احزاب هزاره، قرار شد گردهمایی بزرگی در بامیان تشکیل جلسه بدهند. در این جلسه علاوه بر احزاب یاد شده، سران گروه‌های حرکت اسلامی، جبهه متحد اسلامی، سازمان نهضت اسلامی و حزب الله حضور داشتند. پس از چند روز گفتگو و جلسه در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۷ «میثاق وحدت» که در ۲۰ ماده تدوین شده بود، به امضای سران احزاب شیعی هزاره رسید.[۲]

هزاره‌ها پس از تشکیل حزب وحدت وارد مرحله جدید از حیات سیاسی اجتماعی خود شدند. حزب دستاوردهای بزرگ داخلی و خارجی داشت. ایجاد آرامش روحی بین هزاره‌ها، تأمین امنیت عمومی مناطق تحت تسلط حزب، افتتاح دفتر نمایندگی سازمان ملل در مرکز حزب وحدت (بامیان)، تشکیل واحدهای اداری و نظامی منظم در سطح هزاره‌جات از مهم‌ترین دستاوردهای

---

۱. همان، ص ۳۷ و ۳۸.

۲. همان، ص ۱۷۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

داخلی حزب وحدت به حساب می‌آید.[۱]

در خارج افغانستان نیز حزب دستاوردهای مهم به دست آورد؛ مثل افتتاح دفترهای نمایندگی حزب در کشورهای: ایران، پاکستان، سوریه، لبنان، آلمان، فرانسه، دانمارک، استرالیا و انگلستان؛ شرکت در اجلاس وزرای خارجه پاکستان، ایران و گروه‌های هفتگانه پیشاور موسوم به «اجلاس چهار جانبه» در پاکستان؛ شرکت در کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در استانبول ترکیه؛ شرکت فعال در اجلاس چهار جانبه تهران؛ شرکت در نشست سازمان ملل جهت حل قضایای افغانستان بنا به دعوت رئیس وقت سازمان (۱۳۷۰/۷/۱۰)؛ شرکت در نشست مسکو همراه دیگر گروه‌های جهادی به منظور حل و فصل مسائل سیاسی افغانستان؛ شرکت در ششمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در «داکار» پایتخت سنگال و برگزاری سمینار حزب وحدت در آلمان.[۲]

مجموعه یاد شده دستاوردهای درشت داخلی و خارجی حزب وحدت بود که طی حدود دو سال عمر خود قبل از سقوط حکومت نجیب ا... و سرکار آمدن حکومت مجاهدین در کابل به دست آورد. **«حزب وحدت نه فقط به بزرگترین و با نفوذترین حزب شیعه و هزاره در افغانستان تبدیل شد؛ بلکه به صورت یکی از مؤثرترین نیروهای سیاسی کشور در آمد که در صحنه منطقه و بین الملل حضور داشت.»**[۳]

با پیشروی مجاهدین به سمت کابل حکومت نجیب ا... در تاریخ ۱۳۷۱/۱/۲۵ از حکومت استعفا داد قدرت را به شورای چهار نفره واگذار نمود، می‌خواست به هند برود، ولی چون فرودگاه در اختیار نیروهای آقای «دوستم»، نیروی نظامی پر قدرت در کابل بود، نتوانست از افغانستان خارج شود؛ لذا در سازمان ملل پناهنده شد.[۴]

---

۱. همان، ص ۲۲۷ - ۲۲۸.
۲. همان، ص ۲۴۷ - ۲۳۳.
۳. سیّد عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، پیشین، ص ۲۵۲.
۴. سید یحیی هاشمی، در آستانه پیروزی، افغانستان در سه دهه اخیر، پیشین، ص ۸۹۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۸-۱۰. هزاره‌ها و حکومت مجاهدین و پس از آن

سرانجام در تاریخ ۱۳۷۱/۲/۷ دولت موقت مجاهدین به ریاست صبغة الله مجددی وارد کابل شد و مورد استقبال مردم قرار گرفت. حزب وحدت اسلامی و جنبش اسلامی ابتدا در کابینه آقای مجددی نبود. بعد از گفتگوهایی که بین حزب و ریاست دولت صورت گرفت، وزارت خانه‌های امنیت ملی[۱] (وزارت کشور)، صنایع و معادن و اعمار مجدد به حزب وحدت داده شد و یک وزارت خانه هم به جنبش ملی اسلامی به رهبری جنرال عبدالرشید دوستم. گروه‌های جهادی یکی پس از دیگری وارد مرکز کشور شدند.[۲] پس از این حزب وحدت به عنوان نماینده هزاره‌ها و شیعیان افغانستان در کابل حضور پر رنگ پیدا کرد. برای بسیاری از گروه‌های جهادی حزب پرقدرت هزاره‌ها قابل تحمل نبود؛ لذا برای کوبیدن آن به بهانه‌های مختلف، جنگ‌های سختی را به حزب وحدت تحمیل کردند. مدت سه سال حزب وحدت و رهبری آن، استاد عبدالعلی مزاری در برابر این جنگ‌های ناخواسته مقاومت نمودند. اواخر تابستان سال ۱۳۷۳ گروهی موسوم به «جنبش اسلامی طالبان» که عمدتاً پشتونها در آن عضویت داشتند از جنوب کشور سر برآوردند. مرکز قندهار و ولایات اطراف آن را به زودترین وقت تصرف نمودند، چندی طول نکشید که طالبان به دروازه‌های کابل رسید و خود را برای تصرف مرکز کشور آماده می‌کرد. این در حالی بود که حزب وحدت در غرب کابل با نیروهای دولت خود خوانده آقایان ربانی و مسعود در کابل در جنگ بودند.

بین حزب وحدت و رهبری طالبان توافقاتی به وجود آمد و قرار شد حزب وحدت نیروهای طالبان را مزاحم نباشد و طالبان بتواند از مسیر نیروهای حزب وارد کابل شوند، بعد از اینکه نیروهای طالبان به دروازه‌های کابل رسید توافقات انجام شده را زیر پا نهاد و خواهان تسلیم شدن نیروهای حزب وحدت شدند و رهبر حزب وحدت، استاد شهید عبدالعلی مزاری را به بدترین و فجیع‌ترین

---

۱. وزارت خانه امنیت ملی هرگز به حزب وحدت داده نشد؛ بلکه پس از اینکه قول آن را دادند آن وزارت خانه را منحل کردند. (استاد بصیر احمد)

۲. سیّد یحیی هاشمی، حاکمیت مجاهدین، افغانستان در سه دهه اخیر، ص ۹۱۱ - ۹۰۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وجه به شهادت رساند.[۱]

حزب وحدت تقریباً نیروهایش تار و مار شده بود. هزاره‌ها در داخل افغانستان و خارج از آن که به عنوان مهاجر زندگی می‌کردند، به فقدان رهبرشان عزاداری نمودند.

اوائل سال ۱۳۷۴ رهبران حزب وحدت دوباره حزب را بازسازی نمودند و جبهات منظم و متشکل نظامی در بامیان و شمال کشور در برابر طالبان تشکیل داد. در زمان مقاومت نیروهای جبهات شمال در برابر طالبان حزب وحدت قدرت مهم به حساب می‌آمد.

پس از سرنگونی حکومت سیاه طالبان و روی کار آمدن دولت جدید هزاره‌ها به صورت فعال در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی حضور دارند. در انتخابات ریاست جمهوری میزان (مهر) ۱۳۸۳ افغانستان، یک هزاره (حاجی محمّد محقق) به صورت جدّی در برابر کاندیداطوری دیگر کاندیداهای ریاست جمهوری به میدان رقابت آمد. در زمان انتخابات بسیاری از تحلیل گران گمانه زنی می‌کردند که محقق نفر اوّل خواهد بود، ولی در اثر کار شکنی‌هایی که از سوی دست اندرکاران انتخابات صورت گرفت، محقق نفر سوّم شد نه اوّل! این حرکت نشاندهنده حضور فعال هزاره‌ها است. و اینک معاونت دوّم ریاست جمهوری و چند وزارت از آن هزاره‌هاست. در انتخابات مجلس نمایندگان «ولوسی جرکه» تابستان ۱۳۸۴ هزاره‌ها حضور قابل توجهی داشتند و توانستند بیش از ۳۵ نفر نماینده به مجلس بفرستند.[۲]



۱. همان، ص ۹۷۳ - ۹۷۲.

۲. یادداشت‌های شخصی سال ۸۳ و ۸۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل سوّم

شادی‌ها و جشن‌های هزاره‌ها و نقد آن

- اعیاد ملی و مذهبی
- جشن‌ها و شادی‌ها
- تولد فرزند
- ازدواج و عروسی
- چهارشنبه سوری
- عید مرده‌ها

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهٔ‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱. اعیاد ملّی و مذهبی

مقدمه

انسان موجودی است دارای صفات و روحیات متضاد؛ گاه خرسند است و شادمان و می خندد و شادمانی می‌کند و گاه تمام وجود او را غصه می‌گیرد و غمناک می‌شود و غصه بار می‌گردد، اشک می‌ریزد و ماتم به پا می‌کند. از خصوصیات انسان وجود این صفات متضاد در نهاد وجود اوست. بعد از اینکه انسان‌ها به صورت گروه‌های اجتماعی در آمدند و زندگی خانوادگی و مدنی شان را آغاز نمودند، تصمیم گرفتند که شادیها و غم‌های شان دسته جمعی باشند. به گونه گروهی و جمعی احساسات شادمانی و غم و غصه شان را ابراز نمایند. این ابراز احساسات کم‌کم به صورت رسم و آداب در آمده، همراه با جریان سیال زمان به حرکت خود ادامه دادند.

امروز جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که روزهای معین و مشخصی برای ابراز احساسات و شادمانی خود نداشته باشند. ملت‌های گوناگون در جغرافیاهای مختلف و دین‌های گوناگون، روزهای معینی را مشخص کرده‌اند برای شادمانی و ابراز مسرت و خوشحالی درونی خود. از این ابراز شادمانی در روزهای معین تعبیر به **«جشن و عید»** شده است. چه مسلمان و چه غیر مسلمان قسمتی از زمان را برای

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شان روز عید و جشن نام‌گذاری کرده‌اند و در آن روز خاص با آداب و رسوم خاص که هر ملت و قبیله از خود رسوم و آدابی را دارند، به شادمانی و پایکوبی می‌پردازند و غصه‌ها را از خودشان دور می‌کنند.

مردم هزاره نیز مثل دیگر همنوعان خود و مثل بسیاری از ملت‌های دیگر در طول سال بخشی از زمان را به ابراز احساسات و شادمانی اختصاص داده‌اند و در آن زمان‌های معین به صورت گروهی، خوشحالی می‌کنند و جشن می‌گیرند و نیروی تازه برای کار و تلاش و ادامه حیات.

هزاره‌ها از زمانی که به عنوان یک ملت و یک گروه متشکل اجتماعی به حیات اجتماعی - فرهنگی خود آغاز نمودند مسلمان بوده‌اند و پیرو مکتب تشیع امامی و معتقد به وصایت و خلافت امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب (عَلَیهِ السَّلام) و یازده فرزند آن امام همام، بعد رحلت ختم مرتبت محمّد مصطفی (صَلَی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم).

اسلام دینی است که توجّه به نیازهای فطری انسان نموده است و روی آن صحه گذاشته. در اسلام روزهای معینی وجود دارد که از آن به «عید» تعبیر شده است. مسلمانان در روزهای عید با همدیگر شادمانی می‌کنند و از هم دیگر احوال می‌گیرند و از بیماران عیادت می‌کنند.

چنانچه گفته آمد هزاره‌ها مسلمان اند. تقریباً تمام جشن‌ها و شادمانی‌های شان صبغه مذهبی دارند و از اسلام یاد گرفته‌اند. ما در این قسمت تلاش می‌کنیم مهم‌ترین جشن‌ها و شادیهای هزاره‌ها را که در طول سال آنان به اجرا می‌گذارند بیان کنیم. خوب واقفم این کار، مشکل است چون منابع مکتوب در مورد طرز اجرا و تشکیل جشن‌ها و شادیهای هزاره‌ها وجود ندارد. علاوه بر آن از ناتوانی قلم خود نیز خوب آگاهی دارم، با این حال سعی می‌کنم حق مطلب را ادا کنم.

۱-۱. عید فطر (عید روزه) و نقد و بررسی آن

روز اوّل ماه شول برای تمام مسلمانان، رنگی دیگر دارد. خورشید با لبخند و تبسم در صبح روز اوّل ماه شوال از افق سر بر می‌آورد و با شادی و هلهله کنان این کیهان خاکی را با تبسمش روشنایی می‌بخشد و انرژی می‌دهد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری) به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶۰ از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هزاره‌ها همگی مسلمانند، ماه رمضان را روزه دار. تقریباً تمام هزاره‌ها حرمت این ماه ضیافت الهی را پاس داشته و روزه می‌گیرند، به کسانیکه تک و تک روزه خواری می‌کنند به دید بدی می‌نگرند؛ لذا روزه خواران در جامعه هزاره نسبت به خیلی از جوامع مسلمان دیگر بسیار اندک اند. پس از اتمام روزه و آخر شد ماه رمضان، هزاره‌ها از چند روز اوّل ماه شوال به گرمی استقبال می‌کنند و با آغوش باز از آن پذیرایی و به آن خوش آمد می‌گویند.

در اسلام و روایات اسلامی از این روز تعبیر به عید شده است، چنانچه در دعای قنوت نماز عید فطر آمده است:

«أَسْئَلُکَ بِحَقِّ هَذَا الْیومَ الَّذی جَعَلْتَهُ لِلْمُسلِمینَ عیداً؛ [1] **درخواست می‌کنم از تو ای خدا به حق این روز [اوّل شوال] که برای مسلمین عید قرار دادی.»**

روایات زیاد در این مورد وجود دارند که روز اوّل ماه شوال «عید» است ما به خاطر جلوگیری از طولانی شدن، از آوردن روایات صرف نظر می‌کنیم. روز عید فطر از جشن‌های مهم و بزرگ هزاره‌ها محسوب می‌شود. از زمان‌های دور این روز مورد تعظیم هزاره‌ها بوده است. از آن روزی که هزاره‌ها اسلام را انتخاب نمودند و به آن گرویدند روز اوّل ماه شوال برایشان عید بود و روز جشن و سرور و تا امروز پر رونق‌تر از گذشته باقی است. البته آداب و رسومی که در این روز بوده ممکن است در اثر حرکت و سیالیت زمان دچار تغییر و دگرگونی شده باشد. چه می‌دانیم که هزاره‌ها پنج صد سال قبل، هزار سال قبل چه برنامه‌ها و رسوم و آدابی برای عید فطرشان داشته‌اند. منابع مکتوب در دست نیست تا از روی آن قضاوت کنیم و آدمی که عمر نوح داشته باشد نیز بین هزاره‌ها وجود ندارد تا در محضر او حاضر شویم و ادآب گذشته گان را از او بپرسیم. لذا ما کوشش می‌کنیم آداب و رسومی که اکنون در بین هزاره‌ها، روز عید فطر جاری اند را بیان کنیم.

تا آن جا که تحقیق شده است، معمولاً آداب و رسوم روز عید فطر در بسیاری از مناطق هزاره‌جات یکسان است، تفاوت زیاد ندارد. جز اندک و ناچیز، ممکن است در بعضی از جزئیات

---

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه‌ای، قم، انتشارات علامه، چ ۶، ۱۳۸۴، ص ۴۹۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)، از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مراسم عید فطر در غرب هزاره‌جات با شرق هزارستان تفاوت داشته باشد و این تفاوت اندک است. در بین هزاره‌ها عید فطر به «عید روزه» شهرت دارد.

ما آن مراسمی که در شب و روز عید فطر در بین هزاره معمول است به ترتیب بیان می‌کنیم. در تمام مناطق هزارستان مثل جاهای دیگر افغانستان سه روز اوّل ماه شوال عید است و تعطیلی و عید خوری.

۱-۱-۱. ماه دیدن

شامگاهی که احتمال می‌رود فردای آن روز عید باشد، هزاره‌ها برنامه‌ای به نام ماه دیدن دارند. روز آخر ماه رمضان، هزاره‌ها خود را برای روز بعدش؛ یعنی روز عید آماده می‌کنند و کارهایی را انجام می‌دهند. بعد از غروب روز آخر ماه رمضان و ظهور سرخی در مشرق و ناپدید شدن آن، جمعی زیادی جوانان، میانسالان و پیرمردهای با حال و حوصله در اطرف قریه، بالای بلندیها و تپه‌ها که قریه را احاطه کرده است، می‌روند تا هلال ماه شوال را رویت کنند. هر فردی از گروه با تمام توان و چشم عادی تلاش می‌کنند تا ماه را رؤیت کنند و افتخار اعلام عید فردا روز، نصیب او گردد. وقتی یکی از آن جمعی که برای یافتن ماه روی تپه‌های قریه رفته‌اند، ماه را ببیند خیلی خوشحال می‌شود و با خوشحالی و لبخند خبر می‌دهد که ماه را دیده است. برای اینکه متهم به دروغ گفتن و خطایی در حس نشود، با دست به طرف ماه اشاره کرده، به اطرافیانش می‌گوید: «وُ نه ماه، وُ نه ماه»؛ یعنی ماه آنجا است. اطرافیان آن فرد، نیز سعی می‌کنند با راهنمایی او، ماه را پیدا کند و وقتی چند نفر ماه را دیدند، با قاطعیت می‌گویند فردای آن شامگاه عید است و اوّل شوال. بسیاری از آن جمع وقتی ماه نو را، خصوصاً ماه شوال را، می‌بینند خوشحال می‌شوند، خداوند متعال را سپاس می‌گویند که ماه تمام شده را به خیر و خوبی سپری نموده‌اند و از خداوند در خواست می‌کنند که ماه نو را برای خانواده و اهل قریه شان مبارک گرداند؛ این ماه را نیز چون ماههای دیگر به خوبی و خوشی بگذرانند و سپری کنند. در حین رؤیت هلال ماه شوال و نیز رؤیت هلال در دیگر ماه‌های سال، رویت کننده‌های هلال، چند سورهٔ

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کوتاه از قرآن کریم زیر لب زمزمه می‌کنند که خودشان را تا آخر ماه از حوادث ناگوار و گرفتاری‌های ناگهانی و شاق، بیمه کنند، معمولاً سوره حمد، توحید، قدر، معوذتین و... را می‌خوانند.

آنگاه که گروه ماه یابان رؤیت هلال می‌کنند، با خرسندی از تپه‌های بلند به سوی قریه بر می‌گردند و به سایر اهل ده خبر می‌دهند، که فردا عید است و روز شادمانی و سرور. اگر چنانچه شبانگاه آخر ماه رمضان، اهل ده موفق به دیدن هلال نشوند، مردم به رادیوهای خبری ایران و بی بی سی گوش می‌دهند، تا معلوم کنند که فردا عید است؟

هزاره‌ها در طی نیم قرن اخیر، از مراجع معظم تقلید نجف و قم تقلید می‌کرده‌اند. در زمان‌های دور، هزاره‌ها از سیّد ابوالحسنی اصفهانی یکی از مراجع بزرک تقلید شیعه در نجف تقلید داشتند. حضرت آیت الله سیّد محسن حکیم نیز در بین هزاره‌ها مقلدینی داشت. در چند دهه اخیر هزاره‌ها از دو مرجع عالیقدر، آیات عظام، خوئی و امام راحل، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت روح الله خمینی تقلید داشتند و مطابق فتاوای آنان عمل می‌کردند. پس از رحلت آن دو عالم ربانی از مراجع عظام، آیت الله سیّد رضا گلپایگانی و آیت الله محمّد علی اراکی و دیگر مراجع عظام تقلید داشتند. در این زمان، هزاره‌ها از مراجع معظم و عالیقدر دیگر که در قید حیات اند و در ایران و نجف اشرف بود و باش دارند پیروی می‌کنند و مطابق فتوای آنان عمل.

یکی از مسائل که گاه، موجب می‌شود برخی از اهل قریه جات در هزاره‌جات، عید داشته باشند و برخی دیگر عید نداشته باشند، مسأله تعدد مقلد و مرجع است و اختلاف فتواها در مورد شرط دانستن افق و عدم آن. هزاره‌ها خودشان را مقید می‌دانند، که طبق نظر مرجع شان عمل کنند و ممکن است دو مرجع، فتوای شان در مورد افق تفاوت داشته باشند و این امر موجب دو دستگی در مراسم عیدگاه می‌شود. البته این اختلاف در صورت وجود دارد که هزاره‌ها به خاطر موانع نتوانند شبانگاه آخر ماه رمضان هلال ماه شوال را رؤیت کنند.

اعمال یاد شده در ماه دیدن کاملاً نیکو و اسلامی است و هزاره‌ها با درک درست که از اسلام دارند به آن عمل می‌کنند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آئین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲-۱-۱. دادن زکات فطره به فقرا

یکی از چیزهای واجب بر هر مسلمان، دادن زکات فطره است، البته این زکات بر فقرا و نیازمندان جامعه اسلامی واجب نیست. مسلمانان توانمند از نگاه مالی، مؤظّف هستند که زکات فطره شان را به مستمندان جامعه بدهند. حضرت آیت الله وحید در این مورد نگاشته است:

«مسأله ۲۰۰۸ - کسی موقع غروب شب عید فطر بالغ و عاقل است و فقیر و بنده کسی نیست به این معنا که ماه رمضان را - اگرچه به یک آن تا تحقق غروب - با این شرایط درک کند باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند، هر نفری یک صاع - که تقریباً سه کیلوگرم است - گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج و مانند اینها به مستحق بدهد، بنابر احتیاط واجب غذای محلش باشد و اگر پول یکی از این‌ها را هم بدهد کافیست.»[1]

دادن زکات فطره بر مسلمان بالغ، عاقل، آزاد و توانمند از نظر مالی واجب است. او باید فطریه خود و نان خورانش را به فقرای دوازده امامی بدهد و با نیت فطریه و قصد قربت.

هزاره‌ها نیز، مثل دیگر برادران مسلمان خود تلاش می‌کنند که فرائض الهی را خوب انجام بدهند تا تقرب به خداوند متعال نموده وجودشان را از زلال رحمت الهی پر کنند. هزاره‌ها صبح عید فطر قبل از هر کاری دیگر، بزرگ خانه تمام عیال و اعضای خانواده را می‌شمارند، پس از آن فطریه تمام افراد خانواده را جدا می‌کنند. در صورت فقیر در دسترس باشد فوراً به فقرا می‌دهند و اگر نیازمندی در دسترس نباشد، زکات فطره را در گوشه خانه - اگر گندم یا جو باشد - کنار می‌گذارند، اگر سه صاع (حدود سه کیلوگرم) گندم نداد قیمت آن را به نقد به فقرا می‌دهند، در صورت در دسترس باشد و اگر فقیری در ده شان نباشد، تمام آن مبلغ را جای امن دور از دسترس بچه‌ها می‌گذارند، تا در فرصت مناسب، آن پول زکات فطره را به فقرای مورد نظرشان بدهند. در گام نخست هزاره‌ها زکات فطره را

---

۱. آیت الله حاج شیخ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، قم، مدرسه باقر العلوم، چ ۵، ۱۳۸۲، ص ۵۶۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سعی می‌کنند، به وابستگان فقیرشان، چه در دسترس باشد و یا غیر آن، بدهند و اگر فامیل و بستگان فقیر نداشته باشند زکات فطره شان را به فقرای اهل قریه می‌دهند. وقتی فطریه را به فقرا می‌دهند کوشش می‌کنند طوری تقدیم نیازمند کنند، که آن فقیر احساس حقارت نکند، به کمال احترام و زبان نرم و خوش رویی، فطریه را به نیازمند می‌پردازند.

۳-۱-۱. رفتن به قبرستان

صبح زود بعد از دادن و یا جداکردن زکات فطره، هزاره‌ها به قبرستان رفته، یادی از مردگان خود می‌کنند. یادی از گذشته‌ها و بستگانی که از این جهان به دار ابدی پیوسته‌اند. رفتن سر قبرستان از اموری است که در اسلام مورد توجّه قرارگرفته است. اسلام به ما دستور می‌دهد اگر از خود مغرور شدی و دنیا تو را به خود مشغول ساخت، برای عبرت‌گیری و زدودن پرده غفلت از گوشهای قلب به قبرستان گذر بنما، ببین دیگرانی که اینک در دل خاک آرام و خموش و صبورانه خوابیده اند، روزی در این دنیا بود و سرگرم زندگی روزه مره، اما امروز دست‌های آنان کوتاه، از هر جایی، گرفتار اعمال بد یا خوب شان هستند. این رسم در تمامی مناطق هزارستان اسلامی جاری است. صبح زود، قبل از ادای نماز عید، مردان پیر، میانسالان و جوانان به قبرستان ده می‌روند. هر کسی بالای قبر بستگانش می‌نشیند و آیاتی از قرآن را تلاوت می‌کنند، آنان که سواد خواندن قرآن دارند. کسانی که خواندن قرآن نمی‌دانند سوره توحید و حمد را سر قبر فامیلش می‌خواند.

زنان هزاره نیز خودشان را در برابر مردگان خود مسئول می‌دانند و اموات را به فراموش خانه غفلت نمی‌سپارند، از آنان یاد می‌کنند و به قبرستان می‌روند، ولی رفتن زنان به قبرستان با مردان تفاوت دارد، چون زنان معمولاً بعد از ظهر عید به شهر اموات سر می‌زنند و دست خالی نمی‌روند، مقداری غذایی چون حلوای سرخ، لیتی، که از آرد، آب، نمک، درست می‌شود روی آن روغن می‌ریزد، نان مغزی، نانی که در بین خمیر آن روغن می‌ریزند بعد خمیر را زیر آتش داغ می‌گذارند پس از ده، یازده دقیقه نان می‌پزد و... می‌برند، بچه‌های کوچک و بزرگ نیز زنان را همراهی می‌کنند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وقتی زنان به شهر مرده‌ها رسیدند، هر کسی سر قبر عزیز آرمیده در خاکش می‌رود، سر قبر تکه فرشی پهن می‌کند، زنان دور هم روی آن می‌نشینند، فلیته چند سانتی را، که از پنبه است، بین روغن غوطور می‌کنند، پس از آن با کبریت آن فلیته آغشته به روغن را روشن، کنار لَوَگْ سَنْگ (سنگ بلندی که روی قبر میت قسمت بالای سر او قرار دارد) می‌گذارند، آن فلیته می‌سوزد، آن گاه خانم بزرگتر ماده غذایی که همراشان آورده‌اند، به یاد اموات بین بچه‌ها و افراد که سر قبرستان هست تقسیم می‌کنند.

این مراسم، در صورت مصادف با زمستان نباشد، در فصل‌های دیگر سال، با شکوه فراوان و دیدنی برگزار می‌شود. در زمستان‌ها، بسیاری از مناطق هزارستان به شدت سرد است آب در جا یخ می‌زند، هوای سرد موجب می‌گردد، بسیاری از مراسم‌های اجتماعی از جمله رفتن به قبرستانها خوب و با شکوه برگزار نگردد.

۴-۱-۱. نماز عید فطر

نماز وسیله تقرب الهی است. انسانی مسلمان با خدای خود به وسیله عبادت و برپایی نماز با ربّ متعال ارتباط برقرار می‌کند و از آن خالق ایزد، نور می‌گیرند و قلب شان را با نماز از سیاهیهای معصیت پاک نموده، با راز و نیاز به درگاه پروردگار بی نیاز روح و جان خود را از صفا و پاکی عبادت، صفا و جلا می‌بخشد.

نماز عید فطر، یکی از آن عبادتهایی است که هم عبادت است، هم سیاست و گرد هم آمدن انسان‌های یک جهت و یک عقیده، برای اجرای نماز عید. نماز عید دو رکعت است؛ مثل نماز صبح، ولی بعد از قرائت سوره، در رکعت اوّل، پنج تکبیر دارد و پنج قنوت، بعد از هر تکبیر یک قنوت خوانده می‌شود. در رکعت دوّم بعد از حمد و سوره، چهار تکبیر دارد و پنج قنوت، پس از هر تکبیر یک قنوت. در قنوت هر ذکر و دعا باشد کفایت می‌کند، ولی سزاوار است این دعای معروف خوانده شود: **اَللّهُمَّ اَهلَ الْکِبْریاءِ وَ الْعَظَمَه** ... بعد از تمام شدن نماز، نیکو است دو خطبه خوانده شود، البته اگر نماز را به جماعت بخوانند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اعطاء پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۴۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)، از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نماز عید فطر و عید اضحی، در زمان حضور امام معصوم با وجود شرایط و بسط ید امام واجب است، ولی در زمان غیبت امام عصر استحباب دارد، معمولاً مراجع معظم تقلید، ادای آن را مستحب می‌دانند. نماز عید را با جماعت و فرادا می‌توان خواند.(۱)

یکی دیگر از برنامه‌های روز عید فطر، بین هزاره‌ها ادای نماز عید است. قبل از انقلاب ۱۳۵۷ هزاره‌ها در بسیاری از مراسم‌های مذهبی خود دچار مضیقه بودند و از سوی حاکمان وقت به شدت کنترل می‌شد، خصوصاً آن مراسمی که جنبهٔ سیاسی و اجتماعی بیشتر داشت؛ ولی بعد از انقلاب دگرگونیهای زیاد در جامعه افغانستان و هزاره‌ها به وجود آمد. در این مدت هزاره‌ها می‌توانستند با آزادی و خاطر آسوده مراسم مذهبی شان را اجرا کنند.

به خاطر آن چه ذکر شد، نماز عید قبل از انقلاب معمولاً در هزاره‌جات برپا نمی‌شد، اما پس از انقلاب و دوران جهاد مردم افغانستان بر ضد متجاوزان روسی، در گوشه گوشهٔ هزاره‌جات نماز عید برگزار می‌شود. غالباً در هزاره‌جات یک قریه و یا چند قریه نزدیک هم یک روحانی دارد که برای مردم مسأله می‌گوید و کفن دفن و واجبات و مستحبات میت را راهنمایی می‌کند و صیغه عقد و طلاق را اجرا. از دیگر کارهای روحانی امامت نماز عید است.

در بسیاری از جاهای هزارستان اسلامی، به خاطر نبود روحانی نماز عید برگزار نمی‌شود. البته این امر در کوهستان‌های هزاره‌جات است. در شهرهایی که هزارها ساکن اند مثل کابل، هرات، مزار شریف و... و مراکز ولسوالیها (شهرستان) در کوه پایه‌های هزاره‌جات نماز عید باشکوه خاص برگزار می‌شود. مردم متدین و مسلمان هزاره با شوق و اشتیاق فراوان در نماز عید حاضر می‌شوند.

صبح زود عید، خادم «منبر» (حسینیه) یا یکی از مردان اهل ده، بین قریه به آواز بلند جار می‌زند که در فلان جا، در ساعت معین نماز عید برقرار است. در این اواخر اکثر منبرهای هزاره‌جات بلندگو دارد و با باطری ماشین آن را فعّال می‌کند، پشت بلندگو زمان و مکان نماز عید را اعلام می‌کنند.

جوانان، میان سالان و پیر مردان هزاره با لباس‌های تمیز و نو در حالیکه تسبیح، تکبیر، تهلیل و

---

۱. روح الله الامام الخمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، چاپ نجف، بی نا، بی تا، ص ۲۴۲ - ۲۴۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

صلوات هر کدام شان زیر لب زمزمه می‌کنند، به سوی نماز در حرکت هستند. اگر عید در هر یک از فصل‌های بهار، تابستان و تیر ماه (پاییز) باشد، نماز در فضای باز، روی چمن یا زمین خاکی برگزار می‌گردن و گاه در مسجد، چنانچه آقای صفرزاده در مورد برپایی نماز عید در قریه «مار بلاق قیز» در شمال کشور، از مربوطات ولایت سمنگان می‌نویسد: **«اوّل صبح جمعیت کثیری جهت [ادای] نماز [عید فطر] از چند قریه در مسجد جامع «ماربلاق قیز» جمع شدند.»**(۱)

وقتی به سوی نماز، می‌روند همدیگر را می‌بینند، اظهار خوشحالی می‌کنند و عید را به همدیگر تبریک می‌گویند، کلمات و جملات چون «عید مبارک»، «روزه و نماز قبول» را به یکدیگر رد و بدل می‌کنند. پس از ادای نماز عید، نیز به همدیگر دست می‌دهند و عید مبارکی می‌کنند. و کوچکترها دست بزرگترها را می‌بوسند و بزرگترها در مقابل صورت کوچکترها، را می‌بوسند. غیر سادات دست سادات، چه کوچک و چه بزرگ را می‌بوسند و سادات دست همدیگر را نیز می‌بوسند. سنّت دست بوسی سادات و بزرگترها از زمان‌های قدیم و دور بین هزاره‌ها معمول بوده و مورد عمل. اما اینکه به چه مناسبت این سنّت بین هزارها به وجود آمده تا هنوز نویسنده به ریشه و اساس آن پرنخورده است در هر صورت این سنّت برای ابراز احترام به طرف که دستش را می‌بوسند تلقی می‌شود و ما در جای خودش اندکی بیشتر بحث خواهیم کرد، همچنین در مورد جواز تقبل ید و عدم جواز آن، نیز اینکه در اسلام دست چه کسانی را می‌توان بوسید و دست چه کسانی را نه. در این چند سال اخیر سنّت دست بوسی سادات کم رنگ شده است. در بسیاری از مناطق هزاره‌جات، مورد اجرا گذاشته نمی‌شود، در عین حال هزاره‌ها به سادات که به نیکی شهرت دارند کمال احترام را دارند.

بعد از ادای نماز عید نمازگزاران به خانه‌های خود بر می‌گردند و افطار می‌کنند.

۵-۱-۱. دادن عیدی به بچه ها

پس از صرف چای، صبحانه و افطار، بچه‌های کوچک و بزرگ به جان پدرها، مادرها و

---

۱ . محمّد حسین صفر زاده سمنگانی، سالهای جهاد در افغانستان، ج۱، قم، ناشر مؤلف، چ۱، ۱۳۷۳، ص ۳۴۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مادربزرگ‌ها (مامه‌ها) و پدر بزرگها (بکله / باکول) می چسپند و در خواست عیدی می‌کنند. بزرگترهای خانواده، نیز به قدر توان از پول نقد و غیر آن به بچه‌های عیدی می‌دهند و بچه‌ها پس از گرفتن، با خوشحالی و خرسندی، دنبال بازیهای خودشان می‌روند و روز عید را با شادی و خوشی با هم سن و سالان، سپری می‌کنند.

سنّت عیدی دادن امری نیکو است و با این سنّت روابط بچه‌ها با بزرگترهای خانواده بیش از پیش مستحکم و استوار می‌گردد و محبت بیشتر بین کوچک‌ها و بزرگ‌ترها ایجاد می‌گردد. حس خودخواهانه محبوب بودن بچه‌ها، با این سنّت اندکی ارضاء می‌شود.

بچه‌های کوچک پس از اخذ عیدی، آن گاه که دور هم برای بازی جمع می‌شوند، از هم دیگر می‌پرسند تا اطلاع از مقدار عیدی داده شده، پیدا کنند و آن بچه‌های که عیدی بیشتر از بزرگترهای شان گرفته‌اند به خود می‌بالند، که توانسته مورد توجّه و محبت بزرگترهای خانه واقع شده‌اند.

۶-۱-۱. دلجویی از صاحبان عزا

یکی از سنّت‌های معمول در روز عید فطر، دلجویی از صاحبان عزاست. کسانی که یکی از نزدیکان شان قبل از عید فطر و عید قربان فوت کرده است، صاحب عزا محسوب می‌شود. بستگان صاحب عزا و اهل قریه روز عید فطر خانه آن صاحب عزا می‌روند و برای او سر سلامتی می‌گویند و از خداوند متعال برای اموات مؤمنین و اموات صاحب عزا طلب غفران و رحمت الهی می‌کنند و پیش «مرده دار» فاتحه (سوره حمد و توحید) می خوانند و او را به صبر و بردباری دعوت می‌کنند. صاحب عزا نیز از مهمانان با چایی و بعضاً خرما پذیرایی می‌کند. دلجویی از صاحبان عزا در اغلب جاهای هزاره‌جات، به گونه‌ای که بیان شد، می‌باشد، ولی در بعضی از جاهای هزاره‌جات، مثل اطراف یامیان - سیغان و کامرد، روز عید صاحب عزا یا صاحبان عزا، در صورت چند خانه صاحب عزا باشد، به منبر و تکیه خانه می‌روند و می‌نشینند و اهل ده، صاحبان عزا یا صاحب عزار را به بردباری در قبال مصیبت وارده دعوت می‌کنند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اقوام صاحبان مصیبت، اگر در دهات دیگر، غیر از قریه صاحب عزا باشند سعی می‌کنند، روز عید خودشان را به خانه صاحب عزا برسانند و برای سرسلامتی و دلجویی، از آنان به خانه شان بیایند. مهمانان با جملات زیر صاحب عزا را به صبر دعوت می‌کنند. «دنیا همی یه»، «مرگ ده گردن همه حقّه»، «دنیا ده ایچ کس وفا نَدره»، «ان شاء الله غم آخر شمو بشه» و جملات دیگر از این قبیل.

فلسفه چنین سنّت بین هزاره‌ها، در واقع دلجویی از صاحب عزا است. روز عید، روز شادی و خوشی است، همه سزاوار است خوشحال باشند و مسرور. خانواده‌ها گردهم جمع می‌شوند می‌گویند و می‌خندند و شادمانی می‌کنند. کسی که یکی از اعضای خانواده‌اش را از دست داده و اینک که روز عید است، بیش از هر روز دیگر نبود او را احساس می‌کند و به یاد روزها و عیدهایی که دور هم جمع بودند می‌افتند، این است که تمام وجود عزادار و مزده دار پر از غصه و غم می‌شود. همسایگان و اقوام او برای اینکه اندکی از غصه‌های وی را بکاهند، خانه او می‌آیند تا وی زیاد در مورد عزیز از دست رفته‌اش فکر نکند. همسایه‌ها و بستگان صاحب عزا با رفتن شان به خانه او ابراز می‌دارند، که ما در غم‌های تو شریکیم، با این کار (رفتن به خانه صاحب عزا) روابط همسایه‌ها با صاحب عزا، بیش از پیش مستحکم می‌شوند و ایجاد محبت و دوستی بین دو طرف، نتیجه آن وحدت و هماهنگی است. این همان چیزی است، که اسلام ما را به آن دعوت کرده و سفارش نموده است.

۷-۱-۱. عید خوری

از دیگر برنامه‌های روز عید، که در هزاره‌جات بین هزاره‌ها مورد اجرا قرار می‌گیرند «عید خوری» است. اجرای این برنامه با اندکی اختلاف در مناطق هزاره‌جات برگزار می‌شود. در برخی از مناطق، اهل ده روز عید از تمام خانه‌های ده، پول به اندازه قیمت یک گاو جمع می‌کنند و گاوی گوشتی را خریداری و نذر می‌کنند و گوشت آن را چند نفر مرد از اهل ده می‌پزند و آبگوشت درست می‌کنند، مقداری از آن را به خانه‌ها، با لحاظ نمودن جمعیت خانواده، می‌فرستند. مردان، جوانان و نوجوانان به تکیه خانه، محل تجمع‌های مردمی، می‌روند و آبگوشت می‌خورند. این رسم در برخی از مناطق مثل

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شفنی است.

ولسوای پنجاب و ورس از مربوطات ولایت بامیان اجرا می‌شود.

برخی مناطق هزاره‌جات، سنّت عید خوری را طوری دیگر برگزار می‌کنند. خانواده‌های یک ده، هرکس به قدر توان در خانه شان غذا درست می‌کنند و نزدیک ظهر غذاهای پخته شده را به منبر و تکیه خانه می‌آورند و مردان، جوانان و نوجوانان از آن می‌خورند، چون از قبل برنامه غذا تعیین نشده است، هر خانه به قدر توان و سلیقه خود غذا می‌پزد. هنگام ظهر چندین نوع غذا به سوی تکیه خانه سرازیر می‌شود. غذاهای که می‌آورند معمولاً چند قلم ذیل است:

الف. حلوای سرخ: این غذا از جمله غذاهای لذیذ و مورد علاقه هزاره هاست و طبیعت سرد و خشن هزاره‌جات با این غذای پر از روغن و مقوی هم خوانی دارد. حلوای سرخ از آرد، آب، روغن و سمنو درست می‌شود. آرد و سمنو را به قدر بین روغن با ملاقه‌های چوبی، که مخصوص این کار هنرمندان هزاره ساخته‌اند، می‌مالند و مالش می‌دهند تا آرد که بین آب شل شده بود، خوب سفت و سخت شوند.

ب. آبگوشت: یکی دیگر از غذاهایی که هزاره‌ها از خوردن آن لذت می‌برند و برای کار و تلاش از آن انرژی می‌گیرند آبگوشت است. آبگوشت بین قبایل دیگر افغانستان نیز رواج دارد و از خوردن آن لذت می‌برند. بدون تردید زنان ماهر و سخت کوش و صبور هزاره، در پختن آبگوشت مهارت بسزا دارند؛ مثل دیگر غذاهایی که زنان هزاره خوش مزه می‌پزند، آبگوشت را نیز با مزه و لذیذ درست می‌کنند. آبگوشت از آب، روغن، نمک، پیاز، رب یا رنگ دیگ (ماده خشک، نرم و رنگی که به جای رب گوجه فرنگی استفاده می‌شود) و گوشت (گوشت مرغ یا گوسفند و بره یا گاو) درست می‌شود.

ج. شیر برنج: این ماده غذایی از برنج، آب، نمک و صاف (شیر) درست می‌شود. سه نفری و چهار نفری قور می‌کنند وسط برنج راگود، بین گودی روغن سرخ کرده و یا دوغ مخلوط با سبزی خشک به نام «پودینه»، که شبیه ریحان است می‌ریزند. غذاهای دیگری به نام حلوای سفید، دلده، قروتی و... نیز درست می‌کنند.

در برخی از جاهای هزاره‌جات، مراسم عید خوری را اینگونه برگزار می‌کنند:

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مردان دور هم جمع شده، تصمیم می‌گیرند که خانه بزرگ قریه بروند، البته مقداری جنس ارزان قیمت، مثل چند متر پارچه، مقداری چای یا شکر یا آب نبات یا نان مغزی و یا بسراق همراه خود می‌برند. بزرگ قریه، گاه یک خانه است و گاه بیش از یک خانه سایر مردم ده در منزل همه آنان می‌روند. بزرگ ده، نیز از مهمانان به گرمی استقبال و پذیرایی می‌کند. ظهر مفصل غذا می‌دهد. بعد از آن، نوبت بزرگ ده است که خانه‌های هر یک از اهل ده برود. اهل ده به خانه‌های همدیگر عید مبارکی می‌روند و عید فطر را به همدیگر تبریک می‌گویند، عبارات «عید مبارک»، «روزه و نماز قبول» در این روز زیاد گفته می‌شود. این دید باز دید اهل قریه، بین هم و فامیلهای که در یک قریه نیستند به مدت سه روز به صورت جدّی وجود دارد، چون عید فطر در افغانستان و بین هزاره، به گونه‌ای رسمی سه روز است. پس از سه روز نیز تا یک هفته این دید و باز دیدها و دلجویی‌ها از همدیگر ادامه دارد. اگر چنانچه بین ده، کسانی با همدیگر ناراحتی داشته باشد و یا دو فامیل از همدیگر دلخور باشند روز عید با هم آشتی می‌کنند و جور می‌شوند. محاسن سفیدان و بزرگ ده، معمولاً واسطه برای ایجاد این آشتی می‌شوند و آوردن دل پاکی بین طرفین که با هم قهرند.

۸-۱-۱. بازی‌ها و تفریحات روز عید

هزاره‌ها مردمان پرتلاش، پر تحرک، زحمت کش، کارگر و دارای پشت کارند. در تمام ایّام سال، خصوصاً در سه فصل بهار، تابستان و تیر ماه (پاییز) مشغول کار و تلاش اند و برای خانواده، لقمه نانی را آماده می‌کنند. فرا رسیدن عید و روزهای شادی، زمینه مناسبی برای آماده شدن کار و تلاش و انرژی ذخیره کردن است. انسان پس از کار و کوشش و مشغولیت در امور زندگی، نیاز به تفریح و سرگرمی دارد، تا خستگی‌های حاصل از کار و زحمت را از تنش بیرون کند و خود را مهیای بیشتر، جهت تلاش برای اداره زندگی مطلوب.

هزاره‌ها از فرصت تعطیلی چند روز عید، به خوبی استفاده می‌کنند، یادی از مردگان و رفتن به قبرستان و دعا و طلب مغفرت برای آنان، دید و باز دید از همدیگر، آشتی متاخصمان و دلصافی شان

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و... هیچ گاه هزاره‌ها از تفریحات سالم بدشان نمی‌آمده، روزهای عید بازیها و تفریحات زیبا و دیدنی را به راه می‌اندازند. بسیاری از این تفریحات (که بعد از این آنان یاد خواهد شد) و بازیها از زمان‌های دور در هزاره‌جات معمول بوده است و برخی دیگر از تفریحات پس از انقلاب و دگرگونی اندکی جامعه هزاره، به وجود آمده است. برخی از تفریحات که در زمان‌های گذشته رایج بود، امروز در اثر تغییر و تحول اجتماعی و فرهنگی همراه با جریان زمان، به گوشه انزوا خزیده و از جامعه رخت بر بسته است.

ما در این جا تفریحات، که در تمام هزارستان اسلامی مرسوم و رایج است، نام می‌بریم و اندکی پیرامون هر کدام توضیح مختصر راجع به کیفیت و کمیت اجرای آن خواهیم داد.

الف. مسابقه اسبدوانی

یکی از بازیهای پر طرف دار و زیبا، بین جامعه هزاره اسبدوانی است. هزاره‌ها در اسبدوانی مهارت به سزا دارند و در بین قبائل دیگر افغانستان، به این هنر مشهورند، آنگونه که ترکان و ازبکان شمال کشور، در بُزکشی شهرت و مهارت دارند. هزاره‌ها چابک سوارند و چالاک و سوارکار.

مردان هزاره، از سوارکاری روی اسب لذت می‌برند. درگذشته‌های دور، این بازی و تفریح بین هزارها باشکوه و پررونق برگزار می‌شد و تماشاچیان پیر و جوان با شور و شعف این بازی را تماشا می‌کردند. آنان اسبان تیز رو، نرم رفتار، چابک و چالاک پرورش می‌دادند. بسیاری از خانه‌های هزاره، به ویژه در مناطق لعل و سرجنگ، شهرستان، ورس، پنجاب و یکاولنگ، اسب داشتند، مثل فرزند عزیز و به آن عشق می‌ورزیدند و رسیدگی می‌کردند. در این سالهای اخیر به خاطر اندک توسعه که در هزاره‌جات رخ نما کرده است وسایل نقلیه چون ماشین، موتور و... جای گزین اسبان چابک و چالاک گردیده‌اند. اسبان مثل زمانهای دیگر قدر و قیمت ندارند و پرورش اسب کم رونق شده است. به تبع آن، مسابقه اسبدوانی آن شور و شکوه و غلغله‌ی سابق را ندارد. زنان زیرک و صبور هزاره، همچون گذشته‌های دور از مردان چابک سوار و نام آور در اسبدوانی داستان برای فرزندان‌شان نمی‌گویند. دیگر مادران لای، لای «بچه آیه کته شوی، اسب یرغَه (نرم رفتار) سوار شوی» به گوش فرزندان شان

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نمی‌نوازند.

با این وصف، مسابقه اسبدوانی یکی از بازیهای پرطرفدار است که در جشن‌های ملی و مذهبی برگزار می‌شود و تماشاچیان با حرص ولع وافر مسابقه را نظاره می‌کنند. صاحبان اسب، چند روز قبل از برگزاری مسابقه به آب و علف اسبان رسیدگی می‌کنند و تمرینات لازم و ضروری را روی اسب‌ها اعمال، در این کار مهارت کافی نیز دارند. چند ساعت قبل از مسابقه اسب را از خوردن آب و علف باز می‌دانند تا این حیوان زیرک و نجیب سبک باشد و شکم خالی که در حین دویدن در مسابقه راحت بتواند بجهد و بدود.

بعد از ظهر عید گاه روز دوّم یا سوم روز عید این مسابقه برگزار می‌شود. این مسابقه در زمین صاف و هموار به اصطلاح هزارگی «زمین اوار» به مسافت حدود دو یا سه کیلومتر (اندازه چشم دید) در قسمت بالا یا پایین ده برگزار می‌گردد. تعداد اسبان و سوارکاران که در مسابقه شرکت می‌کنند. بستگی به زمان و قریه‌ای که این مسابقه را برگزار می‌کند دارد، معمولاً تعداد اسب‌ها از چهار عدد تا هشت و نه عدد می‌رسد. گاه این مسابقه در دو مرحله انجام می‌گیرد. اگر چنانچه افراد زیادی از صاحبان اسب اعلام آمادگی برای شرکت در مسابقه اسبدوانی کنند، مسابقه در دو مرحله صورت می‌گیرد. اسبان تیزرو یک مرحله و اسبان که سرعت زیاد ندارند مرحله دوّم برگزار می‌شود.

تکه کوچکی قالیچه، که مخصوص اسب، درست می‌شود، روی اسب می‌اندازند و روی آن تکه «زین» را قرار می‌دهند، با تسمه دارای ده دوازده سانت عرض آن زین را پشت اسب محکم می‌بندد. تسمه را از پشت اسب رد می‌کنند بعد از زیر شکم اسب نزدیک سینه حیوان، دو سر تسمه به همدیگر محکم بسته و اسب برای مسابقه آماده می‌شود.

هنگامی که سوارکاران به سوی میدان مسابقه روانه می‌شوند. بستگان آنان برای سوارکاران دعا می‌کنند تا مسابقه بدون حادثه ناگوار و به سلامت انجام شود و گاه قرآن به دست گرفته سوارکاران را، در حالی که بر اسب سوار است از زیر قرآن می‌گذراند و صدقه برای سلامتی سوارکار منظور می‌دارند. پس از آن سوارکاران به آرامی و نرمی و تبارز خون سردی به طرف ابتدای مسافت تعیین شده می‌روند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تماشاچیان که غالباً مردان جوان و پیر و نوجوان هستند در بالای تپه‌های مشرف به میدان گاه مسابقه مستقر می‌شوند و با شور ولع نظارگرند که کدام اسب از اسپان در مسابقه سبقت می‌گیرند.

این مسابقه نیز جایزه دارد، اسبی که از اسپان دیگر زودتر به آخر مسافت مسابقه رسیده جایزه بیشتر دارد. اسب دوّم و سوّم به ترتیب کمتر. این جایزه از نگاه مالی اندک و ناچیز است، ولی مهم است چون مشوق صاحب و سوارکار آن است. اسبی که در مسابقه سبقت از دیگران بگیرد سوارکار آن مورد تشویق حاضران و وابستگان و سوارکار و صاحب است قرار می‌گیرد. البته مسابقه اسبدوانی در عروسیها با عید تفاوت دارد. چون در عروسی جایزه مسابقه به عهده پدر عروس و یا پدر داماد است و آنان باید برای شکوه عروسی شان چنین پولهایی را خرج کند و این جایزه از جنبه مادی نیز اندک نیست. داوری این مسابقه غالباً به عهده تماشاچیان محاسن سفید و آدمهای موقر و موجه است.

ب. گشتی‌گیری

یکی از تفریحات پر طرفدار درگذشته بین هزاره‌ها «پشتی‌گیری» بود. پرشوری این بازی موجب بروز استعدادهای هنری هزاره‌ها می‌گردید و در بین جامعه هزاره پشتی گیران زبردست و ماهر تبارز می‌یافت. مهارت هزاره‌ها در این فن قبل از انقلاب اسلامی افغانستان زبانزد پشتونها و دیگر اقوام ساکن افغانستان بود؛ اما در این سالهای اخیر این بازی رونق سابق را ندارد. مثل بسیاری دیگر از هنرهای ملی در حال فراموشی و انزواست. چون از سوی هیچ نهادی مورد تشویق قرار نمی‌گیرد. علاوه به آن هجرت بسیاری از هزاره‌ها از هزارستان اسلامی به شهرها و کشورهای خارج مزید بر علت شده است. با این حال این بازی به کلی از هزاره‌جات رخت نبسته است. در برخی مناطق همان جاذبه را دارد و در قسمتی از جاهای هزاره‌جات این مسابقه برگزار نمی‌شود.

پشتی‌گیری در بین گروههای مختلف برگزار می‌شود. بزرگسالان، جوانان و نوجوانان. دو نفری در میدان مسابقه می‌رود ازکمربند همدیگر می‌گیرند. برندهٔ مسابقه آن زمانی اعلام می‌گردد که حریف را با پشت به زمین بزند. این مسابقه غالباً بدون جایزه است. جایزه برنده محدود به تشویق و به‌به و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

چه‌چه و کف زدن حاضران می‌شود. داور مسابقه، معمولاً ناضران محاسن سفید و موجه‌اند، آنان که مورد قبول طرفین مسابقه باشند.

مسابقه گاه بین یک ده برگزار می‌گردد و گاه بین دو قریه و یا چند قریه و بین گروه‌های سنی مختلف. مسابقه گشتی‌گیری آن گاه پرشکوه می‌شود که دست کم بین دو قریه برگزار شود و دو طرف دقت و شور و نفس زنان مسابقه را تماشا می‌کنند. و گاه مسابقه به درگیری طرفین نیز می‌انجامد، ولی اندک و نادر است، غالباً با نزاکت و نرمی واخلاق حسنه، مسابقه بین دو قریه و یا دو گروه از افراد یک قریه برگزار می‌گردد.

ت. نیزه زنی

این بازی در قسمت‌هایی از هزاره‌جات وجود دارد و مردان هزاره در مناطق «دایزنگی» تیزی و چابکی خودشان را در این بازی به آزمایش می‌گیرند. در گذشته‌های دور این بازی طرفداران زیاد داشت، وقتها برای تماشا و دیدن آن صرف می‌گردید و اینک نیز در قریه‌های زیاد از جاذبه قابل توجّه برخوردار است.

این مسابقه نیز مثل بسیاری دیگر، مسابقات نیازمند مهارت و زیرکی و چالاکی است هر مردی عادی هزاره نمی‌تواند از عهده آن براید. آنان که سالهای از عمر خود را پیرامون این بازی تجربه کرده و گذرانده است، خوب می‌توانند در این مسابقه هنر نمایی کنند. در اینکه این بازی از چه زمانی و با چه شأنی نزولی وارد جامعه هزاره شده است؛ اطلاعات در دست نیست. بزرگان و سالمندان هزاره نیز در این مورد چیزی را در ذهن ندارند و درگفتگوهایی که این بنده با برخی از سالمندان داشتم مثل بسیاری دیگر از بازیهای معمول در هزاره‌جات اظهار بی اطلاعاتی نمودند و بی خبر از تاریخ ورود و شروع این بازی در بین هزاره‌ها بودند. بازیهایی مثل اسبدوانی و نیزه زنی از سرگرمی‌های پرجوش و خروش ترکان شرقی به حساب می‌آیند. ترکان چشم بادامی و ترکمن‌ها در جشن‌های خود از این قبیل مسابقات برگزار می‌کنند. برای یک محقق دشوار است که در مورد تاریخ دقیق ورود این بازی در بین جامعه هزاره

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ امنت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سخن بگوید؛ چون منابع قانع کننده‌ای در دست نیست تا از آن استفاده نمود و تاریخ دقیق این مسأله را تعیین کرد.

آن چه مسلم است مسابقات، مثل نیزه زنی و اسبدوانی بین جامعه ترکمن وجود داشته و فعلاً نیز پر رنگ است. در ایران نیز ترکمنها این بازی‌ها را ازیاد نبرده‌اند. هر از چند گاهی در شبکه دو و سه تلویزیون ایران شاهد مسابقات اسبدوانی ترکمن‌ها هستیم. در مسابقه نیزه زنی همانند مسابقه اسبدوانی، صاحبان اسب، حیوانش را چند روز قبل از زمان مسابقه برای اجرای درست بازی آماده می‌کند. در این مسابقه نیز لازم است اسب بدود، لذا نیاز به تمرین و برنامه ریزی آب و علف حیوان نرم رفتار دارد. هر اسبی برای نیزه زنی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، دست کم در مسابقات نیزه زنی بزرگ که دارای تماشاچیان و بینندگان فراوان است از آن دسته اسب‌هایی استفاده می‌کنند که قبل از این با آن اسب نیزه زده باشد. اسب‌هایی که اولین بار در اولین مسابقه کشانده می‌شود توفیق سوارکار و نیزه زن اندک است. همانگونه که اسب باید تمرین داده باشد، سوارکار آن نیز باید در نیزه زنی مهارت و چالاکی داشته باشد و دست کم برای چندمین بار در این مسابقه شرکت کرده باشد. نیزه آنگاه به هدف اصابت می‌کند که هم سوارکار با تجربه و ماهر باشد و هم اسب کارکشته و چالاک. برخی اسپان که زیاد در مسابقه نیزه زنی شرکت داده شده است مهارت دارد وقتی نزدیک «میخ» می‌رسد پهلو تهی می‌کند تا سوارکار به راحتی بتواند نیزه را به میخ بزند.

آلات مورد استفاده در این یازی چند چیز است؛ اوّل، «نیزه» که چوبی است بلند، مثل عمود خیمه در بلندی و ضخامت. آهنی را به درازی یک وجب در یک سر چوب، مثل بیل کشاورز محکم می‌بندد. این آهن اندک شباهت به بیل دارد با این تفاوت که ضخامت این آهن زیاد است، به راحتی نمی‌شکند، دیگر اینکه کوچک است.

جنگ آوران و نظامیان در گذشته، علاوه بر شمشیر، تیر و کمان در جنگ‌ها از نیزه نیز استفاده می‌کردند. آن نظامی قوی و جنگ آور به حساب می‌آمد، که نیزه را دقیق به هدف می‌زد و طرف مقابلش را با نیزه از بین می‌برد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۹۲۰۹۵۲۹/۶ از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دوّم، چند عدد چوب، بستگی به کمی و زیادی مسابقه دهندگان دارد، غالباً از چهار تا است تا نه و ده تا، به طول حدود هفتاد سانت و ضخامت ۲۵ تا ۳۰ سانت مورد نیاز مسابقه نیزه زنی است. این چوب لازم است‌تر باشد و خشک و سفت نباشد تا نیزهٔ نیزه زن به چوب فرو رود. یک سوّم این چوب را بین زمین فرو می‌کند. چوبها کنار هم با فاصله‌ها دو سه وجب کاشته می‌گردد. در اصطلاح محلی از این چوب تعبیر به «میخ» می‌کنند. در مسابقه آن کسی برنده است که بتواند آن میخ را با سرنیزه از زمین بردارد.

جای مسابقه در زمین صاف و پهن در نظر گرفته می‌شود. سوارکار به فاصلهٔ حدود پانصد متر دور، از میخ مسابقه را شروع می‌کند. وقتی نیزه زن به طرف میخ می‌آید مرکبش در حال دویدن است، در همین حال اگر سوارکار توانست میخ را با سرنیزه بلند کند پیروز میدان مسابقه خواهد بود. مسابقه دهندگان، یکی یکی از روی نوبت برای بلند کردن میخ به میدانگاه رزم می‌رود، غالباً به تعداد افراد بازیگر میخ به زمین می‌زند.

این بازی در غیر روزهای عید، روزهای عروسی، باشکوه‌تر برگزار می‌شود و برنده مسابقه جوایزی را از متولی مسابقه دریافت می‌کند، متولی مسابقه در عروسی، پدر داماد یا پدر عروس است اما در روزهای عید تعدادی از بزرگان و نامداران قریه.

ث. توپ بازی

بدون تردید، یکی از ویژگی‌های با ارزش هزاره‌ها با تحرک بودن آنان است. با اینکه در محیط خفقان و سرکوب سیاسی - اجتماعی از سوی حاکمان وقت، زندگی می‌کردند، ولی روحیه متحرک بودن و با جوش و خروش بودن خود را حفظ نموده‌اند. مردان میان سال و جوان هزاره از روزهای که کارهای معمول روزمره تعطیل است، کمال استفاده را جهت پویش روحیه شان می‌برند. همین فعال بودن هزاره‌ها است که موجب گردیده بازیهای بین شان رواج یابد که نیاز به تحرک و چستی و چالاکی دارد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ نشریات و برنامه‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری) شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶ از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

این بازیها غالباً گروهی است، که حکایت از روحیه مدنی - اجتماعی بودن هزاره‌ها دارند. دوری از اجتماع به عنوان صفت زشت بین هزاره‌ها تلقی می‌گردد این ضرب المثل هزارگی «هر جا باشی با خلق باشی» می‌تواند اندکی ما را به روحیه اجتماع خواهی هزاره‌ها رهنمون کند.

توپ بازی که در بسیاری از مناطق هزاره‌جات رواج داشته است از بازیهای پرطرف دار و پر جاذبه بوده، گرچه در برخی از جاهای هزارستان اسلامی این بازی به فراموشی رفته است و «فوتبال» غاصب جایگزین آن شده است و در بسیاری از مناطق هزارستان اسلامی توپ بازی در کنار فوتبال خود نمایی می‌کند، ولی توان رقابت و برابری با آن را ندارد.

در توپ بازی، مثل بسیاری از بازیهای معمول در هزارستان اسلامی با گردهم آمدن مردان میان سال، جوانان و نوجوانان بازی شکل می‌گیرد. مردان به دو گروه تقسیم می‌شود و هر گروه ترکیب یافته از چهار نفر تا ده نفر، مجموع بازی کنان از هشت نفر تا بیست نفر می‌باشند. دو گروه با هم در زمین هموار مسابقه می‌دهند.

وسایل مورد نیاز برای این بازی، عبارت از یک توپ است، ساخته شده از پلاستیک و بزرگتر از تخم مرغ، اندازه یک سیب بزرگ و تو خالی و یک چوب نیم متری سر پهن. با این چوب توپ را می‌زند. بین دو طرف میدان بازی حدود سی صد متر تا پنج صد متر فاصله است. ابتدا یک نفر از گروه، توپ را به یک نفر دیگر از گروه مقابل می‌اندازد و این فرد گروه مقابل، توپ را با آن چوب که در دست راستش است می‌زند. بقیه گروه اوّل توپ را جمع می‌کنند و به سوی شخص توپ انداز، پرتاب می‌کند و گیرنده نیز از مهارت مناسب برخوردار است و توپ را به چالاکی، با دو دستش می‌گیرد.

آن کسی که توپ زده است، ابتدای میدان آماده برای دویدن سوی آخر میدان ایستاده می‌شود. پس از آن یکی دیگر از همکاران او می‌آید برای توپ زدن، وقتی توپ به جای دور دست رفت آن فرد ایستاده مترصت فرصت شروع به دویدن می‌کند، با تمام توان از ابتدای میدان بازی به طرف آخر میدان می‌دود. گروه طرف مقابل سعی می‌کنند قبل از رسیدن آن فرد به آخر میدان در حال دویدن با توپ او را بزنند، وقتی به آخر میدان رسید اندک نفسی تازه می‌کند. پس از آن خودش را برای برگشت به

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری، شماره ۹۲۲۸/۹۲۹۲۸ تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ابتدای میدان آماده. بازی آنگاه به گروه طرف مقابل واگذار می‌شود، که این گروه آن فرد در حال دویدن را با توپ بزنند، توپ را سوی آن می‌اندازد، وقتی توپ به جایی از بدن او اصابت کرد بازی به گروه مقابل واگذار می‌شود. مسابقه به همین صورت دست به دست می‌شود.

تماشاچیان از کوچک و بزرگ، طبقه ذکور بازی را نظاره می‌کنند. زنان در چنین بازیهایی تماشاچی نیستند. آن کسی در این بازی خوب می‌درخشد و درست نقش ایفا می‌کند که تیز پا و چالاک باشد. این مسابقه غالباً بدون جایزه مالی برگزار می‌شود. توپ بازی در غیر روزهای جشن و عید، روزهایی که جوانان فراغت دارند، نیز برگزار می‌شود. این بازی گاه بین جوانان و مردان یک ده است و گاه بین دو قریه و یا چند قریه، در این صورت از جنب و جوش زیاد برخوردار خواهد شد و بازیکنان نیز با شوق و ذوق مضاعف بازی می‌کنند.

ج. فوتبال و والیبال

یکی از بازهایی که در این زمانهای اخیر بین هزاره‌ها رواج یافته است، بازی فوتبال و والیبال است. این دو نوع بازی در گذشته‌های دور در هزارستان اسلامی نبود. بعد از انقلاب هفت ثور ۱۳۵۷، جامعه افغانستان دچار یک تغییر و تحول اجتماعی شدید گردید. جامعه تجرید شده هزاره، نیز از این قاعده کلی جدا نبود. انقلاب تغییرات در روابط افراد و جامعه به وجود آورد. و بسیاری از چیزهای جدید وارد فرهنگ هزاره‌ها گردید، کم کم در بین جامعه هزاره جا باز نمود. یکی از هنجارهایی که وارد جامعه هزاره شد، همین فوتبال و والیبال است. وگرنه در گذشته، هزاره‌ها با این دو قسم بازی بیگانه بود.

ابتدا این دو بازی در شهرهای افغانستان رایج گردید، اندک اندک، چند سالی است که در کوهستان‌های سر به فلک کشیده و شکننده هزارستان اسلامی نیز مهمان شده است و هزاره‌های مهمان نواز و صادق در بسیاری از مناطق هزاره‌جات از این مهمان ناخوانده، به گرمی استقبال نموده‌اند.

فوتبال و والیبال از بازیهایی است که امروز تقریباً جهانی شده‌اند و در بسیاری از قاره‌ها و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کشورهای شرق و غرب جهان رایج گردیده. درکشورهای غربی به ویژه درکشورهای اروپایی، یکی از پربیننده‌ترین بازیها می‌باشند، به خصوص مسابقات فوتبال. امروز چه پولهای کلان که برای ترویج این بازی درکشورها پیش رفته وکشورهای در حال توسعه مصرف نمی‌شود. بازیکنان حرفه‌ای از شهرت و مزایای مالی فراوان برخوردارند.

در بین هزاره‌های افغانستان نیز امروز فوتبال و والیبال از بازیهای پربیننده و پر تماشاچی است. زنان هزاره بد نمی‌دانند که فرزندان جوان و نوجوان شان، فوتبالیست و والیبالیست ماهر و خوب باشند. چه بسا فرزندان شان را در این کار تشویق می‌کنند. این بازیها در غیر روزهای جشن و شادی در زمان‌های فراغت جوانان و مناسب بودن هوا، نیز برگزار می‌شود. به ویژه در روزهای جمعه و پنج شنبه تیر ماه (پاییز) و روزهای معتدل زمستان.

ج. دیگر بازیها

در روزهای عید و جشن در برخی مناطق هزارستان اسلامی بین جوانان و نوجوانان «تخم بازی» یا «خی گینه بازی» و «خروس جنگی» نیز رایج است، ولی این بازیها در تمام هزاره‌جات همه گیر نیست. بازیهایی، مثل «بجول بازی»، «کاک بازی»، «وغو بازی»، «کوله ماما» و «سور خوری» روی برف (سورجه زنی) در بعضی از مناطق هزاره‌جات رواج دارد. در روز عید و جشن بازیهای یاد شده، بین بچه‌ها و نوجوانان به گرمی برگزار می‌شود.

ح. خیز یا دویدن

یکی از بازیهای ملی هزاره‌ها مسابقه «خیز» و دویدن است. این تفریح در گذشته‌های دور با شکوه و پر شور برگزار می‌شد، طرفداران زیاد در جامعه هزاره داشت و در ضمن هزاره‌ها با این بازی به تندرستی جسم شان کمک می‌کردند. در زمان‌های گذشته این بازی چنان رونق داشت که حتی پیرمردان ۷۰ و ۷۵ ساله هزاره با هم مسابقه می‌دادند و می‌دویدند. متأسفانه این بازی سلامت آور و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۶۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶): از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

زیبا، اینک مثل بسیاری از دیگر بازیهای ملی هزاره کم رنگ شده، در بعضی از منطقه‌ها به کلی گوشه انزوا اختیار نموده، در برخی از جاهای هزاره‌جات برگزار می‌شود، ولی آن شور و حال گذشته را ندارد. غالباً اینک مسابقه دو در بین بچه‌ها و نوجوانان محدود شده.

بر متولیان فرهنگی جامعه هزاره است که بازیهای این چنین پر منفعت و بی ضرر را دوباره ترویج و احیا کنند. چه زیاد این روزها در رسانه‌ها و روزنامه‌ها و مجلات از فوایده پیاده روی و دویدن سخن گفته می‌شود. و بارها پزشکان به مردم توصیه می‌کنند برای رفع و دفع بیماری‌های قلبی، چربی خون، دیابت و... در روز مقدار نیم ساعت پیاده روی شود، ترجیحاً به صورت دو باشد تا راحت‌تر بتوانیم تنفس کنیم و خون تمیز و صاف گردد.(۱)

تقریباً تمام بازیهای یاد شده، بدون نزاع با روحیه همگرایی برگزار می‌شود. اگر اندکی در بازیها رایج و معمول جامعه هزاره دقت و توجّه شود، این مطلب به دست می‌آید که جامعه هزاره، جامعه‌ای است که روابط اجتماعی در آن بسیار پر رنگ است و کارهای اجتماعی به صورت زیبا و خوب برگزار می‌شود. هزاره‌ها مردمانی فعال، چالاک، پر تحرک و تلاشگر هستند.

۲ - ۱. عید قربان و ارزیابی آن

مردمان هزاره مسلمان و پیرو مکتب اهل بیت می‌باشند، به وظایف دینی و مذهبی خود، به خوبی آگاهی دارند. هنجارهایی که در روابط اجتماعی - فرهنگی دارند، تقریباً همگی برگرفته از اسلام است. علمای گذشته ما (درود خدا بر آنان باد) در رابطه با مسائل دینی و تدین توده مردم، به ویژه مسائل عبادی مثل نماز، روزه، حج، زکات، خمس و... حقیقتاً تلاشهای زیادی نمودند. کوشش و زحمات آن بزرگان چنان مؤثر و ثمربخش بود که در هزاره‌جات کمتر کسی یافت می‌شد که آشکارا، اظهار بی‌نمازی کند و یا علناً در ماه مبارک رمضان، روزه خواری.

---

۱. مجله پزشکی (اخبار پزشکی) بعد از خبرهای ساعت ۲۱ شبکه اوّل سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴/۹/۵

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ گواهی ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹۰/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

گرامیداشت روز دهم ذالحجه، در هر سال بین هزاره‌ها از همان هنجارهای برگرفته شده از اسلام است.

هزاره‌ها هم دوش با برادران مسلمان خود در افغانستان و دیگر کشورهای اسلامی از روز دهم ذالحجه به گرمی استقبال می‌کنند، در شمار یکی از روزهای جشن و عید قرار می‌دهند. آنان که موفق نشده‌اند در چنین روزی در سرزمین وحی باشند به شدت تأسف می‌خورند و از خداوند آروزی زیارت بیت الحرام در چنین روزی را دارند.

شب عید قربان غالباً زن و مرد، کوچک و بزرگ دست‌های خود را برای زیبایی حنا می‌بندند؛ البته این رسم در عید فطر نیز وجود دارد و یکی از رسمهای پسندیده است که هزاره‌ها با درک نیکویی آن، به این رسم به خوبی عاملند. خضاب کردن به ویژه خضاب ریش و موی سر در روایات معصومین سفارش شده است. در روایتی از رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) نقل شده، که خرج کردن یک درهم برای خرید خضاب (حنا) بهتر از خرج کردن هزار درهم در راه خدا است. در همین روایت چهارده ویژگی برای آن شمرده شده است از جمله: بردن تاریکی چشم، خوشبو کردن دهان، محکم نمودن لثه‌ها، خوشنود ساختن فرشتگان و مؤمنان، خشمگین ساختن کافران، زینت بودن، رهایی از عذاب قبر و... [۱]

در عید قربان همان هنجارهای که در عید فطر بود وجود دارد، مثل رفتن به قبرستان و یادی از گذشتکان، دلجویی از عزاداران اهل ده، احوالپرسی از بیماران، دید باز دید اهل ده و فامیل‌ها از همدیگر، نذر و نیازکردن، پوشیدن لباسهای تمیز و مرتب. در برخی از مناطق در عید قربان، مثل عید فطر نماز عید قربان نیز برگزار می‌گردد. علاوه به برنامه‌های یاد شده و به اجراگذاشتن بازیهای عید فطر در این عید، ذبح قربانی در روز دهم ذالحجه صورت می‌گیرد. ما اندکی پیرامون این هنجار معمول در جامعه هزاره توضیح می‌دهیم.

---

۱. محمّد بن علی صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه محمّد رضا انصاری محلاتی، قم، انتشارات نسیم کوثر، چ ۱، ۱۳۸۲، ص ۴۴.

دسترسی به این مدرک، برپایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رسالات تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱-۲-۱. ذبح قربانی

آنگونه که بارها تذکر داده شد، هزاره‌ها مردمان مسلمان اند و از دستورات دینی زن و مرد هزاره به خوبی اگاهند. و این آگاهی آنان از دستورات عبادی اسلام در زندگی روزمره این مردم پرتلاش تبارز یافته است. یکی از رسومات که هزاره‌ها آن را، از اسلام یاد گرفته‌اند و به آن عمل می‌کنند سنّت ذبح قربانی روز عید قربان است، که یکی سنت‌های مؤکّد در اسلام به حساب می‌آید. البته ذبح قربانی برای حاجیان که در مکه برای انجام حج رهسپار شده واجب و لازم است؛ ذبح آن برای غیر حاجیان روز دهم ذالحجه از مستحبات مؤکد در اسلام است. بزرگان دینی ما، ما را به انجام دادن آن سفارش کرده‌اند و این سنّت در جای جای هزارستان اسلامی مورد اجرا قرار می‌گیرند. اقوام دیگر ساکن در افغانستان نیز این سنّت حسنه را انجام می‌دهند، چون مسلمان است و ذبح قربانی روز عید قربان برای غیر حاج از سنّت‌ها تأکید شده در اسلام.

شهید زین الدین العاملی وقتی عبارت شهید اوّل، محمّد مکی عاملی را در الروضة البهیه پیرامون کفایت کردن ذبح قربانی حاج در حج «هدی» از ذبح قربانی در شهر، روز عید قربان (اضحیه) شرح می‌دهد در مورد استحباب ذبح قربانی می‌نویسد:

> **«و هی ما یذبح یوم عید الاضحی تبرعاً وهی مستحبة استحباباً مؤکداً، بل قیل بوجوبها علی القادر و روی استحباب الاقتراض لهاوانه دین مقضی؛[1] اضحیه آن قربانی است که روز عید قربان (اضحی) استحباباً ذبح می‌شود، ذبح این قربانی روز عید از مستحبات تأکید شده است. بلکه برخی از فقها گفته‌اند: برای کسی که قدرت مالی دارد ذبح قربانی واجب است، از معصوم (عَلَیهِ السَّلام) روایت شده که قرض نمودن برای خرید قربانی استحباب دارد، البته این دین از جمله دینهایی است که ادا شده به حساب می‌آید.»**

---

۱. شهید زین الدین العاملی، الروضة البهیه فی شرح اللمعته الدمشقیه، ج ۲۷ تعلیقه محمّد کلانتر، نجف اشرف، مطبعة الآداب، چ ۱، ۱۹۷۶ م، ص ۳۰۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهای بنیان‌برانداز و شیوه‌های تسهیل تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آنگونه که ملاحظه، شد شهید سخن از واجب بودن ذبح قربانی روز عید قربان نیز به میان آورد و فرمود: برخی از علمان ربانی ذبح قربانی را برای کسانیکه توان و قدرت مالی دارد واجب می‌داند، البته خود «شهید ثانی» همان استحباب مؤکد ذبح قربانی را فتوا داد. قابل تذکر است که علمای ما به ذبح قربانی حاج در حج به «هدی» تعبیر می‌کنند و از ذبح قربانی روز عید در شهر و منزل به «اُضحیه».

شهید اوّل در کتاب فقهی «دروس» در مورد اضحیه می‌فرماید:

«وهی سنته مؤکدة؛[۱] ذبح قربانی در شهر و خانه سنّت تأکید شده در اسلام است.»

و همچنین ایشان می‌نویسند: «ویستحب الاقتراض للاضحه فانه دین مقضی؛[۲] قرض نمودن برای ذبح قربانی (گوسفند یا بز قرض کند و یا پول برای خرید آن) استحباب دارد، همانا این از دَینهای است که ادا شده به حساب می‌آید (خداوند عهده دار ادای این دَین است.)»

عبدالله بن لسنان نقل می‌کند از امام صادق، ابی عبدالله (عَلَیهِ السَّلام):

«سُئِلَ عَنِ الْاُضْحِیَه أَواجِبٌ هُوَ عَلَی مَن وُجِدَ لِنَفسِه وَ عَیالِه؟ فَقالَ (عَلَیهِ السَّلام): اَمّا لِنَفْسِه فَلا یَدَعْهُ وَ اَمّا لِعَیالِه اِن شاءَ تَرَکَه؛[۳] از امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) سؤال شد کسی که توانایی مالی دارد ذبح قربانی برای خودش و خانواده واجب است؟ امام فرمود: برای خودش ترک نشود و برای خانواده‌اش می‌تواند انجام ندهد.»

ذبح قربانی گاه به نیت خود فرد است و گاه به نیت افراد دیگر از خانواده، چه آنان که در قید حیات هستند و چه آنانی که سر به زیر خاک گذاشته‌اند.

از امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) نقل شده است:

«وَضَحیٰ رَسُولُ الله بِکَبْشَینِ ذبح واحِداً بِیَدِه، وَ قَالَ اَللّٰهُمَّ هَذا عَنّی وَ عَنْ لَمْ یَضَحْ مِنْ اَهْلِ بَیْتِی، وَ ذَبح الآخَرُ وَ قَال اَللّٰهُمَّ هَذَا عَنِّی وَ عَمَّن لَمْ یَضَحُ مِن اُمَّتِی؛[۴] رسول خدا دو میش قربانی می‌کرد، یکی را

---

۱. محمّد مکی، الدروس الشرعیه فی الفقه الامامیه، ج ۱، تحقیق جامعه مدرسین، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ ۱، بی تا، ص ۴۴۷.

۲. همان، ص ۴۴۹.

۳. شیخ محمّد حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، تعلیقه و تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، مکتبه السلامی، تهران، بی نا، بی تا، ص ۱۷۳ (ابواب الذباحه، ب ۶۰، ح ۱).

۴. همان، ص ۱۷۴، ح ۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در انبارهٔ آثار علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۳۹۵/۹/۶ و تاریخ ۱۹۵۹۲۵ از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ذبح می‌نمود و می‌فرمود: پروردگارا این قربانی از طرف من و طرف خانواده‌ام که قربانی نکرده است و در حین ذبح قربانی دوّم می‌فرمود: پروردگارا این قربانی از جانب خودم و آن دسته از امتم که قربانی نکرده‌اند.»

در روایت دیگر از امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) نقل شده است که حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (عَلَیهِ السَّلام) هر سال روز عید قربان برای رسول خدا میشی را قربانی می‌کرد.[۱]

از مولای پرهیزگاران امام علی (عَلَیهِ السَّلام) در مورد اهمّیت و فلسفه ذبح قربانی نقل شده است:

«لَوْ عَلِمَ النَّاسُ ما فِی الْاُضْحِیَةِ لَاسْتَدانُوُ وَ ضَحُّوا، اِنَّه لَیَغْفِرَ لِصاحِبِ الْاُضْحِیَه عِنْدَ اَوَّلِ قَطْرَةٍ تَقْطِرُ مِن دَمِها؛[۲] اگر مردم فضیلت که در ذبح قربانی است درک می‌کرد، همانا برای ذبح نمودن آن قرض می‌نمود و قربانی ذبح می‌کرد، وقتی قطره‌ای از قطرات خون قربانی می‌چکد، صاحب قربانی مورد غفران الهی قرار می‌گیرد.»

روایت در فضیلت ذبح قربانی بیش از این است و ما اندکی از آن روایات راکه در مورد فضیلت قربانی است برای تبرک آوردیم. طالبان این مسأله می‌توانند به کتاب‌های حدیثی رجوع نمایند.

هزاره‌ها به این سنّت جدّاً پا بنداند. در جای جای هزاره‌جات سنّت حَسنه‌ی ذبح قربانی مورد اجرا قرار می‌گیرد، به خصوص اگر قبل از این عید، عزیزی از خانواده‌ای هزاره به سرای دیگر سفر کند و سال به آن نگذشته باشد، بازماندگان متوفی سعی می‌کنند به یاد و نیابت او گوسفند یا بزی را ذبح کنند. حتی خانواده‌هایی که از وضعیت مالی مناسب برخوردار نیستند نیز این سنّت را انجام می‌دهند. در غیر مورد فوق خانواده‌هایی که وسع مالی دارند هر سال روز عید قربان، قربانی دارند و به این سنّت ارج می‌نهند و پای بندند.

قربانی دارای شرائطی است، مثل سالم بودن، چاق بودن، معیوب نبودن، یک ساله بودن و... این شرایط غالباً در اضحیه و قربانی بین هزاره‌ها مراعات می‌شود، گوسفند یا بزی را قربانی می‌کنند که شرایط فوق را دارا باشد. برخی خانواده‌ها، یک سال وگاه چند ماه قبل از عید قربان گوسفندی یا بزی

---

۱. همان، ح ۷-.

۲. همان، ص ۱۷۷، ب ۶۴، ح ۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۹۵۹۲۹ مورخ ۹۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

را در خانه نگه می‌دارند، به علف و آب او رسیدگی می‌کند تا فرا رسیدن عید قربان فربه شود و قابل استفاده بیشتر.

بین هزاره‌ها غالباً مرسوم است که وقتی می‌خواهند قربانی را صاحب خانه ذبح کند عده‌ای از بستگان نزدیک و هم سایه‌های نزدیک را اطلاع می‌دهند و آنان همگی حاضر می‌شوند. در برخی مناطق رسم است که وابستگان مقدار یک متر دو متر پارچه نیز همراه خود می‌آورند و آن پارچه‌ها را روی قربانی می‌اندازند و به اصطلاح هزاره گی قربانی را «جُل» می‌کنند و طنابی را به صورت نمادین لجام می‌زنند. روحانی محل و یا کسی دیگر که دعای مخصوص حین ذبح را می‌دانند حیوان را ذبح می‌کنند. پوست قربانی و پارچه هایی که پشت قربانی پهن شده بود از ذابح است.

در بعضی مناطق تمام گوشت قربانی را می‌پزد بین اهل ده تقسیم می‌کنند و در برخی مناطق دیگر هزاره‌جات گوشت قربانی را ریز ریز کرده، بین اهل قریه پخش می‌کنند و اندکی از گوشت قربانی را صاحب خانه برای خودش نگه می‌دارد.

در عید قربان همانند عید فطر سه روز عید رسمی است، یعنی به مدت سه روز دید و باز دیدهای اقوام و فامیل‌ها به صورت جدّی ادامه دارد. پس از آن نیز مدت یک هفته فضای شادی و عید بین خانواده‌های هزاره حاکم است.

۳-۱. عید غدیر خم و بررسی آن

برای آن دسته از مسلمانی که اعتقاد به وصایت و خلافت مولای رستگاران امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب (عَلَیهِ السَّلام) دارند، روز ۱۸ ذیحجه در هر سال یکی از روزها بزرگ و با شرافت است. شریف‌تر از روز عید فطر و عید قربان؛ چون سال حجة الوداع وقتی رسول گرامی اسلام همراه حاجیان، پس از ادای مناسک حج به مدینه بر می‌گشت، در مکانی به نام «غدیر خم» نزدیکی مکه، حادثه بزرگ اتفاق افتاد. رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) از طرف خداوند مأمور گردید که اعلان وصایت علی (عَلَیهِ السَّلام) پسر عمش را نماید و این آیه نازل گردید:

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۳/۱۸۹۶۰ مورخ ۱۳۹۰/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان در [illegible] و انتخاب و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

«یَا اَیُّهَا الرَّسولُ بَلِّغ ما اُنزِلَ اِلَیکَ مِن ربِّکَ وَ اِن لَم تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ...؛ ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن، و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای.»[۱]

مفسر بزرگ، علامه طباطبایی پیرامون آیه فوق بیست صفحه به گونه تحلیلی و مستدل بحث می‌کند و اظهار می‌دارد که این آیه «نزلت فی امر ولایة علی (عَلَیهِ السَّلام) و ان الله أمر بتبلیغها؛[۲] آیه ۶۷، سوره مائده در مور مورد ولایت امام علی (عَلَیهِ السَّلام) نازل شده است و خداوند به رسولش امر به تبلیغ آن نموده است»

چنانچه علامه در همان مدرک بیان داشته است؛ روایات از شیعه و سنّی در مورد اینکه آیهٔ فوق در مورد ولایت امام علی (عَلَیهِ السَّلام) است فراوان می‌باشد.

رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) پس از نزول آیه یاد شده، دستور توقف کاروان و انبوه حاجیان را داد. در آن هوای گرم و داغ همه توقف نمودند تا ببینند چه حرف مهم را رسول خدا بیان می‌فرماید، وگرنه توقف حاجیان خسته در آن هوای تفتیده و بیابان خشک، کاری خردمندانه نیست.

منبری از جهاز شتران درست شد، رسول اکرم بالای آن منبر دست علی (عَلَیهِ السَّلام) را در دست مبارک خویش گرفت و فرمود:

«اَلَسْتُ اَولیٰ بِکُم مِن اَنفُسِکُم؟ قالُوا: اَللّهمَّ بَلی. فَقَالَ لَهُمْ عَلی النَّسقِ مِن غَیرِ فَصلٍ بَینَ الْکَلام: مَن کُنتُ مُولاهُ فَعَلی مَولاهُ؛[۳] آیا من از شما نسبت به خودتان سزوارتر نیستم؟ عرض کردند: چرا خدا گواه است. پس از آن رسول خدا بدون تأمل و بدون اینکه فاصله بین کلامش ایجاد گردد، فرمود: هر که من مولا و فرمان روایش بوده‌ام، پس علی مولا و فرمان روای او است.»

حدیث فوق به «حدیث غدیر» بین محدثین شیعه و سنی معروف می‌باشد و یکی از ادله است که تشیع بر وصایت مولای پرهیزگاران، علی (عَلَیهِ السَّلام) اقامه می‌کنند. سند آن مورد توافق شیعه و سنی می‌باشد، ولی برخی از عالمان اهل سنّت در دلالت حدیث بر وصایت امام علی تشکیک

---

۱. قرآن، سوره مائده، آیه ۶۷، ترجمه محمّد مهدی فولاندوند، تهران، دارالقرآن الکریم، چ ۲، ۱۳۷۷.

۲. سید محمّد حسین طباطبایی، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۶، پیشین، ص ۴۸.

۳. محمّد بن محمّد مفید (شیخ مفید)، الارشاد فی معرفته حجج الله علی عباد، ج ۱، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، چ ۲، بی تا، ص ۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نموده‌اند. از جمله گفته‌اند «مولا» در حدیث یاد شده به معنای دوست است نه حاکم و فرمان روا و علمای فرزانه شیعه از این تشکیک‌ها پاسخ‌ها مستدل داده است.(۱)

پس از بیانات رسول اکر (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) این قسمت از آیه ۳ سوره مائده نازل شد:

«اَلیَومَ اَکمَلتُ لَکُم دِینَکُم وَ اتمَمتُ عَلَیکُم نِعمَتی وَ رَضِیتُ لَکُمُ الاِسلامَ دِیناً؛ امروز دین شما را برای تان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما (به عنوان) آیینی برگزیدم.»(۲)

بین مفسرین مسلمان پیرامون آیه فوق بحث زیاد شده است ما به خاطر اختصار از آوردن آن مباحث پرهیز می‌کنیم. فقط خلاصه و نمونه گفتار صاحب المیزان را می‌آوریم. علامه فرزانه پیرامون این مباحث دل کشی را مطرح کرده است به گونه مشروح مباحث را بیان نموده و در نتیجه‌گیری بحث می‌فرماید:

«فمحصل معنی الآیه الیوم... اکملت لکم مجموع المعارف الدینیة اتی انزلتها الیکم بفرض الولایة، و اتممت علیکم نعمتی و هی الولایة التی هی ادادة امور الدین و تدبیرها تدبیراً الهیاً؛(۳) نتیجه معنای آیه «الیوم اکملت لکم» تمام معارف دینی است که خداوند با فرض ولایت به شما نازل کرده است. «اتممت علیکم نعمتی» همان ولایت است ولایتی که اداره و تدبیر الهی دین است.»

علامه پس از چند سطر می‌نویسند:

«فالولایة مشروعة واحدة، کانت ناقصة غیر تامة حتی اذاتمت بنصب ولی الامر بعدا نبی؛(۴) ولایت در اسلام واحد است و مشروعیت دارد تا اینکه «ولی امر» بعد از نبی (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) نصب نگردد ولایت ناقص و ناتمام است.»

روایات زیادی از معصومین وجود دارند در مورد اینکه آیه فوق پیرامون ولایت امیر مؤمنان نازل گردیده است.

---

۱. ر.ک به کتاب الغدیر علامه امینی و المراجعات علامه شرف الدین عاملی و دیگر کتاب‌های عالمان بزرگ شیعه که در این مورد نگاشته است.

۲. قرآن کریم، سوره آیه مائده، آیه ۳، ترجمه فولادوند، پیشین.

۳. سید محمّد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۶، پیشین، ص ۱۸۱.

۴. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

به هر صروت روز هیجدهم ذیحجه برای پیروان امام علی (عَلَیهِ السَّلام) روز بزرگ و شرافت‌مند است. در روایات رسیده از امامان معصوم شیعه نیز به بزرگی و کرامت این روز اشاره شده. حسن بن راشد می‌گوید به امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) گفتم:

«فداك للمسلمين عيد غير العيدين؟ قال (عَلَيهِ السَّلام) يا حَسَنُ اَعْظَمُهُما وَ اَشْرَفُهُما. قالَ قُلتُ لَه اَيُّ يَوْمٍ هُوَ؟ قالَ يَومَ نَصْبِ اَميرِ الْمُؤمِنين عَلَماً لِلناسِ. قُلتُ جُعِلْتُ فِداكَ وَ اَيُّ يَوْمٍ هُوَ؟ قالَ اِنَّ الاَيّامَ تَدُورُ وَ هُوَ يَومَ ثَمانِيَتَ عَشَر مِن ذِي الحَجَّه...»[1] **فدایت شوم غیر از عید قربان و عید فطر برای مسلمین عیدی است؟ امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) فرمود: ای حسن عظیم‌تر و شریف‌تر از آن دو عید، عیدی است. حسن گفت: به امام عرض کردم آن روز چه روزی است؟ امام فرمود: روز نصب امیر المؤمنین (عَلَیهِ السَّلام) به خلافت بین مردم است. حسن گفت: به امام عرض کردم فدایت شوم آن روز کدام روز است؟ امام فرمود: روزهای می‌گردد و آن روز هیجدهم ذی الحجه است.»**

روایات فراوان به مضمون حدیث فوق، از امامان معصوم پیرامون فضیلت و شرافت روز غدیر خم صادر گردیده‌اند، و این روز را عید بزرگتر و یا شرافت‌تر از دو عید مسلمین (قربان و فطر) دانسته‌اند. و شیعیان و پیروان امام علی (عَلَیهِ السَّلام) در نقاط مختلف جهان اسلام، روز عید غدیر را گرامی می‌دارند و به مناسبت گرامی داشت این روز، برنامه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی دارند. **تودهٔ مردم در این روز دیدن عالمان دینی شان، برای دید و باز دید می‌روند.**

هزاره‌ها (که تقریباً همه شان شیعه هستند) نیز مثل دیگر برادران دینی خود در نقاط مختلف هزاره‌جات و جاهای دیگر افغانستان این روز را گرامی می‌دارند و یکی از اعیاد بزرگ خود می دانند. فضیلت و شرافت این روز بزرگ را پاس داشته‌اند و به مناسبت این روز در جای جای هزاره‌جات به ویژه قریه جات که در جوار مدرسه دینی قرار دارند، برنامه‌های مختلف برپا می‌شود. بزرگ خانه در این روز برای افراد خانواده، لباس نو می‌خرد و اظهار شادی و شادمانی می‌کند.

در این روز در برخی از دهات جلسات وعظ، سخنرانی، مقاله خوانی و شعر خوانی برگزار

---

۱. محمّد بن علی صدوق، ثواب الاعما و عقاب الاعمال، ترجمه محمّد رضا انصاری، پیشین، ص ۱۴۴.

دسترسی به این مدرک دارای پایان‌نامه ثبت و اشاعه شده پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۶۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸)، و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌شوند. واعظان مردم را موعظه و پند می‌دهند. خطیبان در مورد فضیلت مولای پرهیزگاران سخن می‌گویند. باسوادان هزاره مقالات شان را پیرامون ولایت و امامت به خوانش می‌گیرند. آنان که ذوق و علاقه شعر خوانی دارند و در فضیلت امام علی (عَلَیهِ السَّلام) و مدح آن امام مبین شعر می‌خوانند. برخی از متدین‌هایی که وضعیت مالی مناسب دارند، روز عید به مردم ده غذا می‌دهند و پذیرایی می‌کنند و بعضی دیگر شربت درست کرده به مردم می‌دهند. به اصطلاح هزاره گی به این معجون «شربتو» می‌گویند. در بعضی از جاهای هزاره‌جات جوانان پسر با هم عقد اخوّت می‌خوانند و دختران جوان نیز با هم «خواهر دینی» می‌شوند. بسیاری از زنان و مردان هزاره در این روز، روزه می‌گیرند و زیارت حضرت امیر در روز عید غدیر را می‌خوانند. در حین عقد اخوت، صیغه ی خاص که در مفاتیح الجنان[1] مرحوم شیخ عباس قمی آمده است می‌خوانند. معمولاً هر خانواده شیعه هزاره یک جلد مفاتیح الجنان دراند و بسیاری از اعمالی که در مفاتیح الجنان به مناسبت روز عید غدیر بیان شده است هزاره‌ها که سواد خواندن دارند غالباً، انجام می‌دهند.

٤-١. سالروز تولد معصومین و نقد و بررسی آن

مسلمانان جهان سالروز تولد رسول گرامی اسلام راجشن می‌گیرند و شادمانی می‌کنند آنگونه که مسیحیان سالروز تولد عیسی مسیح را گرامی می‌دارند و جشن می‌گیرند. تشیع مذهبی، که معتقد به امامت امام علی (عَلَیهِ السَّلام) و دوازده فرزند آن امام است و باور به عصمت آنان و عصمت رسول اکرم و دخت گرامی آن حضرت، فاطمه زهرا (سَلامُ الله عَلَیها) دارند سالروز تولد آن بزرگواران را جشن می‌گیرند و مجالس وعظ و سخنرانی و مداحی برگزار می‌کنند و از آنان تبجیل به عمل می‌آورند. این جلسات در بین برخی شیعیان جهان با شکوه فراوان برگزار می‌گردد و در برخی از مناطق شیعه نشین جهان به خاطر وضعیت سیاسی و فرهنگی خاص که در آن جغرافیا، حاکم است چنان با شور و شکوه برگزار نمی‌گردد و چه در بعضی از جاهای شیعه نشین در جهان اصلاً مراسم مولودی برگزار نگردد.

---

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، پیشین، ص ۵۶۸.

دسترسی به این مدرک صرفاً برای ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، بایانامه‌ها و رساله‌ها در جهت حفظ حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در افغانستان شیعیان وضعیت خاص دارند. بیشتر ساکنین این سرزمین اسلامی را پیروان مذاهب دیگر غیر از شیعه تشکیل می‌دهند و جامعه تشیع در افغانستان نسبت به اهل سنّت در اقلیت قرار دارند. درگذشته‌ها، مراسم مذهبی شان خصوصاً در شهرهای افغانستان از آزادی برخوردار نبودن. البته در این چند سال اخیر اندکی وضعیت تغییر کرده، شیعیا مراسم مذهبی شان را آزادانه برگزار می‌کنند. در بین هزارهای شیعه به خاطر وضعیت خاص سیاسی که در افغانستان حاکم بود و عوامل دیگر، آنگونه که لازم و سزاوار است از سالروز تولد همه معصومان (عَلَیهِمُ السَّلام) تبجیل به عمل نمی‌آید. با این حال در سالروز تولد بعضی از اولیای الهی مجالس جشن و شادی در جای جای هزارستان اسلامی به ویژه در مراکز ولسوالیها (شهرستانها) برگزار می‌شوند. خطیبان پیرامون شخصیت آن معصوم که جلسه به خاطر تبجیل آن برقرار شده، سخن می‌گویند و مقاله خوان‌ها، مقاله‌های ادبی شان را زمزمه می‌کنند. افراد دارای ذوق شعری در مدح معصومین شعر می‌خوانند. آن معصومینی که در سالروز تولدشان در هزاره‌جات مجالس برگزار و جشن گرفته می‌شود به صورت فهرستوار ذکر می‌گردد:

الف. ۱۷ ربیع الاول

رسول اکرم حضرت ختم مرتبت (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) در ۱۷ ربیع الاول چهل سال قبل از بعثت، سال ۵۷۱ م. در مکه چشم به سرای خاکی گشود.[۱]

شمشین ستاره درخشان امامت، امام جعفر صادق (عَلَیهِ السَّلام) نیز روز دوشنبه ۱۷ ربیع الاول سال ۸۳ هـ در شهر مدینه از مادری به نام فاطمه معروف به ام فروه به دنیا آمد.[۲]

چنانچه شیخ عباس درکتاب انوار البهیه آورده است، این روز، روز عظیم و بزرگی است. صدقه دادن، زیارت مشاهد مشرفه، روزه گرفتن، مسرور ساختن مؤمنان و خیرات دادن در این روز ثواب

---

۱. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت.

۲. شیخ عباس قمی، الانوار البهیه فی التواریخ الحجج الاهیه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ ۲، ۱۴۲۱ ق، ص ۱۵۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آئین‌نامهٔ ثبت و اشاعه پیشنهادها و انتشارات علمی و صیانت از حقوق پدیدآوران در انجمن‌های علمی، مصوبات شورای به شماره ۱۳۹۵/۹/۶ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶، از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و به‌منظور استفاده برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی در پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فراوان و اجر جزیل دارد.[۱]

هزاره‌ها نیز این روز را گرامی می‌دارند و به مناسبت این روز جلسات سخنرانی و وعظ برگزار می‌کنند و این کاری است حسنه و نیکو.

ب. ۱۳ رجب

سیزده رجب نیز مثل ۱۷ ربیع الاول از روزها با عظمت و باشکوه در جامعه هزاره است. هزاره‌ها این روز را گرامی داشته و از آن تکریم می‌کنند و به مناسبت این روز جلسات شادی و شادمانی به راه می‌اندازند؛ چون در ۱۳ رجب سنه سی ام عام الفیل اولین امام شیعیان، امام علی (عَلَیهِ السَّلام) روز جمعه در مکه مکرمه آن هم در خانه خدا چشم به جهان گشود. چشم گشودن در خانه خدا مخصوص آن انسان متعالی و انسان کامل است، هیچ کس نه قبل از تولد او و نه بعد تولد او در زمانهای مختلف تا زمان ما، کسی به چنین افتخاری نائل نگردیده است.[۲] این افتخار فقط به علی فرزند ابی طالب تعلق دارد. با این ویژگی خاص روز جمعه ۱۳ رجب خانه ابی طالب و فاطمه بنت اسد به قدوم نوزاد مبارک نورباران گردید. به میمنت پا نهادن نوزاد به این سرای خاکی آنان و سایر اعضای خانواده به شادمانی نشستند. تولد این نوزاد را ابی طالب به فاطمه و دخت اسد به ابی طالب تبریک گفت.

پ. ۲۷ رجب

بیست و هفت رجب سنه چهلم عامل الفیل برابر با.... م در شبهه جزیره عربستان اتفاق بزرگ رخ نما کرد. این اتفاق بزرگ بعدها موجب تغییرات شگفت در شبهه جزیره عربستان و جهان گردید. در چنین روزی بود که باران رحمت الهی به قلب محمّد بن عبدالله نازل شد. محمّد چون سالهای قبل هر روز در کوهی به نام «حرا» می‌رفت و با خدای خود راز و نیاز داشت و خدا را می‌خواند و نیایش‌های عاشقانه با رب عالمیان آن محبوب دلها انجام می‌داد و خود را برای رسالت بزرگ و جهانی و نجات بشر

---

۱. همان.

۲. شیخ مفید، الارشاد ج ۱، پیشین، ص ۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در حوزهٔ وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شناسهٔ ۱۹۵۲۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶ از پژوهشگاه اطلاعات علمی ایران (ثنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان ۱۳۴۸/۴ و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

از آن ضلالت و گمراهی آماده می‌کرد. او می‌دانست که در همین زمانهای نزدیک پیام بزرگ از خداوند دریافت خواهد نمود. ۲۷ رجب سال .... م همان زمان موعود بود و دریافت پیام الهی چنین بود که محمّد در ۲۷ رجب به رسالت الهی مبعوث شد. این روز بین مسلمانان به خاطر بعثت رسول خدا در این روز، مورد تعظیم و تکریم می‌باشد و این روز و شب آن از فضیلت و شرافت ویژه بهره‌مند است. از ائمّه ما در مورد بزرگی این روز و شب آن روایات زیاد صادر شده است.(۱)

هزاره‌ها این روز را چون دیگر مسلمانان بزرگ می‌دانند و جشن‌ها برگزار می‌کنند.

ت. سوّم شعبان

شخصیّت، عظمت، بزرگی و بزرگواری امام حسین بن علی (عَلَیهِ السَّلام) بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست. در بین شیعیان جهان و هزاره‌ها امام حسین جایگاه ویژه و غیر قابل توصیف دارند. او اسوه آزادی خواهان و جوان مردان عالم است. انسانی است متعالی، کامل، آزادی خواه، مبارز و ضد ظلم و ستم.

در تاریخ ولادت آن بزرگوار کلمات علمان بزرگ شیعه اندکی اختلاف است. شیخ مفید تولد آن حضرت را پنجم شعبان سال چهارم هجرت می‌داند.(۲) برخی سوّم هجرت زمان تولد آن امام را می‌داند. اختلاف هم در سال ولادت حضرت است و هم در روز ولادت. در هر صورت سال تولد امام سوّم هجرت باشد یا چهارم ولی روز تولد آن حضرت سوّم شعبان معروف است، چنانچه خاتم المحدثین شیخ عباس قمی به آن تصریح دارد.(۳)

هزاره‌ها نیز مثل دیگر شیعیان، روز سوّم شعبان را، روز ولادت امام سوّم شان می‌دانند و این روز را بزرگ می‌شمارند و در جای جای هزاره‌جات به ویژه مراکز شهرستانها، مجالس و جشن و سخنرانی برگزار می‌گردد.

---

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، پیشین، ص ۳۰۶.
۲. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، پیشین، ص ۲۴.
۳. شیخ عباس قمی، الانوار البهیه، پیشین، ص ۹۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۳۲۹۰ مورخ ۱۳۹۵/۹/۶۰) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ث. پانزده شعبان یا عید برات

یکی از روزهایی که مورد تکریم شیعیان است، روز پانزدهم شعبان است؛ چون در این روز یازدهمین ستاره درخشان امامت چشم به جهان گشود. دقیقاً سال ۲۵۵ ق بود و شب ۱۵ شعبان[۱] که خانه امام عسکری (عَلَیهِ السَّلام) به وجود نورانی آن گل سر سبد هستی، منور گردید. نرجس خانم در شب پانزده شعبان مادر فرزندی به نام مهدی گردید. مهدی که عالم در انتظار ظهور آن حضرت و حاکمیت قسط و عدل آن امام همام می‌باشد.

هزاره‌ها مثل دیگر شیعیان جهان این روز بزرگ را گرامی می‌دارند و به مناسبت ولادت حجت بن الحسن العسکری جشن می‌گیرند و شادمانی می‌کنند و مجالس سخنرانی و وعظ به پا می‌کنند واعظان و خطیبان پیرامون مهدی و مهدویت و انتظار فرج سخن می‌رانند.

در مورد سالروز تولد ائمّه و معصومان (عَلَیهِمُ السَّلام) فقط روزهای که یاد شد و ذکر گردید هزاره‌ها جلسات جشن و شادمانی برگزار می‌کنند. چنانچه آقای علیداد لعلی به آن اشاره کرده است.[۲] در تولد سالروز دیگر ائمّه (عَلَیهِمُ السَّلام) در این زمان اندکی رواج یافته است، اما به صورت جدّی و با شکوه برگزار نمی‌شود. جا دارد که تمام روزهای که تولد ائمّه (عَلَیهِمُ السَّلام) در آن واقع است گرامی داشته شود و جشن و شادمانی برگزار گردد. خطیبان و واعظان مسائل اسلامی را برای توده مردم تبیین کنند و پیرامون شخصیت و اهداف آن بزرگواران حرف بزنند، واعظان از سخنان پندآمیز و حکمت‌آمیز پیشوایان راستین برای مردم بخوانند و بیان کنند.

۵-۱. نوروز (روز اوّل حمل) و نقد و بررسی آن

انسان‌ها به خاطر علل و عوامل خاص، آداب و رسوم را به وجود می‌آورند و می‌سازند، خالق آداب و رسوم خود انسان است. بسیاری از آداب و رسوم که در جامعه‌ای به وجود می‌آید یکبارگی به

---

۱. شیخ مفید، الارشاد ج ۲، پیشین، ص ۳۲۳.

۲. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، پیشین، ص ۱۳۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ مورخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وجود نمی‌آید، بلکه با گذشت زمان به تدریج به خاطر عواملی چند به وجود می‌آید و اندک اندک در جامعه، جای پای باز می‌کند و به صورت یک هنجار در می‌آید.

گرامی داشت روز نوروز و آداب و آئین‌های آن بین مردم ایران یا به تعبیر دیگر بین مردم پارسی گو از آن هنجارهایی است که در مرور زمان به وجود آمده است. تعیین تاریخ تولد این روز و کیفیت به وجود آمدن آن کاری است دشوار.

عمر خیام ریاضی دان در رساله‌ای به نام «نوروز نامه» که به او منسوب است، گرامیداشت نوروز را از یادگاریهای «جمشید» می‌داند و می‌گوید که روز اوّل حمل را جمشید **«نوروز نام نهاد و جشن و آیین آورد و پس از آن پادشاهان و دیگر مردمان بدو اقتدا کردند.»**[۱] به طور قطع نمی‌توان گفت آن چه در نوروز نامه آمده همان درست است و بس. آن چه در مورد نوروز و آیینهای که به مناسبت این روز وجود دارد از زمان‌های قدیم بوده و از یادگار آتش پرستان است. از قدیم در سرزمین‌های ایران کنونی، بلخ، مرو و... رواج داشته است. بعد از ورود اسلام به قلمرو عجم‌ها، گرامی داشتن روز نوروز پا بر جا ماند. با فراز و نشیب که در طول دوران حاکمان این قلمرو داشت، بالاخره در زمان حاکمیت شاهان شیعی صفوی در ایران، نوروز صبغه دینی به خود گرفت و یکی از اعیاد مسلمانان شیعه ایران تلقی گردید. برخی برای اثبات فضیلت این روز در اسلام کتاب نوشته است.[۲]

روایتی نیز از امام صادق پیرامون خوبی این روز نقل شده است. طبق این روایت بسیاری از کارهای مهم ذیل در این روز واقع شده است: پیمان گرفتن خداوند از ارواح، اولین روزی که آفتاب طلوع کرد، باد وزید، گل‌ها در این روز اوّل بار آفریده شد، نشستن کشتی نوح در کوه جودی، نزول جبرئیل به پیامبر و مبعوث شدن حضرت رسول، شکستن بت‌ها وسیله ابراهیم، بیعت مردم با علی (عَلَیهِ السَّلام) (روز غدیر خم) به خلافت رسیدن حضرت علی در این روز، غلبه امام علی بر خوارج

---

۱ ـ عمر خیام، نوروز نامه، تصحیح و تعلیقه مجتبی مینوی، تهران، کتابخانه کاوه، چ ۱، ۱۳۱۲، ص ۷.

۲ ـ سید باقر آیت میردامادی، نوروز چه روزیست؟ یا عید نوروز از دیدگاه اسلام، تهران، انتشارات میرداماد، چ ۳، ۱۳۷۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نهروان در این روز و ظهور حضرت مهدی (عج) در این روز.[۱]

گذشته از متن روایت سند حدیث مورد توجّه و دقت است؛ چون راوی آن معلی بن خنیس است. او کسی است که در کتابهای رجالی تضعیف شده چنانچه نجاشی در تضعیف معلی بن خنیس نوشته است: «ضَعیفٌ جِدّاً، لایُعوَّلَ عَلَیهِ؛[۲] [معلی بن خنیس] جداً ضعیف است بر [اخبار] او نمی‌توان اطمینان کرد.»

دیدگاه فوق نظر یکی از علمای بزرگ قرن چهارم در مورد معلی بن خنیس است.

متن روایت نیز مشوش است؛ چون روز عید غدیر، در سوّم حمل بوده است. چنانچه علامه حکیم، ریاضی دان و منجم میرزا ابوالحسن شعرانی نوشته است: «من از زیج هندی [وسیله منجمان برای حساب نجومی] استخراج کردم تحویل آفتاب به برج حمل در سال دهم هجری چهارشنبه ۲۱ ذی الحجه بود»[۳] و همچنان در روایت نقل شده از امام صادق (عَلَیهِ السَّلام)، به خلافت رسیدن امام علی (عَلَیهِ السَّلام) را روز نوروز می‌داند و حال آنکه «کشته شدن عثمان [و پس از آن به خلافت رسیدن امام] ۱۸ ذی الحجه سال ۳۵ بود در برج سرطان [برج چهار]»[۴] با این حال علامه شعرانی می‌فرماید «به نظر من روایت مجعول نیست»[۵] و اگر مؤمنان به قصد وقوع نصب امیر المؤمنین این روز را گرامی بدارند اشکال ندارد، چون فاصله عید غدیر و نوروز سه روز بوده است.[۶]

علاوه بر آن، روایتی از امام کاظم (عَلَیهِ السَّلام) در بیزاری از نوروز نقل شده است؛ در زمان خلافت «منصور دوانقی» در نوروزی، منصور از امام خواست که در جایگاه خاص بنشیند و تا مردم به تهنیت آیند و هدایای که مردم در روز نوروز برای خلیفه می‌آورند خود بستاند. امام کاظم (عَلَیهِ السَّلام) فرمود:

«اِنّی قَد فَتَشتُ الاَخبارَ عَنْ جَدّی رَسولِ اللهِ فَلَم اَجِدْ لِهذاالعید خَبَراً وَ اَنَّهُ لِلفُرس وَ مَحاها الاسلامُ

---

۱. همان، ص ۳۴.

۲. احمد بن علی نجاشی (۴۵۰ - ۳۷۳)، رجال النجاشی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ ۶، ۱۴۱۸ ق. ص ۴۱۵.

۳. شیخ عباس قمی، ترجمه نفس المهموم، ترجم میرزا ابوالحسن شعرانی، قم، انتشارات هجرت، چ ۱، ۱۳۸۱، ص ۴۶۶، پاورقی مترجم.

۴. همان، ص ۴۶۶، پاورقی مترجم علامه شعرانی.

۵. همان.

۶. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ اصل پنجاه و سوم قانون مقررات و آیین‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی و ضمانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن به علت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مَعاذَاللّه أنْ تُحْيِي مَا مَحاهُ الاسلامُ؛[1] اخبار جدم رسول خدا را بررسی کردم از این عید [روز نوروز که منصور در خواست کرده بود امام برای تهنیت دیگر بنشیند] خبر از آن حضرت نیافتم، همانا این عید، عید پارسیان است که اسلام آن را محو کرده است [رد کرده است و امضا نکرده] پناه بر خدا [از اینکه] آن چه را اسلام محو کرده است ما زنده کنیم.»

با توجّه به آنچه گفته شد اثبات اینکه روز اوّل فروردین [حمل] یکی از روزهای مقدس متمایز از دیگر روزها است، کاری دشوار است، گر چه برخی تلاش نموده است که تقدس این روز را اثبات کند.

روز اوّل حمل در بین هزاره‌ها درگذشته‌ها، پر جوش بود و پر خروش ولی در این سالهای اخیر از رونق افتاده است. نوروز بین هزاره‌ها درگذشته حالت تقدس داشت. هزاره‌ها معتقد بودند که روز عید غدیر و روز رسیدن امام علی (عَلَیهِ السَّلام) به خلافت و حکومت مصادف نوروز بوده است و بیشتر هزاره‌ها به این خاطر این روز را گرامی می‌داشتند. ولی در زمانهای اخیر این جنبه قدسی نوروز از اذهان هزاره‌ها رفته است و طبعاً نوروز هم آن شور و شکوه سابق را ندارد. در اینکه شکوه نوروز از چه زمانی بـه وسیله چه کسی و یا کسانی به هزاره‌جات رفته است و یا از زمانهای خیلی دور آئین نوروز بوده است؟ سؤالاتی است که به طور قاطع نمی‌توان در این مورد چیزی گفت.

در برخی از جای جای هزاره‌جات در روز اوّل حمل مردم اهل ده بین شان گرد هم می‌آیند و **گاوی و یا چند عدد گوسفندی را نذر می‌کنند و گوشت گاو را بین اهل قریه، گاه خام و گاه بعد از پختن** تقسیم می‌کنند. و گاه زنان گرد هم آمده حلوا می‌پزند. این رسم در گذشته‌ها به صورت جدّی اجرا می‌شد، ولی در زمان‌های اخیر رنگ باخته است و اندکی کم رنگ شده است.

در بسیاری از جاهای هزاره‌جات همان تفریحات و بازیهایی که در عید فطر و قربان هزاره‌ها داشتند در نوروز نیز دارند؛ مثل گشتی‌گیری، اسبدوانی، گاهی نیزه زنی، توپ بازی، فوتبال بازی و.... عده‌ای از هزاره‌های که اوّل انقلاب در جمهوری اسلامی ایران مهاجرت کرده‌اند و در ایران به سر

---

۱. ابی جعفر رشید الدین محمّد بن علی بن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق)، مناقب آل ابی طالب (چهار جلد)، ج ۴، تصحیح سید هاشم رسول محدتی، قم، مطبعه علمیه، چ ۱، بی تا، ص ۳۱۹ - ۳۱۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ اجازهٔ ثبت شمارهٔ ۴۹۵۹۲۸ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶ از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و کاربران تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مولفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌برند از نوروز مفصل پذیرایی می‌کنند و عید می‌گیرند.

با توجّه به این که مردم هزاره مسلمان و معتقد به امامت امامان دوازده گانه‌اند سزاوار است که تمام رفتار و کردارشان و آداب و رسوم شان برگرفته از اسلام باشند. در اینکه «نوروز» از اعیاد بزرگ ملی آتش پرستان و مجوسیان قبل از اسلام بوده است، در آن تردیدی نیست مورد اتفاق همه نوروز پژوهانند. تمام حرف در این است که آیا بعد از اسلام بزرگان دینی و ائمّه معصوم (عَلَیهِمُ السَّلام) بزرگی این روز را امضا کرده است یا نه؟ روایتی که در این مورد از امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) نقل شده است آنگونه که گفته شد هم از جهت سند و هم از نگاه متن مورد توجّه و دقت است، استفاده بزرگی روز نوروز از آن روایت دشوار است. علاوه بر آن روایتی از امام کاظم (عَلَیهِ السَّلام) در مزمت نوروز نقل شده است، چنانچه گذشت.

در هر صورت روز اوّل حمل یکی روزهای جشن هزاره‌ها به حساب می‌آید و سابقه تاریخی دراز بین این مردم دارد. سایر هموطنان افغانستان نیز روز نوروز را جشن می‌گیرند. در کابل و مزار شریف جشن‌های باشکوهی برگزار می‌شود و «جنده» در این روز بلند می‌شود، هم در کابل و هم در مزار شریف. جنده (علم) چوبی است بلند مثل علم و بیرق و پرچم و سر آن پارچه نصب است و روز نوروز طی مراسم ویژه، آن را بلند می‌کنند، طبق باور توده مردم اگر راحت بلند گردید آن سال، سال خوبی است وگرنه سالی بدی خواهد بود.

در روز نوروز، شور و شادی هزاره‌ها تا حدی طبیعی است چون در ایام نوروز است که کوه‌ها و دره‌های پر از برف هزاره‌جات از برف خالی می‌شود و هوای خشن و سرد این سرزمین اسلامی به گرمی می‌گراید وگیاهان در حال جنب و جوش و حرکت است و اینها خود شادی آور و مسرت بخش برای هزاره‌های است که چندین ماه در زندان طبیعی برف و سردی هوا محبوس بوده‌اند.

۲. دیگر جشن‌ها و شادیهای هزاره‌ها و نقد آن

آنگونه که گفته آمد، جشن‌های ملی و مذهبی هزاره‌ها کاملاً رنگ دینی دارد و روزهای شریف و با

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشینه‌ها، پایان‌نامه‌ها، رساله‌های تحصیلات تکمیلی و ضمانت از حقوق پدیدآوران در ایران (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شماره ۳/۱۸۵۶۷۴ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۰۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی در چهارچوب قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۴۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فضیلت اسلامی را گرامی می‌دارند و حتی گرامی داشت نوروز نیز صبغه‌ی مذهبی داشت به آن خاطر هزاره‌ها، بزرگ می‌داشتند که مصادف با عید غدیر و خلافت ظاهری حضرت امیر المؤمنین (عَلَیهِ السَّلام) بوده. غیر از اعیاد و جشن‌ها که یاد آوری گردید، هزاره‌ها مراسم‌های شادی دیگر نیز دارند و با اندکی اختلاف در جزئیات مراسم شادی در تمام هزاره‌جات برگزار می‌شود. هزاره‌ها طی آن مراسم‌ها احساسات عاطفی و اجتماعی شان را به نمایش می‌گذارند. سالها است که آن مراسم شادی، بین هزاره‌ها در جریان بوده‌اند و ما تلاش می‌کنیم در این قسمت از بحث آن جشن‌ها و شادیها را تبیین کنیم.

۱-۲. هنجارهای ساختن خانه و نقد آن

یکی از نیازهای اولیه انسان «مسکن» است. جایی که بعد از کار و تلاش روزانه، شب‌ها در آن استراحت کند و خودش را در برابر گرمای تابستان و سردی هوای زمستانی محافظت، اعضای خانواده شب‌ها و در زمان‌هایی که فارغ از کاراند، گرد هم می‌آیند و گوش به حرفهای همدیگر می‌دهند و خودشان را برای کار و تلاش بیشتر در راستای حیات دنیوی شان آماده کنند.

برای انسانی که روزگارش به شکار، چوپانی، دام داری و خانه به دوشی سپری می‌شد، مسکنش عبارت بود از یک خیمه‌ای که از مو و پشم حیوانات گله‌اش درست می‌کرد و یا در مغاره‌های کوه و دخمه‌ها به سر می‌برد و هیچ گاه احساس نیاز اینکه خانه از سنگ و گل و... با سبک زیبا در جای مشخص و ثابت درست کند، نداشت. طبعاً هم دست به ساختن چنین خانه‌های که بعدها ساخت نمی‌زد.

احساس نیاز به ساختن خانه ثابت در مکانی معین برای انسان، زمانی به وجود آمد که تغییر در شغل انسان صورت گرفت. انسان تصمیم گرفت که باید دست از خانه به دوشی بردارد و راهی دیگری نیز برای ادامه حیات و تأمین خوراک و لباس وجود دارد و آن کشاورزی بود. پس از آن انسان شکارچی و خانه به دوش، کشاورز شد، قرار شد از طریق کشاورزی زندگی روزمره‌اش را بگذراند. همراه این تغییر شغل انسان، تغییر در مسکن وی نیز به وجود آمد، این نیاز به انسان خلق شد که باید فکری اساسی‌تر

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آثار علوم، تحقیقات فناوری به شماره ۱۳۹۵۶۲۹ مورخ ۱۳۹۵/۹/۶ از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

برای مسکن نمود و از مغاره‌های کوه و دخمه‌ها باید بیرون آمد لذا دست به ساختن خانه زد.

گرچه خانه سازی در ابتدا، بسیار ساده و بد شکل بود، ولی به مرور زمان با رشد جمعیت انسانها و رشد قوه تعقل و تفکر آنان، خانه سازی نیز رشد قابل توجّه نموده به درجه که امروز در جهان معاصر در شهرهای بزرگ این کره خاکی شاهدیم. امروز خانه سازی درکشورهای پیشرفته با سبک و معماری علمی و مهندسی مناسب، زیبا و مستحکم ساخته می‌شود.

هزاره‌ها نیز آن زمانی به فکر مسکن و خانه سازی افتادند که دست از شکار و دامداری و خانه به دوشتی برداشتند و کشاورز شدند. پس این تغییر شغل برای هزاره‌ها احساس نیاز به خانه سازی برای آنان پیش آمدند. البته به خاطر فقر اقتصادی و فرهنگی هزاره‌ها و برخورد ظالمانه حاکمان محلی و کاخ نشینان پایتخت کشور با هزاره‌ها و دیگر اقوام محروم کشور، مسکن سازی در بسیاری از نقاط افغانستان از جمله هزاره‌جات رشد نداشته. قلعه‌های مستحکم در هزاره‌جات در گذشته‌های دور (حدود صد سال قبل) از آن میران و خانهای هزاره بود **«که در کنار کاخ‌ها نیم قد و کلوخی دهقانان سر به آسمان تکیه داده و عملاً سیمای حقیقی یک نظام برتر طبقه حاکم را در شرایط اسفناک که گل و سنگ آن با خونابه اشک پا برهنگان و بینوایان در هم آمیخته منعکس می‌سازد.»**(۱)

اما در این نیم قرن اخیر و به ویژه پس از انقلاب و جابه جایی قدرت بین هزاره‌ها، «تحولات محسوسی در ساختار و سبک عمران و آبادی در هزاره‌جات با ابتکارات و تقلیدات و محاسبه شرایط پدید آمده است که برای هزاره‌ها فواید و اثرات سازنده از جهات متنابهی چون رعایت نکات بهداشتی، مصونیت و مرغوبیت و رهایش و کم ساختن مصارف سوخت و... در برداشته است.»(۲)

خانه سازی در بین هزاره‌ها مثل خانه سازی بین دیگر اقوام ساکن افغانستان از رویش علمی و مهندسی پیروی نمی‌کند بیشتر به سلیقه‌های شخص افراد و بنایان محلی ساخته می‌شود. در شهرها خانه سازی به سبک علمی و مهندسی ساخته می‌شود ولی اندک و نادر است.

در هر صورت هزاره‌ها وقتی می‌خواهند خانه بسازند، مردی که در ده به پارسای شهرت دارد و

---

۱. علی داد لعلی، سیر در هزاره‌جات، پیشین، ص ۲۱۵. ۲. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سنی از او گذشته است، می‌طلبد تا تهداب خانه را او بگذارد و او به صورت نمادین چند سنگ به تهداب می‌گذارد و دعا می‌کند و اقوام و بستگان کسی که خانه می‌سازد در آن جا حضور دارند و آمین می‌گویند. این رسم در برخی از جاهای هزاره‌جات رواج دارد و این هنجار انجام می‌گیرد. پس از آن کسی که خانه می‌سازد اگر از نظر اقتصادی وضع مناسب داشته باشد گوسفندی را نذر یکی از ائمّه معصوم (عَلَیهِمُ السَّلام) نموده، ذبح می‌کند جلسه‌ی روضه و سخنرانی برگزار. روحانی را دعوت می‌کند تا وعظ کند و روضه بخواند و برای فرد خانه ساز دعا کند که خانه را به خوبی و نیک نامی بدون حادثه ناگوار بسازد. برگزارکردن جلسه روضه و سخنرانی در بعضی از جاهای هزاره‌جات متداوّل است. اگر فرد خانه ساز وضعیت مناسب اقتصادی نداشته باشد به پخش نان مغزی، شیرینی، شکلات و... کفایت می‌کند. تمام این هنجارها بر خلاف شرع نیست و وجه عقلایی دارد.

در طول زمانی که فرد خانه ساز مشغول ساختن خانه‌اش است، همسایگان و فامیل او به خانه ساز کمک می‌کنند و یاری می‌رسانند که کار معقولانه و اسلامی است. آنگاه که خانه به اتمام می‌رسد، صاحب خانه در این هنگام نیز گوسفندی و یا بزی را نذر یکی از ائمّه (عَلَیهِمُ السَّلام) یا حضرت عباس می‌کند و گوشت او را آبگوشت درست کرده به همسایه‌ها و فاملین پیش کش. نادراً مراسم روضه و سخنرانی نیز برگزار می‌شود.

وقتی صاحب خانه به خانه جدید رفت، فاملین صاحب خانه، خانه او «خانه مبارکی» می‌رود و هدایای از لوازم خانه نیز همراه شان می‌برند و گاه این هدایا قبل از تکمیل خانه به دادن چوب برای پوشش خانه تبارز می‌کند. تمام هنجارهای که در خانه سازی بیان شد و بین مناطق مختلف هزاره‌جات، با اندک اختلاف وجود دارد، اسلامی و موافق عقل وجه عقلانی دارد.

۲ - ۲. هنجارهای ازدواج - مقدمه

ازدواج پدیده‌ای است که عمری به درازی وجود انسان دارد. بقای نسل انسان به خاطر ازدواج است و در طول تاریخ این پدیده با اختلاف درکیفیت انتخاب همسر و آداب و رسوم معمول در آن در

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بین بشر جاری بوده. قطعاً در زمان‌های خیلی دور آن پیچیدگی هایی که امروز در امر همسرگزینی بین انسانها وجود دارد، وجود نداشته، بسیاری از معیارها و مراحل که حالا در امر ازدواج معمول است در گذشته‌های دور نبوده.

هزاره‌ها نیز به عنوان بخشی از خانواده بزرگ انسانی از این قاعده جدا نیست. در زمان‌های خیلی دور (حداقل سه و چهار هزار سال قبل) حتماً ازدواج و همسرگزینی بین شان به گونه حالا نبود، هنجارها معمول در ازدواج ساده و کم هزینه بوده است. از آنجایی که هزاره‌ها مسلمان است، آن زنانی که در اسلام محرم به حساب می‌آیند و ازدواج با آنان از نگاه اسلام تحریم شده است،[1] هزاره‌ها نیز آن زنان را محرم می‌دانند و ازدواج با آنها را حرام.

۱-۲-۲. معیارهای حاکم در ازدواج

وقتی پسر، جوان می‌شود و به سن رشد می‌رسد، نیاز به همسرگزینی دارد و همین طور دختر وقتی جوان و رشید شد نیاز به همسر دارد. انتخاب همسر و برقراری وصلت بین پسر و دختر جوان، تابع یک سری معیارها و آداب و رسومی است که در جامعه وجود دارد و گزینش همسر بر آن اساس صورت می‌گیرد.

در جامعه هزاره پدیده ازدواج و همسرگزینی تابع معیارهای که در ذیل می‌آید، است براساس آن معیارها که معمولاً در تمام مناطق هزاره‌جات و بین تمام هزاره‌ها یکسان انجام می‌شود. آن معیارها امور ذیل است:

الف. روابط طبقاتی

به طورکلی جامعه هزاره به دو طبقه متمایز از هم تقسیم می‌شود: یک، طبقه اشراف و دوّم، طبقه غیر اشراف. طبقه اشراف جامعه هزاره در برابر دهقان‌ها با دو چهره متبارز است. اشرافی که به خاطر

---

۱. حضرت امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، پیشین، ص ۲۳۷ و ۲۳۵ و ۲۴۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفادهٔ از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

داشتن قدرت و ثروت، زمین به اشرافیت نایل گردیده‌اند. چهره دوّم اشراف جنبه قدسی دارد که ممکن است از نگاهی مالی و اقتصادی در حد بالایی نباشند ولی به سبب باور داشت برتری نژادی جزء طبقه اشراف به حساب می‌آیند. خانها، میران، اربابان و سادات مکرم هزاره در جامعه هزاره جز این طبقه‌اند، علیداد لعلی در این مورد نگاشته است:

«براساس رشته باقت‌های اجتماعی جامعه هزاره. سنّت مردمی و تاریخی ازدواج ذائقه طبقاتی پیدا نموده و اشراف از این ذائقه لذت وگوارایی می‌چشند و فرو مایگان ذائقه تلخی و مرارت.»[1] لذا عادت معمول بین هزاره‌ها از زمانهای دور این بوده است که خان هیچگاه دخترش را به عقد یک جوان هزاره که از طبقه خان نیست در نمی‌آورد. یک خان زاده غالباً دختری را برای ازدواج بر می‌گزینند که از طبقه‌اش باشد و خان زاده. همو نوشته:

«دهقان یا دهقان زاده این جرأت را قطعاً نمی‌داشته که سر به آستان ارباب یا میر ساییده و خود را غلام بچه آن با دل پاک معرفی کند. ولی ارباب و ارباب زاده از طبقه کشاورز هزاره دختر می‌گیرند.»[2] همین مسأله در مورد سادات نیز مطرح است لذا غالباً سادات حاضر نیست دخترش را به عقد هزاره غیر سید در آورند. اما متقابلاً سادات از هزاره‌ها غالباً همسر می‌گزینند.[3] برخی از سادات نه دختر به هزاره‌ها می‌دهند و نه دختر از هزاره‌ها می‌گیرند. **«مع الوصف در شرائط حاضر ساختار جامعه هزاره دستخوش تحولات و انقلابات ریشه‌ای بوده و ذهنیت‌ها، سدهای خیالی و ساخته و پرداخته راکماکان شکسته و خواهد شکست.»**[4]

نقد و بررسی

وجود چنین هنجارها در جامعه مسلمان هزاره، مایهٔ تأسف و تأثر است. هزاره‌های که بیش از هزار سال سابقه اسلامی دارد و در این مدت دین اسلام بین هزاره وجود داشته، ولی باز برخی هنجارها

---

۱. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، پیشین، ص ۱۶۳. ۲. همان.

۳. سید عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، پیشین، ص ۷۳ و ۹۳.

۴. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، پیشین، ص ۱۶۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صنایت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

را بین این جامعه مشاهده می‌کنیم که مخالف با تعلیمات و دستورات دین مقدس اسلام است. البته تداوم چنین رسم و رواج از ناحیه مقاومت و تعصب طبقه اشراف در برابر آن چه که مخالف این هنجار طبقاتی است می‌باشد، اگر این تعصب را «جاهلیت جدید» بنامیم به گزاف نخواهد بود.

از دیدگاه اسلام معیار و هم کفوی در انتخاب همسر، ایمان و تدین است نه ثروت، نژاد و خون. چنانچه عالم ربانی، بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، حضرت روح الله در تحریر الوسیله نوشته است:

«مسأله ۱۱. لا اشکال فی جواز تزویج العربیه بالعجمی و الهاشمیه بغیر الهاشمی و بالعکس و کذا زوات البیوتات الشریفه بأرباب الصنائع الدنیّه کالکنّاس و الحجام و نحو هما، لانّ المسلم کفو المسلم و المؤمن کفو المؤمنه و المؤمنون بعضهم اکفاء بعض کما فی الخبر، نعم یکره التزویج بالفاسق خصوصاً شارب الخمر و الزّانی کما مر؛[1] در ازدواج نمودن زن عرب با مرد غیر عرب و زن هاشمی با غیر هاشمی و بالعکس (ازدواج نمودن زن غیر عرب با مرد عرب تبار و زن غیر هاشمی با مرد هاشمی) باکی نیست. همین طور ازدواج صاحبان و خاندان شریف با شاغلین کارهای پایین مثل کناس و خون گر و همانند آن بدون اشکال است. زیرا مرد مسلمان کفو و هم طراز زن مسلمان است و مرد مؤمن کفو زن با ایمان. مؤمنان بعض شان کفو بعض دیگرشان است چنانچه در خبر آمد (در روایت از معصوم رسیده) بله ازدواج نمودن (زن با ایمان) با مرد فاسق به ویژه شراب خوار و زنا کننده (و بالعکس) کراهت دارد. چنانچه گذشت (قبل از این مسأله)»

ب. روابط خویشاوندی

از دیگر معیارهای انتخاب همسر که بین هزاره مروج است روابط فامیلی است. در بین هزاره‌ها ازدواج دختر نغچی (دائی) با پسر عمه، دختر عمه با پسر دائی، دختر عمو با پسر عمو، دختر خاله با پسر خاله و دیگر فامیل به شدت رایج است. از گذشته‌های دور این هنجار وجود داشته و تا هنوز به همان پر رنگی تداوم دارد.[2] وجود این هنجار به چند دلیل صورت می‌گیرد و به وجود آمده است:

---

۱. امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، پیشین، ص ۲۵۶.- ۲. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، پیشین، ص ۱۶۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱. غالباً فامیلها رفت و آمد متقابل در حیات اجتماعی با هم دارند و این رفت و آمد موجب شناخت عمیق‌تر و بیشتر از دو طرف را فراهم می‌کنند. هرکدام نسبت به دیگری شناخت بیشتر پیدا می‌کند.

۲. چنانچه خواهد آمد، ازدواج در بین هزاره‌ها هزینه زیاد لازم دارد، به خاطر رواج‌های ناپسند که موجود است، ازدواج فامیلی غالباً با هزینه کمتری صورت می‌گیرد و برای خانواده‌های فقیر هزاره این جنبه هم قابل توجّه است.

ارزیابی

این هنجار موجود بین هزاره‌ها خوبی هایی دارد و بدیهایی. ازدواج فامیلی غالباً با شناخت بیشتر و هزینه کمتر صورت می‌گیرد چنانچه گفته آمد. از دیدگاه اسلام چنین ازدواجی بدون اشکال است آنگونه که گذشت در اسلام معیار اسلام و ایمان است. ولی از نگاه پزشکی در برخی موارد ازدواج فامیلی نتایج ناگواری داشته است.

امروزه پزشکان توصیه‌های اکید دارند که ازدواج‌ها به ویژه ازدواج فامیلی بدون آزمایش خون زوجین صورت نگیرد. اگر خون زوجین به هم نخورند، نتیجه آن فرزند معیوب و یا ناباروری زن است.[۱]

پ. روابط اقتصادی

از دیگر معیارهای قابل توجّه در امر ازدواج روابط اقتصادی است. **«شرط اصلی هر ازدواجی در مناطق مرکزی و کلا در کشور ارزیابی شده است. بدون این پشتوانه هر ازدواجی معطل و شکوفه امید به وصال**

---

۱. یک سال قبل خودم شاهد دو مورد دو زوج هزاره بودم که به خاطر ازدواج فامیلی (دختر عمو و پسر عمو هر دو مورد) فرزندان شان دچار کم خونی و دیگر بیماری‌های ناگوار مبتلا بودند و با تداوی و تزریق آمپول ویژه اندکی حال فرزند آن دو زوج بهبود یافته بود.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌خشکد.»[۱] بسیاری از جوانان هزاره به خاطر نداشتند هزینه سنگین ازدواج، انتخاب همسرشان به تأخیر می‌افتد. بر عکس برخی از پولداران و زمین داران است که از یک تا چهار زن در نکاح زوجیت در می‌آورند. دختران جوان و زیبا را به خاطر برخورداری از ثروت در زمان پیری و ناتوانی شان به همسری می‌گزینند.

نقد و بررسی

مردم هزاره مسلمان هستند و سزاوار است که اندکی به امر ازدواج اسلامی فکر کنند و رسم و رسوم را مطابق دستورات اسلامی انجام دهند. در اسلام توصیه زیاد به آسان‌گیری در امر ازدواج شده است و این مخارج سنگین که امروز هزاره‌ها در امر ازدواج دارند (که برخواسته از روابط اقتصادی است) تناسبی با سرمایه و امکانات شان ندارد.

ت. روابط منطقه‌ای و ارزیابی آن

ازدواج‌هایی که بین هزاره‌ها صورت می‌گیرد یکی از معیارهای انتخاب همسر شان روابط جغرافیایی است. غالباً تمام ازدواج در محدوده خاص منطقه‌ای انجام می‌شود. بسیار کم اتفاق می‌افتد، به ویژه در زمان‌های گذشته که شرق هزارستان اسلامی به غرب هزاره‌جات دختر بدهد و برعکس یا هزاره‌های جنوب به هزاره‌های شمال هزارستان دختر بدهد و برعکس.

البته وجود این هنجار به خاطر عللی است از جمله: آنان که در یک محدوده جغرافیایی زندگی می‌کنند غالباً آشنایی عمیق از همدیگر دارند. در هزاره‌جات هیچ ازدواجی بدون شناخت و مطالعه طرفین صورت نمی‌گیرد و این ویژگی در کسانیکه در یک محدودهٔ خاص جغرافیایی زندگی می‌کنند حاصل است.

جهت دیگر این است که ازدواج معمولاً برای هزاره‌ها از اهمیت به سزایی برخوردار است و

---

۱ ـ علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، ص ۱۶۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) . از: پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وسیله‌ای است برای گسترش فامیل. رفت و آمد خانوادهٔ داماد با خانوادهٔ عروس و بر عکس پس ازدواج شایان توجّه است. و نیز نزدیکی دختر و عروس به خانواده‌اش و این مطلب در صورت به گونه‌ای ایده آل انجام می‌شود که مسافت خانه، خانواده داماد با خانه خانواده عروس اندک باشد وگرنه پس از انقلاب، هزاره‌ها به کشورهای خارجی از جمله پاکستان و ایران هجرت نموده‌اند و ما شاهدیم که دختر هزاره‌ای شرق هزاره‌جات به عقد پسر هزاره غرب هزاره‌جات در آمده است و بر عکس و... این امر به خاطر آن بوده که وقتی در ایران و پاکستان آمده‌اند در یک منطقه ایران یا پاکستان سالها با هم زندگی کرده‌اند و دو طرف از هم شناخت یافته است و عقد ازدواج صورت گرفته. بنابراین لحاظ منطقه و جغرافیایی در واقع به خاطر شناخت طرفین از هم دیگر است. این هنجار از دید عقل و اسلام اشکالی در آن نیست. چون در اسلام نیز سفارش زیاد به تحقیق و مطالعه هنگام همسر گزینی شده است.

شخصی خدمت امام صادق آمد، عرض کرد، تصمیم ازدواج دارم. حضرت فرمود:

«اُنظُر أَینَ تَضَعُ نَفسَکَ وَ مَنْ تُشرِکُهُ فی مالِکَ وَ تَطَّلِعُه عَلی دینِکَ وَ سِرِّکَ...؛[1] **نگاه کن نفست را در چه مکانی می‌گذاری (گمان می‌رود مراد از نفس معنای کنایی آن، نطفه باشد یعنی نطفه را نگاه کن در چه رَحِمی می‌گذاری، در انتخاب همسر دقت کن) و چه کسی را در زندگی ات شریک می‌سازی و چه کسی را بر دین و سرت آگاه می‌کنی.»**

روایت یاد شده و امثال آن به صراحت به ما دستور می‌دهد که در امر ازدواج باید دقت کرد و بدون شناخت قبلی نباید صورت بگیرد و این مسأله را هزاره‌ها به خوبی مراعات می‌کنند و مورد اعمال قرار می‌دهند.

۲-۲-۲. مراحل ازدواج و نقد و بررسی آن

گزینش همسر بین هزاره‌ها با آداب و رسوم ویژه و تشریفاتی صورت می‌گیرد و این آداب و رسوم

---

۱. امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲ (کتاب نکاح)، پیشین، ص ۲۱۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)، از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

متأثر از عنعنات ملی و مذهبی هزاره‌ها نشأت گرفته و سالها است که بین هزاره‌ها با اندک اختلاف در تمام مناطق هزارستان اسلامی و بین هزاره یکسان برگزار می‌گردد و در طی چند مرحله این گزینش انجام می‌شود. از زمانی که فکر زن به مغز جوان هزاره راه پیدا می‌کند تا آوردن عروس به خانه و شروع نمودن زندگی مشترک دو زوج مراحل زیاد با تشریفات فراوان طی می‌گردد.

الف. تقاضای پسر

وقتی جوان هزاره به سن رشد می‌رسد و احساس می‌کند که می‌تواند زندگی مشترک تشکیل دهد و توان اداره زندگی و تأمین نیازمندی‌های زوجه آینده‌اش را دارد به فکر ازدواج می‌افتد. او این ایده را غالباً ابتدا باگوشه وکنایه به مادرش منتقل می‌سازد و مادر به‌گوش پدر یا برادر بزرگ‌تر، در نبود پدر می‌رساند. غالباً طرح زن خواستن جوان هزاره ابتدا باگوشه وکنایه است. چون طرح نیاز به همسر از سوی جوان به صراحت بین هزاره‌ها بر خلاف عفت جوان تلقی می‌شود، لذا او، باگوشه وکنایه فکر همسر خواستن را به خانواده‌اش منتقل می‌کند پس این زمان خانواده جوان و پدر و مادر او، به فکر انتخاب دختری جوان، با ایمان، عفیف و... برای پسرش می‌افتد. زن خواستن جوان هزاره غالباً در سنین ۱۷ تا ۲۴ سالگی است.

آنگونه که واضح است بیان نیاز به همسر داشتن جوان هزاره کاملاً محترمانه و اسلامی و موافق عفت و نجابت است.

ب. خواستگاری

دومین مرحله برای ازدواج جوان هزاره، مرحله خواستگاری است. در جامعه هزاره چون بسیاری دیگر جوامع اسلامی به اتفاق خواستگاری از طرف پسر و خانواده او است، نه دختر و خانواده‌اش. در هیچ زمانی بین هزاره‌ها خواستگاری از طرف دختر و خانواده‌اش معمول نبوده است.

قبل از خواستگاری رسمی در هزاره‌جات، یک سری کارهای مقدماتی انجام می‌شود. خانواده

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت، نگاهداری و دسترسی به پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پسر ابتدا دختر مورد نظر را شناسایی می‌کند. پس از آن با گوشه و کنایه به خانواده دختر می‌فهماند که می‌خواهیم دختر شما را به فرزندمان خواستگاری کنیم. گاهی فردی را (غالباً پیر زن) برای این کار مأمور می‌شود که با گوشه و کنایه به دختردار، بفهماند فلانی می‌خواهد دختر طلب بیاید. اگر خانوادهٔ دختر تمایل داشت، با همان گوشه و کنایه و برخورد مهربانانه با آن فرد می‌فهماند که ما حرفی نداریم، بیاید. البته این حرف زمانی است که دختر کاملاً آمادگی جسمی برای ازدواج دارد و مهارت در کارهای زنانه‌ی معمول در بین هزاره‌ها.

در دهه‌های اخیر بسیار اتفاق می‌افتد که دختر و پسرِ همسر آینده‌اش را زیر نظر می‌گیرند و خانواده خود را وادار به خواستگاری و جواب آری گفتن می‌کنند.

برخی پنداشته‌اند که در جامعه افغانستان دختر و پسر هیچ نقشی در انتخاب همسر آینده شان ندارند. خانواده پسر و خانواده دختر است که داماد و عروس آینده شان را انتخاب می‌کند.[1] ولی این باور بر خلاف واقعیت‌های جاری بین هزاره است. غالباً خانواده‌های پسر و دختر به بیان اوصاف و هنر آن دو به یکدیگر، پسر را به دختر و دختر را به پسر معرفی می‌کنند. در بسیاری موارد پسر قبل از خواستگاری رسمی دختر را می‌بیند و با هم چه بسا حرف می‌زند. البته این دیدن و صحبت کردن رسمی نیست.

در بحث معیارهای ازدواج، گفته شد که یکی از آن معیارها، ملحوظ داشتن روابط منطقه‌ای است. در اثر لحاظ داشت همین معیار معمولاً پسر و دختر ماهها در اثر رفت و آمد همدیگر را دیده است و بدون شناخت نیست. علاوه بر آن، والدین پسر با توجّه به شناختی که از فرزند خود دارند، می‌دانند که پسرشان دختری با چه اوصاف می‌خواهد. پدر و مادر دختر نیز با توجّه به شناخت که از دختر خود دارند و لحاظ نمودن منافع نور دیده‌اش و با توجّه به جلب رضایت او جواب بله خواستگاری را می‌دهد.

---

۱. (خانم دولت آبادی) مشکلات زن افغانستانی از بدو تولد تا مرگ (قسمت چهارم)، ماهنامه حبل الله، (ارگان نشراتی سید جمال الدین - تهران) سال ۶، شماره ۴۳ و ۴۴، قوس (آذر) ۱۳۶۸، ص ۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامه ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آنگونه که دیده شد، انتخاب همسر بدون آگاهی قبلی دختر و پسر در بین هزاره‌ها صورت نمی‌گیرد. بلکه دختر و پسر را در جریان قرار می‌دهد ولی این به جریان قرار دادن به طور رسمی نیست. سزاوار است که قبل از مرحله خواستگاری پسر و دختر با هم بشینند و با هم حرف بزنند تا از اخلاق و شخصیت یکدیگر بیشتر اطلاع پیدا کنند و هر کدام خواستهای که در زندگی مشترک دارند به طرف مقابلش منتقل کنند. هر دو صادقانه خواستهای شان را بگویند که چه مقدار از آن خواست‌ها را طرف مقابل می‌تواند در زندگی پاسخ بگوید. از دیدگاه اسلام نگاه کردن به صورت زنی که می‌خواهد مردی با آن ازدواج کند اشکال ندارد، حتی مرد می‌تواند صورت، دست‌ها، مو و محاسن زوجه آینده‌اش را نگاه کند.[۱] پس از فراهم شدن مقدمات خواستگاری و تعیین زمان مشخص و مقرر جمعی از مردان موجه قریه مثل محاسن سفیدان، روحانیون، سادات و بستگان پسر همراه مقداری هدایای شیرینی، غجور و... در زمان مشخص وارد منزل خانواده دختر می‌شود. و خانواده دختر به گرمی از مهمان با ذبح نمودن گوسفند پذیرایی می‌کند و به آنان خوش آمد می‌گوید.

هزاره‌ها دسته خواستگاران را «ایلچی» می‌نامند.[۲] ایلچی‌ها غالباً شب خانه پدر دختر می‌ماند. پس از سرف شام و چای «قرار بر آن می‌شود که سررشته مطلب به دست یکی از خواستگاران قرار گرفته و او که دارای تخصص و فن بیان مطالب و مقاصد است با دقت و زیرکی و خضوع و کرنش به خصوصی، موضوع را مطرح می‌کند و طرف طوری مجاب و قانع شود که اصولاً برایش خلل و خلسه‌ای ایجاد نشود.»[۳] معمولاً خانواده دختر به زودی پاسخ بله نمی‌دهد، پس از چانه زنی‌های زیاد، خانواده دختر جواب آری، به ایلچی‌ها می‌دهد.

سنّت خواستگاری یکی از آن رواجهای پسندیده است که مبین جایگاه والای زن در جامعه هزاره است. به پاس احترام دختر (مقام زن) و خانواده‌اش طرح خواستگاری بین هزاره‌ها کاملاً حساب

---

۱. امام خمینی ره، تحریر الوسیله، ج ۲، پیشین، ص ۲۱۹ (مسئله ۲۹ نکاح)

۲. علیداد لعلی، سیر در هزاره‌جات، پیشین، ص ۱۶۸ / سید محمّد حسین فرهنگ، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان، پیشین، ص ۳۶۰.

۳. علیداد لعلی، سیر در هزاره‌جات، ص ۱۶۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۴/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شده و محترمانه است.

ت. تعیین گله یا مهر حاضر دختر

پس از خواستگاری و جواب مثبت خانواده دختر، نوبت به تعیین گله (قیلین یا شیر بها) یا مهر حاضر و مخارج عروسی می‌رسد. یکی از هنجارهای که سالها است بین هزاره‌ها به صورت گسترده در مناطق هزاره‌جات وجود دارد، گله یا قیلین و شیر بها است که از آن به مهر حاضر نیز تعبیر می‌کنند. گله پولی است که داماد به پدر عروس می‌دهد. این رسم تقریباً در تمام افغانستان با اندک تغییر وجود دارد. چنانچه جناب «فَرّخ یار» از منطقه پغمان از عروسی که در آن جا بوده در سفرنامه‌اش یاد آوری کرده است که پولی به عنوان گله به پدر دختر داده می‌شود.(۱)

در شرایطی فعلی گله دختر از صد هزار افغانی تا دویست هزار افغانی (معادل یک میلیون و هشت صد هزار تومان تا سه میلیون و شش صد هزار تومان ایران) بین هزاره‌ها می‌باشد. هزاره‌های که فعلاً در ایران به سر می‌برند نیز رسم گله‌گیری به همان شدت و حِدّت رایج است. گله در بین سادات هزاره کمتر از آن چه بین هزاره‌ها معمول است می‌باشد.

غیر از گله، مخارج دیگری نیز، پدر دختر از داماد و خانواده او می‌گیرد: یک گاو به عنوان «سر دید گنی» (دیدگو همان آجاق است، سردید گویی) چند گوسفند بخش و هدیه برای بستگان نزدیک عروس مثل عمو، دائی، عمه، خاله، برادر و خواهر و مخارج عروسی مثل: کشتنی که از ۵ عدد گوسفند تا ۱۵ عدد است، ۷۰ سیر تا ۱۳۰ سیر گندم کُچه غو، چند حلب روغن هفده کیلویی، چند گونی برنج ۲۵ کیلویی، یک تا دو گونی شکر و آب نبات. ده و دوازده کیلو چای و... روی هم رفته این مخارج که به نام خرج عروسی از خانوادهٔ داماد گرفته می‌شود، بیش از پولی است که به نام گله داده است.

تمام آن چه یاد شد، در جلسه خواستگاری و گاه بعد از آن در حضور چند نفر آدمهای موجه تعیین می‌شود و روی کاغذ به کتابت در می‌آید و حاضران جلسه به شمول پدر و مادر داماد و عروس

---

۱. شهاب الدین فرخ یار، سرزمین دره‌ها - یادداشت‌های سفر به افغانستان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلام، چ۱، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۸۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و حمایت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

زیر آن را امضا می‌کنند. موقعیت بالای خانواده دختر، زیبایی و هنرمندی و ایمان دختر در زیادی گله و دیگر مخارج تأثیر به سزا دارد.

برخی از خانواده‌های هزاره که پسر و دختر جوان دم بخت دارند، دست به یک شگرد دیگر می‌زنند. دختر دم بختش را به پسر جوان آن فردی که او نیز دختر دم بخت دارد می‌دهد و بر عکس فرد دوّم دخترش را به پسر اولی می‌دهد به ازای این که اولی دخترش را به پسر فرد دوّم دهد. در این اواخر این رسم تقریباً رخت بسته است و مهجور و در حال نابودی است. این هنجار زشت بین دیگر قبایل ساکن افغانستان نیز وجود دارد.[1] البته دختران در برابر مهر نیست بلکه هرکدام از دختران مهر دارد. از این نوع ازدواج تعبیر به «سرالش» یا «سربدل» می‌شود که امروزه، بین هزاره‌ها از رواج تقریباً افتاده است. لازم و ضروری است در این مسأله اندکی درنگ نموده و آن را مورد ارزیابی و دقت قرار دهیم. پولی که پدر دختر به نام گله یا قیلین (به اصطلاح هزاره‌های شمال قیلین گفته می‌شو) از خانوادهٔ داماد می‌گیرد از دیدگاه اسلام حلیت دارد؟ پیامدهای منفی این هنجار چیست؟ سر بدل همان نکاح شغار نیست؟

نقد و بررسی

در فقه اسلامی بحث است که آیا پدر، جد پدری نسبت به دختر بالغ رشیده ولایت دارد یا نه؟ اگر ولایت دارد آیا اجرای عقد دختر بالغ رشیده منوط به اجازهٔ پدر و جد پدری است؟ پدر و جد پدری به اتفاق علمای مسلمان شیعی نسبت به پسر و دختر صغیر ولایت دارد و اجرای عقد آن دو منوط و به اجازه پدر یا جد است. پدر و جد نسبت به دختر بیوهٔ بالغ رشید ولایت در عقد او ندارد. زن بیوه بدون اجازه پدر و جد پدری می‌تواند به عقد مرد با ایمان در بیاید. این مسأله نیز مورد اختلاف نیست. اختلاف در ولایت داشتند پدر و جد نسبت به دختر بالغ رشید باکره است. بیش از پنج قول در این مورد وجود دارد، ولی غالب فقهای مسلمان، اجازه پدر یا جد را در صحت اجرای عقد دختر

---

۱. شهاب الدین فرخ یار، سر زمین دره‌ها - یادداشت‌های سفر به افغانستان، پیشین، ص ۱۸۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

رشیدهٔ باکره، شرط می‌دانند.[۱]

اگر جوانی کفوی دختر بود، ولی پدر و جد به خاطر جهات شخصی اجازه نداد، در این صورت ولایت ساقط است. بنابراین داماد و خانواده‌اش می‌بایست رضایت پدر را جلب کنند. پولی راکه داماد به پدر عروس می‌دهد اگر با رضایت خود برای جلب رضایت پدر دختر یا دختر می‌دهد، گرفتن آن برای پدر دختر در این صورت حلال است و در غیر آن صورت فوق، پولی که پدر دختر از داماد، مازاد بر مهر می‌گیرد، حرام است.[۲] گله که پدر دختر می‌گیرد اگر تحت عنوان فوق و یا مهر، چنانچه در بعضی مناطق هزاره‌جات، به عنوان مهر حاضر گرفته می‌شود، نباشد حرام است. برهزاره‌های مسلمان است که از این رویش نکوهیده دوری نمایند، مقام زن راگرامی داشته با پول معامله نکنند. گرفتن گله توهین بزرگ به دختر است که متأسفانه بین هزاره‌ها، زیادی گله ارزش دختر تلقی می‌شود، غافل از اینکه کرامت انسانی او، با این کار زیر سؤال رفته و ارزش او با پول سنجیده می‌شود و چه زشتی بالاتر از این که انسان زندهٔ آزاد، ارزشش با پول وزن شود. دیه که خون انسان تعیین شده قاتل موظف به پرداخت آن است قیمت او نیست بلکه قانونی است که برای جلوگیری از ظلم و قتل نفس محترم در اسلام وضع شده است.

علاوه بر آن به خاطر همین مخارج بالا و گله زیاد، بسیاری از جوانان هزارهٔ فقیر سالها بدون زن می‌ماند و توان اینکه به یکی از سنّت‌های مؤکد اسلام، عمل کنند ندارند و کسانی که از نگاه مالی وضع خوب‌تر دارند از یک تا چهار زن را به تزویج خود در می‌آورد فقط به خاطر این که پول دار است و گرنه ممکن است نه اخلاق داشته باشد و نه جوانی و زیبایی.

---

۱. حضرت امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، پیشین، ص ۲۲۷؛ میرز جواد تبریزی، رساله توضیح المسائل، تهران، انتشارات باقرالعلوم. چ ۷، ۱۳۸۳، ص ۳۶۵ (مسأله ۲۳۸۵)؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، چ ۲۷، ۱۳۷۸، ص ۴۱۲ (مسأله ۲۰۳۷)؛ حسین وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، پیشین، ص ۶۵۷ (مسأله ۲۴۴۱)؛ سید علی سیستانی، المسائل المنتخبه، قم، چ ۱، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۸۹ (مسأله ۹۶۶)؛ محمّد علی اراکی، رساله توضیح المسائل، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲، ص ۴۴۱ (مسأله ۲۳۹۱)؛ محمد اسحاق فیاض، توضیح المسائل، قم، انتشارات مجلسی، چ ۱، ۱۳۸۴، ص ۵۴۰ (مسأله ۲۵۳۸)

۲. حضرت امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، پیشین، ص ۲۶۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج)، در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تشریفات و مخارج زیاد ازدواج از سنّت‌ها و رسومی است که عملاً امروز همانند تارهای عنکبوت هزاره‌ها را به خود پیچانده و اسیر ساخته است. لازم و ضروری است که هزاره‌ها با توجّه به دستورات اسلام و فرهنگ غنی تشیع، دست از این رسوم و تشریفات برداشته و خودشان را از این اسارت سنّت نجات بدهند، زندگی را بیش از این برای جوانان شان تنگ و دشوار نکنند. این هزاره‌ها است که این سنّت را ساخته‌اند و اگر بخواهند می‌توانند این زنجیر را بردارند.

قبل از اسلام یکی از نکاح‌های که در بسیاری از مناطق رایج بود نکاح شغار بود. نکاح شغار این است: مردی دختر یا خواهرش را به تزویج فرد دوّم درآورد و فرد دوّم دختر و یا خواهرش را به تزویج اولی. هرکدام از این دختران یا خواهران مهر دیگری باشد؛ مثلاً فرد الف بگوید من دختر را به فرد ب دادم در برابر مهر دختر فرد ب و فرد ب بگوید من دخترم را به فرد الف دادم در برابر مهر دختر فرد ب.[۱] این نکاح در جاهلیت قبل از اسلام بود، ولی اسلام آن را تحریم نموده است و از آن به شدت نهی.

اگر دو مرد دختران خود را به همدیگر بدهد، اولی بگوید من دخترم را به تو می‌دهم به شرط که تو دخترت را به من بدهی. دوّمی نیز همان گوید، ولی هرکدام از دختران مهر دیگری قرار نگیرد، مهر جدا و چیزی دیگر تعیین شود و یا اصلاً مهر را تعیین نکند، در این صورت مهر المثل (مقدار مهر هم سالان و هم محلی‌های دختر) می‌آید.[۲] این قسم از نکاح، نکاح شغار به حساب نمی‌آید و حلال است. حرمت متوجه این قسم از نکاح نیست.

ازدواج سرالش یا سربدل که بین مردم افغانستان و هزاره‌ها رایجند از قسم اخیر است. ربط به نکاح شغار ندارد، به همین دلیل نکاح سرالش از دیدگاه اسلام حرام نیست، اما کارکرد آن در جامعهٔ هزاره منفی بوده. زیاد اتفاق افتاده که در ازدواج سر بدل یک طرف آن، زوجه و زوج با هم سازش دارند و در زندگی تفاهم و مشکل ندارند، ولی طرف مقابل آن زوجین با هم تفاهم و سازش ندارند. در اثر عدم تفاهم و وجود مشکلات از هم جدا می‌شود، اینها کمر همت می‌بندد تا به هر بهانه و عنوانی

---

۱. حضرت امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، پیشین، ص ۲۵۷ (کتاب نکاح - مصاهره مسأله ۱۷).

۲. همان

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

زندگی طرف مقابل را (زوجین که با هم سازش دارند) بهم بزنند و موجب جدایی آن دو را با حیله‌های فراوان، از هم می‌پاشد. به خاطر همین کارکرد منفی‌اش، در این اواخر به حمد الهی از بین رفته چنین ازدواجهایی بسیار کم بین هزاره‌ها اتفاق می‌افتد.

ث. شیرینی خوری (خویشی‌گیری)

پس از آن سه مرحله، نوبت به گام بعدی می‌رسد. این گام است که موجب استحکام پیوند خانوادهٔ داماد و خانوادهٔ عروس می‌گردد و عروس رسماً نامزد داماد محسوب می‌شود. هزاره‌ها، از این مرحله به «خویشی‌گیری» یا «شیرینی خوری» یاد می‌کنند. خویشی‌گیری طی مراسب ویژه بین هزاره‌ها اجرا می‌شود. عده‌ای مرکب از اولیای داماد و وابستگان و هم محلی‌های او (تعداد شان از بیست نفر تا پنجاه نفر معمولاً است.) پیاده و سواره از جای داماد به قصد خانهٔ پدر عروس، عازم می‌شوند. البته هدایای نیز با خود همراه دارند از جمله یک دست لباس برای عروس. به محض اینکه داماد و هیأت بلند پایه سریر شاه به خانهٔ پدر عروس رسید، خانواده عروس به گرمی از آنان استقبال و پذیرایی می‌کنند «و داماد غرق نثار شیرینی و سکه‌های پول سیاه و کاغذی»[1] از سوی مادر عروس می‌شود.

غالباً، دست کم یک گوسفند، برای مهمانان ذبح نموده و گوشت آن را به مهمانان پیشکش می‌کنند. قبل از صرف غذایی رسمی، مقداری از دل، جگر و شش، قلوه (گرده) و... را با روغن سرخ کرده، به مهمانان به ویژه به داماد می‌دهند.

وقتی غذای نهار یا شام، پدر دختر نیز عده‌ای از هم محلی هایش را دعوت می‌کنند، گرد همایی بزرگ به وجود می‌آید. پس از صرف غذا و چای، کله قندی راکه خانواده داماد آورده است بین جلسه می‌آورد و یک دست لباس که پدر عروس برای داماد تهیه کرده است نیز آورده می‌شود. پس یکی از بزرگان مجلس رو به جمع نموده با صدای بلند می‌گوید: **«الی گو ما برای چه آمدیم و چه خبر است؟»** یکی از حاضران می‌گوید: **«برای خویشی‌گیری دختر کربلایی به پسر علی مدد زوار آمدیم.»** باز آن فرد می‌گوید: **«دختر و**

---

۱ . علیداد لعلی، سیر در هزاره‌جات، ص ۱۷۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پسر رسم شی چیه و قرار و مقدار چه قدره؟»

یکی از بستگان عروس، کاغذی که قبلاً بین پدر و مادر داماد و عروس در مورد قرار و مقدار گله و دیگر مخارج نوشته شده است پیش بزرگ مجلس، که معمولاً روحانی است، می‌گذارد. او کاغذ را با صدای بلند، می‌خواند و حاضران گوش می‌دهند. پس از آن، لباس که پدر عروس برای شاه تهیه نموده، با ذکر صلوات به داماد پوشانده می‌شود. در همین جلسه مقدار $\frac{1}{3}$ و گاه نصف گله، در حضور جمع از طرف اولیا داماد، به اولیاء عروس داده می‌شود.

نقد

این هنجارها نیکو و خوب است چیزی که از نظر اسلام اشکال داشته باشد در این مرحله وجود ندارد. جز اخذ گله که قبلاً بیان کردم.

مهاجرین هزاره‌ای که در ایران زندگی کرده‌اند در همان جلسه، عقد را نیز جاری می‌کنند، ولی در افغانستان، متأسفانه عقد بعد از روز عروسی خوانده می‌شود. البته در این اواخر کم و بیش بین هزاره‌های هزاره‌جات نیز رسم شده‌اند که عقد در زمان شیرینی خوری جاری می‌شود.

سزاوار است که عقد در این مجلس اجرا شود؛ چون پس از این جلسه داماد پایش به خانه عروس باز می‌شود و عروس و داماد با هم نشست و برخواست (ولو محدود) دارند و این نشست و برخواست بدون اجرای عقد سزاوار یک مسلمان نیست. چه بهتر که پس از شیرینی خوری عقد خوانده شود و آن سخت گیریهای که نسبت به نشست و برخواست داماد و عروس است، برداشته شود تا این دو زوج جوان قبل از عروسی و آغاز زندگی مشترک، نسبت به همدیگر آشنایی عمیق‌تر پیدا کنند و به رفتارها و اخلاق هم بیشتر آشنا شوند. کمبودهای اخلاقی که هرکدام دارند در صدد جبرانش برآمده تا سر رسید زمان عروسی لااقل اندکی آن را جبران کنند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۵. پایوازی

پس از گذشت مرحله خویشی‌گیری، در برخی از مناطق هزاره‌جات نوبت به پایوازی می‌رسد. **«به خاطر دیدار مکرر و عادی شدن برخورد متقابل داماد و بیری، داماد تصمیم می‌گیرد بعد از چند مدتی با تحایف جنسی [اجناس] نقدی و غذایی عازم خانه «خُسُر» شود. در این رابطه داماد همراه چند تن از دوستان [هم سن و سال] خود عازم خانه خسر شده به لقاء یار می‌رسد و گفتن‌ها و سخن‌های خود را در جایگاه قلب معشوق می‌کارد.»**[1] رفت و آمد و نشست و برخواست داماد با عروس و مادر او قبل از عقد سزاوار نیست، به خصوص اینکه پس از مراسم شیرینی خوری، مادر عروس گونه‌های دامادش را زیر باران «ماچ» و بوسیدن قرار می‌دهد و متقابلاً داماد دست مادر عروس را گرفته، سرمه چشمان نموده، می‌بوسد و حال آنکه در اسلام تماس اعضای بدن مرد نامحرم، به اعضای بدن زن نامحرم، چه با قصد لذت باشد و چه بدون قصد لذت در غیر ضرورت حرام است. مادر عروس قبل از عقد نامحرم است، لذا مراسم پایوازی و رفت و آمد آن چنانی بدون اجرای عقد نا صواب است.

۶. گَلَه‌گیری

پس از مراحل گذشته و چند ماه پیش از عروسی، خانواده عروس چند نفر از بستگان و همسایگانش را خانه خانوادهٔ داماد، برای گرفتن گله (قیلین) روانه می‌کند. در هزاره‌جات غالباً، پول نقد بین هزاره‌ها کم است، گله‌ای که خانواده داماد به پدر عروس می‌دهد، غیر از پول نقد گاو و گوسفند و بز نیز است. این حیوانات نیاز به قیمت گذری دارند و قیمت آن به ازای گله‌ای که نقد تعیین شده است داده می‌شود.

وقتی گله گیران، به خانهٔ خانوادهٔ داماد آمدند، از سوی آنان به گرمی استقبال و پذیرایی می‌شود. زمان صرف غذا، خانوادهٔ داماد عده‌ای از مردان و موجه ده را نیز در کنار گله گیران دعوت می‌کنند. پس از صرف غذا (اگر از جای دور بیاید ماندن شب حتمی است) چای و میوه جات (در غیر هزاره‌جات)

---

۱. علیداد لعلی، سیر در هزاره‌جات، ص ۱۷۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیداوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیداوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

حاضران در جلسه که ترکیب یافته از وابستگان عروس و وابستگان داماد است، به اصل مطلب می‌پردازند. خانوادهٔ داماد، حیواناتی راکه از قبل، برای دادن به ازای گله، آماده کرده‌اند، از طویله بیرون کرده و در معرض دید حاضران در جلسه، قرار می‌دهند. هیأت شروع به نگاه کردن گاو و گوسفندان نموده و قیمت گذاری آنها می‌پردازند. هرکدام از طرف داماد و طرف عروس قیمتی می‌گذارند پس از چانه زدن، با هم به توافق می‌رسند. حیوانات قیمت گذاری شده، از طرف هیأت گله گیران در ازای گله پذیرفته می‌شود. و معمولاً این حیوانات را با خود، به خانهٔ خانوادهٔ عروس می‌برند. پدر عروس به خاطر این زحمات انجام شده مقداری هدایا مثل یک دست عمامه (در افغانستان مردان همه عمامه به سر می‌کنند) برای هر نفر از هیأت گله گیران به رسم یاد و بود پیش کش می‌کند. اصل آداب و رسوم که در گله‌گیری رایج است چیزی بدی نیست، کاملاً محترمانه انجام می‌شود؛ ولی اخذ گله، چنانچه گذشت، دارای اشکال شرعی است و قابل تأمل می‌باشد.

ح. مراسم عروسی و نقد و بررسی آن

فاصله زمانی بین شیرینی خوری و مراسم عروسی، بین هزاره‌ها متفاوت است. آنان که از نگاه اقتصادی وضعیت مناسب دارند این فاصله از دو ماه تا شش ماه است اماکسانیکه قادر به پرداخت گله و دیگر مخارج نیستند مراسم عروسی چندین سال به عقب می‌افتد، تا جوان بخت برگشتهٔ هزاره با جان کندن چندین ساله، مخارج و مصارف ازدواج را فراهم کند. در اعیاد (عید فطر و قربان و روز نوروز) که بین شیرینی خوری و عروسی واقع می‌شود، داماد باید به عروس لباس و زیور آلات هدیه ببرد. چند روز پیش از عروسی چند نفر از خانواده داماد مخارج عروسی که در زمان تعیین گله مشخص شده بود، خانه پدر عروس می‌برد و به خانواده عروس خبر می‌دهد که چند روز بعد عروسی است.

۱ - ح. شب حنا بندان

شبانگاهی که فردای آن عروسی است، مراسمی به نام «حنابندان» برگزار می‌شود. مراسم حنا

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و رضایت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شماره ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بندان هم در خانه پدر عروس برگزار می‌شود، هم در خانهٔ داماد و دست‌های عروس و داماد و «شابالان» هر دو نیز حنا می‌شود. در برخی از جاهای هزاره‌جات، به ویژه اگر خانوادهٔ عروس و داماد، در یک قریه باشند مراسم حنا بندان در خانهٔ پدر عروس برگزار می‌گردد. داماد در این شب باید هدیه‌ای برای عروس در نظر بگیرد. معمولاً، هدیه انگشتر طلا یا چند قواره لباس است. عروس حنای خیس شده در کف دست، مشت می‌کند. داماد مؤظف است مشت عروس را باز کرده، انگشتر را به دست او بدهد. برخی از عروسان، اندک مقاومتی در برابر داماد می‌کنند تا او به راحتی دستش را باز نکند.

۲ - ج. رفتن به دنبال عروس

روز عروسی، پدر و مادر داماد و بستگان او همراه نوجوانان، جوانان، میان سالان اهل ده و قریه‌های نزدیک، با کبکبهٔ خاص، عازم خانه پدر عروس می‌شوند، در اصطلاح هزاره این جمعیت «طوی چی» یا «طوی والا» نام دارد. جمعیت طوی چی بستگی به موقعیت خانواده داماد و عروس دارد. جمعیت «طوی والا» از صد نفر تا پانصد نفر ممکن است باشند.

طوی چی‌ها از طرف خانوادهٔ عروس به گرمی استقبال می‌شوند. برای استقبال بیشتر و باشکوه برگزار شدن «طوی» خانواده عروس «بزغاله» یا «گوساله»ای نزدیک دِه که معمولاً، سراشیب است، سر تپه می‌گذارند، فردی همراه آن حیوان است. طوی چی‌های اسب سوار، گاه پیاده‌ها نیز، به سمت بزغاله می‌جهند و آن فردی که بزغاله دستش است، حیوان را رها می‌کند. تا طوی چیان او را دنبال کنند و هر یک افراد که دنبال بزغاله می‌روند زودتر از دیگران توانیست او را در چنگ خود در آورد، برنده مسابقه است. و بزغاله از آن اوست. از این هنجار هزاره‌ها تعبیر به «گوساله چپچی» می‌کنند و در بسیاری از مناطق هزاره‌جات، این رسم رایج است؛ ولی در مناطق لعل و سر جنگل و یکاولنگ از شدّت و حدّت بیشتر برخوردار است. این مسابقه که در بدوِ ورود طوی چیان برگزار می‌گردد، شکوه عروسی را دو چندان می‌کند. پس از اجرای این مراسم، داماد و شابالان به سوی خانه پدر عروس،

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هدایت می‌شوند. جلو خانه عروس چند متر دورتر از آن پیش داماد، که بر اسب غالباً سوار است و جوانان که همراه داماداند «اتنک» بازی می‌کنند.

«اتنک بازی» یکی از بازیهای ملی افغانستان است، از آن به «اتنک ملی» نیز تعبیر می‌کنند و در روزهای جشن غالباً، در عروسی‌ها اجرا می‌شود و مخصوص نوجوانان و جوانان است. حدود هشت تا چهارده و پانزده نفر دائرهٔ را تشکیل می‌دهند به صورت همزمان و موزون افراد، به بالا می‌جهد و در این حین یک دست به طرف بالا می‌رود و دست دیگر طرف پایین. پس از جهیدن هر فرد کف دست راستش را، به کف دست چپ به گونه‌ای موزون و همزمان با دیگران می‌زنند، غالباً، بازی کنان دستمالی رنگی را به هر دو دست یا یک دستشان می‌گیرند، تا وقتی دست‌ها باز و بسته می‌شود بازی با شکوه جلوه کند. پس از اجرای این مراسم داماد از طرف مادر عروس و دیگر زنان بستگان عروس غرق نثار پاشیدن نقل و نبات و پول فلزی و کاغذی می‌گردد. پس از آن داماد و مردان طوی چی به تکیه خانه و یا خانه‌های مناسب اهل ده هدایت می‌شود.

۳ - ج. بازی‌های روز عروسی

مدت یک روز، یا نصف روزی که طوی چی‌ها، در قریه و محل عروسی می‌مانند، غالباً، در هزاره‌جات یک سری بازیها و تفریحات سالم انجام می‌شود. این بازیها با اندک اختلاف در تمام هزاره‌جات جاری است. بازیهای مورد اجرا در عروسی، موارد ذیل است:

گوساله چچی، اتنگ، که ذکرش رفت، اسبدوانی، نیزه زنی، توپ بازی، فوتبال، مسابقه دو یا خیز، ما این بازیها را در ذیل عید فطر توضیح دادیم. جایزه و تشویقیه این مسابقات به عهده پدر عروس است.

۴ - ج. درگه‌گیری یا کور بله آجه

پس از گذشت نصف روز، گاه یک شبانه روز، طوی چیان آماده حرکت، از ده عروس به سمت

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)، از پژوهشگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خانه داماد می‌شود. جهازی که پدر دختر، برای نور دیده‌اش آماده کرده، از خانه بیرون می‌شود و حمل آلاغ و یا ماشین می‌گردد. جهاز ترکیب یافته از سه تا ده دست رختخواب (بستره) دو تا چهار عدد صندوق فلزی، چند دست لباس قیمتی برای دختر و ظروف مورد نیاز و ضروری یک خانه هزاره، تقریباً تمام جهاز به ارزش $\frac{1}{4}$ گله است. دادن جهاز در صورت است که در زمان تعیین گله، «پک خوره» شرط نشده باشد. اگر پک خوره باشد، وسایل خانه و به عهده داماد است نه عروس.

در این گیرودار، خانوادهٔ عروس، دست به یک شگرد دیگر برای حال‌گیری طوی چیان و خانوادهٔ داماد و داماد می‌زنند. عروس را نمی‌گذارند از خانه پدر خارج شود، مگر اینکه خانواده داماد به خانواده عروس پول بدهد. تعیین مقدار آن، مرز مشخصی ندارد، دل بخواهی خانواده عروس است، از ده هزار افغانی (معادل دویست هزار تومان) تا صد هزار افغانی ممکن است باشد. با هزار فن و فوند و رفتند، مردان موجه، پیش خانواده عروس، آنان از حرف اوّل شان پایین می‌آید و به پول کمتر قناعت کرده اجازه خروج عروس را می‌دهد.

به خاطر پیامدهای بدی که این هنجار دارد، بسیاری از خانواده‌ها، قبل از عروسی در مورد آن گفتگو می‌کند و مقدار آن را تعیین، تا روز عروسی آبرو ریزی و بی حیثیتی نشود. قابل توجّه است که این رسم در بسیاری از مناطق هزاره‌جات مهجور شده و از بین رفته است.

یکی از زشت‌ترین و بدترین هنجارهای که در ازدواج بین هزاره وجود دارد، همین رسم درگه‌گیری است. این رسم نه توجیه عقلایی دارد و نه توجیه شرعی. پول زور و باج خواهی است که خانواده عروس به نمایش می‌گذارند و به بدترین شکل به اجرا می‌گذارند. هزاره‌های مسلمان متدین سزاوار است، کمر همت بسته این رسم زشت و لکه سیاه را از جامعه خود بردارند. چنین رسم نامناسب و باکارکردهای منفی، درخور مردمان شریف و متدین هزاره نیست. وظیفه فرهنگیان و نخبه گان و روحانیون هزاره است، که زشتی این هنجار را، برای هزاره‌ها گوشزد کنند تا مردم صبور و زحمتکش هزاره این رسم زشت را مورد اجرا قرار ندهند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۲۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۵ - ج. آوردن عروس به خانه داماد

پس ازگذراندن مرحلهٔ دشوارکوریله آجه، عروس از خانه پدرش بیرون می‌شود و طوی چیان با خرسندی زائدالوصف، به سمت خانه داماد حرکت می‌کنند. در ضمن قابل تذکر است که وقتی عروس آخرین بار از خانه پدر بیرون می‌شود، پدر عروس با دستمالی که بین آن محتوی نان و گوشت است، کمر دخترش را می‌بندد. و دختر و پسر گرد دیدگان (اجاق) پدر عروس می‌چرخد و خانواده داماد باید مقداری پول «روشنیی» دیدگان، کنار اجاق بگذارد.

وقتی عازم سوی خانه داماد می‌شود، در طول مسافت راه، بین راه در برخی از جاهای هزاره‌جات، بچه‌های کوچک، چند سنگ کنار هم گذاشته و چند بوته و چوب بین آن می‌گذارند و روشن می‌کنند. این کار سر راه عروس و داماد صورت می‌گیرد و از آنان درخواست پول می‌کنند، مقدار اندکی پول باید زوجین به آنها بدهند تا دل بچه‌های کوچک نشکند و در شادی این عروسی، آنان نیز شریک باشند و کاری پسندیده است.

آنگاه که طوی چی‌ها، نزدیک قریه داماد می‌رسند، در بعضی موارد برای با شکوه شدن عروسی مراسم «گوساله چپچی» اجرا می‌شود (قبلاً درباره گوساله چیچی توضیح داده شد) وقتی عروس، داماد و همراهان وارد قریه شدند داماد و عروس بین ده گردانده می‌شود (در برخی از مناطق این رسم است) و خانواده‌های ده هرکدام، وقتی شاه یا وزیرش جلوی خانه‌اش رسید، نقل،نبات، پول سیاه و کاغذی نثار آن دو می‌کنند و جلوی تکیه خانه نیز می‌روند و زیارت می‌کنند مقداری پول اندک به خادم تکیه خانه می‌دهند.

در برخی از جاهای هزاره‌جات مرسوم است که عروس و داماد را خانه بزرگان قریه مثل میر، سید محترم و روحانی می‌برد تا آن دو دست خود را به دیدگان (محل پخت و پز غذا) افراد فوق برسانند و مقداری پول نیز به نام «روشنایی دیدگان» به صاحب دیدگان می‌دهد. متقابلاً صاحب خانه چند متر پارچه و یا مقداری پول به عروس هدیه می‌دهد. اگر چنانچه این هنجار صورت نگیرد آن فرد موجه قریه دل خور می‌شود که خانواده داماد به او کم توجهی کرده. این رسم حالت تقدس به خود

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

گرفته است و با این وجه انجام می‌شود. البته در این اواخر کم رنگ شده است.

در منشأ تاریخی این هنجار، اطلاع دقیق وجود ندارد و هزاره‌ها نیز از شأن نزول آن بی خبرند، فقط می‌دانند که این کار برای احترام فردی است که داماد و عروس خانه او لب دیدگان او می‌رود. اما چرا دیدگان؟ ابراز احترام به شخص از طریق دست رساندن به دیدگان چرا؟ آیا این هنجار نمی‌رساند که این مردم، روزی آتش پرست بوده؟ چون آتش و مجمر محل تقدیس آتش پرستان است. هیچ بعد ندارد، که این رسم نا روا از یادگارهای آتش‌پرستان باشد، ولی امروز به صورت یک امر مقدس در آمده و برای تأمین غریزه خودخواهانهٔ صاحبان دیدگان اجرا می‌گردد و هنجار موجود در جامعهٔ هزاره نیز، از این سنت زشت پشتیبانی می‌کند. هزاره‌های مسلمان سزاوار است، از چنین هنجارهایی که بوی آتش پرستی در آن است دوری کنند. چنین کار و رسم هیچگونه توجیه شرعی و عقلایی ندارد، به همین جهت امروز در جاهای از هزاره‌جات که جاری بود فعلاً جریان ندارد و در حال انقراض است.

خانوادهٔ داماد، وقتی عروس را خانهٔ خود رساند، طوی چیان را مفصل غذا می‌دهند و پذیرایی می‌کنند. همان سرگرمی‌ها و بازی‌های که در محل قریه پدر عروس بود، در این جا با شکوه‌تر برگزار می‌شود. دختران جوان ده و خانواده داماد گرد هم جمع شده از عروس دیدن می‌کنند. دختران جوان پیش عروس، در مجلسی کاملاً زنانه، بازی «پیشپو» را به اجرا در می‌آورند. پیشپو رقص محلی است که «دسته‌ای از دختران با حرکات و توسیت (Twist)های موزون بازمزمه نمودن کلمه «پیشپو»[1] به اجرا می‌گذارند.

بسیاری از هنجارهای یاد شده، مخصوص هزاره‌جات است به خصوص بازیها و تفریحات، هزاره هایی که در شهر زندگی می‌کنند، بین شان بازیهای و تفریحات یاد شدهٔ روز عروسی، وجود ندارند.

غ. مراسم اجرای عقد

۱ . علیداد لعلی، سیر در هزاره‌جات، ص ۳۲۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشینهٔ علمی، و مقالات تخصصی، و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پس از دو سه روز از مراسم طوی، نوبت به اجرای عقد می‌رسد. تقریباً، در تمام هزاره‌جات اجرای عقد، پس از چند روز از مراسم طوی است. عقد به وسیله آخوند منطقه در حضور جمعی از مؤمنین اجرا می‌شود. مهر زن در این جلسه تعیین می‌شود و از آن به «مهر غائب» تعبیر می‌شود؛ یعنی مهری که داماد فوراً یا اصلاً به عروس نمی‌دهد. غالباً مهر حدود نصف گله تعیین می‌شود. از گله که قبلاً پدر عروس گرفته به «مهر جاضر» تعبیر می‌گردد. در زمان‌های گذشته اجرای عقد حتماً پس از طوی بود، ولی در دهه‌های اخیر در برخی موارد، هر زمان که خانواده داماد تمام مخارج عروسی و گلهٔ دختر را به پدر عروس بدهد، پس از آن عقد اجرا می‌گردد.

هزاره‌هایی که فعلاً در ایران به سر می‌برند همزمان با مراسم شیرینی خوری هم گله داده می‌شود و هم عقد دختر و پسر جاری می‌شود و دختر و پسر در زمان فاصله بین شیرینی خوری و عروسی (دوره نامزدی) با هم نشست و برخواست دارد.

یکی از نامناسب‌ترین آداب و رسومی که در مورد ازدواج است همین جاری کردن عقد پس از عروسی است؛ چون قبل از عروسی و بعد از شیرینی خوری داماد با خانواده پدر عروس و عروس رفت و آمد دارد و نشست و برخواست بدون اینکه بین داماد و عروس و مادر او، ایجاد محرمیت شود و این موافق دستور اسلام نیست. نیکو است که عقد همزمان با مراسم شیرینی خوری جاری شود، تا داماد با عروس و مادر عروس مشکل محرمیت نداشته باشد و به گناه نیفتند. البته آنگونه که ذکر شد در این اواخر غالباً، عقد همزمان با شیرینی خوری جاری می‌شود و این کار پسندیده و مناسب است.

یکی از دلائل که غالباً، پدر عروس اجازهٔ اجرای عقد قبل از مراسم طوی را نمی‌دهد بی اعتمادی او به داماد و خانواده اوست. پدر عروس وحشت دارد که نکند، پس از اجرای عقد و رفت آمدهای زیاد داماد، داماد دختر را رها کند. دختری که یک بار عقد شد، ولو داماد با او هم خوابی نکرده باشد، پس از عقد هزاره‌ها به او دید دختری، دارای بکارت ندارند. دختری که بعد از عقد و قبل از عروسی از طرف داماد رها شود، به منزلهٔ زن بیوه تلقی می‌شود؛ لذا پدر عروس تمام و کمال احتیاط می‌کند که تا دخترش خانه داماد نرفته اجازه اجرای عقد ندهد. این احتیاط‌ها چندان مورد ندارد، چون

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامه ثبت و نگهداری پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اگر داماد نخواهد با دختر زندگی کند پس از عروسی نیز زندگی نمی‌کند و زندگی مشترک را از هم می‌پاشد.

د. قنچی غه

چند روز بعد از مراسم طوی، مادر عروس با عده‌ای از زنان فامیل همراه دست کم یک رأس گوسفند، به خانه داماد می‌آیند تا در مراسم «تخت جمعی» یا «پای تختی» یا «کچه خوری» و یا «پارچه زفاف» شرکت کنند. در برخی جاها داماد دنبال مادر زنش می‌رود و او را با چند زن همراه هدایا می‌آورد.

ذ. تمت جمعی یا کچه خوری و عروس مبارکی

مراسم تخت جمعی، همان مراسم «پای‌تختی» که در ایران رایج و جاری است، می‌باشد. در برخی از مناطق هزاره‌جات از آن به «کُچه خوری»، «عروس مبارکی» یاد می‌شود. در هر صورت این مراسم مخصوص زنان است، مردان به هیچ وجه حق شرکت در این مراسم را ندارند. در این مراسم زنان اهل محل و بستگان داماد با هدایای چون شیرینی، پارچه، وسایل، ظروف خانه و... به خانه داماد می‌آیند و به عروس خوش آمد، به داماد و مادرش تبریک می‌گویند. پارچهٔ شب زفاف که مبین «بکارت» عروس است باید به زنان حد اقل به چند زن مسن نشان داده شود، وگرنه عروس متهم به بی‌عفتی و بدون داشتن بکارت می‌شود. بین پشتونها چک کردن پارچه زفاف به عهده مردان وابسته است.[1] اگر عروس پرده بکارت نداشته باشد فردای شب زفاف بدون معطلی، وی به خانه پدرش فرستاده می‌شود و تمام مخارج که داماد به این ازدواج کرده، از پدر عروس پس گرفته می‌شود و نزاع بزرگی بین دو خانوادهٔ داماد و عروس به وجود می‌آید. البته چنین اتفاقهایی خیلی به ندرت اتفاق می‌افتد.

---

۱. حسن پولادی، هزاره‌ها، ترجمه علی عالمی کرمانی، پیشین، ص ۴۴۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری، شماره ۱۸۱۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶۰) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

این هنجار زمینهٔ بیشتر برای مواظبت دختر از خود است. خانوادهٔ دختر علاوه بر مسائل مذهبی به دختر می‌فهماند که وقتی خانهٔ شوهر رفتی، باید دارای بکارت دخترانه باشی وگرنه روزگاری تو سیاه است. به ندرت اتفاق می‌افتد که دختر تن به بی‌عفتی بدهد. وجود چنین رسم دست کم مخالف دستورات اسلام نیست.

در این مراسم زنان بین خود، شادی و رقص محلی بازی می‌کنند و دائره می‌زنند و آواز می‌خوانند. نهار خانواده داماد غذا می‌دهد. غالباً این غذا گوشت کچه (گوشت وگندم و آب و نمک) است به همین مناسبت به این مراسم «کُچه خوری» نیز گفته شده.

۳-۲-۲. بیرون بردن عروس از خانه و نقد آن

عروس وقتی به خانه داماد می‌آید، مدت یک ماه و چهل روز دست به کاری‌های خانه نمی‌زند. هزاره‌ها غالباً عروس که می‌آورد یک سال تا چهار پنج سال، عروس با خانواده داماد در یک خانه زندگی می‌کند لذا، عروس مدت یک ماه و چهل روز مهمان خانواده داماد محسوب می‌شود دست به هیچ کاری نمی‌زند. رفت و آمدهای او نیز با زنان محل محدود است بیشتر خانه است، زیاد از خانه بیرون نمی‌رود. پس از مدت فوق طی مراسم ویژهٔ زنانه عروس را از خانه بیرون می‌کند. جمعی از زنان محل همراه شیرینی و بسراق (غجور) در معیت عروس عازم تکیه خانه می‌شود، علم حضرت عباس که در تکیه خانه است عروس زیارت می‌کند و تحف که همراه خود آورده، بین بچه‌ها تقسیم.

بعد از این مراسم عروس رسماً وارد اجتماع می‌شود و مثل دیگر زنان محل رفت و آمد دارد و کارهای خانه پس از این به عهده‌اش می‌افتد بعد از این او باید کارهای خانه را انجام دهد.

این رسم پدیده است که سالها، در برخی از مناطق هزاره‌جات جریان دارد، کارکرد منفی ندارد و مفسده نیز در آن بار نیست. این هنجار نوعی احترام به زن و مهمان تلقی می‌شود که کاری مورد پسند است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از جایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۴-۲-۲. رایخانه و نقد آن

یکی دیگر از هنجارهای که مربوط ازدواج می‌شود و بین هزاره‌ها معمول است رسم «رایخانه» است. برخی مناطق هزاره‌جات، هزاره‌ها از آن به نام «پایوازی»؛ یعنی پای باز شدن، یاد می‌کنند. پس از زندگی کردن یک ماه و دو ماه عروس با داماد و تحمل دوری پدرو مادر در این مدت، عروس هوای خانه پدر می‌کند با گوشه و کنایه به خانواده داماد می‌فهماند که من می‌خواهم خانه پدرم بروم، لذا داماد چند نفر از مردان موجه محل را خبر می‌کند تا در این مراسم شرکت ورزند. در موعود مقرر عروس و داما و مادر داماد چند نفر دیگر از افراد محل همراه تحایف اندک عروس را محترمانه به خانه پدرش می‌آورند. خانواده عروس نیز از آن به گرمی استقبال می‌کنند.

عروس چند ماهی خانهٔ پدرش می‌ماند. بعد از سپری شدن چند ماه یا چند هفته با درخواست مکرر خانوادهٔ داماد، خانوادهٔ عروس، دخترشان را با چند نفر از بستگان خود به خانه داماد می‌آورد. این آمدن از نظر مالی به نفع پدر عروس نیست، چون پدر عروس در این مرحله ضروری است که هدیه‌ای گرانبها به نام «بخش» به دخترش بدهد. در هزاره‌جات این بخش غالباً، یک رأس گاو نر یا گاوه ماده و شیرده و یا چند رأس گوسفند است. اگر دختر در این مراجعت بدون بخش آورده شود، خانواده داماد به عروس طعنه خواهد زد که پدرت به تو چیزی نداد و عروس پیش داماد کوچک می‌شود. پس از این مرحله، داماد و عروس به زندگی معمولی خود، ادامه می‌دهند اما زندگی برایش شیرینی چندان ندارد؛ چون ریخت و پاش که در این مدت شده و مخارج هنفگت که پدر عروس برای داماد تراشیده، داماد زیر بار قرض گم شده، تازه بدبختی او شروع می‌شود چون قرض داران هر روز دنبال طلب شان می‌آیند.

این هنجار کارکرد مثبت داشته است، چون دختر که همیشه در کنار پدر و مادر بوده یکباره از کنارشان دور شدن، برایش سخت و دشوار است؛ لذا لازم است که پس از مدتی او خانهٔ پدرش برود. رایخانه این کار را انجام می‌دهد. کیفیت آوردن عروس به خانهٔ داماد نیز نیکو است. بخش که پدر به دخترش می‌دهد پشتوانهٔ مالی برای دختر به حساب می‌آید و این کاری خوب است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در برخی موارد این هنجار با تشریفات زیاد انجام می‌شود. مناسب است اندکی از آن تشریفات کاسته شود. با توجّه به وضعیت اقتصادی بد هزاره‌ها، هر مراسمی که همراه تشریفات زیاد باشد سزوار نیست از جمله، این هنجار.[۱]

۳ - ۲. هنجارهای تولّد نوزاد و نقد آن

فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است، چنانچه از رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) نقل شده است:

«اَلوَلَدُ الصّالِحُ رَیحانَة مِنْ رِیاحِینَ الجَنَّة؛[۲] فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است.»

بین بسیاری ملت‌های جهان تولد نوزاد نشانه حصول خیر و برکت تلقی می‌شود و بعد از آنکه نوزاد تولد یافت یک سری آداب و رسومی دارند. هزاره نیز تولد فرزند را نیک می‌دانند چنانچه آقای لعلی در این مورد نگاشته است:

«تولد نوزاد در فامیلهای هزاره خیلی محترم و مقدس است و نشانه حصول برکات و الطاف خداوندی تلقی می‌گردد... برای فامیل خود خوشی و نشاط تولید می‌کند.»[۳]

هزاره‌ها هنگام تولد نوزاد و پس از آن آداب و رسومی دارند که نیاز به توضیح و نقد آن است.

الف. مواظبت از مادر و نوزاد

چند هفته قبل از تولد نوزاد، مادر آن، مورد توجّه ویژه خانوادهٔ هزاره است. خانم باردار از بسیاری کارهای خانه، خصوصاً کارهای سنگین و شاق خانه، دست می‌کشد و از غذاهای ویژه، متمایز

---

۱. آن چه در مورد هنجارهای ازدواج بیان شد تقریباً با اندک اختلاف در میان هزاره‌ها و در تمام هزاره‌جات جاری است و برای جزئیات هنجارهای ازدواج در هر منطقه هزارستان اسلامی مراجعه به آدرس ذیل شود:
محمّد ظاهر رضایی، بررسی آداب و رسوم ازدواج در مناطق شیعه نشین افغانستان از دیدگاه فقه شیعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز جهانی علوم اسلامی، مدرسه فقه و معارف اسلامی، سال ۸۴ - ۱۳۸۳.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج۴، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، چ ۱، ۱۳۶۸، ص۱۵۵.

۳. علی داد لعلی، سیری در هزاره‌جات، پیشین، ص ۱۷۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶). از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

از دیگر اعضای خانواده، استفاده می‌کند و غالباً از غذاهای گرم و مقوی. تقریباً در تمام دوره بارداری خانم به ویژه در چند هفته قبل از تولد نوازد، خانم باردار در خانه تنها گذاشته نمی‌شود، همیشه یک نفر زن یا بچه کوچک همرا او است این حصار امنیتی در شب‌ها کاملاً مراعات می‌شود. و هیچ گاه زن باردار را شب در خانه تنها رها نمی‌کند؛ چون ممکن است زن در خانهٔ خلوت و تنها بترسد و موجب سقط جنین گردد. و خبرهای ناگوار را یکباره، به خانم باردار نمی‌گوید چون هزاره‌ها بر این باورند که رسیدن خبرهای ناگوار یک دفعه، موجب سقط بچه می‌شود و این تجربه را نسل در نسل تجربه کرده‌اند.

مواظبت از خانم باردار کاری پسندیده و معقول است که هزاره‌ها آن را به خوبی مراعات می‌کنند. خانه تنها و خلوت چه بسا موجب وحشت و هراس زن گردد، و اگر چنانچه هراس و دلواپسی شدید باشد، موجب سقط جنین می‌شود و امروزه دکترهای زنان و زایمان تأکید دارند که از باردار کاملاً مواظبت به عمل آیند، باید کاری کرد که فشار روحی و روانی به خانم باردار وارد نشوند.

از آن جایی که هزاره‌جات از مناطق محروم به حساب می‌آید در هیچ نقطه از هزارستان اسلامی، یک بیمارستان زنان و زایمان وجود ندارد. به همین خاطر بسیاری از زنان هزاره حین وضع حمل به سرای دیگر می‌روند و خانواده شان را در فقدان خود عزادار می‌سازند. به همین جهت بسیاری از خانواده‌های هزاره، هنگام زاییدن زن حامل دست توسل به درگاه بی نیاز و خدای متعال و ائمّه معصوم (عَلَیهِمُ السَّلام) دراز می‌کنند و برای اینکه خانم باردار بچه را صحیح و سالم بزاید، گوسفندی و یا مرغی و خروسی را برای خانم باردار و بچه‌اش «نذر» می‌کنند و دیگر صدقات و خیرات نیز انجام می‌دهند. پس از تولد فرزند نیز از زن بچه دار کاملاً مواظبت می‌کنند و غذاهای مناسب به آن می‌هند.

روز دیگر، کارهایی که در راستای حفاظت نوزاد و مادرش انجام می‌شود این است که وقتی نوزاد متولد شد به مدت چندین روز، زنان قریه به خصوص آن زنانی که تشنجی (ترس دارد یا «چستو» در اصطلاح محلی) اند حق ندارند وارد خانه مادر نوزاد شود، چون آمدن زنان موجب بیماری نوزاد و مادرش ممکن است شود و یا حال آن دو را سنگین کند. در همین راستا در خانه‌ای که نوزاد متولد شده است، پشت بام آن خانه طناب گرد می‌کشد تا مردم بداند که در این خانه فرزند، متولد شده و پشت بام

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و استفاده از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آن خانه نرود. البته این هنجار در برخی از جاهای هزاره‌جات است و در راستای مواظبت نوزاد و مادرش بین هزاره‌ها احیای سه شب، دست کم، نیز صورت می‌گیرد.

گرچه این رسم (ممانعت از آمدن زنان) از قدیم در برخی جاهای هزاره‌جات در گذشته رایج بوده است و هزاره‌ها به آن عمل می‌کرده‌اند، ولی توجیه عقلایی ندارد و آیات و روایات نیز در این مورد ساکت است، چون وجهٔ عقلائی ندارد هر چه، جامعه هزاره پیش به سوی یک جامعه عقلانی گام برداْرد، این رسوم از بین خواهد رفت و چنانچه امروز ما شاهد منسوخ شدن آن در بسیاری از مناطق هزاره‌جات و در بین هزاره‌های که در شهرهای افغانستان بود و باش دارند، هستیم.

ب. غسل، اذان و اقامه، تربت سیدالشهدا علیه‌السلام

وقتی نوزاد به دنیا آمد، با آب گرم، نوزاد را می‌شویند پس از آن آدمی که به تقدس و پاکی شهرت دارد، به گوش راست نوزاد «اذان» و به گوش چپش «اقامه» می‌گوید. و با تربت سید الشهدا، امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) (هیچ خانه هزاره بدون تربت سید الشهدا نیست) دهان نوزاد را باز می‌کند؛ یعنی اندکی از تربت امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) را برای تبرک به کام نوزاد می‌گذارد.

تمام آن چه گفته شد، از اموری است که در اسلام آمده است و عالمان فرزانه با استناد به آیات و روایات حکم به استحباب آن امور نموده‌اند. چنانچه حضرت امام خمینی (ره) در کتاب نکاح تحریر الوسیله در احکام اولاد، مسأله دوّم نوشته است:

> **«وقتی فرزند زایده شد، مستحب است او را غسل بدهند، البته در صورت موجب ضرر برای طفل نباشد. اذان گفتن در گوش راست نوزاد و اقامه گفتن در گوش چپ او، تحنک به آب فرات و تربت سید الشهدا (عَلَیهِ السَّلام) نیز استحباب دارد.»**[1]

کاری که هزاره‌ها بعد از تولد نوزاد از غسل او و... انجام می‌دهند کاملاً اسلامی و مورد تحسین است. بر عالمان دینی هزاره است که این امور اسلامی را برای مردم بیان کنند و تا نسل جدید هزاره‌ها مثل پدرانشان به این آداب اسلامی آشنا و عامل باشند.

---

۱. سید روح الله موسوی (امام خمینی (ره))، تحریر الوسیله، ج ۲، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا، بی نا، ص ۲۷۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ بین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و حمایت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پ. سبید گرفتن

پس از آنکه نوزاد به دنیا آمد و هیچ گونه آسیبی به نوزاد و مادر او نرسید، اگر پدر خانواده در خانه نباشد از مسافرت و از محل کار برگردد، یکی از اعضای خانه، خبر تولد بچه را به او می‌دهد و از او درخواست «سبید» و هدیه می‌کند. پدر نوزاد طبق هنجارهایی که بین هزاره‌ها است، باید به آن فرد خبر رسان چیزی هدیه بدهد، از قبیل خروس، مرغ و یا پول نقد. اگر این نوزاد اولین فرزند زوج باشد هدیه پدر بچه زیادتر خواهد بود. و همین طور یکی از اعضای خانواده خبر تولد نوزاد را به خانواده مادر نوزاد می‌رساند. اگر وضع حمل در خانه داماد باشد و اگر وضع حمل در خانه مادر عروس باشد، بر عکس خانواده عروس به سوی خانواده داماد سبیدگیر روانه می‌کند. برای آن خانه‌ای که سبیدگیر (خبر رسان تولد نوزاد) رفته، لازم است که هدایای ذی قیمت به خبر رساند بدهد. گاه این خبر خوش به بستگان نزدیک داماد و عروس نیز رسانده می‌شود و خبر رساند از آنان درخواست «سبید» (هدیه (مژدگانی)) می‌کند. غالباً سبید گرفتن در صورتی است که نوزاد متولد شده، پسر باشد و در تولد نوزاد دختر سبید گرفتن در بسیاری از مناطق هزاره‌جات رایج نیست، چون تولد پسر است که موجب شادی و فرح بخشی بیشتر خانوادهٔ هزاره می‌شود و پدر بچه به خود می‌بالد. اما تولد نوزاد دختر در پندار برخی از هزاره‌ها غم آفرین است، چنانچه انجینر علیداد لعلی در مورد پسر و دختر نگاشته است:

> «در تولد نوزاد پسر خوشحالی دو چندان است، چون در دید ذهنی مردم هزاره، پسر از آن فامیل و خادم همیشه خدمت گار پدر و مادر خواهد بود، ولی در تولد نوزاد دختر اندک دلواپسی دیده می‌شود و تولد دختر در پندار مردم هزاره غم آفرین و عقده‌زا بوده.»[1]

غم آفرینی نسبت به فرزند دختر، بخشی از آن به خاطر وضعیت جغرافیای خاص هزاره‌جات است. هزاره‌جات تماماً کوهستانی است و مردم هزاره‌جات مایحتاج زندگی شان را غالباً، از طریق کشاورزی و دام داری تأمین می‌کنند و این شرایط خود اقتضا می‌کند که تولد نوزاد پسر موجب

---

۱. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، پیشین، ص ۱۷۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشینهٔ پژوهش، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و حمایت از حقوق پدیدآوران در آثار دارای حقوق، تحقیقات فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶ از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خوشحالی دو چندان شود، چون این نوزاد پسر است که در کنار پدر بعد از چند سال کمک کار او در امور کشاورزی و دامداری است وگرنه هزاره‌ها نوزاد دختر را نیز نعمتی از نعمات خداوند می‌دانند و از تولد او خوشحال می‌شوند و خداوند را به خاطر وجود او سپاس می‌گویند. دختر حسنه از حسنات خداوند است، چنانچه امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) فرموده است:

«اَلبَناتُ حسناتٌ وَ البَنُون نِعمَةٌ. فَالحَسَناتُ یُثابُ عَلَیها وَ النِّعمَةُ یسأَلُ عَنها؛[1] دختران حسنات اند و پسران نعمت، به حسنات پاداش داده می‌شود از نعمت سؤال»

ت. نام گذاری نوزاد

یکی از هنجارها مربوط به تولد نوزاد، نامگذاری اوست. خانواده‌های هزاره نامگذاری نوزادشان را غالباً طی مراسم خاص انجام می‌دهند. فامیل نزدیک پدر و مادر نوزاد در زمان معین گردهم می‌آیند، تا برای فرزند تازه به دنیا آمده، نام انتخاب کنند. برگزیدن نام به چند صورت انجام می‌شود وگاه بزرگ فامیل برای نوزاد نام بر می‌گزیند و فامیل‌های دیگر نیز حرف او را می‌پذیرند وگاهی حاضران در جلسه نام گذاری، هر کدام اسمی را روی کاغذ می‌نویسند و از جمله پدر و مادر نوزاد، بعد کاغذها را می‌پیچند و بین ظرفی می‌گذارند و بچه کوچکی را دستور می‌دهند که از بین آن همه کاغذ یکی را بردارد وقتی بچه پارچه کاغذ را بر می‌دارد اسمی که روی آن کاغذ نوشته شده، نام نوزاد تلقی می‌شوند و همه حاضران پس از آن صلوت بر محمّد (صَلَی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) و اهل بیت طاهرینش می‌فرستند. و خانواده نوزاد خیرات کمی نیز به این مناسبت می‌کند. مراسم نامگذاری غالباً روز چهارم وگاه هفتم، زمانی که سر نوزاد را می‌تراشند و عقیقه می‌کنند است.

نامهایی که هزاره‌ها برای نوزادشان می‌گذارند در فرزند پسر غالباً نام‌های ذیل است:

محمّد، علی، حسن، حسین، عباس، ابوالفضل، سجاد، محمّد باقر، محمّد صادق، کاظم، موسی، احمد، گل احمد، سرور، محمّد سرور، حمید، حمیدالله، یاسر، عمار، علی یاور، علی گل،

---

۱. شیخ صدوق (محمّد بن علی م ۳۸۱)، من لایحضره الفقه، ج ۴، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، چ ۱، ۱۳۶۸، ص ۱۵۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۶۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹۴/۰۰) در پژوهشگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ابراهیم، اسحاق، محمّد عیسی، محمّد تقی، هادی، مهدی، عبدالعلی، عبدالاعلی، عبدالله، محمّد علی، محمّد حسن، محمّد حسین، محمّد رضا، علیرضا، علی محمّد، حسنعلی، حسینعلی، عباسعلی، اسحاق علی، رضا، حسن رضا، علیداد، سخی داد، الله داد، خدا داد، الله یار، سخی، غلام سخی، غلامعلی، غلام حسین، غلام حسن، غلام عباس، رضا داد، محمّد داد، میثم، قنبرعلی، علی اکبر، علی اصغر، جعفر، جعفر علی، علی حسن، علی حسین، جواد، محمّد جواد، محمّد نقی، مصطفی، مرتضی، عبدالرئوف، عبدالکریم، عبدالحکیم، عبدالقیوم، نادرعلی، محمّدنادر، ظاهر، ناظر حسین، طاهر،محمّد طاهر، محمّد ظاهر، مسعود علی، علی یار، کرمعلی، محمود، حامد حسین، عبدالحمید، عبدالقادر، عبدالخالق، عبدالرسول، محرم علی، قربان، قربانعلی، رسول، علی جمعه، محمّد صفر، صفر محمّد، صفر، شعبان علی، شعبان، رجب علی، رجب، محزم علی، عید محمّد، محسن، قاسم، خدای نظر، خدای رام، علی نظر، عبدالطیف، حسین داد، رضا بخش، خدا بخش، الله بخش، علی بخش، حسین بخش، حیدر، داود، محمّد داود، سرخوش، فرید، عبدالحمید، عبدالستار، دیداعلی، ابوذر، عارف، محمد عارف و....

در برخی از خانواده‌های هزاره رسم است فرزندی که روز جمعه یا در ماههای محرم، صفر، رجب، رمضان و شعبان یا روز عاشورا و یا روز عید قربان به دنیا بیاید نام آن زمان را به نوزاد می‌گذارند، مثل: صفر، شعبان، محرم، عاشور، رمضان، قربان و جمعه گاهی این زمان‌ها را با علی ترکیب می‌کنند مثل رجب علی، محرم علی، شعبان علی، قربان علی، صفر علی و...

اسمهایی که خانواده‌های هزاره برای نوزاد دخترشان انتخاب می‌کنند غالباً اسمهای ذیل است: زهرا، فاطمه، بگم، معصوم، مریم، سکینه، رقیه، عارفه، عاقله، سمیه، سمانه، سبیکه، بتول، بیلقس، تاج گل، بسی، نجمه، نجیبه، صحر، سارا، محدثه، مبارکه، رباب، هما، سهیلا، شکیلا، نسا، فرشته، فرزانه، فهیمه، زینب، طاهره، ریحانه، حبیبه، ربابه، ضیا گل، جهان تاب، نسرین گل، جمعه گل، صغری، کبری، عصمت، عزیزه، معصومه، مهناز، گل ناز، حنیفه، صدیقه، نازگل، حاجی بگم، شکریه،

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شماره ۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)، از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مرضیه، راضیه، قمر، خدیجه، آمنه، نسیمه، نیک بخت، حلیمه، مهدیه، فایضه، شیرین، قندی، عفیفه، شکوفه و....

عالمان ربّانی شیعه می‌فرمایند که یکی از وظائف پدر نسبت به فرزند انتخاب اسم نیکو برای بچه است و بهترین اسم آن اسمی است که متضمن عبد بودن خداوند متعال باشد، مثل عبدالله، عبدالقادر، عبدالرحیم، عبدالرحمان و... پس از آن بهترین اسم، اسم انبیاء و ائمّه معصومین است.[۱]

سزاوار است مؤمنان فرزندانشان را به نام‌های پیامبران و ائمّه (عَلَیهِمُ السَّلام) نام گذاری کنند نه اسمهای غیر اسلامی مثل مهر داد و...

هزاره‌های مسلمان با درک درستی که از احکام اسلام دارند به وظیفه شان به نحو نیکو عمل می‌کنند. آنگونه که در نام‌های فرزندان پسر و دختر هزاره‌ها دیدیم، مشاهده شد که تماماً نامهای پسر و دختر هزاره، اسلامی اند. اندکی توجّه به نام‌های مردان و زنان هزاره می‌تواند ما را رهنمون به عشق و علاقه این مردم به اسلام و ائمّه معصوم (عَلَیهِمُ السَّلام) کند. چه خوب هزاره‌ها به احکام اسلام آگاهی دارند و به آن عمل می‌کنند و یکی از نمونه‌های آن همین نام گذاری فرزندان شان است که درست و دقیق به آن چه اسلام دستور داده است عمل می‌کنند.

ث. عقیقه و ختنه کردن

پذیرایی از نوزاد، در خانوادهٔ هزار به جلسه نام گذاری وی تمام نمی‌شود بلکه پس از آن نیز ادامه دارد. یکی از هنجارهایی که بین غالب خانواده‌های هزاره، رایج‌اند و آن را انجام می‌دهند «عقیقه» برای نوزاد است.

عقیقه در لغت موی نوزادی است که اوّل بار تراشیده می‌شود.[۲] حیوانی را که برای سلامتی و

---

۱. امام خمینی (ره) (سید روح الله موسوی)، تحریرالوسیله، ج ۲، پیشین، ص ۲۷۶.

۲. لویس معلوف، المنجد، پیشین، ص ۵۱۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج)، در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دفع بلا از نوزاد روز هفتم تولد (غالباً) و یا هر وقت امکان مالی بود، ذبح می‌شود عقیقه نام دارد. وجهه نام‌گذاری نیز آن است که غالباً بعد از ذبح حیوان سر نوزاد را نیز می‌تراشد.[۱] و بدین مناسبت، حیوان ذبح شده عقیقه نام گرفته است.

هزاره‌ها غالباً، برای فرزندان شان (به ویژه اگر پسر باشد) عقیقه می‌کنند و این کار بیشتر روز هفتم تولد نوزاد انجام می‌گیرد، در این روز گوسفند یا بز را هزاره‌ها ذبح می‌کنند و گوشت آن را در برخی مناطق هزاره‌جات ریز ریز کرده خام بین خانه‌های اهل قریه تقسیم می‌کنند و در بعضی از جاهای هزاره‌جات گوشت حیوان را با گندم می‌پزد، به اصطلاح هزاره‌ها «گوشت کُچه» می‌کنند و بین خانوارهای ده تقسیم. بعضی از جاهای هزاره‌جات گوشت عقیقه را می‌پزد و اهل ده را دعوت و با آبگوشت پذیرایی می‌کنند. اگر ده بزرگ باشد از هر خانه یک نفر دعوت می‌شود و چنانچه ده کوچک و کم جمعیت باشد تمام اهل ده، از زن و مرد، کوچک و بزرگ، مهمان می‌گردد. در بسیاری از جاهای هزاره‌جات این طور رسم است که گوشت حیوان ذبح شده را از استخوان هایش جدا می‌کند و سعی می‌شود استخوانهای حیوان نشکند، پس از آن استخوان‌ها را سالم جمع آوری می‌کند و بین پارچه سفید گذاشته و می‌بندد، آن گاه در جای مناسب و دور از دسترس بچه‌ها، در بیابانی زیر خاک پنهان می‌کنند.

غالباً، روزی که برای نوزاد عقیقه می‌شود (که روز هفتم تولد است) اگر نوزاد پسر باشد در همان روز ختنه نوزاد صورت می‌گیرد. جاهایی که عقیقه و ختنه را هم زمان انجام می‌دهند معمولاً گوشت حیوان ذبح شده را می‌پزند و مردان اهل ده را (غالباً مردان) دعوت کرده غذا می‌دهند و اندکی جشن نیز می‌گیرند و نشانه زنی با تفنگ گاه گاهی است.

اگر روز هفتم عقیقه نشود، هر زمان نوزاد پسر را ختنه کرد، مختصر جشن می‌گیرند و مردان اهل ده را دعوت کرده از آنان با غذای مناسب پذیرایی می‌کنند و با تفنگ نشانه می‌زنند و گاه گشتی و مسابقه دویدن نیز است و از این جلسه به «ختنه سوری» تعبیر می‌شود. در این سالهای اخیر عقیقه و

---

۱. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶ از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تشریفات مراسم ختنه سوری، اندکی کم رنگ شده است.

در اسلام سفارش زیاد به عقیقه و انجام آن شده است. چنانچه امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) فرموده است:

«کُل اِمرِئٍ مُرتَهِنٌ یَومَ القِیامَه بِعَقِیقته، وَ العَقیقةُ اَوجَبُ مِنَ الأُضحیّة؛[۱] روز قیامت هر انسانی، درگر و عقیقه‌اش است، عقیقه واجب‌تر از قربانی [در روز عید قربان برای غیر حاجی] است.»

و روایات زیاد در فضیلت عقیقه کردن از بزرگان دینی ما صادر شده است. و علمای بزرگ شیعه با توجّه به آن روایات فتوا داده است که :

«یکی از مستحبات که خیلی تأکید شده، در اسلام، عقیقه کردن برای انسان ماده و نر است. نیکوست برای مزکر حیوان نر و برای مؤنث حیوان ماده عقیقه شود و این عقیقه روز هفتم تولد نوزاد باشد بهتر است و اگر به تأخیر افتا، به خاطر عذری عقیقه ساقط نمی‌شود، بلکه اگر عقیقه نکرد تا بزرگ شد نوزاد خویست برای خودش عقیقه کند بالاتر از آن اگر در حال حیات نتوانیست عقیقه کند، پس از مرکش سزاوار است کسی دیگر برای او عقیقه کند.»[۲]

در مورد تقسیم گوشت عقیقه، آن چه هزاره‌ها انجام می‌دهند که پیش از این گفتیم، دقیقاً مطابق اسلام است. حضرت امام خمینی در این مورد در کتاب فقهی اش نوشته است:

«در گوشت عقیقه مخیر است به صورت خام تقسیم شود یا طبخ شده بخش کند و یا طبخ کند و جمعی از مؤمنان دست کم ده نفر از آنان دعوت شود و اگر بیش از ده نفر باشند بهتر، آنان از گوشت عقیقه بخورند و در حق فرزند دعا کنند.»[۳]

ختنه فرزند پسر در اسلام واجب است و یکی از شرایط صحت طواف حج و عمره مختون بودن پسر و مرد است.[۴] روایات از ائمّه (عَلَیهِمُ السَّلام) در مورد تأکید انجام ختنه و مذمت ترک آن فراوان

---

۱. شیخ صدوق (محمّد بن علی)، من لایحضره الفقیه، ج ۴، پیشین، ص ۱۶۲.

۲. امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، پیشین، ص ۲۷۸. ۳. همان، ص ۲۷۸.

۴. همنا، ص ۲۷۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)، از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

صادر شده‌اند.

هزاره‌ها به این وظیفه دینی خود، مثل دیگر وظایف دینی شان به خوبی عمل می‌کنند و با شوق رغبت و عشق و علاقه آن وظائف را انجام می‌دهند.

ج. سر تراشیدن نوزاد

تراشیدن سر نوزاد اوّل بار در برخی از جاهای هزاره‌جات با تشریفات خاص صورت می‌گیرد و بزرگ فامیل سرنوزاد را طی این مراسم می‌تراشد. زمان این مراسم گاه همزمان با عقیقه و ختنه است و گاهی در یک مراسم خاص دیگر انجام می‌شود. نوزاد را منزل بزرگ فامیل می‌برند برای تراشیدن سر او، مرد بزرگ نیز سر بچه را می‌تراشد، اگر در سر تراشیدن مهارت داشته باشد و اگر ماهر در آن کار نباشد، اندکی از سر نوزاد را می‌تراشد تا مسما گردد، باقی مانده سر را فردی که در این کار مهارت دارد، به عهده می‌گیرد. بزرگ فامیل یا پدر بزرگ نوزاد که سر طفل را می‌تراشد مؤظف است هدیه به خانوادهٔ بچه بدهد و این هدیه از یک عدد گوسفند تا چند متر پارچه ممکن است باشد.

در برخی از جایهای هزاره‌جات، رسم است که چهار طرف سر نوزاد باید به وسیله چهار نفر از چهار قبیله تراشیده شود. در هر صورت وقتی سر نوزاد تراشیده شد، موی او را با نقره وزن می‌کند و اندازه وزن موی نوزاد، نقره به فقیر صدقه می‌دهد تا عمر نوزاد را بیمه کند.

حلق رأس (ترامیدن سر) و وزن نمودن موی سر نوزاد با نقره یا طلا، و صدقه دادن آن از مستحبات است که علمای بزرگ در کتابهای فقهی خود به آن تصریح کرده‌اند.[۱]

٤-۲. هنجارهای پذیرایی از زائر عتبات مقدس و ارزیابی آن

از ویژگی‌های هر مذهب و آیینی احترام و بزرگداشتن آثار و نمونه‌هایی است که وابسته به آن مذهب می‌باشد. بزرگداشتن آن آثار و نمونه‌های عینی وسیله‌ای برای تقرب پیروان آن آیین به آن آیین

---

۱. امام خمینی (سید روح الله موسوی)، تحریر الوسیله. ج ۲. پیشین. ص ۲۷۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و مذهب است. در اسلام مکان‌های مقدسی وجود دارد که اسلام پیروانش را سفارش به زیارت و رفتن به آن مکان‌های مقدس نموده است. این مسأله در مذهب تشیع صبغهٔ بیشتر دارد. یکی از مکان‌های مورد تقدیس مسلمانان «کعبه مکرمه» است که در کشور عربستان سعودی شهر مکه واقع شده و همین طور مدینة الرسول، مسجد و مرقد رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) از مکان‌های قدسی مسلمانان به حساب می‌آیند.

در تشیع علاوه بر مکان‌های یاد شده، جاهای دیگری است که فوق العاده مورد تقدیس شیعیان جهان می‌باشند. یکی از آرزوهای ولای هر فرد شیعه، رفتن به آن مکان‌های مقدس است. مکان‌های مورد تقدیس و احترام شیعیان علاوه بر مکه و مدینه به قرار ذیل می‌باشد:

حرم ملکوتی اوّلین امام شیعیان امام علی (عَلَیهِ السَّلام) واقع در نجف اشرف (یکی از استانهای کشور عراق)، بارگاه مطهر سیدالشهدا و یاران و انصار آن حضرت در کربلای معلی، سامرا آرامگاه پیشوایان شیعه امام علی النقی و امام حسن العسکری (عَلَیهِ السَّلام)، کاظمین مرقد شفا بخش امام کاظم (عَلَیهِ السَّلام) و امام محمّد تقی الجواد یگانه فرزند امام رضا (عَلَیهِ السَّلام)، توس یا مشهد الرضا ثامن الائمّه، امام رضا (عَلَیهِ السَّلام) را در خود جای داده است. امام محمّد باقر (عَلَیهِ السَّلام)، امام حسن (عَلَیهِ السَّلام)، امام سجاد (عَلَیهِ السَّلام) و امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) نیز در دل خاک بقیع در مدینه منوره خوابیده است.[1] قم به بارگاه قدسی فاطمه معصومه دختر مکرم پیشوایی هفتم منور است.

مکان‌های یاد شده از جمله مکانهای مقدسی است که مورد تکریم و احترام هر شیعه است. هر شیعه آرزو دارند که دست کم یک بار در عمرشان قدم به آستان آن ستارگان درخشان و کشتی‌های نجات و هادیان راستین بگذارند.

هزاره‌ها که از شیعیان پروپا قرص امام علی (عَلَیهِ السَّلام) و یازده فرزند آن امام همام است نیز، چون دیگر شیعیان آرزوی استان بوسی آن بزرگواران را دارند و «زیارت قبور ائمّه طاهرین و انجام فریضهٔ حج برای مردم متدین هزاره یکی از والاترین آرمان‌های زندگی آنان به شمار می‌رود.»[2] برای

---

۱. شیخ عباس قمی، الانوار البهیّه، پیشین.

۲. علی داد لعلی، سیری در هزاره‌جات، پیشین، ص ۱۴۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری) به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۹۳۹۵/۹/۶ از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

رسیدن به بارگاه امامان معصوم زحمات و مشقت‌های فراوان را با جان و دل پذیرا می‌شدند. چنانچه انجیتر علیداد در این مورد نگاشته است:

«در راه رفتن به زیارت عتبات عالیات، خطرات، زحمات و تکالیف بیش از معمول متوجه زائرین معتقد هزاره گشته و چه بسا هزاره‌ها در این راه جان شیرین خویش را فدا نموده‌اند و در گذشته مدت یک سال و دو سال حداقل شش ماه مکمل را، طی طریق می‌نمودند تا به زیارت پیشوایان خویش رسیده و از بارگاه با جلال آنها طلب شفاعت و استحصا حوائج نمایند.»(۱)

هزاره‌های که به زیارت کعبه مکرمه نائل می‌شوند پس از بازگشت از مکه، «حاجی» گفته می‌شود. مثل حاجی کرم علی، حاجی حیدر و... آنان که به زیارت عتبات عالیات عراق و مرقد سیدالشهدا (عَلَیهِ السَّلام) شرفیاب می‌گردند به «کربلایی» مشهورند، چون رضا کربلایی، اسحاق کربلایی، علی جمعه کربلایی و... آنهایی که مشهد رضوی را زیارت کرده‌اند پس وند «زوار» به اسم شان یدک کشید می‌شود؛ همانند خلیفه زوار، عباس زوار، جمال زوار، حسین زوار، سخی زوار، علی بخش زوار و...(۲)

هزاره‌ای که به مکه و عتبات عالیات و مشهد رضوی رفته، فقط پسوند حاجی را به اسم شان دارند و آن فردی که مشرف به عتبات عالیات عراق و توس رضوی شده است مفتخر به شهرت کربلایی است، دیگر زوار به آن گفته نمی‌شود. هزاره هایی که قصد زیارت اماکن مقدس را دارد قبل از حرکت، خانه همسایگان می‌رود و از آنان طلب بخشش می‌کند و متقابلاً همسایگان نیز مقدار اندک پول به او می‌دهند و در اصطلاح محلی از آن به «سفر خرجی» یا «علف سبز» یاد می‌کند. کم و زیادی علف سبز همسایگان در سوغات زائر که از سفر مراجعت می‌کند، به همسایگان می‌بخشد، تأثیر دارد. علف سبز بیشتر سوغات مناسب‌تر می‌طلبد. خانواده زائر در برخی مناطق هزارستان اسلامی، گوسفندی را نذر و ذبح می‌کند و مردان همسایه را دعوت کرده و صرف طعام می‌کنند. پس از آن حاضران برای سلامتی و صحیح و سالم برگشتن او دعا می‌کنند. قابل ذکر است که این رسم در بین همه هزاره‌ها رواج ندارد.

---

۱. همان، ص ۱۴۲.
۲. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وقتی حاجی یا کربلایی و یا زوار از سفر معنوی مراجعت نمود به شهر و منطقه رسید، شخصی را به خانه‌اش می‌فرستد تا خبر رسیدن زائر را به خانواده شان برساند، فرد خبرسان نیز هدیه از خانواده مسافر، تحت عنوان «سبید» می‌گیرد. آنگاه که خانواده و فامیل زائر با خبر از مراجعت او گردید، چند نفر را به شهرک منطقه می‌فرستد اگر از شهرک دور باشد تا زائر را با کوله بارش به خانه‌اش بیاورد. آن گاه که زائر نزدیک قریه و محل سکونت رسید، مردان جوان و پیر، نوجوانان به استقبال زائر می‌روند، از او به گرمی استقبال می‌کنند. هر یک از مستقبلان زائر را در آغوش گرفته به او خوش آمد می‌گویند و کلمات مثل «زیارت شما قبول» و... را نثار زائر می‌کنند و زائر نیز متقابلاً، به تک تک مستقبلان این جمله را زمزمه می‌کند: «خدا شما را هم برساند» در همین گیر و دار چندین فشنک و گلوله تفنگ شادیانه زده می‌شود. مستقبلان به گرمی زائر را تا در خانه‌اش می‌آورند و زنان همسایه به گرد زائر جمع شده، نقل و نبات و پول نقد بالای سر زائر می‌باشند و به اصطلاح برخی از مناطق هزاره‌جات «سر چه لی» می‌کنند و خانواده زائر نیز نقل و نبات نثار مسافرش و گوسفندی را پیش پای زائر ذبح.

بین برخی از هزاره‌ها این طور رسم است که پس از استقبال پر شور از زائر، وی را به تکیه خانه می‌برد و تمام مردان پیر، جوان و نوجوان محل به گردش جمع شده به سخنان زائر گوش می‌دهند و زائر نیز حوادث مهم که بین راه اتفاق افتاده و از شهرهای مقدس که زائر به آن جا رفته، سخن می‌گوید. همان روز یا یک روز بعد خانواده زائر گاوی ذبح می‌کند و اهل محل و قریه و بستگان و قریه‌های اطراف را دعوت می‌کنند و مجلس سخنرانی و مرثیه سید الشهدا برگزار می‌کند و چند نفر روحانی (از دو نفر تا چهار نفر و پنج نفر معمولاً است) را برای سخنرانی و وعظ دعوت می‌کنند. شکوه و شلوغی این گونه جلسه‌ها، بستگی به موقعیت اجتماعی - سیاسی و اقتصادی زائر دارد. هر چه زائر موقعیت بالاتری داشته باشد جلسه با شکوه‌تر برگزار می‌شود و جمعیت بیشتر شرکت می‌کنند. پس از ختم جلسه و تعریف و تمجید از زائر و دعا در حق او، سوغاتی که زائر آورده است (غالباً مهر و تسبیح یا جانمازی است) به حاضران توزیع می‌شود و جلسه خاتمه می‌یابد. غالباً، پس از آن فامیلها و بستگان زائر، زائر و خانواده‌اش را برای شامی یا نهاری دعوت می‌کنند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تشریفاتی که ذکر گردید، شامل آن زائرانیست که از زیارت حج یا عتبا عالیات عراق مراجعت می‌کنند. در زمان‌های گذشته (قبل از انقلاب) کسانی که از سفر زیارت امام رضا(عَلَیهِ السَّلام) برمی‌گشتند نیز، همان هنجارها و تشریفات بود، ولی بعد از انقلاب به خصوص در این اواخر، به خاطر رفت و آمد زیاد هزاره‌ها به ایران و مشهد رضوی آن تشریفات وجود ندارد. از رنگ افتاده و مهجور شده است.

از آنجایی که افغانستان از ثروت سرشار طلای سیاه محروم است، نفت قابل توجهی ندارد. علاوه بر آن حاکمان بی کفایت و نادان و خودکامه‌ای در این کشور حاکمیت داشته‌اند، چیزی که در فکر آنان نبود، خدمت به مردم کشور و توسعه کشور افغانستان بود. تمام تلاش حاکمان گذشته افغانستان مثل بسیاری از حکومت‌های استبدادی دیگر حفظ قدرت و موقعیت خانوادگی خودشان بود. به همین جهت و جهات دیگر ما امروز در افغانستان شاهد فقر همگانی مردم افغانستان هستیم.

اما سهم هزاره‌ها در این بلای خانمان سوز و فراگیر دیدنی است و قابل توصیف و بیان نیست؛ چون حاکمان خودکامه کشور، حساب شده بر ضد این مردم مشی می‌کردند و زمین‌های حاصل خیز کشاورزی را در مرور زمان از چنگ این مردم در آوردن، به عدهٔ خاص توزیع نمود[1] و عملاً هزاره‌ها را در کوه‌های مرتفع و کم حاصل هزاره‌جات محصور ساخت؛ لذا هزاره‌ها عموماً، زیر خط فقر به حیات خود ادامه می‌دهند.

انجینر علیداد لعلی که خود در محیط هزاره رشد یافته و یکی از هزاره‌ها فقیر است در توصیف فقر هزاره‌ها و پیامدهای آن جملات زیبا نگاشته است:

«فقر عمومی هزاره‌ها باعث شده است که آنها نه تنها از نواحی مسکن و پوشاک زیر منگنه باشند، بلکه بدتر از همه با فقر همیشگی فقدان غذا و نان خوردن مبتلا بوده‌اند. بدیهی است این فاجعه را در بازتاب حوادث آزار دهندهٔ اجتماعی و سیاسی این مردم جستجو کنیم و هزاران طفل و نوجوان و

---

۱. تیمور خانف روسی، تاریخ ملی هزاره، پیشین، ص ۶۰ / حاجی کاظم یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها، ج ۱، پیشین، ص ۲۱۲-۲۱۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

زنان و مردان در اثر کمبود و فقدان کامل غذایی، راهی قبرستان گردیده و چیزی که از خود به ارث گذاشته همان فاجعه المناک فقر غذایی و گرسنگی است... بر اثر بر آورد پژوهشگران طب، قریب به ۹۰٪ جمعیت هزاره‌ها مبتلا به بیماریها و نارسایی‌های جسمی است که مستقیما معلول فقدان غذا و بدی تغذیه است و اکثر مرگ و میرها ناشی از همین نقیصه است.»[۱]

با توجّه به آن چه که ذکر شد می‌توانیم وضعیت اقتصادی هزاره‌ها را گمانه بزنیم. علاوه بر آن، امروز در هزاره‌جات مراکز دینی و مذهبی که وجود دارد به خاطر نبود بودجه و کمی اقتصاد عملاً، به حالت تعطیل در آمده است. از مراکز صحی، درمانگاه و بیمارستان یا خبری نیست و یا اگر هست از عدد انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند. با این وجود بسیاری از مخارجی که زائر هزاره برای پذیرایی از مردم ده و... مصرف می‌کند از جمله مصارف غیر ضروری است و اسراف به حساب می‌آید. اگر پول‌هایی که برای تشریفات از زائر هزاره‌ها، مصرف می‌کنند در امری کمک به مراکز دینی و تعلیمی - آموزشی صرف کنند هم ثواب بیشتر دارد و هم خدمتی است برای جامعه محروم هزاره.

۵ - ۲. چهارشنبه سوری و ارزیابی آن

«سور» در لغت به معنای جشن و رنگ سرخ آمده است. به معنای مهمانی نیز آمده. سور در ختنه سوری به معنای جشن، در سور دادن به معنای مهمانی است. در برخی از گویشهای ایرانی چون کردی به معنای رنگ سرخ می‌باشد.[۲] چهار شنبه سوری، یعنی چهارشنبه که در آن جشن پر با می‌شود. بین هزاره‌ها این رسم صبغه جشن مذهبی دارد چنانچه انجینر علیداد لعلی در مورد آن نگاشته: **«عید چهار شنبه سوری که جنبه مذهبی نیز به خود گرفته است اساساً یک عید سنتی است...»**[۳] در مبدأ تاریخی آن، بین پژهشگران اختلاف نظر وجود داردند. برخی در مبدأ تاریخ آن، معتقد است که این جشن با

---

۱. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، پیشین، ص ۲۱۹.

۲. علی بلوکباشی، چهارشنبه سوری، ماهنامه هنر و مردم (وزارت فرهنگ و هنر)، شماره ۵۳ و ۵۴، اسفند ۱۳۴۵ و فروردین ۱۳۴۶، ص ۴.

۳. علیداد لعلی، سیر در هزاره‌جات، ص ۱۶۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ستاره‌شناسی بستگی دارد.

«در آن روز (چهارشنبه) در سال ۱۷۵۲ پیش از میلاد زردشت، بزرگترین حساب‌گاه شماری جهان را نموده، کپیسه پدید آورد و تاریخ‌های کهن را درست و منظّم کرد.»[۱] و **«سه شنبه که تحویل سال ظهر آن روز بوده نیمه صبح آن جزو سال پیش به شمار می‌آمده و نیمه پس از ظهرش جزو سال نو بوده که با حساب آغاز روز از نیم شب، چهار شنبه فردای آن روز نوروز اوّل سال بوده و شب چهار شنبه را به این مناسبت جشن گرفته و آتش روشن کرده و شب چهار شنبه سوری شده‌اند.»**[۲]

برخی دیگر معتقدند که چهارشنبه سوری از آدابی است که در زمان حکومت تازیان در ایران راه یافته است، چون عرب‌ها چهارشنبه هر هفته را بدشگون می‌دانند. این عقیده در اندیشهٔ ایرانیان از صدر اسلام راه یافته است، پس از آن ایرانیان برای دفع بلا یا آن روز را به شادمانی و پایکوبی پرداخته‌اند. و نیز همین نویسنده احتمال داده که این جشن به آئین «فرودگان»، جشن دو روزه پایان سال ربط داشته باشد.[۳]

نرشخی که در نیمه قرن چهارم درگذشته است در **«تاریخ بخارا»** از چهار شنبه سوری به **«شب سوری»** یاد کرده و از عادات قدیم مردم بخارا و مردم **«مولیا»** دانسته است.[۴] در هر صورت این جشن از جشن‌های ملی پارسیان تلقی شده است. در بسیاری از جاها این جشن به خود جنبه مذهبی گرفته است و یا ضبغه مذهبی برگزار می‌گردد چنانچه آذرتاش نوشته است:

«در برخی نواحی ایران به این جشن رنگی کاملاً اسلامی داده و آن را در آخرین چهارشنبه ماه صفر... برپا می‌دارند و معتقدند زمان پیروزی مختار ثقفی بر دشمنان امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) مصادف با

---

۱. محمّد مقدم، چهارشنبه سوری (ص ۸۱ – ۷۸)، تهران، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، فروردین سال ۱۳۷۷، ص ۷۹.

۲. همان.

۳. علی بلوکباشی، چهارشنبه سوری، ماهنامه هنر و مردم، پیشین، ص ۴.

۴. ابوبکر نرشخی (۳۴۸ – ۲۸۶ ق)، تاریخ بخارا، ترجمه ابو نصر قباوی، تلخیص محمّد بن زفر بن عمر، تصحیح و تحشیه سید محمّد تقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات توس، چ ۲، ۱۳۶۳، ص ۳۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸)، و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

چهارشنبه آخر ماه صفر بوده است.»[۱]

همانگونه که در ابتدای این بحث از آقای علیداد لعلی نقل شد که چهارشنبه سوری عید سنتی هزاره است؛ ولی برخی از پیرمردان هزاره می‌گوید: سور در چهارشنبه سوری به معنای نامیمونی و نحسی است نه جشن و یا میمانی.

در باور هزاره‌ها، ماه صفر چندان ماهی پرمیمنت نیست و چهار شنبه آخر آن ماه شأمت زیاد برخوردار است. به خیال هزاره‌ها از شدت بدی آن باید به خدا پناه برد در برخی کتابها روایات در نحسی ماه صفر از ائمّه وارد شده ولی این روایات از نظر سند مخدوش است نمی‌توان به آنها اطمینان کرد.

برخی گفته‌اند در چهارشنبه آخر ماه صفر بود که حضرت زینب (**سَلامُ الله عَلَیها**) و اهل بیت امام حسین (**عَلَیهِ السَّلام**) از زندان یزید بن معاویه در شام، آزاد شد و به میمنت این حادثه، هزاره‌ها در سالروز آن تصدق دارند و شادمانی می‌کنند.[۲]

مرحوم علامه محمّد افضل ارزگانی پیرامون چهارشنبه سوری رایج بین هزاره‌ها نوشته است:

«چون بهرام شاه از هند برگشت در سنه ۵۵۴ (هـ‌ق) سوری [برادر علاءالدین حسین معروف به جهان سوز از سلسله حاکمان غور] را برگاو نشانید و در کوچه و بازارگردانیده پس از آن، در چهارشنبه ۲۸ صفر او را به قتل رساتید، این است که اهالی زابلستان (هزارستان کنونی) چهارشنبه آخر صفر را چهارشنبه سوری می‌گیرند و نحس می‌شمارند، ملاک چهارشنبه سوری این است.»[۳]

باتوجّه به اینکه در این روز دادن تصدق و نذر وجود دارد از دیدگاه اوّل تأیید نمی‌شود این چهارشنبه سوری ربطی به آنچه در ایران جاری است ندارد، بنابراین این هنجار داخل در محدوده جشن‌ها و شادیهای هزاره‌ها نیست. ممکن است به خاطر وجه سوم داخل در جشن‌ها باشد. چه

---

۱ . آذر نوش آذرتاش، آداب و رسوم منی ایران، تهران، شورای علمی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴، ص ۱۳؛ علی بلکوباشی، چهارشنبه سوری، ماهنامه هنر و مردم، پیشین، ص ۴ (پاورقی).

۲ . حسن پولادی، هزاره‌ها، ترجمه علی عالمی کرمانی، پیشین، ص ۲۲۵.

۳ . محمّد افضل ارزگانی، مختصر المنقول در تاریخ هزاره مغول، پیشین، ص ۱۲۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

صورت دوّم یا سوم و یا چهارم درست باشد و چه آن چه در «سیر در هزاره‌جات» آمده است درست باشد، مراسم که در این روز برگزار می‌شود از نظر کمیت و کیفیت یکی است. از این مراسم به «نذر بی بی زینب» نیز تعبیر می‌شود.

در چهارشنبه آخر ماه صفر، هر سال زنان محل دور هم جمع شده غذایی به نام «دَلده» (گندم خرد شد + نمک + آب) درست می‌کنند و تصدق. این مراسم گاه در یک روز دسته جمعی انجام می‌شود و گاه به نوبت سر خانه انجام می‌شود. ابتدای آن از چهارشنبه آخر ماه صفر است، به مدت چند روز ادامه دارد. هر روز یک خانه، غذای یاد شده (یا دیگر غذای معمول در هزاره‌جات) را درست می‌کنند و زنان دیگر محل را دعوت. و غذای درست شده را بین خود صرف می‌کنند و حاجت‌مندان، دختران دم بخت، زنان که باردار نمی‌شود و... دست به دامن حضرت زینب (عَلَیهِ السَّلام) می‌زند، از این صفره و تصدق حاجت می‌گیرند و از خداوند درخواست رفع گرفتاری‌های خود می‌کنند.

در این سنّت، تصدق و خیرات و مبرات محور است و زمان معین آن چهار شنبه آخر ماه صفر است. تصدق در هر زمان صورت بگیرد سزاوار و نیکو است، ولی تصدق در ماه صفر که آخر آن ماه شهادت امام رضا (عَلَیهِ السَّلام) و رحلت رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) است حُسنِ دیگر دارد.

۶ - ۲. عید مرده‌ها و ارزیابی آن

تا به حال آن چه از جشن‌ها و سُرُور گفته شد مربوط به زندگان بود. هزاره‌ها هنجار دیگری دارند به نام «عید مرده‌ها»؛ یعنی جشنی که موجب خوشحالی و مسرت انسانهای آرمیده در خاک می‌شود، آنان که روزی در این سرای زندگی می‌کرد و دارای قدرت و مکنت بودند اما حالا سر بر خاک نهاده‌اند و دست هایشان از همه جا کوتاه، چشم به سوی بازماندگان دوخته و منتظر کمک و یاری آنان هستند.

در دهه آخر ماه رمضان، دهه اوّل ماه ذیحجه و نزدیک روز نوروز این مراسم اجرا می‌شود. این سنّت در تمام هزاره‌جات بین تمام هزاره‌ها جریان دارد. در دهه آخر ماه رمضان باشکوه‌تر برگزار می‌شود. در زمان‌های یاد شده خانواده‌های هزاره به نوبت هفت و هشت نفر تا پانزده و بیست نفر قرآن

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خوان را دعوت می‌کنند تا یک قرآن دست کم ختم نماید و ثواب این ختم را به اموات خود اهدا می‌کنند و از مدعو وین با پیش کش نمودن غذاهای لذیذ پذیرایی. زنان صبور و با سلیقه هزاره در این مراسم عید مرده‌ها با پختن غذای لذیذ و خوشمزه سهم می‌گیرند و یادی از گذشتگان خود می نمایند. آن خانه که قبل از زمان این مراسم عزیزی از خانواده‌اش را از دست داده، برگزار نمودن این مراسم برای آن خانه مثل یک فرض و واجب است. حتماً باید این هنجار انجام شود وگرنه متهم به بی توجهی و بریدن از گذشتگانش می‌گردد و این بی توجهی به اموات کاری ناروا بین هزاره‌ها تلقی می‌شود.

ارزیابی

سخن در فضیلت قرائت قرآن و تلاوت آن بسیار است. از بزرگان و ائمّه معصوم در فضیلت تلاوت قرآن زیاد وارد شده. ما یک روایت به عنوان تبرّک از امام علی (عَلَیهِ السَّلام) ذکر می‌کنیم:

«اَلبَیتُ اَلَّذی یَقرأُ فِیهِ القُرآن وَ یَذکُرُ اللهَ تَکثُرَ بَرَکَتهُ وَ تَحضُرُه المَلائِکَةِ وَ تَهجُرُه الشَیاطِین وَ یضیء لِاَهلِ السَّماء کَما تَضی لِاَهل الاَرضِ ...؛[1] خانه‌ای که در آن قرآن خوانده و خداوند یاد می‌شود، برکت در آن خانه زیاد می‌شود، فرشتگان الهی در آن خانه حاضر می‌گرد و شیاطین از آن خانه دور. این خانه برای اهل آسمان روشنایی می‌دهد آنگونه که ستارگان به اهل زمین.»

یاد از گذشتگان و صدقه دادن به یاد و نام آن‌ها و اهداء ثواب قرائت قرآن به روح گذشتگان امری پسندیده و نیکو است. هزاره‌ها چه خوب به این سنّت نیکو عمل می‌کنند و به جای می آورند. متأسفانه در برخی موارد این سنّت حسنه از حالت عادی خارج شده جنبه تشریفاتی می‌گیرد و رقابت و چشم و هم چشمی نقش اوّل را بازی می‌کنند. سزاوار است که این مسائل ناروا در این سنّت نیکو راه نیابد و چهره آن را از این آلوده گیها بیالایند.

---

۱. ثقة الاسلام کلینی (ره)، اصول الکافی (۲ج) ج ۲، تهران. انتشارات اسوه، چ ۵، ۱۳۸۰. ص ۶۰۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رسالّه‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

افرادی که با آنها مصاحبه صورت گرفته‌اند و برای تدوین این فصل از آنها بیشترین استفاده را برده‌ام قرار ذیل است:

۱. خادم حسینی، ۳۲ ساله، استان میدان، شهرستان بهسود، حصه دو، دیه قلای سید بچه.

۲. شیخ صفدر علی صابری، ۳۵ ساله، استان بامیان، شهرستان پنجاب، قریه اسپرمیلان.

۳. قاسم قنبری، ۸۰ ساله، بی سواد، استان دایکندی، شهرستان شهرستان، پیتو، منطقه پولاد.

۴. تراب علی، ۷۵ ساله، بی سواد، استان غور، شهرستان لعل و سرجنگل، قریه نو قبرستان.

۵. کربلایی عبدالله غفاری، ۵۵ ساله، باسواد، استان غور، شهرستان لعل، سرجنگل، قریه چهار آسیاب.

۶. حاج شیخ محمّد امیر عارفی، ۶۰ ساله، استان غور، شهرستان لعل، قریه قره بوغی

۷. شیخ محمّد حسن فهیمی، ۳۳ ساله، استان غور، شهرستان لعل و سرجنگل، قریه سیر کشک.

۸. حیدر انصای، ۴۵ ساله، سواد خواندن و نوشتن، استان سرپل، شهرستان سنگ چارک، مسجد سبز.

۹. بنیاد اخلاقی، ۴۲ ساله، ۶ کلاس سواد، استان سرپل، شهرستان سنگ چارک، قریه ثیو کند.

۱۰. سید حسین حسینی، ۶۰ ساله، سواد خواندن، استان سرپل، امام زاده یحیی (عَلَیهِ السَّلام).

۱۱. شیخ موسی حلیمی، ۳۵ ساله، استان بامیان، شهرستان یکاولنگ، سبز دره، قریه راه شب.

۱۲. اسماعیل محسنی، ۷۵ ساله، بی سواد، استان کابل، شهر کابل، دشت برچی.

۱۳. شیخ محمّد رحمانی، ۳۲ ساله، استان دایکندی، شهرستان کیتی، قریه تمران

۱۴. شیخ شیر علی رضایی، ۳۸ ساله، استان دایکندی، شهرستان کیتی، قریه تمران

۱۵. شیخ محمّد حسین مصطفوی، ۳۵ ساله، استان غزنی، شهرستان جغتو، دره جر متو، قریهٔ گل

۱۶. دکتر محمّد جواد صالحی (استاد راهنما) استان غزنی

۱۷. استاد بصیر احمد دولت آبادی (نویسنده و محقق)، استان مزارشریف، شهرستان چهار کنت.

۱۸. شیخ حاج محسن فاضل، غور.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و ارایهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶). از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

❖ ❖ ❖

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل چهارم

عزاداری‌ها و مصیبت‌های هزاره‌ها و نقد و بررسی آن

- عزاداری ایّام محرّم و صفر
- روزها و شبهای قدر
- وفات ائمّه (عَلَیهِمُ السَّلام)
- مرگ و میر بستگان

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و استناد پیشنهادهای پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مقدمه

زندگی انسان همانند سکّه‌ای دور رو است، یک طرف این سکّه شادی و مسرّت است و طرف دیگر این سکّه غم است و اندوه. انسان موجودی است عاطفی. این عاطفه گاه در اثر عواملی اندوهناک می‌شود و غصه تمام وجود او را فرا می‌گیرد و او در سدد ابراز این غصه‌ها و غم هایش بر می‌آید و گاه این ابراز احساسات جنبه فردی دارد و گاه این ابراز عاطفه، جنبه اجتماعی به خود می‌گیرد و هنجارهای موجود در جامعه، از آن پشت بانی می‌کند و به آن جهت می‌دهد.

در تشیع عزاداری معنای دیگر دارد؛ چون در طول تاریخ، تشیع حیات مظلومانه داشته و رهبران راستین و مذهبی اش تحت نظارت حاکمان جور زمان خود بوده، به بدترین وجه این رهبران وسیلهٔ حاکمان خود کامه به شهادت رسیده‌اند از همه مهم تر در تشیع حادثه غم اندوه سال ۶۱ هـ وجود دارد. حادثه‌ای که در آن نوه رسول خدا، امام سوّم شیعیان با یاران و اهل بیتش با فیجع‌ترین وجه ممکن به وسیله عمّالان فرزند معاویه، به شهادت رسیدند؛ و این حادثه نقطه عطفی شد در عزاداریهای پیروان آن سالار شهیدان، حسین بن علی علیه آلاف التحیة و السلام.

هزاره‌ها آن‌گونه که بارها گفته آمد، مردمان مسلمان و پیروان پرو پا قرص امام حسین (عَلَیهِ السَّلام)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدفهای علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اند و در طول تاریخ حیات اجتماعی و سیاسی خود مورد ستم‌های زیاد از سوی حاکمان ستم پیشه افغانستان قرار گرفته‌اند. زندگی اینان توأم با غم و اندوه بوده است. طبعاً عزاداریهای هزاره‌ها با سایر شیعیان جهان که در چنین مضیقه‌های سیاسی - اجتماعی نبوده‌اند، فرق دارد هم عزاداریهای که در ایام دهه اوّل محرم و سایر مناسبت‌های مذهبی انجام می‌دهند و هم عزاداریهای که به مناسبت‌های در گذشت نزدیکان شان انجام می‌دهند.

در این فصل سعی می‌کنیم هنجارهایی که هزاره‌ها در برپایی مراسم عزاداری مذهبی و غیر آن دارند شرح و مورد ارزیابی قرار دهیم.

۱. هنجارهای مراسم عزاداری دهه اوّل محرم و ارزیابی آن

ظهر روز دهم محرم سال ۶۱ هـ، اولین عزادار امام حسین (عَلَیهِ السَّلام)، زینب کبری و سایر مخدرات اهل حرم بود که برای سالار شهیدان و یاران فداکار آن حضرت گریستند و عزاداری نمودند، حتی قاتلان امام حسین مثل «عمر سعد، لشکر کوفیان، مردم کوفه و اهل شام»[۱] بر مظلومیت سید شهیدان اشک ریختند. بعد از حادثه عاشورای ۶۱ هـ پیروان امامت و ولایت عزاداری برای امام شان می‌نمود، ولی اوج عزاداری شیعیان به صورت دسته جمعی و تعطیلی روزهای نهم و دهم محرم در زمان حکومت «آل بویه» در بغداد و پس از آن در زمان حاکمیت «تیموریان» بوده است.[۲] وقتی احمد عضدالدوله به حکومت رسید در محرم ۳۵۲ ق دستور تعطیلی روز عاشورا را صادر کرد.

> **«پس از دوران آل بویه، دوران تیموریان از این جهت (برپایی عزاداری) بسیار پراهمیت است و شاهد گسترش تدریجی تشیع، به ویژه در خراسان و ماوراء النهر (مرکز حکومت تیموریان) هستیم... در این زمان در ماوراء النهر، همه ساله در سالروز قیام عاشورا، مراسمی برپا می‌شد.»**[۳]

---

۱. علی آقاجانی قناد، بنیادها و آسیب‌های عزاداری امام حسین، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چ۱، ۱۳۸۲، ص۲۳.

۲. همان، ص ۲۷.

۳. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شمارهٔ ۲۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶۰) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سنّت عزاداری دهه اوّل محرم از آن زمان به بعد تا هنوز به یادگار مانده است و رایج‌اند.[۱] آنگونه که در مباحث گذشته گفتیم مردم هزارستان کنونی همزمان با خلافت حضرت علی (عَلَیهِ السَّلام) (سال ۳۵ هـ) اسلام اختیار نمود و به سایر پیروان راستین امام علی (عَلَیهِ السَّلام) پیوستند. پس از آن تشیع در این قطعه از زمین نشو و نمو کرد و تا هنوز مردمان این سرزمین اسلامی، افتخار پیروی از مکتب مترقی جعفری را دارند و به آن افتخار می‌کنند، چنانچه رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری در سخنرانیی گفته است:

«و ما مفتخریم از اینکه پیرو کسی هستیم که می‌گوید: مرگ در زیر لحاف ذلت است. و این افتخار برای ما بس است... من فکر می‌کنم که همین افتخار بزرگ برای ما و شما (حاضران در جلسه سخنرانی، هزاره‌های کابل) کافیست که پیرو علی و حسین هستیم.»[۲]

تک تک هزاره‌ها به مذهب و مکتب خود می‌بالند و افتخار می‌کنند.

سالهاست که هزاره‌ها در جریان زمان هر ساله از ماه محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر، به گرمی استقبال می‌کنند و به خاطر احترام و تجلیل از مقام شامخ شهید و شهادت برنامه‌های تدارک دیده، مورد اجرا قرار می‌دهند و در هر شرایط زمانی این مراسم تجلیل از مقام والای شهدای کربلا و سالار شهیدان حسین بن علی (عَلَیهِ السَّلام)، برگزار می‌گردد. در اینکه از چه زمانی مراسم دهه اوّل محرم به صورت فعلی، بین هزاره‌ها رایج شده‌اند، اطلاعات درست در دست نیست تا دقیقاً معلوم کند که از فلان تاریخ هزاره‌ها این مراسم را برگزار می‌کرده‌اند. چنانچه نویسنده نام آشنای کشور، استاد بصیر احمد دولت آبادی در این ارتباط نگاشته است:

«نظر به همان فرضیات گذشته تاریخ مبنی بر کتمان حقایق در افغانستان، متأسفانه تاریخ روشنی از عزاداری امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) جز همان ادعاهای اجمالی نمی‌توان یافت؛ یعنی ما نیافته ایم.»[۳]

---

۱. همان.

۲. شهید عبدالعلی مزاری، احیای هویت، مجموعه سخنرانیهایی استاد مزاری، قم، تهیه مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، انتشارات سراج، ۱۳۷۴، ص۴۸.

۳. بصیر احمد دولت آبادی، تعزیه امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) در افغانستان، هفته نامه وحدت (قم، ارگان نشراتی حزب وحدت

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲/۳ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۴) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آن چه از شواهد تاریخی و وجود تکیه‌های قدیمی، بر می‌آید این است که مراسم سوگواری امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) قبل از سرکوب هزاره‌ها به وسیله عبدالرحمان (۱۸۸۹ م. به بعد) به گونه گسترده بین هزاره‌های هزارستان و هزاره‌های که در شهرهای مثل کابل، هرات و مزار شریف بود و باش داشتند همراه با دیگر برادران شیعه غیر هزاره برگزار می‌شده‌اند[۱] و هزاره‌ها از امام سوم و یاران باوفایش تبجیل می‌کرده‌اند.

تشیع همیشه در طول حیات خود پس از شهادت امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) همرا با سوگواری امام شهیدان بوده است. از آن جاکه تشیع در هزارستان کنونی به شمول بلخ و طالقان از زمانهای قدیم بوده. بهترین گواه این مدعا، علاوه بر آن چه در فصل های گذشته ذکر شد، قیام یحیی بن زید شهید بن امام زین العابدین (عَلَیهِ السَّلام) در سال ۱۲۰ ق است. یحیی وقتی در بلخ و جوزجان و طالقان آمد پیروان اهل بیت استقبال نمود. حضرت یحیی توانست ۷۰۰ نفر سرباز فدارکار در برابر عمال اموی، تدارک ببیند و در برابر نصر بن یسار والی بنی امیه قیام نمودن[۲] و، نیز پناهنده شدن عالم بزرگ شیخ صدوق در شهر بلخ، قریه «بیلاق» و نوشتن کتاب «من لایحضره الفقیه» در این مکان[۳] و، اسلام آوردن حاکمان غور به دست امام علی (عَلَیهِ السَّلام) زمان خلافت آن حضرت چنانچه منهاج السراج سراج جوزجانی از زبان دختر محمّد بن سام (خاندان غور) نقل نموده است.[۴] که ما در فصل دوّم به آن اشاره نمودیم.

در هر صورت شواهد یاد شده گواه بر تشیع پدران هزاره‌ها در هزارستان کنونی و حومه آن است.

از طرفی تشیع، همیشه در طول تاریخ عاشورای حسینی راگرامی داشته‌اند، گر چه قبل از حکومت آل بویه در بغداد سوگواری امام حسین به گونه فعلی نبوده است. در زمان حاکمیت آل بویه بود که مراسم سوگواری امام شهیدان در دهه اوّل محرم راه افتاد.[۵]

اسلامی افغانستان)، سال ۷، شماره ۲۱۱، ۱۳۷۶/۴/۱۲، ص ۵. ۱. همان.

۲. حاجی کاظم یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها، ج ۱، پیشین، ص ۶۷.

۳. شیخ صدوق، من لایحضره فقیه، ج ۱، (مقدمه)

۴. منهاج سراج، طبقات ناصری، ج ۱، تعلیقه عبدالحی حبیبی. کابل، پوهنی مطبعه، چ ۲، ۱۳۴۲، ص ۳۲۰.

۵. علی آقا جانی، بنیادها و آسب‌های عزاداری امام حسین (عَلَیهِ السَّلام)، پیشین، ص ۲۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دست کم بیش از چند قرن است که مراسم عزاداری امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) بین هزاره‌ها به صورت که اکنون وجود دارد، وجود داشته است.

هزاره‌ها چند روز قبل از ورود ماه محرم خود را برای برپایی مراسم عزاداری سبط پیامبر اسلام آماده می‌کنند و دست به انجام یک سری کارهای پسندیده و نیک می‌زنند.

۱ - ۱. تعیین روحانی و مُلا

دو سه روز قبل از وارد شدن ماه محرّم الحرام، محاسن سفیدان و مردان موجه قریه گردهم آمده برای تدارک مراسم سوگواری سالار شهیدان برنامه ریزی می‌کنند. اولین قدمی که در این راه بر می‌دارند، تعیین نمودن روحانی و ذاکر است. ذاکری که در دهه اوّل محرم ذکر و یادی از ستم گریها و نامردیهای سپاه جهل و ستم پیشه ابن زیاد و یزید کند وگوشه از مظلومیت‌ها و آزادگی‌ها و رشادت امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) و یاران باوفایش نماید. در قدیم در غالب مناطق هزارستان اسلامی به روحانی «ذاکر»[1] می‌گفتند و اکنون نیز در برخی از جایهای هزاره‌جات به آخوند ذاکر می‌گویند. مراد از ذاکر؛ یعنی یادآوری کننده ستم‌های سپاهی بر ضد حزب رستگاران و پیروان راستین اسلام. هزاره‌ها چه خوب و درست به کسی که عهده دار جلسه سوگواری امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) بوده، این لقب را به آن داده‌اند. و این انتخاب لقب برای آخوند آگاهانه بود و حساب شده. هزاره‌ها به «روحانی»، «شیخ»، «ملا»، «جناب» و «آخوند» نیز می‌گویند. اینها القابی است که قدیم برای عالمان دینی اطلاق می‌شده، مثل ملا هادی سبزواری، آخوند خراسانی، آخوند همدانی، ملا احمد نراقی، شیخ مرتضی انصاری و...

قریه‌های بزرگ‌تر، سعی می‌کنند آخوند که از نگاه سواد و تحصیل بالا برخوردار است جذب کند. غالباً هر قریه یک تا چهار پنج طلبه مقدمات خوان دارد، ولی آخوند بزرگ با تحصیلات عالی در

---

۱. برای آگاهی بیشتر به مفهوم «ذاکر» مراجعه شود به: دکتر علی شریعتی، ذکری ذاکرین (جزوه ۲۰- ۳۰ صفحه).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هزارستان اسلامی متأسفانه کم است به همین خاطر محتوای بسیاری از سخنرانان مراسم دهه اوّل محرم بار علمی چندان ندارد. اهداف که قیام امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) به خاطر آن تجم گرفت در منبرها کمتر مطرح می‌شود. البته پس از انقلاب اسلامی افغانستان اندک تغییری در محتوای سخن خطیبان به وجود آمده، ولی تعداد این گونه جلسات اندک بوده است. متأسفانه بسیاری از جلسات حسینی با چند تا شعر و چند داستان خرافه آلود و خرافه پرور، اداره می‌شود، در نقد هنجارهای عاشورا بیشتر به آن خواهیم پرداخت ان شاء الله.

محاسن سفیدان ده با شور و مشوره آخوند مورد نظر خود را تعیین می‌کنند و چند نفر را به دنبال روحانی می‌فرستد، اگر ده است به خانه‌اش، اگر ده دیگر است به قریه‌اش، با اعزاز تمام روحانی را می‌آورند و مردم ده و سوگواران حسینی از او به گرمی استقبال می‌کنند.

۲ - ۱. بالا کردن «عَلَم» وکیفیت برگزاری مراسم عزاداری و سینه زنی

در تمام دهات هزارستان اسلامی یک تا چند عدد مسجد و «منبر» (تکیه خانه) وجود دارد. طبق نگاشته علیداد لعلی که خود بسیاری از مناطق هزاره‌جات را دیده است، **«روی هم رفته در تمام قراء هزاره‌جات بیش از پانزده هزار تکیه خانه و مسجد ساخته شده است.»**[1] البته این تکیه خانه‌ها جدای از منبرها و حسنیه‌های است که هزاره‌ها در شهرهای بزرگ افغانستان ساخته‌اند. منبر و مسجد در هزارستان اسلامی **«در حقیقت کانون تبلیغ و ارشاد و تشکیل اجتماعات و پناه گاه برای مردم و مسافران است که این وجیبه به حد نهایت بالا و اعلا در هزاره‌جات ترویج یافته است.»**[2] بدون استثنا، در تمام منابر و تکیه خته یک «علم» وجود دارد، مشهور به علم حضرت ابوالفضل عباس (عَلَیهِ السَّلام) است. این علم چوبی است به طول دو متر و سر آن پنجه فلزی نصب شده است در وسط پنجه اسم پنج تن معصوم حک شده. عَلَم غالباً درکنار منبر، که دارای چند پله است، یا وسط تکیه خانه، کنار ستون به صورت عمودی گذاشته شده،

---

۱. علیداد لعلی، سیر در هزاره جات، پیشین، ص ۱۴۶ - ۱۴۵. ۲. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

چند عدد پارچه به علَم بسته است. چه در مراسم دهه اوّل محرم و چه در غیر آن، وقتی مردی وارد تکیه خانه می‌گردد ابتدا آن علم را به یاد علم حضرت عباس می‌بوسد، پس از آن در جایگاه مورد نظر خود می‌نشیند.

«علم» در بین هزاره‌ها از قداست فراوان برخوردار است و به آن احترام می‌گذارند. در کارهای مهم که نیاز به قسم است به آن سوگند می‌خورند و در دعواها و نزاعهای بزرگ وقتی علم آورده شود غالباً نزاع پایان می‌یابد. چنانچه در زمستان ۱۳۷۳ که بین حرکت اسلامی و حزت وحدت اسلامی جنگ بود **«چهل نفر از مصلحین علم برداشته و در غرب کابل به راه افتادند که اصلاح کنند.»**[۱] ولی متأسفانه این بار قداست علم زیر پا گذاشته می‌شود و یکی از فرماندهان ارشد نظامی حرکت دستور صادر می‌کند: **«بر پدر این مردم (هزاره‌های حزب وحدت) لعنت، علم شان را هم بزنید»**[۲] و علم را نیز زدن.

شهید مزاری در مورد قداست علم بین هزاره‌ها و شیعیان افغانستان گفته است: **«در بین مردم تشیع افغانستان عَلَم ابوالفضل آنقدر ارزش دارد که برای مردم ما داستان اهانت باری درست شده، که هزاره‌ها تیغ ابوالفضل (علم ابوالفضل) را بر نمی‌دارند ولی قرآن را می‌خورند (به قرآن سوگند دروغ می‌خورند ولی به علم حضرت عباس نه) این را در مورد ما گفته‌اند.»**[۳] آن چه گفته شد حکایت از اهمیت دادن و توجّه نمودن هزاره‌ها به علم حضرت عباس است وگرنه هزاره‌ها هیچ گاه علم را مقدم بر قرآن کریم نمی‌دارند. چنانچه «پیر هزاره» گفته‌اند:[۴] **«ما علم ابوالفضل را و خود ائمّه را به خاطر خدا و به خاطر که در راه خدا می‌دانیم، احترام داریم.»**[۵]

یک روز قبل از ماه محرم یا روز اوّل محرم علم بر افراشته می‌شود. هزاره‌ها به آن «علم بالاکردن»

---

۱. شهید عبدالعلی مزاری. احیای هویت - مجموعه سخنرانی‌های استاد شهید. پیشین. ص ۱۹۸.

۲. همان. ۳. همان، ص ۲۰۳.

۴. برگرفته از رباعی سید حسین موحد بلخی، زیارت نامه گل سرخ، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۲۶.

تمام آن رباعی:

هـمرنگ سـتاره روشـن آوا آمـد — مـانند شـهاب در شب مـا آمـد

با شاخه‌ای از نور در آن ظلمت محض — آن «پـیر هـزاره» مـرگ فـرسا آمـد

۵. همان، ص ۲۰۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۴۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

یا «علم بالا بردن» می‌گویند.[۱] این کار با اندک اختلاف در تمام هزارستان اسلامی طی مراسمی ویژه، اجرا می‌شود. در برخی از مناطق هزاره‌جات زنان ده گرد هم آمده، علم را از کنار ستون تکیه خانه باز می‌کنند و گرد خاک آن را می‌تکانند و پارچه قبلی او را برداشته، پارچه‌های جدید و نو به آن می‌بندند و دوباره در جای قبلی اش می‌گذارند. هر خانه مقدار روغن و آرد جمع می‌کنند و حلوای سرخ می‌پزند و سرخانه، با در نظر داشت جمعیت هر خانواده که دقیقاً از آن خبر دارند، تقسیم می‌کنند و شب آن روز جلسه دهه اوّل محرم به صورت رسمی شروع می‌شود.

در بعضی از جاهای هزارستان در این روز، گوسفندی یا گاوی را دسته جمعی خریده و نذر می‌کنند و ذبح. نوجوانان و جوانان مردان ده را در تکیه خانه غذا می‌دهند و مقداری از گوشت حیوان را با گندم می‌پزند، که در بین هزاره‌ها مشهور به «گوشت کچه» است، و سرخانه تقسیم می‌کنند تا زنان و دختران هزاره، از این نذر محروم نباشند. شب آن روز خواندن شروع می‌شود. این جلسه تا دوازدهم محرم در تمام جاهای هزارستان اسلامی ادامه دارند، در بسیاری از جاهای هزاره‌جات تا ۱۴ محرم تداوم دارند و با شکوه خاص این مراسم برگزار می‌شود. اگر محرم در فصل زمستان باشد - فصلی که کارها در هزاره‌جات تعطیل است - جلسات سوگواری از شکوه دو چندان برخوردار است. زن و مرد و پیر و جوان در این مراسم به طور مرتب شرکت می‌کنند. اگر محرم در فصل کار هزاره‌ها باشد نیز مراسم سوگواری با عظمت و شکوه برگزار می‌گردد. هزاره‌ها برنامه کاری خود را طوری تنظیم می‌کنند که از شرکت در جلسه عزاداری امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) محروم نگردند، لذا در هر شرایط و هر فصل، جلسات سوگواری سالار شهیدان در دهه اوّل محرم برقرار است.

غالباً، بیشتر قریه‌های هزاره‌جات یک تا چند نفر طلبه صرف و مقدمات خوان دارد. اینها معمولاً در روزهای که حسینه سخنرانی و روضه برقرار است، قبل از آخوند بزرگ می‌خوانند هزاره‌ها به اینها «دیباچه خوان» می‌گویند. دیباچه خوانها در وقت خواندن در پله اوّل و دوّم منبر می‌نشینند، آخر پله

---

۱. سید محمّد حسین فرهنگ، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان، پیشین، ص ۳۱۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری-به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

منبر از آن آخوند و ذاکر بزرگ است[۱] اگر دیباچه خوانی از پله اوّل و دوّم بالاتر برود مردم بد می‌دانند و نشانه حق نشناسی دیباچه خوان، تلقی می‌کنند. تعداد دیباچه خوانها گا به پنج و شش نفر می‌رسند به ویژه در ایام زمستان. قبل از شروع جلسه یکی از رش سفیدان مجلس «صلوات» می‌فرستد و گاه چند بیت شعر در فضیلت امام علی (عَلَیهِ السَّلام) و دیگر امامان می‌خوانند، پس از آن دیباچه خواند بالای منبر رفته سخن آغاز می‌کند. آخوند بزرگ آخر جلسه می‌خواند. سخنرانان طبق جایه گاه و مرتبه که دارند باید به ترتیب بخوانند، اگر آخوند که از موقعیت و تحصیلات بالا برخوردار نباشد بعد از آخوند بزرگ بخواند هزاره‌ها نادرست می‌دانند، آخوند کوچک نباید بعد آخوند بزرگ منبر رود. در شهرها جلسات که هزاره‌ها در دهه اوّل محرم دارند قبل از آغاز جلسه چند آیه از قرآن تلاوت می‌شود، پس از آن سخنرانی شروع می‌گردد.

در زمانهای گذشته در مراسم‌های سوگواری خصوصاً دهه اوّل محرم، در بسیاری از مناطق هزاره‌جات «منقبت خوانی» رایج بود. یکی از ریش سفیدان - غالباً سید - چوبی در دست می‌گرفت، وسط تکیه خانه یواش یواش راه می‌رفت و مناقب اهل بیت پیامبر می‌خواند. در حین خواندن سرش را بلند می‌گرفت و گاه سر چوب دستی اش را به زمین محکم می‌زد و با صدای بلند علی و حسین می‌گفت. منقبت با صدای ویژه خوانده می‌شد. نگارنده از کوچکی این خاطره را اندک در ذهن دارم. اکنون تقریباً این رسم از هزاره‌جات برچیده شده است.

هیچ یک از سخنرانان تا روز عاشورا، حق ندارند از مقتل و واقعه شهادت امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) بخوانند. غالباً ذاکرین به ویژه آخوند بزرگ به ترتیب از حرکت امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) از مدینه و مکه، شهادت مسلم بن عقیل و شهادت سایر معصومین (عَلَیهِمُ السَّلام) غیر از سید الشهدا، داستان حر، فرود آمدن سالار شهیدان و یاران آن حضرت در کربلا، شهادت اصحاب امام حسین مثل وهب، زهیر، حبیب و... می‌خواند و شب عاشورا واقعه مربوط به آن شب را می‌خوانند. وقتی آخوند سینه زنان را به نوحه خوانی و سینه زنی دعوت می‌کند جملات زیر را غالباً می‌گوید:

---

۱. همان، ص ۳۱۵.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط تندنی است.

«شیون و شین است واویلا، قتل حسین است واویلا. شیون عام است واویلا، قتل امام است واویلا»[۱]

از روز سوم و چهارم، سینه زنی و زنجیر زنی شروع می‌شود. غالباً سینه زنی که هزاره‌ها به آن «شیوند» یا «جیل» می‌گویند، بعد از سخنرانی ذاکر بزرگ شروع می‌شود. در شب هفتم تا دهم محرم در برخی جاهای هزاره‌جات، چند تا شیوند داده می‌شود. ذاکر مقداری روضه می‌خواند. پس از آن سینه زنی شروع می‌گردد، نوحهٔ سینه زنها لازم است، مطابق مقتل ذاکر باشد. سینه زنی در تمام هزاره‌جات در زمانهای گذشته و اکنون در برخی از مناطق به صورت دوره‌ای بوده است.

سینه زنی دوره‌ای به این صورت است که تعداد شش تا ده و دوازده نفر به دو گروه تقسیم می‌شوند. نصف گروه در یک طرف، نصف دیگر در طرف مقابل گروه دوّم با فاصله مشخص دور ستون حسینیه، وسط آن هم نوحه می‌خوانند و هم اندک راه می‌روند و همزمان با دو دست به سینه می‌زنند. این دو گروه به نوبت نوحه می‌خوانند به این ترتیب که گروه اوّل هم صدا و همراه با سینه زنی پای چپ مثلاً می‌خوانند: «امشب زمان در انقلاب / فردا شود دنیا خراب (تمام بیت دو بار) بدون فاصله گروه دوّم: بر اهل بیت بو تراب / ای دوستان شیون کنید (دوبار). باز بدون فاصله گروه اوّل می‌گویند امشب عزیز مصطفی / دارد به دل شور نوار - (تمام بیت دوبار) بازگروه دوّم: فردا ز دست اشقیا / ای دوستان شیون کنید (تمام بیت دوبار) و...»[۲]

به صورت یاد شده حدود ده دوازده دقیقه، نوحه خوانی ادامه پیدا می‌کند، پس از آن جوانان و مردان میان سال مجلس نیز به ردیف سینه زنها می‌پیوندند طوری که ردیف پر می‌شود در این هنگام یکی از نوحه خوآنها«سرآواز» می‌شود با صدا بلند می‌گوید: الله، الله، دیگران پس آن می‌گویند مولا، مولی. سرآواز: حسن، حسن. دیگران: حسین، حسین. تک خوان: عباس، عباس. دیگران: قاسم، قاسم. تک خواند: زینب، زینب. دیگران کلثوم، کلثوم.

کلمات یاد شده را چند بار به همان صورت با آواز می‌خوانند و گاه در وسط سینه زنی یکی از

---

۱ ـ پیاده شده از نوار ضبط سخنرانی روحانی مربوط به محرم ۱۴۲۰ = ۱۳۷۸، شهرستان لعل و سرجنگل، منطقه حیدر بیگ.

۲ ـ همان

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سینه زنها با آواز بلند یا حسین یا حسین، یا عباس یا عباس را به خوانش می‌گیرند. در حین که کلمات یاد شده را می‌خوانند به صورت یک گام، یک گام راه می‌روند، دست راست به طرف سر و دست چپ به طرف پایین می‌رود و پس از آن محکم به سینه نوازش می‌دهند. پس از هفت هشت دقیقه، سینه زنی خاتمه می‌یابد. آخوند شروع به خواندن می‌کند، اگر در وسط سخنانش «شیون» داده است، اگر شیون در خاتمه سخن بوده، آخوند دعا می‌کند.

طبق نقل جناب شیخ محمّد رحمانی تمرانی [1] در قسمت‌های از دایکندی از جمله تمران سینه زنی یاد شده پیش از خواندن آخوند اجرا می‌شود.

البته در زمانهای قدیم سینه زنی به شکل یاد شده، در تمام هزارستان رایج بوده، ولی اکنون در بسیاری از جاهای هزارستان اسلامی، آن شکل سینه زنی مهجور شده و به گوشه انزوا خزیده است. فعلاً در بسیاری از جایهای هزاره‌جات و شهرهای افغانستان که هزاره‌ها و شیعیان حضور دارند سینه زنی طبق آن چه که در شهرهای قم، مشهد، تهران و عتبات عالیات عراق برگزار می‌شود، اجرا می‌گردد که نیاز به توضیح و شرح ندارد.

زن و مرد هزاره وقتی زیر سخنرانی و مرثیه خوانی ذاکر می‌آیند واقعاً اشک می‌ریزند. مثل کسی که یکی از عزیزترین اعضای خانواده خود را از دست داده، با سوز و گداز از تهه دل با صدای بلند برای مولای خود اشک می‌ریزند و گریه می‌کنند. در بسیاری موارد به ویژه شب و روز عاشورا چنان غوغا و ناله به پا می‌شود که صدای مرثیه خوان، بین صدای گریه کنندگان گم می‌شود. پیرمردان کلاه شان را از سر بر می‌دارند گاه دستی به سر می‌زند و با آوز بلند می‌گریند طوری که بازوان شان از شدت گریه تکان می‌خورند. نگارنده سالهای که در افغانستان بودم (قبل از پاییز ۱۳۶۸) در روضه خوانیهای می‌دیدم که چگونه محاسن سفیدات هزاره، محاسن شان از باران اشک خیس می‌شد.

ذاکرین در هزاره‌جات غالباً مقتل شهیدان را به شعر و با آواز می‌خوانند. هر ذاکری که صدای نرم و شیرین و گیرا داشته باشد، خریداران بیشتر دارد تا آن ذاکری که نه صوت شیرین دارد و نه آواز گیرا.

---

۱. مصاحبه که در تاریخ ۹/۱۰/ ۸۴ با وی داشتم، ایشان مطلب یاد شده را اظهار نمود.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایزان (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۴ - ۱. نذر امام علیه‌السلام و ارزیابی آن

یکی از پدیده‌های که بین هزاره‌ها به فراوانی شایع است و در تمام فصل‌های سال خصوصاً در ماه محرم وجود دارد «نذر» است. نذر برای هزاره‌ها حلال هر مشکلی و شفا دهنده هر بیماری است. برای جلوگیری از هرکاری ناگوار، نذر می‌شود شفادهنده بیمار هزاره که محروم از هر گونه درمانگاه و بیمارستان است، نذر است. وقتی یکی از اعضای خانواده مریض می‌شود و گرفتار بیماری سخت، برای شفای عاجل او نذر می‌شود. اگر زن هزاره در حین زایمان به سختی وضع حمل کند، برای سلامتی آن خانم و نوزادش نذر انجام می‌گیرد. اگر مسافری در راه دور و دراز، قصد انجام مسافرت نماید و یا از سفر دیر برگردد، برای سلامتی او نذر می‌شود. خانه که تازه می‌سازد برای اولین بار بین آن می‌رود، برای اینکه نیک قدوم باشد نذر می‌شود و... اوج این پدیده در دهه اوّل ماه محرم است. هزاره‌ها گوسفند یا گاو یا بز را نذر می‌کنند و در زمان مناسب ذبح، گوشت آن را بین مؤمنان تقسیم می‌کنند. نذرکه در ماه محرم می‌شود بین هزاره‌ها به نام «نذر امام» شهره است. تمام خانواده‌های هزاره غالباً در دهه اوّل محرم یک رأس گوسفند یا گاو نذرکرده و ذبح می‌کنند. بسیاری از خانواده‌های هزاره هفت هشت ماه قبل از فرا رسیدن ماه عزای حسینی گوسفندی یا بزی را نذر امام تعیین می‌کنند و او را در خانه نگهداری، تا فرا رسیدن ماه محرم خوب فربه و تنومند شود. این پدیده، در غالب خانواده‌های هزاره که وضعیت مالی مناسب‌تر دارد انجام می‌شود. کم‌تر خانه هزاره در هزارستان اسلامی است که در دهه اوّل محرم نذر امام نداشته باشد با هر زحمتی شده خانواده هزاره سعی می‌کند نذر امام داشته باشد حتی خانواده‌های که در فقر مطلق قرار دارند. در ماه محرم حیوانات زیاد ذبح می‌شود طبق گزارش آقای علیداد لعلی: **«در هزاره‌جات غیر از مصارف دیگر بالغ بر یک میلیون رأس گوسفند و بز و گاو ذبح می‌گردد.»**[1]

در همان شب اوّل محرم پس از برافراشتن علم حضرت عباس و خواندن شب اوّل، محاسن

---

۱. علیداد لعلی، سیر در هزاره‌جات، پیشین، ص ۱۳۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سفیدان و مردان موجه ده در تکیه خانه گرد هم می‌آیند تا در مورد نظم و نسق نذر امام و پذیرایی از سوگواران حسینی برنامه ریزی کنند.

از اوّل محرم تا روز عاشورا عزاداران برای شام یا ظهر پذیرایی و غذا داده می‌شوند. غذای که برای آنان پخته می‌شود آبگوشت است که از گوشت نذر امام این غذای خوش مزه درست می‌گردد. هر دهی هر اندازه خانه باشد هزاره‌ها، طوری برنامه ریزی می‌کنند که تمام اهل ده تا دهم محرم نذر خود را بدهند و گوسفند ذبح کنند. مثلاً اگر دهی ۳۰ خانه باشد هر روز دهه اوّل محرم سه خانه عهده دار پذیرایی از عزاداران می‌شود، لذا روز سه رأس گوسفند یا بز ذبح می‌گردد. و نوجوانان، جوانان، میان سالان و پیر مردان را غذا می‌دهند. زنان و دختران نیز از این نذر محروم نیستند؛ چون مقداری از نذر را گوشت کچه (گوشت + گندم + آب + نمک) درست می‌کنند و یا از همان آبگوشت، با در نظر داشت جمعیت، هر خانواده اهل قریه تقسیم می‌کنند. صرف غذا در برخی موارد قبل از «خواندن» و در بعضی جاها بعد از آن است.

در برخی از موارد و جاهای هزاره‌جات هر کسی از اهل ده که نوبت نذر به عهده‌اش است پس از ذبح گوسفند یا گوسفندان آبگوشت درست می‌کنند و سر خانه تقسیم، تا مردان خانواده در کنار بانوان خانه غذای نذر امام را صرف کنند. غالباً تقسیم آبگوشت با توجّه به جمعیت خانواده است. لذا آن مقدار آبگوشت به خانه‌ها تقسیم می‌شود که یک وقت غذایی خانواده را به خوبی کفاف می‌دهد. با این حساب ده روز عاشورا همه از غذای آبگوشت یا برنج و گوشت مصرف می‌کنند و خاطره خوبی برای بچه‌ها است.

در بعضی از جاهای هزاره‌جات چند خانه از نذر دارها را می‌گذارند برای روز اربعین حسینی، ولی این کار نادر است. البته این مساله با مشوره همان محاسن سفیدان انجام می‌گیرد.

در نذر امام، هزاره‌ها توجّه شان معطوف به ریختن خون است، یعنی برای شان مهم است که نذر به گونه ذبح حیوانی باشد، نذورات دیگر غیر از ذبح حیوان ولو از نگاه ارزش پولی زیاد باشد، ولی به اندازه ذبح حیوان ارزش تلقی نمی‌گردد. هزاره‌ها قبل از ذبح «نذر امام» سنّت به نام «نذر دست کشیدن»

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) . از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دارند تمام اعضای خانواده و همسایه‌ها این پدیده را انجام می‌دهند. دست کشیدن نذر به این صورت است:

ابتدا بزرگ خانواده دست چپ را زیر کله حیوان می‌گذارد، با کف دست راست سه بار از پز حیوان به سمت سر حیوان می‌کشد. کف دست به روی کله حیوان کاملاً تماس می‌یابد. پس از بزرگ خانواده، دیگرانی که برای نذر دست کشیدن آمده شبیه فعل او انجام می‌دهند. هنگام دست کشیدن بسیاری از خانواده‌های که آگاهی دینی شان زیاد است صیغه نذر را می‌خوانند - بعد از این توضیح صیغه نذر داده خواهد شد - پس از آن کلمات شبیه الفاظ ذیل را زیر لب زمزمه می‌کنند:

یا سیدالشهدا، یا حسین مظلوم، یا امام حسین، یا ابوالفضل العباس، یا چهارده نور مقدس، یا چهارده معصوم و... از خداوند و امام حسین در خواست روایی حاجات مشروعه خود می‌کنند و از خداوند می‌خواهند که به خاطر احترام امام حسین (عَلَیهِ السَّلام)، گرفتاری‌های زندگی شان را رفع و دفع کند. بعضی از خانواده‌های هزاره، به خاطر نا آگاهی بدون خواندن صیغه نذر، حیوان را ذبح می‌کنند. البته تعداد این گونه افراد کم است. بیشتر هزاره‌ها به مسائل دینی خود به خوبی آگاهی دارند.

در این جا لازم است اندکی درباره نذر و شرعی بودن آن بحث کنیم. نذر دلیل شرعی دارد و چه گونه انجام می‌شود؟ آن چه در بین هزاره‌ها به نام دست کشیدن نذر مرّوج است، ملاک و دلیل شرعی دارد؟

نذر یک مسأله اسلامی است و آیات و روایات بر جواز آن وجود دارد. یکی از بحث‌هایی که فقهای مسلمان به آن پرداخته‌اند، مسأله نذر است. اصل نذر در اسلام وجود دارد و مطرح است، ولی در کیفیت اجرای آن علما بحث کرده‌اند. در کتاب‌های فقهی نذر این گونه تعریف شده است:

«النذر هو الالتزام بعمل لله تعالی علی نحو مخصوص و لاینعقد بمجرد النیة بل لابد من الصیغه و هی ما کان مفادها جعل فعل او ترک علی ذمته لله تعالی، بأن یقول: لله علی أن اصوم او اترک شرب الخمر مثلاً؛[1] نذر آن است برای خدا کاری [دارای منفعت عقلایی و خرد] را به نحو خاص انجام

---

۱. امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، پیشین، ص ۱۰۳-۱۰۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دهد، نذر به صرف نیت [در قلب] منعقد نمی‌شود بلکه [علاوه بر نیت] باید صیغه خوانده شود، صیغه آن است که [ناذر بگوید] انجام فلان کار و یا ترک آن به ذمّه‌ام باشد به خاطر خدا، مثلاً بگوید: به خاطر خدا بر من است که [روزی] روزه بگیرم و یا شرب خمر را ترک کند.»

آنگونه که ملاحظه شد، در نذر، نیت مکفی نیست باید صیغه خوانده شود. البته لازم نیست صیغه نذر به عربی باشد، بلکه اجرای صیغه به هر زبانی باشد کافی است، آن چه در نذر مهم است قصد تقرب به خدا و خدایی بودن آن است. نذرکننده باید عاقل باشد، منذور قابل دسترسی و امکان انجام آن باشد. (۱)

به طور کلی نذر دو قسم است:

الف. نذر مشروط؛ این قسم به نوبه خود دو قسم است:

۱. «نذر شکر» مثل اینکه کسی بگوید اگر بیماری من خوب شد چهار جمعه روزه بگیرم و یا بگوید اگر توفیق زیارت خانهٔ خدا یافتم بر من است که برای خدا یک گوسفند ذبح کنم.

۲. «نذر زجر» مثل اینکه کسی بگوید اگر من در ماه ذیحجه دروغ گفتم یا غیبت مؤمنی کردم بر من است که برای خدا یک روز روزه بگیرم. انجام این قسم نذر آن زمانی محقق می‌شود که آن کاری که نذر به او تعلق گرفته انجام شده باشد و گرنه انجام دادن نذر قبل از آن واجب نیست.

ب. بدون هیچ قیدی و شرطی نذر کند، مثلاً بگوید که من مدت سه سال اوّل هر ماه روزه می‌گیرم و یا بگوید من روز عید غدیر چهل فقیر را طعام می‌دهم. از این قسم نذر تعبیر به «نذر مطلق» شده است. (۲)

نذر که بین هزاره‌ها در دهه اوّل محرم رایج است غالباً داخل در قسم دوّم و نذر مطلق می‌باشد.

هزاره‌ها به خاطر تعظیم شعایر الهی، گوسفندی را ذبح کرده، ثواب آن را هدیه به روح بلند و ملکوتی شهدای کربلا، به ویژه سالار شهدیان حسین به علی (عَلَیهِ السَّلام) می‌کنند.

آن چه در بین هزاره‌ها سنّتی به نام دست کشیدن رایج است و هزاره‌ها به آن عمل می‌کنند، دلیل

---

۱. همان، ص ۱۰۳.

۲. مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۶ - ۴۶۵.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شرعی ندارد. همان گونه که گذشت در نذر تعیین منذور و خواندن صیغه لازم است، نه چیزی به نام دست کشیدن نذر. اما این پدیده به چه مناسبت و در چه زمانی بین هزاره‌ها رایج گردیده، اطلاعات درست در دسترس نیست. پیرمردان هزاره نیز در این مورد چیزی نمی‌دانند، فقط می‌گویند نذر مقدس است باید تبرک نمود و دست بالای کله آن کشید.

این سنّت حَسنه نذر چنان بین هزاره‌ها رایج است که تبدیل به فرهنگ شده و هنجارهای اجتماعی موجود بین آنان، از آن حمایت می‌کند. لذا اگر خانواده‌ای به واسطه فقر و تنگ دستی قادر به انجام نذر و ذبح گوسفند نباشد، چه بسا دیگران به او به دید انسان خسیس و بی اعتقاد به امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) نگاه می‌کنند. به همین دلیل هر خانواده هزاره تلاش می‌کند، هر طور شده، نذر امام داشته باشد تا مورد اتهام ناروا قرار نگیرد و این مسأله خود نوعی اجبار اجتماعی به حساب می‌آید.

هزاره‌های که مسلمان و پاک باور است سزاوار است این امر حسنه (نذر امام) را به اموری چون رقابت، از دیگران عقب نماندن و... نیالایند. نذر فقط برای کسی که به ذمه خود گرفته، واجب است. تعظیم شعائر از نشانه‌های ایمان و پاکی نفس است. اقدام نمودن به انجام نذر و ذبح حیوان در ماه محرم از مصادیق تعظیم شعائر الهی است. این امر در صورت حسن دارد که خانواده هزاره، به تکلف و دشواری زیاد قرار نگیرد و گرنه آن حسن را ندارد.

٤ - ١. شب و روز عاشورا و ارزیابی آن

«شب عاشورا» شبی است که فردای آن امام حسین و یارانش در سال ۶۱ هـ به فیض شهادت نایل شده‌اند. امام و یارانش در این شب نخوابید و همگی به دعا و استغفار به درگاه لایزال و قرائت قرآن مشغول بود و خواندن نماز، چون همه می‌دانستند، امام فرموده بود که فردای این شب همه شهید می‌گرد و به لقاء الهی می‌پیوندند.[1] احیای این شب و نیایش و نماز در این شب، ثواب فراوان دارد. روایات زیاد در این مورد از امامان معصوم رسیده است.[2]

---

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، پیشین، ص ۹۷. ۲. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، پیشین، ص ۵۸۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در برخی از جاهای هزاره‌جات، احیای شب عاشورا مرسوم است، به ویژه جوانان خود را در این شب برای سینه زنی و نوحه خوانی آماده می‌کنند. در بعضی جاها رسم است، که هیئت سینه زنی در این شب هفت «علم» را زیارت می‌کنند و به دهات اطراف قریه خود رفته، علمی که در تکیه خانه آن ده است زیارت می‌کنند و بر این باورند که زیارت هفت علم در این شب اجر و پاداش اخروی فراوان دارد! وقتی به تکیه خانه ده دیگر می‌رود اطراف علم آن تکیه خانه سینه می‌زند و هیأت آن حسینیه نیز از آن‌ها پذیرایی می‌کند و خوش آمد می‌گوید. البته این پدیده در زمانهای قدیم به شدت اجرا می‌شد و رایج بود، ولی اکنون در بسیاری از جایهای هزارستان رخت بسته است، از بین رفته. بسیارکم در برخی از مناطق اجرا می‌گردد.

روز دهم محرم، یکی از غم انگیزترین روزهای سال برای شیعیان است. ماتم عمومی پیروان علی (عَلَیهِ السَّلام) در سراسر کوره خاکی در این روز جانگاه، است و برای مولا و آقای خود بر سینه و سر می‌زنند و عزاداری می‌کنند. سال ۶۱ هـ در چنین روزی بود، که سیدالشهد حسین بن علی (عَلَیهِ السَّلام) همراه ۷۲ تن [۱] یا کمتر و بیشتر در برابر لشکر انبوه عبیدالله بن زیاد - استاندار یزید بن معاویه در کوفه - و عمرو بن سعد، فرمانده ابن زیاد در کربلا صف آرایی نمودند و پس از جنگ نمایان دو لشکر در این روز، که مصادف با روز جمعه بود [۲] حضرت و یارانش به دست سپاه کور دل ابن سعد در سرزمین «کربلا» به شهادت رسیدن و سر آن حضرت را شمر بن ذی الجوشن پس از شهادت امام از تن مبارک آن حجت خدا جدا نمود. [۳]

در این روز تمام مردم هزارستان اسلامی، مثل سایر برادران مسلمان خود، عزادارند. برادران اهل سنّت نیز این روز را گرامی می‌دارند، خیرات و صدقات به نیازمندان می‌دهند. بسیارشان دست از کار می‌کشند. شیعیان و هزاره‌ها بدون استثنا در این روز به تمام معنا عزادارند. چهره‌ها غمگین، دست‌ها در بغل، شبیه کسی که عزیزترین فرد خانواده‌اش از دنیا رفته است. در شهرها غالباً در ماه محرم و روز عاشورا، مردم شیعه و هزاره لباس سیاه به تن می‌کنند و تکیه خانه‌ها نیز با پارچه‌های مشکی (سیاه) سیاه پوش می‌گردد؛ ولی در هزاره‌جات چنین سنتی وجود ندارد. در عزاداریها و ماه محرم، به ویژه روز

---

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، پیشین، ص ۹۸.
۲. همان، ص ۹۱ و ۱۱۶.
۳. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط ثبتی است.

عاشورا پوشیدن لباس مشکی مرسوم نیست اگر باشد اندک است. در این دهه‌های اخیر کم و بیش رایج گردیده است. با این که لباس سیاه نمی‌پوشد - چون لباس مشکی نشانه عزاداری بین مردم هزارستان تلقی نمی‌شود - ولی چهره و رفتار شان حاکی از سوگواری است. در این روز هزاره‌ها نمی‌خندند. کودکان و نوجوانان بازیهای معمول، که در روزهای سال دارند مثل توپ بازی، فوتبال و... در این روز کاملاً تعطیل است. بین هزاره‌ها رسم است، که وقتی هم دیگر را می‌بینند سلام می‌دهند و احوالپرسی (جور و به خیری) می‌کنند و حال همدیگر را جویا می‌گردند. اما در این روز به خاطر احترام روز عاشورا وقتی هم دیگر را بین ده می‌بینند فقط سلام می‌کنند، دیگر احوالپرسی و دست دادند وجود ندارد. هزاره‌ها بر این باورند که احوالپرسی و دست دادن در این روز، بر خلاف شیوه عزاداری است و می‌گویند امام حسین و یارانش در این روز به چه سختی و غم بزرگ مبتلا بود، ما به همدیگر احوالپرسی کنیم و دست بدهیم، این نادرست است.

بدون استثناء تمام هزاره‌ها در این روز، دست از کار می‌کشند و تمام کارهای روزمره در هر فصلی، محرم باشد، فرق نمی‌کند، تعطیل می‌گردد. بسیاری بر این باورند، که در این مقطع زمانی کار حرام است، اگر کسی کار کند و حاصلی از کارش به دست آورد، این حاصل و منفعت همانند آن اموالی است که لشکریان ابن سعد در بعد از ظهر عاشورا از خیام اهل بیت و یاران امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) به دست آورده‌اند. در این روز شیر حیوانات شیر ده را نمی‌دوشند و یا اگر می‌دوشند در خانه ذخیره نمی‌کنند. تماماً به عزاداران می‌دهند و بین آنان تقسیم می‌کنند. در بسیاری از هزاره‌جات زنان و مردان هزاره، بچه‌ها به طبع آن، در این روز صبحانه صرف نمی‌کنند، می‌گویند با امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) و یارانش باید همراهی کنیم. آنان در این روز تشنه و گرسنه بودند تا جام شهادت نوشیدند و ما نیز نباید، آب و غذا صرف کنیم. خودداری از غذا تا زوال ظهر ادامه دارد، بعد از آن که غالباً جلسات سخنرانی نیز به پایان می‌رسد، غذا صرف می‌کنند. هزاره‌ها روزه گرفتن در این روز را حرام می‌دانند. اگر کسی در این روز کار کند حادثه‌ی ناگوار و تلخی برای او پیش خواهد آمد و درین مورد داستانها دارند از کسانی که در این روز کار کرده و حادثه تلخ بر آن فرد پیش آمده است. فضای این روز، فضای سوگواری است و عزاداری، حرکات و سکنات و رفتار هزارها مبین این مساله است. روز عاشورا برای اهل سنّت افغانستان نیز مورد تعظیم است. محرم سال ۱۴۲۶ روز تعطیل عمومی از سوی دولت اعلام شد و تمام

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ادارات تعطیل شد.

غالباً جلسه روضه خوانی و سخنرانی و سینه زنی ساعت ۷ و ۸ صبح روز عاشورا شروع می‌شود. زن و مرد در این جلسه شرکت می‌کنند. تکیه خانه‌ها در هزارستان بدون استثنا طوری درست شده، که جای مردان از زنان تفکیک شده است. قسمتی از حسینیه اختصاص به زنان دارد و پرده بین زنان و مردان حایل است. عزاداران مرد، جای مردان و عزاداران زن جای مخصوص بانوان می‌روند و جلسه با سوز آه و ماتم شروع می‌شود.

در این روز تمام ذاکرین و روحانیون می‌خوانند. غالباً اولین ذاکر از شهادت اصحاب ابا عبدالله (عَلَیهِ السَّلام) می‌خوانند. در بسیاری از هزاره‌جات این طور مرسوم است، که هیچ یک از ذاکرین قبل از ذاکر و ملای بزرگ حق خواندن واقعه شهادت امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) را ندارند. مقتل امام باید وسیله آخوند بزرگ خوانده شود. اگر ذاکرین دیگر، مقتل امام را بخوانند، هم مردم حاضر در جلسه بد می‌دانند و هم آخوند بزرگ. غالباً روحانی بزرگ هنگامی که بالای منبر رفت، مقتل یک یک از اصحاب و جوانان برجسته امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) را می‌خواند تا نوبت به مقتل امام می‌رسند. روحانی، مقتل‌هایی مثل حر، بریر، حبیب، زهیر، علی اصغر، علی اکبر، قاسم، ابوالفضل العباس و... را می‌خواند و در آخر مرثیه سید الشهدا (عَلَیهِ السَّلام) را. در بسیاری از جاهای هزارستان مرسوم است، بعد از خواندن مقتل هر شهید یاد شده، روحانی «شیون» می‌دهد و سینه زنها و زنجیر زنها را به سینه‌زنی و زنجیر زنی دعوت می‌کند. سینه زنها نیز نوحه همان شهیدی که مرثیه‌اش وسیله روحانی خوانده شده می‌خوانند. و این رسم و هنجار در جاهای از هزارستان است که شیوه سینه زنی به صورت دوره‌ای است، ما قبل از این در مورد این موضوع توضیح دادیم. جاهای که سینه زنی دوره‌ای رایج نیست غالباً بعد از اتمام سخنرانی خطیب بزرگ، سینه زن‌ها و زنجیرزنان، سینه و زنجیر می‌زنند و نوحه می‌خوانند.

در برخی از جاهای هزاره‌جات، وقتی روضه علی اصغر خوانده می‌شود پس از اتمام روضه، گهواره‌ی علی اصغر آورده می‌شود. پارچه سفیدی را روی گهواره طفلی می‌گذارد و قسمت‌های آن پارچه سفید آغشته به رنگ قرمز (سرخ) می‌گردد. این کارها در بیرون از جلسه عزاداری انجام می‌شود، هنگامی که روحانی رو به اتمام روضه علی اصغر است، یکی از آن جمع که عهده‌دار گهواره است، آن

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

را بالای سر خود می‌گیرد و دو سه نفر از آن مواظبت می‌کنند تا زمین نیفتد ـ در اثر هجوم عزاداران ـ گهواره بین مردان و پس از آن بین زنان گردانده می‌شود. عزاداران گهواره را به یاد گهواره علی اصغر می‌بوسند و مقداری پارچه یا پول نقد بین گهواره می‌اندازند. کسی که گهواره را بین عزاداران می‌چرخاند، ابیاتی مثل ابیات زیر را با صدای حزن بار و اندوهگین می‌خواند:

زینب از خیمه بیرون شو — بنگر که اصغر آمده
لب خشک رفته در سفر — از خون گلوتر آمده
وقتی به دوش باب بود — چشمش به میل خواب بود
بی تاب بهر آب بود — سیراب پیکان آمده [1]

در این هنگام فضای مجلس پر از غم و اندوه است، عزاداران با باران اشک خود گهواره را استقبال و بدرقه می‌کنند. گاه صدای گریه و شیون چنان زیاد می‌گردد که آواز نوحه خوان علی اصغر، در بین صدای گریه، گریه کنندگان گم می‌شود. در برخی از جاهای هزارستان اسلامی به جای گهواره علی اصغر، علم حضرت عباس را مثل گهواره بین عزاداران می‌گرداند و سوگواران پارچه و پول به علم می‌اندازند.

پس از ختم سخنرانی و مرثیه خوانی و نوحه زنی از سوگواران پذیرایی می‌شود. هر خانهٔ هر مواد غذایی که درست کرده به تکیه خانه می‌آورند و دسته جمعی صرف می‌کنند. در برخی از جاها، صبح عاشورا از هر خانه روغن و آرد جمع می‌کنند حلوای سرخ (آرد + روغن + سمنو + آب) می‌پزد و پس از مراسم عزاداری آن غذا را مردان در حسینه مصرف می‌کنند و برای زنان به خانه‌ها می‌فرستند، با در نظر داشت اعضای خانواده، حلوای سرخ را به خانه‌ها تقسیم می‌کنند. در برخی از مناطق هزاره‌جات، عزاداری روز عاشورا به همین جا خاتمه می‌یابد، ولی خواندن، شب‌ها تا ۱۲ و ۱۳ محرم غالباً ادامه دارد.

در بعضی از مناطق هزاره نیشین دوره خوانی، بعد از ظهر عاشورا و گاه از روز یازده هم شروع می‌گردد و گاه به مدّت چند روز ادامه می‌یابد. دوره خوانی آن است که عزاداران یک ده همراه روحانی و علم خود به قریه‌های نزدیک خود می‌روند و اهل آن قریه نیز جای این‌ها می‌آیند. وقتی علم مهمان

---

۱. نقل شده از آقای عبد الله غفاری، ۵۵ ساله، سواد خواند و نوشتن.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) ۰ از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نزدیک قریهٔ میزبان رسید شروع به نوحه خوانی می‌کند. قریهٔ میزبان نیز جوانان و میانسالان را همراه علم و روحانی خود مقداری بیرون از ده به استقبال علم مهمان می‌آید اینان نیز سینه می‌زنند و نوحه می‌خوانند وقتی دو علم یکجا شد، هر دو یکجا سمت قریه‌ی می‌زبان می‌رود و در تکیه خانه خواندن می‌شود و هر دو روحانی محل و گاه چند علم در یک قریه می‌رود، چند ذاکر که وجود دارند همه می‌خوانند و قریه‌ی می‌زبان پس از خواندن از سوگواران و مهمانان پذیرایی می‌کنند و غذا می‌آورند و غذا صرف می‌گردد. البته پدیده‌ی دوره خوانی در بعضی از جاهای هزاره‌جات فعلاً کم رنگ شده است خیلی زیاد اجرا نمی‌گردد.

در قسمت‌هایی از هزاره‌جات اگر قریه‌ای جمعیت زیاد داشته باشد و روحانی بزرگ، قریه‌های کوچک اطراف روز عاشورا در این قریهٔ بزرگ جمع می‌شود و مجلس عزایی بزرگ تشکیل می‌دهند. قریهٔ بزرگ از آنانکه از اطراف آماده به گرمی استقبال می‌کنند و پذیرایی. در این هنگام که همه قریه‌های کوچک به قریه بزرگ آمد، تمام روحانیون که از اطراف همراه هیئت آمده‌اند و روحانیون که در خود قریه بزرگ است همه به نوبت می‌خوانند. رقابت شدید چه بسا بین این روحانیون به وجود می‌آیند. هر کدام تلاش می‌کند از دیگری بهتر بخوانند و مردم را بیشتر به گریانند و از عزاداران اشک زیاد بگیرند. همانگونه که گذشت دوره خوانی در برخی از جاها تا ۱۴ و ۱۵ محرم ادامه دارد.

ارزیابی هنجارهای شب و روز عاشورا

بدون تردید شب و روز عاشورا، یکی از زمانهای بزرگ برای مسلمانان و شیعیان امام علی (عَلَیهِ السَّلام) است. روایات از معصومین در فضیلت احیای این شب نیز وارد شده است که احیای شب عاشورا و دعا و نماز در این شب پاداش فراوان دارد.[1] اما آنچه در برخی از جاهای هزاره‌جات به نام زیارت هفت علم در این شب رایج است و معتقد به ثواب داشتن این کار است مدرک و دلیل شرعی ندارد. روایتی در این مورد نرسیده است؛ ولی اینکه این رسم به چه مناسبت و در چه زمان رایج شده دقیقاً معلوم نیست و خود هزاره‌ها نیز از آن آگاهی ندارند. البته این کار حرمت شرعی نیز ندارد، هنجاری است که به مناسبتی خاص ـ احتمالاً ـ به وجود آماده است و حالا به صورت یک رسم شده،

---

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، پیشین، ص ۵۸۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بدون اینکه توجّه به مسائل دیگر آن داشته باشد.

روز عاشورا از روزهای بزرگ و غم اندوه برای مسلمانان است. علمای ما توصیه به عزاداری و سینه زنی در این روز نموده‌اند[۱] و روایاتی نیز در این مورد از معصومین (عَلَیهِمُ السَّلام) صادر شده، به عنوان نمونه یک روایت از امام رضا (عَلَیهِ السَّلام) نقل می‌شود:

«مَنْ کَانَ یَوم عاشورا یَومَ مُصیبَتِه و حُزنِهَ وَ بُکائه یَجعَلُ الله یَومَ الْقِیامَةِ یَومَ فَرَحِه وَ سُرُوره؛[۲] هر که روز عاشورا، روز سوگواری و اندوه و گریه او باشد، خداوند روز قیامت را روز شادی و سرور او قرار می‌دهد.»

از روایت ذکر شده به خوبی استفاده می‌شود که در روز عاشورا باید مؤمنان عزادار و سوگوار باشند. و هزاره‌ها این مسأله را با توجّه به آموزه‌های مکتبی خود، که دارند به خوبی عمل می‌کنند.

گفته شد که بسیاری از هزاره‌ها، در این روز کار را حرام می‌دانند، در این مورد روایت به خصوصی در حرمت کار در روز عاشورا از زبان ائمّه (عَلَیهِمُ السَّلام) صادر نشده است، دست کم در کتاب‌های معتبر روایی فعلی شیعه نیست، همانگونه که ذکر شد روایات از ائمّه صادر شده که در این روز عزاداری خوب است و سزوار و خوب است به کارهای روزمرّه مشغول نباشد، چنانچه از امام رضا (عَلَیهِ السَّلام) نقل شده:

«کسی که از نیازمندی‌های روزانه‌اش در روز عاشورا دست بکشد، خدا نیازمندیهای دنیا و آخرت او را برآورده می‌کند.»[۳]

از این قبیل روایات، حرمت کار در روز عاشورا استفاده نمی‌شود. تا هنوز هم هیچ مرجع دینی فتوا به حرمت کار در روز دهم محرم نداده‌اند. در عین حال همین مراجع بزگوار مؤمنان را به برپایی عزاداری سید الشهدا در این روز و دهه اوّل محرم دعوت می‌کنند. بنابر این آنچه که هزاره‌ها انجام می‌دهند و در این روز دست از کار می‌کشند مشغول عزاداری اند کاری است نیکو و حسن، اما اعتقاد به حرمت کار در این روز ناصواب است.

---

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، پیشین، ص ۵۸۱.

۲. محمّد محمّدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، تلخیص سید حمید حسینی، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، سازمان چاپ، نشر دارالحدیث، چ ۲، ۱۳۸۳، ص ۳۸۲.

۳. شیخ صدوق، امالی شیخ صدوق، قم، تحقیق مؤسسه بعثت، م بعثت، چ ۱، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۹۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و... اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دوره خوانی رسمی است که در مرور زمان به وجود آمده و در بسیاری از جاهای هزارستان اسلامی اجرا می‌گردد. در این مورد نیز روایت و آیه خاص نداریم. روایات که دستور به عزاداری و سوگواری امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) می دهد، شامل این پدیده نیز می‌گردد بنابر این دورهٔ خوانی نیز کار نیکو و حسن است.

۵ - ۱. پایین آوردن علم و ختم مراسم عزاداری و ارزیابی آن

یکی از هنجارهای که در دهه اوّل محرم اجرا می‌شود پایین آوردن علم است که طی مراسم ویژه انجام می‌گردد. در طول شب‌های خواندن، زنان به علم پارچه‌های قیمتی از یک دو متر تا سه متر، هر نفر می‌بندند. محاسن سفیدان وقتی علم را تا می‌کنند پارچه‌ها را از علم باز. این کار وسیله مردان محاسن سفید و موجه ده همراه روحانی مجلس، انجام می‌گیرد. شبی که علم پایین می‌شود، غالباً نذر می‌کنند. از قبیل درست کردن حلوای سرخ و یا دیگر غذاهای معمول. پس از صرف غذا و خواندن، با ذکر صلوات علم را از ستون تکیه خانه باز می‌کنند وسط جلسه می‌گذارند، بزرگ مجلس پارچه‌هایی را که به علم بسته شده یکی، یکی از علم باز می‌کند. این پارچه‌ها، غالباً از آن روحانی بزرگ و دیگر ذاکرین است وگاه سینه زن‌ها نیز مورد توجّه قرار می‌گیرند و چند متر پارچه به آنها می‌دهند. وقتی علم تا شد مراسم عزاداری ختم می‌شود. پس از آن جلسه‌ی سوگواری رسماً خاتمه شده تلقّی می‌گردد. تا کردن علم گاه در روز یازدهم محرم است. در برخی مناطق روز دوازدهم محرم‌است و در برخی جاها چهاردهم و پانزدهم.

۶ - ۱. بدرقه و اجرت روحانی و ارزیابی آن

وقتی علم به اصطلاح هزاره‌ها «تا شد» مراسم دهه اوّل محرم خاتمه می‌یابد. نوبت به بدرقه و خداحافظی با روحانی که در مدّت ده دوازده روز ذاکر بوده و سخنران و مرثیه خوان، می‌رسد. این کار در بسیاری از مناطق هزارستان با تشریفات ویژه صورت می‌گیرد. در برخی از مناطق، تمام محاسن سفیدان در تکیه خانه گرد هم آمده با روحانی خداحافظی می‌کنند و از ایشان درخواست پوزش از اینکه ممکن است در این مدت خوب «خدمت و حرمت» نشده باشد، متقابلاً روحانی نیز از بزرگان ده

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

طلب بخشش و عفو دارد.

در همین جلسه حق الزحمه یا «اجرت آخوند» به کف دستش داده می‌شود. نذرها و حیوانات که در طول این ده دوازده روز ذبح شده، سینه و پوست آن از روحانی است. اگر محرم در فصل بهار و تابستان باشد غالباً پوست‌ها به فروش می‌رسد قیمت آن نقد به روحانی پرداخت می‌گردد و پارچه‌های که در این مدّت اهالی ده به علم حضرت عباس (عَلَیهِ السَّلام) بسته نیز از آن روحانی است و اندکی از آن به دیگر ذاکرین و سینه زنها و خادم حسینیه تعلق می‌گیرد.

در برخی از جاهای هزارستان، حق الزحمه روحانی به همان مقداری که یاد شد، خلاصه می‌گردد و دیگر چیزی به او نمی‌پردازد. ولی در برخی از مناطق هزاره‌جات پولی خوبی به آخوند می‌پردازند. این حق الزحمه گاه به صورت نقد است، که سقف آن تا هفتاد هزار افغانی (معادل هفتصد هزار تومان) می‌رسد و گاه به صورت جنس، گندم و گوسفند پرداخت می‌شود. البته اجرت زیاد از روحانیونی است که به مرور زمان نام و آوازه کسب کرده‌اند، ولی به ذاکرین معمولی اجرت اندکی، حدود ده هزار تا بیست هزار افغانی بیشتر داده نمی‌شود.

در بعضی از مناطق هزاره‌جات، روحانی را تا خانه و دهش می‌رسانند، عدّه‌ای از بزرگان ده و محل همراه روحانی شده، او را محترمانه به منزلش می‌رسانند. البته دست خالی نیست، غالباً همراه خود حلویّات و گوشت قدید نیز می‌آورند. خانواده روحانی متقابلاً از هیأت همراه به گرمی پذیرایی و استقبال می‌کنند.

یکی از راههای تأمین معاش روحانی و آخوند در هزاره‌جات همین پولی است که در دهه اوّل محرم بازای خواندن و روضه از سوگواران حسینی دریافت می‌کنند. لذا روحانیون که دارای نام و آوازه در مرثیه خوانی و سخنرانی است، قبل از به عهده گرفتن جلسه، حق الزحمه خویش را تعیین می‌کند و در آخر همان مبلغ مشخص شده را، از افرادی که در اوّل محرم روحانی را برده، دریافت. غالباً سوگواران با رضایت و رغبت حق زحمه آخوند را می‌دهند. این اجرت که به روحانی داده می‌شود، گاه از هر خانه اهل محل بالسویه اخذ می‌گردد و در بسیاری موارد داوطلبانه اهل ده هرکه به قدر توان خود می‌پردازد. پس از آن پول جمع شده را به روحانی می‌پردازند و اندکی نیز به خادم تکیه خانه.

در بعضی جاها، برخی از مردم هزاره، پولی را که به نام اجرت آخوند به وی می‌پردازند در دل

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نیت سهم امام و یا زکات می‌کنند. لازم است اندکی در این مورد بحث شود که آیا اجرت گرفتن روحانی در ازای خواندن مرثیه و سخنرانی از دیدگاه اسلام چه حکم دارد؟ اگر سوگواران این اجرت را به جای سهم امام (عَلَیهِ السَّلام) و یا زکات که در ذمه شان است، مجرا نمود چه حکم دارد؟ در فقه علما بحث کرده‌اند که اجرت گرفتن از کاری که به انسان واجب عینی است حرام می‌باشد. برخی کارهای که واجب کفایی است نیز اجرت گرفتن در ازای آن را علما حرام می‌دانند. مثل پول گرفتن در برابر غسل و کفن و دفن میّت. و نیز در تعلیم و آموزش حلال و حرام الهی، برای معلّم اخذ اجرت حرام است. اما گرفتن اجرت به ازای تعلیم قرآن کریم و آموزش آن و کتابت قرآن اشکال ندارد، معلم قرآن می تواند در برابر تعلیم که به دیگران می‌دهند پول دریافت کنند.(۱)

روحانی که در دهه اوّل محرم جلسات سوگواری شیعیان را در هزارستان اسلامی اداره می‌کند، قسمتی از وقتش صرف در بیان احکام حلال و حرام و بیان مسائل فقهی می‌گردد، که قبل از سخنرانی چند مسأله فقهی می‌خواند و در بسیاری از جاها این سنّت مسأله گویی قبل از سخنرانی اصلاً وجود ندارد. بنابر این گرفتن اجرت در برابر سخنرانی و مرثیه خوانی شهیدان نینوا اشکال ندارد؛ چون اخذ اجرت فقط در برابر بیان احکام حلال و حرام، اشکال داشت، سخنرانی و مرثیه خوانی بیان احکام نیست. علاوه بر آنچه گفته شد، سیره ائمّه (عَلَیهِمُ السَّلام) بر این بود که اگر شاعری مرثیه سید الشهدا (عَلَیهِ السَّلام) می‌خواند امامان معصوم (عَلَیهِمُ السَّلام) هدایای گران به آنان می‌بخشید و ما چند نمونه از آن موارد را می‌آوریم.

الف. روزی شاعر عرب از اهل کوفه به نام کمیت بن زید اسدی (متوفی ۱۲۶ ق) خدمت امام محمّد باقر (عَلَیهِ السَّلام) آمد و در مجلس آن حضرت نشست خطاب به امام گفت: فدایت شوم اجازه می‌دهی قصیده‌ای (در مدح شما) بخوانم؟ امام فرمود: بخوان. پس او قصیده‌ی خواند. پس از آن امام باقر (عَلَیهِ السَّلام) به غلامش فرمود: کیسه زر که درون خانه است بیار به کمیت بده.

دوباره کمیت شاعر درخواست اجازه خواندن شعر کرد و هر بار امام اجازه می‌داد و کمیت شعر می‌خواند و پس از شعر امام به غلام خویش دستور می‌داد کیسه‌ی زر را به کمیت بده و او هم این کار را انجام می‌داد. پس از آن کمیت به امام گفت من اشعاری راکه در مدح تان گفتم برای متاع دنیا نبود بلکه

---

۱. امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۱، پیشین، ص ۴۹۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

به خاطر ارادت و محبّتی است که به شما دارم و ادای حقی است که شما به من دارید.[۱]

ب. در روز نوروزی منصور دوانقی، خلیفه عباسی، به امام کاظم (عَلَیهِ السَّلام) گفت: بنشینید که مردم برای تهنیت پیش شما بیایند. امام قبول نکرد. بالاخره پس از فشار خلیفه امام از باب تقیه پذیرفت که مردم خدمت امام بیایند. هرکه می‌آمد هدایایی به حضرت می‌داد، فردی از سربازان منصور بالای سر امام کاظم (عَلَیهِ السَّلام) تحفه‌ها را شمارش می‌کرد. آخرین نفری که خدمت امام آمد پیرمردی بود مسن و ناتوان خطاب به حضرت گفت:

«ای فرزند رسول خدا! من مردی فقیرم مالی ندارم که به شما هدیه کنم [ولی] سه بیت [شعر] از جدم دارم که در [مرثیه] جدتان حسین (عَلَیهِ السَّلام) گفته است. امام فرمود: بنشین هدیه تو را پذیرفتم خدا به تو مبارک گرداند. حضرت سرش را به طرف خادم بلند کرده فرمود: پیش امیر المؤمنین [منصور دوانقی، خلیفه عباسی، حضرت از باب تقیه فرموده است.] برو، مقدار اموال را به او بگو و سؤال کن با این چه کار می‌کنی؟ سرباز پیش منصور رفت [برای کسب تکلیف] و برگشت گفت: [خلیفه] می‌گوید تمام آن اموال را به تو بخشیدم، هر طور می‌خواهی بکن. پس از آن امام (عَلَیهِ السَّلام) به پیرمرد فرمود: تمام آن اموال را به تو بخشیدم و آن اموال را قبض کن.»[۲]

امام هفتم (عَلَیهِ السَّلام) تمام آن اموال که روز نوروز مردم به حضرت آورده بود، در برابر سه بیت شعر که پیرمرد فقیر در رثای سید الشهدا خواند، بخشید. از این داستان فهمیده می‌شود که ائمّه همان هدایای که برای شاعران، که شعر را می‌سرود می‌داد، برای کسانیکه شعر نمی‌سرود، ولی شعر می‌خواند، نیز می‌داد. مهم خواندن اشعار در مدح و رثای سالار شهیدان است، چه بسراید و بخواند و چه شعرهای دیگران را بخواند.

ت. دعبل بن علی خزاعی از شاعران برجسته‌ای است که به محبت ورزیدن به اهل بیت پیامبر (صَلَی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) آوازه دارد و اهل کوفه است. وی در سال ۲۶۴ ق به لقای الهی پیوست.[۳] این شاعر توانا، روزی در خراسان خدمت امام رضا (عَلَیهِ السَّلام) شرفیاب گردید و اشعاری در رثای سید

---

۱. شیخ مفید (محمّد بن محمّد) الاختصاص. تصحیح و تعلیقه‌ی علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ ۶، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۷۲.

۲. محمّد بن علی بن شهر آشوب. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، پیشین، ص ۳۱۹.

۳. میرزا حسین نوری، لؤلؤ و مرجان. ویرایش حسین استاد ولی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۵، ص ۴۶، پاورقی.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط تندنی است.

الشهدا خواند. حضرت در حق او دعا فرمود. پس از آن «از دینارهایی که اسم حضرت در آن ضرب شده بود (چون زمان ولیعهدی حضرت بوده) صد دینار به دعبل داد» دعبل به حضرت گفت من به خاطر این پول، شعر نخواندم و دینارها را به حضرت بازگرداند و خواستار جامه‌ای از جامه‌های امام شد. امام به درخواست دعبل پاسخ فرمود، جامه خزی که داشت همراه آن صد دینار به دعبل داد.(۱)

نمونه‌های یاد شده، یادآور گوشه‌ای از سیرهٔ ائمّه هداست در مورد تکریم مرثیه خوان‌های سید الشهدا (عَلَیهِ السَّلام)، با توجّه به مطالب گذشته تردیدی در حلیّت گرفتن اجرت برای روحانی نمی‌ماند و اخذ اجرت حلال است و بدون اشکال.(۲) رفتار مراجع فعلی قم نیز موید آن است؛ چون بسیاری از مراجعی که در دهه اوّل در بیت و یا دفتر خود جلسه سوگواری و عزاداری دارند پول قابل توجّه به خطیب و مدّاح می‌پردازند.

گفته شد در برخی موارد، هزاره‌ها پولی که به نام اجرت به روحانی می‌دهند به جای سهم یا زکات حساب می‌کنند. در مورد حکم این مطلب از یکی از مراجع(۳) فعلی قم استفتا نمودم؛ معظم له فرمود اگر به جای سهم امام حساب کند نیاز به اجازه مرجع تقلید دارد، ولی اگر به جای زکات باشد نیاز به اجازه ندارد، می‌تواند پولی را که به روحانی به نام اجرت داده است به جای آن حساب کند و نیاز به اینکه به روحانی یاد آور شود نیست.

۷ - ۱. نقد و بررسی کلی از هنجارهای دههٔ اول محرّم

بدون تردید یکی از نیکوترین سنّت‌های حسنه بین شیعیان و هزاره‌ها همین گرامی داشت دهه اوّل محرم است. در ابتدای بحث یادگردید، که تاریخ دقیق ورود این سنّت بین هزاره‌ها وجود ندارد. منابع مکتوب و غیر مکتوب در دسترس نیست، تا نشان دهد در فلان تاریخ این هنجار و فرهنگ بین مردم هزاره رایج گردیده، بله، در ورود تشیع و اسلام در افغانستان و هزارستان اسلامی شواهد زیاد وجود دارد که در همان دهه‌های نخست قرن اوّل هجری، پدران این مردم به تشیع و اسلام گرویدند و

---

۱. حسین شاکری، موسوعة المصطفی و العزه (۱۷ ج)، ج ۶، حسین الشهید، قم، نشر الهادی، چ ۱، ۱۴۱۵ ق، ص ۴۶۷.

۲. رجوع شود به میرزا حسین نوری، لؤلؤ و مرجان، پیشین، ص ۴۷ - ۱۱.

۳. حضرت آیت الله محقق کابلی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۸ = ۷ ذیحجه ۱۴۲۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اندکی از شواهد در مباحث گذشته نگاشته شد.

روایات زیادی از ائمّه ما، در مورد اقامه عزاداری در دهه اوّل محرم و به ویژه روز عاشورا رسیده است. امام رضا (عَلَیهِ السَّلام) فرمود در جاهلیت قتال در ماه محرم حرام بود، ولی عده‌ای از ظالمان، حرمت ما را در این ماه شکستند. زنان ما را اسیر نمودند و خیمه‌های ما را آتش زدند و حرمت رسول خدا را نگه نداشتند. روز قتل حسین، چشمهای ما را گریان ساخت، برگریه کننده‌ها است که بر حسین (عَلَیهِ السَّلام) بگریند و گریه بر آن مولای شهیدان گناهان بزرگ را محو می‌کند. ثمّ قَال (عَلَیهِ السَّلام):

«کانَ اَبی اِذا دَخَلَ شَهرُ المُحرَّم لایَری ضاحِکاً وَ کانَت البُکاءُ تَغلب عَلَیه حَتّی یمضی مِنه عَشرةَ ایّام فَاِذا کانَ یوم العاشِر کانَ ذلِکَ یَومَ مُصیبتِهِ وَ حُزنِه وَ بُکائِه وَ یَقُولُ هوَ الْیَومُ الَّذی قُتِلَ فِیه الحُسین؛[1] سپس امام رضا (عَلَیهِ السَّلام) فرمود: هنگامی که ماه محرم داخل می‌شد پدرم [امام کاظم (عَلَیهِ السَّلام)] خندان دیده نمی‌شد، غالباً گریه می‌کرد تا زمان که دهم محرم می‌شد، وقتی دهم محرم فرا می‌رسید این روز، روز مصیبت و اندوه و گریه او بود [پدرم] می‌گفت روز دهم [محرم] همان روزی است که حسین کشته شد.»

در روایات دیگر امام هشتم (عَلَیهِ السَّلام) خطاب به دعبل خزاعی، شاعر مدیحه سرای اهل بیت (عَلَیهِمُ السَّلام) فرمود:

«یا دِعْبِل اُحِبُّ اَن تَنشدنی شِعراً فَانّ هذَا الایّامَ، ایّامَ حُزن کانَت عَلَینا اَهْلَ البَیت وَ اَیّام سُرورٍ عَلی اَعدائِنا خُصُوصاً بنی اُمیَّه؛[2] ای دعبل دوست دارم شعری بخوانی [در رثای حسین (عَلَیهِ السَّلام)]؛ این روزها [دعبل روز عاشورا خدمت امام می‌آمد، مراد از روزها، ماه محرم است] روزها اندوه ما اهل بیت و خوشحالی دشمنان ما اهل بیت، به ویژه بنی امیّه است.»

از این روایت «خورشید خراسان» به دست می‌آید که ماه محرم دست کم نصف اوّل این ماه، روزهای سوک و اندوه اهل بیت است. در روایتی دیگر، که شیخ صدوق در امالی خود، آن را آورده است، امام هشتم خطاب به یکی از اصحابش به نام شبیب می‌فرماید:

---

۱. شیخ صدوق، امالی شیخ صدوق، پیشین، ص ۱۹۱، (مجلس ۲۷ روز جمعه اوّل محرم ۳۶۸ ق).

۲. حسین شاکری، موسوعة المصطفی و العتره، ج ۶، پیشین، ص ۴۶۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط هستی است.

«فَاحزَنْ لِحُزنِنا وَ اَفْرَحْ لِفَرَحِنا؛[1] در اندوه ما (اهل بیت) اندوه ناک، در شادی و سرور ما مسرور باش.»

روایت اوّل و دوّم می‌رساند که ایّام محرّم، روزهای سوگ و اندوه اهل بیت (عَلَیهِمُ السَّلام) است. روایت سوم این پیام را دارد که شیعیان ما در اندوه ما اندوه ناک باشد حاصل این دو دسته روایت این است که در ایام محرم سزاوار است شیعیان عزاداری و سوگواری سید الشهدا (عَلَیهِ السَّلام) کنند. هزاره‌ها با توجهه و آگاهی‌های که از مکتب خود دارند، ماه محرم را، ماه عزا می‌دانند و در دهه اوّل آن، جلسات سوگواری به پا می‌کنند و به یاد مظلومیت‌های مولای خود حسین اشک ماتم می‌ریزند. در این ماه هزاره‌ها از کارهای شادی آور پرهیز می‌کنند، مراسم عروسی و جشن در این ماه مطلق بین آنان برگزار نمی‌گردد.

سوگواری اصلی بعد از روز دهم محرم است؛ چون از این روز است که مصیبت‌های فراوان به اهل بیت امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) و زینب کبری (سَلامُ اللهِ عَلَیها) و امام سجاد (عَلَیهِ السَّلام) وارد می‌شود، ولی متأسفانه جلسات سوگواری پس از روز یازدهم، نهایت چهاردهم محرم تعطیل می‌گردد.

اصل برگزاری مراسم سوگواری در دهه اوّل محرّم، یکی از هنجارهای نیکویی است که در جامعه هزاره وجود دارد و از سال‌های خیلی دور، همراه با گذر زمان طی طریق کرده و اکنون نیز به شدت اجرا می‌گردد. هزاره‌ها در این ایام میلیون‌ها ساعت کاری خود را به شنیدن سخنان خطیب و روضه خوان اختصاص داده‌اند با شوق و شور شرکت می‌کنند و میلیونها پول نقد و غیر آن، در راه سوگواری سالار شهیدان و یاران با وفای او خرج می‌کنند، ولی با وصف آن چه گفته شد، بسیاری از جلسات یاد شده بازدهی مناسب ندارد. بخشی قابل توجهی از سخنرانیهای خطیبان این جلسات، بار علمی و تاریخی ندارد، مطالب سست و بی پایه و خوابهای بی اساس و خواب آلود، در این گونه جلسات فراوان دیده می‌شود. خواندن روضه‌های دروغ و بی اساس فصلی دیگر است، که در این گونه مراسم‌ها غوغا می‌کنند. تحریفات که مرحوم میرزا حسن نوری، استادِ مرحوم شیخ عباس قمی و متفکر شهید مرتضی مطهری در ایران از آن سخن گفته‌اند و ناله کرده‌اند در جلسات سوگواری هزاره‌ها دو چندان وجود دارد، آن چه که در این جلسات کمتر خوانده می‌شود مقتل راست و درست است. روضه‌های مثل داستان حرکت امام از مدینه باکب کبه و محملهای زرین، داستان وجود لیلی در کربلا و

---

۱. شیخ صدوق، امالی شیخ صدوق، پیشین، ص ۱۹۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیداوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نذر او برای سلامتی علی اکبر (عَلَیهِ السَّلام)، نماز خوف خواندن امام در روز عاشورا، عروسی قاسم در روز عاشورا و... در این گونه جلسات فراوان خوانده می‌شود. در حالی که روضه‌های یاد شده را، بسیاری از بزرگان از جمله شهید مطهری،[۱] و مرحوم میرزا حسین نوری[۲] دروغ می‌دانند و بحق هم می‌گویند.

بسیاری از روضه‌ها چنان شاخ و برگ داده می‌شود که انسان از تعجب انگشت به دندان می‌گیرد. علاوه بر آنچه یاد شد، چند نمونهٔ دیگر از آن روضه‌های بی اساس که در منابع تاریخی و مقتل‌های معتبر نیامده است و در بین خطیبان و روضه خوانهای هزاره رایج می‌باشد، می‌آوریم:

الف. شب ۷ یا ۸ محرم ۱۴۲۶ یک روحانی مسن[۳] (بیش از ۶۵ سال) هزاره و از تحصیل کرده‌های حوزه نجف، در مورد بریدن سر امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) وسیله شمر با آواز حزین می‌خواند:

شمر وقتی می‌خواست سر امام حسین را از گلو جدا کند، در بالای سینه حضرت قرار گرفت. شمشیر را به گلوی امام کشید، آن هم چند بار، شمشیر گلوی مبارک امام را نبرید. آن لعین، شروع کرد به گریه و زاری و گفت ای فرزند رسول خدا، ای حسین تو از خانواده کرمی، هیچ کس از در خانه شما نا امید بر نگشته است. من هم امید دارم از بردن و بریدن سر شما جایزه می‌خواهم بگیرم، مرا نیز نومید برنگردان، شمر در این حین زاری بود، که صدای از سر مقدس امام بلند شد فرمود: ای لعین حرام زاده اگر می‌خواهی نومید نگردی مرا با پشت بخوابان و از پشت سرم را جدا کن! شمر نیز چنین کرد و شمشیر از پشت سر امام برندگی پیدا کرد و شمر سر حضرت را جدا نمود و به مرادش رسید. بعد روحانی محترم گریزی زد و گفت ای امام حسین ما که از شمر بدتر نستیم ماها (سخنران و مستمعین) حاجت داریم ما را هم از در خانه ات نومید بر مگردان!

من خودم که در این جلسه بودم و از چنین دروغی، آن هم از روحانی مسن که حوزه قم و نجف را دیده، تعجب کرده و غصه خوردم. ولی بسیاری از مخاطبان آقا به ویژه زنان چنان اشک می‌ریخت و گریه و ناله بود که وصف نداشت.

---

۱. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، تهران، صدرا، چ ۱۹، ۱۳۷۱، ص ۳۰ - ۱۸.

۲. میرزا حسین نوری، لؤلؤ و مرجان، پیشین، ص ۱۷۲ - ۱۶۷.

۳. این روحانی بزرگوار را می‌شناسم و ارادت به وی دارم.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بحث در این نیست که سر حضرت را از پشت سر برید یا جلو، چون در برخی از اسناد آمده است که سر مقدس امام از پشت جدا شده است. از جلمه در زیارت ناحیه مقدسه که منسوب به امام عصر حجت ابن الحسن العسکری است، آمده و نیز در خطبه‌ای که از امام سجاد (عَلَیهِ السَّلام) در شام در برخی از مقاتل آمده است، که سر مقدس امام را از پشت برید. سخن در این است که در تاریخ چنین مطلبی نیامده، که شمر از جلو نتوانست سر امام را جدا کند بعد شروع به زاری کرد، بالاخره از قفا برید.

در مورد بریدن سر حضرت امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) وسیله شمر، شیخ مفید نوشته است:

«خولی بن یزید اصبحی پیش دوید از اسب به زیر آمد که سر آن بزرگوار را جدا کند لرزه بر اندامش افتاد. شمر گفت: خدا بازویت را از هم جدا کند چرا می‌لرزی؟ و نزل شمر الیه فذبحه، ثم رفع رأسه الی خولی بن یزید؛ شمر [بر بالین امام] فرود آمد و سر آن حضرت را برید به طرف خولی بن یزید انداخت.»[۱]

در مقتل ابی مخنف آمده است که سر حضرت وسیله سنان ابن انس جدا شد، در کیفیت انجام آن نوشته است:

«سنان بن انس... به نزد آن حضرت فرود آمد و گلوی [مبارکش] را برید و سر [مبارکش] را جدا کرد. و آن را به خولی بن یزید واگذار نمود.»[۲]

در مقاتل الطالبیین نگاشته است، که سر حضرت وسیله سنان ابن انس نخعی بریده شد.[۳]

مرحوم سید ابن طاووس در مورد جدا کردن سر مقدس امام حسین نوشته است:

«خولی ابن یزید اصبحی آماده شد که سر حضرت را ببرد ولی لرزید، پس از آن سنان بن انس نخعی فرود آمد و با شمشیر به حلق شریف زد، در حالی که می‌گفت: به خدا قسم من سرت را می‌برم و می‌دانم که تو فرزند رسول خدایی و از پدر و مادر بهترین مردم هستی.»[۴]

---

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۷ - ۱۱۶.

۲. اود بن یحیی ابی مخنف (۵۱۷ ق)، نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا، تحقیق محمّد هادی یوسفی غروی، ترجمه جواد سلیمانی، قم، مؤسسه نشر و پخش آثار امام خمینی (ره)، چ ۲، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹.

۳. علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶ - ۲۸۴ ق)، مقاتل الطالبیین، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴.

۴. سید علی ابن طاووس (م ۶۶۴ ق)، اللهوف فی قتلی الطفوف، قم، انوار الهدا، چ ۱، ۱۴۱۷ ق، ص ۷۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بحث در این مسأله نیست که سر حضرت سیدالشهدا وسیله شمر بریده شد یا سنان ابن انس، چون این مسأله آنگونه که بیان گردید، مورد اختلاف تاریخ نگاران است. نقد اصلی در نقل داستان کیفیت بریدن سر حضرت است، که با چه شاخ و برگ ادا می‌گردد. همان شمشیرها و نیزهای که تمام بدن امام را سوراخ، سوراخ کرده است،[۱] حالا گلوی امام را نمی‌برد و امام نیز نمی‌خواهد شمر نومید برگشته و از جایزه که برای بریدن سر حضرت تعیین شده محروم بماند. البته اگر مسأله «کرامت» و اعجاز باشد بُعدی ندارد که شمشیر گلوی امام را نبرد ولی قرار نبوده جنگ و درگیری روز عاشورا با کرامت و اعجاز امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) حل شود و آن گونه که بیان شد در تاریخ معتبر از آن یاد نشده است، صرف امکان کرامت و اعجاز برای امام معصوم دلیل می‌گردد که هر چه دلمان خواست بگوییم و چیزهای که اصلاً اتفاق نیفتاده از آن سخن بگوییم؟ هرگز چنین جوازی وجود ندارد.

ب. ماه محرم امسال (۱۴۲۶) در یک جلسه‌ای یک روحانی هزاره، که اهل مطالعه و تحقیق است[۲] در حوزه‌ی علمیّه نجف و قم تحصیلات سطح عالی خود راگذرانده، مقتل سید الشهدا خواند و گفت: وقتی تیرها و نیزه‌ها به بدن مبارک امام اصابت کرد، حضرت توان سوار بودن بر اسب را نداشت می‌خواست، از اسب بیاید پایین، طرف راست خواست بیاید اسب پهلو تهی کرد و نگذاشت حضرت به زمین قرار بگیرد، طرف چپ خواست به زمین قرار بگیرد اسب سواری امام نگذاشت. یک دفعه حضرت خطاب به اسب فرمود: ای ذوالجناح حالا تو هم مرا یاری نمی‌کنی نمی‌گذاری من به زمین قرار بگیرم؟!

اسب در جواب سیدالشهدا گفت: ای صاحب عزیزم مگر نمی‌بینی که در طرف راست من رسول خدا است، در طرف چپ علی مرتضی و جلوم مادرت فاطمه زهرا؟

در این داستان اسب حضرت بینایی‌اش (نعوذ بالله) از امام حسین زیادتر است که حیوان از وجود رسول خدا و امام علی و فاطمه زهرا (سَلامُ الله عَلَیها) باخبر است، ولی امام از آن آگاهی ندارد، چه حرف ناروا‌تر از این.

علاوه بر آن در کتابهای معتبر تاریخی، چنین چیزی اصلاً وجود ندارد. ابوالفرح اصفهانی در مورد فرود آمدن امام از اسب در حین شهادت نوشته است:

---

۱. همان، ص ۷۶ - ۷۳.

۲. ایشان را از نزدیک می‌شناسم عالم بزرگوار و ملایی است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیداوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

«در این وقت [جنگ امام با لشکریان ابن سعد] زرعة بن شریک بدان حضرت حمله کرد و شمشیری به شانه چپ آن حضرت زد که آن بزرگوار از اسب به زمین افتاد.»(۱)

در مقتل ابی مخنف آمده که:

«زرعة بن شریک تمیمی به کف دست چپ و گردن [آن حضرت] ضربه زد به طوری که [حسین (عَلَیهِ السَّلام)] با سختی و مشقت بر می‌خواست و [دوباره با صورت مبارکش] بر زمین می‌افتاد در آن حال سنان بن انس نخعی به سویش حمله کرد و با نیزه به او زد [امام (عَلَیهِ السَّلام)] به زمین افتاد.»(۲)

مرحوم شیخ مفید، در کتاب ارزنده خود، پیرامون از اسب افتادن امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) نگاشته است:

«[پس از دستور شمر] لشکریان از هر طرفِ امام حسین حمله کرد، زرعة بن شریک بر بازوی چپ زد و جدا نمود، دیگری [از لشکریان] به گردن امام زد و حضرت به رو افتاد و سنان بن انس نخعی با نیزه به او [امام] زد و حضرت به زمین افتاد.»(۳)

مرحوم ابن طاووس در مقتل خود نیز آن چه را شیخ مفید نوشته است، با اندک تغییر در عبارت و مضمون مطلب آورده.(۴)

نمونه‌های یاد شده بخشی از آن همه روضه‌های بی دلیل است به اصطلاح «مشت نمونه خروار است» چند نمونه از روضه‌های بی مدرک و سند که آوردم مربوط به روضه خوان‌های هزاره‌ای است، که سالها در حوزه بوده و در شهر علم و اجتهاد قم در جلسه که بیشتر آن اهل علم و طلاب بوده، به خوانش گرفته شده. حالا از این نمونه‌ها می‌توان گمانه زنی کرد که روضه خوانهای که برخی شان فقط سواد خواندن دارند، در بین عوام هزاره چه روضه‌های دروغ و جگر سوزی می‌خوانند. اگر تمام آن روضه‌های جمع شود «هفتاد من کاغذ شود.» شهید متفکر، مرتضی مطهری در این مورد فرموده است:

«مطلب [روضه‌های دروغ] آن قدر زیاد است که قابل بیان کردن نیست. آن قدر زیاد است که اگر بخواهیم روضه‌های دروغی را که می‌خوانند جمع آوری کنیم چند کتاب پانصد صفحه‌ای بشود!»(۵)

---

۱. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، پیشین، ص ۱۴۴.

۲. ابی مخنف، نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا، پیشین، ص ۱۸۹.

۳. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، پیشین، ص ۱۱۶.

۴. علی ابن طاووس، اللهوف، پیشین، ص ۷۴.

۵. شهید مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، پیشین، ص ۱۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶۰) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیداوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عوامل زیاد موجب گردیده که متأسفانه این گونه روضه‌های نادرست بین مردم رایج گردد از جمله عوامل ذیل:

دست درازی دشمنان پیام و فرهنگ عاشورا، حس قوی که بشر برای اسطوره سازی و افسانه سازی دارد. اصل قرارگرفتن گریه برای سید الشهدا در مجالس سوگواری بدون توجهه به اهداف گریه بر حسین (عَلَیهِ السَّلام) و اهداف قیام آن امام،[۱] شوق عوام در جلسات سوگواری به «مسأله شور و و واویلا بپا شدن»[۲] برخورد عاطفی صرف با مسأله سوگواری، عوام زدگی نخبگان، تبدیل شدن سوگواری به عادت بدون توجّه به اهداف بلند آن، ضعف آگاهی توده عوام،[۳] ناآگاهی روضه‌خوانها از منابع و مدارک تاریخی معتبر و ضعف علمی آنان و... عوامل یا شده روی هم قرارگرفته سبب شده که ما امروز شاهد این همه روضه‌های بی‌مدرک و دلیل در جلسات سوگواری شیعیان جهان و هزاره‌ها باشیم. وگرنه «در میان وقایع تاریخی کمتر واقعه‌ای است که از نظر نقل‌های معتبر به اندازه حادثهٔ کربالا غنی باشد... مورخین معتبر اسلامی از همان قرون اوّل و دوّم قضایا را با سندهای معتبر نقل کرده‌اند و این نقل‌ها با یک دیگر انطباق دارد و به یکدیگر نزدیک هستند.»[۴]

با توجهه به این نقطه‌های ضعف، که در جامعه هزاره است، بر عالمان دینی است «که در این مورد حقایق را بدون پرده به مردم بگویند ولو مرم خوششان نیاید. وظیفه علما است که مشت دروغ گویان را بازکنند.»[۵] و رسالت که عالمان دینی دارند شانه خالی نکنند، چون «بزرگترین رسالت و بزرگترین وظیفه علما، مبارزه با نقاط ضعف اجتماع است.»[۶]

اگر مجالس سوگواری دهه اوّل محرم و دیگر مراسم‌های سوگواری از مطالب بی پایه و خواب‌های بی اساس و روضه‌های بی مدرک و دروغ پاک شود، برکات این گونه مجالس چند برابر خواهد شد و تبدیل به دانشگاه انسان سازی و عدالت پروری و... می‌شود.

---

۱. همان، ص ۴۶ - ۴۰.
۲. همان، ص ۱۰۲.
۳. علی آقا جانی، بنیادها و آسیب‌های عزاداری امام حسین (عَلَیهِ السَّلام)، پیشین، ص ۸۹ - ۱۰۸.
۴. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، پیشین، ص ۳۱ - ۳۰.
۵. همان، ص ۱۰۴ - ۱۰۳.
۶. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها(وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲/۹۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲. هنجارهای اربعین حسینی و ارزیابی آن

یکی از روزهای که برای هزاره‌ها روز سوگواری است و ماتم، بیستم ماه صفر است. چون این روز مصادف است با چهلمین روز شهادت سید الشهداء (عَلَیهِ السَّلام) و یاران باوفایش در سزمین کربلا.

هزاره‌ها در این روز، دست از کار می‌کشند برای مولای شان عزاداری می‌کنند چنانچه مرحوم پولادی نوشته است: **«این روز [۲۰ صفر] نیز اختصاص به غم و غصه و سوگواری دارد و مثل روز دهم محرم (با درجه کمتر) دارای اهمیت است.»**[1] این روز یکی از روزهای تعطیل عمومی برای هزاره‌هاست. تمام حسینیه‌های که در هزارستان اسلامی وجود دارند، در این روز، مراسم سوگواری در تکیه خانه‌ها به پا می‌گردد و اربعین حسینی را گرامی می‌دارند.

سخنرانی و روضه خوانی روز اربعین به عهده همان روحانی که در دهه اوّل محرم روضه خوان بوده می‌باشد، غالباً این طور است. معمولاً در ختم جلسات دهه اوّل محرم به روحانی می‌گویند که ان شأ ا... اربعین یادتان نرود؛ یعنی جلسه اربعین به عهده شما می‌باشد.

در بسیاری از موارد یک روز قبل از اربعین، به روحانی خبر می‌دهد که مردم ده منتظر ایشان می‌باشند و آقا مردم را از یاد نبرند.

در اربعین همانندن دهه اوّل محرم از عزاداران پذیرایی می‌گردد. در برخی از جاها بزرگان ده طبق برنامه و مشورت نذر امام ماه محرم چند خانه‌ای اهل ده را برای روز اربعین می‌گذراند. و این افراد که در محرم نذر نداده‌اند و گوسفند ذبح نکرده‌اند، روز ۲۰ صفر نذر امام شان را ذبح نموده از سوگواران اربعین سید الشهداء (عَلَیهِ السَّلام) پذیرایی می‌کنند. در بسیاری از جاهای هزارستان، یک روز قبل اربعین، بزرگان و ابسقالان ده، گرده آمده برای روز ۲۰ صفر برنامه‌ریزی می‌کنند. از هر خانه مقدار معین پول جمع می‌کنند. برای خرید گاو و یا چند رأس گوسفند برای پذیرایی از سوگواران. در برخی جاها آرد و روغن از خانه‌های اهل ده جمع نموده «حلوای سرخ» می‌پزند. غذا دسته جمعی درست می‌شود. پس از ختم جلسه سخنرانی و روضه خوانی مردان و پسران در حسینیه پذیرایی گردد و برای بانوان و دختران به خانه‌های فرستاده می‌شود. غذایی که به خانه‌ها فرستاده می‌شود با توجهه به

---

۱. حسن پولادی، هزاره‌ها، پیشین، ص ۲۲۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶۰) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جمعیت هر خانه است. اگر جمعیت زیاد باشد غذا زیاد فرستاده می‌گردد. اگر جمعیت اندک باشد، غذا اندک، در هر صورت غذای یک وقت یک خانواده داده می‌شود.

غالباً مراسم ساعت هشت نه صبح شروع شده، تا ظهر ادامه دارد. چندین ذاکر پشت سر هم می‌خوانند. زنجیر زنی و سینه زنی نیز در این روز است. در برخی جاهای هزاره‌جات مراسم عزاداری، بعد از ظهر و گاه قبل و بعد از ظهر برگزار می‌گردد. همان گونه که اشاره شد مراسم اربعین در هر فصل سال، که واقع گردد تعطیل است و مردم در این روزها کارهای خود را تعطیل نموده، به مراسم سوگواری شرکت می‌جویند.

روضه خوانها در این جلسات غالباً از آمدن اهل بیت امام و اولین زائر امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) جابر بن عبدالله انصاری به کربلا می‌خوانند. بسیاری از روضه خوانها معتقدند که در ۲۰ صفر سال ۶۱ هجری زینب (سَلامُ‌الله عَلَیها) همراه سایر زنان و کودکان در کربلا آمد. و آمدن بی‌بی مصادف شد با آمدن جابر بن عبدالله انصاری از مدینه به کربلا.

ارزیابی

برپایی مراسم اربعین حسینی رسمی است که مثل مراسم دهه اوّل محرم بین هزاره‌ها جریان دارد. منابع مکتوب و غیر مکتوب وجود ندارد که مبین زمان دقیق برگزاری چنین مراسم را تعیین کند. با توجّه به ارتباط نزدیک که اربعین حسینی با محرم و عاشورا دارد گمانه زده می‌شود که تاریخ برگزاری مراسم اربعین، همزمان با رایج شدن جلسات دهه اوّل محرم بوده است و این دو با هم پیوند ارتباط نزدیک دارد و برپایی این دو مناسبت از ویژگیهای شیعیان است.

در خصوص برپایی مراسم عزاداری در روز ۲۰ صفر روایات از بزرگان دینی نرسیده. علمای بزرگ شیعه که کتابهای در خصوص مناسبت‌های روزهای هر ماه نوشته‌اند و از مناسبت‌های که در روز آن ماه وجود دارد نام برده است، در روز ۲۰ ماه صفر فقط استحباب زیارت امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) نقل کرده. این زیارت مشهور به «زیارت اربعین» است. در همین ارتباط مرحوم شیخ طوسی (۴۶۰ - ۳۸۵ ق) در کتاب شریف «مصباح المتهجد» حدیثی از یازدهمین ستاره درخشان امامت، امام حسن عسکری (عَلَیهِ السَّلام) نقل نموده:

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

«عَلاماتُ المُؤمِنین (المؤمن - خ) خَمس صَلاة الاحدی وَ الخَمسین وَ زیارة الأربعین و...؛[۱]

نشانه‌های مؤمنان یا مؤمن پنج چیز است [یک] ۵۱ رکعت خواندن نماز [در روز]و [دو خواندن] زیارت اربعین و...»

روایات از ائمّه هدا در مورد ویژگی عدد چهل صادر شده است. از جمله در فضیلت حفظ چهل حدیث از امامان معصوم (عَلَیهِمُ السَّلام). مرحوم صدوق درکتاب «خصال» از امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) نقل نموده‌اند:

«مَن حَفِظَ عَنّا اَربَعینَ حَدیثاً مِنْ اَحادیثِنا فِي الْحَلالِ وَ الْحَرام بَعَثَه اللهُ یَومَ الْقِیامَةِ فَقیهاً عالماً وَ لَم یَعذبه ؛کسی که چهل حدیث از احایث ما در مورد حلال و حرام حفظ کند، خداوند روز رستاخیز او را فقیه و دانا بر می‌انگیزاند و او را عذاب نمی‌کند.»[۲]

در مورد حریم مسجد و همسایه حدیث از امیر المؤمنین (عَلَیهِ السَّلام) نقل شده است، که حریم مسجد چهل ذراع است و همسایه چهل خانه از چهار جانب دارد.[۳] در هر صورت، گفته آمد در خصوص اربعین و برپایی مراسم در این روز، حدیث نیامده است ولی روایات که از ائمّه صادر شده‌اند و به طور عام فرموده:

«فَاحْزُن لِحُزنِنا وَافْرِح لِفَرِحِنا؛ [امام رضا (عَلَیهِ السَّلام) فرمود:] در اندوه ما اندوه ناک و در شادی ما، شادمان باش.»[۴]

شامل روز ۲۰ صفر نیز می‌گردد، چون امام سجاد و اهل بیت امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) در این شب و روز سوگوار بوده و شیعیان که پیرو آن ستاگارگان هدایت هستند، طبق دستور آنان سزاوار است که عزادار باشند. و از طرف دیگر، دلیلی بر جائز نبودن برپایی چنین مراسمی نیز نداریم. بنابراین برپایی مراسم وعظ و روضه در روز اربعین حسینی سنّت نیکویی است که هزاره‌های مسلمان به آن توجهه داشته‌اند و عمل می‌کنند. این سنّت حسنه در بین سایر شیعیان جهان نیز وجود دارد. در کشورهای که پیروان امام المتقین در اکثریت هستند، روز اربعین حسینی از تعطیلات رسمی دولتی

---

۱. محمّد بن حسن طوسی (شیخ ابی جعفر) (۴۶۰ - ۳۸۵ ق)، مصباح المتهجد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، چ ۱، ۱۴۱۱ ق، ص ۷۸۸.

۲. شیخ صدوق، الخصال، پیشین، ص ۵۹۴.

۳. همان.

۴. شیخ صدوق، امالی شیخ صدوق، پیشین، ص ۱۳۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آئین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

است، چنانچه در جمهوری اسلامی ایران این مسأله وجود دارد.

گفته شد بسیاری از روضه خوانهای هزاره، در روز اربعین روضه ورود اهل بیت به کربلا را می‌خوانند. در اینکه اهل بیت امام در ۲۰ صفر سال ۶۱ و یا بعد از آن سال در سالهای دیگر در کربلا آمده است یا نه، سؤال جدّی است که وجود دارد و مورد بحث علمای بزرگ است.

مرحوم شیخ مفید می‌نگارند که یزید به نعمان بن بشیر و دیگر همراهانش دستور داد که اهل بیت سید الشهدا را به خوبی به مدینه برسانند و آنان نیز به دستور یزید عمل نمودند، اهل بیت را از شام حرکت داد، منزل به منزل پیمود. «حَتّیٰ دَخَلُوالْمَدینَه؛ تا در مدینه داخل شدند»[۱] مرحوم شیخ از رفتن اهل بیت در کربلا سخن به میان نیاورده است.

صاحب مقاتل الطالبین آنگاه که داستان ورود اهل بیت، به شام و مدینه را نقل می‌کند از رفتن اهل بیت به کربلا یادی نکرده است.[۲] در بسیاری از کتاب‌های منبع دست اول مربوط به داستان کربلا رفتن اهل بیت از شام به کربلا را نقل نکرده، مثل کتاب کامل بهایی از حسن بن علی بن حسن طبرسی، از علمای قرن هفتم، مناقب آل ابی طالبِ ابن شهر آشوب از علمای قرن ششم و... مرحوم شیخ طوسی در مناسبت ۲۰ ماه صفر می‌نویسند:

«روز بیستم صفر، حرم مولا ما ابو عبدالله حسین علی بن ابی طالب از شام به مدینه مراجعت نمود و این روز همان روزی است که جابر بن عبدالله بن حرام انصاری صحابه رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) -که رسول خدا از او راضی بود - از مدینه به کربلا رفت و قبر ابی عبدالله را [این روز] زیارت نمود. او اولین فردی از مردم است که قبر سیدالشهدا را زیارت کرده است.»[۳]

شیخ تصریح درادکه اهل بیت در مدینه آمد به کربلا نرفت. جابر بن عبدالله بود که به زیارت سید الشهدا از مدینه به سرزمین تفتیدهٔ کربلا رفت و روز اربعین قبر آن حضرت را زیارت نمود. مرحوم ابن طاووس در لهوف فرموده است، که همزمان با آمدن جابر به کربلا، اهل بیت امام نیز، پس از مراجعت از شام به کربلا رفت، بالای قبر سیّد الشهدا اهل بیت امام حسین، جابر وعده از بنی هاشم، که همراه

---

۱. شیخ مفید، ترجمه ارشاد، ج ۲، پیشین، ص ۱۲۷.

۲. ابوالفرج اصفهانی، ترجمه مقاتل الطالبیین، پیشین، ص ۱۴۷ - ۱۴۵.

۳. شیخ طوسی، مصباح المتهجد، پیشین، ص ۷۸۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جابر بود، مراسم عزاداری بر پا نمودند. مرحوم سید کفتارفوق را در کتاب «اقبال» رد کرده است. سید در کتاب یاد شده در اعمال ماه صفر قول مرحوم شیخ طوسی را و دیدگاه که در لهوف فرموده، نقل می‌کند و هر دو قول را بعید می‌داند، می‌نویسند:

«هر دو قول بعید است، چون عبیدالله زیاد ـ لعنه الله ـ به یزید نامه نوشت و آن چه در کربلا گذشته بود بنوشت و کسب تکلیف نمود. و اهل بیت امام را سوار [بر محمل برای سفر شام] نکرد تا جواب یزید آمد. و این [بردن نامه ابن زیاد به یزید و آمدن جواب نامه از یزید به ابن زیاد] نیاز به بیست روز و یا بیشتر از آن دارد [علاوه بر آن] وقتی اهل بیت را روانه شام کرد، روایت شده که اهل بیت یک ماه در شام ماند.»[۱]

به دو دلیل یاد شده سید بن طاووس روز اربعین حسینی سال ۶۱ رفتن اهل بیت را در کربلا بعید می‌داند. البته وی آمدن اهل بیت را در کربلا در غیر ۲۰ صفر بعید نمی‌داند.[۲]

مرحوم نوری، صاحب مستدرک الوسائل معتقد است که سید لهوف را در جوانی نوشته، ولی اقبال را در اواخر عمر، لذا لهوف از اتقان لازم برخوردار نیست. آن چه در اقبال در مورد اربعین حسینی نوشته مقدم است، بر آن چه در لهوف آمده،[۳] مرحوم نوری به هفت وجه آمدن اهل بیت را در کربلا، روز ۲۰ ماه صفر سال ۶۱ مردود می‌داند.[۴] و شهید مطهری آنگاه که روضه‌های دروغ را می‌شمارد، روضه آمدن اهل بیت را در کربلا در روز اربعین، یکی از آن روضه‌های می‌داند که اساس و ملاک تاریخی ندارد، می‌فرماید:

«در هیچ کتاب دیگری [غیر از کتاب لهوف ابن طاووس که در کتابهای دیگرش حرف لهوف را تأیید نکرده] چنین چیزی نیست و هیچ دلیلی عقلی هم این را تأیید نمی‌کند.»[۵]

در هر صورت این مسأله که این قدر مورد تأمل علمای بزرگ است و بسیاری از علما آن را رد کرده است، یا از داستان اربعین یاد نکرده است، ولی در بین هزاره‌ها متأسفانه آمدن اهل بیت در روز اربعین در کربلا با شاخ برگهای فراوان خوانده می‌شود و بدون آن که توجّه به راست بودن و دروغ بودن

---

۱. علی بن موسی ابن طاووس (۶۴۴ - ۵۸۹)، الاقبال بالاعمال الحسنة فیما یعمل مرة فی السنته، ۳ ج، چ ۳، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، بوستان کتاب، چ ۲، ۱۳۷۷، ص ۱۰۱.

۲. همان.

۳. میرزا حسین نوری، لؤلؤ و مرجان، پیشین، ص ۱۴۵.

۴. همان، ص ۱۵۴ - ۱۴۵.

۵. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، پیشین، ص ۳۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادوها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آن داشته باشد چه می‌شود کرد؟ به بیان متفکر شهید مطهری: «مگر می‌شود این قضایایی راکه هر سال گفته می‌شود از مردم گرفت؟!»[۱]

عوام برای شان عادت شده است ترک عادت برای این گروه وحشت زاست و نخبه گان نیز یا توجه ندارند و یا اگر توجّه دارند از ترس انتقاد عوام لب فرو بسته‌اند.

۳. هنجارهای شب‌های قدر و ارزیابی آن

شب‌های قدر از جمله زمان‌هایی است، که هزاره‌ها در این زمان برنامه‌های خاص و ویژه‌ای دارند. بدون تردید شب قدر یک شب بیشتر نیست، ولی به خاطر مصالحی این یک شب به صورت احتمال در بین چند شب از طرف معصومین و اولیای الهی بیان شده است.

کدام شب در شبهای سال، شب قدر است؟ تمام علمای مسلمان اتفاق دارند که شب قدر در ماه مبارک رمضان واقع شده است.[۲] سؤال دیگر مطرح می‌گردد که کدام شب از شب‌های ماه رمضان شب قدر است؟ بین علمای مسلمان چند قول وجود دارد از جمله: شب اوّل ماه رمضان، شب هفدهم، شب ۲۱، شب ۲۳، شب ۲۷، شب ۲۹. مردد بین شب‌های ۲۱ و ۲۳ و مردد بین شب‌های ۱۹ و ۲۱ و ۲۳.[۳] مشهور بین امامیه قول اخیر است. حسان بن ابی علی می‌گوید از امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) در مورد شب قدر سؤال نمودم، حضرت ابی عبدالله فرمود:

«شب قدر را در [شبهای] ۱۹، ۲۱، ۲۳ [ماه رمضان] طلب کن»[۴] یعنی شب قدر مردد بین یکی از این سه شب است.

فضیلت شب قدر بر کسی پوشیده نیست، چون در چنین شبی است که قرآن کریم بر قلب مبارک رسول خدا نازل شده است، انگونه که قرآن می‌فرماید: **«ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم.»**[۵]

---

۱. همان.

۲. شیخ ابی علی فضل بن حسن طبرسی (قرن ۶)، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ۱۰ ج، ج ۱۰ - ۹، تصحیح و تحقیق و تعلیق سید هاشم رسولی و سید فضل الله یزدی، بیروت، دار المعرفه، چ ۱، ۱۴۰۶ ق، ص ۷۸۶.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰ - ۹، پیشین، ص ۷۸۹ - ۷۸۷.

۴. همان، ص ۷۸۷.

۵. سوره قدر، آیه ۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

گفته شد که بدون اختلاف علمای مسلمان فرموده‌اند شب قدر در ماه رمضان است. علاوه بر آن خداوند متعال می‌فرماید: «**ماه رمضان [همان ماه] است که در آن قرآن فرو فرستاده شده است...**»[۱]

در آیه یک سوره دخان می‌فرماید ما قرآن را در شب مبارک نازل نمودیم. از مجموع این سه آیه به دست می‌آید که قرآن در شب مبارک قدر نازل شده است و این شب قدر در ماه رمضان واقع است، زمان [شب قدر] چنین فضیلت داشته که قرآن در این زمان یکباره بر قلب رسول اکرم (**صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم**) یا در «لوح محفوظ» نازل گردیده است.[۲]

فضیلت و عظمت شب قدر برای شیعیان و هزاره‌ها دو چندان است، چون شب‌های قدر مصادف با حادثه اندوه بار و جانگاه شهادت مولای پرهیزگاران امیر المؤمنین شده است. سال ۴۰ هجرت نزدیک صبح ۱۹ رمضان بود که امام در مسجد کوفه مورد حمله تروریستی ابن ملجم مرادی قرار گرفت. و قبل از طلوع فجر شب جمعه ۲۱ رمضان به لقای الهی پیوست.[۳]

هزاره‌ها به پاس احترام و فضیلت این دو مناسبت، هر ساله در شبها ۱۹، ۲۱ و ۲۳ رمضان برنامه‌های ویژه دارند و این مراسم با انک اختلاف بین تمام هزاره‌ها رایج اند. احیای سه شب یا شده همگانی است، در تمام مناطق هزاره‌جات وجود دارد. شب زنده داری در شب‌های قدرگاه به صورت دسته جمعی در حسینیه اجرا می‌شود، ولی غالباً چند خانه از فامیل دور هم گرد آمده، در منزل بزرگ فامیل شب احیا می‌کنند. در این شب مؤمنان به ذکر و دعا و نماز مشغول اند و در آخر شب قرآن به سر می‌گیرند در حین که قرآن در سرهای مؤمنان قرار دارد، روحانی مجلس ذکرهای: **یک یا الله، بعلی، بالحسن، بالحسین، بعلی بن الحسین، بمحمد بن علی، بجعفر بن محمّد، بموسی بن جعفر، بعلی بن** موسی، بمحمد بن علی، بعلی بن محمّد، بالحسن بن علی و بالحجة،[۴] را می‌خواند. هرکدام ذکرهای یاد شده را ده بار می‌خوانند. مؤمنان حاضر در جلسه نیز به دنبال روحانی، وی را همراهی می‌کنند و اذکار یاد شده را زمزمه. پس از اتمام ذکرهای یاد شده، روحانی روضه خوانده و با دعا جلسه را خاتمه می‌دهد. کسانی که شب احیا نموده است سحر از طرف صاحب خانه پذیرایی می‌گردد.

---

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۵.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰ - ۹، پیشین، ص ۷۸۶.

۳. شیخ مفید، ارشاد، ج ۱، پیشین، ص ۸.

۴. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، پیشین، ص ۴۵۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)، از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در بسیاری از مناطق هزاره‌جات سه شب قدر جلسه سخنرانی و روضه خوانی به صورت فردی و بانی شخصی برگزار است، پس از افطار و صرف غذا غالباً جلسه سخنرانی و عزاداری امیر المؤمنین شروع می‌گردد. در بعضی از جایهای هزارستان اسلامی، سه شب قدر به گونه دسته جمعی در حسینیه جلسات سخنرانی و وعظ و مرثیه خوانی مولا علی (عَلَیهِ السَّلام) برقرار است.

در اسلام به احیای شب قدر سفارش زیاد شده. از رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) روایت شده که حضرت فرمود:

«مَن قامَ لَیلَةَ القَدرِ إیماناً وَ إحتِساباً غَفَرَ لَهُ ما تَقَدَّم مِن ذنبِه؛[1] آن که شب قدر را احیا کند و ایمان به آن داشته باشد، خداوند گناهان گذشته او را می‌بخشد.»

هزاره‌ها با توجّه به آگاهی که از اسلام دارند به این سنّت نیکو عمل می‌کنند و شبهای قدر را احیا. از طرفی، چون این شبها مصادف با شهادت امام علی (عَلَیهِ السَّلام) گردیده است. هزاره‌ها و یا دو خاطره امام خود راگرامی داشته، در شهادت آن امام اشک ماتم می‌ریزند و به همین مناسبت جلسات و وعظ و ارشاد برگزار می‌کنند. و این کاری است نیکو. همان گون که گفته شد متأسفانه در بسیاری از مناطق هزارستان اسلامی این مراسم به صورت دسته جمعی در تکیه خانه‌ها برگزار نمی‌گردد، سزاوار است که ایام ضربت خوردن و شهادت حضرت امیر المؤمنین، با شکوه برگزار شود و در حسینیه‌ها به طور رسمی جلسات وعظ و روضه برگزار گردد و از امامُ الْمُتّقین تجلیل و تکریم شایسته به عمل آید، بیش از آن چه که فعلاً بین هزاره‌ها وجود دارد.

۴. سالروز شهادت سایر معصومین علیهم‌السلام و ارزیابی آن

هزاره‌ها مسلمان است و امامی مذهب - بارها گفته شد - غیر از ایام محرم و شبهای قدر در سالروز شهادت و درگذشت سایر معصومین (عَلَیهِمُ السَّلام) نیز مراسم سوگواری دارند. البته این جلسات که به مناسبت سالروز شهادت ائمّه هدا و درگذشت رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) و دخت گرامی آن حضرت، فاطمه زهرا (سَلامُ اللهِ عَلَیها) برگزار می‌گردد و به گرمی و شدت دهه اوّل

---

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰ - ۹، پیشین، ص ۷۸۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۰) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط تنظیم است.

محرم، سالروز شهادت سیدالشهدا، اربعین حسینی و سالروز شهادت امیر مؤمنان، علی (عَلَیهِ السَّلام) نیست.

هزاره‌ها برای بزرگداشت سالروز شهادت معصومان، که در ذیل اسم شان می‌آید مراسم سوگواری به پا می‌کنند و یاد و خاطره آنان را گرامی می‌دارند:

الف. سالروز رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شهادت امام رضا علیه السلام

آخر ماه صفر، ماه و غم و اندوه برای مسلمانان است، چون ۲۸ صفر سال یازدهم هجرت[۱] بود که رسول رحمت، خاتم پیامبران، حضرت محمّد بن عبدالله (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) در سن ۶۳ سالگی چشم از این جهان فرو بسته به لقای الهی پیوست، مسلمانان را در فقدان وجودش عزادار نمود. در آخر این ماه امام رئوف، هشتمین ستاره تابان ولایت، امام رضا (عَلَیهِ السَّلام) سال ۲۰۳ ق در سن ۵۵ سالگی در قریه به نام «سناباد» از دهات «طوس» خراسان به فیض شهادت نایل گردید.[۲] شهادت امام مصیبت بزرگی برای پیروان ولایت و امامت بود. بعد از آن تاریخ، شیعیان هر سال در آخر ماه صفر سالروز شهادت آن امام شهید را گرامی می‌دارند.

هزاره‌ها به خاطر آن دو مناسبت که یاد گردید، دو سه روز آخر ماه صفر، جلسات وعظ و سخنرانی برگزار می‌کنند. خطیبان پیرامون شخصیت عظیم القدر رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم)، امام هشتم، امامت، عدل، نبوت و... سخن می‌گویند. بعضی از متدینین در برخی از جاهای هزاه‌جات در این چند روز آخر ماه صفر نذر و صدقات دارند و از مردم ده برای شام و نهار پذیرایی می‌کنند. در برخی از دهات هزارستان اسلامی، اهل ده گرد هم آمده پول جمع می‌کنند یک رأس گاو یا چند رأس گوسفند خریده، ذبح می‌نمایند و از سوگواران پذیرایی می‌کنند.

مراسم‌های یاد شده در صورتی است که سالروز رحلت رسول الله (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) و امام هشتم (عَلَیهِ السَّلام) در فصل زمستان واقع شود، اگر چنانچه در فصل‌های دیگر آن دو مناسبت اتفاق بیفتد از برگزاری مراسم سوگواری خبری نیست. البته این وصف در مورد هزاره‌های که در هزارستان زندگی می‌کنند وجود دارد. هزاره‌های که در شهرهای افغانستان بود و باش دارند وضعیت فرق می‌کند.

---

۱. شیخ عباس قمی، الانوار البهیّه، پیشین، ص ۴۱. ۲. همان، ص ۴۲۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

غالباً در شهرها سالروز رحلت رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) و شهادت امام رضا (عَلَیهِ السَّلام) در هر فصلی از سال واقع شود، مراسم روضه خوانی و وعظ برگزار می‌گردد.

ب. شهادت حضرت زهرا علیها السلام

در مورد شهادت «ام ابیها»، دخت پیامبرگرامی اسلام، اختلاف است. برخی شهادت حضرت را در جمادالاولی می‌دانند، ولی مشهور آن است که حضرت بی‌بی در سوم جماد الثانی سال یازدهم هجرت به لقای الهی پیوست.[۱] هزاره‌ها روز شهادت حضرت زهرا (سَلامُ الله عَلَیها) مراسم سوگواری برگزار می‌کنند، ولی خیلی رایج نیست. برخی در سوم جماد الثانی مراسم سوگواری حضرت زهرا (سَلامُ الله عَلَیها) دارند و برخی از هزاره‌ها در ۱۳ جمادی الاول.[۲]

ج. امام صادق و امام کاظم علیهما السلام

امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) ششمین امام شیعیان سال ۱۴۸ هـ روز ۲۵ شوال در سن ۶۵ سالگی به سرای دیگر سفر نمود. حضرت به وسیله منصور، خلیفه عباسی مسموم گردید.[۳]

هفتمین امام پیروان علی، امام موسی کاظم (عَلَیهِ السَّلام) ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هـ توسط خلیفه جور عباسی، هارون و عمالان ستمگر او جام گوارای شهادت[۴] نوشید. هزاره‌ها در ایام شهادت این دو امام خود نیز مراسم سوگواری دارند. مجالس وعظ و روضه برپا می‌کنند، البته اگر ایام شهادت آن دو پیشوایی الهی، مصادف با فصل زمستان باشد، اگر مصادف با فصل‌های دیگر سال - که وقت کار و تلاش است - باشد مراسم سوگواری برپا نمی‌شود. فقط دهه اوّل محرم و شب‌های قدر و اربعین حسینی، که در هر فصل سال واقع گردد، پر شور و با شکوه برگزار می‌شود. در سالروز شهادت سایر ائمّه به صورت نادر در برخی از مناطق هزاره‌جات مراسم سوگواری برپا می‌شود ولی متأسفانه خیلی رایج نیست.

---

۱. شیخ عباس قمی، الانوار البهیه، پیشین، ص ۵۸.

۲. سید محمّد حسین، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان، پیشین، ص ۳۱۲.

۳. شیخ عباس قمی، الانوار البهیه، پیشین، ص ۱۷۲.

۴. همان، ص ۱۹۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هزاره‌هایی که سالها سابقه تشیع و اسلام دارند و به تدین و دینداری شهره‌اند، سزاوار است که در سالروز شهادت همه ائمّه و اولیای الهی مراسم عزاداری با شکوه برگزار کنند. گر چه موقعیت جغرافیایی و کار هزاره‌ها، تا حدودی موجب گردیده که این مردم در فصلهای بهار، تابستان و تیرما (پاییز) سرگرم کارهای کشاورزی و دامداری و دیگر کارهای روزمرّه باشند و مراسم عزاداری امامان معصوم شان که در این فصلها واقع می‌شود برگزار نکنند. علاوه بر آن بی اطلاعی مردم نیز نقش در عدم بر پایی چنین مراسم هایی دارد. خوب و سزاوار است که دست کم در سالروز شهادت امامان معصوم که در زمستان واقع می‌گردد. مراسم سوگواری به صورت منظم و باشکوه برگزار شود. بر عالمان فرزانه و با درد و مسئول اند که برای مردم در این مورد آگاهی بدهند و تجلیل از اولیای الهی به صورت فرهنگ در آید.

۵. هنجارهای مرگ و میر بستگان و نقد و بررسی آن

مرگ، پدیده‌ای است که خداوند متعال در کنار حیات خلق کرده است. البته این خلق موت و حیات[۱] برای آزمایش انسان است، تا معلوم گردد که کدام انسان عمل نیکو انجام می‌دهد. گرچه بعضی از انسان‌ها نمی‌خواهند تن به مرگ بدهند و از چنگال آن فرار می‌کنند، غافل از اینکه روزی مرگ دامن آنها را خواهد گرفت و ملاقات خواهد کرد.[۲] از سنّت‌های خداوند رحمان است که هر جانداری مرگ را باید بچشد[۳] و سر تسلیم به این سنّت و قانون الهی بگذارد. البته مرگ از دیدگاه مکتب اسلام نابودی و فنا شدن نیست، بلکه موت دری است برای رفتن به سرای دیگر و حیات در جهان دیگر، چنانچه امام علی (عَلَیهِ السَّلام) می‌فرماید: «اَلمَوتُ بابُ الآخِرَت؛[۴] مرگ دروازه آخرت است.» ولی حیات آن جهان با حیات دنیا تفاوت دارد، آنگونه که حیات جنین در کشور وجود مادر متفاوت از حیات دنیایی است. به وسیله مرگ انسان به زندگی دنیا خاتمه می‌دهد.

امام علی (عَلَیهِ السَّلام) در این ارتباط کلام زیبا دارد:

---

۱. قرآن کریم، سوره ملک، آیه ۲.
۲. سوره جمعه، آیه ۸.
۳. سوره آل عمران، آیه ۱۸۵.
۴. محمّدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، باب ۱۶۵۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

«بِالمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنیا؛ با مرگ دنیا خاتمه می‌یابد.»[۱]

از دیدگاه اسلام و بالتبع مسلمانان مرگ نابودی نیست، بلکه مرگ سفری است از این جهان به سرای دیگر، با این حال انسانی که ماه‌ها و سالها درکنار هم دیگر زندگی کرده است و درکنار هم بوده است، وقتی یکی از این جمع سفر آخرت را در پیش گیرد برای جا مانده‌های از قافله مرگ، ایجاد غم و غصه و تنهایی می‌کند، چون عزیزی که ماهها و سالها درکنار انسان بود با قافله مرگ بین این هم نشین و دوست جدایی می‌افتد. این است که بازماندگان در فراق آن سفر کرده خود، اشک ماتم ریخته و سوگواری می‌کنند این مراسم سوگواری به خاطر تعامل اجتماعی بین افراد جامعه، تبدیل به مراسم اجتماعی می‌گردد و بسط می‌یابد و افراد جامعه پس از تبدیل شدن سوگواری فردی، به مراسم اجتماعی به صورت دسته جمعی مراسم سوگواری به پا می‌کنند و افراد جامعه با صاحب عزا همدردی و همراهی.

هزاره‌ها از هنگامی که یکی از بستگان و اعضای خانواده، از این جهان به «دار قرار» هجرت می‌کند از حین مرگ فرد و پس از مرگ آن تا چهلم (چهل روز یا چهل وقت) او مراسم و هنجارهای ویژه دارند، ما سعی می‌کنیم به ترتیب این هنجارها را شرح داده و مورد ارزیابی قرار دهیم.

۱ - ۵. هنگام احتضار مرگ و ارزیابی آن

وقتی یکی از اعضای خانواده هزاره در اثر بیماری و ناخوشی به مرحله آخرین نفس زدنهای حیات برسد هزاره‌ها به آن فرد «محتضر» می‌گویند و اضافه می‌کنند که او در حال احتضار است، یعنی زمانی که فرد برای سفر مرگ حاضر و آماده شد است. افراد که در اطراف این شخص قرار دارند او را همراهی می‌کند و برای سفر طولانی و پر خطر مرگ آماده. اولین کاری که در این هنگام انجام می‌شود این است که محتضر را رو به طرف قبله می‌خواباند، پاهایش را سمت قبله دراز می‌کند چند نفر باسواد هزاره سوره‌های «یس»، «الرحمن»، «واقعه» و... از قرآن کریم تلاوت می‌کنند و غالباً با صدای بلند به گونه ترتیل می‌خوانند: زنان جوان و باردار بچه‌های کوچک را از اتاق که محتضر وجود دارد بیرون می‌کنند. در این هنگام یک روحانی را دعوت می‌کند، در صورت امکان، اگر روحانی امکان دسترسی

---

۱. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نداشت یک نفر محاسن سفید با سواد مؤمن را می‌خوانند تا کلمه شهادتین بر زبان محتضر جاری کند. شهادت به وحدانیت خداوند، شهادت به نبوت ختم رسولان محمّد بن عبدالله، شهادت به ولایت و امامت امیر المؤمنین علی (عَلَیهِ السَّلام) و یازده امام معصوم، شهادت به وجود روز جزا و... را بر زبان میت جاری می‌کند، فرد روحانی می‌خواند و محتضر به دنبال او می‌خوانند. محتضر از مردم و همسایگان طلب عفو و بخشش می‌کند. البته قبل از این مرحله، در زمان که محتضر حال مناسب دارد، روحانی از او در مورد وصیت هایش سؤال می‌کند. اگر محتضر وصیت نکرده باشد، روحانی وی را وامی‌دارد که وصیت کند. سفارش‌های که میت پس از خود به خانواده‌اش می‌کند هزاره‌ها «وصیت نامه» می‌گویند، چون سفارش‌های میت بالاتفاق روی کاغذ نوشته می‌گردد و چند نفر مؤمن زیر آن کاغذ امضا می‌کنند تا وصیت نامه از اعتبار بیشتر قانونی برخودار شود. وصیت محتضر اگر مکتوب نباشد در صورتی مورد پذیرش باز ماندگان و وارثان است که دست کم دو نفر مؤمن مرد یا زن شهادت بدهند وگرنه وصیت مورد قبول وارثان نیست.

غالباً مردان هزاره از آن زمانی که زندگی خانوادگی تشکیل می‌دهند، وصیت نامه می‌نویسند، کمتر خانواده است که مرد آن خانه وصیت نامه نداشته باشد. افرادی که به علل خاص قبل از بیماری وصیت نکرده است در حین مرگ وصیت‌های خودش را می‌کند. اگر فردی در جامعه هزاره بدون وصیت از دنیا برود، هزاره‌ها این پدیده را به دید منفی می‌بینند، لذا غالباً همه مردان خانوار برای اینکه مورد سرزنش دیگران پس از مرگ قرار نگیرد و به دستورات اسلامی درست عمل کند، وصیت نامه دارد. بسیار نادر است که بزرگ خانواده بدون وصیت از دنیا جان به لقای الهی بدهد. غالباً هزاره‌ها در وصیت نامه شان فرزند دختر را از اموال غیر منقول (زمینها و ساختمان) محروم می‌کنند و اموال یاد شده را به فرزان پسر خود قبل از موت هبه می‌کنند و این هنجار در جامعه هزاره تبدیل به فرهنگ شده است و هنجارهای اجتماعی از آن پشتبانی می‌کند، لذا فرزندان دختر معمولاً در برابر این کار پدر هیچ گونه اعتراض ندارد. موارد نادر نیز وجود دارد که پدر خانواده تمام اموال (منقول و غیر منقول) خود را بالتساوی طبق دستور اسلام بین فرزندان پسر و دختر تقسیم می‌کند و یا به آن سفارش.

پس از آنکه محتضر جان به جانان سپرد و چشم از این جهان بست، حاضران در بالای سر میت چشم‌های او را اگر باز است، می‌بندند و کله میت را نیز با پارچه می‌بندند تا قبل از سرد شدن بدن دهان

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون «حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

میت بسته باشد، دست‌ها و پاهای وی را دراز و صاف می‌کنند و پارچه و یا پتوی بالای میت پهن می‌کنند و عزاداری خانواده میت و بستگان از این جا شروع می‌شود. چند نفر اطراف جنازه قرآن تلاوت می‌کنند و جنازه را غالباً تنها نمی‌گذارند. لازم است قبل از پرداختن به مباحث تجهیز میت اندک در مورد این قسمت بحث درنگ نموده و آن را مورد ارزیابی قرار دهیم. گفته شد هزاره‌ها محتضر را رو به قبله می‌خوابانند. این مسأله درست همان چیزی است که علمای بزرگ به آن فتوا داده است.

حضرت امام خمینی می‌فرماید: بنابر احتیاط واجب کفایی است که اطرافیان او را رو به قبله بخوابانند طوری که اگر محتضر را بلند کند صورتش سمت قبله باشد.(۱)

تلقین شهادتین و اقرار به امامت امامان دوازدگانه و ادای کلمات فرج نیز امور مستحب است که سزاوار است انجام بگیرد و نیز خوب است نزد محتضر قرآن تلاوت گردد به ویژه سوره‌های «یس» و «صافات».(۲)

وصیت کردن قبل از موت مورد تأکید زیاد اسلام است. رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسَلَّم) می‌فرماید: «وصیت کردن وظیفه هر مسلمانی است.»(۳)

در کلام دیگر حضرت می‌فرماید: «بر هیچ مسلمانی سزاوار نیست که شبی را سپری کند، مگر اینکه وصیتش زیر سرش باشد.»(۴)

علمای فرزانه مسلمان در فقه وصیت نمودن و کیفیت آن را مورد توجّه قرار داده‌اند و در کتابهای فقهی از آن مفصل بحث نموده‌اند. هزاره‌ها با توجّه به آگاهیهای که از اسلام دارند به این دستور اسلام عمل می‌کنند. و در حین مرگ و یا قبل از آن وصیت، ولی متأسفانه در این وصیت نامه گزاره ناروای «محروم نمودن فرزند دختر از اموال غیر منقول» در آن گنجانده می‌شود و عملاً این قشر شریف جامعه مورد تبعیض قرار می‌گیرند. البته وجود این پدیده ناروا بستگی به عوامل زیاد دارد، که ما در مقام بررسی آن نیستیم. مهم‌ترین عامل آن روحیه مردسالاری در جامعه هزاره است. ما در بحث تولد فرزند گفتیم که در برخی جاهای هزاره‌جات وقتی فرزند دختر متولد شود، به خانواده فرزند آن خوشحالی که

---

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، پیشین، ص ۶۵ - ۶۴. ۲. همان.

۳. محمّدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، پیشین، ص ۵۹۴، (باب ۱۸۱۸).

۴. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنّاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تولد پسر به بار می‌آورد، به وجود نمی‌آورد. چون در جامعه هزاره به پسران بیشتر بها داده می‌شود تا دختران. عامل دیگر این است که متأسفانه در جامعه هزاره تا هنوز گزاره‌ای به نام «استقلال مالی زنان» خوب جانیفتاده است. غالباً زنان در جامعه هزاره بر خلاف دستور اسلام استقلال مالی ندارند، اگر خانمی اموالش را از شوهر جدا کند و به گونه مستقل تصرف در آن نماید در جامعه هزاره نادرست می‌نماید. البته خانواده‌های هزاره که از سواد و تحصیلات عالی برخودار است معمولاً بانوان شان استقلال مالی دارند.

محروم ساختن فرزندان دختر از اموال غیر منقول، مثل زمین کشاورزی بر خلاف دستورات اسلام است. خداوند می‌فرماید وصیت تان را به «معروف» کنید.[۱] معروف؛ یعنی وصیت عادلانه باشد و محروم ساختن تعداد ضعیف از وارثان برخلاف عدالت اسلامی است.

صاحب مال خود حق تصرف در اموال خود را دارد و می‌تواند به هرکسی خواست هدیه و هبه کند. ولی این بخشش و هبه در صورت برای محروم ساختن تمام وارثان و یا تعدادی از وارثان باشد از دیدگاه اسلام مردود است و عمل شخصی غیر اسلامی تلقی می‌گردد. البته علمای بزرگ امامیه به خاطر احترام گذاری، مالک مال، وصیت کننده را تا $\frac{۱}{۳}$ اموال مجاز دانسته‌اند، لذا موصی می‌تواند در $\frac{۱}{۳}$ اموالش هر جور خواست وصیت کند ولی در بیش از $\frac{۱}{۳}$ اموال موصی، نافذ بودن این وصیت توقف بر جواز رضایت وارثان دارد. تفاوت ندارد که این وصیت در حال بیماری منجر شده به مرگ میت باشد یا در حال صحت در هر صورت نافذ بودن وصیت به بیش از $\frac{۱}{۳}$ نیاز به اجازه وارثان دارد.[۲] این حکم فقط در وصیت است.

برخی از علما فرموده‌اند اگر وصیت به بیش از $\frac{۱}{۳}$ مال در مرض منجر شده به موت باشد نیاز به اجازه وارثان دارد، ولی اگر در حال صحت و یا در بیماری که منجر به مرگ میت نشود وصیت به بیش از $\frac{۱}{۳}$ اموال کند نیاز به اجازه وارثان نیست، بدون اجازه آنان وصیت به بیش از $\frac{۱}{۳}$ نافذ است.[۳]

---

۱. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۸۰.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، پیشین، ص ۸۶ و ص ۲۰ (کتاب حجر)؛ سید علی سیستانی، المسائل المنتخبه، ص ۳۲۲ (مسأله ۸۳۲) و ص ۴۹۸ (مسأله ۱۲۸۲)؛ سید علی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، قم، انتشارات بین المللی الهدی، ج ۱، ۱۳۸۱، ص ۴۳۹ - (جوبا سؤال ۱۸۳۱).

۳. حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، پیشین، ص ۷۲۲ (م ۲۷۷۳)؛ مکارم شیرازی، توضحی المسائل، پیشین، ص ۴۷۹ (م

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۳۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) .از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

از آنجا که وصیت به محروم ساختن فرزندان دختر، برای ضربه زدن به آنان است و محروم ساختن آنان از ارث، چنین وصیتی در هر صورت بدون اجازه وارثان جای تأمل دارد، چون وصیت ظالمانه است و در اسلام حکمی ظالمانه وجود ندارد. در جامعه هزاره بسیاری از دختران به خاطر هنجارهای موجود در جامعه، ناگزیر به اجازه وصیت پدر است. موارد زیادی هم وجود دارد (به ویژه در زمان انقلاب) که دختران با چانه زنی و مراجعه به قضات صالحه حق خودشان را، از برادران گرفته‌اند، ولی این پدیده بر خلاف هنجار موجود در جامعه هزاره است. به هزاره‌های مسلمان است که به دور از تعصب‌های ناروا، مطابق آن چه اسلام سفارش کرده است، عمل نمایند و حق مسلم بخشی از جامعه خود را زیر پا نگذارند و بر عالمان دینی است که این مسأله را برای مردم بیان کنند.

۲ - ۵. تجهیز میت و نقد آن

دومین مرحله از هنجارهای مرگ و میر در جامعه هزاره، «تجهیز میت» است. وقتی محتضر چشم از جهان بست، اهل ده در جریان این خبر غم اندوه قرار می‌گیرند؛ مردان با تجربه ده، دست به کار امور تجهیز میت می‌گردند. ابتدا اگر میت، بستگان درجه یک و دو در دهات اطراف دارد، اطلاع داده می‌شود، پس از آن عده‌ای حدود چهار پنج نفر کندن قبر را عهده‌دار می‌گردند و عده‌ای در کوه‌های اطراف ده، برای تهیه سنگ بالای قبر می‌روند و عده‌ای دیگر وسایل مورد نیاز غسل میت، فراهم می‌کنند و عده‌ای هم در کنار صاحبان عزا نشسته آنان را به صبر و بردباری دعوت می‌کنند. خانم‌های ده با پخت نمودن نان مورد نیاز سر قبر و پزیدن گوشت «توشه» یا «توشه راه» و یا پزیدن حلوای سرخ در این امر صاحب عزا را همراهی می‌کنند. با این حساب تمام مردان و زنان ده به صورت جدّی با صاحبان عزا همراهی می‌کنند و آنان را یاری. این پدیده مبین مشارکت فعال اجتماعی هزاره‌ها است. در کارهای یاد شده حتی آن خانواده‌ای که با صاحبان عزا پیش از این خصومت شدید داشته، نیز فعالانه شرکت می‌کنند و برای سوگواران، تسلیت و تعزیت می‌گویند.

غالباً تجهیز میت طبق دستور اسلام[1] بدون کمترین معطلی انجام می‌شود. اگر فردی شب یا

۲۳۳۶)؛ میرزا جواد تبریزی. توضیح المسائل، پیشین، ص ۴۲۳ (م ۲۷۱۸).

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، پیشین، ص ۶۵.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

صبح زود از دنیا رحلت کند، بعد از چند ساعت نهایت تا بعد از ظهر آن روز دفن می‌شود. هنگامی که بستگان میت از دور و نزدیک جمع شدن مؤمنان به تغسیل میت می‌پردازند. طبق دستور عالمان دین، غسل میت را چند نفر افراد با تجربه، با اجازه «ولی» میت عهده‌دار می‌گردد، اگر میت مرد باشد مردان و اگر زن باشد زنان به غسل او می‌پردازند.[۱]

کیفیت غسل میت این گونه است که ابتدا تمام بدن میت را تمیز می‌شویند و از نجاست پاک می‌کنند. پس از آن، سه بار دیگر میت را غسل می‌دهند، ابتدا با آب سدر تمام بدن میت را می‌شویند، بار دوّم با آب مخلوط به «کافور» و بار سوم با آب خالص میت را غسل می‌دهند.

امور یاد شده درست مطابق احکام اسلام است. چنانچه علما در کتابهای فقی خود از آن بحث نموده‌اند.[۲] اگر بدن میت به خاطر جراحات و... طوری باشد که تغسیل او امکان نداشته باشد، طبق دستور اسلام وی را تیمم می‌دهند. در تغسیل میت، تمام آن مستحبات که در رساله‌های عملیهٔ مراجع تقلید آمده است عمل می‌گردد و مو به مو مورد اجرا قرار می‌گیرد.

پس از غسل دادن میّت، وی را با سه جامه سفید طبق دستور اسلام[۳] کفن می‌کند:

الف. مئزر - پارچه‌ای که از پشت ناف میت تا زانوهای آن کشیده می‌شود.

ب. پیراهن که درازی آن تا زیر زانوان است.

ج. «سرتاسری» این پارچه تمام بدن میت را می‌پوشاند. میت اگر مرد باشد پارچه کوچکی به دور سر می‌بندد و اگر زن باشد به صورت مقنعه درست می‌کند و سر میت می‌گذارد. و پارچه بلند کم عرض بدن میت را به صورت ضرب در می‌بندد.

هر خانواده هزاره غالباً چند عدد کفن که روی آن کلمات فرج، سوره یس و اسم‌های ائمّه روی آن نوشته شده است، دارند و «بُرد یمانی» نیز در برخی خانواده‌ها هزاره یافت می‌شود. قبل از تکفین میت، وی را طبق احکام اسلام[۴] حنوط می‌دهند؛ مقداری کافور به کف دو دست، پیشانی، سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پای میّت می‌مالند و مقداری تربت سید الشهدا (که هر خانوار هزاره دارد) به پیشانی میّت مسح می‌دهند.

---

۱. همان، ص ۶۷.
۲. همان، ص ۶۹ (کیفیت غسل میت).
۳. همان، ص ۷۳.
۴. همان، ص ۷۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وقتی کارهای یاد شده پایان پذیرفت، میّت را بین پتویی یا نمط می‌پیچند. در برخی از جاهای هزارستان اسلامی پس از آن، میّت را به تکیه خانه می‌آورند. تمام اهل ده جمع می‌شوند و پیرامون مرگ و روز «نشوره» و جزا روحانی و یا روحانیان سخن می‌گویند و از مصیبت‌های یکی از ستارگان درخشان امامت می‌خوانند و به صاحبان عزا تعزیت می‌گویند.

پس از ختم جلسه در بسیاری از مناطق هزاره‌جات هنجاری به نام «روی استخوانی» وجود دارد. روی استخوانی آن است که بستگان میّت و اهل ده هرکدام به اندازه توان خود از یک تا سه چهار متر پارچه‌های قیمتی روی جسد میّت می‌اندازند. اگر میّت دارای نام و شهرت به سزا باشد، این پارچه‌ها از ده‌ها متر تجاوز می‌کند. در برخی از مناطق روی استخوانی رایج نیست، به جای آن پول روی جنازه میّت می‌اندازند که به نوعی کمک به صاحبان عزا است.

پس از این مرحله نوبت به نماز میّت می‌رسد. نماز میّت طبق احکام اسلامی [1] خوانده می‌شود، غالباً در فضای باز جلو تکیه خانه یا سرگورستان خوانده می‌شود و به صورت باشکوه برگزار می‌گردد.

وقتی جنازه را به سمت قبرستان حرکت می‌دهند از ده تا قبرستان، با شکوه خاص تشییع می‌شود. اگر میّت طفل نباشد، همه مردان نوجوان، جوان، میان سالان و پیرمردان در تشییع جنازه شرکت می‌کنند. غالباً زنان در تشییع شرکت نمی‌کنند و در حین دفن به قبرستان نمی‌روند.

قبر میّت را غالباً حدود ۷۰ و ۸۰ سانت گود می‌کند. اطراف مخزن را به صورت مربع مقدار چهار انگوشت می‌کند. قبل از اینکه میّت را بین قبر بگذارد، مقدار چند کیلو گندم یا دیگر حبوبات بین قبر می‌برد و بیرون می‌کند، در همان زمان و یا بعد از آن، گندم یاد شده را برای فقیری صدقه می‌دهد. هزاره‌ها به این باورند که این کار موجب کاهش فشار قبر بر میّت می‌گردد. البته صدقه دادن به یاد و نام میّت کاری پسندیده است، تحت هر نامی باشد اشکال ندارد.

زمانی که جنازه میّت نزدیک قبر رسید، به زمین می‌گذارند، باز برداشته حرکت می‌دهند و بعد از چند قدم پیمودن راه، دوباره جنازه را می‌گذارند و باز حرکت می‌دهند دفعه سوم نیز این کار را انجام می‌دهند. تقریباً مستحبات که در رساله‌های فقهی مراجع تقلید در مورد دفن میّت ذکر شده است،

---

۱. همان، ص ۸۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶). از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هزاره‌ها مراعات می‌کنند. میّت را به پهلوی راست رو به قبله می‌خوابانند. مقداری تربت کربلای حسینی زیر سر و روی سینه میّت می‌گذارند. در برخی موارد، قرآن کوچکی نیز روی سینه میّت می‌گذارند. دو عدد چوب‌تر به طول یک ذراع نیز همراه میّت می‌گذارند. یکی را در طرف راست میّت و دومی را طرف چپ وی، گاه در هرکدام جزیده یک سوره کوچک قرآن می‌نویسند. در اصطلاح فقهی از این دو چوب به «جریدتین» یاد شده است و گذاشتن آن دو همراه میّت از مستحبات مؤکّد است.(۱) آنگاه یکی از بستگان میّت داخل قبر شده با کمک دیگران میّت را بین قبر می‌گذارند و بندهای کفن میّت را باز می‌کنند و پس از آن یک روحانی دست روی شانه میّت می‌گذارد و شروع به خواندن «تلقین میّت» می‌کند. تلقین طبق آن چه در رساله‌های عملیه مراجع تقلید آمده است، خوانده می‌شود و از مستحبات مؤکد است.(۲) ولی هزاره‌ها بدون استثناء به منزله یکی از واجبات دفت میّت نگاه می‌کنند؛ لذا در شرایط که میّت فوت کند خواندن تلقین او ترک نمی‌گردد. پس از خواندن تلقین قبر را می‌پوشاند، چند عدد سنگ مسطح روی قبر می‌گذارد و سوراخ‌های سنگ با گل کور می‌کردد و پس از آن خاک، روی قبر می‌ریزد. وقتی قبر از خاک پوشیده شد دوباره تلقین میّت خوانده می‌شود.

در برخی جاهای هزاره‌جات مؤمنان حاضر در سر قبر برای میّت طلب غفران و رحمت برای او می‌کنند و این دعا را می‌خوانند:

«اللّهُمَّ اغفر لِلمؤمِنینَ وَ المؤمِنات وَ المُسلِمینَ وَ المسلِمات اَلاحیا مِنهم وَالاَموات تابِع اللّهُمَّ بینَنا وَ بَینَهُم بِالْخَیرات، اِنَّکَ عَلی کُلِ شَیءٍ قَدیرٌ»(۳)

این دعا به دعای چهل مؤمن شهرت دارد. بعد از دفن بالای قبر قبل از این عمل و گاه بعد از آن یک روحانی مختصر مرثیه سید الشهدا (عَلَیهِ السَّلام) می‌خواند و برای میّت دعا می‌کند و بازماندگان او را دعوت به صبر و بردباری.

وقتی کارهای تجهیز میّت تمام شد، صاحبان عزا گوشت پخت شده گوسفندی را که قبلاً ذبح کرده بودند و یا حلوای سرخ، همراه نان به شرکت کنندگان در تجهیز میّت و حاضران سر گورستان می‌دهند. و از این صدقه هزاره‌ها به «توشه» و یا «توشه راه» یاد می‌کنند؛ یعنی صدقه‌ای که ثواب و

---

۱. همان، ص ۷۷.

۲. رساله‌های عملیه مراجع تقلید، احکام دفن.

۳. امام خمینی، همان، ص ۸۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پاداش حاصله از آن زاد و توشه برای سفر سخت و دشوار میّت باشد. پس از آن حاضران صاحبان عزا را تا منزل شان همراهی می‌کنند. جلو در منزل و یا در خانه عزار دار فاتحه می‌خوانند و متفرق می‌شوند. در برخی موارد این کار در تکیه خانه انجام می‌شود. تمام آنچه که هزاره‌ها در مورد تجهیز میّت انجام می‌دهند مطابق دستورات احکام فقهی امامیّه است و حتی مستحبات نیز به خوبی در این مرحله عمل می‌گردد. چنانچه در ضمن مباحث به آن اشاره گردید.

۳ - ۵. قرآن خوانی بالای قبر میّت و نقد آن

یکی از سنّت‌های که سالهاست در بسیاری از مناطق هزارستان اسلامی بین هزاره‌ها رایج اند، ختم قرآن بالای قبر میّت است. از همان هنگام که روی گور میّت پوشیده می‌شود و مردان سر قبرستان را ترک می‌کنند، همراه صاحبان عزا به سمت خانه میّت می‌آیند، چند نفر مأمور می‌گردد که روی قبر میّت خیمه بزنند و درون خیمه قرآن بخوانند. خیمه برای محافظت قرآن خوانهاست در تابستان ازگرما و در فصلهای دیگر سال از سرما. تعداد قرآن خوآنهااز سه تا شش هفت نفرند. تعداد افراد یاد شده به مدت چند شبانه روز در دو نوبت، نوبت روز و نوبت شب قرآن می‌خوانند. افرادی که دارای مکنت مالی هستند و دارای نام و شهرت، میّت بزرگ خانواده است، این سنّت غالباً تا یک هفته طول می‌کشد وگاه سه شب و روز روی قبر میّت قرآن می‌خوانند. در برخی جاها محتضر در هر روز هفته فوت کند از همان روز تا شب جمعه قرآن خوانی روی قبر ادامه دارد. با این کار می‌خواهند سؤال منکر و نکیر را در شبّ جمعه به تعویق بیندازند تا در شب جمعه آن فرشته‌ها آسان بگیرند برای میّت.

در زمانهای یاد شده، هیچ گاه بالای قبر میّت خالی گذاشته نمی‌شود. کسانیکه در دو شیفت شب و روز قرآن می‌خوانند از طرف صاحب عزا، خوب در امور غذایی‌شان رسیدگی می‌شود. غالباً یک بره گوسفند در روز مصرف می‌کنند و یک رأس بره دیگر شب و غذا نیز سر قبر معمولاً وسیله فردی که مخصوص این کار مأمور می‌گردد، درست می‌شود. در برخی از مناطق برای قرآن خوآنهابه ازای خواندن قرآن شان، صاحب عزا پول می‌دهد. با این حساب مخارج سنگینی به صاحب عزا تحمیل می‌گردد، به ویژه اگر کسی در فصل زمستان از دنیا رحلت کند، فصلی که آب در جا یخ می‌زند، تأمین سوخت و گرم نمودن خیمه در قبرستان کار شاق و دشواری است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و۰تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در هر فصل سال مرگ و میر رخ بدهد این هنجار اجرا می‌گردد و آن هم فقط قرآن خوانی بالای قبر. در برخی موارد به صورت نادر گاه ختم قرآن در منزل انجام می‌شود ولی نادر است. در مورد این پدیده که از چه زمان و به چه مناسبت این رسم به وجود آمده است منابع مکتبو و غیر آن وجود ندارد. این هنجار بین اقوام مسلمان دیگر افغانستان نیز وجود دارد چنانچه الفنستون در مورد پشتونها نگاشته است:

«[صاحب عزا] اگر بضاعت داشته باشد قاریان چند روزی بر خاکش قرآن می‌خوانند.»[1]

نقد و بررسی

گمانه زده می‌شود، این رسم برگرفته از دستورات اسلام باشد. بدون تردید فضیلت تلاوت قرآن کریم بر کسی پوشیده نیست. در روایات اسلامی به خواندن قرآن زیاد صفارش شده و پاداش فراوان خداوند متعال برای قاریان قرآن وعده داده شده. ما به عنوان تبرک یک حدیث از آن روایات را می‌آوریم.

رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسَلَّم) فرمود:

«مَنْ قَرَأَ عَشرَ آیاتٍ فِی لَیْلَةٍ لَمْ یَکُن مِنَ الْغافِلینَ وَ مَن قَرَأَ خَمسینَ آیَةً کُتِبَ مِنَ الْذاکرینَ وَ مَن قَرَأَ ثَلاثَ مِائَةٍ کُتِبَ مِنَ الْفائزین...؛[2] **کسی که ده آیه قرآن در شب بخواند او جز غفلت کنندگان نیست، کسی که پنجاه آیه قرآن بخواند [اسمش] جز ذاکرین نوشته می‌شود، کسی که سه صد آیه قرآن بخواند [نام او] جزء رستگاران نوشته می‌گردد...»**

تلاوت قرآن دارای فضیلت فراوان است. روایات در این مورد از حد فزون، این تلاوت که دارای فضیلت است، مقید به مکان خاص نیست. بله، در مکانهای دارای شرافت، مثل مکه، مسجد الحرام و... و در زمانهای خاص مثل ماه مبارک رمضان فضیلت تلاوت قرآن دو چندان است. از طرف دیگر از روایات اسلامی استفاده می‌شود که مردگان آگاهی به آن چه در بالای قبرشان می‌گذرد، دارند.

روزی اسحاق بن عمار از ابی الحسن (عَلَیهِ السَّلام) (امام کاظم) سؤال نمود: انسان مؤمن خوابیده

---

۱. الفنستون، افغانان، پیشین، ص ۱۸۷.

۲. محمّد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، (۲ ج)، ج ۲، تهران، انتشارات اسوه، چ ۵، ۱۴۲۵ ق، ص ۶۰۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در دل خاک و خانه تاریک می‌داند که چه کسی او را زیات می‌کند؟

امام فرمود:

«نَعَم، وَلایَزالُ مُستَأنِساً بِه مازال عِندَه، فَإذا قامَ اِنصَرَفَ مِن قَبرِهِ دَخَلَهُ مِنْ اِنصِرافِه عَن قَبرِهِ وَحْشَةٌ؛[۱]

تا زمانی که زائر نزد قبر مؤمن است میّت با او مأنوس است. وقتی زائر زیارت کنند و می‌ایستد و از بالای قبر انصراف می‌دهد، میّت داخل قبر [از تنهایی] دچار وحشت می‌شود.»

امام علی بن ابی طالب (عَلَیهِ السَّلام) آنگاه که از جنگ صفین باز می‌گشت وقتی به قبرستان که پشت شهر کوفه آن زمان قرار داشت رسید، حضرت ایستاد و اهل قبور را مورد خطاب قرار داد و کلمات گهرباری فرمود، سپس به سوی اصحابش رو نمود و فرمود:

«أما لَوْ أذِنَ لَهُم فِی الْکَلامِ لَأخبَرُوکُم: اِنَّ خَیرَ الزّ التَّقویٰ»[۲] (بقره / ۱۹۷)؛ **بدانید که اگر آنان [مردگان خوابیده در گورستان کوفه] اجازه سخن گفتن داشتن همانا شما را خبر می‌دادند که بهترین توشه تقوا و پرهیزگاری است.»**

محمّد بن مسلم از امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) سؤال نمود: ما سر قبر مردگان رفته و آنان را زیارت می‌کنیم. آیا آنان از بودن ما در روی قبر آگاهند؟ امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) فرمود: **«بله، قسم به خدا آنها می‌دانند و به بودن شما مسرور و مأنوس می‌گردند.»** [۳]

در حدیث دیگر صفوان بن یحیی از امام ابی الحسن (عَلَیهِ السَّلام) می‌پرسد: اگر کسی به میّت سلام کند می‌شنود؟ امام فرمود: بله آنان می‌شنوند.[۴]

در مورد رفتن به قبرستان از امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) سؤال شد که این کار برای اموات منفعتی دارد؟ امام ششم - درود خدا بر او باد - فرمود: **«بله، این کار تحفه‌ای است برای مردگان و آنان خورسند می‌شود، آنگونه که کسی بر یکی از شما داخل شود [منزل یکی از شما بیاید.]»**[۵]

در روایت دیگر از امام رضا (عَلَیهِ السَّلام) نقل شده است، کسی که هفت بار سوره قدر را بالای قبر

---

۱. جعفر بن محمّد بن قولویه (م۳۶۸ ق) کامل الزیارات، تحقیق محمّد جواد قیومی، قم، نشر الفقاهه، چ ۳، ۱۴۲۴ ق، ص ۵۳۱.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۰.

۳. میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ ق)، مستدرک الوسائل، ج ۲، بیروت، مؤسسه آل البیت، چ ۲، ۱۴۰۸، ص ۳۶۲.

۴. همان. ۵. همان، ص ۳۶۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۰۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶). از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

میّت بخواند از روز سخت قیامت در امان است.[۱] از روایات یا شده، که چند نمونه از روایات فراوان در این مورد است، به خوبی حسن قرائت قرآن بالای قبر میّت، آن هم میّتی که تازه سر زیر لحد گذاشته، استفاده می‌شود. چون میّت از بودن زائرش سر قبر آگاه است و ثواب که از تلاوت قرآن حاصل می‌شود و هدیه به میّت، او میداند و مسرور می‌گردد. علاوه بر آن روایات انبوهی پیرامون فضیلت تلاوت قرآن در خانه از معصومین صادر شده است. ما یک نمونه می‌آوریم. امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) فرمود:

«خانه‌ای که مرد مسلمان در آن قرآن تلاوت می‌کند، اهل آسمان این خانه را نورانی می‌بینند، آنگونه که اهل زمین ستارگان درخشان را.»[۲]

مرحوم کلینی در اصول کافی دو حدیث دیگر قریب به این مضمون از رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) و امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) نقل فرموده است. تعمیم روایات یاد شده از «بیوت» به گورستان مانعی ندارد. لذا هیچ بعدی ندارد، اگر بگوییم، قبری که روی آن قرآن قرائت می‌شود روشنی دهنده برای اهل آسمان است، آن گونه که ستارگان پر فروغ به اهل زمین روشنی می‌اندازد، زیرا خانه ویژگی خاص ندارد بلکه این قرآن است که در هر مکان تلاوت شود نور افشانی می‌کند.

با توجّه به مطالب یاد شده، رسم تلاوت قرآن روی قبر به مدت چند شبانه روز، کاری پسندیده است؛ ولی آنگونه که بیان شد این کار مخارج زیادی به صاحب مصیبت تحمیل می‌کند. ذبح چند رأس بره گوسفند فقط برای قرآن خوانی برای جامعه هزاره که محروم‌ترین قوم در افغانستان است و کم‌ترین قدم در راستای توسعه هزاره‌جات حاکمان در طول تاریخ بر نداشته‌اند، مصرفی کمی نیست.

جامعه هزاره به خاطر جغرافیایی ویژه‌ای که دارد و به خاطر در انزوا قرار دادن هزاره‌ها از سوی حاکمان، گرفتار فقر شدید می‌باشد، کافی است یک سال زراعت و کشاورزی هزاره‌ها خوب به بار نیاید و یا کم آبی رخ بدهد، اگر یک سال کشاورزی نشود خانواده هزاره آن قدر پول ذخیره ندارد، که یک سال بدون محصول زراعت، مایحتاج خانواده‌اش را تأمین کند.

از طرف دیگر کارهای زیاد مربوط به عام المنفعه است، که می‌بایست در هزاره‌جات انجام بگیرد، ولی متأسفانه به خاطر فقر و دیگر عوامل انجام نمی‌شود. اگر صاحب مصیبت مصارف که برای

---

۱. جعفر بن... قولویه، کامل الزیارات، پیشین، ص ۳۲۹.
۲. مرحوم کلینی، اصول الکافی، ج ۲، پیشین، ص ۶۰۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ختم قرآن روی قبر میّت، مصرف می‌کند به یاد و نام میت برای کارهای عام المنفعه، چون ترمیم تکیه خانه‌ها، کمک به حوزه‌های علوم دینی، کمک به افراد بی سرپرست و... هم منفعت برای دیگران دارد، هم ثواب بس فراوانش نصیب میت می‌گردد. قرآن خوانی در زمستان سرد روی قبر، در گورستان که غالباً در جای بلند قرار دارد (به خاطر که سیلاب روی گورستان نیاید) دشواری آن بر کسی پوشیده نیست. سردی زمستان هزارستان چنان شدت دارد که به تعبیر هزاره‌ها «گوساله در شکم مادر یخ می‌زند» در چنین هوایی قرآن خواندن زیر خیمه روی گور، آن هم چند شبانه روز پشت سر هم واقعاً کار شاق است.

٤ - ۵. مجلس ختم و ترحیم و ارزیابی آن

پس از گذشت چند روز، از درگذشت میت، در برخی از مناطق هزارستان اسلامی روز سوم و یا چهارم مجلس ختم و ترحیم برگزار می‌گردد. در این مجلس صاحب عزا اقوام و بستگان دور و نزدیک میت و دهات اطراف را دعوت می‌کنند. دو سه روحانی نیز در این مجلس حضور دارند. مراسم غالباً قبل از ظهر بر پا می‌شود و ظهر از مهمانان پذیرایی می‌کنند. غالباً یک رأس گاو ذبح می‌شود برای پذیرایی مهمانان ابتدا یک دو نفر قاری با صوت، قرآن تلاوت می‌کنند. و عزاداران لب در ایستاده از مهمانان پذیرایی به عمل می‌آورند. وقتی مهمان دعوت شده آمدن خواندن شروع می‌شود و چند نفر روحانی در این جلسه صحبت می‌کنند و در آخر روضه و دعا، تمام مراسم حدود سه چهار ساعت طول می‌کشد. این هنجار پسندیده بیشتر در بین هزاره‌های شرقی وجود دارد.

در بسیاری جاهای هزارستان در زمان‌های گذشته رسم یاد شده وجود نداشت و در این اواخر، رایج گردیده است. در برخی از مناطق تا هنوز هنجار یاد شده وجود ندارد، لذا پس از درگذشت میت در طی چندین هفته، دست کم تا چهلم میت روزی چند نفر از اقوام و بستگان صاحبان عزا و دهات همسایه، منزل صاحبان عزا فاتحه خوانی و تعزیت گفتن می‌آید. و صاحب عزا در این مدت باید در منزل بنشیند. طبعاً چنین رسمی هم زمان بر است و هم به صرفه مالی نیست.

در مناطقی که چنین پدیده‌ای وجود دارد، رسم دیگری دارد به نام «راه عزا»؛ در هفته اوّل درگذشت اقوام صاحب مصیبت، که در ده دیگر غیر از ده آنها است، یک روز قبل از آمدن به آنها پیغام

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌دهد که ما فلان روز فاتحه می‌آییم. در روز معین چندین نفر مرد و زن منزل صاحب عزا فاتحه می‌آید، غالباً یک رأس گوسفند و یا گاو برای کمک به صاحب مصیبت همراه خود می‌آورند. هزاره‌ها این رسم را، راه عزا می‌گویند البته در برخی مناطق «فاتیا خوانی» می‌گویند. رسم یاد شده در زمانهای گذشته در تمام هزاره‌جات رایج بود.

ارزیابی

تعزیت گفتن و تسلّی دادن به برادر دینی یکی از کارهای شایسته و مورد توجّه اسلام است. رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) فرمود:

«مَن عَزا مُصاباً کانَ لَهُ مِثلُ اَجرِه؛[۱] هر که سوگواری را تسلی دهد اجرش همانند آن فرد عزادار است.»

در اسلام هر که مصیبت درش وارد شود و بر آن صبر و بردباری به خرج دهد، دارای پاداش فراوان است. رسول خدا در کلام یاد شده فرموده است، انسان که به عزادار تسلی دهد همان اجر را دارد و این کم مزدی نیست.

امام علی (عَلَیهِ السَّلام) فرمود:

«هر که مادر فرزند مرده را تسلی دهد، خدا او را در سایه عرش خود در روزی که سایه‌ای غیر از عرش او نیست قرار می‌دهد.»[۲]

رسول گرامی اسلام در حدیث نورانی می‌فرماید:

«هر که در مصیبت برادر مؤمن وی را تعزیت بگوید (تسلّی دهد) خداوند روز قیامت وی را از حله‌ها با کرامت می‌پوشاند»[۳]

علمای ربانی نیز در کتابهای فقهی شان دستور داده‌اند، که به فردی سوگوار سزاوار است تسلی داده شود و کلمات را نزد او به زبان براند که سنگینی مصیبت فرد عزادار سبک گردد، این از کارهای بسیار پسندیده و تأکید شده است، به ویژ به مادر فرزند مرده و فرزندان پدر از دست داده.[۴]

---

۱. محمّدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، پیشین، باب ۱۲۸۴.

۲. همان.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، پیشین، ص ۳۴۹.

۴. امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۹۵.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

رسم فاتحه رفتن تا چهلمین روز میت کاری پسندیده نیست. چون در این مدت طولانی صاحبان عزا، را فاتحه خوانها از کار و تلاش روزمره باز می‌دارند. ثانیاً مصارف مالی زیاد به او تحمیل می‌کند. سزاوار است فاتحه از روز درگذشت نهایت یک هفته بیشتر طول داده نشود. حضرت امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می‌فرماید:

عزاگرفتن و خانه نشستن مرده دار تا سه روز بدون اشکال است.(۱)

برای جلوگیری از هدر نرفتن زمان و منظم بودن مراسم فاتحه خوانی و تسلی دادن (که از سنّت‌های پسندیده است) سوگوار، خوب است چند روز بعد از درگذشت میت در روز معین بدون تشریفات و اسراف و با کمترین هزینه برگزار شود.

۵ - ۵. سه بیگاهی و نقد آن

یکی دیگر از هنجارهای مرگ و میر در بین هزاره، رسم «سه بی گاهی» است. در سومین شب درگذشت میت خانواده و بازماندگان وی غذا درست می‌کنند (گاه فقط نان روغنی - آرد + آب + روغن) به خانه‌های اهل ده تقسیم، ثواب این صدقات را به روح و روان متوفا اهدا می‌کند. این رسم کاری پسندیده است خیلی همراه با اسراف و تشریفات زیان آور مالی نیست.

۶ - ۵. ختم قرآن شیهای جمعه و بررسی آن

از دیدگاه عقل تمام زمانها از نگاه شرافت و بزرگی مساوی است، عقل هیچ گاه حکمی در شرافتی قطعه از زمان و پستی زمان دیگر ندارد. او تمام زمانها را یکسان از دید شرافت و بزرگی می‌داند، ولی در ادیان به ویژه در اسلام قطعه‌های از زمان است که دارای شرافت و قداست بالایی است. یکی از زمانهای که در اسلام مورد تکریم است و دارای قداست، روز جمعه است. از زبان بزرگان و معصومان الهی در مورد فضیلت آن احادیث بس فراوان وجود دارد. رسول اکرم (صَلَی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) فرمود: **«روز جمعه بزرگ روزها است و از روز عید فطر و روز عید قربان با فضیلت‌تر و بزرگتر است.»**(۲) فضیلت روز عید فطر و قربان بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست ما قبل از این اندکی پیرامون آن دو عید

---

۱. همان، ص ۹۶.

۲. محمّدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، پیشین، باب ۳۴۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بحث کردیم، با این فضیلت که آن دو روز عید دارد، ولی رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) می‌فرماید روز جمعه بزرگتر از آن دو است. امام باقر العلوم (عَلَیهِ السَّلام) فرمود: «[کارهای] خوب و نیک و بد [که روز جمعه انجام می‌شود] دو برابر است.» در کلام دیگر آن امام همام فرمود: «به خاطر فضیلت روز جمعه صدقه که در این روز داده می‌شود چند برابر حساب می‌گردد.»[1]

هزاره‌ها با توجّه به آگاهی‌های دینی که دارند به قداست و فضیلت روز جمعه نسبت به دیگر روزهای هفته قایل اند و این اعتقاد منشأ دینی دارد و درست است، به تبع روز جمعه، شب جمعه نیز بین هزاره‌ها از قداست برخوردار است؛ لذا برای خشنودی روح فرد متوفی و عاید شدن ثواب فراوان به میّت، پس از درگذشت او هر شب جمعه و یا روز جمعه تا چهلمین روز درگذشت او (حدود چهار و پنج جمعه) ختم قرآن می‌گیرند. در جلسه ختم قرآن هفت هشت نفر، برای قرآن خوانی دعوت می‌شود. افراد یاد شده مؤظف‌اند، دست کم یک دوره قرآن را از اوّل تا آخر بخوانند و هزاره‌ها به این هنجار سخت پایبندند و در تمام هزاره‌جات، بین هزاره‌ها این سنّت جاری است.

بررسی

در خصوص برگزاری چنین مراسم بعد از درگذشت از اولیای الهی روایتی نرسیده است، ولی آنگونه بیان شد فضیلت تلاوت قرآن و فضیلت روز جمعه و یاد کردن میت و دعا برای او از مسلمات دستورات احکام اسلام است؛ بنابر این قرآن خوانی که بین هزاره‌ها در شب‌های جمعه یا روزهای جمعه رایج‌اند، کاری پسندیده و نیکو است. البته حسن این کار تا زمانی است که این پدیده تبدیل به عادت و چشم و هم چشمی بین خانواده‌های هزاره نگردد و مصارف هنگفت را به خانواده صاحب عزا تحمیل نکند.

---

۱. محمّدی ری شهری، همان، باب ۳۴۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) . از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط تندنی است.

۷ - ۵. مراسم چهلمین روز میّت و بررسی آن

هزاره‌های برای تجلیل و گرامی داشت یاد و خاطره عزیز رفته به سرای آخرت شان، به مراسم مجلس ختم و قرآن خوانی شب‌های جمعه اکتفا نمی‌کنند. پس از مراسم‌های یاد شده، هنجار دیگری نیز برای گرامی داشت میت خود دارند. این مراسم در بسیاری از مناطق هزارستان اسلامی با شکوه ویژه برگزار می‌گردد. از این مراسم هزاره‌ها به «چهلم میت» یاد می‌کنند. برخی از هزاره این مراسم را پس از چهل وقت (شب و روز) میت برگزار می‌کنند و برخی دیگر پس از چهل روز درگذشت او. به طور نادر در بعضی موارد هم مراسم چهل وقت گرفته می‌شود هم چهل روز. یکی از این دو مراسم باشکوه برگزار می‌گردد.

یک روز قبل از برگزاری مراسم، مهمانان از قریه‌های اطراف و اقوام دور و نزدیک و اهل قریه دعوت می‌شود. صاحب مصیبت می‌بایست برای پذیرایی از مهمانان، دست کم یک رأس گاو و یا چند رأس گوسفند ذبح کند و از مدعووین پذیرایی. مراسم غالباً قبل از ظهر برگزار می‌شود و چند تن از ذاکران و واعظان سخنرانی و مرثیه خوانی می‌کنند. سخنرانان پیرامون قیامت، توحید، نبوت، امامت، اخلاق و... سخن می‌رانند. پس از ختم سخن غذا صرف می‌گردد.

همان‌گونه که در قسمت مجلس ترحیم یاد گردید، تسلی دادن به صاحب عزا و تعزیت دادن به او، از کارهای مورد تحسین و اسلامی است. عقل نیز حکم به نیکویی آن می‌کند، چون کسی که مصیبت دار است، تسلی دادن به او موجب تخفیف عزای او می‌گردد و این مسأله، کاری است نیکو. اما مراسم برگزاری چهلم در هیچ منبع دینی از آن سخن گفته نشده.

در بحث اربعین حسینی نگاشته شد که روز ۲۰ صفر زیارت سید الشهدا استحباب دارد. دیگر حرف از اقامه عزاداری اهل بیت روز اربعین، چیزی مطرح نبود. تا گمانه رود که هزاره‌ها به پیروی آنان مراسم چهلم برگزار می‌کنند. معلوم نیست که برگزاری مراسم چهلم از چه زمانی و به چه مناسبتی به وجود آمده است و امروز در جامعه هزاره، تبدیل به یک ارزش گردیده است؟!

برپایی این گونه مراسم، بنفسه اشکال شرعی ندارد، ولی با توجّه به فقر شدید که در جامعه هزاره حکم فرماست؛ برپایی چنین مراسمی که مخارج زیاد به صاحب عزا تحمیل می‌کند، هیچ بعدی ندارد. از مصادق اسراف به حساب می‌آید.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شمنی است.

نکوهش مسرف در قرآن و روایات فراوان آمده است خداوند در سوره اعراف، آیه ۳۱ می‌فرماید: «ای بنی آدم اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد.» امام علی (عَلَیهِ السَّلام) می‌فرماید: **«بیچاره اسرافکار! چه دور است از اصلاح نفسش و جبران کردن کار خود»**[1] و نیز آن امام فرمود: **«اَلسَّرفُ مَثواةٌ وَ اَلقَصدُ مَثراةٌ؛**[2] **اسراف هلاکت است و میانه روی مایه زیاد شدن ثروت»**

از آیه و روایات فوق مذمت اسراف، به خوبی استفاده می‌گردد. چه کاری بدتر از این که انسان انجام دهد و به خاطر انجام دادن آن از تحت چتر محبت الهی خارج گردد و خداوند او را دوست نداشته باشد، در آیه ذکر شده به صراحت آمده بود که خداوند اسرافکاران را دوست ندارد.

و بسیاری از مخارج که هزاره‌ها بعد از درگذشت یکی از اعضای خانواده شان مصرف می‌کند از جمله مصرف، که در مراسم چهلم میّت خرج می‌کنند از مصادیق اسراف است.

اما چه می‌شود کرد؟ چون سنّت است و عادت شده و ترک آن وحشت آور و غیر ممکن است و عالمان دینی به خاطر همراهی با توده مردم و به بهانه ارج گذاری به سنّت‌های مردم چیزی نمی‌گویند، لذا می‌بینیم خانواده هزاره‌ای که عزیزی از عضوی خانواده‌اش را از دست داده و به خاطر فقدان آن داغدار و مصیبت زده است، برای اینکه مردم به او طعنه کم توجهی به متوفی اش را نزند ناگزیر است هنجارهای پس از درگذشت متوفی را یکی پس از دیگری اجرا کند و زیر بار سنگین قرض رفته، مصیبت فقر و تنگدستی را نیز تحمل نماید.

---

۱. محمّدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، پیشین، باب ۹۲۹.

۲. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

علاوه بر منابع یاد شده در پاورقی از آگاهی‌های افراد ذیل در این فصل استفاده نمودم. کسب اطلاعات از افراد ذیل به گونه گفتگو و مصاحبه بوده است:

۱. شیخ محمّد رحمانی، ۳۲ ساله، استان دایکندی، شهرستان کیتی، قریه تمران.
۲. شیخ عبدالاحد فیاض، ۳۴ ساله، استان سمنگان، شهرستان دره صوف، قریه زیرکی.
۳. شیخ موسی حلیمی، ۳۵ ساله، بامیان، یکاولنگ، قریه راه شیب.
۴. شیخ سخی داد شجاعی، ۲۷ ساله، استان سرپل، شهرستان بلخاب، منطقه اسپی میدان، قریه رسپیچ.
۵. حاجی شیخ محمّد امیر عارفی، ۶۰ ساله، استان غور، شهرستان لعل و سرجنگل، لعل بالا، قریه قربغی.
۶. آقای کربلایی عبدالله غفاری، ۵۵ ساله، غور، لعل و سرجنگل، سرجنگل، قریه سر چهار آسیاب.
۷. آقای کربلایی محمّد علی شریفی، ۳۰ ساله، غور،لعل و سرجنگل، سرجنگل، قریه پیش بند.
۸. شیخ حیدر شریفی، ۳۸ ساله، غور، لعل و سرجنگل، لعل، قریه جوقل.
۹. سید حیدر حسینی، ۳۲ ساله، غور، لعل و سرجنگل، سر جنگل، قریه کوله شفا بیک.
۱۰. سید رضا انوی، ۳۶ ساله، استان وردک، شهرستان، بهسود، منطقه میزه، قریه آجم.
۱۱. شیخ محمّد طاهر فقیهی، ۶۰ ساله، استان غزنی، شهرستان جاغوری، منطقه شوغلم.
۱۲. شیخ ابراهیم نبوی، ۵۵ ساله، استان غزنی، شهرستان مانستان، قریه داله.
۱۳. سید حسین علوی، ۴۸ ساله، استان دایکندی، شهرستان بندر، قریه جوزی.
۱۴. سید جواد موسوی، ۲۳ ساله، باسواد، استان سرپل، شهرستان سنگ چارک، قریه شوب کند.
۱۵. محمّد نظری، ۳۵ ساله، با سواد، استان سرپل، شهرستان سنگ چارک، قریه شوب کند.
۱۶. محمّد حسین، ۳۳ ساله، باسواد، استان بامیان، شهرستان یکاولنگ، قریه دهن ترغی.
۱۷. عباس اکبری، ۳۲ ساله، باسواد، بامیان، شهرستان ورس، قریه چند دور.
۱۸. شیخ کربلایی بصیر، ۳۸ ساله، بامیان، شهرستان ورس.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱۹. سید محمّد شجاعی، ۳۵ ساله، پروان، شهرستان سرخ پارسا، دره لولنج.



دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل پنجم

آداب و رسوم عزاره‌ها در غیر شادی‌ها و عزاداری‌ها و نقد و بررسی آن

- ازدواج و ارزیابی آن
- طلاق و ارزیابی آن
- نحوه احوالپرسی
- پیر و مرید
- و ...

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مقدمه

هر ملّتی برای ادامه حیات خود بر اثر ارتباط متقابل، یکسری آداب و رسومی دارند، که در زندگی روزمره، مورد عمل قرار می‌دهند؛ در شادی‌ها، عزاداری‌ها و نیز در غیر شادی‌ها و ایام عزاداری و سوگواری، آداب و رسومی دارند که شب و روز با آن درگیرند. این آداب و رسوم بر خاسته از فرهنگی است که سالها در آن جامعه وجود داشته، نسل در نسل به حیات خود تداوم داده است.

مردم هزاره، نیز آداب و رسومی دارند، که در اثر تعامل و روابط متقابل میان خود و دیگر اقوام ساکن در افغانستان، در مرور زمان به وجود آمده و از نسل‌های گذشته به نسل کنونی منتقل شده است، چون این مردم مسلمان و باورمند به تشیع دوازده امامی‌اند، لذا آداب و رسوم شان، منشأ در اسلام و فرهنگ تشیع سرخ علوی دارند؛ که غالباً برخاسته از فرهنگ غنی و مترقی اسلام ناب محمّدی (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) است. هزاره‌ها آداب و رسومی در جشن‌ها، شادی‌ها، سوگواری‌ها و مرگ و میر بستگان دارند و نیز آدابی در غیر از شادی‌ها و عزاداری‌ها. اینک آن دسته از آداب و رسومی مورد تبیین قرار می‌گیرند که هزاره‌ها در زندگی روزمره شان در غیر شادی‌ها و سوگواری‌ها مورد عمل قرار می‌دهند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱. ازدواج و ارزیابی آن

یکی از سنّت‌های که در اسلام تأکید گردیده، ازدواج است. اگر زنی و یا مردی به واسطه ترک ازدواج به حرام می‌افتد و دامن آلود می‌گردد، عالمان دینی و مراجع معظم تقلید فرموده‌اند، ازدواج برای چنین افرادی واجب است.[۱] ازدواج در روایات فراوان تأکیده شده و تارک این سنّت نبوی مورد مذمّت قرارگرفته است. رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) فرمود:

«ما بُنِیَ فِی الاِسْلامِ بِناً اَحَبُّ اِلَی اللهِ وَ اَعَزُّ مِنَ التَّزوِیجِ؛ هیچ بنا وکاری محبوب‌تر و عزیزتر از ازدواج در اسلام نزد خداوند نیست.»[۲]

در حدیث دیگر رسول رحمت فرموده: کسی که پشت به این سنّت من کند و به آن عمل نکند از من نیست.[۳] چنین فردی را رسول خدا از خود دور ساخته است. در کلام دیگر حضرت ختمی مرتبت، اکمال نصف دین را به ازدواج می‌داند. و در نصف دیگر سفارش به تقوا می‌کند.[۴] و نیز می‌فرماید:

«اَلتَّزوِیجُ النائِمُ اَفْضَلُ عِندَ اللهِ مِنَ الصّائِمِ الْعَزَبِ؛ خواب آن که ازدواج کرده با فضیلت‌تر است از شخصی که [روزها] روزه دارد و [شبها] برای [نماز] قیام کند، ولی ازدواج نکرده باشد.»[۵]

امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) در اهمیت ازدواج چه نیکو سخن فرموده است:

«رَکْعَتانِ یُصَلِّیهِما مُتَزَوِّجٌ اَفْضَلُ مِنْ سَبْعِینَ رَکْعَةً یُصَلِّیها غَیْرُ مُتَزَوِّجٍ؛ دو رکعت نماز کسی [زن و مردی] که ازدواج نموده با فضیلت‌تر است از هفتاد رکعت نماز آن که ازدواج نکرده است.»[۶]

افرادی که به سن بلوغ رسیده‌اند، ولی تن به ازدواج نمی‌دهند، مورد سرزنش رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) قرار گرفته اند و فرموده: **«شِرارُ مَوْتاکُمُ الْعُزّابُ؛ بدترین مردگان تان کسی است که ازدواج نکند.»**[۷] در روایات اسلامی، زیاد سفارش شده که فرزندان تان را مجرد نگذارید. برای پسران، زن

---

۱. توضیح المسائل مراجع - احکام ازدواج

۲. محمّد ری شهری، منتخب میزان الحکمه، سید حمید حسینی، پیشین، ص ۲۳۳، باب ۸۶۱.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان، باب ۸۶۲.

دسترسیِ به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانتِ از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بگیرید و دختران را به شوهر بدهید. این سفارش در مورد دختران جوان تأکید بیشتر گردیده و از نگهداشتن دختران جوان در خانه و به تزویج ندادن آنان مذمت شده است. امام رضا (عَلَیهِ السَّلام) می‌فرماید:

«جبرئیل به رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) نازل گردید و گفت: ای محمّد (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: زنان دارای بکارت [دختران جوان] همانند میوه‌های درختان است، زمانی که میوه رسید، تداومی ندارد جز این که چیده شود وگرنه خورشید آن را فاسد می‌کند و بوی و طعم آن را تغییر می‌دهد. دختران جوان نیز زمانی که آن چه را زنان درک می‌کنند آنان درک کنند [یعنی به حد بلوغ و سن ازدواج برسند و آمادگی برای ازدواج داشته، خواهان شوهر باشند] هیچ دوایی برای آنان جز شوهر نیست وگرنه [اگر به شوهر داده نشود] اطمینان اینکه این دختران به فساد گرفتار نشوند، وجود ندارد. [وقتی جبرئیل این پیام را به رسول خدا رساند] حضرت بالای منبر رفت و مردم را جمع نمود و آن چه خدا به ایشان فرموده بود برای مردم بیان نمودند.»[1]

روایاتی که در اهمیت ازدواج و تعجیل در امر نکاح بیان گردید، مشت نمونه خروار بود. در جوامع روایی ما، روایات بس فراوان از زبان اولیای الهی، در این موارد صادر شده‌اند و به عنوان تبرک چند نمونه آوردیم.

ازدواج وسیله‌ای برای تشکیل خانواده است و خانواده یک گروه خویشاوندی است که برای تأمین نیازهای مادی و روانی و معنوی تشکیل می‌شود. جامعه شناسان خانواده را به گروه‌های مختلف تقسیم می‌کند:

الف. تک همسری: خانواده‌ی تک همسری خانواده‌ای است که از یک مرد و یک زن تشکیل می‌گردد.

ب. خانواده چند همسری: در این خانواده یک زن حق داشته بیش از یک شوهر داشته باشد.

ت. چند زنی: خانواده‌ای که مرد در آن می‌تواند بیش از یک همسر انتخاب کند.

ث. خانواده هسته‌ای: به آن خانواده، خانواده هسته‌ای گفته می‌شود که علاوه بر زن و شوهر، فرزندان نیز در آن شامل است، به این خانواده، خانواده «زن و شوهری» نیز گفته است.

---

۱. همان، باب ۸۶۵

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ج. خانواده گسترده: این خانواده بر اساس مناسبات خونی تشکیل می‌شود و شامل تعداد زیادی از افراد از جمله پدر و مادر، فرزندان، پدر بزرگها، مادر بزرگها، عمه‌ها، عموها، خالها، خاله‌ها، پسر عمو و دختر عموها، عمه زاده‌ها و دایی زاده‌ها می‌شود.

ح. خانواده پدر مکان: به آن خانواده‌ای گفته می‌شود که زوجه بعد از ازدواج با شوهر، ناگزیر است که با خانواده شوهر زندگی کند. در این خانواده غالباً شوهر مسلط بر زن است و حکمرانی در این خانواده از مسن‌ترین مرد خانواده است.

خ. خانواده مادر مکان: در این خانواده، پس از ازدواج، شوهر موظف است با خانواده زن زندگی کند. اقتدار و نظارت بر ارث در این قسم خانواده از آن زن است و نوع خانواده «مادر سالاری» است بر خلاف خانواده پدر مکان که نوع آن «پدر سالاری» بود.(۱)

هزاره‌ها مسلمانند و شیعی امامی، با کسانی که در اسلام محرم به حساب می‌آیند، ازدواج نمی‌کنند. ازدواج با مادر، دختر، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر، دختر خواهر، زن پدر، دختر زن، مادر زن، مادر مادر او هر چه بالا رود، مادر پدر زن هر چه بالا رود، عمه و خاله پدر، عمه و خاله پدر پدر، عمه و خاله مادر، عمه و خاله مادر مادر، پدر شوهر و جد او هر چه بالا رود و پسر و نوه پسری و دختری شوهر هر چه پایین آیند، در اسلام حرام است.(۲)

هزاره چون باور به احکام اسلام دارند، لذا ازدواج با افراد یاد شده را حرام می‌دانند. چنانچه قبل از این بیان گردید.

خانواده در جامعه هزاره غالباً، خانواده هسته‌ای است. بعضی‌ها گفته‌اند که در جامعه هزاره سه نوع خانواده وجود دارد:

خانواده مشترک (خانواده گسترده)، خانواده هسته‌ای و چند خانواده‌ای.(۳) غیر از خانواده هسته‌ای، دیگر خانواده به معنای جامعه‌شناسی آن، در جامعه هزاره فعلی اندک است. شاید در زمان‌های گذشته بیشتر خانواده گسترده در جامعه هزاره رایج بوده است. خانواده هسته‌ای که در

---

۱. بروس کوئن. مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت، چ ۱۴، سال ۱۳۸۲، ص ۱۷۵ - ۱۷۳ (اقتباس).

۲. ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسأله‌های ۲۰۴۵ - ۲۰۴۲.

۳. سید عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، پیشین، ص ۷۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جامعه هزاره رایج است، از نوع پدر مکانی بوده، نه مادر مکانی، لذا بعد از عروسی غالباً زن، به جای سکونت شوهر و پدر او آورده می‌شود[۱] وگاه چندین سال این دو زوج جوان در خانه پدر شوهر بود و باش دارند. خانواده مادر مکانی در جامعه هزاره بسیار اندک است و هزاره‌ها از آن به «داماد سرخانه» تعبیر می‌کنند. [۲] برای داماد از نگاه روحی و اجتماعی بسیار سنگین است که وی بعد از عروسی با خانواده عروس زندگی کند، این کار را داماد برای خود عار می‌شمارد.

ازدواج درگذشته، بین هزاره‌ها قبیله‌ای بود؛ یعنی یک هزاره به افراد بیرون از طائفه و قبیله‌اش نه دختر می‌داد و نه دختر می‌گرفت. [۳] ولی در این زمانهای اخیر چنین پدیده‌ای بین هزاره‌ها کم رنگ شده است، به بیرون از منطقه و قبیله هم دختر می‌دهند و هم دختر می‌گیرند. سادات هزاره و بعضی میران هزاره از این مسأله مستثنااند، چنانچه آقای پولادی نگاشته است:

«اگر چه هنوز این اندیشه [دختر ندادن به بیرون از طائفه و قوم] در میان سید نسب و مردمی که فامیل بر مخ آنان حکمرانی می‌کند حاکم است.» [۴]

عوامل که در بین هزاره‌ها در انتخاب همسر نقش دارند و کیفیت خواستگاری و عروسی و مسائل از این قبیل در قسمت جشن‌ها و شادی‌های هزاره‌ها بحث شده است. در آن قسمت بسیاری از رسوم که در مسائل مربوط به ازدواج بین هزاره‌ها جریان دارد، مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته و نیاز به بیان دوباره آن نیست به بخش مربوطه (فصل سوم) مراجعه گردد.

۱ - ۱. تعدد زوجات و ارزیابی آن

یکی از دروغ‌های که در قرون وسطی غربیان به اسلام بسته‌اند مسأله تعدد زوجات است، آنان می‌گفتند که تعدد زوجات از اختراعات پیامبر اسلام است.[۵] و حال آن که پدیده تعدد زوجات - آن هم بدون حد در عدد - قبل از اسلام در بسیاری از جوامع بشری وجود داشته است. «ویل دورانت» در مورد تعدد زوجات در مصر باستان می‌نویسد که:

---

۱. حسن پولادی، هزارها، پیشین، ص ۴۷۵. ۲. همان.

۳. همان، ص ۴۶۸. ۴. همان.

۵. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، تهران، انتشارات صدرا، چ ۲، ۱۳۷۹، ص ۳۰۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

«فرعون علاوه بر خواهران خود زنان دیگری نیز داشته است.»[۱]

البته اختیار نمودن بیش از یک زن، مخصوص افراد ثروتمند و اشراف بوده است و طبقات متوسط به یک زن بسنده می‌کرده است.[۲] همو، در مورد تعدد زوجات در ایران ساسانی می‌نگارد که: **«تعدد زوجات و اختیار کردن هم خوابگان و کنیزگان مجاز شمرده می‌شد.»**[۳] بسیاری از شاهان ساسانی حرمسرا داشت و علاوه بر به زنی گرفتن خواهر، دختر و مادر، زنانی دیگر نیز می‌گرفتند که حتی تا ۳۶۰ زن در پرونده برخی از این شاهان ثبت شده است.[۴] این پدیده اختصاص به شاهان نداشت، بلکه کسانی که دارای ثروت بودند نیز چندین زن داشتند.

«تعداد زنان که مرد می‌توانست [در زمان ساسانیان] داشته باشد به نسبت استطاعت بود. ظاهراً مردمان کم بضاعت به طور کلی بیش از یک زن نداشت.»[۵]

البته تعدد زوجات اختصاص به ایران و مصر باستان نداشت. در دیگر جوامع نیز رایج بوده **«گاهی در اسناد یونانی دیده شده است که مردی چند صد زن در خانه داشته است.»**[۶]

بنابر آن چه یاد گردید، معلوم شد، که تعدد زوجات اختراع اسلام نیست، اسلام این پدیده را مقید به قیودی ساخت و محدود نمود. با شرائط و قیود که در اسلام وجود دارد یک مرد می‌تواند (نه اینکه واجب است) بیش از یک زن (تا چهار زن) داشته باشد.[۷] اما اینکه چه عوامل موجب شد که اسلام چند زنی را چون چند شوهری -که در برخی جوامع باستان وجود داشته - برای یک زن لغو نکرده است؟ چه مصلحت و حکمتی ایجاب نموده است که اسلام تعدد زوجات را تجویز نماید؟ و... اینها مباحثی است که از محدودهٔ این نوشته بیرون است و نیاز به وقت دیگر و زمان بیشتر دارد.[۸]

تعدد زوجات تا چهار زن از دیدگاه اسلام بدون مانع است. چنانچه خداوند فرموده است:

«فَانْكِحُو مَاطَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنىٰ وَ ثُلٰثَ وَ رُبٰاعَ؛ هر چه از زنان که شما را پسند افتاد دو دو، سه

---

۱. ویل دورانت. تاریخ تمدن. کتاب اوّل (مشرق زمین). ترجمه احمد آرام، تهران. انتشارات اقبال. چ ۲، ۱۳۴۳، ص ۲۴۷.

۲. همان. ۳. همان. ص ۵۵۱.

۴. همان. ۵. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، پیشین، ص ۳۰۶ و ۳۰۷.

۶. همان. ۷. همان.

۸. ر.ک به مرتضی مطهری. مجموعه آثار، ج ۱۹، (تعدد زوجات) متفکر شهید در این مورد مباحث بس گران قیمت و ذی شأنی بیان فرموده است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سه، چهار چهار به زنی گیرید...»[۱]

اختیار نمودن بیش از یک زن، تا چهار زن را قرآن تجویز نموده و مهر تأیید به آن زده است، ولی این حکم به صورت مطلق نیست. هنگامی این حکم وجود دارد که مرد بین همسران متعدد به عدالت و مساوات رفتار کند، هم در مسائل مالی، هم مسائل رفتاری و زناشویی. چنانچه در ادامه آیه فوق آمده است:

«فَإِنْ خِفْتُمْ أَنْ لا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً؛ پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید به یک زن اکتفا کنید.»

این قسمت از آیه مرد را به، عدالت در رفتار در مورد همسران متعدد، دعوت می‌کند. عدالت در قلب و یک جور دوست داشتن همسران برای مرد، گاه امکان ندارد و چه بسا مرد به خاطر بعضی از ویژگیهای پسندیده‌ای که برخی همسران دارند، بیشتر مورد محبت قلبی مرد قرار بگیرند. آیه ۱۲۹ سوره نساء ناظر بر این مرحله است:

«وَ لَنْ تَسْتَطِيعُوا أَن تَعْدِلُوا بَينَ النِّساءِ وَ لَوْ حَرِصْتُمْ...؛ و شما هرگز نمی‌توانید میان زنان عدالت [رفتار] کنید هر چند [بر عدالت] حریص باشید.»

و این محبّت قلبی به یکی از همسران موجب رفتار ناعادلانه بین آنان نگردد، عدالت در محبّت قلبی امکان ندارد، ولی این امر موجب نگردد که در مقام رفتار نیز به همسران به عدالت رفتار نکنید.

بناء اسلام فقط به کسانی که توانایی رفتار عادلانه بین همسران و فرزندان را دارند، اجازه داده است که این مرد بیش از یک زن بگیرد.[۲]

شبهاتی از سوی برخی افراد بر تعدد زوجات وارد شده است، که علمای ربانی در جایش پاسخ‌های مناسب داده‌اند. ما به خاطر پرهیز از طولانی شدن از طرح آن شبهات و پاسخ‌های آن پرهیز می‌کنیم.[۳]

در بین هزاره‌ها تعدد زوجات وجود دارند. و بسیاری از مردان هزاره این رخصت که اسلام به مردان داده است استفاده نموده‌اند. مرحوم حسن پولادی در مورد تعدد زوجات در بین هزاره‌ها، ذیل

---

۱. قرآن کریم، پیشین، سوره نساء، آیه ۳.

۲. سید محمّد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۴، پیشین، ص ۱۸۸ - ذیل آیه ۱ تا ۶ سوره نساء.

۳. ر.ک به المیزان، ج ۴، ذیل آیه ۱ - ۶ سوره نساء؛ مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۹، نظام حقوق زن در اسلام، مطالب جالب و خواندنی در مورد پاسخ به شبهات در مسأله تعدد زوجات دارد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و بنابر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عنوان «تشکیل خویشاوندی» می‌نوسد:

«اگر چه تعدد زوجات اجازه داده شده و هنوز در بعضی از جاها وجود دارد اما تک زنی متداوّل‌ترین شکل ازدواج در سراسر هزاره‌جات می‌باشد.» (۱)

اختیار نمودن بیش از یک همسر، در هزاره‌جات بستگی به اقتصاد و وضعیت مالی فرد دارد، به خاطر رواج گَلَه - در فصل سوم از آن بحث شد - و اخذ پول در برابر گرفتن زوجه، غالباً کسانی که وضعیت مالی مناسب دارد بیش از یک همسر دارد، مثل زمین داران و روحانیون و...

هزاره‌ها به همسران یک مرد، وقتی نسبت این زنان با یک دیگر سنجیده شود «امباغ» می‌گویند؛ به عبارت دیگر هزاره‌ها به «هوو»، یا «ضره»، امباغ می‌گویند.(۲)

رابطه بین دو امباغ غالباً رضایت بخش نیست، حسادت سختی بین همسران وجود دارند، به ویژه آن زمانی که یکی از زنان احساس کند که در مقام ارزش گذاری از طرف شوهر نادیده گرفته شده است و مورد بی مهری شوهر واقع گردیده، در این هنگام زن دست به کارهای تنش زا زده و خانه را برای اعضای خانواده تبدیل به جهنم خواهد نمود.

برخی از مردان هزاره به علل ذیل دست به تجدید فراش می‌زنند:

الف. اولین عامل بچه نیاوردن زن است، به ویژه فرزند پسر، اگر زنی بعد از گذشت چندین سال ازدواج بچه دار نشود، و یا بچه بیاورد، ولی غالباً چندین دختر بیاورد، مرد آن زوجه معمولاً اقدام به تجدید فراش می‌کند، غالباً ازدواج با همسر دوّم با بستگان همسر اوّل صورت می‌گیرد. این عامل مهم‌ترین وجه برای تعدد زوجات است.

ب. دومین دلیل انتخاب همسر دوّم، بیماری زن اوّل است.

پ. در جامعه هزاره به ویژه در در هزاره‌جات زیادی فرزندان، خصوصاً پسر یک ارزش است. بسیاری از مردان هزاره آرزو دارند که دارای فرزندان زیاد باشند. به همین جهت بسیاری از خانواده‌های هزاره از ۷ و ۸ فرزند کمتر ندارند!

یکی از عواملی که مرد هزاره اقدام به تجدید فراش می‌کند، «آرزوی فرزندان بیشتر است.» این عامل آنگاه بیشتر می‌شود که زن اوّل، دو و سه فرزند بیشتر نتواند برای همسر بیاورد. البته بین

---

۱. حسن پولادی، هزاره‌ها، پیشین، ص ۲۷۰.

۲. همان، ص ۴۷۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هزاره‌هایی که در شهرها زندگی می‌کنند، اندکی آرزوی داشتن فرزندان بیشتر کاهش پیدا کرده است، خصوصاً هزاره‌هایی که در کشورهای خارجی در دوران مهاجرت زندگی کرده‌اند، شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» [۱] به خاطر عوامل ویژه محیط شهری در جان شان تأثیر گذاشته و غالباً چنین خانواده‌های هزاره، از سه تا چهار فرزند بیشتر ندارند.

ت. دلیل دیگر برای تجدید فراش در جامعه هزاره «که خیلی محدود است»، هوس مرد است که از ازدواج با بیش از یک زن لذت می‌برد.[۲] تعدد زوجات در جامعه هزاره غالباً محدود به دو همسری می‌گردد، مردان دارای سه زن و چهار زن بسیار نادر است.

نقد و بررسی

به خاطر عدم آگاهی درست از احکام مربوط به تعدد زوجات، متأسفانه موارد که مردان بیش از یک زن انتخاب می‌کنند، درست به وظایف خود عمل نمی‌کنند. و عدالت در رفتار، نفقه و زناشویی بین زنان چه بسا مراعات نمی‌گردد.

این بی عدالتی آنگاه شدت پیدا می‌کند که زن دوّم یا سوم از زیبایی و مهارت‌های بیشتر در زندگی برخوردار باشد. در چنین مواردی است که زن اوّل به کلی فراموش می‌شود. کم نیستند چنین مردانی که در قبال زن اوّل پس از ازدواج با همسر دوّم هیچ گونه احساس مسئولیتی نمی‌کنند و از وظایفش در قبال زن اوّل سرپیچی می‌کنند.

اسلام تعدد زوجات را اجازه داده است، ولی برای آن دسته از افرادی که دارای شرایط باشد.

اولین شرط و مهم‌ترین آن رفتار عادلانه است.

قرآن کریم به این گونه افراد می فرماید:

«... فَلا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوها كَالْمُعَلَّقَةِ؛ پس یک طرف یک سره تمایل نورزید [بین زنان به عدالت رفتار کنید] تا آن (زن دیگر) را سرگشته (= بلا تکلیف) رها کنید.»[۳]

چنانچه گذشت در آیه سوم سوره نساء، ضمن اینکه تعدد زوجات را مجاز می‌داند بلافاصله

---

۱. شعاری که در بسیاری از در و دیوارهای شهرهای ایران و مراکز بهداشتی و درمانی ایران حک شده است.

۲. حسن پولادی، هزاره‌ها، پیشین، ص ۴۷۱.

۳. قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۲۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خداوند می‌فرماید:

«فَإِنْ خِفْتُمْ إِلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً؛ اگر می‌ترسید [بین زنان] به عدالت رفتار نکنید به یک زن اکتفا کنید.»

به همین مضمون، روایات زیادی از ائمّه معصوم، که مفسران قرآن و مبین شریعت ختم مرتبت هستند، به ما رسیده است و سفارش به رفتار عادلانه بین همسران نموده‌اند و خود آن بزرگواران، شخص رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) در زندگی شان کمال عدالت را بین همسران رعایت می‌کردند. تمام اوقات شبانه روز شان را بین همسران خود تقسیم می‌نمودند. وقتی رسول خدا به بیماری مبتلا شد، حتی در این هنگام نیز به کمال عدالت بین همسرانش رفتار می‌کرد و هر روز بسترش را از اتاقی به اتاقی که زن دیگر شان بود، منتقل می‌ساخت تا اینکه بیماری حضرت تشدید پیدا کرد. روزی رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) همه همسرانش را جمع نمود و از آنان اجازه خواست که در یک اتاق بماند و همسران حضرت نیز اجازه دادند.[۱] در مورد علی بن ابی طالب نقل شده است:

«علی بن ابی طالب (عَلَیهِ السَّلام) در اوقاتی که دو زن داشت، حتی اگر می‌خواست وضو بسازد در خانه زنی که نوبتش نبود وضو نمی‌خواست [نمی گرفت].»[۲]

و اینها نمونه‌هایی از رفتار عادلانه رسول خاتم و امیر المؤمنین بود. رفتار نادرست با همسران در جامعه هزاره محدود به مرد نمی‌شود. بسیاری از امباغ‌ها است که مطابق وظایف زن و شوهری خود عمل نمی‌کنند و زندگی را برای شوهر و دیگر اعضای خانواده تلخ و مرارت بار می‌کنند، همین **رفتارهای نادرست مردان چند همسره و زنان هوو دار، موجب گردیده، که مسأله تعدد زوجات با دید منفی نگاه شود. زن اوّل و خانواده او، انتخاب زن دوّم مرد را موجب سر شکستگی و سر افکندگی خود** بداند و مایه ننگ و عار.

برای جامعه‌ای که بیش از ۱۳۰۰ سال و اندی سابقه تدین به دین اسلام دارد، سزاوار نیست که احکام اسلامی ،از جمله احکام اسلامی مربوط به تعدد زوجات، مورد غفلت قرار بگیرد و به پرده نسیان گذاشته شود. وظیفه نخبگان فرهنگی - اجتماعی جامعه هزاره است که در رسانه‌های صوتی و تصویری و در محافل و حلقات مذهبی احکام و معارف اسلام را درست تبیین کنند.

---

۱. همان.

۲. شهید مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، پیشین، ص ۳۶۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲ - ۱. ازدواج موقّت و ارزیابی آن

یکی از هنجارهایی که بین هزاره‌ها کم و بیش، رایج می‌باشد و از سالها قبل وجود داشته و اکنون نیز وجود دارد، «ازدواج موقّت» است. ازدواج موقت بین هزاره‌ها برخواسته از باورهای مذهبی و اسلامی این مردم است، ریشه در مذهب دارد. یکی از مسائلی که بین اهل تسنن و اهل تشیع مورد اختلاف فقهی است، ازدواج موقت و یا «مُتعه» است.

ازدواج موقت خود نوعی ازدواج است با ازدواج دایم در بعضی مسائل مشترک است و در برخی مسائل فرق می‌کند. در هر دو ازدواج اجرای عقد و رضایت طرفین لازم است. عقد باید مشتمل بر ایجاب و قبول و لفظی انشا باشد و مقصود را برساند. بنا به فتوای اکثر مجتهدان به عربی باشد.(۱) فرزندی که در ازدواج موقت به دنیا می‌آید از شوهر است. مهر هم در ازدواج دائم است و هم در متعه، با این تفاوت که اگر مهر در متعه در حین اجرای عقد ذکر نگردد، عقد باطل است، ولی در نکاح دائم اگر مهر در حین اجرای عقد ذکر نشود، عقد درست است، مهر تبدیل به مهر المثل می‌گردد. آن دسته از افراد که در عقد دائم برای طرفین زوجه محرم می‌شد، در عقد موقت نیز همان احکام وجود دارد. در عقد موقت، مثل عقد دائم زوج نمی‌تواند خواهر زوجه موقت را تا زمانی که زن در عقد زوج است در بیاورد. خواستگاری زوجه موقت چون دائم بر دیگران حرام است. همان طور که زنا با زوجه دائم غیر، موجب حرمت ابدی این زن برای زانی می‌شود، در ازدواج موقت نیز آن حکم وجود دارد. هر دو زوجه عده دارد. در یک کلام ازدواج موقت خود ازدواج است؛ مثل ازدواج دائم در اکثر احکام با آن برابر است. در برخی از آثار با ازدواج دائم تفاوت دارد.(۲)

تفاوت‌هایی که متعه با نکاح دائم دارد:

الف. در متعه زمان ازدواج معین است و مربوط به رضایت طرفین.

ب. زوجین در متعه از هم دیگر ارث نمی‌برند، ولی در نکاح دائم ارث می‌برند.

ت. زوجه موقت از زوج نمی‌تواند مطالبه نفقه کند، یعنی در نکاح موقت زن به گردن زوج حق نفقه ندارد؛ مگر اینکه در حین عقد شرط کند و زوج به آن راضی گردد.

ث. در نکاح دائم اطاعت اوامر شوهر در خانه در حدود مصالح خانواده واجب است، زوجه از

---

۱. امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، پیشین، ص ۲۲۰. ۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، پیشین، ص ۶۲ و ۶۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

این اوامر باید اطاعت کند، ولی در ازدواج موقت اطاعت زوجه از زوج واجب نیست، مگر اینکه در زمان اجرای عقد شرط گردد.

ج. در نکاح موقت هر کدام از طرفین عقد، می‌تواند بدون رضایت یک دیگر از بچه دار نشدن و تولید نسل، جلوگیری کنند؛ ولی در نکاح دائم زوجین بدون رضایت یک دیگر نمی‌تواند از تولید نسل جلوگیری کنند.

ح. در نکاح دائم، لباس و مسکن زوجه به عهده شوهر است. اما در عقد موقت زوجه حق مطالبه پوشاک و مسکن از زوج را ندارد. مگر اینکه در ضمن عقد شرط شده باشد.

ج. در ازدواج دائم، جدایی زوجین با طلاق است، ولی در عقد موقت بعد از سر رسید زمان تعیین شده بین زوجین، زوجین از هم دیگر جدا می‌شوند و نیاز به طلاق ندارد.(۱)

ازدواج موقت یکی از مسائل مورد نزاع مذهب جعفری با سایر مذاهب اهل سنّت است. هر کدام از دو طرف ادله برای مدعای خود بیان کرده در اینکه در صدر اسلام ازدواج موقت رایج بود و در زمان رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) وجود داشته، هر دو گروه به آن متفق اند. مفسر و متکلم بزرگ اهل سنّت مرحوم امام فخر رازی، صاحب تفسیر کبیر در این مورد نگاشته:

«اتفقوا علی آنهاکانت مباحة فی ابتدا الاسلام؛ همه مسلمانان اتفاق دارند که در صدر اسلام [زمان حیات رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم)] متعه حلال بوده است.» (۲)

اختلاف در این است که آیا بعد از رحلت رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) این حکم نسخ شد؟ فخر رازی می‌گوید این حکم از دیدگاه اهل سنّت نسخ شده و روایاتی نیز مبنی بر نسخ آن از رسول خدا نقل نموده است و می‌گوید:

«ذهب السواد الاعظم من الامه الی آنهامنسوخة؛ پس بیشتر اهل اسلام می‌گویند متعه نسخ شده‌اند.» (۳)

همو، در طی چند صفحه، ادله طرفین را ذیل آیه ۲۴ سوره نساء بیان می‌کند. مهم‌ترین دلیل اهل

---

۱. همان، ص ۶۲.

۲. امام فخر رازی. تفسیر الکبیر، ج ۱۰، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی. بی نا، بی تا، ص ۴۹.

۳. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط ضدبنی است.

سنّت در حرمت ازدواج موقت سخنی است که عمر بن خطاب در زمان خلافت گفت:

«مُتْعَتا عَلی عَهْدِ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم اَنَا اَنْهی عَنهُما وَ اُعاقِبُ عَلَیهِما؛[1] **دو متعه [متعه زنان، متعه حج] در زمان رسول خدا [حلال بود] و من از آن دو نهی می‌کنم و [کسی که به آن عمل کند] عقاب می‌کنم.»**

فخر رازی این سخن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد، به زعم خود از آن حرمت ازدواج موقت را اثبات می‌کند. البته حرف در این مورد زیا داست، ولی نکته قابل یادآوری است و آن اینکه جناب فخر خود معتقد است، این نکاح در صدر اسلام بوده و بعد نسخ شده است. نسخ این حکم به دست کی بوده است؟ طبق سخن خلیفه دوّم به زعم اهل سنّت متعه حرام است.

آیا خلیفه حق نسخ حکم از احکام الهی را دارد؟ اگر طبق بیان خلیفه متعه حرام است، پس نسخ درکار نیست. البته اهل سنّت روایاتی از رسول خدا نیز در نسخ متعه بیان نموده‌اند.[2]

آیه که حکم جواز متعه را بیان می‌کند این ایه است:

«فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنهُنَّ فَآتُوهُنَّ اُجُورَ هُنَّ فریضَةً...؛ زنانی را که متعه کرده‌اید مهر شان را به عنوان فریضه به آنان بدهید.»[3]

بیان شد که اهل سنّت می‌گویند، این آیه نسخ شده است، ولی پیروان اهل بیت می‌گویند آیه نسخ نشده است. به مدعای شان ادله‌ای اقامه کرده‌اند و روایات در این مورد از اهل بیت رسیده است.

ارزیابی

فخر رازی در تفسیرش از تفسیر محمّد بن جریر طبری، یکی از عالمان اهل سنّت، حدیث ذیل را از امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب (عَلَیهِ السَّلام) نقل کرده است:

«لَولا عُمَر نَهَی النّاسَ عَنِ المُتعَه ما زَنی اِلّا شَقیٌ؛[4] **اگر عمر از ازدواج موقت منع نمی‌کرد کسی جز انسان شقی و بدبخت مرتکب [عمل زشت] زنا نمی‌شد.»**

این روایات در منابع حدیثی شیعه، مثل وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل نیز آمده است.

---

۱. همان، ص ۵۱.

۲. ر.ک. صحیح مسلم -کتاب نکاح و...

۳. قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۲۴.

۴. امام فخر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۱۰، پیشین، ص ۵۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شخصی در مورد متعه از امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) سؤال نمود، حضرت فرمود:

«من بد می‌دانم که مردی از دنیا برود، ولی به سنّت متعه که از سنّت‌های رسول خدا است عمل نکند و آن را به جا نیاورد.»[۱]

در کلام دیگر حضرت صادق (عَلَیهِ السَّلام) به یکی از یارانش در مورد متعه فرمود:

«من دوست دارم تو سنّت رسول خدا را عمل کنی.» [۲]

صالح بن عقبه از پدرش نقل می‌کند که من از ثواب ازدواج موقت از محمّد بن جعفر (عَلَیهِ السَّلام) سؤال کردم. امام باقر (عَلَیهِ السَّلام) فرمود:

«اگر با این کار اراده مخالفت با فلان را داشته باشی [و اقدام به ازدواج موقت کنی] هر کلمه‌ای که با زوجهٔ موقت در زبان می‌رانی، خداوند حسنه به آن می‌نویسد. اگر از ازدواج موقت هدف پستی داشته باشی (إذا دَنا) [طلب لذت داشته باشی] خداوند گناهی را از زوج می‌بخشد، زمانی که غسل می‌کند او [این زوج] خداوند به اندازه جاری شدن آب روی موهای آن، گناهان او را می‌بخشد. راوی می‌گوید [از امام] پرسیدم به عدد موها؟ امام فرمود: به عدد موها.»[۳]

این ثواب اختصاص به زوج ندارد، شامل زنانی که احکام اسلامی را مراعت می‌کنند و متعه می‌شود نیز می‌گردد؛ چنانچه از رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) روایت شده است که وقتی به معراج رفتم جبرئیل به من گفت:

ای محمّد، خداوند عزّ و جل می‌گوید: إنّی غَفَرْتُ لِلمُتَمَتِّعِیْنَ مِنَ النِّساءِ؛[۴] **من [خداوند کریم] آن زنان که متعه می‌شوند [گناهانی که دارند به خاطر این عمل نیکو] بخشیدم.»**

حلیت ازدواج موقت از مسلمات مذهب تشیع است. مراجع تقلید شیعه بدون استثناء در کنار نکاح دائم، ازدواج موقت را در رساله‌های عملی شان بیان کرده‌اند و از احکام آن سخن گفته‌اند.

به این حکم اسلامی از سوی اهل سنّت عموماً و مستشرقان خارجی و برخی باسوادان شیعه تحصیل کرده در مراکز غیر حوزوی، اشکالات و شبهاتی مطرح شده است که بررسی آن از محدوده این

---

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، پیشین، ص ۴۵۱.

۲. همان، ص ۲۵۲.

۳. همان، ص ۴۵۲.

۴. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

رساله، خارج است.[۱]

بارها گفته شد هزاره‌ها اکثراً شیعیان امامی‌اند و طبق مذهب جعفری به حلیت متعه باور دارند، ولی در مقام عمل به ندرت اتفاق می‌افتد. مرحوم حسن پولادی در این مورد نگاشته است:

«هزاره‌ها اگر چه عقد متعه را به رسمیت می‌شناسند، ولی در روستاهای خود به ندرت مرتکب این عمل می‌شوند.»[۲]

البته گاهی افراد سود جو و لذت طلب در جامعه هزاره از این رخصت که در خصوص ازدواج موقت داده شده است، استفاده سوء نموده است. چنانچه مرحوم حسن پولادی از «شرمن» - نویسنده خارجی که در بین هزاره‌ها رفته است و بامیان را از نزدیک دیده - نقل نموده است:

«جالب است یاد آور شوم که سیدی دریکه و لنک موفق شده بود تا ۳۰۰ همسر از طریق ازدواج موقت داشته باشد.» [۳]

بدون تردید گزارش یاد شده مبالغه‌آمیز است، ولی اینکه عده‌ای از افراد «زوّاق» به تعبیر روایات از ازدواج موقت استفاده سوئی می‌کنند قابل تردید نیست. چنین افرادی که دوست دارند زنان زیادی را ببینند و از آنان لذت ببرند به بیان احادیث شیعه زواق است و افراد زواق ملعون و از رحمت خدا به دوراند.[۴]

حرمسرا سازی و هوسرانی بر خلاف مکتب اهل بیت (عَلَیهِمُ السَّلام) است. آنچه در کلام ائمّه به آن، در مورد متعه تأکید گردیده است، اولاً برای افرادی نیازمند است، به دلیل اینکه هوا پرستی و شهوت پرستی با مکتب علوی سازگاری ندارد. آن چه راکه به وجود مقدس امیر المؤمنین و امام حسن (عَلَیهِ السَّلام) نسبت می‌دهند از دروغ هایی است که اموی‌ها ساختند و پخش کردند و برخی از «ساده دلان» ما نیز ناخود آگاه بدون دقت و توجّه باور و احادیثی نقل کرده‌اند که بلی امام حسن (عَلَیهِ

---

۱. ر.ک. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹ (نظام حقوق زن در اسلام)؛ المیزان، ج ۴؛ مجمع البیان، ج ۳؛ تفسیر الکبیر فخر رازی، ج ۱۰، تفسیر نمونه، ج ۳، متعه و آثار اجتماعی و حقوقی آن، محسن شفایی؛ ازدواج موقت نیاز امروز، عباس عباس زاده؛ متعه و شبهات آن، پایان نامه محمّد قاسم حیدری، مرکز جهانی علوم اسلامی، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، سال ۱۳۸۳؛ سفینة البحار، ج ۸، (متع)؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۴.

۲. حسن پولادی، هزاره‌ها، پیشین، ص ۲۱۱.

۳. همان، ص ۲۱۱.

۴. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۷۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایزان (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

السَّلام) و امام علی (عَلَیهِ السَّلام) زیاد زن می‌گرفت و طلاق می‌داد![1]

دوّم این که به خاطر حکمت ثانوی آن؛ یعنی «احیا سنّت متروکه» سنتی که به وسیله برخی افراد متروک اعلام گردید، ائمّه اطهار به ازدواج موقت تشویق و ترغیب نموده‌اند. این جواز ازدواج موقت در اسلام و ترغیب ائمّه اطهار (عَلَیهِمُ السَّلام) به آن، مجوز حرمسرا سازی و اغفال نمودن زنان بی سرپرست و شهوت رانی نمودن، نیست. [2]

با اینکه احکام ازدواج موقت، مثل دیگر احکام اسلامی مثل روزه، نماز و... در رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید آمده است، ولی عامّهٔ مردم هزاره نسبت به احکام آن آگاهی درست ندارند. مختصر تحقیقات میدانی که نگارنده در این مورد نموده است، مبین این مسأله است که بسیاری از مردان و زنان هزاره به احکام ازدواج موقت آشنایی لازم را ندارند. شاید به همین دلیل این سنّت اسلامی که خلیفه دوّمَ آن را حرام اعلام نمود و ائمّه اطهار پیروانش را به آن ترغیب، در جامعه هزاره خیلی رایج نیست و در جامعه امر ناپسند تلقی می‌گردد. و حال آن که شرائط زمان ما که سن ازدواج‌های پسران و دختران جوان بالا رفته‌اند، بسیاری از جوانان، به ویژه جوانان که در تحصیلات عالی مشغول‌اند، قبل از اتمام تحصیلات قادر به ازدواج نیستند، و فراوانی زنان جوان که به علتی شوهرانشان را از دست داده‌اند، بیشتر از هر زمان دیگر ایجاب می‌کند که این سنّت متروکه احیا شود. یکی از راه‌های جلوگیری از فحشا، ترویج ازدواج موقت است. چنانچه گذشت حدیثی که از امام علی بن ابی طالب (عَلَیهِ السَّلام) نقل شده است: **اگر عقد موقت را عمر نهی نمی‌کرد جز انسان شقی و بدبخت تن به زنا نمی‌داد.**

۲. طلاق و ارزیابی آن

یکی از هنجارها بین هزاره‌ها، طلاق است. این پدیده با اندک اختلاف در مناطق مختلف هزاره‌جات و جاهای هزاره نشین، بین تمام هزاره‌ها وجود دارد. به خاطر وضعیت نابسامان کشور افغانستان در دوران جهاد با ارتش سرخ شوروی و عمّالان آنان و پس از سقوط حکومت نجیب الله،

---

۱. همان، ص ۲۵۶ - ۲۵۵.

۲. همان، ص ۸۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آخرین دست نشانده روسیه، سرکار آمدن مجاهدین و پس از آن گروه قارچ گونه‌ای موسوم به «گروه طالبان» آمارگیری دقیق صورت نگرفته است تا نشان دهد در برابر هر ازدواج، چند طلاق وجود دارد؛ لذا سخن گفتن از اینکه آمار طلاق در افغانستان و در جامعه هزاره بالا است و یا پایین کار دشواری است. ابراز نظرهایی که در این مورد تا هنوز شده است و می‌شود غالباً مبتنی بر حدس و تقریب است.

این مقدمه و یادآوری مانع نمی‌گردد که در مورد وضعیت طلاق در بین مردم هزاره سخن نگوییم. کسانی که در جامعه هزاره گشت و گذاری نموده‌اند برای تهیه گزارش به آن جامعه سر زده‌اند یا افرادی که سالها در جامعه هزاره بود و باش داشته‌اند، مطالب خوبی در مورد وضعیت طلاق در جامعه هزاره نوشته‌اند.

جناب آقای سید محمّد حسین فرهنگ معتقد است که طلاق در بین شیعیان [هزاره] زمینه ندارد؛ یعنی طلاق در جامعه تشیع نادر است. ولی علل این کمی طلاق از دید ایشان شرایط ظالمانه‌ای است که بر ضد زنان در جامعه تشیع وجود دارد. همین شرایط خاص موجب گردیده است که طلاق در جامعه هزاره کم باشد. (۱)

مرحوم پولادی نیز در مورد طلاق بین هزاره‌ها می‌نویسد: «**غیر منصفانه است که گفته شود در میان هزاره‌ها، اصلاً طلاق اجازه داده نشده است.**»(۲) کم بودن آمار طلاق موجب گردیده که برخی از گزارش نویسان از وضع جامعه هزاره، طلاق بین هزاره‌ها را انکار کنند. مرحوم پولادی در صدد رفع این اشتباه بر آمده، کلمات فوق را نگاشته است. **نادر بودن طلاق در گذشته‌های دور، در جامعه هزاره قابل تردید نیست، ولی بعد از آن که انقلاب به وجود آمد و هزاره‌ها از هزارستان اسلامی به شهرهای افغانستان و** کشورهای خارجی هجرت نمودند، تحول بزرگ در حیات اجتماعی - فرهنگی هزاره‌ها به وجود آمده است. کانون خانواده هزاره از این تحول در امان نیست. قطعاً نسبت به گذشته آمار طلاق در بین هزاره‌ها بالا رفته است. البته آمار دقیق تا هنوز از سوی مجامع که دست اندرکار نکاح و طلاق است ارائه نگردیده است. لذا دقیق سخن گفتن در این مورد کاری دشوار است.

طبق یک آمار ناقص و محدود، که از سوی دفتر حضرت آیت الله محقق کابلی مد ظله العالی در

---

۱. سید محمّد حسین فرهنگ، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان، پیشین، ص ۳۶۴.

۲. حسن پولادی، هزاره‌ها، پیشین، ص ۴۷۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط تندنی است.

قم به دست آوردم در برابر ۸۰۳۰ مورد ثبت ازدواج، ۲۸۸ فقره طلاق در دفتر به ثبت رسیده بود. این ارقام مربوط به سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ می‌باشد.

واضح است که نه تمام هزاره‌های مهاجر ایران برای ثبت ازدواج و اخذ دفترچه عقد به دفتر معظم له می‌آیند و نه تمام نزاع‌هایی که منجر به طلاق و جدایی می‌گردد، منحصر به دفتر یاد شده است. لذا آمار یاد شده محدود است و ناقص. ناگفته نماند طلاق در بین هزاره‌های مهاجر در ایران چند برابر طلاق آن مردم در داخل کشور است.

ارزیابی

طلاق در بین هزاره‌ها امری ناپسند تلقی می‌گردد و خانواده زوجین که از هم جدا شده است به شدت احساس شرمندگی می‌کنند. مرحوم حسن پولادی در این مورد نگاشته است: **«طلاق همیشه به عنوان یک رسم زشت محسوب می‌شود.»**[۱] و **«در جامعه‌ای مثل جامعه هزاره کسی که ملتفت شرم است، متوجه می‌شود که طلاق برای خانواده هر دو جانب [زن و شوهر] شرم آور است و بدین ترتیب این رسم به شدت منفورشان است.»**[۲]

این تنفر از طلاق در بین هزاره‌ها و در نتیجه پایین آمدن آمار طلاق بین آنان به خاطر نبود زمینه‌های طلاق است؟ زمینه هایی که ناشی از جوی ظالمانه نسبت به زن در جامعه هزاره وجود دارد، پدر دختر، دید اقتصادی به دختر دارد. وقتی پدر هزاره دخترش را به فردی می‌دهد در برابر آن مبلغ پول می‌گیرد و مهر دختر نیز ناچیز است. به همین جهت هیچ گاه در ذهن خانواده دختر و عروس طلاق خطور نمی‌کند. آیا کم بودن طلاق در جامعه هزاره به خاطر عوامل یاد شده است، چنانچه محقق گرامی سید محمّد حسین فرهنگ نگاشته است[۳] و یا عوامل دیگر در این مورد موجب گردیده که زمینه طلاق در جامعه هزاره نادر باشد؟

در اسلام طلاق تجویز شده است. فقهای فرزانه پیرامون احکام و مسائل مربوط به آن مفصل بحث کرده‌اند. در جواز آن تردید وجود ندارد. آیات و روایات در جواز آن فراوان است از جمله آیه: **«لا جُناحَ عَلَیْکُم اِنْ طَلَّقْتُمُ النِّساءَ..»**[۴] **زنان تان را می‌توانید طلاق دهید.»**

---

۱. همان، ص ۴۷۸.
۲. همان.
۳. سید محمّد حسین فرهنگ، جامعه‌شناسی...، ص ۳۶۴.
۴. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۳۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و نیز قابل تردید نیست که حق طلاق از آن مرد است. مرد می‌تواند زنش را طلاق دهد ولو زن بی خبر از آن باشد و ناراضی به آن طلاق؛ یعنی زن اجازه طلاق ندارد و حتی وقتی مرد می‌خواهد طلاق زنش را بدهد رضایت زن نیز لازم نیست، چنانچه حضرت امام در تحریر الوسیله ج ۲، کتاب طلاق، مسأله ۹ فرموده است:

لا یعتبر فی الطلاق اطلاع الزوجه فضلاً عن رضاها به؛ با خبر بودن زن از طلاق در اجرای صیغه طلاق شرط نیست چه رسد به رضایت او [یعنی رضایت زن در طلاق لازم نیست.][۱]

این اختیار که اسلام به مرد داده است و او را در طلاق زن مختار گذاشته، مقید به آن مواردی است که زن ناسازگاری با مرد داشته باشد و ادامه زندگی دشوار باشد، چون پیمان زناشویی خود نوعی عهد است که قائم به دو طرف، زوج و زوجه است. طبق دستور اسلام هر دو مؤظف است به عهدشان وفا نمایند. رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) فرمود: **«کسی که به عهدش وفا نمی‌کند او دین ندارد.»**[۲] و نیز فرمود: **«هرگاه فردی پیمانش را بشکند، خداوند دشمنش را بر او مسلط می‌کند.»**[۳] چه پیمانی مهم‌تر از ازدواج.

اسلام طلاق را تجویز نموده است، ولی از اموری است که در حد امکان باید از آن جلوگیری گردد. مباح است طلاق دادن زن، اما از مباح هایی که مورد غضب خداوند است. روایات فراوان از بزرگان الهی در این مورد رسیده، رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) می‌فرماید:

«ما اَحَبَّ اللهُ مباحاً کَالنِّکاحِ وَ ما اَبْغَضَ اللهُ مباحاً کَالطَّلاقِ؛[۴] **هیچ [امری] مباحی را خداوند مثل نکاح دوست ندارد و هیچ [امری] مباحی چون طلاق مورد خشم الهی نیست.»**

منفور بودن طلاق در جامعه هزاره منشأ دینی دارد. هزاره‌ها با توجّه به آگاهی‌هایی که از اسلام دارند طلاق را امری ناپسند می‌دانند، نه به خاطر مسائل اقتصادی و مالی که آقای فرهنگ گفته است. چون طلاق در اختیار مرد است عوامل یاد شده در گفتار فرهنگ مربوط به موانع طلاق از طرف زن است. حضرت آیت ا... صمدی چه خوب به ناصوابی حرف آقای فرهنگ توجّه داشته و در پاورقی کتاب، ذیل گفتار آقای فرهنگ نگاشته است:

---

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۹۲.

۲. محمّد هویدی، التفسیر المعین للواعظین و المتعظین، قم، دار الفقاهه، چ ۲، ۱۳۸۳، ص ۲۷۷.

۳. همان.

۴. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، پیشین، ص ۲۸۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)، از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

«علت عمده این که طلاق در میان مردم تشیع هزاره به ندرت صورت می‌گیرد، انگیزه‌های دینی و اسلامی است تا بدان جا که طلاق را هر دو طرف [زوجین] برای خود ننگ و عار می‌دانند.»[1]

البته عواملی که آقای فرهنگ شمرده است - ما قبلاً بخشی از آن عوامل را یادکردیم - در کاهش طلاق بی تأثیر در جامعه هزاره نیست. بحث از عوامل استحکام خانواده و گسست آن مباحث در خور تأمل است که وارد شدن در آن از محدوده رساله خارج است.

۳. نحوه آموزش هزاره‌ها و نقد آن

یکی از نهادهایی که نقش مؤثر در رشد و تعالی فرهنگ، اقتصاد، بهداشت و... جامعه دارد، نهاد آموزش و پرورش است. نحوه آموزش مضامین که برای مردم آموزش داده می‌شود، از عوامل بسیار مهم در رشد و توسعه همگانی یک جامعه است. آن جامعه‌ای دارای فرهنگ پیشرو، اقتصاد سالم، اجتماع سالم و... است که آموزش در آن جامعه توسعه یافته و همگانی باشد. و نحوه آموزش از متد علمی بهره‌مند باشد و متن‌های آموزشی، متن‌های درست جهت داده شده و به روز. به همین جهت حکومت‌های ستم‌گستر در طول تاریخ به این مهم توجّه داشته، اولین تبعیض که نسبت به توده مورد غضبش اعمال می‌نمود، بی‌توجهی و کم توجهی در امر آموزش فرزندان آن جامعه برده است.

تبعیض‌های اعمال شده از سوی حاکمان بی‌کفایت افغانستان بر ضد توده ملت افغانستان، مثل آفتاب روشن بود؛ **مثلاً تهداب معارف و مکاتب جدید در زمان امیر حبیب الله (۱۹۰۳ م) گذاشته شد.** در این سال بود که لیسه‌ی (دبیرستان) حبیبیّه به وجود آمد و دارای سه درجه بود: ابتدایی، رشدی و اعدادی (ریاضیات).

حبیب الله طی فرمانی رسماً دستور داد که در درجه ابتدائیه آن لیسه، کلاس مخصوص «شاهزادگان» به وجود آید. **«ولی تعداد شاهزادگان قابل مکتب از چهار نفر بیشتر نبود.»**[2]

طبیعی بود که این کلاس چهار نفره نیاز به معلم و امکانات ویژه داشت که از سرمایه ملت خرج می‌گردید. این در حالی بود که سایر ولایات کشور به فراموشی مطلق سپرده شده بود.

---

۱. سید محمّد حسین فرهنگ، جامعه‌شناسی...، ص ۲۶۴ (پاورقی آیت ا... صمدی).

۲. میر غلام محمّد غبار، افغانستان در سیر تاریخ، ج ۲، پیشین، ص ۱۱۱۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پس از زوال حکومت امیر حبیب الله و سرکار آمدن دیگر حاکمان، توجّه در امر آموزش صورت نگرفت و رفتارهای تبعیض‌آمیز بر ضد اقوام محکوم از جمله هزاره‌ها به صورت حساب شده اعمال می‌گردید. مرحوم پولادی در این مورد نگاشته است:

«چندین دهه قبل [قبل از ۱۹۸۹ زمان تألیف کتاب] دانش‌آموزان هزاره، نمی‌توانستند تصور کنند که به درجات عالی در دانشکده‌های افغان‌ها دست یابند، تعصب علیه آنها چنان عمیق و ریشه دار بود که درهای تحصیلات عالی، کاملاً بر روی آنها بسته شده بود.»(۱)

مرحوم عبدالحسین مقصودی، یکی از نماینده‌های هزاره‌ها در مجلس و لوسی جرگه در زمان ظاهر شاه، در مورد این تبعیض آشکار، می‌نگارد:

«یکی از وکلای سابق هزاره‌جات به من [مرحوم مقصودی] گفت جهت گرفتن [امر تأسیس] مکتب لیسه [دبیرستان] در پنجاب دایزنگی دست به کار شدم. بعد از مراحل آن پیش وزیر معارف رفتم. وزیر موصوف به من گفت: وکیل صاحب راستش این است که اگر در هزاره‌جات [دستور تأسیس] مکتب لیسه بدهم، خاندان سلطنت به من خنده می‌کنند.»(۲)

طبق نقل آقای لعلی از روزنامه جمهوریت، شماره ۱۸۱، تعداد شاگردان مکاتب در سال ۱۳۵۳ به ۷۳۴،۲۶۱ نفر می‌رسند. در بین این تعداد شاگردان مشمول مکاتب در همین سال از تمام ساحه هزاره‌جات کمتر از ۳۰ هزار نفر مشمول مکاتب دولتی بوده، که با توجّه به کمیت جمعیت هزاره‌ها در هزارستان، رقم ناچیزی است.(۳)

این بی توجهی و کم توجهی دولت مردان کشور، به این کتله محروم و شریف جامعه موجب نگردید که هزاره‌ها از سواد خواندن و نوشتن به کلی محروم باشند. بلکه با تلاش روحانیون و بزرگان قریه جات هزارستان اسلامی، مکتب‌های محلی در فصل زمستان در تکیه خانه‌ها و حسینیه‌ها به صورت جدّی فعال بوده است و نیز حوزه‌های علمیه در جای جای هزاره‌جات وجود داشته، به ویژه در دروان انقلاب به تعداد این مدارس افزوده شده است. بنیانگذاری این مدارس **«در سرزمین هزاره‌ها... پا**

---

۱. حسن پولادی، هزاره‌ها، پیشین، ص ۵۵۶.

۲. عبدالحسین مقصودی، هزاره‌جات سرزمین محرومان، ص ۴۶، به نقل از بصیر احمد دولت آبادی، تعزیه امام حسین در افغانستان، هفته نامه وحدت، شماره ۲۱۷، ۷۶/۵/۲۳، ص ۴.

۳. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، پیشین، ص ۳۶۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

به پای رشد و تحکیم بنیادهای اعتقاد اسلامی در دل فرهنگ مذهبی، این سامان جوانه داده است.»[۱]

طبق گزارش جناب آقای لعلی در هزارستان اسلامی **«در طی ۵۰ سال اخیر بیش از صد باب مدرسه دائم الوقت تأسیس گردیده است.»**[۲]

گزارش محترم انجینر لعلی مربوط به ۱۸ سال قبل است. بدون تردید بعد از آن زمان به ویژه در زمان حاکمیت حزب وحدت اسلامی افغانستان در هزارستان اسلامی به تعداد حوزه‌های علمیّه افزوده شده است، ولی با توجّه به جمعیت هزاره‌جات تعداد حوزه‌ها اندک است. به علاوه بسیاری از مدارس فقط در ایام زمستان فعال است، در دیگر ایام سال یا به کلی تعطیل است و یا نیمه تعطیل می‌باشد.

در این مدارس ادبیات عرب (صرف و نحو)، منطق، اصول فقه و فقه تدریس می‌شود. کمبود وسائل آموزشی و استاد و کم توجهی مراجع معظم تقلید در امر معیشت اساتید و طلاب از جمله موانع پیشرفت این گونه مدارس است. به علاوه متد تدریس که در حوزه‌های علمیه هزاره‌جات رایج است از روش‌های علمی و کارشناسی شده پیروی نمی‌کند؛ لذا رشد طلاب بسیار کند و ایستا است.

در هزارستان اسلامی غیر از حوزه‌های علوم دینی که مخصوص طلاب است در ایام زمستان کلاس‌های سواد آموزی و قرآن آموزی نیز وجود دارد. این کلاس‌ها در بین هزاره به «بچه خوانی»[۳] مشهور است. جای این کلاس‌ها در منابر و حسینیه‌ها است. فرزندان هزاره وقتی به سن ۶ و ۷ سالگی رسیدند، به بچه خوانی فرستاده می‌شود و او مؤظف است در مدت یک یا دو سه زمستان، توانایی سواد خواندن قرآن و فارسی را پیدا کند. طبق رسم که از سال‌ها قبل در هزاره‌جات جاری بوده است، اهل ده در ایام زمستان شخصی را به عنوان معلم و آخوند برای فرزندان خود انتخاب می‌کنند و اندک اجرت و مزدی نیز برای آخوند در نظر می‌گیرند.[۴]

وجود این گونه کانون‌ها امکان داده است که تا بیش از ۶۰ درصد مردان هزاره دارای سواد خواندن باشند.[۵] روش‌های تدریس که در این مراکز از سوی معلمان کم سواد و کم تجربه به

---

۱. همان، ص ۳۴۲.
۲. همان، ص ۳۴۴.
۳. سیّد محمّد حسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم...، ص ۳۰۹؛ سیّد عبدالله اصغری، خاطرات سفری به افغانستان، ص ۱۹۱.
۴. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، ص ۳۵۲ - ۳۵۱.
۵. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دانش‌آموزان اعمال می‌شود در حد بسیار عقب مانده و ابتدایی است، همین امر موجب گردیده که آن همه ایام فراغت فرزندان هزاره به هدر رود.(۱)

ارزیابی

آن‌گونه که ملاحظه گردید نحوه آموزش در بین هزاره‌ها بسیار ابتدایی است. وضعیت مکاتب نیز رضایت بخش نیست، چون همیشه همراه با تبعیضات قومی و مذهبی بوده است. البته در این اواخر کارهای خوبی صورت گرفته، از جمله این کارهای پر ثمر پایه گذاری دانشگاه بامیان است. این مرکز علمی سال ۱۳۷۵ زمان حاکمیت حزب وحدت در هزاره‌جات پایه گذاری گردید.(۲) و اکنون از امکانات خوبی برخوردار است. از دیگر کارهای مثبت که در زمان حزب وحدت وسیله رهبر شهید استاد مزاری انجام گرفت اعزام دانشجویان هزاره به کشورهای خارجی، از جمله در آذربایجان بود. طبق قرار داد که بین حزب وحدت و مقامات مربوطه آذری بسته شده بود، قرار بود بیش از ۵۰۰ دانشجوی هزاره در آذربایجان مشغول تحصیل باشند و از تعداد یاد شده ۲۰۰ نفر توانستند در دانشگاه‌های کشور آذربایجان راه پیدا کنند. متأسفانه با شهادت استاد مزاری روند اعزام دانشجویان هزاره به خارج از افغانستان مختل گردید.(۳)

بعد از سرکار آمدن حکومت کنونی در افغانستان کارهای خوبی در قسمت آموزش و پرورش انجام گرفته و روند رو به رشد داشته است، ولی تا هنوز در ابتدای راه است.

در افغانستان این طور رسم است که در ایام فصل زمستان، مدارس و مکاتب دولتی تعطیل است و این امر زمینه‌ای است برای تشکیل کلاس‌های زمستانی. همان گونه که بیان شد این کلاسها از زمان‌های قدیم در منابر و حسینیه‌ها در این فصل برگزار می‌شده است. اکنون با رونق یافتن مکاتب دولتی تعارض بین دو مکتب وجود ندارد، می‌تواند مکاتب بچه خوانی در زمستان تداوم داشته باشد. بر نخبگان و فرهنگیان دلسوز جامعه هزاره است که از این فرصت پیش آمده به نحو مطلوب استفاده نمایند و در خصوص توسعه و رشد کمی و کیفی این مکاتب فکری نمایند تا عقب ماندگی‌های

---

۱. همان.
۲. سید عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، پیشین، ص ۲۶۱.
۳. محمّد بخشی فاضلی، جمهوری آذربایجان و محصلین حزب وحدت اسلامی، هفته نامه وحدت، شماره ۲۱۷، ۷۶/۵/۲۳، ص ۵.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تحمیلی گذشته، از این طریق جبران گردد.

حوزه‌های علمیه شیعه در طول تاریخ یگانه پناهگاه فکری و عقیدتی شیعیان بوده است. حوزه‌ها از نگاه مالی متکی به توده مردم بوده و اتکای فکری و عقیدتی مردم به حوزه‌ها. وضعیت موجود حوزه‌ها در هزارستان اسلامی و شهرهای افغانستان که هزاره‌ها در آن شهرها سکونت دارند، جداً رضایت بخش نیست. حوزه‌های علمیه بیش از هر زمان دیگر امروز نیازمند جدّی اصلاحات کمی و کیفی است. به متمکنین هزاره‌اند که این پشتوانه عظیم فکری و عقیدتی مکتب تشیع را به فراموش خانه نسپارند و در قبال آن احساس مسؤلیت نمایند و با کمک‌های مالی خود در رشد و تعالی فرهنگ جامعه هزاره سهم بگیرند. و بر عالمان بزرگ و آیات عظام و طلاب فاضل و تحصیل کرده افغانستان، در حوزه‌های کهن نجف، قم و مشهد اند که در این برهه از زمان دین شان را نسبت به مردمش ادا کنند. در مورد اصلاح کمی و کیفی حوزه‌ها و توسعه آن و متد تدریس در آن حوزه‌ها تصمیمات لازم را اتخاذ نموده به مصداق آیه نفر (**فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُم طائِفَة لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُو قَوْمَهُم إِذا رَجَعُوا إِلَيهِم لَعَلَّهُم يَحْذَرُونَ** - توبه / ۱۲۲) عمل نمایند.

۴ - جامه و پوشش هزاره‌ها و ارزیابی آن

پدر و مادر این انسان، آن زمانی که در اثر تمرّد از فرمان الهی از بهشت به این دنیا رانده شد، لباس‌های بهشتی از تن شان کنده شد[1] و در دشت برهوت زمانی بدون لباس، عریان ماند و پس از آن چاره‌ای اندیشید و جامه‌ای تدارک دید. از آن پس جامه همزاد انسان گردید. انسان‌ها در طول تاریخ بر حسب سلایق و حس هنری خود طبق مقتضای جغرافیایی که در آن بود و باش داشتند، برای خود لباس ساختند. در این همزاد انسان در تمام بنی آدم دو ویژگی به طور عموم وجود داشت: پوشاندن بدن و شرم‌گاه‌ها، محافظت بدن از سرما و گرما در تمام فصول سال. همین سلیقه‌های مختلف انسان و جغرافیای گوناگون موجب گردید که پوشاک و جامه انسان به شکل‌های مختلف ظهور پیدا کند. ما امروز شاهد این همه انواع لباس با شکل‌های گوناگون و متنوع می‌باشیم.

---

۱. قرآن کریم، اعراف، آیه ۲۷: «نَزِعُ عَنهُما لِباسَهُما لِيُرِيهُما سَوءاتِهِما».

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هزاره‌ها با توجّه به موقعیت جغرافیایی خاص که در آن زندگی می‌کنند، بیشتر سرزمین هزاره‌ها بیش از نصف سال هوای سرد و سوزان دارد. هزاره‌ها با توجّه به این خصوصیت مکانی از ذوق هنری سرشار که دارند در ساختن جامه‌های متنوع با شکل‌های گوناگون استفاده نموده‌اند. این حس تنوع خواهی در پوشیدن جامه موجب نگردید که هزاره‌ها از لباس‌های که در اسلام پوشیدن آن تحریم شده است بپوشد، مثل لباس حریر که پوشیدن آن برای مردان حرام است.(۱)

الفنستون که در ابتدای قرن نوزدهم (۱۸۰۹) به افغانستان سفر نمود، از هزاره‌جات نیز دیدن کرد و «پای تابه» را از اجزای مشخص لباس مردان هزاره می‌داند.(۲) کفش هزاره‌ها در آن زمان از پوست حیوانات - ساخته خود هزاره‌ها - مثل چکمه سربازی بوده است. پیراهن و شلواری که لباس ملی افغانستان محسوب می‌گردد و اکنون نیز این لباس در جاهای مختلف افغانستان وجود دارد، هزاره‌ها در آن زمان مثل حالا داشته.

روی پیراهن کت بلند، تا زیر زانوها می‌پوشیدند و در فصل سردی هوا روی تنبان، شلواری زخیم، می‌پوشیدند و روی شلوار در قسمت ساق پا، پایتابه (پارچه مخصوص) می‌بندند و کلاهی نیز روی سر می‌گذراند.(۳)

گزارشگر دیگر که سال‌های ۹-۱۸۷۸ م. از هزاره‌جات دیدن کرده است، در مورد لباس هزاره‌ها می‌نویسد:

«هزاره‌ها برک(۴) می‌پوشند که نوعی پارچه گرم، ساخت خودشان است. آنان کرتیهای دراز با پیراهن‌های چین دار و تنبان یا پتلون می‌پوشند، در بیرون خانه پاچه تنبان را در بین بوت بند دار نیم ساق ساخت خوشان فرو می‌برند.» و «کلاه هزاره‌ها متمایزترین لباس شان به شمار می‌رود این کلاه شکل مخروطی داشته و از کتان به رنگ روشن ساخته شده و خطوطی از پوست قره قل و یا پوست عادی گوسفند دارد که در دور دهن آن برجستگی ای را تشکیل می‌دهد.»(۵)

---

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، پیشین، ص ۱۴۵ (لباس نمازگزار)

۲. الفنستون، افغانان، پیشین، ص ۴۲۹. ۳. همان، آخر کتاب، تصویر ۱۲ - یک مرد هزاره.

۴. برک نوعی پارچه است از پشم گوسفند قهوه‌ای (سرخ) تهیه می‌شود و زنان هنرمند هزاره این کالا را با دست می‌بافند، در قدیم یکی از قلم کالاهایی بود که از هزارستان به سایر ولایات افغانستان و کشورهای همجوار از جمله ایران صادر می‌شد (سید عسکر، ص ۱۴۲) ولی در این اواخر این صنعت تقریباً از بین رفته است. ۵. متبلند، هزاره‌ها و هزارستان، پیشین، ص ۳۲.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آن چه ذکر گردید مربوط به لباس مردان هزاره در دو صد سال و ۱۵۰ سال قبل بود، ولی امروز هم گام دیگر تغییرات که در زندگی اجتماعی هزاره‌ها به وجود آمده است، لباس هزاره‌ها نیز تغییر یافته، اکنون دیگر تقریباً برک از هزاره‌جات برچیده شده، جوانان و مردان هزاره مایل نیستند این کالای ساخته شده بانوان صبور و کوشای هزاره را بپوشند، مردان ترجیح می‌دهند از کالاهایی که در خارج از هزارستان ساخته می‌شود به تن کنند.

لباس هزاره‌ها در این زمان عبارت است از: پیراهن و شلوار، که لباس ملی افغانستان است. دامن پیراهن غالباً تا ساق پا می‌رسد و شلوار نیز فراخ است. روی پیراهن جلیقه می‌پوشد که در برخی از مناطق هزاره‌جات به آن «اُوسکَت» گفته می‌شود. روی جلیقه در فصل‌هایی که هوا سرد است، کت و یا کافشن و پتلان می‌پوشند. چند متر پارچه دیگری را، که به طرز خاص ساخته شده است (پتو) به دورشان می‌پیچند؛ به این صورت که یک سر پارچه در قسمت بازوی چپ گذاشته می‌شود و از قسمت پشت سر دیگر آن از بالای شانه و دست راست از روی شانه چپ به طرف پشت انداخته. این کار در فصل‌هایی که هوا سرد است برای محافظت از سرما انجام می‌گیرد. علاوه بر قلم‌های یاد شده هزاره‌ها کلاهی نیز روی سر می‌گذارند. این کلاه با اندک اختلاف در مناطق مختلف به صورت خاص درست می‌شود.

نوجوانان، جوانان، میانسالان و بزرگسالان همه کلاه دارند. البته کلاه طبق سن افراد، ساخته می‌شود، غالباً کلاه جوانان و نوجوانان دارای رنگ‌ها و طرح‌های شاد است. میان سالان و پیر مدران تماماً، جوانان غالباً روی کلاه، دستاری می‌بندند. هزاره‌ها به آن «لنگ گُته» می‌گویند که همان عمامه است. این پارچه از سه متر تا ۵ و ۶ متر طول دارد. یک طرف آن اندازه نیم متر از طرف شانه چپ روی سینه رها می‌شود، سر دیگر آن را به دور سر می‌پیچند و سر آن را روی عمامه در قسمت چپ و یا راست سر اندازه چند سانت بلند می‌گذارند. هزاره‌ها به آن «شَکْلَکْ» می‌گویند.(۱)

زنان هزاره پیراهن‌های بلند می‌پوشند، این پیراهن‌ها که از پارچه‌های قیمتی درست می‌شود، درازی آن تا نصف ساق پا می‌رسد و در قسمت کمر حالت چین خوردگی دارد. اندازه یک وجب از

---

۱ . عیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، پیشین، صص ۱۷۸، ۲۱۱، ۲۱۶، ۲۳۵، ۲۵۱، ۲۵۲؛ سید عبدالله اصغری، خاطرات سفری به افغانستان، پیشین، صص ۱۳۴، ۱۴۴، ۱۷۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۰۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به‌شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

روی سینه و گاه پشت سر دَرْز دارد. روی پیراهن غالباً جلیقه که مخصوص بانوان است می‌پوشند. موهای شان را با پارچه‌ای می‌بندند. در بعضی جاها زنان کلاه به سر دارند. قسمت زیاد از موها را از پشت سر رها می‌کنند و با نخ مخصوص می‌بندند. در بسیاری از مناطق هزاره‌جات زنان جوان و دختران، مقداری از موهای شان را از زیر کلاه و یا پارچه‌ای که به سرشان بسته‌اند، از دو طرف صورت رها می‌کنند و هزاره‌ها به آن «پیچه» می‌گویند، درازی آن اندازه چند سانت است. وسط این مو محازی گوش چند عدد فلز نازک به آن می‌زنند تا موها را مرتب نگهدارد. و گاهی روی آن اندک روغن نیز می‌مالند. پارچه‌ای حدود سه تا چهار متر (بستگی به قد افراد دارد) روی سر می‌اندازند به عنوان چادر و حجاب.(۱)

لباس زنان هزاره‌هایی که در شهرهای افغانستان زندگی می‌کنند اندکی با لباس‌های زنانی که در هزاره‌جات هستند، تفاوت دارد؛ مثلاً برخی زنان هزاره طبق رسم رایج در بین خانواده‌های سایر اقوام ساکن در شهر چادر بُقرا سر می‌کنند.

چادر بقرا پارچه بلندی است که تمام بدن زن را می‌پوشاند، فقط جلو صورت چند عدد سوراخ ریز دارد، که زنان می‌توانند از این منفذها نفس بکشند و بیرون را از لابلای این سوراخ‌ها مشاهده کنند. این نوع چادر در هزاره‌جات بسیار کم وجود دارد.

همانطور که گفته شد از دیدگاه اسلام برای مردان جامه‌های حریر حرام است. مردان هزاره از پوشیدن آن به خاطر هنجارهای دینی دوری می‌کنند، علاوه بر آن چنین پارچه‌های گرانبها، در هزاره‌جات که فقر مثل زنجیر در دست و گردن مردم افتاده است، وجود ندارد.

نقد و بررسی

در اسلام برای مردان توصیه شده است که لباس زنان را نپوشند و زنان لباس مردان را، پوشیدن لباس شهرت نیز از نظر اسلام ناروا است.(۲) و هزاره‌ها این حکم را کاملاً مراعات می‌کنند، زنان لباس مردان و مردان لباس زنان را نمی‌پوشند.

---

۱. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، ص ۲۸۶؛ حسن پولادی، هزاره‌ها، پیشین، ص ۴۶۲.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج، ص ۱۴۵.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در حدیثی از رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) نقل شده است: «**جامه سفید بپوشید، چون [این نوع جامه] پاکتر و زیباتر است.**»[۱] در کیفیت ساختن جامه اسلام مقید به نوع خاص ننموده است.

گفته شد در هزاره‌جات زنان دارای حجاب هستند، ولی در بسیاری از موارد این حجاب کامل، مطابق آنچه در اسلام به آن سفارش شده است، نیست. گذشت که در هزاره‌جات زنان جوان و دختران جوان مقداری از موهای خود را از دو طرف صورت درکنارگوش رها می‌کنند و این کار بر خلاف دستور صریح اسلام است؛ چون یکی از مسلمات در اسلام مسأله پوشش زن است و از آن به «حجاب زن» یاد می‌گردد. در اسلام محدوده آن نیز بیان گردیده است. آیه ۳۱، سوره نور هم حکم پوشش زن را بیان می‌کند، هم محدوده پوشش را:

«یَحْفَظنَ فُروجَهُنَّ وَ لا یُبْدینَ زینَتَهُنَّ اِلّا مَا ظَهَرَ مِنها وَ الْیَضْرِبن بخمرِ هنَّ عَلی جُیو بِهِنَّ و لا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ اِلّا لِبُعُو لَتِهِنّ...؛ (زنان) پاک دامن ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آن چه که از آن پیداست. باید روسری خود را برگردن خویش فرو اندازند و زیورهایشان را جزء برای شوهران شان و... آشکار نکنند.»[۲]

مضمون آیه فوق، دستور پوشش برای زنان است، از مردانی که محرم زن نیست ولی ژوشش از مردان که محرم زن است لازم نیست، مثل شوهر، پدر، برادران و... . زنان محل زینت شان را نباید ظاهر کنند - مگر آن چه از زینت‌هایی که نمایان است = **الّا ما ظهر منها**.

در این که مراد از ما ظهر منها چیست، بین مفسران اختلاف است، ولی بیشتر علما با توجّه به روایات که در این مورد است، می‌گویند مراد از این استثنا و آن چه که پوشاندن آن بر زنان واجب نیست صورت و کف دو دست زنان است. باقی بدن زن غیر از وجه و دو کف دست باید پوشیده باشد. این مسأله مورد اتفاق علمای بزرگ شیعه و سنی است. [۳]

ظاهر ساختن غیر صورت و دو کف دست شامل عدم جواز بروز موهای زن نیز می‌گردد. بنابر این پوشاندن موهای زنان به اتفاق علمای اسلام واجب است، سرپیچی از آن حرام.

---

۱. محمّد ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۵۲، باب ۱۶۰۹.

۲. قرآن کریم، سوره نور، آیه ۳۱.

۳. مرحوم طبرسی، مجمع البیان، پیشین، ج ۸ - ۷، ص ۲۱۷؛ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، پیشین، ص ۵۵۲ و ۵۰۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آنچه که در بسیاری از جاهای هزاره‌جات رایج است و زنان قسمتی از موهای شان را بیرون رها می‌کنند و نمی‌پوشانند با توجّه به مطالب یاد شده، بر خلاف دستور اسلام است. چون پوشش برای زن، (این پوشش شامل موها قطعاً است) در اسلام واجب است و سرپیچی از آن حرام. هزاره‌های مسلمان که سال‌ها و قرنها سابقه تدین به اسلام و تشیع دارند سزاوار نیست که یکی از دستورات احکام اسلام را در ملاء عام زیر پاگذاشته و سرپیچی از آن به صورت هنجار در جامعه در بیاید. چنین امری مورد پسند جامعه اسلامی و جامعه هزاره که شهره به تدین و دینداری هستند، نیست. بر زنان متدین هزاره‌اند تا متوجه باشند که چنین عملی (رهاکردن مو و نمایاندن آن) که آنها انجام می‌دهند بر خلاف دستور اسلام است و از انجام این عمل خلاف اسلام پرهیز نمایند.

۵- خوراکی‌ها و آداب آن و نقد

انسان موجودی است دو بعدی؛ روح و روان، یک بعد انسان را تشکیل می‌دهد و جسم و بدن بعد دیگرش را. هرکدام از این دو بخش برای تداوم حیات و رشدش نیازمند به غذا است که با آن تغذیه کند و رشد نماید. غذای روان متناسب با مقام وجودی اوست و غذای بدن نیز مقتضای وجود مادی او. بین روح و بدن تأثیر متقابل وجود دارد، فعل و انفعالات بین آن دو وجود دارد و هرکدام بر دیگری به نحوی تأثیر می‌گذارد. روح سالم و روان سالم در فردی وجود دارد که تغذیه سالم و درست داشته باشد.

تأثیر غذاهای متنوع بر بدن پوشیده نیست. هر غذا به خاطر مواد خاص که در خود نهفته دارد موجب تغییراتی می‌گردد؛ مثلاً موادی در نمک نهفته است که این مواد در گوشت قرمز وجود ندارد، لذا مصرف نمک تأثیری در بدن دارد که آن تأثیر در گوشت وجود ندارد. و همینطور دیگر غذاها.[1] هر کدام تأثیر خاص خودش را در بدن دارد. ویتامین‌های مختلف مورد نیاز بدن است و این ویتامین‌ها در صورتی درست به بدن نرسد، موجب عوارض ناگوار در بدن می‌گردد؛ مثلاً یکی از ویتامین‌های مورد نیاز بدن، ویتامین C (سی) است (این ویتامین در گیاهان مثل فلفل و تربچه و... وجود دارد) در صورتی

---

۱. صفدر صانعی، رژیم تندرستی، اصفهان، انتشارات کنکاش، چ ۵، ۱۳۸۱، ص ۱۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶۰) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

که این ماده مورد نیاز بدن، به جسم انسان نرسد، موجب پوکی استخوان، چین و چروک و خشکی پوست و... می‌شود.(۱)

اگر ویتامین مورد نیاز بدن بیش از حد به بدن برسد، باز موجب یک سری نارسایی‌هایی در بدن می‌گردد. مثلاً «زیادی ویتامین D (دی) عوارضی چون مسمومیت، تهوع، ضعف و خستگی، کاهش وزن بدن، اسهال و گرفتگی عضلات بدن را به وجود می‌آورد.»(۲) آنچه بیان گردید اهمیت مصرف غذا از دید پزشکی بود.

غذاهایی که انسان از آنها استفاده می‌کند، از نگاه حلیت و حرمت آن، در اسلام نیز قابل توجّه است. خداوند به ما دستور داده است که غذاهای مورد مصرف مان را باید به دقت بنگریم حلال است یا حرام؟ **«فَلْيَنْظُرِ الْإِنسانَ الى طَعَامِه؛ پس انسان باید به خوراک خود بنگرد.»**(۳) بناء مصرف مواد غذایی برای انسان اهمیت بسزا دارد؛ هم از جهت پزشکی و هم از بعد حلیت و حرمت آن، در اسلام.

قبل از پرداختن به خوراک هزاره‌ها و نحوه مصرف آن لازم است از منابع تأمین غذاهای هزاره‌ها سخن رانده شود. مهم‌ترین منابع تأمین غذایی هزاره‌ها چیست؟

در بحث از سرزمین هزاره مطرح شده، که هزاره‌جات فعلی تماماً کوهستانی است. مشاغل اصلی که هزاره‌ها به آن سرگرم هستند زراعت و مالداری (دامداری) است و بخش کمی از مردم از طریق تجارت، مایحتاج زندگی روزمره شان را تأمین می‌کنند.(۴)

یکی از مهمترین منابع تأمین مصرف غذایی هزاره‌ها، زراعت و کشاورزی است. وضعیت کشاورزی در هزارستان بسیار نابسامان و ابتدایی است. هیچ گونه تغییر و تحول در این بخش به وجود نیامده است. شخم زمین‌ها در بیشتر مناطق هزاره‌جات وسیله گاو صورت می‌گیرد. آبیاری، درو و جدا نمودن کاه از دانه، نیز به شکل کاملاً ابتدایی و قرون وسطایی انجام می‌گردد. به خاطر سردی هوای هزاره‌جات و طبیعت خشن این سرزمین، زمین‌های کشاورزی فقط در فصل بهار و تابستان محصول می‌دهد. توانایی بیش از یک فصل زراعت را ندارد.(۵)

---

۱. همان، ص ۵۳ و ۵۴.
۲. همان، ص ۵۵.
۳. قرآن کریم، سوره عبس، آیه ۲۴.
۴. حسین نائل، سایه‌های روشنایی از وضع جامعه هزاره، پیشین، ص ۱۱۶.
۵. همان، ص ۱۰۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عمده محصولات کشاورزی هزاره‌ها عبارت است از: **«گندم، جو، جواری (ذرت)، نخود، شاخل، مشنگ، کلول، باقلا و عدس»**[۱] در این اواخر، سیب زمینی (کچالو) نیز به محصولات کشاورزی هزاره‌ها افزوده شده است. در مناطق گرمسیر هزاره‌جات مثل ارزگان به طور کم شالی کاری نیز وجود دارد،[۲] در مناطق یاد شده که دارای هوای نسبتاً گرم است درختان میوه، مثل درخت سیب، زرد آلو، بادام، توت، گردو (چهار مغز) وجود دارد[۳]، ولی اکثر مناطق هزارستان از درختان میوه دار محروم هستند.

بعد از زراعت، مهم‌ترین منبع غذایی هزاره‌ها مالداری (دامداری) است. دامداری در هزاره‌جات به شکل سنتی آن جریان دارد و نقش مهمی در تأمین مایحتاج زندگی هزاره‌ها، چون کمبود زمین‌های کشاورزی و وجود علف‌های فراوان در هزارستان موجب گردیده که هزاره‌ها در کنار زراعت رو به دامداری بیاورند.[۴] البته این چراگاه‌های هزاره‌جات قبل از جنگ هزاره‌ها با عبدالرحمان، کاملاً در اختیار خود هزاره‌ها بود، ولی بعد از جنگ امیر با هزاره‌ها و سرکوبی آنان چراگاه‌های هزارستان در اختیار کوچی‌های افغان قرارگرفت و این سنّت ظالمانه پس از عبدالرحمان در زمان حاکمیت اخلاف او تا قبل از انقلاب ۱۳۵۷ ادامه داشت[۵] و ضربه جبران‌ناپذیر به اقتصاد هزاره وارد ساخت. چون هم دامداری هزاره‌ها کاهش یافت و هم زراعت‌های دهقانان زیر پای دام‌های کوچی، له می‌شد.

سردی هوای هزاره‌جات موجب گردیده که هزاره‌ها نتوانند رقم زیادی از دام پرورش دهند. مرحوم پولادی در این مورد نگاشته است:

> **«بنابر این آنها گوسفند، گاو، بز، الاغ، اسب و مرغ به اندازه پرورش می‌دهند که نه تنها گوشت کافی از این طریق تولید می‌کند که به آنها کمک می‌کند تا پشم، چرم حیواناتی برای کشاورزی و فربه نمودن آنها برای مصرف خود و برای فروش داشته باشند. هر هزاره خانه دار حداقل یک ماده‌گاه و یک جفت گاو نر، چند رأس گوسفند و بز، در بعضی موارد یک الاغ برای حمل و نقل و چند مرغ از مرغان خانگی در کنار مزرعه خود دارند.»**[۶]

آنگونه که یاد گردید مالداری در هزاره‌جات بسیار به صورت سنتی آن وجود دارد. تعداد رأس

---

۱. همان.
۲. همان، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.
۳. همان.
۴. حسن پولادی، هزاره‌ها، پیشین، ص ۵۰۸ - ۵۰۶.
۵. همان.
۶. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

گوسفندی که هر خانواده هزاره دارد، از ۱۵ تا ۲۰ رأس غالباً تجاوز نمی‌کند. برخی از زمین داران بزرگ هزاره گوسفندان زیاد پرورش می‌دهند، ولی اکثر هزاره‌ها از داشتن گوسفندان زیاد محروم هستند. بناءً مهم‌ترین منبع غذایی هزاره‌ها از طریق کشاورزی تأمین می‌گردد و انواع میوه جات و سبزیجات در لیست غذایی هزاره‌ها در هزاره‌جات وجود ندارد. مرحوم حسین نائل در مورد سوء تغذیه در هزاره‌جات از راپور (گزارش) تیم صحی دولت سال ۱۳۵۱ می‌نویسد:

«غذاهای مردم هزاره را نان گندم و یا نان جو، دوغ، چای و بوره (شکر) تشکیل داده است. دانه‌های نباتی و حبوبات، تخم مرغ، گوشت و پنیر بسیار به ندرت در غذاها دیده می‌شود. میوه جات و سبزیجات در تابستان به صورت نامنظم و غیر متداوم وجود دارد، ولی در موسم زمستان اصلاً هیچ پیدا نمی‌شود. مهمترین قلم سبزیجات را پیاز تشکیل می‌دهد.»[۱]

غذاهایی که زنان خوش ذوق هزاره می‌پزند عبارتند از: حلوای سرخ، حلوای سفید، آبگوشت، برنج گوشت (چلو خورش)، قوروتی (دوغ + آب + روغن)، شیر برنج، دلده، لیتی، تخم مرغ، اشکنه تخم مرغ، اشکنه سیب زمینی، کشکو (رشته آش + آب + دوغ + نمک) و... قسمتی از غذاها را ما در فصل سوم به مناسبت غذاهای روز عید بیان کردیم.

بارها گفتیم هزاره‌ها مردمان مسلمان اند و مقید به دستورات احکام اسلام؛ لذا از غذاها و مشروبات و گوشت‌هایی که به طریق شرعی ذبح نشده‌اند جداً پرهیز می‌کنند و نیز گوشت حیوانات و پرندگانی که در اسلام خوردن آن حرام است، مثل گوشت‌های خرگوش، سگ، شیر، پلنگ، گرگ، روباه، شغال، باز، عقاب، شاهین، مار، موش و...[۲]

هزاره‌ها در حین غذا خوردن، سفره‌ای که زنان هزاره غالباً از پشم گوسفند می‌سازند، پهن می‌کنند. سه چهار نفر دور یک ظرف گرد هم آمده صرف غذا می‌کنند. قبل از غذا و بعد از صرف غذا آب دست گرفته می‌شود. تک تک افراد دست شان را می‌شویند. قبل از شروع نمودن به غذا **بسم الله الرحمن الرحیم** می‌گویند. بعد از صرف نمودن غذا یکی از افراد موجه حاضر سر سفره دعا می‌کنند و مشهور به «دعای سر سفره» است.[۳] این دعا تشکیل یافته از چند جمله است که در خواست برکت و

---

۱. حسین نائل، سایه‌های روشنایی...، پیشین، ص ۹۵. ۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، پیشین، ص ۱۳۸.

۳. سید عبدا... اصغری، خاطرات سفری به افغانستان، پیشین، ص ۵۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

زیادی نعمت و سلامتی حاضران از خداوند در آن نهفته است. غالباً این دعا به عربی خوانده می‌شود. در برخی از مناطق دعای سر سفره طولانی است.

در زمانهای گذشته هزاره‌ها با دست غذا می‌خوردند و لقمه می‌زدند، ولی در این ده‌های اخیر غالباً مردم هزاره با قاشق غذا تناول می‌کنند. هنگام نوشیدن آب هزاره‌ها درود بر امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) می‌فرستند و نفرین بر قاتلان امام حسین (عَلَیهِ السَّلام).

نقد و بررسی

یاد خدا و بسم الله گفتن قبل از شروغ نمودن به غذا یکی از سنّت‌های پسندیده است که در بین هزاره‌ها رایج اند و هزاره‌ها با توجّه به دانایی مذهبی که از احکام اسلام دارند به این سنّت عمل می‌کنند. علمای ربانی درکتاب‌های فقهی خود، یکی از مستحبات آداب غذا خوردن را بسم الله گفتن می‌دانند و احادیث فراوانی در این مورد از رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) و ائمّه هدا به ما رسیده است. به عنوان تبرک یکی از آن روایات را می‌آورم. از رسول الله روایت شده است، که حضرت فرمود:

«وقتی مائده (ماده غذایی) گذاشته می‌شود، چهار هزار فرشته اطراف آن حلقه می‌زنند. وقتی بنده خدا (قبل از خوردن) بسم الله می‌گوید، ملائکه به این بنده می‌گوید: خورش تان بر شما مبارک و به شیطان می‌گویند: ای فاسق دور شو که تو بر این بنده سلطنت نداری... و اگر بندگان (در حین صرف غذا) نام خدا نبرند، ملائکه به شیطان می‌گوید: ای فاسق نزدیک شو و به آنها هم غذا» (۱)

دعا بعد از غذا و یاد کردن خدا و حمد الهی نمودن نیز از دیگر سنتهای حسنه است که بین هزاره‌ها رایج اند. در همان حدیث فوق منقول از رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) آمده است:

«(برخی از) بندگان خدا وقتی از خوردن غذا فارغ می‌شود الحمد لله می‌گویند. ملائکه می‌گوید: خداوند به قومی (گروهی) نعمت داد و این گروه از پروردگارش سپاس گذاری نمود... هنگام که مائده برداشته می‌شود (بعضی از) بندگان خدا (به خاطر سپاس از خدا) اسم خدا را یاد نمی‌کنند. ملائکه به اینها می‌گوید: خداوند به گروهی نعمت داد، ولی آنان پروردگار شان را فراموش کرد.» (۲)

---

۱ . زین الدین شهید ثانی، الروضة البهیه فی الشرح اللمعته الدمشقیه، ج ۳، قم، اسماعیلیان، ص ۱۷۶.

۲ . همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

غیر از روایت یاد شده روایات دیگری نیز در این مورد وجود دارد. ما به خاطر جلوگیری از طولانی شدن، به همان اندازه اکتفا می‌کنیم. دست شستن قبل از صرف غذا و بعد از آن که در بین هزاره‌ها رایج است، یکی از مستحبات آداب خورش غذاست. در روایات فراوان از آن تأکید شده است و به آن سفارش شده. از رسول اکرم (صَلَی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) نقل شده است که حضرت فرمود:

«دست شستن قبل از غذا فقر را بر طرف می‌کند و غسل ید بعد از غذا درد را» [1]

امام علی بن ابی طالب (عَلَیهِ السَّلام) برای شستن دست قبل و بعد از غذا چند اثر و ویژگی بیان می‌کند: زیادی عمر، بوی خوش در لباس و روشنایی چشم.[2] ششمین امام شیعیان جعفر بن محمّد (عَلَیهِ السَّلام) می‌فرماید: **«هر که قبل و بعد از غذا دستش را بشوید وسعتی در زندگی اش پیدا می‌شود و بدن او در عافیت است.»** از آن چه بیان گردید کاملاً واضح شد که آداب و رسومی که هزاره‌ها هنگام غذا خوردن دارند مطابق دستور احکام اسلام است و یا آگاهی که هزاره‌ها به احکام اسلام دارند به آن عمل می‌کنند.

۶. نحوهٔ احوالپرسی هزاره‌ها و نقد آن

اعضای خانواده و یا اهل ده روزها و هفته‌ها و ماه‌ها گرد هم زندگی می‌کنند، در اثر این حیات جمعی نسبت به یکدیگر انس می‌گیرند و محبت پیدا می‌کنند و یا محبتی که دارند بیشتر می‌شود، آن گاه که یکی از اعضای خانواده یا اعضای ده از این جمع دور می‌گردد و پس از زمانی به جمع وصل می‌رسد، ایجاد خرسندی و مسرت برای دو طرف دست می‌دهد، طرفین در صدد می‌گردند که یک طوری این خرسندی را بروز دهند. بروز دادن این خرسندی در هر جامعه طبق مقتضایات فرهنگی و هنجارهای موجود در آن جامعه است. این هنجار در اثر عوامل خاص به مرور زمان به وجود می‌آید و در جامعه نهادینه می‌گردد و مردم آن جامعه برای اینکه مورد سرزنش اجتماع واقع نگردد از آن هنجار پیروی می‌کند؛ مثلاً در جامعه اسلامی ایران امروز، وقتی دو شخص بعد از فراق به همدیگر می‌رسند بعد از سلام و علیک دو طرف دست می‌دهند (دست راست) و نفر اوّل گونه راستش را به گونه چپ نفر

---

۱. همان، ص ۱۷۶.

۲. همان، ص ۱۷۶.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دوّم می‌گذارد و بر عکس، این کار سه بار، گاه دو بار انجام می‌شود (این عمل در واقع تحریف شده روبوسی است.)

هزاره‌ها نیز برای ابراز خرسندی به فردی که زمانی از جمع دور بوده و بعد به جمع رسیده، یا فردی که تازه وارد جمع شده است، به آن احترام می‌گذارند و برای بروز احساسات مسرت که نسبت به همدیگر دارند وسیله دست پا کرده که تا حدودی با بسیاری از روش‌های معمول در دیگر جوامع اسلامی متفاوت اند.

هنگام احوالپرسی و یا به تعبیر هزاره‌ها «جور و بخیری» فرد که از نظر سن کوچک است سلام می‌کند. طرف مقابل جواب سلام او را می‌دهد. طرفین دست می‌دهد (دست راست) و اکثراً افرادی که سن کم دارند، وقتی مواجه با افرادی بزرگتر از خودش می‌شود، دست فرد بزرگ را می‌بوسد، بالمقابل، فرد مسن صورت فرد کوچک را.[1] این هنجار در زنان مسن نسبت به کوچکترها، نوجوانان و جوانان نیز وجود دارد ولو آن زن و مرد نامحرم باشد؛ باز نوجوان و جوان دست زن مسن را می‌بوسد و زن صورت طرف را. در شهرها مثل کابل گاه دیده شده که زنان با مردان مصافحه می‌کنند، البته این پدیده نادر است.

هنجار دست بوسی نسبت به سادات کوچک و بزرگ ندارد، هزاره‌های غیر سید دست سادات هزاره را می‌بوسند، ولو هزاره فرد مسن باشد و سید از نظر سن کوچک.

یکی از گزارشگران خارجی که سال‌های ۶۹ و ۷۰ به افغانستان رفته و از این کشور خاطراتی نوشته است، وی در قسمتی از خاطراتش داستانی را نقل کرده است، که حاکی از رواج هنجار دست بوسی، به ویژه نسبت به سادات در بین هزاره‌ها دارد. وی می‌گوید سید آصف یکی از فرماندهان شیعی در پغمان بود. چند روز قبل یکی از دوستان او به نام «زلمی» از برادران اهل سنّت، به بامیان رفته بود، پس از چند روز اقامت در بامیان به پغمان برگشته، با خبرنگار خارجی از بامیان حرف می‌زند و این خبرنگار در این مورد می‌نویسد:

> «بعد بدون اینکه سؤال دیگری بپرسم، داستان سفر اخیرش به بامیان را [زلمی] تعریف کرد و اینکه آن جا [در بامیان بین هزاره‌ها] گفته بود از اقوام سید آصف است و آنها [هزاره‌های بامیان] به حساب

---

۱. سید عبدالله اصغری، خاطرات سفری به افغانستان، پیشین، ص ۱۸۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج)، در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اینکه او [زلمی] از سادات است دستش را بوسیده بودند و پذیرایی مفصلی کرده بودند و حالا [زلمی] با یاد آوری آن موضوع می‌خندید».[۱]

از داستان یاد شده به خوبی استفاده می‌گردد، که دست بوسی سادات مکرم به وسیله هزاره‌ها، یکی از آداب و رسومی است که در جامعه هزاره وجود دارد. کسی که از این رسم سرپیچی کند، از سوی مردم به خاطر هنجارهای اجتماعی موجود، مورد سرزنش قرار می‌گیرند.

در حین احوالپرسی کلماتی از این قبیل رد و بدل می‌شود: حال شما خوبس؟ خانواده خوبه؟ بچه‌ها خوبه؟ جان شمو جوره؟ و...

—

نقد و بررسی

سنّت دست بوسی از چه زمان و به چه مناسبت وارد جامعه هزاره شده؟ منابع مکتوب وجود ندارد که زمان ورود این سنّت را بیان کند. محاسن سفیدان هزاره نیز در این مورد چیزی نمی‌دانند.

مسأله دیگر که جا دارد مورد کنکاش قرار بگیرد تقبیل ید از دیدگاه اسلام است، که چنین چیزی از نگاه اسلام جواز دارد؟ آیا اولیای الهی در این مورد چیزی فرموده‌اند؟ دست دادن مردان نامحرم با زنان نامحرم و بوسیدن دست زنان مسن نامحرم، به وسیله جوانان و کم سن‌های نامحرم و بالمقابل بوسیدن صورت مردان کم سن و سال به وسیله زنان بزرگ‌تر قطعاً از محرمات شرعی و بر خلاف دیدگاه اسلام است، چون مس عضوی مرد اجنبی به عضوی از زن اجنبی حرام است، چنانچه حضرت امام خمینی با توجه به منابع دینی، در تحریر فرموده است:

«فلا یجوز مس الاجنبی الاجنبیه و بالعکس بل لو قلنا بجواز النظر الی الوجه والکفین من الاجنبیه لم نقل بجواز مسهما منها فلا یجوللرجل مصافتحها، نعم لاباًس بها من وراء الثوب، لکن لایغمز کفها احتیاطاً؛[۲] **مرد نامحرم نمی‌تواند (عضوی) از زن نامحرم را مس کند و عکس آن نیز جایز نیست. بلکه اگر ما قائل به جایز بودن نگاه مرد نامحرم به صورت، کف و دست زن نامحرم شویم، باز حکم به حرمت مس صورت و کف دو دست زن نامحرم می‌کنیم. بنابراین مصافحه و دست دادن مرد**

---

۱. شهاب الدین فرح یار، سرزمین دره‌ها - یادداشت‌های سفر به افغانستان، پیشین، ص ۲۰۱.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، پیشین، ص ۲۱۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفادهٔ از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

(نامحرم) با زن جائز نیست. بله، دست دادن از روی پارچه اشکال ندارد، ولی در حین مصافحه نباید دست زن فشار داده شود.»

آن چه در بالا بیان گردید دیدگاه بسیاری از عالمان ربانی است و در آن حکم اتفاق نظر دارند. اما بوسیدن دست بزرگترهابه وسیله کوچک‌ترها و بوسیدن دست سادات که هنجاری در جامعه هزاره است از دیدگاه اسلام چه حکمی دارد؟

مرحوم کلینی، یکی از علمای بزرگ شیعه، که در اوائل قرن چهارم می‌زیسته، در کتاب شریف اصول کافی، ج ۲، بابی را اختصاص به تقبیل ید داده است. در این مورد چند حدیث نقل نموده است (احادیث یاد شده در کتاب وسائل شیخ حر عاملی نیز آمده است) ما دو حدیث از آن احادیث (۶ حدیث) که مربوط به دست بوسی است می‌آوریم. این دو حدیث از امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) نقل شده است.

حدیث اوّل:

امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) فرمود: «لایُقبَل رَأسَ اَحَدٍ وَلایَدَه اِلّا (یَدَ) رَسُولِ الله (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) أَومَن أُرِیدَ بِهِ رَسُولُ اللهِ؛[1] سر و دست احدی بوسیده نشود جز دست رسول خدا و کسی که از آن رسول خدا قصد گردد.»

حدیث دوّم:

«علی بن مزید می‌گوید بر ابی عبدالله، امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) داخل شدم و دست او را گرفتم و بوسیدم. سپس امام فرمود:

أَما اِنَّها لا تَصْلَحُ اِلّا لِنَبی اَوْ وَصِیْ نَبِیْ؛ آگاه باش بوسیدن دست صلاحیت ندارد (سزاوار نیست) جز پیامبر و وصی پیامبر و نبی»[2]

هر دو حدیث یاد شده مسند است و در سند آن دو حدیث ابن ابی عمیر که از اصحاب اجماع است قرار دارد. در حدیثی که در بین روات آن، یکی از اصحاب اجماع باشد آن حدیث از اتقان خاص

---

۱. محمّد بن یعقوب کلینی، اصول الکافی، ج ۲، پیشین، ص ۲۱۴.

۲. همان

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۶۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

برخوردار است به ویژه اگر حدیث مسند باشد نه مرسل.[۱]

بدون تردید از حدیث دوّم استفاده می‌شود که تنها دست دو کس جایز است بوسیده شود: نبی اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) و وصی آن حضرت. وصی در اصطلاح حدیث نزد امامیه، دوازده امام معصوم (عَلَیهِمُ السَّلام) است.[۲]

مفهوم حدیث دوّم روشن است. بحث در حدیث اوّل و قسمت آخر حدیث، جمله «من ارید به رسول الله» است، که این جمله عام است، غیر از ائمّه معصوم شامل علما و سادات نیز می‌گردد؟

مرحوم محمّد باقر مجلسی، صاحب بحار الانوار در شرح جمله یاد شده می‌فرماید:

«من ارید به رسول الله» شامل ائمّه معصوم می‌گردد، علما در این مسأله اتفاق نظر دارند، اما در اینکه جمله یاد شده شامل علما و سادات نیز می‌گردد یا نه مورد اختلاف است. گر چه کسی از علما فتوا به حرمت دست بوسی علما و سادات نداده است.» پس از آن مرحوم مجلسی از بعضی محققین نقل می‌کند که وی معتقد است که جمله یاد شده فقط شامل ائمّه معصوم می‌گردد. و آن گاه خود صاحب مرآة العقول اظهار نظر نموده، می‌فرماید:

«محتمل است [جمله یاد شده] شامل علمای خدایی که از دستور خداوند پیروی می‌کنند و به علم شان عمل، هادیان مردم اند، قول شان با فعل شان هماهنگی دارند، چون علمای حق وارثان انبیا است. بُعدی ندارد داخل بودن این علما در جمله «من ارید به رسول الله»»[۳]

طبق دیدگاه عالم ربانی، مرحوم مجلسی فقط دست نبی، اوصیای نبی و علمای پارسا و پرهیزگار را می‌توان بوسید و دست بوسی این افراد بدون اشکال است.

مرحوم محمّد باقر مجلسی، صاحب مرءاة العقول در کتاب حلیقه المتقین باب یازدهم، آخر فصل دوّم این باب، روایاتی پیرامون دست بوسی را نقل می‌کند و آن گاه خود می‌نگارد: **«احوط آن است که به غیر دست پیغمبر و امام را نبوسند.»**[۴]

---

۱ . برای این بحث به کتاب‌های رجالی مثل معجم الرّجال مرحوم آیت ا... خویی و... مراجعه شود.

۲ . محمّد باقر مجلسی، مرءاة العقول (شرح کافی)، ج ۹، تصحیح سید هاشم محلاتی، تهران، دار الکتاب الاسلامیه، چ ۲، ۱۳۶۳، ص ۷۹.

۳ . محمّد تقی مجلسی، مرءاة العقول، ج ۹، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دار الکتاب الاسلامیه، چ ۲، ۱۳۶۳، ص ۷۹.

۴ . محمّد باقر مجلسی، حلیقه المتقین، قم، انتشارات عصر ظهور، چ ۲، ۱۳۸۳، ص ۳۹۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط تبدنی است.

آن‌گونه که واضح است بحث در جواز و عدم جواز دست بوسیدن است، در پیامبر اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) و ائمّه این حکم جایز است در غیر آن دو مورد، جواز آن، مورد اختلاف. بناءً دست بوسی رجحان ندارد و ثوابی در ازای این عمل مترتب نیست. حتی بنا به دیدگاه کسانیکه جمله من ارید به رسول الله را شامل علما و یا سادات و علما بداند، در این صورت باز بوسیدن دست افراد یاد شده دارای پاداش نیست.

اندکی تأمل در دو حدیث ما را به این مطلب رهنمون می‌کند که: حدیث اوّل عام است؛ جمله من ارید به رسول الله ممکن است شامل علمای ربانی و یا سادات متقی و عالمان گردد، ولی حدیث دوّم خاص است. مضمون حدیث دوّم این است که بوسیدن دست نبی و وصی نبی (ائمّه (عَلَیهِمُ السَّلام)) جواز دارد، این حدیث اولاً بزرگترین گواه است که مراد از من ارید به رسول الله در حدیث اوّل ائمّه هداست و ثانیاً این حدیث دوّم موجب تقیید حدیث اوّل می‌گردد. علاوه بر روایات یاد شده، سیره پیامبر اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) و دیگر معصومان نشان می‌دهد، که آنان هیچ گاه مردم را به بوسیدن دست شان نمی‌کرد و اصلاً چنین هنجار در زمان معصوم، به ویژه زمان پیامبر وجود نداشته. بهر تقدیر نتیجه این است که فقط بوسیدن دست نبی و وصی نبی جایز است نه غیر آنها. بنابر این، سنّت دست بوسی که در بین هزاره‌ها رایج می‌باشد مطابق دستور اسلام نیست. دوری از آن بهتر از انجام آن است. چون کراهت بوسیدن دست در اسلام حتمی است. اما آن چه که در بین هزاره‌ها رایج است، کوچکترها دست بزرگترها را می‌بوسند، قطعاً مورد تأمل و جواز آن محل اشکال و کراهت آن حتمی است.[۱]

در روایات سفارش شده که مؤمنان وقتی با همدیگر ملاقات نمودند سزاوار است که پیشانی برادر دینی اش را ببوسند، چنانچه از امام صادق (عَلَیهِ السَّلام) نقل شده است:

«برای شما [شیعیان] نوری است که با آن نور در دنیا [از سایر مردم] شناخته می‌شوید. هرگاه یکی از شما [شیعیان] برادر [دینی] تان را ملاقات نمود جای نور موضع پیشانی او را ببوسد.»[۲]

گفته شده یکی از آداب مرسوم بین هزاره‌ها در احوالپرسی مصافحه و دست دادن است. این کار برای مردان با مردها و زنان با بانوان از کارهای پسندیده و مورد تأکید اسلام است.

---

۱. محمّد تقی مجلسی، مرءاة العقول، ج ۹، پیشین، ص ۸۱. ۲. مرحوم کلینی، اصول الکافی (۲ ج) ج ۲، پیشین، ص ۲۱۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشینهٔ پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مرحوم کلینی در جلد دوّم اصول کافی، باب مصافحه، ۲۱ حدیث در فضیلت و پاداش مصافحه بیان کرده است. ما به عنوان تبرک دو حدیث از احادیث یاد شده را می‌آوریم:

«ابی جعفر، امام محمّد باقر (عَلَیهِ السَّلام) فرمود: **اِنَّ الْمُؤمِنِینَ اِذا التَقَیا فَتَصافَحا، اَقْبَلَ اللهُ عَزَّوَجَلَ عَلَیهِما بِوَجْهِه وَ تَساقَطَتْ عَنْهما الذُّنُوبِ کَما تَساقَطُ الوَرَقُ مِنَ الشَّجرِ؛**[1] **انسانهای با ایمان زمانی که با همدیگر ملاقات می‌کنند، به همدیگر دست می‌دهند، [به خاطر این کار] خدای بزرگ به آن دو رو می‌کند و گناهان آن دو همانند برگ درختان [به خاطر پاداش مصافحه] که از درخت می‌ریزد، از [تن و جان] او می‌ریزد.»**

در همان منبع، هفت حدیث دیگر به مضمون روایت فوق آمده است. احادیث دیگری نیز در باب یاد شده، در فضیلت مصافحه و حد آن بیان گردیده است.

در مورد حد مصافحه از ابی جعفر نقل شده است:

«**یَنْبَغِی لِلمُؤمِنِینَ اِذا تَوارَی اَحَدِ هِما عَن صاحِبِه بِشَجَرَةٍ ثُمَّ اِلْتَقَیانِ یَتَصافَحا؛**[2] **اگر مؤمنان اندازه [ضخامت] یک درخت از هم دور شود [کنایه از این که ولو جدایی برادر مؤمن از فرد با ایمان به این اندازه کم باشد] پس از آن هم دیگر را ملاقات کنند سزاوار است که با هم مصافحه نمایند.»**

در هر صورت دست دادن (مصافحه) بر خلاف دست بوسی که مورد نهی بود، مورد سفارش اسلام است. ائمّه ما - درود خدا بر آنان باد - به آن سفارش کرده‌اند. و در قبال این عمل (دست دادن) خداوند پاداش داده است و کمترین پاداش مصافحه ریختن گناهان آن دو فرد است، ولی از دست بوسی همان ائمّه هدایت نهی نموده‌اند، در غیر پیامبر و وصایای آن رسول رحمت بوسیدن را جائز ندانسته‌اند (چنانچه گذشت).

بنابر آنچه گذشت معلوم گردید که سنّت دست دادن که بین هزاره‌ها جریان دارد کاملاً مطابق دستور اسلام است و سفارش اولیای الهی.

سلام کردن که بین مردمان شریف هزاره مرسوم است، یکی از سنّت‌های رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) است. هزاره‌ها به آن به خوبی عمل می‌کنند. در حدیثی حضرت فرمود:

---

۱. همان، ص ۲۰۹، ح ۴، باب مصافحه.
۲. همان، ص ۲۱۰، ح ۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها،(وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

«اِنَّ اَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلامِ؛[۱] بخیل‌ترین مردم کسی است که در سلام نمودن بخل ورزد.»

در کلام دیگر حضرت می‌فرمایند: «سلام را افشا کنید تا برکت و خیر در خانه تان زیاد گردد.»[۲]

در مورد ابتدا نمودن به سلام رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) فرمود: «فردی که ابتدا سلام می‌کند از [صفت زشت] کبر به دور است.»[۳]

امام پارسایان، علی بن ابی طالب (عَلَیهِ السَّلام) فرمود:

«در سلام نمودن هفتاد حسنه است. ۶۹ حسنه یاد شده از کسی است که ابتدا سلام داده، یک حسنه از فردی است که جواب سلام را داده است.»[۴]

در فضیلت سلام کردن و ابتدا به سلام نمودن و وجوب جواب سلام روایات فراوان از ائمّه کرام و رسول رحمت وارد گردیده است، احادیث ذکر شده اندکی از انبوه احادیثی بود که آوردیم.

۷. نحوه ارتباط اعضای خانواده و ارزیابی آن

نحوهٔ ارتباط انسانها با یکدیگر، طبق فرهنگی که در جامعه وجود دارد، انجام می‌گیرد. هنجارهایی که برخاسته از آداب و رسوم است، تعیین کننده نحوهٔ ارتباط اعضای افراد یک جامعه نسبت به همدیگر است. ارتباط یک قبیله با قبیله دیگر، نحوه ارتباط خانواده با خانواده دیگر، بر اساس هنجارهای موجود در آن جامعه است. و نیز نحوه ارتباط اعضای خانواده نسبت به هم دیگر.

در این مقام بر آنیم تا نحوه ارتباط اعضای خانواده هزاره را با هم دیگر بررسی کنیم. قبل از این (در بحث ازدواج) نگاشته شد که خانواده در جامعه هزاره کنونی، غالباً خانواده هسته‌ای است[۵] که ترکیب یافته از زن، شوهر و فرزندان زوجین می‌باشد. در بعضی موارد خانواده گسترده، نیز دیده شده است. در این خانواده علاوه بر افراد یاد شده، شامل پدر بزرگ و مادر بزرگ نیز می‌گردد.[۶] در گذشته‌ها، غالب خانواده‌های جامعه هزاره این قسم خانواده بوده‌اند، ولی اکنون این قسم خانواده

---

۱. محمّد ری شهری، منتخب المیزان الحکمه، پیشین، ص ۲۵۹ - ۲۵۸.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، پیشین، ص ۱۷۴.

۶. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اندک است.

۱ - ۷. پدر / مرد

خانواده در جامعه هزاره کانون گرم و متشکل است و می‌توان گفت اولین مرکزی است برای خشت بنای رفیع این جامعه. در این «کانون عطوفت» نقش پدرو برخورد دیگر اعضای خانواده با او قابل توجّه است. در مورد نقش پدر در «بنای خشت جامعه» (خانواده) و طرز مواجهه دیگر افراد این مجتمع با او، قلم را به نویسنده هزاره داده، نگاشته‌های او را با هم می‌خوانیم:

«پدر از نقش بالای قدرت، صلاحیت و تصمیم‌گیری برخوردار است و به یک نگاهی نظام پدر سالاری در چنین جامعه‌ای حکومت می‌کند. پدر احترام زیادی در میان اعضاء شامل حالش می‌شود و به یک دلیل، پدر حاکم و کلان فامیل خود است.»[۱]

برخورد زن با پدر خانواده در خانواده هزاره، برخورد مطیع با مطاع است؛ مرد فرمانده است و زن فرمانبر، زن در عین حال که مدد کار مرد و معتمد با اعتماد او است،[۲] خود را مؤظف می‌داند که از فرمان‌های مرد، پیروی و احترام او را حفظ کند. مرد تأمین کننده مایحتاج زندگی کانون خانواده است.

پدر در دید فرزندان نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. به خاطر حاکمیت هنجارهای دینی که در جامعه هزاره وجود دارد، پدر در نزد فرزندان منزلت مخصوص دارد. از نگاه اسلام اطاعت پدر واجب و ضروری است و تخلف از فرمانهای او (در صورت مخالف نبودن شرع) جائز نیست. احترام گزاری به پدر دراسلام تأکید فراوان گردیده است. رسول اکرم در راستای احترام گذاشتن به پدر فرمود:

«[فرزند] پدرش را به اسم نخواند، هنگام راه رفتن پیش پدر راه نرود، قبل از پدر [فرزند در جلسه] ننشیند و طلب دشنام به پدر نکند [کاری نکند که مردم به خاطر آن کار بدی فرزند، پدر او را ناسزا بگویند].»[۳]

مردی خدمت رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) آمد عرض کرد، پدرم می‌خواهد مالم را

---

۱. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، ص ۶۱۷.
۲. همان، ص ۶۱۹.
۳. محمّد ری شهری، منتخب المیزان الحکمه، ص ۵۵۳.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بردارد و برای خود مباح می‌داند [از این کار نزد پیامبر شکایت نمود] رسول الله در جواب شکایت این فرد فرمود: **«تو و مالت از پدرت هستی.»** [۱] یعنی مال از تو نیست از پدرت است. حتی خودت نیز از پدرت هستی.

در کلام دیگر حضرت فرمود: **«رضای خدا به رضایت پدر [از فرزند] بستگی دارد، غضب خداوند به غضبناک ساختن پدر»** [۲]

به خاطر این آموزه‌های دینی و آگاهی هزاره‌ها از آن **«پدر از احترام زیادی در میان اعضاء [اعضای خانواده از جمله فرزندان] شامل حالش می‌شود.»** [۳] بنابراین مرد چه در چهره پدر ظاهر شود یا با چهره شوهر، در هر صورت مقام ولای بین هزاره‌ها دارد.

۲ - ۷. زن / مادر

زن در جامعه هزاره با دو چهره اندک متفاوت ظهور و بروز دارد. گاه زن در بین اعضای خانواده نقش مادر دارد و زمانی با نقاب زوجه با قطع نظر از نقش مادری او سربر می‌آورد. اگر ارتباط مرد خانه، با زن لحاظ گردد، این بانو نقش هایی دارد و جایگاهی و اگر ارتباط او با فرزند ملحوظ گردد، منزلت او متفاوت خواهد بود.

به فراموش بردن زن نه تنها در جامعه هزاره بلکه در سطح کشور افغانستان قابل توجّه است. [۴] **در این کشور زن قشر محروم و مورد غفلت جامعه است؛ ولی با توجّه به چنین جوی مقام زن در جامعه** هزاره نسبت به دیگر اقوام افغانستان اندکی تفاوت دارد. الفنستون در گزارش خود در مورد موقعیت و جایگاه زن در جامعه هزاره نگاشته است:

> **«آنچه در یک قبیله تقریباً بدوی حیرت‌انگیز است برتری زنان است که نمونه آن را نمی‌توان در ممکالک [بین دیگر اقوام افغانستان] مجاور یافت. خانم، کارخانه، نگهداری اموال و تشریفات میزبانی را انجام می‌دهد و شوهر در همه مسائل خویش با او مشورت می‌کند.»** [۵]

---

۱. همان.
۲. محمّد هویدی، تفسیر المعین، پیشین، ص ۳۰۶.
۳. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، ص ۶۱۷.
۴. همان، ص ۶۱۸.
۵. الفنستون، افغانان، پیشین، ص ۴۲۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نویسنده دیگر در مقام موقعیت زن هزاره نوشته:

«بر خلاف افغانها (پشتون‌ها) که با زنان مثل کالا برخورد می‌کنند، هزاره‌ها احترام ویژه ای به قشر اناث قایل هستند. طبق تحقیق «هارلان» آن‌ها (هزاره‌ها) همسران خود را با عناوین محترم و مهمی همانند آغه خطاب می‌کنند. مثل رفیق و یار صمیمی با آنها رفتار می‌نمایند. و در همه موقیت‌های زندگی از آنان مشورت می‌گیرند. از طرف دیگر زنان هزاره فارغ از هر اغوا و وسوسه‌ای می‌باشند و از نظر اخلاقی زنهای هزاره (با توجّه به آزادیی که دارند) نسبت به زنهای منزویی که در بین مرتب‌ترین حرم سراهای افغان‌ها، هستند کمتر معتاد به بی عفتی هستند.»[۱]

بالاخره اوصافی که در ذیل می‌آند به زنان هزاره نسبت داده شده است:

مرد کار، مرد سختی و گرفتاری‌ها، سرباز روز نبرد در جنگها، نوحه گر روز مرگ، پس از پیوستن مرد به لقای الهی، آیینه عیب یابی شوهر در مسائل زندگی روزمره، دمساز با فقر در تنگدستی و بی بضاعتی شوهر[۲] و حامل رنج؛ چون **«یکی از بدبختی‌های زن زحمتکش و پاکدامن دهاتی هزاره اندوختن برای رفاه حال مردان بی وفایی است که به محض ثروتمند شدن برای آن حریف (امباغ) تدارک می‌بیند.»**[۳]

در رابطه فرزندان با مادر چهره واقعی زن و جایگاه آن در اسلام تبارز پیدا می‌کند. وقتی زن در این جایگاه قرار می‌گیرد هاله‌ای از قدس و احترام و تکریم نسبت به او به نمایش گذاشته می‌شود. نویسنده چیره دست محترم لعلی در این مورد نوشته است:

«مادر به پاس زحماتش در ذهنیت هر هزاره روستایی موجود مقدس و محترم است و احترام خاص نسبت بدان در قبال وفاداری‌هایش نسبت به اولادش است.»[۴]

مادر منبع عاطفه و زحمت برای فرزندان است. این مادر است که در شخصیت فرزندان به ویژه دختر فوق العاده تأثیر دارد. مادر در جامعه هزاره صندوق راز دختران جوانی است که اینها قفل دلهای شان را در نزد او باز می‌کنند و مادر نیز از ناروایی‌های که چه بسا از سوی، مرد به او شده، زبان شکایت می‌گشایند. در اثر این گفتگوهای مادر و دختر، مادر تجربه‌های زندگی که سالها در اثر تجربه به دست

---

۱. حسن پولادی، هزاره‌ها، ص ۲۱۵.
۲. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، ص ۶۲۲ - ۶۲۱.
۳. همان.
۴. همان، ص ۶۱۸.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آورده است به فرزند خود منتقل می‌کند و او را آماده برای یک زندگی مشترک. (۱)

برخورد مناسب فرزندان هزاره با مادر، ریشه در عنعنات دینی آنان دارد. مقام مادر در اسلام ذی شأن از آن است که ما در طی چند سطر یا صفحه بنگاریم.

رسول الله (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) در راستای مقام والای مادر در اسلام فرمود:

«بهشت زیر قدمهای مادران است.»(۲)

چهارمین ستاره امامت، امام زین العابدین، در «رساله حقوق» حقوقی را برای مادر شمرده است که حکایت از منزلت والای مادر در اسلام دارد. ما برای تبیین مقام مادر در اسلام و به پاس نکو داشت مادران، ترجمه این کلام گهر بار را می‌آوریم، که چه زیبا فداکاریهای مادر در این جملات بیان گردیده و طبعاً حق او:

«اما حق مادرت این است که بدانی او تو را [در شکمش] حمل کرده آن گونه که کسی، کس دیگر را حمل نکند و از شیره جانش تو را خورانده آن گونه که کسی دیگری را نخوراند و به راستی او با گوش، چشم، دست، پا، مو، پوست و تمام اندامش تو را نگهداری کرده و به این نگهداری خشنود و شاد و پیوسته کار بوده است و هر ناگواری و رنج و سختی و نگرانی را تحمل کرده تا اینکه دست قهر [طبیعت] را از تو دور سازد و تو را به دنیا آورده و آن گاه خشنود بوده که تو سیر باشی و او گرسنه باشد. تو پوشیده باشی و او برهنه ماند. تو را بنوشاند و خود تشنه ماند. تو را در سایه دارد خود در آفتاب باشد. با تنگنایی خویش، به تو نعمت بخشد. با شب بیداری تو را شیرینی خواب چشاند و شکمش آوند وجود تو و دامنش پرورش تو و پستانش مشک نوشین تو، و وجودش پرستار تو بوده، گرم و سرد دنیا را برای تو و به خاطر تو به جان خریده پس به اندازه این همه [تلاش] سپاسش دار و جز به یاری و توفیق خداوند، تو را یارای آن سپاسداری نباشد.»(۳)

روزی شخصی خدمت رسول اعظم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) آمده، از حضرت سؤال نمود: به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمود: به مادرت. این فرد، دوبار دیگر پرسش یاد شده را از حضرت

---

۱. همان، ص ۶۱۸.

۲. محمّد ری شهری، میزان الحکمه، ص ۵۵۲.

۳. ابو محمّد حرّانی، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، قم، انتشارات آل رسول، چ ۲، ۱۳۸۲، صص ۴۵۸ و ۴۵۹.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نمود، رسول رحمت همان جواب را فرمود: به مادرت نیکی کن.(۱)

آیات زیاد در قرآن کریم وجود دارد که دال بر تکریم گذاری مقام پدر و مادر است از جمله آیه ۲۳، سوره اسراء:

«و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر (خود) احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آن‌ها (حتی) «اُف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگو.»(۲)

هزاره‌ها با توجّه به آموزه‌های دینی و دانایی مذهبی خود نسبت به مادر، به این موجود مقدس احترام می‌گذارند و مقام والای مادر را پاس داشته و به آن ارج می‌نهند.

۳ - ۷. فرزندان

در هر ازدواجی که بین دختر و پسر هزاره واقع می‌گردد، فرزند تجلی آرزوها و محصلهٔ زندگی مشترک این دو زوج است. در جامعه راستایی هزاره استحکام و پایداری کانون گرم خانواده به تولد فرزند است و نشانه حصول برکات خداوندی. محترم علیداد لعلی در این ارتباط نوشته است:

«تولد نوزاد در فامیل‌های هزاره خیلی محترم و مقدس است و نشانه حصول برکات و الطاف خداوندی تلقی می‌گردد. و برای فامیل خود خوشی و نشاط تولید می‌کند.»(۳)

به خاطر هنجارهای موجود بین مردم هزاره، تولد پسر اندکی با تولد فرزند دختر متفاوت است. **«چون در دید ذهنی مردم هزاره پسر از آن فامیل و خادمِ همیشه خدمت کار پدر و مادر خواهد بود.»(۴)** اما در تولد نوزاد دختر، دل مشغولی برای والدین وجود دارد، زیرا **«تولد دختر در پندار مردم هزاره غم آفرین و عقده زاء بوده و دختر را مال مردم می‌شمارند.»(۵)** این ذهنیت مردم هزاره به دختر و پسر در ارتباط والدین با آن دو قشر از جامعه بدون تأثیر نیست. بلکه منشأ یک سری رفتارهای والدین نسبت به دختر و پسر می‌گردد که به حقارت و محرومیت دختر می‌افزاید. پسر صاحب امتیازی می‌گردد که دختر از آن بهره ندارد.

---

۱. محمّد ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۵۵۲.
۲. قرآن کریم، پیشین.
۳. علیداد لعلی، سیری در هزاره‌جات، ص ۱۷۶.
۴. همان.
۵. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بین هزاره‌ها پدیده‌هایی به نام «دود برگر» و «دود گل»[۱] وجود دارند و از اهمیت به سزا برخوردار است. اگر کسی نسلش بعد از خود فرد تداوم یابد، این فرد در دید هزاره دودبرگر دارد، چنانچه مرد هزاره بعد از خود نسلی بجا نگذارد او دود گل گفته می‌شود، این عاری است که برای پدر هزاره تحمل آن سنگین است. «این شاهکار (تداوم نسل) منحصراً در انحصار اولاد ذکور فامیل هزاره است.»[۲] فردی که دختر دارد و بدون فرزند ذکور است در تلقی مردم هزاره او دود برگر ندارد.

امتیازات پسر به همان یک قلم بسنده نمی‌گردد، بلکه امتیازات فراوان دیگر نیز دارد که دختر از آن محروم است. چنانچه در فصل قبل گذشت، یکی از هنجارهای جاری بین هزاره‌ها، این است که پدر در حین مرگ دخترش را از تمام اموال منقول (زمین، درختان، خانه) محروم و تمام اموال یاد شده را به فرزند پسر وصیت می‌کند. ما در هنجارهای مرگ و میر این موضوع را از دیدگاه اسلام مورد ارزیابی قرار دادیم و گفتیم که چنین اعمالی از سوی پدر نسبت به دختر بر خلاف دستور اسلام است. نافذ بودن وصیت توقف بر اجازه وارثان محروم شده از ارث دارد.

پسر، امید آینده پدر و مادر است. والدین از فرزند ذکورش توقع دارند که در هنگام ناتوانی و زمین گیر شدن شان از آنان مواظبت کنند و مایحتاج زندگی شان را تأمین. در زمان حیات پدر یا بعد از حیات او به آرزوهای پدر، پسر می‌بایست جامه عمل بپوشاند. این انتظارات فقط از فرزندان ذکور است.

برخورد پدر با فرزندانش بر اساس محبت و علاقه است، لذا پدر بهره کار و تلاشش را خالصانه در اختیار فرزندان قرار می‌دهد و در برابر فرزندان احساس مسئولیت می‌کند.

ارتباط مادر با فرزندان اندکی با ارتباط پدر با اولاد تفاوت دارد، چون **«علاقه مادر هزاره نسبت به فرزندش بیش از پدر بوده و انیس و مونس همیشگی اطفال و اولاد است.»**[۳] و مادر نقش بیشتری در ساختن شخصیت فرزند دارد. رابطه مادر هزاره با دخترانش نسبت به فرزندان پسر اندک تفاوت دارد. آن علاقه که مادر به دخترانش دارد چه بسا، به فرزند ذکور آن علاقه نباشد لذا «رازهای تنهایی و خلوت مادر پیش دختر و دختران بازگشا می‌شود.»[۴] نقش مادر در تربیت و وقار دخترش بیش از نقش پدر است.

---

۱. همان، ص ۶۲۳.
۲. همان.
۳. همان، ص ۶۱۸.
۴. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶). از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

این مادر است که دختر را برای زندگی آینده مشترک آماده می‌کند. بین هزاره‌ها ضرب المثلی است مربوط به شناخت دختر: «مادرهَ دیدی، دختره دیدی» یا «مادره دیدی، دختره خویشی کو»؛ متانت، زیبایی، هنر، شخصیت، وقار و... که در مادر می‌بینی (و یا عکس آن اوصاف) در دختر نیز وجود دارد. اگر مادری را دیدی دارای اوصاف پسندیده بود، دختر او نیز مثل او است می‌توانی به زنی اختیارکنی. این ضرب المثل می‌تواند تا حدودی ما را به رابطه عمیق مادر و دختر و تأثیر شخصیت مادر به فرزندانش رهنمون کند.

۸. جمعه خوانی و پنج شنبه خوانی و ارزیابی آن

رایج شدن یک پدیده در اجتماع انسانی غالباً به صورت آرام و تدریج است. هیچ سنتی یکباره به گونه دفعی به وجود نمی‌آید. عوامل خاص دست به دست هم داده تا موجب گردد که پدیده در اجتماع رایج گردد. از آن جاکه جا افتادن آن سنّت تدریجی است لذا تعیین تاریخ دقیق ورود آن سنّت برای نسل‌های بعد دشوار است. به ویژه جامعه‌ای که در آن منابع مکتوب وجود ندارد و یا اگر دارد اندک است.

یکی از سنّت‌هایی که سالهاست در جامعه هزاره مهمان است و هزاره‌های میزبان از آن پذیرایی می‌کنند، سنّت «جمعه خوانی» و «پنج شنبه خوانی» است. تاریخ دقیق ورود این پدیده در جامعه هزاره مشخص نیست که درکدام زمان و به چه مناسبت و چه انگیزه‌ای این رسم در بین مردم هزاره رایج گردیده است؟ حرفهایی که در این مورد زده شده است از حدس و گمان تجاوز نمی‌کند. محترم سید محمّد حسین فرهنگ از زبان مردم هزاره نقل می‌کند که: «مردم می‌گویند این رسم پنج شنبه خوانی از علّامه حلّی[۱] مانده است.»[۲] در زمان علامه روز پنج شنبه درسها تعطیل می‌شد. طلاب [نجف] به زیارت

---

۱. شیخ حسن بن یوسف معروف به علامه حلی از عالمان بزرگ و طراز اوّل شیعه است. وی در اواخر قرن هفتم زمان حاکمیت ایل خانان مغول در ایران زندگی می‌کرد. گفته شده است که شاه خدابنده به دست او به تشیع گرایید و دست از مذهب سنّت برداشت. پس از این زمان بود که تشیع در ایران رسمیت یافت و مذهب رسمی حکومت گردید.

۲. سید محمّد حسین فرهنگ، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی...، ص ۳۱۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان،مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سیدالشهدا (عَلَیهِ السَّلام) می‌رفتند. ولی در افغانستان به منظور وعظ، درسها تعطیل می‌شود.[۱] با اینکه این نویسنده در مورد زمان ورود این رسم مطلب یاد شده را نوشته است، ولی پیرامون تاریخ جمعه خوانی چیزی ننگاشته است.

به هر تقدیر، آنچه مسلّم است، رایج بودن این رسم است که از زمان‌های دور تا هنوز همگام با حرکت زمان تداوم دارد. تقریباً در تمام مناطق هزارستان اسلامی با اندک اختلاف وجود دارد.

طبق گزارش آقای فرهنگ رسم پنج شنبه خوانی در دهی است که در فصل زمستان دانش‌آموزان علوم حوزوی (طلاب) حضور دارند. روز پنج شنبه درسها تعطیل می‌گردد تا مدرس و طلاب ورزیده به سخن، برای مردم موعظه و سخنرانی کنند.[۲]

غالباً این مراسم قبل از ظهر است. ابتدا طلبه کوچکتر می‌خوانند. خواندن او از چند بیت شعر در مصیبت سید الشهداء (عَلَیهِ السَّلام) و سایر شهدای کربلای تجاوز نمی‌کند. هزاره‌ها به او «نوخوان»[۳] می‌گویند؛ یعنی کسی که تازه می‌خواهد خواندن روی منبر را یاد می‌گیرد. نوخوان معمولاً روی پله اوّل منبر می‌نشیند. پس از او «دیباچه خوان»[۴] روی پله دوّم منبر قرار گرفته به سبک محلی مصیبت می‌خواند. دیباچه خوان قبل از شروع نمودن روضه، خطبه نیز می‌خواند. دیباچه خوان‌ها غالباً بیش از دو سه نفر است. در آخر روحانی بزرگ و استاد در آخرین پله منبر قرارگرفته، مردم حاضر در تکیه خانه را با خواندن آیه‌ای از قرآن و روایتی از یکی از معصومان و شرح و تفصیل آنها مردم را به فیض می‌رساند.[۵]

مطالبی که روحانیون در این جلسات مطرح می‌کنند پیرامون معارف اسلامی است، از توحید، نبوت، امامت، فروع دین و اخلاق سخن می‌رانند. بار علمی مطالب بستگی به سطح تحصیلی روحانی که صحبت می‌کند دارد. مطالب سیاسی و اجتماعی اسلام در گذشته‌ها در منابر مطرح نمی‌شده است و اگر مطرح بوده، بسیار اندک بود، ولی پس از انقلاب اسلامی اندک تغییری در مطالب واعظان و خطیبان به وجود آمده. مطالب سیاسی و اجتماعی اسلام نیز مطرح و مورد تحلیل و ارزیابی قرار

---

۱. همان.
۲. همان.
۳. همان، ص ۳۱۵.
۴. همان.
۵. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و.تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌گیرند.

در شهرهای افغانستان مثل کابل، هرات و مزار شریف که هزاره‌ها ساکن اند، مراسم موعظه با شکوه ویژه برگزار می‌گردد. قبل از شروع مراسم قاری چند آیه از کلام الله مجید را تلاوت می‌کند، پس از آن، سخنرانان به سخنرانی می‌پردازند. مطالب ارائه شده در این گونه جلسات پربار و علمی است. برای آگاهی مردم هزاره پیرامون مسائل دینی و سیاسی نقش به سزا داشته است.

خطیبان و سخنرانان چه در شهرها و چه در هزارستان بدون استثنا در آخر منبرشان ذکر مصیبت از شهیدان مظلوم نینوا و معصومین پاک آل طه می‌کنند و از مردم اشک می‌گیرند.

مراسم جمعه خوانی در بسیاری از مناطق هزاره‌جات شب جمعه (پنج شنبه شب) بعد از ادای فریضه عشاء صرف شام برگزار می‌گردد. در برخی از مناطق هزارستان قبل از ظهر روز جمعه و یا بعد از ظهر روز جمعه برپا می‌گردد. در شهرهای هزاره نشین، غالباً بعد از ظهر مجالس جمعه خوانی برگزار می‌گردد.

کیفیت برگزاری مراسم جمعه خوانی مثل جلسات پنج شنبه خوانی است. جمعه خوانی نسبت به پنج شنبه خوانی همگانی‌تر است، چون مراسم پنج شنبه خوانی در آن قریه‌های برگزار است که «طلبه خوانه» است؛ یعنی طلاب علوم دینی گرد روحانی ده جمع شده و درس می‌خوانند. اما جمعه خوانی معمولاً در فصل زمستان (که در هزارستان کارها تعطیل است) در تمام قریه‌ها و دهات برقرار است. مگر آن دهی که دسترسی به روحانی نداشته باشد. این مراسم در فصل سردی هوا باشکوه ویژه برگزار می‌گردد، زن و مرد، پیر و جوان در این مراسم شرکت می‌ورزند. طبق اظهار افراد که با آنها مصاحبه انجام گرفت در برخی از مناطق رسم جمعه خوانی در این اواخر اندکی کم رنگ شده است.

علاوه بر هنجار جمعه خوانی و پنج خوانی، پدیده دیگر به نام «دوره خوانی» نیز وجود دارد. وقتی سخنران معروفی در یک ده سخنرانی کند و مورد توجه حاضران قرار بگیرند، دهات اطراف نیز برای استفاده از سخنان منبری، او را دعوت می‌کنند تا در حسینیه آنان سخنرانی کند و همین طور زنجیره‌ای ادامه می‌یابد.(۱)

در فصل زمستان اگر منبری معروفی، در دهی منزل یکی از اهالی ده مهمان گردد، مردم هزاره

---

۱. همان، ص ۳۰۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

برای احترام‌گزاری به آن روحانی و استفاده از وعظ و خطابه او جلسه برگزار می‌کنند تا روحانی مهمان مردم را با بیاناتش مستفید سازد.

ارزیابی

آنگونه که گفته شد (بخش مرگ و میر و قرآن خوانی شبهای جمعه) از دیدگاه عقل تمام زمانها از لحاظ شرافت یکسان است، ولی در ادیان به ویژه در اسلام پاره‌ای از زمانهاست که دارای شرافت می‌باشد، مسلمانان آن پاره‌ای از زمان را با دید دیگری می‌نگرند. یکی از پاره‌های زمانی که در اسلام مورد تعظیم قرار گرفته، روز جمعه است. رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسَلَّم) پیرامون فضیلت روز جمعه فرموده است:

«یَوْم الجُمعَةِ سَیِّدُ الاَیّامِ، وَ اَعْظَمُ عِنْدَاللهِ عزّ و جل مِنْ یَوْمِ الْاَضْحیٰ وَ یَوْمِ الْفِطرِ؛[1] روز جمعه سرور روزها است و در نزد خداوند بزرگتر از روز عید قربان و عید فطر است.»

امام باقر (عَلَیهِ السَّلام) در مورد فضیلت این روز فرموده است:

«اَلصَّدَقَةُ یَوْمَ الْجُمْعَةِ تَضاعَفُ، لَفْضَلِ یَوم الجُمعَةِ عَلی غَیرِه مِنَ الایّامِ؛[2] صدقه [دادن در] روز جمعه دو برابر [نسبت به دیگر روزها] است، چون روز جمعه بر سایر روزها برتری دارد.»

دو روایت نقل شده نمونه‌ای از روایات زیادی است، که در جوامع روایی شیعه و اهل سنّت وجود دارد. همین روایات موجب گردیده که مسلمانان از جمله هزاره‌ها دید ویژه به روزهای جمعه و طبعاً شب جمعه داشته باشند. در بسیاری از کشورهای اسلامی، یکی از روزهای تعطیل هفته روز جمعه است. هزاره‌ها به خاطر هنجارهای اسلامی در این شب و روز، جلسات وعظ و سخنرانی و روضه خوانی برگزار می‌کنند. فرصت مناسبی است برای روحانیون آگاه و مسئول جهت تبیین احکام اسلامی، نعمتی است برای متدینان هزاره تا از این جلسات کمال استفاده را ببرند. بخشی بزرگ از آگاهی‌های دینی مردم هزاره مرهون این گونه جلسات است. بناءً برپایی این جلسات کاری پسندیده و نیکویی است.

نقصی که در این جلسات وجود دارد مربوط به واعظان و خطیبان است که متأسفانه بسیاری از

---

۱. محمّد ری شهری، منتخب میزان الحکمه، پیشین، ص ۱۰۲، (باب ۳۴۸).

۲. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مضامین وعظ و سخنرانی محتوای علمی و آگاهی بخشی که می‌بایست داشته باشد ندارد؛ مثل مراسم دهه اوّل محرم، غالب مطالب گفته شده در منبرها آمیخته با داستانهای بی پایه و خواب‌های خواب آلود است. حقایق و معارف اسلام با زبان ساده و پر محتوا بیان نمی‌گردد، به مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام کمتر توجّه می‌شود.

یکی از موضوعاتی که جا دارد در این مناسبت یادآوری گردد، اقامه نماز جمعه است. نماز جمعه در زمان غیبت امام عصر واجب تخییری است. غالب مراجع معظم تقلید به آن فتوا داده‌اند.(۱)

متأسفانه این فریضه سیاسی و اجتماعی در هزارستان اسلامی وجود ندارد. جا دارد، در کنار جلسات پنج شنبه خوانی و جمعه خوانی این «حج فقرا» در جامعه فقیر هزاره اقامه گردد و از برکات اقامه نماز جمعه برخوردار.

۹. پیر و مرید و نقد آن

یکی از هنجارهایی که بین هزاره‌ها رایج می‌باشد «پیر و مریدی» است. این پدیده در تمام مناطق هزاره‌جات وجود دارد. در مورد همگانی بودن این رسم بین مردم هزاره آقای محمّد ظاهر رضایی نوشته است: **«در سرتاسر هزاره‌جات از مناطق مرکزی گرفته تا دامنه‌های شمال هندوکُش هر جا که هزاره زندگی می‌کنند «پیر و مریدی» رایج است.»**(۲)

این موضوع در زمان‌های گذشته به صورت جدّی بین هزاره‌ها رایج بود، ولی در این چند دهه اخیر پس از انقلاب ۷ ثور ۱۳۵۷ اندکی از رواج آن کاسته گردیده، در گوشه عزلت خزیده است. در برخی از جاهای هزارستان این رسم بدون کم‌ترین تغییر، چون زمان گذشته جریان دارد.

مراد از پیر و مریدی که بین مردم هزاره رایج است، چیست؟ به چه افرادی پیر گفته می‌شود و به چه کسانی مرید؟ پیر در برابر مرید، مرید در برابر وی چه کارهایی انجام می‌دهد؟

---

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، پیشین، ص ۲۳۱؛ رساله عملیه مراجع.

۲. محمّد ظاهر رضایی، بررسی آداب و رسوم ازدواج در مناطق شیعه نشین افغانستان، از دیدگاه فقه شیعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، زمستان ۱۳۸۴، ص ۱۱۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شفعی است.

کلمه پیر و مرید از کلمات متضایف است. به یک شخص آنگاه پیر اطلاق می‌گردد که با غیر او لحاظ گردد. مرید نیز به فردی استعمال می‌شود که با پیر ملاحظه شود. مثل کلمه پدر و فرزند یا زن و شوهر؛ لفظ زن (زوجه) آنگاه به خانمی اطلاق می‌شود که با شوهر او سنجیده شود و شوهر نیز زمانی اطلاق بر مرد می‌گردد که با زن او (زوجه) نگاه شود.

پیر در اصطلاح مردم هزاره به سیدی (فردی که از نگاه نژاد منتسب به رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) است.) گفته می‌شود که وی توانسته باشد، عقیده عده‌ای از خانواده‌های هزاره را - کمی و زیادی آن بستگی به موقعیت و مهارت سید دارد - به خود جلب کند و به آنان بباوراند که او فردی شایسته و دارای مقامات معنوی است. آن فرد هزاره یا خانواده هزاره‌ای که به شایستگی و مقامات معنوی سید باور دارند و به او اظهار محبت می‌کنند، مرید گفته می‌شود.

علاقه و محبتی که بین پیر و مرید وجود دارد طرفینی است. علاوه بر وجود محبت طرفینی هر کدام نسبت به دیگری، به خاطر هنجارهای موجود در جامعه هزاره، یک سری کارهای پیر نسبت به مرید انجام می‌دهد و کارهایی نیز مرید نسبت به پیر.

آغاز پیر و مریدی در طی مراسم خاص انجام می‌شود. بعد از این مراسم ویژه است که فرد سید پس از آن پیر می‌شود و فرد هزاره مرید او. وقتی در خانواده هزاره فرزند متولد می‌شود، پدر فرزند، سید مورد محبتش را در خانه خود مهمان می‌کند تا این سید محترم کارهایی انجام دهد که فرزند میزبان سالم بماند و از عمر با برکت و طولانی برخوردار شود.

اولین کاری که پیر انجام می‌دهد فرزند تازه متولد شده مرید را روی زانوهای خود می‌نشاند و پارچه درازی را (حدود دو وجب) در دست راست می‌گیرد، آنگاه چند آیه و یا سوره‌های کوچک از قرآن کریم و دعاهای مبنی بر درخواست عمر طولانی برای نوزاد زیر لب زمزمه می‌کند و به پارچه‌ی مورد نظر کیفت. بعد از آن پارچه را به کمر نوزاد می‌بندد و سید اندکی پول در دامن نوزاد می‌گذارد. خانواده نوزاد نیز کمال سپاس را از سید مکرم در قبال این کار وی به جای می‌آورد. البته این سپاسگزاری تنها در مقام حرف نیست، بلکه عملاً برای سپاسگزاری از آقای سید مقدار پول یا یک رأس گوسفند و یا بره گوسفند به او می‌دهد. پس از این مراسم پیر و مریدی رسماً شروع می‌شود. نوزاد

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط تضمین است.

مرید سید، و وی پیر و راهنمایی معنوی نوزاد و خانواده او می‌شود.(۱)

معمولاً پیر و مریدی بین فرزندان این سیّد و خانواده‌ی هزاره تداوم می‌یابد و گاه به چندین نسل می‌رسد. وقتی پیر و مریدی سیّدی با هزاره‌ای شکل گرفت، غالباً این هزاره، هنگام سر رسید سال خمس ($\frac{1}{5}$ مازاد بر درآمد مخارج سال)، خود را موظف می‌داند که خمسش را تنها به پیر بدهد. ولو سیّدی دیگر نسبت به پیر نیازمندتر و مستحق‌تر از وی باشد.

نقد و بررسی

در این که پیر و مریدی از کدام زمان و به چه مناسبت بین مردم هزاره رایج شده است دقیق نمی‌شود سخن گفت، ولی با توجّه به کلمه‌های «پیر» و «مرید» و کمر بستن مرید به وسیلهٔ پیر، با اطمینان می‌توان گفت که این موضوع از آداب و رسومی است که از «تصوف» وارد جامعه هزاره شده است. چون پیر و مرید از اصطلاح ویژه‌ی اهل تصوف است. آقای «برنس» پیرامون شیوهٔ این دو اصطلاح بین اهل تصوف و معنای آن دو، نگاشته است:

> **«از این رو در مراحل آغازین [آغاز شکل‌گیری تصوف] رسوم و آدابی معین گردید که طبق آن هر فردی که مایل بود این شیوه زندگی [زندگی مانند صوفیان و رفتن به خانقاه و پوشیدن خرقه و...] را برای خود برگزیند، می‌بایست برای خویش راهنمای معنوی انتخاب کند که «شیخ» یا «پیر» نامیده می‌شود. شخصی راکه زیر فرمان شیخ می‌آمد «مرید» می‌نامیدند و او اختیار اراده‌ی خویش را به دست شیخ می‌سپرد.»** (۲)

در لغت، پیر به معنای انسان مُسن است، چه زن و چه مرد؛ مثل پیر زن و پیر مرد که در اصطلاح روزمرهٔ پارسی گویان رایج می‌باشد. مرید نیز در لغت به معنای پیرو و دوستدار است.(۳) ولی در اصطلاح صوفیه آنگونه که در عبارت آقای برنس ملاحظه شد، پیر و مرید معنای ویژه دارد متفاوت از معنای لغوی. دست کم معنای پیر در اصطلاح صوفیه متفاوت از معنای لغوی آن است. در اصطلاح

---

۱. محمّد ظاهر رضایی، بررسی آداب و رسوم...، پیشین، ص ۱۱۷؛ سید غضنفر محمود روحانی، ۴۵ ساله از استان بامیان، سفند ۸۲.

۲. یوگنی ادروارد ویچ برنس، تصوف و ادبیات تصوف، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، مؤسسه امیرکبیر، چ۱، بی‌تا، ص ۴۶

۳. حسن عمید، فرهنگ عمید، حرف پ و م.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶). از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط بندی است.

هزاره‌ها نیز معنای پیر همان مرشد معنوی مرید و مرید فرمان بردار پیر است. همان معنای که در تصوف وجود دارد.

کمر بستن مرید وسیله پیر، که در بین هزاره رایج است، نیز از آداب مخصوص صوفیان است. آقای برنس در مورد این آداب صوفیان نگاشته است:

«بستن کمر بند خاص [به وسیله پیر] بر کمر مرید، بخشیدن کلاهی به او و پاشانیدن خرقه و انجام سایر مراسم وابسته به رسوم محلی [در تصوف] نشانه ظاهری فرمان برداری از شیخ [پیر] بود.»(۱)

از مطالب که یاد گردید تردید نمی‌ماند که رسم پیر و مریدی از تصوف وارد جامعه شیعی هزاره شده است. تعیین تاریخ دقیق ورود آن نیاز به تحقیق دیگر دارد که از محدوده رساله کنونی خارج است.

از آغاز پیدایش تصوف و خاستگاه آن اطلاع دقیق وجود ندارد. آن چه مورد تردید نیست وجود این فکر قبل از میلاد مسیح است. خاستگاه آن را برخی هندوستان می‌دانند و بعضی مصر.(۲)

در مورد ورود تصوف در اسلام تقریباً مورّخان اتفاق نظر دارند که در قرن دوّم هجری شالوده آن به وسیله «ابو هاشم کوفی» ریخته شد. حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی در این ارتباط به خامه نگارش در آورده است:

«در قرن دوّم هجری: یعنی آن زمانی که همّت خلفای بنی عباس بر نشوی علوم دیگران و ترجمه آنها به زبان عربی قرار گرفت و از این رو افکار عمومی به جنب جوش افتاد، و طبعاً بازار مذاهب گوناگون رونق گرفت یکی از مسلکهای که در میان مسلمین جایگاهی برای خود باز کرد، همین مسلک «تصوف» بود و تدریجاً بر اثر اموری... پیروانی پیدا کرد، مخصوصاً در میان اهل تسنن پیروان زیادتری برای آن پیدا شد و بالاخره بساط خود را در میان «امامیه» هم گسترده و جمعی را به خود مشغول ساخت.»(۳)

به مرور زمان در تصوف فرقه‌های زیادی به وجود آمد. مرحوم شیخ حر عاملی (صاحب کتاب وسائل الشیعه) یازده فرقه آن را نام برده است؛ **«مثل حبیبیّه، اولیائیّه، شمراخیّه، اباحیّه، حالیّه، حلولیّه، حوریّه،**

---

۱. یوگنی. برنس، تصوف و ادبیات تصوف، پیشین، ص ۴۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی، جلوه حق - بخشی پیرامون صوفیگر در گذشته و حال، مقدمه و پاورقی داود الهامی، قم، انتشارات نسل جوان، چ ۱، ۱۳۸۴، ص ۷۱ و ۷۲.

۳. همان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط بدنی است.

واقنب. متأهله، مکاسره و الهامیّه»[۱] بسیاری بر این باورند که فرقه‌های صوفیان بیش از آن است.[۲]

شیخ حر عاملی، کتاب الاثناعشریه را در رد تصوف نگاشته است و احادیث زیادی از رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) و ائمّه معصوم (عَلَیهِمُ السَّلام) در بطلان عقاید آنان و دوری مؤمنان از جمعیّت آنها آورده است. ما دو حدیث از آن روایات را می‌آوریم. از رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) نقل است که حضرت فرمود:

«روز قیامت به پا نشود تا اینکه گروهی از امتم به نام «صوفیّه» بپا خیزند. آنها از من [امت من] نیستند. آنان برای ذکر گرد هم جمع می‌شوند و در ذکرگفتن صداهای خود را بلند می‌کنند، گمان می‌برند در راه من است، ولی آنها گمراه‌تر از کافران اند و اهل آتش، صدای آنان چون صوت الاغ است.»[۳]

در روایت دیگر منقول از ثامن الائمه (عَلَیهِ السَّلام) پرهیز داشتن از صوفیان توصیه شده است:

«کسی که در نزد او نامی از صوفیه برده شود، ولی آن فرد با قلب و زبان خود از آنان بیزاری نجوید، او از ما [از پیروان ما] نیست و کسی که از آنها بیزاری بجوید همانند فردی است که با رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) در برابر کافران جهاد و مبارزه کرده است.»[۴]

به هر تقدیر آنچه مسلم می‌باشد بد نامی صوفیان است که مقید به ظواهر دستور شرع و احکام اسلام نیستند. ولی صوفیانی که در عین داشتن مشرب تصوف، خود را مقید به عمل نمودن احکام اسلامی می‌دانند از زمره صوفیان مزمت شده در احادیث خارج‌اند.

با توجّه به مزمّت ائمّه از جماعت صوفی و توصیّه نمودن ائمّه به دوری کردن از آنان، برای هزاره‌ها است که از آداب و رسوم که مربوط به آنان است نیز دوری کنند. البته پیر و مریدی بذاته رسم ناروایی نیست. اما گاهی این امر موجب پیامدهای زشتی می‌گردد. برخی از پیرهای نادان کارهای نادرستی نسبت به مرید انجام می‌دهند و مرید نیز چون مرید است و معتقد پیر، می‌پذیرد؛ مثل آب دهان انداختن بعضی از پیران نادان به دهان بچه‌ای که کمرش توسط پیر بسته می‌شود.[۵] البته این کار از شأن سادات مکرم و که جامه پارسایی و تقوا دارند به دور است و آن مریدان که آگاهی دینی درست

---

۱. شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴)، الاثنی عشریه فی الرد علی الصوفیه، قم، مطبعه علمیه، چ ۲، ۱۴۰۸ ق، ص ۲۳.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۲ و ۳۴، ناصر مکارم، جلوه حق، پاورقی، پیشین، ص ۷۴.

۴. همان.

۵. محمّد ظاهر رضایی، نقد و بررسی ازدواج...، پیشین، ص ۱۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط ثبتی است.

دارند نیز تن به چنین کار زشتی نمی‌دهند.

ذکر گردید که یکی از کارهایی که مرید نسبت به پیر انجام می‌دهد، دادن خمس است؛ یعنی نصف $\frac{1}{5}$ مازاد بر مخارج سال را مرید به پیر خود معمولاً می‌دهد. هنجار پیر و مریدی موجب می‌گردد که آن دسته از سادات که مهارت و زیرکی مرید یابی را ندارند از گرفتن خمس محروم بمانند، ولو این سید مکرم بدون مرید، هم باتقوا باشد، هم فقیر و نیازمند اخذ خمس، چون مسأله پیر و مریدی تعهدی نسبت به مرید می‌دهد که خمس خود را تنها به پیر خود بدهد نه به سیدی دیگر. سادات مکرمی که موفق گردیده، مقام پیری و مرشد معنوی هزاره‌ای را به علل خاص احراز کند، به یکی و دو مرید اکتفا نمی‌کند؛ لذا سیّدی دارای مریدان زیاد، برخوردار از خمس مریدان است ولو از نظر مالی این پیر وضعیت نسبتاً مطلوب داشته باشد. در کنار آن، سیدی را می‌بینیم که نیازمند شدید کمک مالی برای اداره زندگی‌اش می‌باشد و مستحق گرفتن خمس، ولی چون مرید ندارد محروم از خمس می‌گردد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱۰. نتیجه‌گیری

آداب و رسوم یک ملت بستگی تام به فرهنگ آنان دارد؛ چون آداب و رسوم نیز زیر مجموعهٔ فرهنگ محسوب می‌گردد. رشد فرهنگ موجب رشد آداب و رسوم می‌گردد. از دید جامعه شناسان مردمی را نمی‌توان یافت که بدون فرهنگ باشند و بدون آداب و رسوم.

هزاره‌ها به عنوان یک گروه اجتماعی نیز دارای فرهنگ و آداب رسومی اند که تاکنون مورد توجّه جدّی قرار نگرفته و از آن بحث نشده است.

بعد از انقلاب اسلامی، هزاره‌ها وارد حیات اجتماعی جدید گردیده‌اند، متفاوت از چندین دهه قبل. در این چند دهه اخیر به ویژه پس از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان (سال ۱۳۶۸) که از هزاره‌ها نمایندگی می‌کرد، در تحوّلات سیاسی - اجتماعی افغانستان نقش فعال داشته و به عنوان یکی از چهار قدرت (تاجیکان، ازبک‌ها، افغانها و هزاره‌ها) تأثیرگذار در مسائل سیاسی کشور، حضور پیدا نمود و از حالت انزوا و تجرید سیاسی بیرون آمد. آنان یکی از اقوام بزرگ افغانستان هستند، به عنوان یکی از قدرتهای تأثیر گذار در تحوّلات سیاسی ـ اجتماعی افغانستان نقش ایفا می‌کنند و می‌توانند در این برههٔ از زمان، در توسعه و رشد این کشور سهم بسزا گیرند. این موضوع ایجاب می‌کند که برای معرفی هزاره‌هاو تحلیل آداب و رسوم آنان گامهای برداشته شود. آداب و رسومی که آنان دارند مورد غربال و کنگاش قرار بگیرد، چون آداب و رسوم از زیر مجموعه های فرهنگ است، فرهنگ در تغییر و تحولات یک جامعه نقش تعیین کننده دارد.

افغانستان به دلیل بیش از سه دهه جنگ و درگیری و وجود برخی از آداب. رس.م دست و پا گیر. یکی از توسعه نیافته‌ترین کشورهای جهان به حساب می‌آید. مردم آن کشور سالهاست به خاطر توسعه نیافتگی کشور بافقر دست و پنجه نرم می‌کند. امروز از هر روزی دیگر ضروری‌تر است که گامهای در راه آبادی این سرزمین اسلامی بر داشته شود، شهروندان کشور در راستای توسعه آن به

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمیِ ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اندازه توان خود سهم بگیرند. یکی از عوامل نقش مؤثر در توسعهٔ کشور دارد رایج ساختن آداب و رسومی درست و مترقی است. بسیاری آداب و رسومی که مردم افغانستان عموماً و هزاره‌ها خصوصاً، دارند دست و پاگیر است، مثل هنجارهای مربوط به ازدواج و مرگ و میر بستگان و... نقد و بررسی این آداب و رسوم می‌تواند ما را در راه بازسازی کشور کمک به سزا نماید. تحوّلات سیاسی ـ اجتماعی دهه‌های اخیر نشان داد که مسائل مذهبی و قومی ـ نژادی یکی از موضوعات مهم در سر زمین افغانستان است و هر از چند گاهی با تحریکات عوامل مرموزی داخلی و خارجی این موضوع تبدیل به بحران می‌گردد و موجب تعارضهای شدید قومی یا نژادی مذهبی می‌گردد.

هزاره‌ها به دلیل باور داشت شان به مذهب تشیع و متمایز بودن نژاد شان از دیگر ساکنین کشور، چه بسا زمینه‌های شکاف بین هزاره‌ها و دیگر اقوام و مذاهب ایجاد کرده است. نقد و بررسی آداب و رسوم هزاره‌ها می‌تواند گام مهمی برای از بین بردن شکاف‌های مذهبی و قومی در افغانستان باشد و زمینه وحدت و هماهنگی بیشتر را فراهم نماید، چون بسیاری از آداب و رسومی که هزاره‌ها در شادی‌ها و مرگ و میر بستگان شان دارند، با آداب و رسوم دیگر اقوام مشترکند، اگر تفاوت است در جزئیات است. هنجارهایی که هزاره‌ها در شادی‌ها و جشن‌های شان دارند مثل عید فطر، عید قربان، نوروز، سالروز تولد رسول اکرم و (صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسلَّم) بعثت آن حضرت، ازدواج و عروسی و... با آداب و رسوم دیگر اقوام اشتراک دارند، می‌تواند با عنوان وجه اشتراک اقوام در راستای وحدت و فضای مسالمت‌آمیز اقوام از آن بهره برد و به آن تأکید ورزید.

هنجارهایی که هزاره‌ها در عزاداری‌ها و مرگ و میر بستگان شان دارند، نیز می‌تواند ما را به ایجاد وحدت ملّی کمک کند، چون بسیاری از این آداب و رسوم مثل هنجارهای مرگ و میر بستگان هزاره‌ها با دیگر اقوام و مذاهب مشترک است. حتی هنجارهای عزاداری هزاره‌ها که در ایام دهه اول محرم و صفر و سالروز ائمه معصوم دارند، می‌تواند ما را در راه ایجاد فضای مسالمت‌آمیز بین اقوام و مذاهب کمک رساند؛ چون ائمه معصوم و سالار شهیدان حسین علی (عَلَیهِ السَّلام) مورد تکریم برادران اهل سنت ما نیز هستند. البته در صورتی که سخنرانی سخنرانان ما و خطبه خطیبان ما در عزاداری‌های

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مذهبی از موضوعات اختلاف افگن و نزاع برپا کن، بری و منزه باشند. این حرف به منزله آن نیست که شیعیان دست از معتقدات خود بردارند، سخن روی این است که در منابر و حسینیه‌ها در ایام عزاداری‌های مذهبی تکیه بیشتر به مشترکات، که بس فراوان است، گردد، تا مسائل نزاع افگن، چون طرح مسائلی که احساسات و عواطف پیروان دیگر مذاهب را بر می‌انگیزد، سود علی الحساب آن از کسی است، که افغانستان مستقل و مترقی نمی‌خواهند و برای سلطه خود از زمین‌های شکاف قومی ـ نژادی و مذهبی سود می‌جویند. بر عالمان مسلمان اند که با توجه به آموزه‌های اسلامی و سیره اولیای الهی، در راه وحدت و برطرف ساختن بدگمانی های اقوام و مذاهب نسبت به هم گام بردارند. سوء ظن هایی که بین اقوام و مذاهب ساکن در افغانستان نسبت به همدیگر دارند، به صورت آنی بوجود نیامده، بلکه استعمارگران خارجی و جاده صافکن داخلی و حاکمان بی کفایت و ستم گستر کشور، سال‌ها تلاش نمودند، تا برای استحکام سلطه خود سوء ظن ایجاد کنند، شیعه را با سنّی، سنّی را با شیعه، هزاره را با افغان و افغان را با تاجیک و ازبک بیندازند، نمونه عینی آن کاری است که حدود صد و بیست سال قبل عبد الرحمان انجام داد و پس از آن دیگر حاکمان بی کفایت کشور ما نیز از تیز او (اختلاف انداز، حکومت کن) استفاده نمودند.

طرح آداب و رسوم اقوام و مذاهب، از جمله هزاره‌ها می‌تواند ما را برای زدودن بدگمانی های ایجاد شده، یاری رساند و در این مرحله‌ای از زمان، افغانستان را از توسعه نیافتگی و عقب ماندگی به سوی رشد و ترقی سوق می‌دهد. هزاره‌های مسلمان، چون معتقد به اسلام اند، بسیاری از آداب و رسوم شان رویکرد اسلامی دارند و برگرفته از اسلام اند، ولی با این حال نمی‌توان انکار نمود که برخی از آداب و رسوم آنان با اسلام در تضاد است. بری بررسی نمودن این موضوع، ما در این رساله به صورت تفصیلی آن دسته از آداب و رسومی که بین تمام هزاره‌ها جریان دارند، کاوش نمودیم و خوبی ها و بدی‌های این هنجارهای موجود را به اندازه وسع تبیین، توصیف و تحلیل کردیم. آداب و رسومی که هزاره‌ها در شادی‌ها و جشن‌های مذهبی دارند غالباً اسلامی است، مثل هنجارهای اعیاد قربان و فطر، هنجارهای خانه سازی، هنجارهای مربوط به پذیرایی از زائران سرزمین وحی و عتبات

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)، از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عالیات، هنجارهای مربوط به تولد نوزاد و بسیاری از هنجارهایی که مربوط به ازدواج است، برخی از آداب و رسوم مربوط ازدواج و عروسی است که ملاک اسلامی ندارد، مثل پول گرفتن پدر دختر در برابر دخترش که به ازدواج فردی در می‌آورد و آن هم به عنوان گله یا شیر بها. چنین کاری از دیدگاه اسلام مردود است، علاوه بر آن گله گرفتن به ازای دادن دختر به ازدواج، نوعی فروش انسان آزاد است که مورد نکوهش دستور اسلام می‌باشد و توهینی است که خانواده دختر آگاهانه به آن اقدام می‌کنند. با تحقیقاتی که انجام گرفت، معلوم گردید، که این رسم زشت بین اقوام دیگر ساکن افغانستان، مثل پشتون‌ها، تاجیک‌ها و ازبک‌ها نیز رایج اند و چه بسا با شدت بیشتر از آنچه که بین هزاره‌ها جریان دارند. این پدیده زشت موجب گردیده که بسیاری از جوانان آماده ازدواج، به خاطر نداشتن پول برای دادن گله دختر، سال‌ها بدون زن بمانند. آنانی که اقدام به ازدواج می‌کنند چندین سال آوان زندگی مشترک، که بایست بهترین زمان برای زوجین باشند، ولی به خاطر مخارج سنگین عروسی. سخت‌ترین زمان برای آن دو است. چون شانه‌های داماد زیر قرض و مخارج بی مورد عروسی خم شده است. اگر مخارج سنگین عروسی نباشد داماد و عروس می‌توانند در ابتدای زندگی گام‌های اساسی برای تأمین مایحتاج زندگی خود بردارند و زندگی آبرومندانه را به وجود بیاورند و از این طریق سهمی ولو اندک، در راه توسعه کشور بردارند. از دیگر آداب و رسومی که اسلامی نیست مسأله اجرای عقد بعد از انجام عروسی است. در غالب جاهای هزارستان اجرای عقد پس عروسی صورت می‌گیرد، با اینکه قبل از عروسی ر داماد و عروس با هم رفت و آمد و نشست و برخاست دارند، بدون اینکه عقد محرمیت وجود داشته باشد.

بخش دیگر از آداب و رسوم هزاره‌ها مربوط به هنجارهایی است که آنان در عزاداری‌ها و مرگ و میر بستگان خود دارند. تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفت به این نتیجه رهنمون گردیدم بدون استثنا، تمام این هنجارها رویکرد اسلامی دارد و مطابق دستورات اسلام اجرا می‌گردد، مثل هنجارهای مربوط به دهه اول محرم و ماه صفر و شب‌های قدر و آن هنجارهایی که هزاره‌ها در مرگ و میر بستگان شان دارند، تک تک این هنجار در ابتدا تبیین گردیده است پس از آن، به مقایسه به اسلام

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مورد ارزیابی و تحلیل. البته در مرور زمان برخی از هنجارها از حالت عادی خود خارج گردیده، به خاطر رقابت‌های منفی، جنبه اسراف به خود گرفته است مثل آنچه در روزهای هفتم و چهلم پس از درگذشت میت مرسوم است. مخارج زیادی به دوش صاحب عزا می‌گذارد و هیچ بعدی ندارد از مصادق اسراف باشد و اسراف گران نیز مورد خشم الهی است. لذا از این دید می‌توان گفت برخی از آداب و رسوم هزاره‌ها در مرگ و میر بستگان دارند غیر اسلامی است. یکی از هنجارهای مربوط به عزاداری هزاره‌ها، برگزاری مجالس سخنرانی و مرثیه خوانی سیدالشهدا، امام حسین (عَلَیهِ السَّلام) و یاران باوفای آن حضرت و دیگر معصومان است. پس از بررسی‌های انجام گرفته نویسنده به این باور نایل گردیده است که وجود این هنجارها، فرصتی است بی بدیل برای ترویج اسلام و آگاه ساختن مردم نسبت به مسائل سیاسی ـ اجتماعی و فرهنگی روز. جا دارد که متولیان مذهبی در جامعه هزاره برای نظم و نسق این گونه مراسم گام‌های اساسی‌تری بردارند، و این فرصت بس گرانبها را، به مفت از دست ندهند، جلسات سخنرانی و منابر به کسانی سپرده شوند که توانایی علمی و تعهد به مردم و اسلام دارند، ولی در عمل تاکنون متأسفانه منابر غالباً در اختیار افرادی بوده‌اند که تمام دانایی شان از چند گزاره تاریخی و اندک آیات و روایات و چند قطعه شعر و انبوه داستان‌های خرافه پرپر و بدآموز تجاوز نمی‌کنند و عملاً این فرصت طلایی ایجاد شده، به وسیله مذهب، به هدر می‌رود و جوانانی که طبق مقتضیات امروزی می‌اندیشند به خاطر عدم ارائه مطالب درست و منطقی وسیله سخنرانان از منبرها و مساجد طرد شده‌اند. آنگونه که قبلاً نیز گفته شد، اگر این جلسات به خطیبان و سخنرانان دانا که از دانش اسلامی و اجتماعی و سیاسی بالا برخوردارند، سپرده گردد برکات بس فراوانی بیش آنچه بود برای جامعه هزاره دارند، از این طریق می‌توان بسیاری از کاستی‌های آگاهی توده‌ای مردم را نسبت به اسلام و مسائل سیاسی، اجتماعی و اخلاقی آن جبران نمود و می‌توان زمینه یک اجتماع سالم و منزه از بدی‌ها را فراهم ساخت.

هزاره‌ها در غیر شادی‌ها و عزاداری‌های خود، نیز آداب و رسومی دارند که برای محقق مردم شناس اهمیت به سزا دارد. ما نیز این بخش آداب و رسوم را تحت همین عنوان بررسی نمودیم؛ یعنی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸)، و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نقد و آداب و رسوم هزاره‌ها در غیر شادی‌ها و عزاداری‌ها این بخش از هنجارها شامل رسومی است که برخی جنبه فردی دارد و برخی جنبه اجتماعی، نه جز جشن هاست و نه جز عزاداری‌های هزاره‌ها، ولی جز هنجار محسوب می‌گردد. این هنجارها شامل ازدواج با دیدی دیگر، متفاوت از آنچه در بخش عروسی آمد، تعدد زوجات، ازدواج موقت، طلاق، نحوه آموزش هزاره‌ها، نحوه و شکل جامه هزاره‌ها، نحوه خورش و غذا خوردن هزاره‌ها، نحوه ارتباط اعضای خانواده‌ها، نحوه احوال پرسی و دست بوسی و پیر و مرید می‌گردد. پس از تحقیق و بررسی این آداب و رسوم ما به این مطلب رسیدیم که بسیاری از این هنجارها اسلامی است، البته برخی از هنجارهایی نیز وجود دارد که با اسلام ناسازگار است، مثل عدم رعایت حجاب کامل بین زنان روستایی در برخی از جاهای هزارستان و هنجار دست بوسی که روایات اسلامی از آن نهی کرده است و پیر و مرید که رسمی است از فرقه ضاله تصوف، وارد جامعه هزاره شده و به حرکت خود ادامه می‌دهد و افراد ذی نفع نیز از آن دو هنجار پشتبانی می‌کنند و هنجارهای موجود در جامعه هزاره نیز مؤید شان هستند. یکی از این هنجارهایی که در این بخش بررسی گردیده است نحوه آموزش هزاره هاست. امروز در جهان نهاد آموزش یکی از مهم‌ترین نهاد هایی است که نقش کلیدی در توسعه و ترقّی یک کشور دارد، لذا مسئولان کشورهایی که نسبت به مردم و وطنش احساس مسئولیت دارند، به این نهاد کلیدی توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند. این کاری است پسندیده و درست. اما در کشور در حال توسعه افغانستان متأسفانه، این نهاد مورد غفلت حاکمان قرار گرفتند و توجهی در خور شأن آن نکردند. لذا نهاد آموزش مثل بسیاری دیگر نهادهای اجتماعی - فرهنگی در حدّ ابتدایی است. تبعاً هزاره‌ها که شهروندان این کشورند غالباً مورد بی مهری و کم توجهی حاکمان بودند، سهم شان در این کم توجهی به آموزش قابل توجه و قابل ملاحظه است. اندک مدارس ابتدایی که در مناطق مختلف هزارستان وجود دارند از نگاه کمیت و کیفیت در حدّ بسیار پایینی قرار دارند و جا دارند که دولتمردان کشور برای بهبود این مدارس تصمیمات لازم را اتخاذ نموده و عملاً کارهایی در راستای توسعه این مدارس بردارند. در کنار مکاتب رسمی، بین هزاره‌ها، مکاتب محلی به نام «بچه خوانی» وجود دارند. این مکاتب در ایام فصل زمستان در منابر قریه جات هزاره جات تشکیل

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط مجاز است.

می‌گردد در باسواد ساختن مردان هزاره نقش این مکاتب بسیار با اهمیت بوده، ولی آن آثاری که می‌بایست داشته باشد نداشته. آنچه که جا د نخبگان هزاره به آن توجه نمایند ساماندهی درست این مکاتب است، چون مکاتب دولتی در فصل زمستان تعطیل است و اوقات فراغت نونهالان هزاره در این فصل از سال است، اگر مکاتب بچه خوانی از نگاه کمیت و کیفیت مورد بازبینی قرار بگیرد، می‌تواند نقش بسیار ارزنده‌ای در راستای رشد و ترقی فرزندان هزاره داشته باشد. سزاوار است فرهنگیان دلسوز جامعه هزاره، برای تربیت معلمان این مکاتب و کیفیت و کمیت متونی که در این مدارس باید تدریس شود فکری کنند و گام هایی اساسی بردارند، وگرنه این فرصت گرانبها به ارزانی از دست می‌رود چنانچه تا هنوز این گونه بوده است.

آنچه ما در این رساله انجام دادیم، چنانچه بارها گفته آمد، این بود که ابتدا آداب و رسوم هزاره‌ها را با توجه به منابع مکتوب و غیر مکتوب در این زمینه تبیین و توصیف نمودیم، پس از آن این هنجارها ر عرضه به اسلام نمودیم که این آداب و رسوم در مقایسه اسلام موافق دستورات اسلام است؟ پس از بررسی‌های انجام گرفته، به این حقیقت رسیدیم که بسیاری از این آداب و رسوم رویکرد اسلامی دارد اما آنچه که جا دارد به آن پرداخته شود، موضوع آداب و رسوم هزاره‌ها از دید مردم‌شناسی است که با روش‌های آکادمیک مورد توجه و تحلیل قرار بگیرد ولی این کار به عهده این رساله نبود لذا ما وارد این مقوله نگردیدیم. در واقع این رساله اولین گامی است که در راه نقد و بررسی آداب و رسوم هزاره‌ها برداشته شده است، پرونده این مسأله هیچ گاه مسدود نیست، برای محقق باذوق و شیفته این مباحث است که گام‌های اساسی‌تری بردارند و کارهای جدی‌تر و پرثمرتری را انجام دهند.

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

قم ـ ابراهیم حکمتی

۱۳۸۵/۳/۲۲ = ۱۵ /جمادی الاول/ ۱۴۲۷



دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج)، مرکز پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط بدان است.

منابع تحقیق

الف. عربی

۱. احمد بن فارس، معجم مقایس اللغه، تحقیق عبدالسلام محمّد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۱، ۱۴۰۴ ق.

۲. امام خمینی، سیّد روح الله، تحریر الوسیله، ج ۱، چاپ نجف، بی نا، بی تا.

۳. امام خمینی، سیّد روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، قم، مؤسسه نشر اسلامی (جامعه مدرسین)، بی تا، بی نا

۴. ابن شهر آشوب، ابی جعفر رشید الدین محمّد (م ۵۸۸)، مناقب آل ابی طالب، ۵ ج، تصحیح سیّد هاشم رسولی محلاتی، قم، مطبعه علمیه، ج ۱، بی تا.

۵. ابن طاووس، علی بن موسی (م ۶۶۴ ق)، اللهوف فی قتلی الطفوف، قم، انوار الهدی، چ ۱، ۱۴۱۷ ق.

۶. ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال بالاعمال الحسنته فیما یعمل مرة فی السنه، ۳ج، تحقیق جواد قیومی، قم، بوستان کتاب، چ ۲، ۱۳۷۷.

۷. حر عاملی، محمّد (م ۱۱۰۴ ق)، وسائل الشیعه، ۲۰ج، تعلیعه و تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، مکتبه اسلامی، بی نا، بی تا.

۸. حر عاملی، محمّد، الاثناعشریه فی الرد علی الصوفیه، قم، مطبعه علمیه، چ ۲، ۱۴۰۸ق.

۹. حرّانی، ابومحمّد حسن (قرن چهارم)، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، قم، انتشارات آل

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقرراتِ مربوط نهایی است.

علی، ج ۲، ۱۳۸۲.
۱۰. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، ج ۴، بیروت، دار الاحیاء التراث، بی تا، ۱۳۹۹.
۱۱. ری شهری، محمّد محمّدی، منتخب میزان الحکمه، تلخیص سید حمید حسینی، قم، انتشارات دار الحدیث، چ ۵، ۱۳۸۴.
۱۲. رازی، امام فخر، تفسیر الکبیر، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، بی نا، بی تا.
۱۳. سیستانی، سید علی، المسائل المنتخبه - العبادات و المعاملات، قم، مؤسسه المنار، چ ۱، ۱۴۱۳ق.
۱۴. شهید اوّل، محمّد، الدروس الشرعیه فی الفقه الامامیه، ج ۱، تحقیق جامعه مدرسین، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ ۱، بی تا.
۱۵. شهید ثانی، زین الدین، الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۲، تعلیقه محمّد کلانتر، مطبعه الآداب، نجف اشرف، چ ۱، بی تا.
۱۶. شهید ثانی، زین الدین، الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه، ۳ج، قم، انتشارات اسماعیلیان، بی نا، بی تا.
۱۷. شاکری، حسین، موسوعة المصطفی والعترة (۱۷ ج)، ج ۶ حسین الشهید، قم، نشر الهادی، چ ۱، ۱۴۱۵ ق.
۱۸. صدوق، محمّد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه محمّدرضا انصاری محلاتی، قم، انتشارات نسیم کوثر، چ ۱، ۱۳۸۲.
۱۹. صدوق، محمّد بن علی، امالی شیخ صدوق، تحقیق مؤسسه بعثت، قم، م. بعثت، چ ۱، ۱۴۱۷ق.
۲۰. صدوق، محمّد بن علی، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ ۶، ۱۴۲۴ق.
۲۱. طوسی، شیخ ابی جعفر محمّد بن حسن (۴۶۰ - ۳۸۵)، مصباح المتهجد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، چ ۱، ۱۴۱۱ ق.
۲۲. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن (قرن ۶)، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ۱۰ج، تصحیح و تحقیق و تعلیق سید هاشم رسولی و سید فضل الله یزدی، بیروت، دار المعرفه، چ ۱، ۱۴۰۶ ق.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط جستنی است.

۲۳. طباطبایی، سید محمّد حسین. المیزان فی التفسیر القرآن، ۲۰ج، بیروت - لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چ۳، ۱۳۹۴ ق.

۲۴. قمی شیخ عباس. مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه‌ای، قم، انتشارات علامه، چ ۶، ۱۳۸۴.

۲۵. قمی شیخ عباس، الانوار البهیه فی التواریخ الحجج الاهیه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ۲، ۱۴۲۱ ق.

۲۶. قولویه، جعفر بن محمّد (م ۳۶۸ ق)، کامل الزیارات، تحقیق محمّد جواد قیومی، قم، نشر الفقاهه، چ ۳، ۱۴۲۴ ق.

۲۷. کلینی، محمّد بن یعقوب، اصول الکافی، ۲ ج، تهران، انتشارات اسوه، چ ۵، ۱۴۲۵ ق.

۲۸. مجمع اللغة العربیه، معجم الوسیط، المکتب الاسلامی، استانبول - ترکیه، بی تا، بی نا.

۲۹. معلوف لویس، المنجد، نشر پرتو، تهران، چ ۵، ۱۳۷۶.

۳۰. مظفر، محمّد رضا، اصول الفقه (۲ ج)، مؤسسه انتشاراتی اسماعیلیان، بی نا، بی تا.

۳۱. مفید، محمّد (شیخ مفید، م ۴۱۳)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۲ ج، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات اسلامیه، چ ۲، بی تا.

۳۲. مفید، محمّد (شیخ مفید، م ۴۱۳)، الاختصاص، تصحیح و تعلیقه علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ ۶، ۱۴۱۸ ق.

۳۳. مجلسی، محمّد باقر، مرآت العقول (شرح اصول کافی)، ج ۹، تهران، دار الکتاب الاسلامیه، چ ۲، ۱۳۶۳.

۳۴. نجاشی، احمد بن علی (۴۵۰ - ۳۷۳ ق)، رجال النجاشی، قم، موسسه نشر اسلامی، چ۶، ۱۴۱۸ ق.

۳۵. نوری، میرزا حسین (م ۱۳۲۰)، مستدرک الوسائل (بیش از ده جلد)، بیروت، مؤسسه ال البت، چ ۲، ۱۴۰۸ ق.

۳۶. هویدی، محمّد، التفسیر المعین للواعظین و المتعظین، قم، دار الفقاهه، چ ۲، ۱۳۸۳.

ب. فارسی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط بعدی است.

۳۷. القرآن الکریم، ترجمه مهدی فولادوند. دار القرآن الکریم، دفتر مطالعات و تحقیق معارف اسلامی، چ ۱، بی تا.

۳۸. الفنستون، مونت استوات، افغانان (گزارش سلطنت کابل)، ترجمه محمّد آصف فکرت، مشهد، آستان قدس رضوی، چ ۱، ۱۳۷۶ ش.

۳۹. ابراهیم زی، شیر محمّد خان، تواریخ خورشید جهان، پاکستان، چاپ سنگی، ۱۳۱۱ هـ ش.

۴۰. ادیبی، حسین، زمینه انسان‌شناسی، تهران، انتشارات لوح، چ ۲، بی تا.

۴۱. انوری، حسین و جمعی، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، چ ۱، ۱۳۸۱.

۴۲. آقا جانی قناد، علی، بنیادها و آسیب‌های عزاداری امام حسین (عَلَیهِ السَّلام)، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، چ ۱، ۱۳۸۲.

۴۳. آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران، انتشارات آگاه، چ ۲، ۱۳۸۱.

۴۴. آریانپور، م، خراسانیان در قرن وسطی، قم، صحافی احسانی، چ ۲، بی تا.

۴۵. افشار یزدی، محمّد، افغان نامه، ۳ ج، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، چ ۱، ۱۳۶۱.

۴۶. آذر تاش، آذر نوش، آداب و رسوم ملی ایران، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴.

۴۷. اسعدی، مرتضی، جهان اسلام، ۲ ج، ج ۱. تهران، مرکز دانشگاهی، چ ۱، ۱۳۶۶.

۴۸. اصطخری، ابراهیم، مسالک و ممالک. ترجمه محمّد بن سعد نخجوانی، به اهتمام ایرج افشار، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چ ۱. ۱۳۶۱، بخش دوّم.

۵۰. ابی مخنف، لوط بن یحی (۵۱۷ ق)، نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا، تحقیق محمّد هادی یوسفی غروی، ترجمه جواد سلیمانی. قم، م.آ.پ امام خمینی، چ ۱، ۱۳۸۰.

۵۱. اصغری، سید عبدالله، خاطرات سفری به افغانستان، قم، مؤلف، چ ۱، ۱۳۶۹.

۵۲. انوشته، حسین، (سرپرست) دانشنامه ادب فارسی، ج ۳، ادب فارسی افغانستان. تهران. وزارت فرهنگ و ارشاد، معاونت فرهنگی، چ ۱، ۱۳۷۸.

۵۳. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۲۵۶ - ۲۸۴ ق)، مقاتل الطالبیین، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱. ۱۳۸۰.

۵۴. ارزگانی، محمّد افضل، مختصر المنقول در تاریخ هزاره و مغول، به کوشش رمضان علی محقق،

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوطه شدنی است.

قم، فرانش، چ ۱، ۱۳۷۱.

۵۵. اسفزاری، معین الدین محمّد زمچی، روضات الجنان فی اوصاف مدینة هرات، ۲ ج، تصحیح و تعلیقه سید محمّد کاظم امامی، تهران، دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۳۹.

۵۶. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمّد (۵۵۵ - ۶۳۰ ق)، تاریخ کامل (چندین جلد) ج ۵، ترجمه محمّد حسین روحانی، تهران، انتشارات اساطیر، چ ۳، ۱۳۸۲.

۵۷. بختیاری، سعید، اطلس کامل گیتاشناسی، (سال ۱۳۷۳) سیاسی، طبیعی و اقتصادی، تهران، س، ج، کاتوگرافی گیتاشناسی، چ ۵، ۱۳۷۳.

۵۸. بیهقی، محمّد بن حسین، تاریخ بیهقی، تصحیح غنی و فیاض، تهران، بانک ملی ایران، چ ۱، ۱۳۲۴ ش.

۵۹. برزین، مسعود، فرهنگ اصطلاحات روزنامه نگاری، انتشارات بهجت، تهران، اوّل، ۱۳۶۶.

۶۰. برنس، یوگنی ادوارد ویچ، تصوف و ادبیات تصوف، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، مؤسسه امیر کبیر، چ ۱، بی تا.

۶۱. پلاتر وفر، دانیل بیس، انسان‌شناسی عمومی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۷۵.

۶۲. پولادی، حسن، هزاره‌ها (تاریخ، فرهنگ، سیاست و اقتصاد) ترجمه علی عالمی کرمانی، تهران، انتشارات عرفان، چ ۱، ۱۳۸۱.

۶۳. تبریزی، محمّد حسین، برهان قاطع، ۶ ج، به اهتمام محمّد معین، تهران، امیرکبیر، بی نا، ۱۳۶۱.

۶۴. تشیید، علی اکبر، هدیه اسماعیلیه یا قیام السادات، تهران، چ ۱، بی تا.

۶۵. تبریزی، میرزجواد، توضیح المسائل، تهران، انتشارات باقر العلوم، چ ۷، ۱۳۸۳.

۶۶. تیمور خانف، ل، تاریخ ملی هزاره، ترجمه عزیز طغیان، قم، م. مطبوعاتی اسماعیلیان، چ ۱، ۱۳۷۲.

۶۷. جوادی و دیگران، احمد صدر، دائرة المعارف تشیع، ج ۲، تهران، بنیاد خیریه فرهنگی شط، چ ۳، ۱۳۸۱.

۶۸. حبیبی، عبدالحی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، تهران، دنیای کتاب، چ ۲، ۱۳۶۳.

۶۹. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ۲ ج، تهران، مؤسسه امیرکبیر، چ ۵، بی تا.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و بر پایهٔ قوانین و مقررات مربوط نشر است.

۷۰. خیام، عمر ابن ابراهیم (م ۵۱۲ ق)، نوروز نامه، تصحیح و تعلیقه مجتبی مینوی، تهران، کتابخانه کاوه، چ ۱، ۱۳۱۲.

۷۱. خامنه‌ای، مقام معظم رهبری (سید علی)، ترجمه اجوبة الاستفتائات، قم، انتشارات بین المللی الهدی، چ ۱، ۱۳۸۱.

۷۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۷۷، ج ۱۱، حرف ف.

۷۳. دولت آبادی، بصیر احمد، شناسنامه افغانستان، مؤلف، چ ۱، ۱۳۷۱.

۷۴. دولت آبادی، بصیر احمد، هزاره‌ها و پناه گزینی، قم، انتشارات وحدت، چ ۱، ۱۳۷۸.

۷۵. رازی، امین محمّد (۱۰۱۸ م)، هفت اقلیم، ج ۱، تصحیح جواد فاضل، تهران، علی اکبر علمی، چ ۲، ۱۳۴۲.

۷۶. روشن ضمیر، مهدی، تاریخ سیاسی و نظامی دودمان غوری، تهران، دانشگاه تهران، چ ۱، بی تا.

۷۷. ریاضی هروی محمّد یوسف، عین الوقایع، به کوشش محمّد آصف فکرت، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمّد افشار، چ ۱، ۱۳۶۹.

۷۸. رضایی محمّد ظاهر، بررسی آداب و رسوم ازدواج در مناطق شیعه نشین افغانستان از دیدگاه فقه شیعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز جهانی علوم اسلامی، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، زمستان ۱۳۸۴.

۷۹. رازی، فریده، فرهنگ واژه‌های فارسی، تهران، نشر مرکز، چ ۱، ۱۳۶۶.

۸۰. ستوده، منوچهر، حدود العالم، تهران، کتابخانه طهوری، چ ۱، ۱۳۶۲.

۸۱. سمرقندی، امیر دولت شاه بن علا (۸۹۶ ق)، تذکرة الشعرا، تهران، کلاله خاور، بی نا، بی تا.

۸۲. سعیدی، محمّد شریف، تبر و باغ گل سرخ، ۲ ج، ج ۱، قم، انتشارات سراج، چ ۱، ۱۳۷۴.

۸۳. شیروانی، زین العابدین، بستان السیاحه، تهران، انتشارات سنایی، بی نا، ۱۳۱۵.

۸۴. شاکر، محمود، افغانستان، ترجمه کانون مهاجر، قم، چ ۱، بی تا.

۸۵. صفر زاده سمنگانی، محمّد حسین، سالهای جهاد در افغانستان، ۲ ج، ج ۱، قم، مؤلف، چ ۱، ۱۳۷۳.

۸۶. صانعی، صفدر، رژیم تندرستی، اصفهان، انتشارات کنکاش، چ ۵، ۱۳۸۱

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و نیز قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۸۷. علی آبادی، علیرضا، افغانستان، تهران، انتشارات وزارت خارجه، چ ۱، ۱۳۷۲.
۸۸. عرفانی، قربانعلی، حزب وحدت اسلامی افغانستان از کنگره تا کنگره، قم، انتشارات سراج، چ ۱، ۱۳۷۲.
۸۹. غبار، میر غلام محمّد، افغانستان در مسیر تاریخ، ۲ ج، قم، صحافی احسانی، چ ۱، ۱۳۷۵.
۹۰. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه فردوسی، ۸ جلد، تهران، کتابهای جیبی، چ ۵، ۱۳۷۶.
۹۱. فرهنگ، محمّد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، ۳ ج، قم، دار التفسیر، چ ۱، ۱۳۸۰.
۹۲. فرهنگ، سید محمّد حسین، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان، قم، م.آ.پ امام خمینی، چ ۱، ۱۳۸۰.
۹۳. فرخ، سید مهدی، تاریخ سیاسی افغانستان، قم، صحافی احسانی، چ ۲، ۱۳۷۱.
۹۴. فرخ یار، شهاب الدین، سرزمین دره‌ها - یادداشت‌های سفر به افغانستان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۱.
۹۵. قندهاری، طالب حسین، نگاهی به دیروز و امروز افغانستان، ایران، پیوند، چ ۱، ۱۳۶۲.
۹۶. قمی، شیخ عباس، ترجمه نفس المنهوم، مترجم میرزا ابوالحسن شعرانی، قم، انتشارات هجرت، چ ۱، ۱۳۸۱.
۹۷. گروهی از نویسندگان، تمدن ایرانی، ترجمه عیسی بهنام، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ ۱، بی تا (مسأله هزاره‌جات)
۹۸. گروهی، افغانستان در سه دهه اخیر، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، چ ۱، ۱۳۸۱.
۹۹. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس، غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، انتشارات، چ ۱۴، ۱۳۸۲.
۱۰۰. کاتب هزاره، فیض محمّد، نژاد نامه افغان، تصحیح و تعلیقه کاج کاظم یزدانی، به سعی عذیرالله رحیمی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چ ۱، ۱۳۷۲.
۱۰۱. کریم قوانلو، علی خان، جغرافیای نظامی افغانستان، تهران، نشریات مدارس، چ ۱، ۱۳۰۹.
۱۰۲. لعلی، علیداد، سیری در هزاره‌جات، قم، صحافی احسانی، چ ۱، ۱۳۷۲.
۱۰۳. مصاحب، غلامحسین و گروهی، دائرة المعارف فارسی (ج ۲، بخش دوّم)، تهران، شرکت

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شمارهٔ ۱۸۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط بدان است.

سهامی، چ ۱، ۱۳۷۴.
۱۰۴. معین، محمّد، فرهنگ فارسی معین، ۶ ج، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۸، ۱۳۷۱.
۱۰۵. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ۳ ج، تهران، انتشارات صدرا، چ ۱۱، ۱۳۷۵.
۱۰۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ۱۴، (خدمات متقابل اسلام و ایران)، تهران، انتشارات صدرا، چ ۷، ۱۳۸۲.
۱۰۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۱۹ (زن)، تهران، انتشارات صدرا، چ ۲، ۱۳۷۹.
۱۰۸. منهاج السراج، منهاج الدین عثمان، طبقات ناصری، ۲ ج، با تعلیقه عبدالحی حبیبی، کابل، دانشگاه کابل، چ ۲، ۱۳۴۲.
۱۰۹. موسیوگودار، خانم گودارو هاکن، آثار عتیقه در هزارستان، احمد علی خان، قم، اسماعیلیان، چ ۱، ۱۳۷۲.
۱۱۰. مجمع فرهنگی رسالت، متن قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، قم، مجمع، چ ۱، ۱۳۸۳.
۱۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، توضیح المسائل، قم، مدرسه امیر المؤمنین، چ ۲۷، ۱۳۷۸.
۱۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، جلوه حق - بحثی پیرامون صوفیگری در گذشته و حال، مقدمه و پاورقی داود الهامی، قم، انتشارات نسل جوان، چ ۱، (برای ناشر)، ۱۳۸۴.
۱۱۳. مایل هروی، نجیب، تاریخ و زبان در افغانستان، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی، چ ۱، ۱۳۶۲.
۱۱۴. موحدی، سید حسین، زیارت نامه گل سرخ - مجموعه شعر، قم، مجمع ذخائر اسلام، چ ۱، ۱۳۷۷.
۱۱۵. مقدسی، ابو عبدالله، محمّد بن احمد، احسن التقاسم فی معرفته الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چ ۱، ۱۳۶۱.
۱۱۶. متیلند، پی. جی، هزاره‌ها و هزارستان، مترجم محمّد اکرم گزابی، پاورقی مقدمه حاج کاظم یزدانی، قم، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، چ ۱، ۱۳۷۶ ش.
۱۱۷. مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۴،

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)، فراهم شده و آنتفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱۳۸۱.

۱۱۸. میرداماد، سید باقر آیت. نوروز چه روزیست؟ یا نوروز از دیدگاه اسلام، تهران، انتشارات میرداماد، چ ۳، ۱۳۷۶.

۱۱۹. مزاری، عبدالعلی. احیای هویت - مجموعه سخنرانیهای استاد مزاری، تهیه مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان. قم، انتشارات سراج، چ ۱، ۱۳۷۴.

۱۲۰. مجلسی، محمّد باقر، حلیة المتقین، قم، انتشارات عصر، چ ۲، ۱۳۸۳.

۱۲۱. موسوی، سید عسکر، هزاره‌های افغانستان، اسدالله شفایی. تهران، ا.م.ف. هنری نقش سیمرغ، چ ۱، ۱۳۷۹.

۱۲۲. نرشخی، ابوبکر (۳۴۸ - ۲۸۶ ق)، تاریخ بخارا، ترجمهٔ ابو نصر قبادی، تلخیص محمّد بن زفر، تصحیح و تعلیقه سید محمّد تقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات توس، چ ۲، ۱۳۶۸.

۱۲۳. نیکلاس و دیگران. فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان. تهران، انتشارات چاپخش، چ ۲، ۱۳۷۰.

۱۲۴. نائل، حسین. سایه‌های روشنایی از وضع جامعه هزاره، قم، انتشارات اسماعیلیان، چ ۱، ۱۳۷۲.

۱۲۵. ناصر خسرو، حمیدالدین (م ۴۴۰ ق)، دیوان ناصر خسرو. تصحیح مجتبی مینوی و علی اکبر دهخدا، مقدمه حسن تقی زاده، تهران، دنیای کتاب، چ ۱، بی تا.

۱۲۶. نقیب زاده، احمد، در آمدی بر جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات سمت، چ ۱، ۱۳۸۱.

۱۲۷. نوری، میرزا حسین، لؤلؤ و مرجان - در شرایط پله اوّل و دوّم منبر و روضه خوان، تحقیق و ویرایش حسین استاد ولی، تهران، دار الکتاب الاسلامیه، چ ۱، ۱۳۷۵.

۱۲۸. ووالله، انکشاف ولایات مرکزی (هزاره‌جات)، ترجمه محمّد عثم رشنو، قم، صحافی عبدالخالق هزاره، چ ۱، ۱۳۷۱.

۱۲۹. فهمی، هویدی. افغانستان سقف جهان، ترجمه سرور دانش. قم، مرکز بررسیهای اسلامی، چ ۱، ۱۳۶۴.

۱۳۰. وحید خراسانی. شیخ حسین، توضیح المسائل، قم، مدرسه باقر العلوم، چ ۵، ۱۳۸۲.

۱۳۱. ویل دورانت. تاریخ تمدن - مشرق زمین کتاب اوّل، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات اقبال،

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۵۳۹۵/۹/۶ . از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوطه تنظیم است

چ ۲، ۱۳۴۳.

۱۳۲. یزدانی، حسینعلی (حاج کاظم)، پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها، ۲ ج، قم، محمّد امین شریفی، چ ۲، ۱۳۷۲.

ت. مجلات

۱۳۳. [خانم دولت آبادی]، مشکلات زن افغانستانی از بدو تولد تا مرگ، ماهنامه حبل الله (ارگان نشراتی سید جمال الدین، تهران)، سال ۶، شمار ۴۴ - ۴۳، قوس (آذر) ۱۳۶۸.

۱۳۴. بلوک باشی، علی، چهارشنبه سوری، ماهنامه هنر و مردم، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، شماره ۵۳ و ۵۴، اسفند ۱۳۴۵ و فروردین ۱۳۴۶.

۱۳۵. مقدم، محمّد، چهار شنبه سوری، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۳، سال ۵۵، فروردین ۱۳۳۷.

۱۳۶. دولت آبادی، بصیر احمد، تعزیه امام حسین در افغانستان، هفته نامه وحدت، قم، سال ۷، شماره ۲۱۱، ۱۳۷۶/۴/۱۲.

۱۳۷. افشار، ایرج، (مدیر مسؤل)، ماهنامه آینده، سال ۷، شماره ۷، ۱۳۶۰ (مقاله سید محمّد محیط طباطبایی «پی جویی در ریشه کلمه پرزیوان»، تهران.

۱۳۸. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، فصل نامه سراج، شماره‌های ۱ تا ۲۴ تابستان ۸۴، قم، مرکز یاد شده.

ث. گفتگو و مصاحبه

* خادم حسینی، ۳۲ ساله، استان میدان، شهرستان بهسود، حصه دو، ده قلای سید بچه.

* شیخ صفدر علی صابری، ۳۵ ساله، استان بامیان، شهرستان پنجاب، قریه اسپرمیلان.

* قاسم قنبری، ۸۰ ساله، بی سواد، استان دایکندی، شهرستان شهرستان، پیتو، منطقه پولاد.

* تراب علی، ۷۵ ساله، بی سواد، استان غور، شهرستان لعل و سرجنگل، قریه نو قبرستان.

* عبدالله غفاری، ۵۵ ساله، باسواد، استان غور، شهرستان لعل، سرجنگل، قریه چهار آسیاب.

دسترسی به این معرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)، از پایگاه اطلاعات علمی ایران (ویژه) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مرتبط شدنی است.

* حاج شیخ محمّد میرعارفی، ۶۰ ساله، با سواد، استان غور، شهرستان لعل، قریه قربوغی
* شیخ محمّد حسن فهیمی، ۳۳ ساله، باسواد، استان غور، شهرستان لعل و سرجنگل، قریه سیر کشک.
* حیدر انصاری، ۴۵ ساله، سواد خواندن و نوشتن، استان سرپل، شهرستان سنگ چارک، مسجد سبز
* بنیاد اخلاقی، ۴۲ ساله، ۶ کلاس سواد، استان سرپل، شهرستان سنگ چارک، قریه ثبو کند.
* سید حسین حسینی، ۶۰ ساله، سواد خواندن، استان سرپل، امام زاده یحیی (عَلَیهِ السَّلام).
* شیخ موسی حنیمی، ۳۵ ساله، استان بامیان، شهرستان یکاولنگ، سبز دره، قریه راه شب.
* اسماعیل محسنی، ۷۵ ساله، بی سواد، استان کابل، شهر کابل، دشت برچی.
* شیخ محمّد رحمانی، ۳۲ ساله، استان دایکندی، شهرستان کیتی، قریه تمران.
* شیخ شیر علی رضایی، ۳۸ ساله، استان دایکندی، شهرستان کیتی، قریه تمران
* شیخ محمّد حسین مصطفوی، ۳۵ ساله، استان غزنی، شهرستان جغتو، دره جر متو، قریه گل.
* دکتر محمّد جرد صالحی (استاد راهنما) استان غزنی
* استاد بصیر احمد دولت آبادی (نویسنده و محقق و استاد مشاور)، استان مزارشریف، شهرستان چهارکنت، دولت آباد.
* شیخ عبدالاحد فیاض، ۳۴ ساله، استان سمنگان، شهرستان دره صوف، قریه زیرکی
* شیخ سخی داد شجاعی، ۲۷ ساله، استان سرپل، شهرستان بلخاب، منطقه اسپی میدان، قریه رسپیچ.
* آقای کربلایی محمّد علی شریفی، ۳۰ ساله، غور، لعل و سرجنگل، سر جنگل، قریه پیش بند.
* شیخ حیدر شریفی، ۳۸ ساله، غور، لعل و سرجنگل، لعل، قریه جوقل.
* شیخ حاج محسن فضل شکری، ۳۸ ساله، غور، لعل و سر جنگل، لعل، قریه پیش بند.
* سید حیدر حسینی، ۳۲ ساله، غور، لعل و سرجنگل، سر جنگل، قریه کوله شفا بیک.
* سید رضا انوری، ۳۶ ساله، استان وردک، شهرستان، بهسود، منطقه میزه، قریه آجم.
* شیخ محمّد طاهر فقیهی، ۶۰ ساله، استان غزنی، شهرستان جاغوری، منطقه شوغلم.
* شیخ ابراهیم نبوی، ۵۵ ساله، استان غزنی، شهرستان مالستان، قریه داله.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در انبارهٔ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۱۲ در پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط بلامانع است.

- سید حسین علوی، ۴۸ ساله، استان دایکندی، شهرستان بندر، قریه جوزی.
- سید جواد موسوی، ۲۳ ساله، باسواد، استان سرپل، شهرستان سنگ چارک، قریه شوب کند.
- محمّد نظری، ۳۵ ساله، باسواد، استان سرپل، شهرستان سنگ چارک، قریه شوب کند.
- محمّد حسین، ۳۳ ساله، باسواد، استان بامیان، شهرستان یکاولنگ، قریه دهن ترغی.
- عباس اکبری، ۳۲ ساله، باسواد، بامیان، شهرستان ورس، قریه چند دور.
- شیخ کربلایی بصیر، ۳۸ ساله، بامیان، شهرستان ورس.
- سید محمّد شجاعی، ۳۵ ساله، پروان، شهرستان سرخ پارسا، دره لولنج.

* * *

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و حمایت از حقوق پدیدآوران در انها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۲۶ تاریخ ۵۲۹۵/۹/۶ از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک). فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط بدنبال است.